

۱۱

روشده

سازگاری

برای سردبیران و کارشناسان آموزشی، ارتباطات و رسانه

بهار ۱۳۹۶

www.roshdmag.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سالنامه ^{رشد} ۱۱
بهار ۱۳۹۶

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: ناصر نادری

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: سید سعید بدیعی، سید کمال شهابلو، فریبا کیا، محبت‌اله همتی

مدیر داخلی: مانلی نورائی آشتیانی

طراح گرافیک: ایمان اوجیان

ویرایش: بهروز راستانی، کبری محمودی

عکس: رضا بهرامی، اعظم لاریجانی

نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۸۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

وبگاه: www.roshdmag.ir

تلگرام: <http://telegram.me/roshdmag>

اینستاگرام: roshdmag

آرای مندرج در متون، ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان سال‌نامه نیست.

فهرست

یادداشت‌سر دبیر

○ راهی جز این نیست! / ناصر نادری / ۴

پنجره

○ سازمان پژوهش و برنامهریزی آموزشی، دستگاه فکری و تحول آفرین (سخن‌حجت‌الاسلام دکتر محی‌الدین بهرام‌محمدیان) / ۶

○ انتشارات و تکنولوژی در یک دفتر و کنار هم! (سخن‌حجت‌الاسلام ناصر، مدیر مسئول مجلات رشد) / ۱۴

نشست علمی-کاربردی

○ این جهان با همه بزرگی، سایه من است! (گزارش نشست حجاب در مجلات رشد) / ۲۰

○ هدایت تحصیلی و مجلات رشد (گزارش نشست مشاوره و هدایت تحصیلی) / ۴۶

○ قطار دیجیتال به راه افتاده است! (گزارش نشست بازخوانی تجربه‌های مجلات رشد در فضای مجازی) / ۷۸

پرونده (تربیت جنسی در مجلات رشد)

○ هویت جنسی و مجلات رشد (گفت‌و شنودی با دکتر حجت عرفانیان‌پور) / ۲۴۲

○ نهی بیش از حد دعوت است! (گفت‌و شنودی با پروین داعی‌پور) / ۲۴۶

○ تربیت جنسی از نگاهی دیگر (گفت‌و شنودی با دکتر راضیه معصومی) / ۲۵۴

○ آموزش جنسی را از دوران پیش‌دبستانی شروع کنید (گفت‌و شنودی با دکتر افسانه نیک‌راد) / ۲۶۲

○ دین منطبق بر مدار آفرینش است! (گفت‌و شنودی با علی تاج‌دینی) / ۲۶۸

گزارش

○ گام هجدهم؛ پرواز با دو بال (گزارش نشست‌های هجدهمین همایش سالانه دفتر) / ۲۶

○ بهترین عکس‌های تعلیم و تربیت در آلبوم ماست! (گزارش آیین پایانی نهمین دوره جشنواره عکس رشد) / ۵۴

○ جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در خدمت صلح و دوستی (گزارش افتتاحیه چهاردهمین دوره جشنواره فیلم رشد) / ۶۲

○ جهان آینده زیباست (گزارش اختتامیه چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم رشد) / ۸۶

○ باید تدبیری اندیشید! (گزارش آیین پایانی شانزدهمین همایش نمایندگان رشد استان‌ها) / ۹۴

○ برای تولیدات فرهنگی فضا سازی لازم است (گزارش نشست نمایندگان رشد استان تهران) / محسن وزیری‌ثانی / ۱۰۸

○ راه حل‌ها درون مسئله نهفته‌اند! (گزارش آیین رونمایی از کتاب «در تمنای یادگیری») / ۱۱۸

○ سفیران فرهنگی رشد (گزارش شانزدهمین دوره همایش نمایندگان مجلات رشد استان‌ها) / ۱۴۰

○ زبان تأثیرگذار معلم چیست؟ (گزارش نشست نقد و بررسی مجله رشد آموزش ابتدایی) / ۱۵۰

○ گام هفتم در جاده تولید محتوای الکترونیکی رشد (گزارش مراسم اختتامیه جشنواره ملی تولید محتوای الکترونیکی رشد) / ۱۷۰

○ سایبردراماتیک و فیلم آموزشی (گزارش کارگاه آموزشی «گذری بر سایبر دراما») / ۱۷۴

- افزایش اقبال ناشران به تولید آثار استاندارد (گزارش پایانی سیزدهمین جشنواره کتاب رشد) / *سمانه آزاد* / ۱۹۰
- پلی برای ارتباط با مخاطبان (گزارش عملکرد مرکز بررسی آثار در سال ۱۳۹۵) / *معصومه خیرآبادی* / ۱۹۶
- دو روز، دو کارگاه (گزارش کارگاه آموزشی در حاشیه جشنواره بین‌المللی فیلم رشد) / ۲۰۴
- از نقد نمی‌ترسیم! (گزارش نشست گفت‌وگوشود ناشران آموزشی با رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) / ۲۱۰
- آموزش دردنیای جدید (گزارش تولید نرم‌افزارهای آموزشی حوزه تکنولوژی دفتر) / *مهرداد اطالش رضانی* / ۲۱۸
- شیوه‌های نو و خلاق در کتاب‌های دینی / (گزارش دیدار کارشناسان دفتر ناشران و نویسندگان کودک و نوجوان قم) / *بهر روز رضایی* / ۲۲۰
- کلید دانش، خواندن است (گزارش هم‌اندیشی مدیران و سردبیران با نمایندگان مجلات رشد استان‌های یزد و بوشهر) / *محمد دشتی* / ۲۲۸

مقاله

- مجلات رشد و ارتقای سطح خواندن / *سید کمال شهابلو* / ۳۸
- یک اتفاق بزرگ! (مروری بر تجربه انتشار مجله‌های رشد روشن ویژه دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا) / *محبت‌اله همتی* / ۷۰
- عدالت‌سازمانی و عملکرد کارکنان / *مانلی نورائی آشتیانی* / ۱۰۰
- طرح بسته آموزشی برفراز آسمان (نگاهی به برنامه‌های درسی نوگاشت، برای هنرآموزان پایه دهم فنی‌وحرفه‌ای و پایه دهم نظری) / *وحید گلستان* / ۱۳۴
- طبقه‌بندی سنی مجله‌های کودک در دنیا / *نیره شاه‌محمدی، ندا کلکنه‌چی* / ۱۵۸
- زیبایی‌شناسی تصویری در مجلات رشد / *جمال‌الدین اکرمی* / ۱۷۸
- ارزیابی با شاقول برنامه درسی (معیارهای ارزیابی کتاب‌های آموزشی حوزه کار و فناوری) / *معصومه نوروزی* / ۱۹۸

یادمان

- ۱۰۰ شماره در ۲۸ سال (گزارش مراسم نکوداشت انتشار یکصدمین فصل‌نامه رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی) / ۲۷۶
- ۱۰۰ ایستگاه در ۲۶ سال (ویژه‌نامه انتشار صدمین شماره مجله رشد برهان ریاضی متوسطه ۲) / ۲۸۲

تازه‌ها

- تولیدات ۱۳۹۵ / ۲۹۴

کارنامه رشد

- روزشمار ۱۳۹۵ / ۳۰۰



اجتماعی و بیرونی آنان کشف شود و مهندسی مفهومی و عملیاتی برنامه‌ریزی و تولید مجلات رشد در همهٔ مراحل «نیازسنجی»، «طراحی ساختار محتوایی» و «آفرینش متنی و تصویری»، بر مبنای شاخص‌های دقیق جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و زیبایی‌شناسانه، با رعایت اصول مدیریت حرفه‌ای و روزآمد رسانه‌ای، و پایبندی به اصول، مبانی و رویکردهای محتوایی آموزش و پرورش صورت پذیرد.

به راستی اگر مخاطبان مجلات رشد دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های حرفه‌ای خود را در محتوای آن نیابند، به آن احساس تعلق خواهند داشت؟ آیا اگر مجلات رشد با واقعیت‌های مثبت و منفی دنیای شتابزدهٔ رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی بیگانه باشند، چشمان خود را روی فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های آموزش و پرورش ببندند و چالش‌ها، تنگناها و انتظارات شغلی مخاطبان بزرگ‌سال خود (مدیران، معلمان، مربیان، مشاوران، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، کارشناسان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش، والدین و ...) را به رسمیت نشناسند، مختصات ذهنی و زبانی مخاطبان و دانش‌آموزان خود را در نظر نداشته باشند، به رسانه‌هایی خنثا و ناکارآمد تبدیل نخواهند شد؟ باید واقعیت‌های زمانه را جدی گرفت!

مسیر تعالی مجلات رشد ناگزیر باید بر مدار «تگرش علمی به پدیده‌های آموزش و پرورش، رسانه و مخاطب‌شناسی»، «مدیریت تولید نشریات رشد با سنجه‌های حرفه‌ای در همهٔ مراحل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، اجرا، کنترل و نظارت، بازخورد سنجی از مخاطبان و اصلاح ورودی‌ها» و «حاکمیت روابط اخلاقی و اعتماد آفرین با پدیدآورندگان و مخاطبان و ...» بچرخد. بی‌تردید، برنامه‌ریزان و تولیدکنندگان مجلات رشد باید واقعیت‌هایی همچون «پدیدهٔ جهانی شدن»، «سیطره و حضور پررنگ رسانه‌های مجازی در حوزهٔ فرهنگ و زبان»،

راهی جز این نیست!

مجلات رشد و تحولات زمانه

هر رسانه‌ای با هدف جلب رضایت مخاطبان خود منتشر می‌شود و بدیهی است میزان رضایتمندی مخاطبان، در سه لایهٔ شناختی، عاطفی و رفتاری بروز می‌کند. به عبارت دیگر، رسانه باید انگاره و اندیشه‌ای نو عرضه کند، در بچه‌های مفید در ذهن مخاطب بگشاید، حس عاطفی مثبت و احساس شگفت‌انگیزی در درون او برانگیزد، و یا انگیزهٔ انجام عملی یا پرهیز از آن را در الگوی رفتاری او پدید آورد. در این سه حالت است که رضایتمندی در وجود مخاطب به شکل کامل به وجود می‌آید و گویی او گمشده‌اش را می‌یابد.

مجلات رشد با پیشینهٔ بیش از نیم قرن تجربهٔ رسانه‌ای، ناگزیر از تجزیه و تحلیل دنیای ذهن و کند و کاو در زبان مخاطبان، درک عمیق شرایط محیطی و واقعیت‌های پیدا و ناپیدا، شناخت ظرایف آرزوها و رویاها، شادی‌ها و تلخی‌های درونی و ذائقه‌ها و محرک‌های آنان است. راهی جز این نیست که دنیای درونی مخاطبان و دنیای

«بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و به مخاطره افتادن هویت ملی، دینی و انقلابی»، «انتظارات و توقعات جامعه بر اساس محتوای اسناد تحولی آموزش و پرورش» و ... توجه جدی داشته باشند.

سال‌نامه رشد می‌کوشد، ضمن ثبت تجربه‌ها (مستندنگاری)، به گونه‌ای فعالیت‌های «تولید رسانه» و «مدیریت رسانه» در **دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی** را بازتاب دهد. نقش این دفتر، بهبود کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری و تولید بخشی از اجزای بسته آموزشی است که مهم‌ترین وظیفه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به شمار می‌رود. حوزه تولید رسانه‌های دفتر عمدتاً ناظر بر تولید رسانه‌های نوشتاری (۳۰ عنوان مجلات رشد با شمارگان ۴۰ میلیون نسخه در سال، مجموعه فهرستگان رشد، ویژه‌نامه‌های جشنواره‌های عکس رشد، و کتاب‌های آموزشی و تربیتی) و رسانه‌های غیرنوشتاری (عکس، فیلم، نرم‌افزار و ...) است.

در این حوزه، سه رویکرد «هدایت»، «حمایت» و «تشویق» به شکل‌های گوناگون تبلور می‌یابند که نمونه‌های بارز آن‌ها را می‌توان جشنواره‌های عکس رشد، فیلم رشد، کتاب رشد و تولید محتوای الکترونیکی دانست. دست‌اندرکاران سال‌نامه رشد از نظرات سازنده مخاطبان استقبال می‌کنند.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دستگاه فکری و تحول آفرین

سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
در هجدهمین همایش سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

نقد تند شود. اینجا هم قصد اهانت نیست، بلکه لازمه گفت‌وگوی مدیریتی و علمی و یا بحث انتقادی همین است. اگر می‌بینید برخی از توقعات من بالا رفته، به جهت افزایش قابلیت‌های دفتر و همکاران عزیز است. یقیناً ما از یک کودک شش ساله هرگز انتظار دویدن در یک مسابقه بزرگ را نداریم، ولی از یک ورزشکار با استعداد حتماً انتظار داریم که خوب بدود و حتی برنده مسابقه هم بشود.

ماه رجب، ماه دعا و نزول رحمت

عرضم را مثل همیشه به مناسبت این روزها که در آن هستیم، ادامه می‌دهم. نخست چند جمله‌ای می‌گویم تا وظیفه طلبگی خودم را ادا کرده باشم. ماه رجب است، ماه دعا و ماه نزول رحمت و برکت است. در این ماه مناسبت‌های بسیار خجسته‌ای وجود دارند که بخشی از آن را پشت سر گذاشتیم؛ مثل میلاد امام باقر و امام جواد (ع).

خداوند را شکر می‌کنم که به من توفیق داد، در جمع همکاران عزیزم حاضر شوم. بهترین درودها و سلام‌های خودمان را تقدیم می‌کنیم به روح بلند و ملکوتی امام‌راحل. یاد و نام شهیدان را گرامی می‌داریم و برای مقام معظم رهبری، همان که امروز میراث‌دار شهیدان و قوام بخش راه امام است، آرزوی عمر طولانی و صحت داریم. ما هر چه داریم از التفات و نظر آن، به قول حافظ، «یار غایب از نظر» است که به ما توجه دارد و همه ما روزی خوار او هستیم؛ یعنی نعمت وجود امام غایب، حضرت حجت (عج). پس او را سلام می‌دهیم و می‌گوییم: «السلام علی المهدی، الذی وعدالله به الامم أن یجمع به الکلم و ینم به الشعث و یملاً به الارض عدلاً و قسطاً و ینجز به وعد المومنین».

تشرک می‌کنم از همه همکاران، که این مجلس را فراهم آوردند. البته عرایض من گاهی شاید جنبه مزاح داشته باشد، ولی قصد جسارت نیست. گاهی شاید صدایم به



بگیرد. این ماه را ماه اصابت رحمت دانسته‌اند. بزرگان، اهل دل و اهل کمال گفته‌اند اگر کسی به جایی رسید، از رجب رسید. مرحوم **حجت‌الاسلام شفتی** فرموده است: هر کس به جایی رسید، از سکوی رجب رسیده است. در نیمه‌های شب رجب یک نیایش و دو رکعت نماز می‌تواند انسان را خیلی موفق بدارد. در تعبیر خود من رجب «ماه کیسه‌کشی» است! یعنی ماه خاص تمیز شدن و پاک و تزکیه شدن. کیسه‌کشی ایام عبادی سال، ماه رجب است. انسان می‌تواند استغفار کند و تمیز شود. ماه شعبان ماه تزئین و آراستگی است.

یکی از موارد دیگر این ماه، ولادت خجسته حضرت امیر است که نانوشته و ناخواسته و غیررسمی خودش را تحمیل کرده بر ما به عنوان روز پدر. لابد می‌دانید که در مورد ولادت **حضرت زهرا**، «شورای عالی انقلاب فرهنگی» مصوبه داده است که روز زن این روز باشد. اما روز پدر به تصویب نرسیده است و مردم خودشان این روز را روز پدر دانسته‌اند. معلوم شد که اقبال عمومی می‌تواند چیزی را قالب کند. انصافاً هم ولادت حضرت امیر می‌تواند الهام‌بخش همین معنا باشد؛ به‌خصوص، با توجه به این فرمایشی که حضرت رسول دارد: «انا و علیّ ابوا هذه الامه»؛ یعنی «من و علی دو پدر این امت هستیم».

برای اینکه من منتقل شوم به این جلسه، جمله‌ای از کلمات نورانی حضرت امیر (ع) را عرض می‌کنم و سپس وارد بحث می‌شوم. حضرت امیر (ع) در نامه‌ای در نهج‌البلاغه خطاب به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «عینونی یورع و اجتهاد و عفت و سداد». این البته انتقادی است که از کارگزار خود می‌کند. آن کارگزار فرماندار بصره بوده که به یک مهمانی دعوت شده است و بدون آنکه اطراف این دعوت را بسنجد، بدون تأنی می‌رود. کارگزاران مخفی اطلاعاتی امام هم به ایشان گزارش می‌دهند که فرماندار بصره به فلان عروسی

برخی از روزهای مبارک را هم پیش رو داریم: ولادت خجسته **حضرت امیر (ع)** و مبعث انسان‌ساز و تمدن‌ساز پیامبر بزرگ اسلام که صلوات خدا بر او و خاندان پاک او باد. ماه رجب علاوه بر این مناسبت‌ها و زینت‌هایی که در خود دارد، خودش هم یک مناسبت است. ماه رجب در فرهنگ دینی ما، مخصوصاً در آیین ابراهیمی، از ماه‌هایی است که حرمت دارد و عرب جاهلی هم این حرمت را، به احترامی که حضرت ابراهیم بر این ماه و سه ماه دیگر نهاده، رعایت می‌کرده است.

ماه‌های حرام حرمت و احترام ویژه دارند. در برخی از روایت‌ها داریم که در این ماه‌ها فرصت و شرایط بسیار مهیاست برای ایجاد ارتباط با خداوند متعال. این ماه را ماه مغفرت، ماه استغفار و ماه بخشش نام نهاده‌اند. ماه مغفرت گفته‌اند به این معنا که انسان تحت پوششی قرار می‌گیرد که تیرهای زهرآگین گناه بر او اثر نکند و شفا



مبنای کارهای ما در سازمان پژوهش باید این باشد که باور کنیم سازمان یک دستگاه فکری و تحول آفرین در مجموعه تعلیم و تربیت کشور است. نقش سازمان پژوهش در آموزش و پرورش نقش کم نظیری است

پاکدامنی، سفیدی، عقیف بودن یعنی الگو بودن، یعنی نه تنها از حرام و خلاف شرع اجتناب کردن، بلکه از خلاف شأن هم اجتناب کردن.

چهارمین مورد «سداد» است. پرکاری کنید، اما پرکاری تان به نیک کاری منجر شود. باید نیک و محکم عمل کنید. سداد یعنی کار محکم. اجتهاد باید همراه با سداد باشد. اگر زیاد دویدن همراه با سداد نباشد، اتلاف منابع است. ما اگر می خواهیم امیرالمؤمنین

را یاری کنیم باید ورع، اجتهاد، عفت و سداد داشته باشیم. اگر این کار را کردیم، از فیض رجب، شعبان و رمضان بهره مند خواهیم شد.

من این چند نکته را هم عرض می کنم: اولاً این سال نامه رشد را که دفتر چاپ کرده است، ورقی بزنید. ما در سال گذشته چند جشنواره برگزار کردیم. آن حرفها را مرور کنیم. من حرفهای خودم و فرمایشات دوستان را خواندم. بعضی از آنها هنوز هم تازگی دارد. به قول خواجه شیراز: یک نکته بیش نیست غم عشق وین عجب کز هر زبان که می شنوم نامکرر است

سازمان، یک دستگاه فکری و تحول آفرین

من مصاحبه های خودم را که مرور می کردم، دیدم بعضی از حرفهایی که زده ام در همه مجلات هست. یک توصیه هم عموماً عرض می کنم و آن این است که مبنای کارهای ما در سازمان پژوهش باید این باشد که باور کنیم سازمان یک دستگاه فکری و تحول آفرین در مجموعه تعلیم و تربیت کشور است. نقش سازمان پژوهش در آموزش و پرورش نقش کم نظیری است. من خودم و شما را ثروتمندترین آدمها در کشور می دانم. ثروتمند کسی است که افکار مردم

رفت و وضع آن عروسی را شرح می دهند. حضرت هم نامه تندی به او می نویسد و در جایی از آن می فرماید: شما باید الگویتان من باشم. امام شما که من هستم، در زندگی دنیوی اش به دو لباس، و در طعام خود به دو قرص نان روزانه اکتفا کرده است. بعد می فرماید می دانم که شما قادر به این کار نیستید، اما: «عینونی پورع و اجتهاد و عفت و سداد»؛ یعنی مرا کمک کنید با پرهیزگاری و آلوده نشدن به حرامها.

در یک جامعه سالم اخلاقی، حاکمیت در راحتی است. اگر جامعه آلوده باشد، حکومت و ارکان نظام حاکم هم دچار گرفتاری می شوند. ورع به معنای پرهیز است؛ پرهیز از گناه و آلودگی. بهترین کارها هم همین است. گناهها هم نسبت به آدمها متفاوت است. «حسناات الابرار سیئات المقربین». شاید چیزی برای دانش آموز حسن باشد و برای استاد قبح. قباح و زشتی گناه دارای مراتبی است. بنده اگر مثلاً صد هزار تومان انفاق کنم، می گویند آقای محمدیان خیلی دست و دل باز است. اما یک نفر اگر تاجر باشد، برای او زشت است که این مقدار کمک کند. برای من حسن است و برای او زشت. اینها همه مهم است. خطا کردن برای همه نیست. پس اولین کار «ورع» است؛ یعنی پرهیز از حرام.

حضرت فرمود دومین کمکی که می توانید به من کنید این است که «اجتهاد» داشته باشید. اجتهاد یعنی نهایت فکر و تلاش را به کار بستن. مجتهد کسی نیست که لغت نامه را باز کند و معنای لغت را از آن بیابد. بسیاری از آدمهایی که امروز مقاله می نویسند، از ویکی پدیا استفاده می کنند. در خیلی کارهای دیگر هم همین طور است. سومین نکته که حضرت فرمود، «عفت» است. عفت یعنی



دستش باشد. وقتی شما در این سازمان برای ۱۳ میلیون دانش آموز، ۱۳۰ میلیون نسخه کتاب و ۴۰ میلیون مجله تولید می کنید و دانش می پراکنید، آیا ثروتمندترین آدم نیستید؟ ما دانش تولید و توزیع می کنیم و نقش بی بدیلی داریم. اینها را باید باور داشته باشیم.

وظیفه ما به عنوان این دستگاه، دمیدن روح دینی، علمی و ملی در مخاطبان است. ما وظیفه داریم که این روح را در نسل آینده بدمیم و به خودمان هویت دینی، ملی، انقلابی و علمی بدهیم.

این لایه های هویتی در دانش آموز ما باید بارور شود و توسعه پیدا کند. باید گرایش های آنها را نسبت به دیانت، ملیت

و انقلاب ارتقا دهیم. مجموعه تلاش های ما باید به این ثمره منجر شود. صیانت فکری نسل آینده و آشنایی با اهداف انقلاب و آرمان های امام باید جزء لاینفک فعالیت های ما باشد. ما هر سلیقه ای که داریم، بر سفره جمهوری اسلامی نشسته ایم. لذا باید در برابر همه ها و تهدیدها نسل جوان را صیانت کنیم.

نسل آینده ما باید به ایرانی بودن خود افتخار کند. به مسلمان بودن خود مفتخر باشد؛ به انقلابی بودن خودش ببالد. به اینکه دانش آموز است و می آموزد، علاقه مند باشد. این را باید مجموعه کارکنان سازمان پژوهش و وظیفه خود بدانند.

اعمال سلیقه فردی جایز نیست

حرف دیگر من این است که اعمال سلیقه فردی جایز نیست. آدم فرهنگی باید رنگ نپذیرد و مارک نخورد. ما فرزند برهانییم. اگر حرفی مبتنی بر برهان باشد، قبول می کنیم.

مجلات باید مخاطب خود را تعیین کنند. تفاوت مجلات معلم با دانش آموز چیست؟ یکی از چیزهایی که در مجلات معلمان باید به آن توجه کنیم، این است که با توجه به الگوی برنامه درسی ملی تغییرات را اعمال کنیم. در برنامه درسی ملی، معلم انتقال دهنده مطلب نیست، نقش تولیدکننده محتوا را دارد

کوه های بلند دره های عمیقی دارند. لذا گروه گرایی در یک مسئولیت اجتماعی ملی و فراملی جایز نیست. ما در مجله، کتاب درسی و کار گروهی نباید به هم نان قرض بدهیم. چون نان برای ما نیست که بخواهیم قرض بدهیم. مطلب بعدی این است که در مجلات، یعنی مهم ترین تولیدات سازمان، لازم است به اصولی که عرض می کنم توجه کنید. به اعتقاد من همه اعتقادات یک ملت در آموزش و پرورش متجلی می شود. آموزش و پرورش ترجمان اصول اسلام، ایران و انقلاب است. بچه های ما چنان که ما آرزو می کنیم بزرگ نمی شوند، بلکه چنان که ما زندگی می کنیم بزرگ می شوند. توجه کنیم که خوب زندگی کنیم. بچه ها باید حداقل بدانند که والدینشان، معلمشان و استادهايشان آرزو دارند که این چنین باشند.

ما برای بچه هایمان نمی نویسیم. برای ساختن آینده می نویسیم. نه اینکه می نویسیم برای حق التألیف! تألیفات سازمان باید مقید به اهداف تعلیم و تربیت و برنامه درسی باشند. آنچه که ما الان در آن قرار گرفته ایم، گفتمان غالب ماست. ما باید در مجموعه سازمان پژوهش به این گفتمان غالب توجه کنیم و آن، «تحول» است. وضع آموزش و پرورش ما رو به بهبود است، اما بهینه نیست. فلذا نباید قصه های گذشته را ساز کنیم. بعضی از مدیران و کارشناسان قصه های گذشته را دوباره بازگو می کنند. فکر و اندیشه تولید نمی کنند و جریان جدید نمی سازند. ما باید جریان جدید بسازیم؛ البته ذیل اصولی که داریم. مضامین، مفاهیم، روش ها، منش ها، کنش ها، همه باید رو به تحول باشند. من هر مجله ای که به دستم می رسد، به دقت ورق



ما وظیفه داریم که
این روح را در نسل
آینده بدمیم و به
خودمان هویت دینی،
ملی، انقلابی و علمی
بدهیم. این لایه‌های
هویتی در دانش‌آموز
ما باید بارور شود و
توسعه پیدا کند. باید
گرایش‌های آن‌ها را
نسبت به دیانت، ملیت
و انقلاب ارتقا دهیم

را دارد. معلم یعنی «راهبر آموزشی» و «الگوی تربیتی» کلاس. ما فضاهای متنوع آموزشی را در برنامه درسی ملی پیش‌بینی کرده‌ایم. دانش‌آموز گاهی نیاز دارد بیرون از کلاس یاد بگیرد. معلم باید جرئت، جسارت و اختیار این کار را داشته باشد. معلم باید برای اداره کلاس توانمند باشد.

همه ما می‌گوییم امکانات بدهید تا کار کنیم، درحالی‌که مدیر تحول‌گرا امکانات خلق می‌کند، نه اینکه اسیر محدودیت‌ها شود. محدودیت‌ها نباید مانع پرواز ما باشد؛ البته به شرطی که برنامه مطابق با واقع داشته باشیم، نه رویا و خیال. وهم با عقل تفاوت دارد. بعضی‌ها در اوهام به سر می‌برند. تعقل و توهم یکی نیست، همچنان‌که عشق و هوس یکی نیست. عشق عقلانیت محض است و هوس غریزه محض. غریزه تمام می‌شود، اما فطرت همیشه باقی است. لذا زندگی‌های مبتنی بر عشق بارور و متعالی هستند و عشق‌های مبتنی بر هوس رو به افول و خاموشی دارند. اگر هم می‌ماند اجباری می‌ماند.

رهبران پیشرو

نکته دیگر این است که اگر بخواهیم به این کمال برسیم، باید رهبران پیشرو داشته باشیم. شوراهای سردبیری و شوراهای تحریریه شما باید کمی جلوتر از زمان حرکت کنند. باید خودترمیمی داشته باشید. مثل دیروز فکر نکنید. کمی تغییر کنید. از دکور گرفته تا فرم گرفته تا محتوا.

پاتولوژیست‌ها می‌گویند درمان خوب مبتنی بر آسیب‌شناسی است. ما باید آسیب‌شناسی کنیم. باید از مخاطب‌ها بازخورد بگیریم. نکته دیگر این است که من در

می‌زنم. ما باید خودمان درباره مجموعه فکر کنیم. «شورای دفتر» باید مجلات را هم‌گرا کند و خودش هم ناظر باشد که ببیند این اصول اتفاق می‌افتد یا نه.

نکته دیگر این است که مطالب مجله‌ها باید متقن، محکم و دارای اعتبار باشند. این در مورد کتاب درسی هم با ضریب بیشتری صدق می‌کند. یکی از توصیه‌هایی که مقام معظم رهبری چند سال قبل به ما کردند، این بود که کتاب درسی باید دارای اعتبار علمی بالایی باشد. سخیف‌نویسی نباید باشد. در گونه‌ها و ژانرهای متفاوت ادبی باید

مواظب باشیم. مطالب باید تولیدی، بدیع و نوآورانه باشند. مطلب وام‌گرفته از دیگران، تکراری، ترجمه‌ای و کپی شده شایسته تولیدات سازمان نیست. این موضوع کمابیش بین ما هنوز وجود دارد. باید سهم قائل شویم برای تولید و ترجمه. من شخصاً انسان مغروری نیستم، اما غرور سازمانی دارم. من اجازه نمی‌دهم کسی به سازمان پژوهش توهین کند. از این طرف هم دوست ندارم ایرادی در کار باشد. اگر تولید نظریه نمی‌کنیم، نقد و داوری کنیم. چشم‌پسته نظریه‌های مختلف را ترجمه نکنیم.

مجلات باید مخاطب خود را تعیین کنند

حرف دیگرم این است که مطالبی را مطرح کنیم که دارای اولویت هستند. ما برای مخاطب می‌نویسیم. مجلات باید مخاطب خود را تعیین کنند. تفاوت مجلات معلم با دانش‌آموز چیست؟ یکی از چیزهایی که در مجلات معلمان باید به آن توجه کنیم، این است که با توجه به الگوی برنامه درسی ملی تغییرات را اعمال کنیم. در برنامه درسی ملی، معلم انتقال‌دهنده مطلب نیست، نقش تولیدکننده محتوا



اما مجله‌ها نباید این‌گونه باشند. مجله‌ها برای کل ایران‌اند. ما در کتاب درسی محدودیت داریم و شما باید برخی از این محدودیت‌ها را توسعه دهید. یکی از فکری که من دارم این است که زبان‌های اقوام گوناگون ایرانی را آموزش دهیم. این‌ها باید با هم داد و ستد داشته باشند. مجله برای تقویت هویت ملی و اسلامی ماست. باید به زبان اقوام حرمت بگذاریم و زبان فارسی را به رسمیت بشناسیم. پس کتاب‌های درسی اگر پایتخت‌زده هستند، مجلات باید ایرانی باشند.

مجلات از تکرار اسم مؤلفان و نویسندگان ناراحت می‌شوم. این امر با اصل نوآوری و تولید مغایرت دارد. تولیدات علمی مجله باید متنوع باشند. به این موضوع توجه کنید. همچنین، بعضی از مصاحبه‌ها سست‌اند و اولویت ندارند. عموماً زبان فارسی برای ما میراث است. در نوشتن زبان فارسی دقت کنیم، مخصوصاً در برگردان‌ها و برابر نهادهای زبان فارسی.

نکته دیگر زیبانویسی و رعایت رسم الخط مصوب فرهنگستان است. نکته دیگر تفاوت شما با کتاب‌های درسی در این زمینه است. کتاب‌های درسی دچار پایتخت‌زدگی هستند،



انتشارات مدرسه و سامان بخشی

یکی هم فرصت «انتشارات مدرسه» و «سامان بخشی کتاب» است. مجلات باید از فرصت استفاده کنند و به این امر کمک کنند. مجلات می‌توانند گزینه‌های بهترشان را که تاریخ مصرف ندارند، به کتاب تبدیل کنند. انتشارات مدرسه باید از یک طرف تولیدات ماندگار مجلات را کتاب کند و از طرف دیگر سفارش سامان بخشی و مجلات را مورد توجه قرار دهد. مجلات علوم پایه ما

مجله برای تقویت هویت ملی و اسلامی ماست. باید به زبان اقوام حرمت بگذاریم و زبان فارسی را به رسمیت بشناسیم. پس کتاب‌های درسی اگر پایتخت زده هستند، مجلات باید ایرانی باشند

دانش‌آموزان است. ببینید چقدر خانواده‌ها آن را مطالعه می‌کنند.

تولید فرهنگی و بازار مصرف

در پایان سه مطلب مهم دیگر را مطرح می‌کنم: یکی بحث تولید مجله در حد نصاب است. همان‌طور که تولید فرهنگی می‌کنیم، باید بازار مصرف را هم ایجاد کنیم. تعداد ۱۰ هزار مجله برای یک پایه امر معقولی نیست. ما باید هدف‌گذاری کنیم به تعداد یک دهم

مخاطبان.

نکته دوم توجه به جوهر مجلات است. یکی از بحث‌های جوهری مجله بحث «اقتصاد مقاومتی» است. اقتصاد مقاومتی امر مهمی برای ماست. دانش‌آموز در سبد هزینه خانوار اثرگذار است. بخشی از هزینه‌های ما تابع مد شده است. این نگرش باید اصلاح شود. توجه به مارک در بچه‌ها زیاد است. بخشی از هزینه‌های خانوار برای مارک می‌رود. این موضوع هم باید اصلاح شود. ما باید برای اصلاح مواضع غلط، روش‌های بهینه انتخاب کنیم. مهم‌تر از این موضوع، «هویت انقلابی» است که همه باید به آن توجه داشته باشیم.

عموماً مجلات خوبی هستند. من تشکر می‌کنم. ما به دنبال تقویت مبانی دینی هستیم. علوم باید مبانی دینی را تقویت کنند. جنس این مجلات قوی است. ویرایش خوبی دارند. نکته دیگر در حوزه ادبیات و هنر است. در این حوزه می‌کوشیم که بحث‌های ادبی و هنری ما واجد هویت و ارزش‌های ملی و دینی ما باشند. برخی از مجلات این ویژگی را دارند و بعضی ندارند. مجله، ژورنال است و باید به مناسبت‌ها توجه کند. گاهی به مناسبت‌ها توجه نمی‌شود. البته برخی از مجلات دانش‌آموزی این کار را کرده‌اند. برخی از مجلات از نظر مخاطب دارای ایهام هستند. مخاطب مجله رشد آموزش مشاور مدرسه، مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی و مجله رشد مدرسه فردا کیست؟ موضوعشان چیست؟ من هنوز هم در مدیریت مدرسه و مدرسه فردا تردید دارم. نظر مخاطب را در این مورد جویا شوید. من الان حکمی نمی‌کنم، اما تردید خودم را به شما اعلام می‌کنم.

مجله نباید تریبون تبلیغ باشد، بلکه باید منبر تبیین باشد. از بعضی از مجلات تشکر می‌کنم؛ مثل مجله رشد آموزش فیزیک. آیا خانواده‌ها مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی را می‌خوانند؟ ببینید وزن آن چقدر است. این مجله درباره





انتشارات و تکنولوژی در يك دفتر و کنار هم!

سخنان محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
در افتتاحیه همایش سالانه دفتر

دریای عظیم نهج البلاغه
من سعی کردم از نهج البلاغه حضرت امیر (ع)
قطعه‌ای را انتخاب کنم. در مقدمه کتاب «سیری در
نهج البلاغه»، استاد مطهری خیلی صمیمانه از زندگی
شخصی خود شروع می‌کنند. می‌گویند خیلی اوقات
آدم با افرادی در ارتباط است که آن‌ها را نمی‌شناسد. تا
اینکه در نشست یا سفری با آن‌ها بیشتر مواجه و متوجه
می‌شود که آدم مقابلش چه دریای عظیمی بوده است.
سپس توضیح می‌دهد که امثال من که طلبه‌های حوزه
علمیه هستیم، شناختمان نسبت به نهج البلاغه عمدتاً
مانند شناخت آدم‌هایی است که با هم سلام و علیک
دارند. توضیح می‌دهند که ما معمولاً از نهج البلاغه چند
خطبه معروف را ممکن است شنیده باشیم. اما مواجهه
من با نهج البلاغه در سفری بود که به اصفهان داشتم و
دوستی مرا با یکی از بزرگان که میرزا علی شیرازی

بنا به رویه هر ساله، همایش سالانه «دفتر انتشارات
و تکنولوژی آموزشی» در آخرین روز فروردین
۱۳۹۵ در «مجمع رشد» در تنکابن برگزار شد.
در مراسم افتتاحیه این همایش، محمد ناصری،
مدیر کل دفتر به ایراد سخن پرداخت. آنچه در پی
می‌آید مشروح سخنان وی است.

سلام عرض می‌کنم خدمت همه استادان و دوستان
عزیزم. خدا را شکر می‌کنم که دوباره توفیق داد تا در
هجدهمین دوره شما را از نزدیک زیارت کنیم و درباره
مسائلی که مربوط به آموزش و پرورش است و به عهده
ما گذاشته شده بیشتر با هم گفت‌وگو کنیم. سپاس گزارم
از سردبیران و مدیران داخلی مجلات تخصصی. وقتی که
عزیزان ما در مجلات تخصصی برای مجلات می‌گذارند،
بسیار قابل تقدیر و تشکر است.



متفاوت باشد. اگر بخواهیم به شکل موضوعی ورود پیدا کنیم، ممکن است موضوعی در کلمات قصار یا نامه‌ها یا خطبه‌ها باشد. موضوعی که من انتخاب کرده‌ام، «اخلاق اداری در نهج‌البلاغه» است. در چهار سال و ده ماه حکومت امیرالمؤمنین، منصب اداره جامعه به عنوان حاکم و والی مطرح بوده است. ایشان فرمایشاتی داشته است که به جنبه‌های اداری برمی‌گردد. در کتاب ارباب امانت، بخشی به عنوان اصول اخلاق اداری در نهج‌البلاغه آمده است. این موضوع را از دو باب برای شما مطرح می‌کنم: یکی اینکه در آستانه ولادت **حضرت علی (ع)** هستیم. دیگر اینکه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی یکپارچه را امروز مرور می‌کنیم. چه بهتر که با هم چند جمله حدیث بخوانیم.

اولین اصلی که امیرالمؤمنین درباره اصول اخلاق اداری مطرح می‌کند این است که امانت‌دار هستیم

باشد، آشنا کرد. استاد مطهری می‌گوید تازه وقتی من ورود پیدا کردم و شگفت‌زده شدم، دریافتم او هم با این همه بزرگی، تنها به بخش‌هایی از دنیای نهج‌البلاغه اشراف دارد.

نکته‌ای که می‌خواستم عرض کنم این بود که می‌گویند قائل به این هستیم که در کشف بعضی از دنیاهای نهج‌البلاغه، بی‌خداها و یا باخداهای غیرمسلمان از ما مسلمانان موفق‌تر بوده‌اند و آن، وجوه اجتماعی، مدیریتی و حکومتی نهج‌البلاغه است. آن‌ها در این جنبه‌ها غالباً دریافت بهتر و عمیق‌تری دارند.

اصول اخلاق اداری در نهج‌البلاغه

یکی دیگر از کتاب‌هایی که تروق کردم، کتاب «ارباب امانت» بود. در توضیحاتی که آقای **دلشاد تهرانی** در این کتاب داده‌اند، گفته‌اند ورود ما به نهج‌البلاغه می‌تواند



جمله معروف «همانا کاری که در اختیار توست، طعمه‌ای برای تو نیست، بلکه امانتی است بر گردنت» از جملات معروفی است که ما شنیده‌ایم. اینکه مسئولیتی که امروز بر عهده ماست، امانت است. نه ملک شخصی است و نه اینکه به ما تعلق دارد

بر عهده خویش می‌دانم و مسئولیتش را می‌پذیرم.» نکته دیگر این است که: «چیزی را که نمی‌دانی مگویی. حتی بسیاری از چیزهایی را که می‌دانی، بر زبان می‌آور. زیرا خدا بر اعضای تو احکامی واجب کرده است که در روز رستاخیز بدان اعضا بر تو حجت خواهد آورد.»

اصل چهارم «انضباط کاری» است. دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، اگر این انضباط را نداشته باشند، مطمئناً کار تعلیم و تربیت در مملکت دچار خلل خواهد شد.

بنا بر فرمایش حضرت امیر: «کار هر روز را در همان روز انجام دهید، زیرا هر روز کاری مخصوص به خود دارد. در کارهای خود بر اشخاص سست و تنبل تکیه مکن.»

اصل پنجم «پیگیری» است. حضرت فرمود: «ای مالک! بر عهده تو کارهایی است که خود باید آن‌ها را انجام دهی. از آن جمله پاسخ گفتن عاملان توست، آنجا که معاونان درمانند و رساندن وظیفه خود را نتوانند. دیگر نیاز مردم بر برآوردن در همان روز که بر تو عرضه دارند و یارانت در انجام دادن تقاضای آنان گرانی کنند و عذری آورند.» حدیث دیگر اینکه: «تمام شدن کارها به کامل کردن آن‌هاست.»

اصل ششم «اصل مهرورزی» است؛ نیاز همیشه همه جوامع و انسان‌ها. حضرت می‌فرماید: «قلب خود را لبریز ساز از رحمت بر مردمان و دوستی ورزیدن و مهربانی کردن بر همگان.»

اصل هفتم اصل «رفق‌ورزی» است. مدارا کردن با خلق خدا بخشی از شخصیت انسانی است. بر تو باد که به رفق و مدارا رفتار کنی، زیرا کلید درستی کارها و از

نسبت به چیزی که پذیرفته‌ایم. جمله معروف «همانا کاری که در اختیار توست، طعمه‌ای برای تو نیست، بلکه امانتی است بر گردنت» از جملات معروفی است که ما شنیده‌ایم. اینکه مسئولیتی که امروز بر عهده ماست، امانت است. نه ملک شخصی است و نه اینکه به ما تعلق دارد. به نظر می‌رسد اگر ما چنین نگاهی به مسئولیت داشته باشیم، چند تأثیر در روحیه ما خواهد داشت:

- اولاً چون امانت است باید به درستی از آن نگهداری کنیم.

- ثانیاً اگر این امانت را پس دادیم، موجب بداخلاقی ما نخواهد بود.

- ثالثاً در این امانت خیانتی نکنیم.

نکته بعدی اصل «خدمت‌گزاری» است که باید در اخلاق اداری به آن قائل باشیم. حدیث مشهوری است که می‌فرماید: «ای جابر! آنکه نعمت خدا بر او بسیار بود نیاز مردمان به او بسیار بود.» این نکته بسیار لطیف است که اگر ما در معرض مراجعات مکرر افراد هستیم، نعمت خداوند است و از آن باید قدردانی کنیم. البته هر که در آن نعمت‌ها برای خدا کار کند، خدا نعمت‌ها را برایش پایدار کند و آنکه آن را چنان که واجب است به مصرف نرساند، نعمت او را نیست گرداند. حدیث دیگری درباره اصل خدمت‌گزاری می‌فرماید: «مردم مانند عیال و خانواده خداوند هستند.»

اصل سومی که امیرالمؤمنین به آن اشاره می‌کند، اصل «مسئولیت‌پذیری» است. حدیث اول از نخستین جملاتی است که امیرالمؤمنین در پذیرش مسئولیت حکومت مردم به آن اشاره کرده است: «آنچه می‌گویم

مختصات خردمندان است.

اصل هشتم «خوش رفتاری» است. اساساً دین ما بر اساس خوش رفتاری، گشاده رویی و دوستی مبتنی است. اصل نهم اصل «بردباری» است که بسیار اهمیت دارد. در حدیث آمده است: «در حاجت‌های مردم باید صبور باشیم.» اصل دهم «دادورزی» است که احادیث بسیار خوبی دارد.

آخرین اصل که امیرمؤمنان توصیه می‌کند، «نفی خودکامگی» است. استبداد موجب می‌شود که ما در مسیر شیطان گام بگذاریم. این اصول را من از این بابت یادآوری کردم که در آستانهٔ ولادت حضرت هستیم.

یکپارچگی انتشارات و تکنولوژی در دفتر یک فرصت است

اما بحث امروز ما این است که ما در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی نسبت به همهٔ اجزا و بخش‌های دفتر خودمان اطلاعات جامع و کاملی نداریم. من از چند ماه گذشته احساس کردم فرصت‌های اجتماع دو دفتر را باید در نظر بگیریم. در یکپارچگی این دفتر فرصت‌هایی وجود دارد. لازم بود که ما یک‌بار این دفتر را یکپارچه نگاه کنیم و با کارشناسان بخش تکنولوژی دفتر هم ارتباط بیشتری داشته باشیم تا شرایط بهتری را برای سازمان و آموزش و پرورش رقم بزنیم.

در یک نگاه کلی و غیر از کتاب درسی و راهنمای معلم و کتاب‌هایی که الزاماً به عنوان کتاب کار از آن‌ها یاد می‌کنیم، تمام اجزای دیگر بستهٔ آموزشی در این دفتر تولید می‌شوند. پس لازم است که یک بار دفتر را از اول مرور کنیم و بشناسیم. کلیات را من خواهم گفت و جزئیات را معاونان و کارشناسان خواهند گفت. عذر

ما از باب تکرار بپذیرید. نخست جایگاه خود سازمان را بازخوانی می‌کنم.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در تیرماه ۱۳۰۸ براساس مصوبهٔ هیئت دولت وقت، تألیف و چاپ کتاب‌های ابتدایی را در انحصار دولت قرار داد. سال ۱۳۴۱ دفتر برای تحول در امر تعلیم و تربیت مملکت تأسیس شد. اسم این دفتر، «دفتر انتشارات و امور کتابخانه‌ها» بود. سال ۱۳۴۳ مسئولیت کتاب‌های درسی به «ادارهٔ کل مطالعات و برنامه‌ها» که مدیریت آن با پنج مستشار آمریکایی بود، تفویض شد. سال ۱۳۴۳ دفتر انتشارات و امور کتابخانه‌ها به این نتیجه رسید که برای تحول در امر آموزش باید خواندنی تولید شود؛ هم برای معلمان و هم برای دانش‌آموزان. دی‌ماه سال ۱۳۴۳ در تاکستان مجله‌ای پایلوت شد که در شمارهٔ یک به عنوان پیک معلم و دانش‌آموز منتشر شد. سال ۱۳۵۵ قانون تشکیل «سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی» با تلفیق چند دفتر به تصویب رسید. سال ۱۳۵۸ «شورای انقلاب اسلامی» عین ۱۰ مادهٔ آن سازمان را پذیرفت. فقط یک مورد را اصلاح کرد و آن اسم سازمان بود که به «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» تغییر کرد.

در سال ۱۳۷۸ خط مشی سازمان تدوین شد و در سال ۱۳۸۹ مصوبهٔ ۸۲۸ ابلاغ شد. از ۱۰ ماده‌ای که عیناً از سال ۱۳۵۵ تا امروز دربارهٔ سازمان به آن‌ها اشاره می‌شود، یکی مادهٔ ۳ است که می‌گوید اعضای شورای سازمان چه کسانی هستند. رئیس شورای سازمان وزیر آموزش و پرورش و دبیرش رئیس سازمان است. چند وزیر و یک معاون رئیس جمهور عضو آن هستند. هفت نفر هم صاحب‌نظرانی هستند که تغییر می‌کنند. هفت نفری که الان هستند، عبارتند از: دکتر نجفی، دکتر حداد، دکتر عالمی، دکتر مهرمحمدی، دکتر ولایتی،



در یک نگاه کلی و غیر از کتاب درسی و راهنمای معلم و کتاب‌هایی که الزاماً به عنوان کتاب کار از آن‌ها یاد می‌کنیم، تمام اجزای دیگر بسته آموزشی در این دفتر تولید می‌شوند

داریم: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و نظری، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای، و دفتر ما. یک پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش هم هست که بسیار مهم است. در سازمان طی تشکیلات روی کاغذ، آن سه دفتر تحت نظر معاونتی به نام معاونت تألیف است. دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی بر خلاف همه دفاتر چهار معاون دارد.

سیزده گروه در اینجا فعالیت می‌کنند. این دفتر دو کار دیگر هم انجام می‌دهد که به خاطر شخصیت حقوقی آن‌ها، این کارها را سازمان باید انجام دهد. یک بنیاد جهانی به نام ICDL داریم که مدیر ارشد و مدیر اجرایی آن را سازمان تعیین می‌کند.

در گذشته که تعداد ناشران زیاد نبود، ناشران از برنامه درسی پشتیبانی نمی‌کردند و به کار خودشان مشغول بودند، در سازمان انتشاراتی به نام «انتشارات مدرسه» به وجود آمد. همیشه رئیس هیئت مدیره و نایب رئیس هیئت امنای سازمان مدیران این انتشارات بوده‌اند. انتشارات مدرسه باید بخشی از محتوای مورد نظر سازمان را تولید کند و لذا متعلق به سازمان است. بنیاد ICDL و انتشارات مدرسه خودگردان هستند.

شورای معاونان دفتر انتشارات تکنولوژی آموزشی گروه‌هایی دارد. یک گروه آن «گروه ماهنامه‌های رشد» است. گروه دیگر «فصل‌نامه‌ها» هستند که در زمره آثار کشور محسوب می‌شوند. گروه دیگر «مرکز بررسی آثار مخاطبان» است. بخش معلمان در این گروه کمی باید تقویت شود. همچنین، «گروه نظارت بر توزیع مواد و رسانه‌های آموزشی» را داریم و «گروه نظارت بر امور فنی و هنری» که یکی از برکاتی است که در دفتر انتشارات

دکتر دانش و دکتر افروز. در ماده یک قانون تشکیل سازمان آمده است: به منظور تحقیق و بررسی در مسائل کیفی آموزش و پرورش، ارزیابی مستمر و تنظیم برنامه‌های تحصیلی، تألیف و تدوین کتب درسی و آماده‌سازی مدارس و مؤسسات آموزشی تابع وزارت آموزش و پرورش برای کاربرد وسایل و روش‌های نو در جهت اعتلای کیفیت آموزش و پرورش، سازمانی به نام سازمان پژوهش تشکیل شده است.

ماده بعدی سازمان ماده ۲ است که وظایف را جزئی‌تر بیان می‌کند. بند سه از ماده ۲ به تألیف، تدوین، انتشار کتب و نشریات آموزشی و کمک‌آموزشی می‌پردازد. بند بعدی نیز همه نکاتی را می‌گوید که دوستان ما در بخش تکنولوژی دفتر عهده‌دار آن هستند. بعد هم تعیین و تهیه مواد و وسایل آموزشی، تهیه فهرست استاندارد تجهیزات و وسایل آموزشی با همکاری سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور، تهیه و تنظیم طرح‌های لازم برای اهداف نوآوری را داریم. به تعبیری این چارت دفتر ماست.

سازمان هیئت امنایی دارد که همان شورای سازمان است. رئیس سازمان یک بازوی مشورتی دارد به نام «شورای هماهنگی علمی سازمان». بعضی از دوستان ممکن است درباره این شورا اطلاعی نداشته باشند. این شورا بسیار اهمیت دارد. اعضای هیئت رئیسه سازمان عضو این شورا هستند. برخی اعضای دیگر عبارت‌اند از معاون پرورشی، معاون آموزش متوسطه، معاون آموزش ابتدایی و ... شخصیت‌ها و چهره‌های حقیقی که با ابلاغ رئیس سازمان معرفی می‌شوند. این شورا معمولاً بازوی فکری رئیس سازمان برای مصوبات است.

حوزه ریاست زیرمجموعه مفصلی دارد. سه دفتر



هجدهمین همایش سالانه رشد / فروردین ۹۵ - تنکابن

است که عمر ۴۵ ساله دارد و بسیار مهم است. یک «جشنواره تولیدات الکترونیک» داریم که امسال بالغ بر ۲۴۰ هزار اثر دریافت کرده است. جشنواره کتاب‌های آموزشی - تربیتی رشد که دوازدهمین دوره آن سال گذشته انجام شد. «جشنواره کتاب‌های قرآنی رشد» را هم داریم که ویژه است و «جشنواره عکس رشد». دوستان عزیز، این دفتر آن‌قدر تولیدات زیاد و حرف‌های قابل توجه دارد که باید بخشی از این فعالیت‌ها در مجلات تبلور پیدا کند. ممنونم از اینکه صبوری به خرج دادید. ان شاء الله دفتر انتشارات و تکنولوژی در فعالیت‌های خود به نقطه عطفی برسد.

کمک آموزشی بستر آن فراهم شده است. «گروه جشنواره‌های ملی و بین‌المللی» بخش دیگری است. «گروه سامان‌دهی مواد و رسانه‌های مکتوب»، «گروه تدوین استاندارد و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی»، «گروه توسعه و کاربرد نرم‌افزار آموزشی»، «گروه توسعه و رسانه‌های دیداری و شنیداری»، «گروه تولید محتوای الکترونیکی شبکه رشد»، «گروه تدوین استانداردهای تجهیزات آموزشی» و سرانجام «گروه کنترل کیفیت مواد و سایر رسانه‌ها و تجهیزات آموزشی». این چارت دفتر است.

ما از جشنواره‌های آموزش و پرورش یک جشنواره بین‌المللی داریم که «جشنواره بین‌المللی فیلم رشد»

این جهان با همه بزرگی سایه من است!

گفت‌و شنود حجت‌الاسلام و المسلمین سیدجواد بهشتی در باب
«حجاب در مجلات رشد» با حضور سردبیران مجلات رشد عمومی

الهی که ثمرات آن در ماه رمضان خواهد بود آماده کنند. روزهای بسیار خجسته این ماه را تهنیت عرض می‌کنم و از خداوند می‌خواهم که این گفت‌وگو را به دور از آفت و آسیب به پایان برسانم.

حجاب از زوایای گوناگون

موضوع حجاب هم مانند بقیه موضوعات اضلاع و زوایای مختلفی دارد که تبیین همه آن‌ها در این وقت نمی‌گنجد. ولی خوب است کسی که می‌خواهد درباره حجاب چیزی بنویسد، به این اضلاع و زوایا توجه داشته باشد. یکی جنبه تاریخی است: «این موضوع در تاریخ بشر چه سیری را گذرانده است؟» موضوع بعدی «حجاب در اسلام» است: «اساساً آیا پیامبر در تشکیل دولت اسلامی این موضوع را مطرح کرده است؟» زاویه سوم موضوع «فقه» است: فرق

یکی از چالش‌های امروز جامعه ما موضوع «حجاب» است. مجلات رشد در سال‌های اخیر به شکل‌های متنوع به این موضوع پرداخته‌اند. به دلیل اهمیت حجاب و استفاده از نظرات و تجربیات حجت‌الاسلام و المسلمین سیدجواد بهشتی، نشست ویژه‌ای با حضور سردبیران مجلات عمومی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ برگزار شد. آنچه در پی می‌آید، حاوی سخنان حجت‌الاسلام بهشتی و نقطه‌نظرات برخی از حاضران در جلسه است.

سیدجواد بهشتی: ایام خجسته ماه شعبان را تهنیت عرض می‌کنم. پیامبر در ماه شعبان در یکی از سخنرانی‌های خود فرموده که رزق ماه رمضان را در ماه شعبان توزیع می‌کنند. خوشا به حال آنان که زمینه را برای دریافت الطاف



سید جواد بهشتی

مختلف اسلامی چه نظری دارند؟ زاویه چهارم جنبه سیاسی این موضوع است: در دنیای سیاست این موضوع چه وضعی دارد؟ به خصوص در صد سال اخیر. زاویه دیگر «جنبه روحی و روانی» این قضیه است. زاویه دیگر «بعد خانواده» است. چقدر این موضوع با استحکام و دوام خانواده ارتباط دارد؟ زاویه آخر هم «دیدگاه‌های افراد مختلف درباره حجاب» است. یک سؤال بسیار مهم این است که آیا حجاب یک موضوع شخصی است یا اجتماعی؟ این‌ها تقریباً زوایای این موضوع هستند که اگر بدانیم خیلی بهتر است.

ما هر موضوعی را در اسلام بخواهیم مطرح کنیم، ناچاریم قبل از آن مبانی انسان‌شناسی را مرور کنیم؛ اقتصاد، مدیریت، هنر و علم. انسان‌شناسی قرآن حدود ۱۲ بند دارد که من خیلی سریع آن‌ها را بر می‌شمرم و گذر می‌کنم. اولین حرف این است که انسان موجودی برتر است. جهان با همه

بزرگی‌اش برای انسان و در خدمت انسان است. دومین حرف این است که این موجود از ماده و عنصری ماورایی آفریده شده است. سوم اینکه هدف بزرگی برای او لحاظ شده که در این جهان نیست. یکی از شاه‌بیت‌های مثنوی این بیت است:

در جهان دل جوهر و عالم عرض

سایه دل کی بود دل را غرض

یعنی این جهان با همه بزرگی سایه من است. چطور می‌شود هدف من در سایه باشد؟ حرف چهارم این است که دو دنیا پیش روی انسان است: یکی نزدیک است و دیگری دور. یکی دنیاست و دیگری آخرت. حرف دیگر این است که انسان مختار است. نقش پدر و مادر و مربی و معلم چیست؟ آگاهی بخشی است، ولی تصمیم با خود انسان است. مبنای دیگر این است که خدا نقش‌بند انسان است. مبنای دیگر این است که انسان یک بعد فردی دارد و یک بعد اجتماعی. در مسئله اجتماع متعهد و مسئولیت‌پذیر است. همین‌جا مسئله حقوق و آزادی مطرح می‌شود. وقتی مسئله حجاب را مطرح می‌کنیم، با توجه به این حرف‌ها مطرح می‌کنیم. این‌ها مسائل انسان‌شناسی قرآن است که قبل از ورود به هر بحث باید مطرح شود.

قالب‌های قرآن

به سراغ قرآن می‌رویم. قالب‌هایی که خداوند برای طرح مسئله در قرآن به کار برده هفت قالب است. یکی از آن هفت مورد «قصه» است. بقیه امرها، نهی‌ها، تشویق‌ها، توبیخ‌ها، مثل‌ها و گفت‌وگوهاست. به لحاظ فراوانی بیشتر قصه است. اولین قصه، قصه آفرینش انسان است. سوره اعراف از آیه ۱۰ می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» ما خدا هستیم و امکاناتی را روی زمین برای شما قرار داده‌ایم. از همان ابتدا شکایت می‌کند و



بهشتی: به سراغ قرآن
می‌رویم. قالب‌هایی
که خداوند برای طرح
مسئله در قرآن به
کار برده هفت قالب
است. یکی از آن
هفت مورد «قصه»
است. بقیه امرها،
نهی‌ها، تشبیه‌ها،
توییح‌ها، مثل‌ها و
گفت‌وگوهاست

لَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تَلَكُمَا الشَّجَرَةَ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ» (۲۲). «غرور» در زبان عربی به معنای «فريب» است. شیطان این دو نفر را در چاه انداخت و آن‌ها را قانع کرد که نهی خدا را مرتکب شوند. در اینجا برای اولین بار مسئله حجاب مطرح شده است. انسان دو بعد روح و جسم دارد. این دو نفر دیدند لباس‌ها نیست. بر اساس فطرت خودشان را با برگ درختان پوشاندند و دست به دعا برداشتند. «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (۲۳) قَالَ أَهْبَطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۲۴) قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ» (۲۵).
ثقل حرف من از اینجاست: یا بنی آدم قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶) از این همه بحث خداوند بر روی لباس دست می‌گذارد. چرا باید اندام انسان پوشیده شود؟ مقداری از زندگی انسان مربوط به غرایز است. خدا می‌خواهد انسان به قله برسد. محل زندگی او زمین است. مسائل زندگی او در خاک است. هدف آن بالاست. از این امکانات و غرایز باید به اندازه استفاده کند و بیشتر انرژی خود را باید برای صعود بگذارد. چارچوبی که من قرار داده‌ام، خانواده است. بیرون از خانواده باید پوششی باشد. این پوشش برای این است که ذهن از هدف منحرف نشود. مستی شهوت انتها ندارد. زن و مرد باید خودشان را بیوشانند. در احادیث آمده که رأس مکارم اخلاق «حیا» است. لباس برای پوشاندن اندام و زینت است. همین‌جا حرف از لباس دیگری به میان می‌آید: لباس تقوا. «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتَهُمَا

می‌گوید تعداد کمی از شما شکرگزار هستید. «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ» (۱۱) قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۱۲) قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَّكِبَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ» (۱۳). شیطان از جن بوده و به خاطر فوق‌العادگی‌هایی که داشته، در مقام فرشتگان قرار گرفته است. در اینجا از جایگاه خود خارج می‌شود.

«قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (۱۴) قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۱۵۹) قَالَ فِيمَا أُوعِدْتَنِي لِأَفْعَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (۱۶) در حاشیه راه مستقیم می‌نشینم. «ثُمَّ لَا تَجِدُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (۱۷) دشمنی شیطان با انسان که در قرآن ۱۴ بار آمده، همه‌جانبه است. «قَالَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ» (۱۸). قصه از اینجا فاز جدیدی پیدا می‌کند: «وَيَا آدَمَ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (۱۹) فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (۲۰).

«وسوسه» در لغت عرب به «صدای طلای زیاد» گفته می‌شود که یکجا جمع شده است. شیطان دلایلی آورد که از این درخت میل کنید. سه دلیل آورد: فرشته می‌شوید، قدرت پیدا می‌کنید و نمی‌میرید. «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ» (۲۱) فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا

إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (۲۷) دوباره به سراغ لباس آمده است. تمرکز روی لباس است. یکی از چهار تجارت پرسود بین‌المللی تولید فیلم‌های برهنگی است. اینجا ایستگاه مهمی است که بیشتر جنبه انسان‌شناسی دارد.

اصغر ندیری، سردبیر رشد آموزش ابتدایی: در این چند وقت در رسانه‌های اجتماعی بحث‌هایی شنیده‌ام مبنی بر اینکه معنای حجاب در ایران قبل از اسلام وضعیت خوبی نسبت به جامعه جاهلی داشته است. موضوع دیگر، حجاب زمان جاهلی است که اگر امکان دارد در این موارد توضیحاتی بفرمایید.

بهشتی: اولاً خواهش می‌کنم حتماً کتاب «مسئله حجاب» شهید مطهری را بخوانید. جواب این سؤال هم آنجا هست. قبل از اسلام ما در هند، در یونان و در ایران حجاب داریم. هر سه هم حجاب‌هایشان سخت‌گیرانه‌تر از اسلام است. ولی در جاهلیت حجاب نداریم. حتی آن‌ها طوافشان را هم به صورت برهنه انجام می‌داده‌اند. در قرآن هم مطرح شده است. حجاب یهود هم سخت‌گیرانه‌تر از اسلام است.

محمد رضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: این حد و حدود را از کجا در بیاوریم؟ شما از منظر حیا وارد شدید. مسئله ما در قسمت حد و حدود است.

بهشتی: در مسائل انسان‌شناسی از یک موضوع بسیار سریع رد شدیم. خدا انسان را مثل همه موجودات به صورت زوج آفریده است. زوج هم یعنی مکمل هم. در انسان که از دو جنس نر و ماده است، گفته می‌شود خداوند جمالش را در یک جنس ریخته و جلالش را در جنس دیگر. گرچه هر دو جذاب هستند، ولی درصد بیشتر را به خانم‌ها داده است. در نتیجه کشتش از سمت مرد به زن بیشتر است. در نتیجه پوشش زن را بیشتر توصیه کرده است.

شهید مطهری هم در کتاب مسئله حجاب یک فصل را به حد و مرز اختصاص داده است. حد و مرز عموماً در دست فقه است. سیره یکی به لحاظ اجتماعی - سیاسی است، یکی به لحاظ اینکه خود سیره چه حدی را رعایت می‌کرده و آن، استاندارد است. اصلی دارد که طبق آن، زن‌ها باید موها و بدنشان را جز صورت و دست‌ها تا مچ بپوشانند. چطور پوشیده باشد؟ طوری که عرفاً به آن پوشیده بگویند. در رفتار پیغمبر سخت‌گیری نبوده است، ولی کسانی که درباره قواعد





این نوع حجاب.

نکته‌ای که بسیار مهم است و می‌تواند برای بحث مبنا باشد، عرفی بودن حجاب در جامعه است. به همین جهت است که برخی از علمای شیعه نسبت به حجاب مثل بقیه امور به نسبت‌گرایی قائل هستند. یعنی اگر یک خانمی با مانتویی بسیار محجبه در کشور یا جامعه‌ای وارد شود که همه چادری هستند، ممکن است حجاب کامل نداشته باشد. ادله فراوانی در داخل ایران داریم که روستاییان مؤمن و پاک مسلمان و شیعه‌ای هستند که اصلاً حجاب اسلامی را یاد نگرفته‌اند. آیا می‌توان در جامعه‌ی عشایری این حجاب را وارد کرد؟ آثار مترتب بر اینکه چرا حجاب داریم مسئله ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، اگر حجاب در طول تاریخ اسلام سیر تحول و تطوری داشته و در گذر زمان تغییر کرده، عرفی بودن جامعه امر مهمی است. بحث دیگر در مورد شبهه اجتماعی است. اگر فرض شما بر این است که حجاب به این دلیل است که حیا در جامعه باشد، اگر فرض کنیم افرادی انسانیت دیگران را در نظر می‌گیرند، نه جنسیت را، برای آن‌ها چه حکمی داریم؟ به نظر می‌رسد شبهه‌ای که در جامعه وجود دارد و باید به آن پاسخ گفت، امر موی سر است. اگر مسئولان رندانه از کنار این موضوع رد می‌شوند، پاسخ ندادن به یک شبهه اجتماعی است و فقها باید جواب‌گو باشند. به نظر من فقها در اینجا سال‌هاست که ساکت است. موی سر مثل موسیقی و شطرنج یکی از شبهه‌های اجتماعی است که اگر فقها به آن وارد شوند، حجاب جنبه سیاسی خود را از دست خواهد داد و یک قدم به سمت اقتناع مسلمانان بر خواهیم داشت.

محبت‌اله همتی، ناظر محتوایی مجلات رشد:
سؤالی که من داشتم درباره حجاب زنان غیر مسلمان است. فقه و عرف در مورد حجاب زنان غیر مسلمان چه می‌گوید؟
بهشتی: بحث بسیار دامنه‌داری است. شهید مطهری

حکومت اسلامی کتاب نوشته‌اند، گفته‌اند حکومت می‌تواند سخت‌گیری کند. پیغمبر روی همسرانش سخت‌گیری داشته است. در کل، احکام آنچه که خداوند به پیغمبر درباره خانواده‌اش گفته دو چیز است: نماز و حجاب. در احادیث و فرق اسلام نظر فقها در هر پنج فرقه خیلی به هم نزدیک است. زن مسلمان بدن و موهایش باید پوشیده باشد. البته فرقه‌هایی مثل باطنیه افکار دیگری را ترویج می‌کنند که مثلاً نیت مهم است و ظاهر اهمیتی ندارد. این موضوع مسئله دیگری است.

محمد ناصری، مدیرمسئول مجلات رشد: لازم می‌دانم از نگاه دیگران شبهات و سؤالاتی را که در باب حجاب مطرح است در این جا بیان کنم. آقای **ترکاشوند** کتابی دارد که من بخش‌هایی از آن را خوانده‌ام. موضوع کتاب این است که داستان حجاب آن‌طور که در حال حاضر رواج دارد، به کل چیزی است که فقها در آورده‌اند. اصلاً در اسلام به دلایل و مستندات زیاد این‌گونه نیست. در مورد حجاب موها، اینکه اگر کسی روسری نداشته باشد، مترادف با لباس یا حیا نداشتن است، این حرف منتفی است. حیا مترادف با حجاب نیست. لباس هم مترادف با حجاب نیست. فرمایش شما درباره آیه‌ای که فرمودید، درباره لباس است، نه راجع به



از **ویل دورانت** نقل می‌کند که اروپایی‌ها می‌گویند مسلمانان تحت تأثیر هندی‌ها یا ایرانی‌ها یا یهودی‌ها این سخت‌گیری را برای حجاب گذاشته‌اند. آقای مطهری این صحبت را رد می‌کند. مسئله فقه هم من چون طلبه هستم، این‌گونه صحبت می‌کنم. شاید شما به این اندازه مقید نباشید. اسلام یک بخش اعتقادی و اجرایی دارد. اجرا را فقها باید اعمال کنند. تاریخ فقه هم مشخص است. تا زمانی که فقها به نظری برسند، وظیفه عامه

مسلمانان تقلید است. در مورد موی سر، حدیث از پیغمبر داریم که نیمی از زیبایی زن موی سر است. در فقه شیعه و فرق چهارگانه دیگر با این حد و مرزی که گفتیم، تکلیف زن مسلمان مشخص است.

ناصری: صحبت این است که ما باید کمک کنیم که فقه به واقعیت جامعه نزدیک شود. فقیه باید کمک کند که جامعه اسلامی رشد کند. حجاب جزو چیزهایی است که اگر به سمت جامعه کشیده شود، افق‌های روشنی باز خواهد شد. **افسانه موسوی‌گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز:** سؤال من این است که: چرا ما به دنبال این هستیم که فقهای ما شرایطی را ایجاد کنند که مردم ما اسلام را بپذیرند؟ باید این را بپذیریم که چطور می‌توان پیوندی بین مردم و معبودشان ایجاد کرد که عاشقانه او را بپرستند و به جایی برسند که وقتی معبودشان کاری را خواست، آن را انجام دهند. ما باید کاری کنیم که جامعه را در حدود اسلامی ثابت نگه داریم و این موضوع به ترفندهای حکومتی نیاز دارد و از حوزه ما هم بیرون است.

ناصری: ایجاد پیوند بین بچه‌های ما و دین یکی از مسئولیت‌های ماست و ما بخشی از حکومت هستیم. ما

ناصری: نکته‌ای که به نظر من بسیار مهم است و می‌تواند برای بحث مبنا باشد، عرفی بودن حجاب در جامعه است. به همین جهت است که برخی از علمای شیعه نسبت به حجاب مثل بقیه امور به نسبییت‌گرایی قائل هستند

نسبت به این مقوله اجتماعی مسئول هستیم. فقه راه‌های زیستن مؤمنانه مسلمانان است. **همتی:** ما در بحث حجاب همیشه سؤال و مسئله داشته‌ایم. فلسفه وجودی حکومت اسلامی حاکمیت فقه است. یعنی ما می‌خواهیم قوانین اسلامی را در جامعه حاکم کنیم و بر اساس آن قوانین جامعه اداره شود. ما در مورد بعضی از مسائل هنوز به مفهوم مشترک دست نیافته‌ایم و به همین دلیل شبهاتی ایجاد می‌شود. ما باید پاسخی برای این شبهات داشته باشیم.

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: الان رابطه ما با جامعه قطع شده است. نباید رابطه حکومت و علما با جامعه قطع شود.

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان: با توجه به پیش‌نیاز بودن حیا برای حجاب، از اینجا کار اشکال پیدا می‌کند که بچه‌های معصوم ما از ابتدا وقتی با رسانه‌ها و جامعه ارتباط برقرار می‌کنند، در معرض بی‌حیایی قرار می‌گیرند.

بهشتی: حدود ۱۲ شبیهه در این زمینه مطرح است که من قصد داشتم آن‌ها را در این جلسه مطرح کنم. اما ترجیح دادم برشی از قرآن را ارائه کنم. در این موارد هم پژوهش‌ها و کارهای خوبی انجام شده است. من چند کتاب معرفی می‌کنم: «فقه و پوشش»، اثر دکتر علی‌اکبر کلانتری، «حجاب از دیدگاه قرآن و سنت»، اثر دکتر فتحیه فتاحی‌زاده، «راز یک فریب، منطوق کرامت زن»، رهنمودهای مقام معظم رهبری، «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر»، اثر مرحوم پاک‌نژاد، «حجاب زن مسلمان»، از آقای اکبری، «معیارهای حجاب و عفاف در زنان و مردان». ما به موضوعی دامن‌دار فقط از یک ضلع نگاه کردیم.

گام هجدهم؛ پرواز با دو بال

گزارش نشست‌های هجدهمین همایش سالانه
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

پرداختند. آنچه در پی می‌آید گزارشی از سخنان روزهای نخست این نشست است.

تکنولوژی آموزشی در گذر زمان

سیدسعید بدیعی، معاون تکنولوژی آموزشی

ابتدا نگاهی گذرا به تاریخچه بخش تکنولوژی دفتر داشته باشیم. این بخش از دفتر در سال ۱۳۳۸ در وزارت فرهنگ وقت تشکیل شد که دو وظیفه اصلی برای آن قرار داده بودند: نمایش فیلم در آموزشگاه‌ها و سازمان‌دهی امور فوق برنامه در مدارس کشور. تولید فیلم شاید در دهه‌های سی و چهل در ایران خیلی ضعیف بود و صنعت فیلم و مستند علمی چندان پا نگرفته بود. بر این اساس، در سال ۱۳۴۲ جشنواره‌ای در ایران آغاز شد که اولین جشنواره فیلم ایران است و تنها جشنواره ثبت شده از کشور ایران در یونسکو محسوب می‌شود. یکی دیگر از فعالیت‌هایی که در طول این

طبق روال سال‌های پیشین، نشست سالانه دفتر در بهار ۱۳۹۵، طی روزهای دوشنبه و سه‌شنبه (۳۰ و ۳۱ فروردین) با حضور سردبیران، مدیران داخلی، کارشناسان و مدیران حوزه‌های انتشارات و تکنولوژی تشکیل شد.

نقطه تمایز این دوره با دوره‌های پیشین، حضور مشترک همه کارشناسان و مدیران حوزه‌های انتشارات و تکنولوژی بود. به عبارت دیگر، رویکرد اساسی این دوره ایجاد فضای هم‌فکری و همدلی در حوزه‌های مزبور به منظور ایجاد رویه‌های همکاری و تعامل در فرایندهای عملیاتی بود.

نخستین گام در تحقق این هدف آشنایی با قابلیت‌ها و توانمندی‌های دو بخش «انتشارات» و «تکنولوژی» بود. به همین منظور در روز نخست، مدیران و کارشناسان مربوطه به معرفی حوزه‌های خود



تحول نظام آموزشی هر ساله تعدادی فیلم برای معلمان تولید می‌شود.

من در گذشته مسئولیت واحد نرم‌افزارهای آموزشی را عهده‌دار بودم. بر این اساس فعالیت‌هایی را که در این واحد اتفاق افتاده‌اند، تشریح می‌کنم. بیش از ۱۵۰ عنوان نرم‌افزار آموزشی از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ طی یک دوره نه ساله برای دوره‌های متفاوت تولید شد. چون بودجه «IT» در دهه ۱۳۸۰ به آموزش متوسطه اختصاص داشت، نرم‌افزارهایی که در دفتر تکنولوژی تولید می‌شدند، بیشتر در بخش آموزش متوسطه بودند. بر این اساس، از سال ۱۳۸۵ به بعد بیشتر به سمت دوره آموزش ابتدایی رفتیم.

ما نرم‌افزارهای آموزشی یا به طور کلی محتوای الکترونیکی را در سازمان تقسیم‌بندی کرده‌ایم و بر اساس مخاطب و محل استفاده محتواهای متنوعی را تولید می‌کنیم. در حال حاضر حدود ۱۱ مدل محتوای الکترونیکی، نرم‌افزارهای تمرین و

چند سال در بخش تکنولوژی انجام پذیرفته، طرح آموزشی رشد از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲ بوده است. از فعالیت‌های دیگر این دفتر پایه‌گذاری «شبکه شاد» یا «شبکه آموزشی دانش‌آموزان» در سال ۱۳۷۹ بود. این شبکه در سال ۱۳۸۱ به «شبکه ملی مدارس ایران» تغییر نام پیدا کرد.

سال ۱۳۸۵ اولین «جشنواره پدیدآورندگان محتوای الکترونیکی» با مخاطب دانش‌آموز و معلم برگزار شد. جشنواره تولید محتوا در بخش فنی و حرفه‌ای دو سال قبل از این انجام می‌شد. در سال ۱۳۸۸، با توجه به نیازهای موجود، بحث تولید کتاب‌های صوتی یا کتاب‌های گویا مطرح شد. با توجه به اینکه تقویت مهارت شنیداری دانش‌آموزان و مهارت روان‌خوانی دانش‌آموزان یکی از اهداف برنامه درسی بود و مشکلی که ما در مناطق دو زبانه داشتیم، این کتاب‌های گویا را آماده کردیم که کار سنگینی بود. بخش بعدی تولید فیلم‌های آموزشی معلمان بود که در این چارچوب، از زمان



تکرار، نرم افزارهای ویژه آزمون، نرم افزار شبیه ساز آزمایشگاه و کارگاه، و اجزای آموزشی در اختیار داریم. انتظاری که واحد نرم افزار از مجلات رشد دارد این است که نرم افزارها معرفی و جایگاه نرم افزار در مباحث آموزشی تشریح شود. استفاده از نرم افزارها توصیه و جایگاه آن‌ها به عنوان یک رسانه تثبیت

شود.

دنیای شبکه رشد

فرهاد بخشنده، رئیس گروه تولید محتوای الکترونیکی شبکه ملی مدارس ایران (رشد)

«شبکه رشد» در سال ۱۳۷۹ به راه افتاد و تا سال ۱۳۸۵ در اختیار بخش خصوصی بود. دوستانی از «دانشگاه امیرکبیر» و سایر وزارتخانه‌های مرتبط شبکه رشد را آماده سازی کردند. در سال ۱۳۸۵، با آمدن آقای کفایش و ایجاد معاونت فناوری در سازمان، شبکه رشد در سازمان گسترش یافت.

شبکه رشد رسانه‌ای است که دیر، اما کامل آمده است. امروزه هر کمبودی را که در رسانه‌های دیگر می‌بینید، می‌توان در شبکه رشد جبران کرد. همه رسانه‌ها جذابیت و ارزش خاص خودشان را دارند، اما در همه آن‌ها این ما هستیم که می‌گوییم برای مخاطب چه چیزی را انتخاب

کند. تنها رسانه‌ای که خود کاربر انتخاب می‌کند، شبکه اطلاع‌رسانی و اجتماعی است. این موضوع با آموزه‌های دینی ما نیز مطابق است. شبکه رشد قدرت انتخاب را در اختیار کاربر قرار می‌دهد. شبکه رشد یک شبکه ملی است و اسم آن شبکه ملی مدارس ایران است، زیرا هم کشوری است و هم برای فارسی‌زبانان سایر کشورها قابل استفاده است. هدف ما ایجاد فضایی پاک در حوزه اینترنت است؛ هم از نظر محتوایی و هم از حیث فضا سازی. شما با اطمینان خاطر اجازه خواهید داد، فرزندان‌تان وارد شبکه رشد شوند و از آن استفاده کنند. یکی از موارد جالب دیگر در شبکه رشد، میزان نفوذ آن است. در دسترس‌ترین رسانه موجود و توزیع آن هم بسیار آسان است. بحث دیگر بحث نامحدود بودن است. البته شبکه‌های اینترنتی و شبکه رشد محدودیت‌های فنی هم دارند، اما قابلیت دارند که گسترش زیادی پیدا کنند.

ما شبکه رشد را به دو قسمت تقسیم می‌کنیم: بخشی که دوستان سازمانی ما تولید محتوا می‌کنند و بخش مربوط به کاربران. مهم‌ترین بخش شبکه رشد «دانش‌نامه» است. دانش‌نامه مخزن بزرگی است با حدود ۳۵ هزار کاربرگ محتوایی که در قالب‌های متفاوتی طبقه‌بندی شده‌اند. این



بتوانیم با کاربر تعامل داشته باشیم. ما از سازمان می خواهیم که کمک کند تا این سایت مورد استفاده دانش آموزان قرار بگیرد.

ما در سیستم جدید فضای تعامل با کاربر ایجاد کرده ایم و این امکان را فراهم آورده ایم که کاربران گروه تشکیل بدهند، و عضوگیری کنند و در آنجا فعالیت داشته باشند. معلمان ما می توانند در اینجا ایده مطرح کنند. امکان دیگری که داریم، ایجاد بلاگ است. در این فضا امکان فرمول نویسی هم ایجاد کرده ایم. می توانیم اپلیکیشن های موبایلی شبکه رشد را هم در اختیار کاربران بگذاریم.

زبان و روایت در فیلم های آموزشی

وحید گلستان، رئیس گروه تولید رسانه های دیداری - شنیداری

ضرورت فیلم های آموزشی بدیهی است و در این سال ها سؤالات دیگری طرح شده اند. از جمله اینکه آیا مثل گذشته به فیلم آموزشی نیاز داریم یا نه؟

در مورد تاریخچه دفتر و ساختار و تشکیلات آن دوستان صحبت کردند. آنچه که من می خواهم به آن بپردازم این است که تا الان به کجا رسیده ایم و چه آینده ای به لحاظ

شبکه نیازهای تا امروز ما را جواب داده است، ولی دیگر قادر به تأمین نیازهای ما در حوزه های آموزشی و پرورشی نیست. ما از سال ۱۳۹۰ به این نتیجه رسیدیم که در رشد باید تحول ایجاد کرد.

اولین معضلی که با آن روبه رو شدیم، این بود که ما حجم بزرگی از محتواها را داشتیم که در طبقه بندی های موضوعی آمده بودند و پیدا کردن آنها کمی سخت بود. این طبقه بندی را تغییر دادیم و طبقه بندی رشد را پایه محور کردیم. این پایه ها می تواند مبنای خوبی باشد. البته ما به خاطر شرایط آموزش و پرورش از پایه استفاده می کنیم، و گرنه اصل بر جست و جوست. بر این مبنای ما دو نوع محتوا داریم: محتوای رسمی و محتوای کاربران. در این پنج سالی که کار کرده ایم، همکاران ما همه از خانواده بزرگ آموزش و پرورش و دغدغه های آموزشی و پرورشی دارند.

فضای تعامل در سیستم جدید

مر تضي جواهری پور، دبیر فنی شبکه رشد

قبل از اینکه وارد نمایش امکانات این سیستم شوم، توضیحاتی درباره شبکه رشد می دهم. زمانی که شبکه رشد در سال ۱۳۸۱ به راه افتاد، دنیای وب به معنای امروز نبود. محتوا توسط افرادی که روی دانش تولید صفحات وب تسلط داشتند، آماده می شد و در اختیار کاربر قرار می گرفت. آن زمان کار بزرگی که اتفاق افتاد این بود که سیستم های مدیریت محتوایی فراهم شد و این کار بزرگی در ایران بود. ما با استفاده از این سیستم ها محتوای خودمان را در اختیار کاربران قرار می دادیم که امتیاز بزرگی بود. چون باعث می شد امکانات جست و جو به کاربران بدهیم و فضاهای آرشویی آماده کنیم. اما به مرور زمان این امکانات قدیمی شدند و دیگر قابل استفاده نبودند. کار ما الان این است که هم این فضا را نگهداری کنیم و هم سیستم جدیدی را آماده کنیم تا



خطری در اینجا به وجود می‌آید و آن تقابل میان رویکرد هنری و رویکرد علمی است. اگر این دو بتوانند به نقطه مشترکی برسند، اتفاق ویژه‌ای رخ می‌دهد و ما می‌توانیم یک رسانه هنری - آموزشی داشته باشیم که هم ارزش ذاتی زیبایی‌شناختی خودش را دارد و هم یک رسانه ارزشمند برای آموزش محسوب می‌شود. رسیدن به این هدف هم بسیار سخت است. البته به نمونه‌های خوبی در طول این سال‌ها رسیده‌ایم. ما باید از فیلم برای آموزش بهره بگیریم و فیلم باید در فرایند آموزش قرار بگیرد.

اما در مورد بحث روایت‌های نو در فیلم آموزشی. در روایت سنتی ما به طور متمرکز یک موضوع را در نظر می‌گرفتیم و آن را تعمیق می‌کردیم. این تعمیق می‌تواند یک هدف مهم آموزشی باشد و همچنان این شیوه می‌تواند در تولیدات جدید ما مفید و انتخاب درستی باشد. اما در شیوه نوین نیاز است که برای ارتباط جذاب‌تر در روایت تقطیع شکل بگیرد. نسل جدید به دلیل سرعت بسیار بالا و سلیقه تحت تأثیر اینترنت، نمی‌تواند بنشیند و یک روایت زمانمند و طولانی را دنبال کند. ضرورت تولید داده‌های عظیم باعث تغییر در شکل بیان فیلم آموزشی شده‌است، ضمن آنکه با این شیوه برای اولین بار وارد حیطه تعامل در فیلم آموزشی می‌شویم.

بیانی از این رسانه پیش رو داریم. امیدوارم تغییر و تحولی که با ادغام دو بخش سازمان صورت گرفته است، از اینجا به بعد با انرژی خوب و هم‌فکری همراه شود.

فیلم آموزشی رسانه‌ای کاربردی است که در راستای تسهیل و تعمیق فرایند یادگیری، دستور بیان خود را از علوم تربیتی، سینما و علوم ارتباطات می‌گیرد. چند کلیدواژه در این تعریف وجود دارد. یکی بحث کاربردی بودن است. اگر فیلم آموزشی برای آموزش نباشد، همه ارزش‌های دیگر هنری و زیبایی‌شناسی و بیانی آن مخدوش می‌شود. فیلم آموزشی برای فیلم بودن تهیه نمی‌شود، بلکه برای آموزش است. هرچند اگر جنبه فیلم بودن آن هم مخدوش شود، محل بحث است.

دو کلیدواژه دیگر در این تعریف وجود دارد: تسهیل و تعمیق. از بین ویژگی‌های متعددی که برای فیلم آموزشی می‌شناسیم، این دو مورد در این رسانه مؤثرترند. نکته ظریف اینجاست که اصالتاً ما هیچ رسانه کامل آموزشی نداریم. در واقع تکنولوژی آموزشی برای حل مشکلات کلاس و فرایند آموزش، روش‌ها، ابزارها و وسایلی را تولید می‌کند و می‌کوشد هر روز روش‌های تازه‌ای تولید کند. معنای این موضوع آن است که روش‌های ما کامل نیستند؛ حتی کتاب که برای ما از اصیل‌ترین رسانه‌ها است. با این نگاه باید ببینیم فیلم آموزشی در فرایند آموزش به ما چه می‌دهد. مهم‌ترین آن بحث «تسهیل» و «تعمیق» است.

نکته دیگر این است که باید به فیلم آموزشی بینارشته‌ای نگاه کنیم. در اینجا وارد بحث زبان علم و زبان هنر می‌شویم. در امر آموزش ما همیشه می‌خواهیم یک نقطه مشخص را پیش‌بینی کنیم و به آن برسیم. پس احتمالاً زبان علم انتخاب خوبی است، اما گاهی اوقات چون زبان علم جذابیت ذاتی کمتری نسبت به زبان هنر دارد، به زبان هنر نیاز پیدا می‌کنیم و قصد می‌کنیم از توانمندی آن بهره بگیریم.

ما در این شیوه با حذف روایت، آن را به دست مخاطب می‌سپاریم. در بازی‌هایی که در این سال‌ها ساخته می‌شوند، مرز بین یادگیری و سرگرمی برداشته شده است.

در شیوه جدید ما با قطعات فیلمی روبه‌رو می‌شویم که با هم ارتباط دارند و مخاطب می‌تواند انتخاب کند. اتفاق دیگر این است که معلم می‌تواند اطلاعات را به صورت مالتی‌مدیا در اختیار داشته باشد. مؤلف فیلم آموزشی برای رسیدن به سطح بالاتر کاربرد آموزشی، از فیلم خود می‌گذرد. نکته آخر اینکه ما در تلاشیم با توجه به نیاز جدید نسل امروز، فیلم را در خدمت شرایط و مخاطب جدید قرار دهیم. اگر این اتفاق رخ دهد، ما وظیفه ذاتی خود را انجام داده‌ایم. من چهار مسئله مهم را لازم توجه می‌دانم: ۱- بازنگری در روند تولید فیلم آموزشی؛ ۲- برنامه‌ریزی برای بخش توزیع و تکثیر رسانه‌های غیر چاپی؛ ۳- ایجاد شرایط بهبود بازار فیلم آموزشی؛ ۴- تربیت نیروهای متخصص.

استانداردهای کتاب آموزشی

فربا کیا، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی - تربیتی
منابع آموزشی و تربیتی پشتیبانی برای تحقق اهداف برنامه درسی هستند. بنابراین ما اگر بخواهیم کارمان را درست شروع کنیم و به فرایند صحیح کار بپردازیم، بهتر است که از ابتدا خاستگاه کارمان مشخص شود و اصولی را که در برنامه درسی است، برای خودمان معلوم کنیم. ابتدا با نگاه تلفیقی به اصولی می‌پردازیم که در برنامه درسی ملی به عنوان اصول و سیاست‌های تولید مطرح شده‌اند و بعد به استانداردهای می‌رسیم.

مواد و رسانه‌های یادگیری همه وسایل ارتباطی هستند که برای تحقق اهداف برنامه‌ها و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از آن‌ها استفاده می‌شود و کاربرد آن‌ها نقش مؤثری در فرایند یادگیری دارد. در برنامه درسی اصولی بر رسانه‌ها حاکم است.

اصلی در برنامه درسی در موضوع رسانه‌ها مورد توجه جدی است و آن، «اصل بهره‌گیری از بسته آموزشی» است. «تنوع رسانه‌های یادگیری» هم یکی از اصول برنامه درسی است. یکی از نکاتی که در برنامه درسی به عنوان اصل حاکم بر رسانه‌های یادگیری مطرح است، بحث «بهره‌گیری از مشارکت بخش خصوصی در تولید منابع آموزشی و تربیتی» است. «اصل بومی‌گرایی» اصل دیگری است که توجه به آن ضروری است. اصل «توجه به فناوری ارتباطات و اطلاعات و استفاده از لوح فشرده» از اصول دیگر برنامه درسی است. همچنین، طبق اصل «جذابیت»، مواد و رسانه‌های یادگیری باید با توجه به رعایت اصول هنری و ویژگی‌های مخاطبان طراحی شوند. اصل «خلاقیت و نوآوری» باعث مداومت و اثربخشی یادگیری می‌شود و به جذابیت محتوا در نظر دانش‌آموزان کمک می‌کند. اصل آخر اصل «نظارت» است. برنامه درسی توسعه، تولید، توزیع و اثربخشی را به بخش خصوصی واگذار می‌کند. اما نظارت یک وظیفه حاکمیتی است و سازمان پژوهش برای تحقق این اصل در سال ۱۳۷۸ بحث «سامان‌بخشی منابع آموزشی و تربیتی» را به عنوان یکی از مأموریت‌های خود تعریف کرد. در سال ۱۳۸۹، به عنوان یک مصوبه قانونی در «شورای عالی آموزش

فربا کیا



و پرورش» به تصویب رسید. هفت ماده در این مصوبه آمده است که ماده چهار آن سازمان پژوهش را مکلف می‌کند که استانداردها و ویژگی‌های اختصاصی و عمومی منابع آموزشی و تربیتی را طراحی و تعیین کند و کتاب‌ها و منابعی را که از بخش خصوصی وارد می‌شوند، با این ملاک‌ها و معیارها بررسی کند. محور ما در استانداردها برنامه درسی است و اولین محوری که در مورد هر منبع آموزشی و تربیتی به آن توجه می‌شود، ارتباط و هم‌سویی با برنامه درسی است. از دیگر محورها می‌توان به صحت علمی، کیفیت سازمان‌دهی محتوای کتاب، فراهم کردن فرصت تعامل با مخاطب، تناسب با نیازهای مخاطبان، هم‌سویی با اهداف حوزه تربیت و یادگیری اشاره کرد.

یکی از استانداردها این است که کتاب ایجاد انگیزه کند، به رشد و توسعه مخاطب کمک کند، از قالب‌های متنوع بهره بگیرد، خلاقیت و نوآوری داشته باشد و بتواند دانش‌آموزان را به خواندن ترغیب کند. اگر کتاب کمک درسی باشد، باید مفاهیم و مهارت‌های اساسی مطرح شده در کتاب درسی را به منظور تسهیل، تثبیت و تقویت یادگیری دانش‌آموزان توسعه دهد. مهارت‌ها و ارزش‌های موجود در کتاب درسی را به منظور تسهیل یادگیری مطرح کند، استانداردهای ارزشی برنامه درسی را رعایت کند، بر یادگیری پایدار تأکید کند، علاقه و انگیزه مخاطب را افزایش دهد و موجب توسعه یادگیری شود. من در جدولی روزهای آموزشی را در سال ۱۳۹۴ استخراج کردم. ما در این سال ۱۷۷ روز آموزشی داشتیم. «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» برای دوره پیش‌دبستانی هر روز ۲/۵ کتاب یا منبع استاندارد، برای دوره ابتدایی حدود ۶ کتاب و برای دوره متوسطه حدود ۲/۴۳ کتاب معرفی کرده است. اما چرا ما هنوز در مدارس مشکل داریم؟ مجلات رشد می‌توانند در توجیه مخاطبان بسیار مؤثر باشند. ما برای چهار سال نسبت تعداد منابع

معرفی شده را به تعداد عناوین کتاب‌های درسی حساب کردیم. در این چهار سال، برای دوره پیش‌دبستانی بر اساس راهنمای فعالیت، برای هر فعالیت ۱۳۷ منبع استاندارد و پشتیبان معرفی کرده‌ایم. در همین چارچوب برای ابتدایی ۳۰۸، برای متوسطه اول ۱۳۵، برای متوسطه نظری ۱۱۴، و برای فنی و حرفه‌ای به تفکیک گروه برای هر گروه ۱۱۰ عنوان معرفی کرده‌ایم. انتظاری که از مجلات داریم معرفی منابع مناسب و استاندارد به جامعه هدف، توسعه بهره‌گیری از منابع استاندارد، تبیین استانداردها و تبادل تجارب معلمان در بهره‌گیری از منابع استاندارد است.

من در فرصت باقی مانده به موانع و چالش‌ها می‌پردازم. از عمر سامان‌دهی ۱۶ سال می‌گذرد، اما از آن‌جا که یک سیاست کلان است و بخش‌هایی از آن متأثر از سایر معاونت‌های حوزه ستادی است، ناهماهنگی و انسجام در اجرای این مصوبه موجب چالش‌هایی می‌شود. یکی از مواردی که به عنوان چالش جدی مطرح می‌شود این است که: چرا از کتاب‌های استاندارد استقبال نمی‌شود؟ من به مواردی که در این مدت به آن‌ها رسیده‌ایم، اشاره می‌کنم: فقدان اطلاع‌رسانی و ناآگاهی معلمان در مورد منابع استاندارد، نبود انسجام و یکپارچگی بین بخش‌های مختلف ستادی؛ شیوه‌های ارزشیابی؛ تفوق توان تبلیغاتی بخش‌های خصوصی؛ اولویت منابع اقتصادی در صداوسیما؛ توانمندی ناکافی بعضی از معلمان در تدریس بعضی از موضوعات درسی.

بنیاد ICDL

علیرضا سلطانی فرد، مدیر اجرایی بنیاد ICDL

یکی از دلایل اینکه ICDL به آموزش و پرورش وارد شد، این است که آموزش و پرورش متولی سواد است و سواد دیجیتال از انواع سواد است و احساس می‌شد این وظیفه



در ارتباط با هم هستند. هر فرد می‌تواند یک آزمون را در یک مرکز و آزمون بعدی را در مرکزی دیگر بدهد. به چهل و یک زبان این آزمون‌ها برگزار می‌شوند. ۱۵۰ کشور عضو هستند و تاکنون ۱۴ میلیون داوطلب در این آزمون‌ها شرکت کرده‌اند و ۵۴ میلیون آزمون برگزار شده است. بعد از این گسترش، مقر قاره‌ای ایجاد شد. مقر بنیاد اروپا در بروکسل، بنیاد آمریکا در کلمبیا، بنیاد آفریقا در کنیا، و مقر بنیاد آسیا هم در سنگاپور است. در مجموعه کشورهای آسیا، ایران و کره جنوبی اجازه صدور گواهی‌نامه را به صورت مستقل دارند. ما صدور مجوز آموزش را داریم و برای کسانی که بخواهند آموزش دهند، مجوز صادر می‌کنیم. مجوز برگزاری آزمون را هم صادر می‌کنیم. ارزشیابی محصولات آموزشی و صدور مجوز برای چاپ و نشر هم در اختیار بنیاد است.

سه ارزش بر این بنیاد حاکم است: یکی مسئولیت اجتماعی است که اعلام می‌شود تمام افراد بتوانند صرف نظر از سن، جنسیت، موقعیت، توانایی و نژاد به این دانش دسترسی داشته باشند. در این میان خیلی مهم است که دسترسی آسانی برای معلولین فراهم شود. ارزش دوم، مستقل بودن از تولیدکننده است. آموزشی که داده می‌شود، برای کسب مهارت دیجیتال در هر محیط نرم‌افزاری است. ارزش سوم هم

به عهده آموزش و پرورش است. در قرن ۲۱ بی‌سوادان آن‌هایی نیستند که نمی‌توانند بخوانند و بنویسند، بلکه کسانی هستند که نمی‌توانند یاد بگیرند و بازآموزی کنند. بدترین رویکرد استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، استفاده از سخت‌افزار بی‌کیفیت در مدارس به امید رخ دادن یک معجزه است. در بحث هوشمندسازی مدارس، معمولاً به جنبه سخت‌افزاری می‌پردازند و به فلسفه حاکم بر هوشمندسازی توجه نمی‌شود. بر اساس چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴، ایران باید در این سال به بالاترین پیشرفت‌های علمی و فناوری در سطح منطقه دست یافته باشد. راهکارهایی هم در این زمینه مشخص شده‌اند که عمدتاً بحث آشنایی شهروندان با فناوری اطلاعات است. اوایل دهه ۱۳۸۰ بحث آموزش کارکنان دولت در حوزه سواد دیجیتال مطرح بود. حوزه کاری هم سازمان پژوهش بود. تیمی که مأمور شده بودند که تجربیات دنیا را بررسی کنند، که به بنیاد ICDL برمی‌خورد و نهایتاً تفاهم‌نامه‌ای بسته می‌شود. بحث‌هایی که ما در دهه ۱۳۸۰ داشتیم، کشورهای اروپایی حدود سال ۱۹۹۵ داشتند. انجمنی در اروپا وظیفه تعیین استانداردهایی را برای اینکه شهروندان اروپایی با سواد دیجیتال شوند، بر عهده دارد. آن‌ها استانداردی را فنلاند طراحی کردند و آزمون‌های آزمایشی برگزار کردند. سال ۱۹۹۷ بنیاد ECDL در ایرلند شکل گرفت و به عنوان یک برند شناخته شد. بعد از چند سال در خارج از اروپا هم خواستار این گواهی‌نامه شدند که نهایتاً به ICDL تبدیل می‌شود.

ICDL یک برند است و علی‌رغم آنکه که ما در ایران آن را به عنوان مهارت‌های هفت‌گانه می‌شناسیم، این گونه نیست. مجموعه‌ای از استانداردها و مهارت‌ها را به عنوان توسعه سواد دیجیتال مطرح می‌کند. مجموعاً در سطح دنیا ۲۴۰۰۰ مرکز آزمون تشکیل شده است که به هم پیوسته و

کیفیت است. مهارت ICT چه توانایی‌هایی ایجاد می‌کند؟ برای افراد باعث اشتغال خواهد شد. دانش‌آموزان و معلمان در آموزش و پرورش می‌توانند از آن استفاده کنند. در سازمان‌ها باعث رشد و افزایش بهره‌وری می‌شود و برای جامعه در بحث اشتغال رشد و افزایش بهره‌وری را به همراه دارد. پایین‌ترین سطحی که بنیاد تعریف می‌کند، «سطح آگاهی» است. در دومین سطح سواد دیجیتال، فرد می‌تواند روی «مهارت‌های زندگی» کار کند. در سطح سوم «مهارت‌های کار» مطرح شده‌اند. کودکان امروز در زمانه‌ای متولد می‌شوند که وسایل الکترونیکی در اطرافشان وجود دارد و می‌توانند با آن کار کنند. ما یک مهارت‌های سبک زندگی داریم و یک مهارت‌های سبک کار. اکثر افراد ممکن است از عهده سبک زندگی بر بیایند، ولی در مهارت‌های سبک کار مشکل دارند. ما در ایران ۲۶۰ مرکز فعال داریم که ۵۴ مدرسه هستند، ۵ دانشگاه، ۱۱ مرکز دولتی و ۱۹۰ مرکز آزاد.

پروژه‌هایی که ما در بنیاد داریم، پروژه‌های مقدماتی هستند؛ مثل کودک الکترونیک. ما تصمیم گرفتیم که به عنوان فوق برنامه، از پایه پیش‌دبستان تا ششم ابتدایی استانداردهایی را طراحی کنیم و با توجه به هم‌خوانی که با کتاب‌های درسی داریم، بتوانیم مدرسی را که مایل هستند در سیستم فوق برنامه آموزش داشته باشند، راهنمایی کنیم و تولید محتوا داشته باشیم. پروژه دیگری داریم که تعریف آن در دنیا برای افراد بی‌سواد است. ما این پروژه را دو سال پیش با نهضت سوادآموزی شروع کردیم و یک دوره پایلوت گذاشته شد که در حال اجراست.

همانطور که گفتیم، امروزه هفت مهارت ICDL لغو شده است و بنابر تشخیص نیاز افراد، مهارت‌ها آموزش داده می‌شوند. آزمون‌های ما با یک نرم‌افزار برگزار می‌شوند که در دنیا چند شرکت آن را تولید می‌کنند. ما در بنیاد تولید پورتال و نرم‌افزار آزمون‌گیر را شروع کرده‌ایم و در حال حاضر

فعالیت‌های ما تحت وب انجام می‌شود و سیستم دستی کاملاً جمع شده است. محصولات ما به صورت آنلاین به فروش می‌رسند. کار مهمی که انجام داده‌ایم، این است که مراحل نهایی تأیید نرم‌افزار آزمون‌گیر در حال انجام است. اگر این اتفاق بیفتد، ما هم می‌توانیم این نرم‌افزار را به صورت محصول صادراتی به کشورهای متقاضی عرضه کنیم. قراردادهای مراکز ما به صورت سه ساله و تفاهم‌نامه‌ای که با بنیاد جهانی داریم پنج ساله است. هم آن‌ها ما را ارزیابی می‌کنند و هم ما مراکزمان را ارزیابی می‌کنیم. هر شش ماه مراکز برتر و مراکزی را که پیشرفت داشته‌اند، در سایت معرفی می‌کنیم. ۴۳ درصد از کاربران ما دانش‌آموز، ۳۲ درصد فرهنگی و ۲۵ درصد از سایر اقشار جامعه هستند. ما یک روز نمادین تحت عنوان ICDL داریم که ۱۲ جولای، مصادف با ۳۱ تیرماه است. مسابقه‌ای با عنوان برترین عملکرد هر سال در بنیاد جهانی برگزار می‌شود که ما در دو سال برنده تندیس شدیم. کاری که امسال کردیم، قرار دادن «QR Code» در کتاب‌های آموزشی و درسی است و این کار را به همراه پروژه نهضت سوادآموزی به عنوان بهترین عملکرد سال ۲۰۱۶ برای بنیاد جهانی فرستاده‌ایم. ما از سال ۱۳۹۰ حوزه نشر را راه‌اندازی کرده‌ایم. در سال ۱۳۹۴ هم، ۱۹۸۴۷۳ نفر - آزمون برگزار کردیم.

جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

یدا... کریمی، معاون فیلم

«جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی، علمی و تربیتی رشد» در سال ۱۳۴۲ در دفتر سمعی بصری وزارت آموزش و پرورش متولد شد. این جشنواره رسالت سنگینی را برای آموزش و پرورش بر عهده گذاشت. به این ترتیب جشنواره‌ای که باید نگاهی جدید را در وزارت آموزش و پرورش به وجود می‌آورد و امکان بهتری برای تعمیق و تحقیق آموزش در



نهادینه شد و بنیان‌گذاری جشنواره بر پایه تولیدات داخلی و بین‌المللی بود. با توجه به تحولاتی که در این زمینه به وجود آمد و همکاران فرهنگی متقاضی بودند که از جشنواره بهتر استفاده کنند و خودشان تولیدکننده باشند، متممی به جشنواره وارد شد به نام بخش معلمان فیلم‌ساز که سیزده دوره آن تا به امروز برگزار شده است.

مسابقات «بخش دانش‌آموزان فیلم‌ساز»، همه ساله در معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌شود و جزو مسابقات هشت‌گانه است. از این طریق امکانی برای فیلم‌سازان دانش‌آموز فراهم شده است تا آثارشان را با دانش‌آموزان فیلم‌ساز سراسر کشور به رقابت بگذارند.

سال گذشته امکانی فراهم شد که فیلم‌های جشنواره در پردیس‌ها و دانشگاه‌های فرهنگی به نمایش گذاشته شود و برای دانشجویان - معلمان با تحلیل ارائه شود. جشنواره بخش‌هایی مثل «مستند علمی» دارد. با توجه به اینکه ما در آموزش نیاز فراوانی به مستند آموزشی داریم، برای قضاوت و داوری بخش مستند را به دو بخش تقسیم کرده‌ایم: مستند علمی ناب و مستند آموزشی. بخش‌های دیگری که داریم، بخش پویانمایی است، بخش داستانی کوتاه است که همکاران فرهنگی از آن استقبال زیادی می‌کنند، و بخش داستانی

کشور به وجود می‌آورد، پا به عرصه وجود نهاد. ابتدا با عنوان «فستیوال فیلم‌های علمی آموزنده» نام‌گذاری شد. سال بعد دکتر **خانلری** کلمه جشنواره را به جای فستیوال پیشنهاد کرد. این جشنواره به حیات خود ادامه داد تا به جریان عظیم انقلاب اسلامی برخورد کرد. با شروع انقلاب تا سال ۱۳۶۴ تعطیل شد. در این سال بعضی از مسئولان تشخیص دادند که این جشنواره مفید است و تا به امروز که چهل و ششمین دوره آن آغاز می‌شود، ادامه داشته است. هدف از برگزاری جشنواره این بود که ابتدا بتواند یک تحول عظیم آموزشی به وجود آورد و همه دانش‌آموزان کشور را تحت پوشش قرار دهد. با توجه به اینکه این جشنواره به صورت بین‌المللی برگزار می‌شود، دانش‌آموزان و فرهنگیان می‌توانند با رویکردهای جدید علمی در ایران و جهان آشنا شوند و در کلاس درس از این برنامه استفاده کنند. از طرف دیگر می‌تواند عدالت آموزشی را در کل کشور فراهم کند. هر روز در دنیا تحولات عظیمی در ارتباط با فناوری آموزشی رخ می‌دهد. این تحولات را می‌توان در اختیار معلم و دانش‌آموز قرار داد. اگر بر مبنای اهداف برگزارکنندگان یا بنیان‌گذاران جشنواره تأملی داشته باشیم، بهره‌گیری از فیلم آموزشی در فرایند آموزش آسان خواهد شد. هدف بنیان‌گذاران و برنامه‌ریزان جشنواره این بوده است که به عدالت آموزشی برسند. «جشنواره بین‌المللی فیلم رشد» جشنواره‌ای است برای تمام فصول. این جشنواره ابتدا در آبان ماه هر سال با توجه به تقویم اجرایی جشنواره در تهران و چند استان به صورت هم‌زمان اجرا می‌شود. بعد از آبان ماه به صورت دوره‌ای در استان‌های متقاضی برگزار می‌شود تا اردیبهشت ماه سال بعد ادامه می‌یابد. هم‌اکنون پنج استان کشور در حال برگزاری این جشنواره هستند. با توجه به رویکردهایی که از ابتدا تا به امروز به آن‌ها رسیده‌ایم، بخش‌هایی برای جشنواره در نظر گرفته شده‌اند. ابتدا در جشنواره بخش بین‌الملل

بلند است که در سینماها و کانون‌ها به نمایش درمی‌آیند. در جشنوارهٔ چهل و پنجم از بیست و شش کشور جهان برای ما فیلم ارسال شد. ما حدود پنج فیلم از آمریکا داشتیم. آثار رسیده به دبیرخانه ۱۳۰۰ عنوان فیلم بود که شامل بخش بین‌الملل، آزاد ایرانی، دانشجو - معلمان، فرهنگیان و دانش‌آموزان فیلم‌ساز است.

جشنواره در دو بخش اجرا می‌شود: بخش هم‌زمانی و بخش مرور. سال گذشته هم‌زمان با تهران در پنج استان کشور به اجرا درآمد: شهرستان‌های تهران، استان مرکزی، گیلان، خراسان شمالی، هرمزگان و سواحل مکران. در این بخش ما ۶۵ شهر را تحت پوشش قرار داده‌ایم. در بخش مرور استانی ۲۶ استان کشور متقاضی برگزاری جشنواره بودند. در مجموع در جشنوارهٔ چهل و پنجم ۴۲۸ شهر کشور میزبان برگزاری جشنواره بوده‌اند، ۲۲۷۲ مرکز نمایشی را تحت پوشش داشته‌ایم و ۱۰۰ پردیس فرهنگیان را نیز پوشش داده‌ایم.

شبکه تولید و توزیع

سیدکمال شهابلو، معاون انتشارات

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی چند کار مهم انجام می‌دهد: تولید محتوا، تولید و پشتیبانی فنی و هنری، استانداردسازی و سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی، توزیع و بازرگانی و تبلیغات و پشتیبانی اجرایی، و ICDL. نیروهای که در تولید محتوا داریم ۹۷ نفر، نیروهای تولید و پشتیبانی هنری ۵۵ نفر، نیروهای استانداردسازی و سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی ۱۶ نفر، و نیروهای بخش توزیع و بازرگانی و پشتیبانی اجرایی ۲۵ نفر هستند.

جمعاً ۲۹۳ نفر در این دفتر فعالیت می‌کنند. فعالیت‌هایی که در این دفتر انجام می‌شوند ملی است. بخش اعظمی از بستهٔ آموزشی در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی آماده

می‌شود. برون‌دادهای دفتر عبارت‌اند از: مجلات رشد، کتاب‌نامهٔ رشد، شبکهٔ رشد، سایت مجلات رشد، جشنواره‌های گوناگون، نرم‌افزار درسی، پژوهش‌ها و کتاب‌گویا. هر کدام از این برون‌دادهای همکاران توضیح خواهند داد. مثلاً در مورد مجلات رشد، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ۳۵ عنوان مجلهٔ رشد تولید می‌کند. بعضی از این عنوان‌ها نه شماره‌ای، بعضی هشت شماره‌ای، بعضی چهار شماره‌ای و بعضی تک شماره‌ای هستند. حدود ۱۹۵ شماره مجله در سال تولید می‌شود. تقریباً هر دو روز یک بار مجله‌ای متولد می‌شود.

در مورد پژوهش‌ها همان‌طور که می‌دانید اگر بخواهید کار شما توسعه پیدا کند، حتماً باید کار پژوهشی هم انجام دهید. پژوهش‌ها به توسعه می‌انجامند. در مورد تولیدات مکتوب، تا سال گذشته این‌طور بود که وقتی کار به افاست می‌رفت، ادامهٔ کار هم توسط دفتر انجام می‌شد.

امروز توزیع مجلات رشد و تمام منابع آموزشی و تربیتی مکتوب توسط «شرکت افاست» انجام می‌شود و ما فقط نقش نظارتی داریم. تاکنون پژوهش‌های متنوعی در دفتر انتشارات صورت گرفته است و امسال تصمیم داریم چند پژوهش به این شرح را انجام دهیم: بررسی تأثیر مجلات رشد بر عادت به مطالعه در میان دانش‌آموزان؛ بررسی نیازهای مخاطبان مجلات رشد بزرگ‌سال به منظور طراحی و تولید محتوای مناسب؛ چگونگی توسعهٔ کمی مجلات رشد طی برنامهٔ ششم توسعهٔ سازمان. مورد آخر را که کمی است، توضیح خواهم داد. محصولات دفتر مکتوب و غیرمکتوب هستند.

در بخش غیرمکتوب ما توزیع‌کننده نیستیم و فقط نقش نظارتی داریم. یعنی هر تولیدی که غیرمکتوب است، ادارهٔ کل نظارت بر نشر و مواد آموزشی آن را با کتاب درسی توزیع می‌کند. مثلاً برای دورهٔ متوسطه از طریق کتاب‌فروشی‌ها و برای کاردانش و فنی‌حرفه‌ای از طریق استان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. موارد مربوط به دورهٔ ابتدایی تا دو



کمک می‌کنند. همه ساله در نمایشگاه مطبوعات حضور پیدا می‌کنیم سیاست‌های کلی ما در توزیع مجلات این است که تگس‌تردگی توزیع ایجاد کنیم. در استان‌ها هم همین‌طور است. شورای برنامه‌ریزی مجلات سفر می‌کند و نکات لازم را انعکاس می‌دهد. تبلیغات در شبکه‌های استانی را داریم. چند سال است که گردهمایی قطبی در مشهد گذاشته‌ایم.

با وجود این کارها باید فعالیت‌های دیگری هم داشته باشیم. یکی از آن‌ها این است که باید حتماً تا نیمه اول سال ۱۳۹۶ پژوهشی کمی در سطح ملی انجام دهیم. برنامه ششم توسعه باید از امسال شروع می‌شود، اما یک سال عقب افتاد. ما در برنامه ششم توسعه باید هر سال دو درصد رشد کمی در مجلات رشد داشته باشیم.

ما تصمیم داریم در قدم اول برای هر مدرسه در کشور یک پوستر بفرستیم و چهار پوستر آماده کرده‌ایم: برای معلمان، برای دوره متوسطه دوم، برای دوره ابتدایی و برای دوره متوسطه اول. توزیع این پوسترها را دفتر به عهده گرفته است و به عهده معلمان نیست. مدارس در حال شناسایی هستند حدود ۱۰۵ هزار مدرسه داریم و هر پوستر را به یک مدرسه خواهیم فرستاد.

سال پیش توسط مدارس تهیه می‌شد.

سال قبل فقط در تهران به صورت پایلوت از طریق سامانه فروش هم این کار انجام گرفت. امسال سامانه فروش به کل کشور تعمیم داده شده، اما ممکن است بعضی از دانش‌آموزان مثلاً کد ملی نداشته باشند و نتوانند از طریق سامانه کتاب درسی را تهیه کنند. برای این گروه هم از طریق مدرسه کتاب تحویل داده می‌شود. کتاب همراه با CD عرضه خواهد شد. تولیدات مکتوب ما عبارت‌اند از: مجلات رشد و کتاب‌نامه رشد. مجلات رشد به دو روش توزیع می‌شوند: الکترونیکی و فیزیکی. در روش فیزیکی مجلات را به سراسر کشور می‌فرستیم. ما ۷۰۰ نماینده در کل کشور داریم. این نمایندگان آمار و اطلاعات خود را به مرکز استان می‌دهند. مرکز استان اطلاعاتش را به ما می‌دهد و ما مجلات را توزیع می‌کنیم. البته از طریق سایت هم فیزیکی توزیع می‌کنیم. الکترونیکی به این صورت است که PDF مجلات رشد را وارد سایت مجلات رشد می‌کنیم و از این طریق قابل دسترسی است. تفاهم‌نامه‌ای هم با پایگاه تخصصی «noormags» داریم که کل مقالات را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

کتاب‌نامه رشد هم همین‌طور است. هم در مدارس توزیع می‌شود و هم در سایت roshdmag گذاشته می‌شود. ما فعالیت‌های متفاوتی برای توسعه کمی مجلات رشد داشته‌ایم. در سال ۱۳۹۴ سی و هشت میلیون مجله تولید و توزیع کرده‌ایم. بعضی از مجلات در این آمار نیستند. در شهر تهران سفرهای گروهی یا انفرادی داشته‌ایم و با مدیران مناطق در تهران و تنکابن، و مدیران مدارس در سازمان، نشست‌هایی برگزار کرده‌ایم. پاشنه آشیل توزیع مجلات رشد و هر رسانه‌ای در مدارس، مدیران مدرسه هستند. بازدید مدیران مدارس و نمایندگان رشد از دفتر و شرکت افست را داشته‌ایم.

با معاونان آموزشی و نمایندگان مجلات رشد هر ساله نشست‌هایی داریم. این نشست‌ها به رشد کمی مجلات

مجلات رشد و ارتقای سطح خواندن

مقدمه

کنونی است. خوب و درست خواندن از عوامل مهم پیشرفت، سرگرمی، لذت بردن و رفع خستگی است. نکته مهم در امر خواندن، توجه و تأکید بر امر فهمیدن یا برخورداری از سواد خواندن است که کودکان از طریق مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تجربه‌ها فرامی‌گیرند. در دوره دبستان، مهارت‌ها، رفتارها و نگرش‌های مرتبط با «سواد خواندن» نوآموزان را به طور عمده در خانه و مدرسه رشد می‌دهند. در خانه و مدرسه منابع مختلفی باعث پیشرفت «سواد خواندن» می‌شوند. تجربیات و فعالیت‌های روزانه، به ویژه فعالیت‌های سازمان یافته در کلاس درس، از جمله این منابع هستند که در پیشرفت «سواد خواندن» بسیار حائز اهمیت‌اند. علاوه بر خانه و مدرسه سایر عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و رسانه‌ها در ایجاد زمینه پیشرفت سواد خواندن در کشور تأثیر گذارند [زندى، ۱۳۹۳].

کلیدواژه‌ها: مجلات رشد، سطح خواندن، سواد خواندن، معماری اطلاعات

«خواندن» مهارتی زبانی است که با شکل نوشتاری زبان در ارتباط است؛ مهارتی حیاتی در جامعه و پایه یادگیری در محیط مدرسه و خارج از آن. کسب این مهارت توسط دانش‌آموزان، مبنایی برای کوشش‌های تحصیلی آینده آن‌ها خواهد بود. مهارت خواندن فرایندی بسیار پیچیده است و مراحل گوناگونی دارد. یادگیری خواندن در کودکان، همانند دیگر رفتارها، دارای مراحل و توالی مشخصی است. تحول مهارت‌های زبانی، گوش دادن، سخن گفتن، تحول حرکتی، تمیز دیداری و شنیداری، تحول مفهوم و تفکر شناختی، توانایی دقت و تمرکز حواس در انجام فعالیت‌ها هم‌خوانی بین صوت‌ها و نمادهای بینایی حروف، شناخت کلمه، لذت بردن از خواندن کلمه‌ها و در نهایت درک و فهم مطالب، از جمله مهارت‌های اساسی در فرایند خواندن محسوب می‌شوند. توانایی خواندن از جمله مقتضیات ضروری فهمیدن در دنیای

سواد خواندن چیست؟

«انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی»، سواد خواندن را: «مهارت توانایی درک و استفاده از صورت‌های متفاوت نوشتاری مورد نیاز جامعه یا ارزشمند برای افراد» تعریف کرده است. کودک دارای «سواد خواندن» از نظر این مؤسسه فردی است که توانایی درک معنای متون مختلف را دارد و از خواندن برای یادگیری و شرکت در اجتماع خوانندگان در مدرسه و زندگی روزمره استفاده می‌کند. مؤسسه مذکور، با هدف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی سواد خواندن، مطالعه بین‌المللی و تطبیقی «پرلز» را از سال ۲۰۰۱ میلادی برنامه‌ریزی و اجرا کرده که هدف آن ارزیابی میزان توانایی کودکان پایه چهارم ابتدایی در زمینه سواد «خواندن» است.

در تجزیه و تحلیل نتایج آزمون پرلز که در سال ۲۰۱۱ بین ۴۹ کشور جهان و از جمله ایران به عمل آمد، کشورهای هنگ‌کنگ، روسیه و فنلاند رتبه‌های اول تا سوم را کسب

کردند و مشخص شد که در این کشورها والدین دانش‌آموزان شرکت‌کننده در آزمون به مطالعه اهمیت بیشتری می‌دهند به‌طوری که والدین این دانش‌آموزان از کودکی برای بچه‌هایشان کتاب می‌خوانند یا کتاب را به کودک خود هدیه می‌دهند. ایران نیز بین ۴۹ کشور شرکت‌کننده رتبه ۴۲ را کسب کرد که نشان‌دهنده عملکرد ضعیف دانش‌آموزان پایه چهارم کشورمان به‌ویژه در خواندن متون اطلاعاتی و دانش عمومی است. نتایج پرلز، لزوم تغییر در حوزه‌های برنامه درسی، منابع، تجهیزات و فرهنگ کتابخوانی را به مسئولان گوشزد کرد [کریمی و همکاران، ۲۰۱۱].

عوامل مؤثر بر پیشرفت سواد خواندن

خانواده: پایه و اساس یادگیری کودکان برای خواندن، با استفاده از تجربیات آن‌ها در زمینه زبان گفتاری و نوشتاری در خانواده شکل می‌گیرد. هرچه تنوع محرک‌های محیطی در خانه در جهت افزایش مهارت‌های خواندن، بیشتر فراهم باشد کودکان توانمندی بیشتری در سواد خواندن





رویارویی کودکان با
متون چاپی، انجام
فعالیت‌های نوشتاری،
نقاشی کردن در مورد
داستان‌ها، خواندن
متون با صدای بلند،
از جمله فعالیت‌هایی
هستند که می‌توانند
در خانه و به کمک
اعضای خانواده انجام
شوند و سبب
رشد و پیشرفت
«سوادخواندن» شوند

توسعه سواد خواندن هستند که قبل از ورود کودک به دبستان و در سنین خردسالی و با انجام فعالیت‌های متنوع توسط مربیان، در کودکان شکل می‌گیرند.

یافته‌های پرلز ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که در سطح بین‌المللی، به طور متوسط بین عملکرد خواندن دانش‌آموزان پایه چهارم و زمانی که قبل از دبستان آموزش دیده بودند، همبستگی مثبت وجود دارد. درگیر کردن کودکان با فعالیت‌های ادبی قبل از شروع مدرسه در توسعه سواد خواندن کودکان مؤثر است. کتاب خواندن، داستان گفتن،

سرود خواندن، بازی کردن، اسباب‌بازی‌های الفبایی و بازی با کلمات از جمله فعالیت‌هایی هستند که قبل از دوره دبستان انجام می‌شوند و می‌توانند به گسترش سواد خواندن در دوره‌های بعدی به کودکان کمک کنند.

مدرسه: مدرسه از جمله محیط‌های آموزشی است که تأثیرات عمیقی بر میزان سواد خواندن کودکان دارد. عوامل زیادی در مدرسه بر فراگیری سواد خواندن به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارند. برنامه آموزشی رسمی و نگرش مثبت معلمان نسبت به اهمیت خواندن، پرداختن به خواندن در فعالیت‌های مکمل و فوق برنامه، حضور معلمان آموزش دیده، وجود فضاهای مناسب کلاس درس و وجود کتابخانه فعال و دارای کتاب‌های خواندنی از جمله عوامل تأثیرگذار در گسترش سواد خواندن کودکان هستند. علاوه بر آن، رابطه کودک و مدرسه و نگرش کودک به مدرسه از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر سطح سواد خواندن است. طبق یافته‌های رایلی (۱۹۹۴)، حدود و اندازه‌سازی

از خود نشان خواهند داد. دسترسی آسان کودکان به مواد خواندنی و متون نوشتاری در خانه رابطه‌ای معنادار با میزان پیشرفت سواد خواندن دارد. بی‌شک کودکان در خانواده‌هایی که علاقه‌مند به خواندن هستند و به مطالعه کتاب، مجله و... می‌پردازند، از نظر سواد خواندن برتری بیشتری نسبت به سایر کودکان دارند. رویارویی کودکان با متون چاپی، انجام فعالیت‌های نوشتاری، نقاشی کردن در مورد داستان‌ها، خواندن متون با صدای بلند، از جمله فعالیت‌هایی هستند که می‌توانند در خانه و به کمک

اعضای خانواده انجام شوند و سبب رشد و پیشرفت «سواد خواندن» شوند [کاکو جویباری و همکاران، ۱۳۸۷]. بر اساس یافته‌های پرلز ۲۰۱۱، کودکان خانواده‌های با سواد، دارای توانایی بالاتری در خواندن هستند. دانش‌آموزانی که والدینشان از خواندن لذت می‌برند، به‌طور مکرر می‌خوانند، کتاب‌های فراوان دارند، با فعالیت‌های خواندن از بلوک‌های الفبایی تا بازی با کلمات، از سنین پایین درگیر می‌شوند، پیشرفت خواندن بالاتری دارند. وجود کتاب‌های خاص کودکان در خانه نیز همبستگی و ارتباط مثبتی با عملکرد خواندن نشان داده است.

آموزش‌های قبل از دبستان: از آنجا که آموزش و یادگیری در سنین خردسالی ماندگاری بیشتری دارد، لذا توجه به مهارت‌های خواندن در قبل از ورود به مدرسه می‌تواند زمینه توانمندی کودکان را در خواندن در دوره ابتدایی فراهم سازد. ایجاد علاقه به مطالعه کتاب، بیان نظرات و ایجاد ارتباط مناسب با دیگران، از مهم‌ترین زمینه‌های



کتاب خواندن،
داستان گفتن، سرود
خواندن، بازی کردن،
اسباب بازی‌های الفبایی
و بازی با کلمات از
جمله فعالیت‌هایی
هستند که قبل از
دوره دبستان انجام
می‌شوند و می‌توانند
به گسترش سواد
خواندن در دوره‌های
بعدی به کودکان کمک
کنند

کودک با مدرسه عامل مهمی در توان خواندن کودک در پایان سال اول تحصیلی است. برنامه درسی منعطف و دارای رویکرد مطالعه و تحقیق که در آن زمانی برای مطالعه آزاد و بیان نظرات در مورد کتاب‌های مطالعه شده در نظر گرفته شده باشد، می‌تواند به مدرسه در گسترش سواد خواندن کمک کند. نتایج پرلز ۲۰۱۱ نشان داد، کشورهایی که مدارسشان در برنامه روزانه و هفتگی خود، مطالعه متون ادبی و اطلاعاتی را وارد کرده‌اند، با افزایش رتبه در سواد خواندن نسبت به دیگر کشورها روبه‌رو بوده‌اند.

رسانه‌ها: در کنار سایر عوامل، رسانه‌های آموزشی مانند کتاب، روزنامه و مجلاتی مانند مجلات کمک آموزشی رشد، به رشد و توسعه سواد خواندن در دانش‌آموزان کمک می‌کنند و زمینه‌های پیوستگی افکار را در فرایند یادگیری فراهم می‌آورند. این منابع کمک آموزشی در توسعه و رشد معنای متن خواندنی در ذهن دانش‌آموزان مؤثرند و به گسترش دامنه لغات آن‌ها کمک می‌کنند. رسانه‌ها معنا و مفهوم متن خوانده شده را سریع‌تر منتقل می‌کنند و تجاربی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند که کسب آن‌ها از راه‌های دیگر چندان امکان‌پذیر نیست. در نتیجه به تکامل، عمق و میزان یادگیری از محتوای خوانده شده می‌افزایند [آهنچیان، ۱۳۸۳].

معماری اطلاعات در مجلات رشد

«معماری اطلاعات» چارچوب و استاندارد حداقلی را در نظر می‌گیرد. این مفهوم اولین بار توسط ریچارد ورمن

مطرح شد. ورمن معماری بوده که در برهه‌ای تجربه کار گرافیکی و نویسندگی پیدا کرد. او در بحث خود از معماری استفاده می‌کند و می‌گوید: «در دنیای جدید، ما باید به سمت معماری اطلاعات برویم.» منظور او از معماری بحث «دیزاین» است. دیزاین نقطه مشترک معماری، نویسندگی و گرافیک است. البته اگر بخواهیم نویسندگی را بحثی گسترده‌تر بدانیم، می‌توانیم بگوییم بخشی از نویسندگی دیزاین است. یعنی همان‌طور که در معماری می‌کوشیم با چیدمان و گسترش دادن موضوع، اهداف معمارگونه خودمان را

برای مخاطب معنادار کنیم، در گرافیک دقیقاً روی همین نقطه کار می‌کنیم. ورمن می‌گوید: سازمان‌دهی الگوها در قالب داده‌ها و ارائه داده‌ها به صورت واضح و در عین حال پیچیده هدف معماری اطلاعات است.

این بحث چند سال بعد در دانشگاه پی‌گیری شد و بعدها در آمریکا به صورت یک قانون درآمد و در کشورهای دیگر هم گسترده شد. این جریان به رسانه‌ها هم رسید و چند شاخه ایجاد کرد: یکی «ساختار منطقی» که هر مطلب می‌تواند داشته باشد؛ دیگری «ساختار محتوایی» که می‌تواند به کمک ساختار منطقی بیاید تا آن را بارور کند و سرانجام «ساختار صفحه‌آرایی» و «ساختار ذخیره‌سازی». در مجلات با ساختار متفاوتی روبه‌رو هستیم. هر کدام از این ساختارها یک موضوع را نشان می‌دهند. ساختار اطلاعاتی به اصالت فرهنگی و ریشه مطلب اشاره می‌کند، ساختار صفحه‌آرایی درک گرافیکی نویسنده را نشان می‌دهد، ساختار محتوایی درباره بحث تکنیکی است و ساختار فیزیکی و چاپ بر نمود بیرونی و عینیت یافته و کالایی مجله تأکید دارد.



متفکران
آموزش و پرورش
کشور طی
پژوهش‌هایی به این
نتیجه رسیدند که یکی
از شاه کلیدهای ارتقای
آموزش و پرورش،
ارتقای سطح خواندن
است. البته نه فقط
خواندن کتاب درسی،
بلکه خواندن برای
لذت بردن، سرگرمی و
فهمیدن

- همکاری و تعامل دو طرفه باعث می‌شود، مدت زمانی که مخاطب به مطلب مجله نگاه می‌کند، افزایش یابد و مجله خواندنی‌تر شود.
- در تنظیم الگو برای معماری مطالب؛ جنس مطالب، بر اساس اهداف مجله تغییر می‌کند.
اگر مطالب مجله موضوعات روز باشند، مثل ورزش، اوقات فراغت و گردشگری، کمک می‌کنند مجله برد بیشتری داشته باشد. قطعاً در اینجا کیفیت عکس و مطالب نیز مهم است.

توجه به معماری اطلاعات، یعنی چینش و جایگاه مطالب در مجله، ما را به طراحی

«لی‌آوت» می‌رساند. لی‌آوت در واقع قالبی است که مطالب در آن قرار خواهد گرفت؛ گرچه هیچ کس عملاً با این قسمت چندان در تماس نیست و آن را لمس نمی‌کند. در چینش مطالب می‌توان بخش‌های متعددی ایجاد کرد تا علاوه بر حفظ پیوستگی، قسمت‌های کوتاه‌تری همراه و در کنار مطلب اصلی ارائه شود. مدت زمانی که شخص احتیاج دارد ۱۰۰ کلمه را بخواند، خیلی کمتر از آن است که بخواهد ۵۰۰ کلمه را بخواند. در نتیجه، کادربندی مطلب خیلی به خواندن او کمک می‌کند. معمولاً دو صفحه مطلب گزارش و گفت‌وگو حدود ۱۲۰۰ کلمه می‌شود. اگر همه این مطالب به صورت یکنواخت چیده شوند، جذابیتی ایجاد نمی‌کند و خواندنی نیست. در حالی که اگر قسمت‌های کلیدی به صورت کادر در کنار مطلب اصلی بیایند، یا مطلب با میان تیتربندی همراه شود، خیلی به خواندن کمک خواهد کرد [سالاری، ۱۳۸۵]. بنابراین با پشت سرهم گذاشتن و کنار هم چیدن اطلاعات، نویسنده متن را تحت سیطره خود می‌گیرد و درجه تأثیرگذاری آن را بالا می‌برد.

هر مجله مجموعه‌ای اهداف اصلی دارد که خط مشی و جایگاه مجله را در حوزه مربوط به آن در بر می‌گیرد و این اهداف الگویی دارند. این الگو که همان «معماری مطلب» است، کمک می‌کند که اهداف مجله به بهترین شکل ممکن به مخاطب منتقل شوند. مجلات حوزه‌های متفاوت دارند و اهدافشان با هم فرق دارد. هر مجله بر اساس اهدافش قواعد خاصی برای تهیه مطلب دارد. یکی از وظایف مهم این است که بین گرافیک و متن، بر اساس نیاز مخاطب، توازن برقرار کند. یکی از قابلیت‌های الگوی

معماری اطلاعات این است که در تعریف مجله، بر اساس اهداف و گروه مخاطب، چینش‌ها و بخش‌های متفاوتی برای مجله به وجود می‌آورد [شیخ‌دارانی، ۱۳۸۱].

باید گروه مخاطب را شناخت. این موضوع به چگونگی انتقال مطالب به آن کمک می‌کند. به خاطر سرعت بالای انتقال اطلاعات در میان بچه‌ها، مدت زمانی که آن‌ها صرف می‌کنند تا موضوعی را جذب کنند، شاید به چند ثانیه برسد. در نتیجه مهم است که به وسیله گرافیک و المان‌های گرافیکی کاری کرد که مدت زمانی که قرار است مخاطب صرف ورق زدن مجله کند، بیشتر شود. به این ترتیب گرافیک به کمک تحریریه می‌آید تا باعث شود، مطلب بهتر به مخاطب منتقل شود. درباره گرافیک چند نکته قابل توجه وجود دارد:

-گرافیک از تحریریه قابل جدا شدن نیست. در کار حرفه‌ای، نکته مهم تعامل بین دو بخش است و نمی‌توان سردبیر، مدیر داخلی و گرافیک را از هم جدا کرد. نظر همه این افراد بر همه شئون مجله حاکم است.

نقش مطالعه مجلات رشد در پیشرفت سواد خواندن کودکان

مطالعه غیر درسی، باعث بالا رفتن سطح فکر و فعال شدن ذهن کودکان و نوجوانان می‌شود. وقتی سطح فکری دانش‌آموز بالا رفت و ذهن او فعال شد، امکان فراگیری درس‌های مدرسه برایش بهتر فراهم می‌شود. به عبارت دیگر، دانش‌آموزی که همگام با مطالعه درسی، به طور جدی به مطالعه کتاب‌ها و نشریات غیر درسی نیز می‌پردازد:

- دارای سطح فکر و اندیشه‌های وسیع می‌شود.
- ذهنش برای فراگیری فعال‌تر می‌شود.
- گنجینه لغاتش کامل‌تر می‌شود.
- افق‌های جدیدی پیش رویش باز می‌گردد.
- آمادگی‌اش برای یادگیری درس‌های مدرسه بیشتر می‌شود.

- حس همانندسازی، الگوگیری رفتاری و شکل‌گیری شخصیت در او تقویت می‌شود.

- به صورت جدی‌تر و قوی‌تری در راه کسب علم گام بر می‌دارد [مرادپور، ۱۳۸۶].

از چنین منظری است که مطالعه مجلات رشد باعث افزایش یادگیری یادگیرندگان می‌شود. ایجاد ارتباط بین مطالب درسی و زندگی اجتماعی، به عمق بخشیدن یادگیری و علاقه به تحصیل کمک می‌کند [لاریک، ۱۳۸۷]. مجلات رشد هم در صدد هستند این زمینه را پررنگ کنند. سابقه این کار نه به سال‌های اخیر، بلکه به سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ برمی‌گردد. در این دوران، متفکران آموزش و پرورش کشور طی پژوهش‌هایی به این نتیجه رسیدند که یکی از شاه‌کلیدهای ارتقای آموزش و پرورش، ارتقای سطح خواندن است. البته نه فقط خواندن کتاب درسی، بلکه خواندن برای لذت بردن، سرگرمی و فهمیدن.

طبق اسناد بالادستی آموزش و پرورش، مانند «سند تحول بنیادین»، آموزش به چارچوب برنامه درسی و کلاس درس محدود نیست. باید پنجره‌ها را باز کرد و آموزش را به مسجد، پارک، حیاط مدرسه، کتابخانه و ... برد. از طرف دیگر، منابع آموزشی را نیز باید متنوع و متکثر کرد. در کنار کتاب درسی رسمی، رسانه‌های دیگر از جمله نشریات، مجلات کمک آموزشی و رسانه‌های مجازی و آنلاین نقش اساسی دارند. در این میان، مجلات رشد جای خالی موضوعاتی را که در کتاب درسی نیستند، به شیوه بازی، لذت و سرگرمی پر می‌کنند. این روش دانش‌آموزان را به وجد می‌آورد و در نتیجه یادگیری واقعی اتفاق می‌افتد [دشتی، ۱۳۹۰].

پیشنهادات و راهکارهای افزایش اثر بخشی مطالعه مجلات رشد توسط دانش‌آموزان

۱. بررسی نقش و اهمیت مطالعات غیردرسی دانش‌آموزان به منظور تغییر دیدگاه و همسوسازی نظرات همکاران در جلسات شورای معلمان مدارس.
۲. اختصاص برخی از ساعات انشا به کتابخوانی و مطالعه مجلات رشد توسط دانش‌آموزان در کلاس درس.
۳. آگاه‌سازی اولیای دانش‌آموزان از اهمیت و نقش مطالعه غیردرسی و به‌خصوص مجلات رشد، در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان.
۴. برگزاری مسابقه از مطالب و محتوای مجلات رشد پس از توزیع آن بین دانش‌آموزان و اهدای جوایز مناسب به دانش‌آموزان منتخب.
۵. ارائه کار پژوهشی در کلاس و مدرسه و مرتبط با موضوع دروس مختلف، از محتوای مجلات رشد.
۶. برگزاری نمایشگاه‌های مجلات رشد.
۷. کاهش حجم و «مسئله محور» نمودن محتوای کتاب‌های

دوره ابتدایی به مجلات رشد (dabestanemardani.blogfa.com)

۷. کاکوجویباری، علی اصغر؛ شقاقی، فرهاد؛ فرح، فاطمه (۱۳۸۷). «تأثیر کتاب‌های جدید فارسی دوره ابتدایی در سواد خواندن دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران». مطالعات برنامه‌درسی. تابستان ۳۸۷. دوره ۳. شماره ۹.

۸. کریمی، عبدالکریم و همکاران (۲۰۱۱). گزارش پیشرفت سواد خواندن پژوهشکده مطالعات آموزش و پرورش.

۹. لاریک، نانسی (۱۳۸۷). چگونه بچه‌هایمان را به مطالعه تشویق کنیم. ترجمه: مهین محتاج. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تهران.

۱۰. مدیری، لیلا (۱۳۷۸). «بررسی روش‌های خواندن گسترده در تقویت مهارت خواندن». دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه دفاع شده کارشناسی ارشد. تهران.

۱۱. مرادپور، مهین (۱۳۸۶). چرا جوانان باید مطالعه کنند؟ (rafe.blogfa.com).

۱۲. مصطفی زاده، علی (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر یادگیری دانش‌آموزان. وبلاگ دبستان پسرانه ۱۷ شهریور مریوان.

درسی.

۸. تغییر روش تدریس و اکتفا نکردن به یک منبع آموزشی در نظام آموزشی کشور.

۹. برقراری ارتباط با اولیای دانش‌آموزان و توجیه و حساس کردن آن‌ها نسبت به ضرورت مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان.

۱۰. تهیه و تدوین مجلات رشد متناسب با ویژگی‌های سنی دانش‌آموزان.

۱۱. جذب دانش‌آموزان با استفاده از روش‌های گوناگون، استفاده از مشوق‌ها و ...

۱۲. برنامه‌ریزی و گنجانیدن ساعاتی به عنوان «ساعت مطالعه غیردرسی» در برنامه درسی هفتگی.

۱۳. تلاش بیشتر رسانه‌های جمعی برای ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه مجلات رشد، با طراحی برنامه‌های آموزشی متعدد و مرتبط.

۱۴. بررسی مطالب و محتوای مجلات رشد در جلسات گروه‌های آموزشی [عظیمی، ۱۳۸۴].

منابع

۱. آهنگچیان، محمدرضا، و همکاران (۱۳۸۳). اقدام پژوهی: راهبردی برای بهبود آموزش و تدریس. وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت. تهران.

۲. دشتی، محمد. (۱۳۹۰). از طلوع پیک تا فروغ رشد، تاریخ نشریات آموزشی در ایران. دفتر انتشارات کمک آموزشی. تهران.

۳. زندی، بهمن (۱۳۹۳). زبان آموزی. انتشارات سمت.

۴. سالاری، حسن (۱۳۸۵). محصولات کمک آموزشی (jazirehdanesh.com)

۵. شیخ‌دارانی، هما (۱۳۸۱). «بررسی میزان استفاده از مجلات رشد و تأثیر مطالعه آن‌ها بر دانش، انگیزه تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) شهرستان فریدن». سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱.

۶. عظیمی، بی‌نا (۱۳۸۴). شیوه‌هایی جهت علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان





هدایت تحصیلی و مجلات رشد

گفت‌و‌شنود دکتر علی‌اصغر احمدی در باب «مشاوره و هدایت تحصیلی» با حضور سردبیران مجلات رشد عمومی

بحث مهمی است. چون تمام دانش‌آموزانمان در نهایت باید وارد جامعه و شبکه اجتماعی شوند و در مشاغل و مناصب گوناگون و جایگاه‌های اجتماعی، جای خود را پیدا کنند.

شما تجسم کنید که دانش‌آموزان از مدرسه خارج می‌شوند و وارد این شبکه می‌شوند. اینکه ما راه آن‌ها را مشخص کنیم که کجا بنشینند و در چه جایگاهی قرار بگیرند، در آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد. با همین هدایت تحصیلی - که الان در کلاس نهم اتفاق می‌افتد - اگر ما چرخه‌ای داشته باشیم که این هدایت درست صورت بگیرد تا هر آدمی با توجه به قابلیت‌ها، توانایی‌ها و استعدادهایش واقعاً در جامعه سر جای خودش بنشیند، در هدایت او موفق بوده‌ایم. این وضعیت را مقایسه کنید با وضعیتی که این توزیع غلط انجام بگیرد و هر کس در

مجلات رشد نمی‌توانند نسبت به دغدغه‌های کلان جامعه بی‌تفاوت باشند. دغدغه «هدایت تحصیلی» و هموار ساختن مسیر دانش‌آموزان در انتخاب رشته تحصیلی که قطعاً با آینده تحصیلی و شغلی آنان گره خورده است، از جمله این مسائل است. به منظور تبیین این موضوع، نشستی با حضور دکتر علی‌اصغر احمدی، صاحب‌نظر و پیشکسوت در حوزه مشاوره و سردبیر مجله رشد آموزش مشاور مدرسه و سردبیران مجلات عمومی رشد در روز دهم خرداد ۱۳۹۵ برگزار شد.

علی‌اصغر احمدی: بحث هدایت تحصیلی از جمله مباحثی است که اگر به وسعت و گستردگی آن توجه داشته باشیم، می‌بینیم که به لحاظ «سرمایه انسانی»



رسیده و هنوز هم از طریق رئیس‌جمهور ابلاغ نشده است. در این نگاه، هدایت تحصیلی در انتخاب رشته خلاصه می‌شود. هدایت تحصیلی به معنای انتخاب رشته تلقی می‌شود و تمام کارهایی که در زمینه هدایت تحصیلی انجام می‌گیرد، این است که دانش‌آموزان بروند و رشته‌ای از شاخه‌های کلی نظری، حرفه‌وفن و کاردانش را انتخاب کنند و بعد از آن شاخه‌ها، زیرشاخه‌ها را انتخاب کنند. آیین‌نامه بر این اساس تدوین شده است.

ولی نگاه دیگری هم وجود دارد که من آن را بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهم. من در تدوین این آیین‌نامه هم نقشی داشتم. من نگاه دیگری به هدایت تحصیلی دارم که آن را برای آموزش و پرورش بسیار ضروری‌تر می‌دانم. بر اساس این نگاه، بچه‌ها از ابتدایی که وارد مدرسه می‌شوند، باید گام به گام به موانع تحصیلی‌شان و مشکلاتی که در زمینه تحصیل دارند، شناسایی شود و نظام آموزش و پرورش به برطرف کردن مشکلات آن‌ها کمک کند. مثلاً فرض کنید، دانش‌آموزی روش مطالعه بلد نیست و نمی‌داند چگونه مطالعه کند. هدایت تحصیلی باید بتواند دانش‌آموزان را از چنین دست‌اندازهایی عبور بدهد. مسائل عدیده‌ای در این زمینه وجود دارند. بعضی بچه‌ها انگیزه، اعتماد به نفس و عزت نفس خود را از دست می‌دهند. من هدایت تحصیلی را کمک برای عبور از این گردنه‌ها و گذرگاه‌ها می‌دانم.

در آیین‌نامه هدایت تحصیلی، به عنوان فرایند ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره آمده است که دانش‌آموزان، ضمن آشنایی با استعدادها، توانایی‌ها و علاقه‌های خویش، باید نیازهای جامعه را بشناسند و بر اساس آن به صورت آگاهانه شاخه و رشته تحصیلی خود را انتخاب کنند. این سند هدایت تحصیلی را به عنوان ارائه خدمات راهنمایی

جایی بنشیند که شایستگی ندارد یا تناسبی بین جایگاه و شخص وجود نداشته باشد.

البته همه چیز هم به آموزش و پرورش مربوط نیست، ولی آموزش و پرورش در اینجا نقش بسیار مهمی دارد و توزیع نیروهای انسانی، عظمت کار، اهمیت آن و تأثیری که بر جامعه، تاریخ، علم و کشور دارد، بسیار مهم است. بر اساس تحقیقات و مطالعات انجام شده، تا به حال هم توزیع موفق‌ی صورت نگرفته است. خب این یک ترسیم کلی از هدایت تحصیلی است که کوشیدم به صورت یک نگاه کلی مطرح کنم.

در مورد مفهوم هدایت تحصیلی دو نگاه داریم که از قدیم وجود داشته‌اند: که یکی از آن‌ها نگاه آموزش و پرورشی است. در مورد هدایت تحصیلی آیین‌نامه‌ای در اسفندماه در «شورای عالی آموزش و پرورش» به تصویب



احمدی: در آیین‌نامهٔ هدایت تحصیلی، به عنوان فرایند ارائهٔ خدمات راهنمایی و مشاوره آمده است که دانش‌آموزان، ضمن آشنایی با استعدادها، توانایی‌ها و علاقه‌های خویش، باید نیازهای جامعه را پیشنهاد و بر اساس آن به صورت آگاهانه شاخه و رشتهٔ تحصیلی خود را انتخاب کنند

واقعاً ما می‌توانیم به وسیلهٔ این‌ها هدایت تحصیلی دقیقی را اعمال کنیم و بدانیم که فرد دقیقاً به کدام مسیر باید برود؟

ما در طول سالیان گذشته پیوسته راه غلط رفته‌ایم. ما در مورد مثلاً نتایج آزمون‌ها دوتا تست داریم: یکی «پرسش‌نامهٔ رغبت‌سنجی» است و یک «آزمون سنجش استعداد». این آزمون را دکتر محمدنقی براهنی استاندارد کرد و برای آموزش و پرورش ایران ساخت. در اینجا یک سلسله توانایی‌های پایه‌ای که در مجلات به کار ما می‌آید، سنجیده می‌شود؛ مثل معنای واژه و تسلط روی

آن، استدلال کلامی، کفایت اطلاعات، استدلال ادبی، استدلال استنباطی، استدلال منطقی و مانند آن. این سنجش در نهایت به ما می‌گوید که در هریک از این استعدادها پایه‌ای دانش‌آموز چه نمره‌ای گرفته است. ما تا به اینجا استعدادهایی را می‌سنجیم که حتی خود دانش‌آموز هم از آن آگاهی ندارد. معلمان هم از آن آگاهی ندارند. پرسش‌نامهٔ رغبت‌سنجی واضح‌تر است. مثلاً دربارهٔ موضوعات مورد علاقه پرسش می‌کند. چند تست دیگر هم اجرا می‌شود. در یک تست ویژگی‌های آسیب‌شناسی کودکان بررسی می‌شود که تحت عنوان «سلامت روان» است.

محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: شرایط اجرا بسیار اهمیت دارد که رعایت نمی‌شود. آموزش و پرورش آیین‌نامه‌های سختی برای اجرا دارد و رغبت دانش‌آموزان را برای اجرای آزمون و زمان آن در نظر نمی‌گیرد.

و مشاوره تعریف کرده است. تعریف اول ما به طور سنتی از قدیم و زمانی که دورهٔ راهنمایی درست شد، همین بود که بچه‌ها را هدایت کنند به رشته‌ای خاص. الان این هدایت به کلاس نهم منتقل شده است. یعنی هدایت تحصیلی به همان معنا در نهم اجرا می‌شود. ولی همین آیین‌نامه آموزش و پرورش را مکلف کرده است که نظام جامع هدایت تحصیلی را از ابتدایی شروع کند. یعنی آموزش و پرورش در دو سال باید نظام جامع هدایت تحصیلی را از ابتدایی شروع کند تا انتهای دبیرستان. ولی فعلاً همین انتخاب رشتهٔ کلاس نهم

است تا بعداً نظام جامع مشاوره و هدایت تحصیلی را مطرح کنیم.

انتخاب رشته در پایهٔ نهم

در اینجا آمده است که هدایت باید از ابتدایی شروع شود، ولی امروز صحبت ما انتخاب رشته در کلاس نهم است. در اینجا ملاک‌ها و عوامل انتخاب رشته را ملاحظه می‌فرمایید. برای نظر خود دانش‌آموز، نتایج عملکرد تحصیلی، نتایج آزمون‌های مشاوره‌ای، نظر معلمان، نظر والدین و نظر مشاور امتیاز تعیین شده است. نظر دانش‌آموز ۱۰ درصد، نتایج عملکرد تحصیلی ۳۵ درصد، نتایج آزمون‌ها ۳۰ درصد، نظر معلمان ۱۰ درصد، نظر مشاور ۱۰ درصد و نظر والدین ۵ درصد تعیین شده است. هنوز ما ضوابط چگونگی توزیع این درصدها را نداریم و آموزش و پرورش باید شیوه‌نامهٔ آن را تنظیم کند. منبع انجام این هدایت تحصیلی همین شش مورد است. آیا



احمدی: هدایت
تحصیلی به معنای کمک
به دانش آموز در جهت
عبور موفقیت آمیز از
تنگناها و گذرگاه‌های
تحصیلی و اجتماعی
به منظور به فعلیت
رساندن توانایی‌های
عقلی و علمی خود،
و تحقق یک زندگی
دانایی محور و در نهایت
رسیدن به سطحی از
حیات طیبه است

احمدی: من توضیحی در مورد دیدگاه خودم بدهم. این سیستم گرچه انتظامی پیدا کرده و مسئله هدایت تحصیلی بر اساس این ابزارها و ملاک‌ها شکل گرفته است، اما من آن را مستقیماً با کار مجلات مرتبط نمی‌دانم. کودکان به شکل‌های گوناگون با تحصیل مشکل پیدا می‌کنند و این مشکلات هیچ‌کدام در آیین‌نامه وجود ندارند. هدایت تحصیلی را بر این اساس من این‌گونه تعریف می‌کنم: هدایت تحصیلی به معنای کمک به دانش‌آموز در جهت عبور موفقیت‌آمیز از تنگناها و گذرگاه‌های

تحصیلی و اجتماعی به منظور به فعلیت رساندن توانایی‌های عقلی و علمی خود، و تحقق یک زندگی دانایی محور و در نهایت رسیدن به سطحی از حیات طیبه است. من هدایت تحصیلی را شناسایی هرگونه مانعی در این مسیر و برطرف کردن آن می‌دانم.

دوره نوجوانی مباحث گسترده‌ای را به میان می‌کشد. مثل گرایش بچه‌ها به طرف دوستان و تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفتن و قطع ارتباط با تحصیل و ازدگی از محیط تحصیل با رفتار معلم و ... الان در مدارس خوب ما هم این جور بچه‌ها را اخراج می‌کنند. این یک نگاه انسانی به تربیت نیست. ما از پیش‌دستانی باید ببینیم بچه‌ها چه تصویری از معلم و رویکرد حل مسئله دارند. ما از همان دوره باید رویکرد حل مسئله را در بچه‌ها تقویت کنیم. رویکرد حل مسئله رویکردی دائمی است و تمام رسانه‌هایی که با بچه‌ها ارتباط دارند باید این رویکرد را منتقل کنند.

من هدایت تحصیلی را به این معنا مورد تأکید قرار

می‌دهم و معتقدم که این معنا بسیار اهمیت دارد. البته این معنا از تعیین رشته غفلت نمی‌کند. منتها با این رویکرد من روش‌هایی را برای هدایت تحصیلی توصیه می‌کنم که می‌توان آن‌ها را در مجلات هم منعکس کرد. یکی اینکه مشاهده دقیق از دانش‌آموزان صورت بگیرد. ارزشیابی توصیفی به این منظور وضع شد که به جای اینکه ما بچه را با نمره ارزیابی کنیم، با قابلیت‌های گوناگون فردی ارزیابی کنیم. توانایی رهبری، توانایی‌های مختلف شناختی، هوش‌های چندگانه، همه در

این ارزشیابی توصیفی شناسایی می‌شوند. در مورد نبوغ می‌توان گفت، نبوغ استعدادی خدادادی است که ربطی به آموزش ندارد و آموزش در آن نقش چندانی ندارد. در کشور ما نبوغ تشخیص داده نمی‌شود. انواع و اقسام نبوغ داریم. بین نبوغ و دیوانگی مرز باریکی وجود دارد، به این خاطر که فرد چیزهایی را می‌گوید که جامعه نمی‌فهمد. ولی این‌ها را چه کسی باید هدایت کند؟ این‌ها قابلیت‌هایی هستند که در هدایت تحصیلی دیده نشده‌اند. من هدایت تحصیلی را به این نحو می‌بینیم که شامل چهار توصیه است:

۱. مشاهده دقیق دانش‌آموز.
۲. قرار دادن دانش آموز در موقعیت‌های شغلی و حرفه‌ای و موضوعات گوناگون علمی، اجتماعی و فرهنگی. خلایی که ما در آموزش و پرورش داریم، این است که بازدید و اردو داریم، ولی هیچ‌کدام را با هدف هدایت تحصیلی انجام نمی‌دهیم. در **روسبیه** برای انتخاب فضانورد، از دوره دبستان فعالیت‌های هوافضا را به



نیره شاه‌محمدی، مسئول پژوهش دفتر: این موضوع دغدغهٔ همیشگی من بوده است و اعتماد زیادی هم به این تست‌ها نداشته‌ام. چون حاصلش را دارم می‌بینم. من در زمان خودم هم اگر به این شکل هدایت می‌شدم، مطمئن هستم که همان مسیر نادرستی را که انتخاب کردم، به من پیشنهاد می‌دادند. فقط می‌خواستم نمونه‌ای را مثال بزنم. در مسابقات مباحثهٔ علمی که اخیراً برگزار شد، یک بخش کارهای جمعی و یک بخش مجلس دانش‌آموزی داشتیم. بچه‌ها باید از طرح و لایحهٔ خود دفاع می‌کردند. یکی از طرح‌ها همین بود که از هدایت نادرست ناراحت بودند و پیشنهاد کارورزی تابستان را داده بودند. در پیشنهادشان هم سه سال اول و سه سال دوم را دیده بودند. طرح خیلی خوبی بود و بچه‌ها الان احساس نیاز بیشتری می‌کنند و طرح‌های خوبی هم پیشنهاد می‌دهند. به‌قدری این طرح را جامع دیده بودند که حتی بودجه را هم پیش‌بینی کرده بودند. یکی از دوستان نقل می‌کرد که در کانادا بچه‌ها در تابستان حتماً شغلی دارند. به این تربیت هم مهارت کسب می‌کنند و هم می‌فهمند به چه کاری علاقه دارند. شاید مورد دوم راهنمایی شما را به این شکل بتوان پیاده کرد.

احمدی: ما باید حتماً به این سمت برویم که به فرد نگاه همه‌جانبه شود، نه اینکه بر اساس چند نمره فرد را هدایت کنیم.

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: من جواب نگرانی‌هایم را نگرفتم. چند نکته را از منظر پدر و مادر و نیز از منظر سردبیر رشد جوان می‌خواهم بگویم. اشکالی در نظام آموزش و پرورش می‌بینم که خودمان هم جزئی از آن هستیم. اشکال هم اینجاست که ما برای فرهیخته‌های جامعه برنامه‌ریزی می‌کنیم و به دنبال آن هستیم که

دانش‌آموزان نشان می‌دادند. سپس بچه‌هایی را که در این زمینه گیرندگی خاصی داشتند و چنین مسائلی را دریافت می‌کردند، آرام آرام جدا می‌کردند و در زمینهٔ آموزش‌های مربوط به فضانوردی هدایت می‌کردند. این اردوها برای تفریح نیست، برای بروز بخشی از شخصیت فرد است. می‌توانیم این موارد را در قالب مقاله در رشد معلم به خوبی انعکاس دهیم. باز دیده‌ها باید جنبهٔ استعدادشناسی داشته باشند. من به عنوان روان‌شناس، هیچ‌کدام از روش‌ها را به اندازهٔ این روش دارای اعتبار نمی‌دانم.

توصیهٔ من این است که یک سال را به عنوان سال هدایت تحصیلی در نظر بگیریم. از ابتدای سال به کودک بگوییم که امسال باید تعیین رشته کند و به دنبال رشته‌ها و مشاغل برود و آن‌ها را بشناسد.

۳. بررسی نمرات و آزمون‌ها.
۴. مصاحبه با والدین و افرادی که دانش‌آموز را می‌شناسند. والدین در هدایت تحصیلی بچه‌هایشان اغلب از منابع انحرافی بچه‌هایشان را هدایت می‌کنند. والدین باید بچه‌هایشان را آزاد بگذارند.

برای آن افرادی که هر سال خارج می‌شوند و می‌خواهند دکتر، مهندس یا روان‌شناس شوند، برنامه‌ریزی کنیم تا خوب تربیت شوند. آموزش و پرورش باید به هدایت عوام بیشتر فکر کند تا خواص. جامعه فروشنده می‌خواهد و نانوا هم می‌خواهد، ولی ما این‌ها را پرورش نمی‌دهیم. ما هر سال ۴۵۰ هزار دانش‌آموز در رشته تجربی می‌پذیریم. الان فارغ‌التحصیل فرهیخته زیاد شده‌اند و جامعه توان هضم آن‌ها را ندارد. به نظرم هدایت تحصیلی این است که قدری بچه‌ها را از تحصیل دور کنیم و به زندگی و کار کردن ترغیب کنیم. در اغلب پست‌های اداری فرد باید علوم انسانی خوانده باشد، اما کم‌سوادترین افراد را در دبیرستان وارد رشته علوم انسانی می‌کنیم. احساس می‌کنم که آموزش و پرورش باید در این موضوع بازنگری کند و دریابد که هدف ادامه تحصیل نیست، بلکه ورود به زندگی است.

سپیده چمن‌آرا، سردبیر رشد برهان متوسطه ۱:
ارزیابی توصیفی قرار بود دبستان را دربر بگیرد، اما در سوم دبستان متوقف شد. شکست خورد چون معلمان توجیه نبودند. کار معلمان این بود که نمره‌های کمی را دسته‌بندی می‌کردند و در قالب ارزشیابی توصیفی وارد کارنامه کنند. اگر قرار است نظام جامع آموزش پیاده شود، باید معلمان توجیه باشند. نمی‌شود ما دستورالعمل صادر کنیم و انتظار داشته باشیم که این اتفاق بیفتد.

نکته دوم اینکه شما گفتید آزمون سنجش استعداد حاوی سؤالاتی است که توانایی‌های مربوط به استعدادهایی را می‌سنجد که در آموزش ما نیست. این هم می‌تواند خوب باشد، ولی به نظرم ممکن است اعتبار نداشته باشد. چون دانش‌آموز اصلاً نمی‌داند چطور باید جواب دهد. مگر اینکه تکرار شود و همراه با فرایندی

باشد که به بچه‌ها توضیح داده شود که از آن‌ها چه چیزی خواسته می‌شود.

نکته مهم دیگر والدین هستند. من فکر می‌کنم ما یادمان می‌رود که نقش والدین سه برابر نقش ماست. بچه‌ها هشت ساعت در مدرسه‌اند و بقیه ساعات شبانه‌روز در منزل هستند. والدین از هر لحاظ مؤثر هستند. وقتی والدین توجیه نباشند و می‌ترسند که بچه وارد جامعه شود، اجرای درست این طرح‌ها خیلی سخت می‌شود. واقعاً مهم است که به این زیرساخت‌ها توجه داشته باشیم و خانواده را توجیه کنیم.

نکته آخر این که آقای قربانی درست گفتند که آموزش و پرورش ما برای خواص است. من این‌گونه از دید خودم می‌گویم که ما می‌خواهیم فرهیخته تربیت کنیم، نه شهروند.

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد: واقعیت
این است که مخاطبان ما در انتخاب شغل و شیوه تحصیلی دچار اوجاج شده‌اند. نسلی که برخی از آن‌ها خوب درس نمی‌خوانند، در سنین بالاتر دچار بی‌هویتی می‌شوند، چشم‌اندازی برای آینده تحصیلی خود به صورت روشن ندارند و در عین حال، به شکل بیمارگونه به دنبال صورت‌بندی و پیشوندهای تقلبی همچون دکتر و مهندس هستند. یکی از ابعاد مخاطب‌شناسی مجلات، «جامعه‌شناسی مخاطبان» است و این معضل در چارچوب آن می‌گنجد. به نظر می‌رسد در مجلات رشد باید بیش از هر چیز بر مفهوم «ارزش کار و تولید» و «تحصیل هدفمند» تأکید شود. خوش‌بختانه در حوزه‌های یادگیری به مقوله «کارآفرینی» توجه خاصی شده و سیاست کلان آموزش و پرورش اهتمام به تقویت گرایش به تحصیل در حوزه فنی و حرفه‌ای و کار دانش است. اگر در مجلات،

تصویری دلپذیر و خوشایند از کار و تحصیل به بچه‌ها ارائه شود، کار بزرگی شده است.

حشمتی: من فکر می‌کنم ما در مجلات رشد و مجلات دانش‌آموزی بحث هدایت تحصیلی را به شکل‌های مختلف داریم انجام می‌دهیم. من می‌توانم با این رویکرد همه مجلات را تحلیل کنم. نگرانی برای این موضوع نیست که ما کاری نکرده‌ایم. شأن مجلات رشد شأن راهنمایی است. اتفاقاً سوگیری ما کاملاً در راستای این نظام هدایت است و از این نظر نگرانی نداریم، منتها باید آن را غنی‌تر کنیم. پیشنهاد من این است که روی مهارت‌های تحصیلی کار کنیم. نسل جدید همان‌طور که آقای نادری می‌گویند، غلط‌آملائی بسیار زیادی دارد. ما در این قسمت می‌توانیم نقش داشته باشیم. در ارتباط با راهنمای شغلی هم ما کار کرده‌ایم. مجله رشد نوجوان سال‌هاست که روی این موضوع کار می‌کند. یکی از فلسفه‌های تغییر ساختار این بود که طول زمان آموزش عمومی را بیشتر کنند. پس مخاطب شما کسانی هستند که وارد دوره متوسطه دوم می‌شوند. ما باید نگاهمان را دقیق‌تر کنیم و به سمت شناخت بیشتر مخاطب پیش رویم.

کاظم طلایی، ناظر هنری مجلات رشد: به نظر من معلمانی که در این زمینه آگاهی ندارند، نباید در آن ورود پیدا کنند.

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان: ما هر موضوع و محوری که برای آن دور هم جمع می‌شویم، از محور اصلی خیلی دور می‌شویم و وارد موضوعات فرعی و مشکلات دیگر می‌شویم. فکر می‌کنم، اگر روی این موضوع بیشتر فکر کنیم، بهتر باشد. همچنین، از آنجا که مشکلات زیادی در جامعه داریم، این مشکلات تعلیم و تربیت ما را مختل کرده‌اند. وقتی با معلمان صحبت

می‌کنیم، در انتهایش به مسائل اقتصادی و مالی می‌رسیم. وقتی با والدین صحبت می‌کنیم، آن‌ها هم مشکلات خاص خودشان را دارند و به شدت گرفتار هستند. بحث هدایت تحصیلی بسیار اهمیت دارد و برای هر معلمی ۱۰ درصد این مأموریت را تعریف کنند، او باید حساس شود و باید از ابتدای کار به این موضوع پرداخته شود.

شهرام شفيعی، سردبیر رشد دانش‌آموز: دغدغه‌های شما بسیار درست و دقیق‌اند. در مورد صحبت‌های دوستان هم من چیزی پیدا نکردم که مخالفت کنم. فقط به نکته‌ای به عنوان تلنگر اشاره کنم. یکی اینکه اگر ما می‌خواهیم مدرک‌گرایی را در ذهن بچه‌ها و خانواده‌ها کم ارزش جلوه دهیم، چرا این قدر مدرک می‌خواهیم؟ باید مهارت را جایگزین مدرک کنیم. من شنیده‌ام در آمریکا بیشتر این‌طور است. یعنی اول باید مهارت داشته باشید و اگر مدرک داشته باشید، ارزش افزوده است. دوم اینکه به قول آقای جعفریان، این بحث در اختیارات آموزش و پرورش نیست، ولی ما داریم یک بحث فرهنگی می‌کنیم. نکته دیگر ترویج این تفکر است که نه دین می‌تواند به جای ما فکر کند، نه مدرک می‌تواند به جای ما فکر کند، نه ابزار و نه تکنیک. همه این‌ها وسایلی هستند که اگر از آن‌ها استفاده کنیم، بیندیشیم و تأمل کنیم، می‌توانند به ما کمک کنند. حتی دین‌دارانی که خودشان فکر نمی‌کنند و دینشان به جای آن‌ها فکر می‌کند، مسائل و تعصباتی را که می‌بینیم پیش می‌آورند. پس انسان در هر جایی که قرار دارد باید خودش فکر و تعقل کند. اگر تفاوت بین تفکر و تعقل را بپذیریم، تعقل مهم‌تر از تفکر و پارادایم تفکر است. تعقل آن نسخه انتزاعی است که در آن می‌توانیم هر تفکری داشته باشیم. تعقل در واقع اندیشیدن انتزاعی است. اگر معلمی که سر کلاس

درس می‌دهد، اندیشه‌ای که پشت آموزش و پرورش وجود دارد، مطبوعات و همه تأثیرگذاران فرهنگی بتوانند به دانش‌آموز بفهمانند که در کاری که انجام می‌دهد، مهم این است که احساس خوش‌بختی و رضایت کند و امرارمعاش کند، در حد معقول کار خود را انجام داده‌اند. پس باید فکر کنیم چه شد که همه می‌خواهند دکتر و مهندس شوند. شاید از اینجا بود که ما آمدیم برای هر منصبی یک مدرک قرار دادیم.

احمدی: من صادقانه گفتم که این گفت‌وگو را برای نزدیک شدن افکارمان در زمینه این موضوع تلقی کردم و خودم را یک طرف قضیه ندیدم. ولی اگر بخواهیم منطقی به این قضایا نگاه کنیم، ما در اکثر موارد همراه و موافق هستیم. مشکل ما این است که وقتی منطقی فکر می‌کنیم همین کارها را می‌کنیم، ولی در مقام عمل کار دیگری انجام می‌دهیم. من در صحبت‌هایم به دبیرستان و هدایت تحصیلی در این دوره اشاره کردم، اما برداشتی که شد در مورد دانشگاه بود. جامعه‌شناسی این مباحث با آن وقتی که ما منطقی فکر می‌کنیم، متفاوت است. ما سالیان سال است که بر سر این قضیه صحبت کرده‌ایم، ولی عملی نشده است. من با قسمت اعظم صحبت‌هایی که شد موافقم، منتها همین مقوله‌ها را می‌توانیم کمی متفاوت مطرح کنیم.

من خواهشی هم دارم: ما وقتی می‌خواهیم در مجلاتمان کسی را به عنوان الگو نشان دهیم، مثلاً دکتر حسابی را معرفی می‌کنیم، می‌توانیم افرادی را که در مهارت‌های کاری خود موفق بوده‌اند و مدرکی نداشته‌اند معرفی کنیم. همین باعث تشویق می‌شود.

بهترین عکس‌های تعلیم و تربیت در آلبوم ماست!

گزارش آیین پایانی نهمین دوره جشنواره عکس رشد

فقط کلاس درس آموزش نمی‌دهد

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و دبیر جشنواره خیرمقدم عرض می‌کنم خدمت همگی، خصوصاً دانش‌آموزان عزیز. دانش‌آموزانی که امروز در خدمتشان هستیم، دانش‌آموزان عزیز هنرستانی هستند و هنرستان جایگاهی بسیار بسیار بالا دارد و بیش از آن که جامعه به آن توجه دارد، باید به آن توجه شود. به خصوص رشته‌های هنری، اعم از عکاسی و فیلم‌برداری که ما در مجله «رشد جوان» عنایت ویژه‌ای به این دو شاخه هنری داشته‌ایم. اگر دانش‌آموزان مجله رشد جوان را ملاحظه کرده باشند، تأیید می‌کنند که در این سال‌ها نسبت به جشنواره فیلم رشد و به دانش‌آموزان فیلم‌ساز و عکاس عنایت ویژه‌ای شده است و جامعه هم توجه ویژه‌ای دارد. فضای امروز را فضای یادگیری تلقی کنید. در آموزش و

از اهداف برجسته وزارت آموزش و پرورش، پرورش استعداد‌های هنری دانش‌آموزان است. «جشنواره عکس رشد» بر این اساس، به دنبال تقویت تربیت هنری و زیبایی‌شناسی مخاطبان خود و در عین حال، در صدد کیفیت‌بخشی به محصولات خود اعم از کتاب‌های درسی، مجلات رشد و ... از طریق استفاده از عنصر «عکس» است.

آیین پایانی نهمین دوره جشنواره عکس رشد در دهم تیر ۱۳۹۵ در تالار فرهنگستان هنر با حضور مدیران سازمان، برگزیدگان و علاقه‌مندان به هنر عکاسی برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی از این مراسم است.

پرورش امروز، فقط کلاس درس به ما آموزش نمی‌دهد. نمایشگاه‌های هنری، از جمله همین نمایشگاه، می‌توانند برای شما بسیار مهم باشد و نوع نگاهی را که دوستان شما در بخش دانش‌آموزی به عکاسی داشته‌اند، مورد توجه بیشتری قرار دهید. از همه ممنون هستیم: اول از ۲۴۳۲ عکاسی که در این جشنواره مشارکت داشتند و ۱۵۳۱۸ عکس به این جشنواره فرستادند که به گفته داوران، جشنواره عکس رشد امروز در زمره جشنواره‌های عکاسی مورد اعتنای عکاسان حرفه‌ای قرار دارد. ممنون هستیم از همه حضار گرامی؛ معلمان، کارشناسان، دانش‌آموزان و مسئولان وزارت آموزش و پرورش، به ویژه **دکتر محمدیان**، معاون محترم وزیر و رئیس سازمان که حضورشان در این جلسه را بر یک جلسه مهم دیگر ترجیح دادند. ممنون هستیم از نوع نگاهی که نسبت به این مقوله دارند. از داوران عزیز، چه در بخش‌های مقدماتی و چه در بخش نهایی که از چهره‌های شناخته‌شده عکاسی کشور هستند، ممنون هستیم که با صبر و حوصله فراوان کار کردند. نتیجه آن همین ۳۰۰ عکسی است که برگزیده‌هایش را خواهید دید.

تبریک می‌گویم به همه ۱۵ برنده‌ای که در این جشنواره برگزیده شدند. خوش‌بخت هستیم از اینکه بیشتر افراد، به غیر از یک نفر، همه از شهرستان‌ها هستند. از بین شهرها، باید به اهالی تبریز و همدان تبریک گفت که دو برگزیده در این جشنواره داشتند. یکی از اهداف مهم جشنواره عکس رشد این بوده است که توجه جامعه را به موضوعات متنوع و مختلف آموزش و پرورش معطوف کند. جامعه عکاسان، اعم از بزرگان حرفه‌ای، عزیزان نیمه‌حرفه‌ای و دانش‌آموزان عزیزی که نوع نگاهشان نسبت به چند دهه قبل خیلی خیلی دقیق‌تر، حساس‌تر و قابل تأمل‌تر شده است، در بعضی از تصویرها ما را به لحظه‌هایی مهمان کرده‌اند که باید برای دقایقی بایستیم و ببیندیشیم. به نظر من دانش‌آموزان امروز

در سطحی به مراتب بالاتر نسبت به دانش‌آموزان دهه‌های قبل قرار دارند. خوش‌بختانه تجهیزات عکاسی و وجود این گوشی‌ها در دست بچه‌ها موجب شده است، آن‌ها بیشتر به این فضاها بیایند. کتابی به شما اعطا خواهد شد که این ۳۰۰ عکس و بیانیه هیئت داوران در آن آمده است. حتماً به این بیانیه توجه کنید. نکات مهمی در آن هست. اجازه بدهید من به نمایندگی از برگزارکنندگان این جشنواره و وزارت آموزش و پرورش بر این نکات تأکید کنم. این نکات عبارت‌اند از:

- نگاه واقعی و امیدآفرین به وضعیت موجود با توجه و تکیه به توانمندی‌های ملی و منطقه‌ای.

- نگاه علمی و حرفه‌ای به مفهوم آموزش و یادگیری در آینده تصویر.

- فضاسازی برای انتقال پیام‌های مورد نظر به مخاطبان از طریق عکس که ما دغدغه عکس آموزشی داریم.

- توجه هر چه بیشتر به موضوع عکس در مجلات رشد و بالاتر از آن، در کتاب‌های درسی که بسیار مهم است.

- تلاش برای خلق آثار جدید و خلاقانه و تأثیرگذار، نه ارسال عکس‌های آرشیوی.

به هر صورت، به این جشنواره خوش آمدید و از اینکه شما را زیارت می‌کنیم، بسیار خوش‌حالیم و از اینکه دورنمای ما برای عکاسان جوان و عکاسان دانش‌آموز آینده‌ای بسیار درخشان است، خدای بزرگ را شکر می‌کنیم.

عکاسی تاریخ ۱۹۰ ساله دارد

حسن غفاری، داور جشنواره و کارشناس هنر عکس و عکاس

۱۹۰ سال از تاریخ عکاسی می‌گذرد. یعنی عکاسی یک تاریخ ۱۹۰ ساله دارد و جالب است که بدانید چند سال، فقط چند سال بعد از اختراع دوربین عکاسی، عکاسی وارد

مخترعان بود. در ۱۹۰ سال پیش اوج هنر کارهای رئال و واقع‌گرایانه بود. هر قدر واقعی‌تر و عینی‌تر تابلو را ترسیم می‌کردید، تعریفشان به هنر نزدیک‌تر بود. نقاشان با مخترعان مشورت کردند که به کمک اتاق تاریک اتفاقی بیفتد که پرسپکتیو و سایه روشن‌ها دقیق‌تر در نقاشی‌شان دربیاید. عکاسی ابزار سنگین و گرانی داشت و کار پیچیده‌ای بود. مراحل طولانی و طاقت‌فرسایی هم داشت.

هم‌زمان با عکاسی علم و فناوری هم رشد می‌کرد و دوربین عکاسی کوچک‌تر می‌شد. کمک مخترعان به کوچک شدن دوربین و تحولات اجتماعی و جشن‌ها و جریان‌های سیاسی در کشورهای مختلف، موجب عمومی شدن عکاسی شد. تا اینکه انقلاب دیجیتال رخ داد.

این انقلاب فقط فیلم و نکاتیو را از ما گرفت. دوربین همان دوربین است و به جای فیلم یک لایه حساس آمده است. دنیای دیجیتال عمری ۲۵ ساله دارد که در این مدت به اندازه تمام ۲۵۰ سال قبل حرکت سریع به سمت پیشرفت داشته‌ایم. امروزه ما برای کار با دوربین عکاسی نیازی به رفتن به کلاس نداریم. دنیای دیجیتال برای ما سادگی و سرعت آورده است. متأسفانه سادگی آن ما را اسیر کرده و فکر را از ما گرفته و ما را دچار ساده‌انگاری کرده است. سادگی را به اشتباه برداشت می‌کنیم.

اما برمی‌گردم کمی به عقب‌تر. ۵۰ سال پیش، اگر من یک دوربین عکاسی دستم بود، هر کس از آنجا رد می‌شد، به بچه‌اش می‌گفت آن آقا عکاس است. یعنی عکاس تعریف داشت و یک واحد اجتماعی قوی بود. ولی الان کسی به بچه‌اش نمی‌گوید، چون بچه می‌داند. از ابتدای تولد دوربین را دیده است. این همه‌گیر شدن عکاسی برای ما اتفاق خوشایند و جالبی است و ما باید از آن آگاهانه استفاده کنیم. ما عکاسان از این اتفاق بسیار خوشحالیم. ما معتقدیم اگر در دست همه مردم دنیا دوربین عکاسی باشد، جای



کشور ما شد. عکاسی به کشور ما هدیه داده شد و به عنوان یک هدیه به شاهان قاجار وارد کشور ما شد. در آن مقطع از زمان، **محمدشاه قاجار** شاه ایران بود. **ناصرالدین شاه** جوان بود و ولیعهد در تبریز. امپراتور روسیه و ملکه انگلیس دوربین‌های عکاسی را به همراه دفترچه‌های شرح کارشان، برای ارتباط برقرار کردن با حاکمان وقت و اهداف استعماری خودشان، به آن‌ها هدیه دادند.

بهترین هدیه آن زمان این کشف و اختراع بشری بود که دست‌آورد همکاری هنرمندان، به خصوص نقاشان، با



هیچ کس تنگ نمی‌شود. دوربین عکاسی وسیله انتقال احساس است. انتقال اندیشه و فکر است. یک وسیله بیانی و پل ارتباطی با علم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، صنعت، تجارت و مسائل علوم انسانی است. یک واسطه است. خیلی جایگاه دارد.

ما باید از کانال عکاسی وارد علوم شویم تا توفیق پیدا کنیم. خداوند پدر کسی که «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» و «رشد» را پایه‌گذاری کرد بیامزد. این دو ارگان سهم زیادی دارند. در رشد نشریه‌های فراوانی وجود دارد و رسانه مؤثری است. من می‌گویم این جشنواره کاربردی‌ترین و اثرگذارترین جشنواره ایران است که عکس‌هایش به فراموشی نمی‌رود و چاپ

و دیده می‌شود. اساس و شکل‌گیری این جشنواره بر پایه عکس آموزشی بوده است.

قرار شده بود که این نگاه جشنواره آسیب‌شناسی و نقد کند، راهکار بیاورد و تشویق و هدایت کند. از آنجا که نشریات رشد نگاه و بحث‌های دیگری در جامعه دارند، عنوان‌های دیگری را هم وارد کردند و با احترام به فضای آموزشی در دبیرستان‌ها که زیرمجموعه آموزش و پرورش هستند، بخش دانش‌آموزی را گذاشتند که انصافاً یکی از صادقانه‌ترین عکس‌ها را در این بخش دیدیم.

ولی در بخش حرفه‌ای ما شاهد رفتارهای غیرحرفه‌ای هستیم. عکاسی در یک مسابقه یک عکس را سیاه و سفید و در این مسابقه همان عکس را رنگی می‌فرستد. یا در هر دو بخش آماتور و حرفه‌ای شرکت می‌کند. این رفتاری است که خیلی وقت‌ها از طرف حرفه‌ای‌ها دیده می‌شود. خواهش می‌کنم هم دانش‌آموزان و هم حرفه‌ای‌ها وقتی

غفاری: ما معتقدیم اگر در دست همه مردم دنیا دوربین عکاسی باشد، جای هیچ کس تنگ نمی‌شود. دوربین عکاسی انتقال احساس است. انتقال اندیشه و فکر است. یک وسیله بیانی و پل ارتباطی با علم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، صنعت، تجارت و مسائل علوم انسانی است. یک واسطه است. خیلی جایگاه دارد

می‌خواهند در دوره دهم جشنواره شرکت کنند، آیین‌نامه را بخوانند و مطابق با آن شرکت کنند. باز هم می‌گویم: این ساده شدن عکاسی از سوی دنیای دیجیتال نباید موجب رفتار ساده‌انگانه ما شود.

حالا من چند نکته می‌گویم که به کمک آن‌ها می‌توانید عکس‌های خوبی بگیرید. روی سخنم با دانش‌آموزان است. در همه خانه‌ها یک تلفن همراه و احتمالاً یک دوربین عکاسی که ما آن‌ها را به عنوان دوربین‌های عکاسی خانگی می‌شناسیم، وجود دارد.

معمولاً وقتی می‌خواهیم به مسافرت برویم، همه چمدان‌های بسته می‌شوند، ولی یک چیز بیرون می‌آید که دوربین عکاسی است. قبلاً برایش فیلم می‌خریدیم، ولی

الان احتمالاً شب قبل حافظه آن را خالی و شارژ می‌کنیم. من خواهش می‌کنم این کار را نه فقط برای سفر، بلکه در همه اتفاقات روزانه خود انجام دهید. از دوربین عکاسی دور نشوید. از اتفاقات به خانه، خانواده، محله، منطقه، شهر و حتی سفرهای ملی و بین‌المللی. به عکاسی به عنوان زبانی عامه‌فهم، عامل ارتباط تصویری و بیان خاطر، ابزاری برای یافتن و کشف کردن نگاه کنید.

برای عکاسی با تلفن همراه یا دوربین عکاسی:

- اول اطمینان حاصل کنید که باتری دارید.

- اگر از تلفن همراه استفاده می‌کنید، به این دلیل که عدسی‌شان هیچ پوششی ندارد، امکان دارد کثیف شده باشد. با یک تکه پارچه نرم آن را تمیز کنید.

- اگر تلفن همراه در دست دارید، سعی کنید از قابلیت زوم آن استفاده نکنید. شما وقتی از زوم تلفن همراه استفاده می‌کنید، در واقع در تصویر زوم می‌کنید. سعی کنید به



محمدیان: عکس
می‌تواند زبان شعر
مدرن باشد.
زبان انتقال حس
باشد. زبان انتقال
عواطف باشد

خیلی از ما در مرحله شناخت موضوع مشکل پیدا می‌کنیم. وقتی موضوع را پیدا کردید، به راحتی آن را از دست ندهید و به آن پیوسته نگاه کنید و در کنارش باشید. عکاسی زدن و رفتن نیست. عکاسی در دنیا تک عکس نیست و رویکردی مجموعه‌ای است و شامل چند عکس به هم پیوسته است که یک موضوع را تعقیب کنند و اثرگذار باشند.

اما برای عکاسی با تلفن همراه، یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات همه ما این است که دو دستی آن را می‌گیریم و معمولاً عمودی. این اشتباه است. در ضمن، عکس برداری با تلفن همراه را بسیار جدی بگیرید. ما عکاسان بیشتر وقت‌ها برای کامل کردن مجموعه‌مان از گوشی استفاده می‌کنیم، چون گوشی‌ها فضای صمیمی‌تری ایجاد می‌کنند و بهتر ارتباط برقرار می‌شود. متأسفانه به مدرسه‌های ما بخش‌نامه خاصی فرستاده نشده است و در دوره دهم باید این اتفاق بیفتد تا عکاسان راحت‌تر بتوانند در فضای مدرسه حاضر شوند و اتفاقات را عکاسی کنند. بردن دوربین عکاسی به چنین جاهایی گاهی سخت است. ولی گوشی فضای خیلی صمیمی‌تر و آشناتری را برای بسیاری از افراد دارد و راحت‌تر می‌توانید عکاسی کنید. با آرزوی سلامتی و دل خوش برای همه شما، خدانگهدار.

ساده شدن را به ساده‌انگاری تبدیل نکنیم!

حجت‌الاسلام دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خدای متعال را شکر می‌کنم از اینکه توفیق دارم در جمع برگزیدگان و دوستان علاقه‌مند به هنر عکاسی حضور داشته باشم. یاد و نام شهیدان را گرامی می‌داریم، به روح بلند امام درود می‌فرستیم و برای مقام معظم رهبری آرزوی طول

موضوع نزدیک شوید تا بتوانید تصویری بهتر و نزدیک‌تر داشته باشید.

- وقتی می‌خواهید عکس بگیرید، سعی کنید یک پا جلو و یک پا عقب باشد و دست‌ها به بدن و دوربین به پیشانی چسبیده باشد. با آرامش عکاسی کنید تا مسائل فنی عکس را

رعایت کنید. دست‌هایتان جمع باشد، به این خاطر که عادت کنید، مزاحم دیگران نشوید و خودتان هم صدمه نبینید.

- لحظه‌ای که می‌خواهید دکمه «شاتر» را فشار دهید، تنها ماهیچه بدن شما که حرکت می‌کند، ماهیچه بند انگشت است. هیچ ماهیچه‌ای از بدن نباید درگیر شود؛ درست مثل تیراندازان مسابقات جام جهانی. اگر ماهیچه‌ای دیگر غیر از بند انگشت دخالت کند، تیر به هدف نخواهد خورد. شما هم ممکن است لرزش بدنتان به دوربین منتقل شود.

- وقتی عکس می‌گیرید، به موضوع نگاه کنید. مهربان باشید و به موضوع لبخند بزنید. لبخند به این دلیل است که با موضوع ارتباط برقرار کنید و بسنجید و ببینید که موضوع چقدر رضایت دارد از اینکه شما از او عکس را می‌گیرید. چون ما باید به حریم شخصی دیگران احترام بگذاریم.

- با یک عکس قانع نشوید. دو سه فریم بگیرید. مخصوصاً در عکس‌های دسته‌جمعی امکان دارد کسی حالتش بد باشد یا چشم بزند.

- از موضوع دور شوید، به موضوع نزدیک شوید و از زوایای متفاوت از آن عکس بگیرید.

- یافتن موضوع از مراحل بسیار مهم در عکاسی است که نباید به سادگی از آن گذشت و یکی از قسمت‌های مهم عکاسی است. ما در عکاسی مراحل داریم: اول خودشناسی است و اینکه چقدر مهارت، استعداد و علاقه‌مندی دارید و ایده شما چیست. دوم ابزارشناسی است. سوم مرحله شناخت موضوع است. مرحله چهارم هم ارائه عکس به جامعه است.



دوربین‌های زمان خودمان استفاده می‌کردم. اما همیشه علاقه داشتم، عواطف درونی، دریافت‌ها و برداشت‌های خودم را به زبان‌های متفاوت به دیگران منتقل کنم. گاهی به زبان شعر، گاهی به زبان نوشته، گاهی به صورت خطابه و بیان، و گاهی هم توانسته‌ام از طریق عکس و خط منتقل کنم. اما امروز مسائل ما بسیار متکثر و موضوعات بسیار متنوع شده‌اند. دیگر مثل قدیم نیست. تنوع در موضوعات، داشتن تخصص‌های متعدد را برای ما الزامی کرده است. گاهی انتقال این‌ها، علاوه بر تخصص، نیازمند تهور است.

عمر با عزت و صحت داریم. به همه مهمانانی که از راه‌های دور و نزدیک تشریف آورده‌اند، خیرمقدم عرض می‌کنم. من معمولاً وقتی در جمع عکاسان حضور پیدا می‌کنم، یا جمع عکاسان را می‌بینم، چشمانم را که می‌بندم، میدان جنگ «شاهنامه» در یک شب بارانی در ذهنم مجسم می‌شود. دلیلش هم این است که صدای دکمه شاتر همانند چک‌چک شمشیرهاست و فلاش‌هایی که می‌زنند، مثل رعد و برق است که به چشم می‌خورد. حالا هم می‌بینید که صداهایش می‌آید. این‌ها شمشیرهایی هستند که زده می‌شوند. ولی خود این خیلی زیباست. شما در ذهنتان تصویرگری می‌کنید. خیلی عالی است.

البته این که آقای ناصری گفتند هنر عکاسی کمک می‌کند که ما تصویر را ببینیم و ذائقه یادگیری‌مان را با تصویر همراه کنیم، حرف درستی است، اما می‌خواهم وام بگیرم از این جمله آقای غفاری که ساده شدن را به ساده‌انگاری تبدیل نکنیم. بعضی وقت‌ها بدون اینکه دوربین را وارد کار کنیم، اجازه دهیم ذهنمان تصویرگری کند و در بیرون به دنبال آن سوژه بگردیم تا تصویر ذهنی خودمان را به دیگران هم با تصویر عینی نشان بدهیم. این پیچیدگی‌های ذهنی امروزه به مدد عکاسی یا تصویرگری و گاهی با سینما به دیگران منتقل می‌شوند. اگر بخواهم آنچه را که در ذهن و باطن من می‌گذرد، برای دیگران بیان کنم، با زبان ساده مشکل است. حتماً نیازمند هنر هستم. پیش‌تر از ۱۹۰ سال پیش که گفتند، یا از نقاشی مدد می‌گرفتیم یا از زبان شعر، تا با استعاره و کنایه آنچه را که فکر می‌کنیم را به دیگران منتقل کنیم، عکس می‌تواند زبان شعر مدرن باشد. زبان انتقال حس باشد. زبان انتقال عواطف باشد.

من خیلی از عکاسی سررشته ندارم. مثل بعضی از چیزهایی که باید از روی دست جوانان یاد گرفت، من هم عکاسی را از روی دست جوان‌ترها یاد گرفته‌ام، یا زمانی که از



تصنع فاصله بگیرد. تصنع یعنی چیدمانی را در قاب عکسی به دیگری تحمیل کنیم. گاهی ما موضوعی را به مخاطب تحمیل می‌کنیم، و گاه او را در جریان قرار می‌دهیم و در نگریستن و قضاوت کردن آزاد می‌گذاریم.

نکتهٔ دیگر اینکه ما ایرانیان معمولاً از آه و ناله خوشمان می‌آید. نوعی سیاه‌نمایی در آثارمان به چشم می‌خورد. سیاه‌نمایی بد است. البته از طرف دیگر، خوش خیالی هم بد است. هیچ‌کدام درست نیست، مگر اینکه موضوعشان باشد. آنچه که من امروز در عکس‌های انتخابی دیدم، این بود که ما داریم به واقع‌بینی نزدیک می‌شویم. عشق و علاقهٔ معلم به یاد دادن در همهٔ کلاس‌ها یکسان است.

نکتهٔ دیگری که امروز حس خوبی برای من داشت، این بود که در بخش دانش‌آموزی جلوه‌های زیبایی دیدم و احساس کردم ما در دورهٔ پانزدهم بخش دانش‌آموزی انتخاب‌های خوبی خواهیم دید و انجمن عکاسان از نسل فعلی بالاتر خواهند بود. از این نظر من از دست‌اندرکاران تشکر می‌کنم. اما این نباید ما را مغرور کند.

کار نیکو کردن از پر کردن است. به همین مقدار بسنده می‌کنم. خوش‌حال شدم که شما را دیدم. خدا را شاکرم. همیشه سرافراز و سربلند باشید.

یکی از حوزه‌های تخصصی حوزهٔ تعلیم و تربیت است. ما در آموزش و پرورش این جشنواره‌ها را برای تحقق اهداف تربیتی دنبال می‌کنیم. جشنوارهٔ عکس ما برای این است که بهترین عکس‌های حوزهٔ تعلیم و تربیت را بشناسیم، از کسانی که این آثار را خلق کرده‌اند، تقدیر کنیم و آن‌ها را به جامعهٔ تعلیم و تربیت معرفی کنیم.

عکس برای آموزش و پرورش دو جنبه دارد: یکی قرار دادن عکس در خدمت اهداف تعلیم و تربیت، و دیگری آموزش عکاسی و اینکه عکاسی را به عنوان یک هنر و مهارت یاد بدهیم. این جشنواره می‌تواند به ما کمک کند استعدادهای علاقه‌مند و برتر هنر عکاسی را بشناسیم. من در اینجا از دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، از مجموعهٔ داورانی که مشارکت کردند، و از همهٔ شرکت‌کنندگانی که به این جشنواره رونق بخشیدند، تشکر می‌کنم.

اجازه بدهید من به عنوان کسی که با دیدن آثار شما احساسی به او دست داده است، این حس را به شما منتقل کنم. من در شش دورهٔ جشنواره شرکت داشته‌ام و حرکت جشنواره را همیشه یک گام به جلو دیده‌ام و هر سال نسبت به دورهٔ قبل قدم‌هایی به جلو برداشته شده است. آنچه امروز دیدم، حس و عواطف صادقانه بود. جشنواره توانسته است، از



جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در خدمت صلح و دوستی

گزارش مراسم آغازین چهل‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

و آینده کودکان و نوجوانان، فضای متفاوتی را برای این دوره از افتتاحیه جشنواره فیلم رشد ایجاد کرد و این نوید را به حاضران داد که این دوره با دیگر دوره‌ها کمی تفاوت دارد. این تفاوت شاید به حضور مهمانان نیز مربوط بود که از جمله آنها می‌توان به ویل پارکس، رئیس دفتر صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) از کشور استرالیا اشاره کرد. این حضور نشان از اهمیت بُعد بین‌المللی این جشنواره دارد.

دنیایی در تسخیر نور و صدا و حرکت

در ادامه این مراسم سیدسعید بدیعی، دبیر چهل و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، به سخنرانی پرداخت و گزارشی از روند برگزاری جشنواره ارائه کرد. وی گفت: «چهل و ششمین جشنواره فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد در حالی کلید می‌خورد که عمری به درازای نیم قرن دارد؛ جشنواره ماندگاری که به رغم همه مشکلات ریز و درشت مسیر طولانی خود، توانسته است بر همه فراز و نشیب‌ها فائق آید و در مسیر حرکت سازنده خود

مراسم آغازین «چهل‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد» عصر جمعه ۱۴ آبان ۱۳۹۵ در «مدرسه دارالفنون» با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم آغاز شد. بعد از آن نوای سرود ملی کشورمان در سالن طنین‌انداز شد و همگی به احترام این نوای دل‌انگیز از جا برخاستند. سپس نماهنگ چهل و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، با تأکید بر هم‌زمانی این جشنواره در استان‌های سمنان، شهرستان‌های استان تهران، فارس، گیلان و هرمزگان و سواحل مکران و اشاره به برگزاری آن در تاریخ چهاردهم تا بیست و یکم آبان‌ماه، پخش شد.

بخش انیمیشن (پویانمایی) جنگ جهانی سوم را می‌توان از ویژگی‌های متمایزکننده آیین افتتاحیه این جشنواره به حساب آورد. این انیمیشن که در خانه انیمیشن انقلاب اسلامی تهیه شده است، با محوریت نقش و تأثیر رسانه‌های جهان بر تمام ابعاد زندگی افراد و از جمله زندگی



گام بردارد.»

وی ضمن تأکید بر بهره‌مندی از ابعاد بین‌المللی جشنواره فیلم رشد، آن را زمینه‌ساز ایجاد ارتباط و تبادل فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای جهان برشمرد و تأکید کرد، در نتیجه این اتفاق می‌توان شاهد ارتقای سطح فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی بود. دبیر چهل و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد این جشنواره را جشنواره‌ای دانست که چتر گسترده آن توانسته است سازندگان فیلم‌های علمی و آموزشی کشورمان را با انبوهی از تولیدات منتخب و شاخص آشنا و فرصتی فراهم کند تا نمایندگان سایر کشورها، به خصوص داوران شاخص بین‌المللی در زمینه فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی بتوانند با محصولات فاخری که در این زمینه در کشور ایران تولید می‌شود آشنا شوند و فرصت تبادل تجربه بین کشورها در این زمینه بیش از پیش فراهم شود.

او افزود: «چهل و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد تلاش کرده است به نیازهای روز آموزش و پرورش

و مخاطبان فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی توجه ویژه و زمینه‌ای فراهم کند تا این فصل بالندگی در چهار فصل دانش، بینش، پویندگی و خلاقیت، به نیازهای رو به تزاید مخاطبان و بهره‌گیران این جشنواره پاسخ دهد.»

بدیعی یکی از اهداف مهم و اساسی این جشنواره را مروری بر آثار و فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی سایر کشورها اعلام کرد و با اشاره به اینکه خوش‌بختانه جشنواره امسال هم مانند اکثر دوره‌های قبلی مورد استقبال کشورهای خارجی قرار گرفته است، گفت: «حضور ۱۰۴۴ اثر از ۳۰ کشور از ۵ قاره نمایانگر جایگاه جشنواره فیلم رشد در بین فیلم‌سازان سراسر جهان است.»

موضوع مهمی که بدیعی اشاره به آن را ضروری دانست، استفاده از فیلم‌های آموزشی در قالب بسته آموزشی است که می‌تواند در دنیایی که در تسخیر نور، صدا و حرکت قرار گرفته است، نقشی بنیادین در تحول مسائل آموزشی و تربیتی ایفا کند.

او اضافه کرد: «کوچک شدن صفحات تلویزیون به

بسیار زیبایی از سرزمینی ساحلی را در جنوب شرقی ایران به تصویر می‌کشد و بخش‌های گوناگون این خطه از خاک کشورمان و نحوه پاس‌داری و حراست از آب‌ها و سواحل آن را نشان می‌دهد. این فیلم حاضران را با بخش‌هایی از آثاری که در این دوره از جشنواره حضور دارند، آشنا کرد.

پیام جشنواره؛ چگونه زیبا زیستن

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، سخنران بعدی این مراسم بود. وی گفت: «از همه همکاریانی که از راه‌های دور و نزدیک آمدند و داوران داخلی و بین‌المللی و عزیزانی که از سازمان‌ها و نهادها در این جلسه هستند و همچنین فیلم‌سازان و تولیدکنندگان فیلم‌ها و کسانی که در این جشنواره کارهای خود را ارائه کردند، صمیمانه تشکر می‌کنم.»

محمدیان با اشاره به گذشت روزهای محرم و صفر که یادآور شهادت و حماسه حسینی بود، آرزو کرد این جشنواره گامی در جهت زیبا زیستن و خداپسندانه زندگی کردن باشد. محمدیان پیام جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی - تربیتی رشد را «چگونه زیستن و چگونه با هم مهربان زندگی کردن» دانست و افزود: «هنر بدون شک زیبایی‌های موجود در عالم را به تصویر می‌کشد و آن را در فرادید مخاطبان خود قرار می‌دهد. خداوند متعال زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد و کسانی که این زیبایی‌ها را بازتاب می‌دهند، در مسیر اراده الهی قرار دارند.»

او با اشاره به چرخشی که در سال‌های اخیر در برنامه تحولی آموزش و پرورش اتفاق افتاده است، یکی از آن‌ها را فراهم کردن فرصت برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه برشمرد و گفت: «حیات طیبه یعنی زیست شایسته انسانی



صفحات متنوع تلفن‌های همراه اتفاق منحصر به فردی است که با وجود محدودیت‌ها و آسیب‌های احتمالی، به عنوان واقعیتی انکارناپذیر توانسته است تحولی شگرف در زمینه همه‌گیر شدن تماشای فیلم و دیگر محصولات تصویری فراهم آورد؛ واقعیتی که اگر حساسیت، دقت و خلاقیت برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران آموزشی را به دنبال نداشته باشد، می‌تواند به عاملی مزاحم و مخرب در فرایند آموزش و تربیت تبدیل شود.»

فیلمی متفاوت از سرزمین ایران

پس از سخنان بدیعی و ارائه گزارش مبسوط از آنچه شرکت‌کنندگان و دست‌اندرکاران جشنواره بین‌المللی فیلم رشد انتظار می‌کشیدند، کلیپی چند دقیقه‌ای از یک فیلم ۴۵ دقیقه‌ای به نام «سواحل مکران» به کارگردانی **مجتبی عباسی** پخش شد که حاصل همکاری «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش و پرورش» با «نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران» بود. این فیلم که با متن بیانات مقام معظم رهبری درباره این سواحل در دیدار با فرماندهان نیروی دریایی ارتش آغاز شد، صحنه‌های



محمدیان: فیلم آموزشی و تربیتی فیلم خشونت نیست، اما فیلم جنگ نیست، اما فیلم پایداری و پاس‌داری از حریم و ارزش انسانی است

هر فرد از افراد کشور. حیات طیبه یعنی زندگی عزتمندانه و شرافتمندانه، زندگی همراه با صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگر انسان‌ها. حیات طیبه یعنی زیستن آشتی‌جویانه با طبیعت و احساس بندگی کردن در برابر خدا. در اصل، حیات طیبه به این معناست که فرد در برابر خود نیز

مسئول باشد و زندگی خود را چنان بسازد که عزت انسانی او لکه‌دار نشود و زمینه‌های رشد و تعالی او فراهم شود. در همین راستا، آموزش و پرورش خود را موظف می‌داند دانش‌آموزان را در چنین موقعیت‌هایی مدد برساند تا آنان با درک موقعیت خود و خلق موقعیت‌های جدید، زندگی خودشان را سامان بدهند و انسان‌هایی مسئول بار بیابند که ضمن احقاق حق خود، نسبت به ادای حقوق دیگران نیز اقدام کنند.»

آنچه در آموزش و پرورش امروز هدف واقع شده است، تنوع دادن به فرصت‌های یادگیری و یاددهی است. از همین رو، محمدیان استفاده از رسانه‌های آموزشی و تربیتی متنوع را یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش کشور عنوان کرد و آن را زمینه‌ای دانست تا بتوان علاوه بر کتاب درسی، از سایر رسانه‌ها هم کمک گرفت. او اضافه کرد: «یکی از ابزارهای مهم در این زمینه فیلم آموزشی و تربیتی است. این فیلم‌ها می‌توانند یادگیری را تسهیل کنند و به آموخته‌ها عمق ببخشند. به این وسیله می‌توان از تجربه‌های دیگران در قالب فیلم استفاده برد، فرصت‌ها را مضاعف کرد و دسترسی به آموزش و پرورش باکیفیت را فراهم آورد.»

محمدیان اذعان کرد: «درست است فیلم آموزشی و تربیتی یا جشنواره رشد در چارچوب صنعت فیلم تعریف می‌شود اما از نوعی پاکدامنی، صداقت و صمیمیت بهره‌مند

و برخوردار است؛ همچنان که فیلم‌های تولید شده برای کودکان باید از چنین ویژگی‌هایی برخوردار باشد.»

او تأکید کرد: «فیلم آموزشی و تربیتی فیلم خشونت نیست، فیلم جنگ نیست، اما فیلم پایداری و پاس‌داری از حریم و ارزش انسانی هست. در فیلم‌های آموزشی و تربیتی نباید جنگ آموخت، اما باید راه‌های مقابله با جنگ، فقر و خشونت را یاد داد. فیلم‌های رشد فیلم‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز هستند.»

محمدیان فیلم‌سازی را که در اقصی نقاط جهان برای کودکان و نوجوانان و ارتقای سطح سواد و آگاهی آن‌ها فیلم می‌سازند، شریک این جشنواره معرفی کرد و ضمن ارج نهادن بر چنین تلاش‌های مردمی و خیرخواهانه‌ای، به این موضوع اشاره کرد که اساساً جشنواره رشد با باز کردن درچه‌های بین‌المللی می‌خواهد از همه ارزش‌های انسانی در هر کجای عالم دفاع کند. جشنواره فیلم رشد، زندگی آزاد توأم با آگاهی را برای نسل آینده می‌خواهد و معتقد است آزادی بر بستر آگاهی شکوفا می‌شود و به دنبال آن استقلال ملت‌ها فراهم می‌گردد.

محمدیان گفت: «ما در جشنواره فیلم رشد جای کودکان و نوجوانان و دانش‌آموزانی را که امروز فرصت‌های آموزشی و تربیتی‌شان به واسطه جنگ تهدید شده است یا کلاس‌های آن‌ها زیر بمباران خراب شده و به خاطر افزون‌طلبی‌های قدرت‌ها زندگی بر آن‌ها تلخ شده است، خالی می‌کنیم و برای همه آن‌ها آرزو می‌کنیم بتوانند در محیطی امن و ایمن ادامه تحصیل بدهند. امروز که ما جشنواره فیلم رشد را جشن می‌گیریم، آرزوی صلحی شرافتمندانه برای همه کودکانی داریم که در همه دنیا، به خصوص جاهایی که



محمدیان: در مسیر
تحقق تحول بنیادین
در نظام آموزش و
پرورش، بهره‌گیری
از رسانه‌های متنوع
آموزشی، به ویژه
رسانه جذاب،
تأثیرگذار و نقش
آفرین فیلم و سینما
ضرورتی غیر قابل انکار
است

جشنواره بین‌المللی فیلم رشد قرائت کرد. در بخشی از این پیام آمده بود: «در مسیر تحقق تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، بهره‌گیری از رسانه‌های متنوع آموزشی، به ویژه رسانه جذاب، تأثیرگذار و نقش آفرین فیلم و سینما ضرورتی غیر قابل انکار است و در این میان، جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی - تربیتی رشد، به عنوان دیرپاترین جشنواره سینمایی کشور و بزرگ‌ترین گردهمایی سینماگران فرهنگی و فرهنگیان

سینماگر، یکی از مهم‌ترین رخدادهای هنری - تربیتی در تقویم هنر این مرز و بوم اصیل و هنرپرور محسوب می‌شود. برنامه‌ریزی و برگزاری چهل‌وششمین دوره از این رخداد فرهنگی با ایام سوگواری شهادت سرور آزادگان جهان، حضرت حسین بن علی (ع) و یارانش مقارن و به شمیم آسمانی و جان‌بخش حسینی و زینبی معطر شده و شایسته است هنرمندان متعهد، درس‌های قدسی این مکتب را که زیباترین جلوه‌های حیات طیبه و ناب‌ترین دستمایهٔ تعلیم و تربیت است، با ابزار سحرآمیز خود در ذهن و ضمیر دانش‌آموزان جلوه‌گر سازند. بی‌شک سینما به عنوان ابزاری در خدمت آموزش و رسانه‌ای در مسیر تعلیم و تربیت نسل آینده‌ساز ایران اسلامی نیازمند اتاق فکر و فرمانی است که امروزه این مسئولیت مهم و خطیر را جشنواره فیلم رشد بر عهده دارد؛ جشنواره‌ای که از دیرباز مورد توجه طیف گسترده‌ای از هنرمندان و کارشناسان زبده و نخبه علمی داخلی و بین‌المللی بوده است و بسیاری از برگزیدگان جوان دوره‌های قبل آن در سال‌های بعد به نامدارانی خوش‌آوازه در عرصه هنر متعهد ایران اسلامی تبدیل شده‌اند. حمایت از آثار لطیف و شریف فیلم‌سازان فرهیخته و فرهنگ‌ساز، و

در آن‌ها آتش جنگ شعله‌ور است، از نعمت آموزش در صلح محروم‌اند؛ آنان که هر روز در یمن، عراق، افغانستان و سایر نقاط دنیا شاهد کشته شدن کودکان و نوجوانان و مباران کلاس‌ها و انفجار و تخریب مدرسه‌ها هستند. از نعمت آموزش در صلح محروم هستند. از همهٔ کسانی که سلاح هنر را در دست گرفته‌اند و قلم و بیان در اختیار دارند، می‌خواهیم جنایت‌ها را محکوم کنند و بگویند همهٔ کودکان حق دارند از تحصیلات

با کیفیت بهره‌مند شوند، زندگی توأم با صلح و دوستی داشته باشند، به بهداشت و سلامتی دست یابند، بتوانند بازی کنند و امنیت آن‌ها باز یقهٔ دست دولت‌ها و شرکت‌های تولیدکنندهٔ سلاح نباشد.»

محمدیان حضور اهالی هنر و فرهنگ را مغتنم شمرد و از این‌که همت کردند و این جشنواره را آراستند، تشکر و ابراز امیدواری کرد، روزهای آینده برای ملت شریف ایران و دانش‌آموزان ایرانی و همهٔ ملت‌های مستضعف جهان روزهای خوبی باشد و همه بتوانند آرمان‌های انسان‌گرایانه و خداگرایانه خود را محقق ببینند.

پیام وزیر آموزش و پرورش: حمایت از آثار

محمد فاضل، مشاور وزیر و مدیرکل دفتر وزارتی آموزش و پرورش، بعد از سخنان محمدیان به روی صحنه آمد تا پیامی را که وزیر آموزش و پرورش به جشنواره بین‌المللی فیلم رشد ارسال کرده بود قرائت کند. او با تشکر از تلاش همکاران در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به خصوص دکتر محمدیان، پیام دکتر **فخرالدین دانش آشتیانی**، وزیر آموزش و پرورش را به مناسبت



سید سعید بدیعی



محمد فاضل



تشویق و معرفی دانش آموزان فیلم ساز و آینده ساز رسالت گران سنگ جشنواره بین المللی فیلم رشد بوده و شایسته است همه بخش های گسترده خانواده بزرگ تعلیم و تربیت کشورمان از این درخت تناور که از بطن نظام آموزش و پرورش کشور روپیده است حمایت کنند تا کودکان و نوجوانان ایران عزیز لذت متفاوت آموختن و حلاوت کاوشگری و خلاقیت را بر پرده نقره ای سینما تجربه کنند و گامی به سوی بهتر دیدن و زیباتر اندیشیدن بردارند.»

فداکاری، راز آموزگاری

بعد از قرائت پیام وزیر آموزش و پرورش، فیلمی از دو معلم فداکار کشورمان بر پرده رفت که حضار و فرهنگیان را بسیار تحت تأثیر قرار داد. فیلم اول روایت فداکاری **بی بی رضیه میردهقان**، معلم یزدی بود که توانسته است به دختر دانش آموزی که سال هاست ناشنواست و چندسالی است بینایی اش را هم از دست داده، خواندن و نوشتن بیاموزد؛ دختری که امروز با وجود سکوت دنیایش، این آموزگار فداکار را از میان دیگران به راحتی می شناسد و می تواند کلمات را به دنیای تاریک و ساکتش راه دهد.

روایت دیگر اما دل نگرانی **علیرضا هادی نژاد** معلم ایثارگری را به تصویر می کشید که از همان روز اول مدرسه تصمیم گرفت هر روز سراغ دانش آموزش که از ناحیه پا دچار معلولیت بود برود و او را با خود به مدرسه بیاورد و مثل برادری مهربان در کنارش باشد. بعد از این فیلم تأثیرگذار به کارگردانی و گزارش **کاظم اشکذری**، حجت الاسلام محمدیان و آقایان صادق زاده و فاضل به روی صحنه رفتند تا از این عزیزان تشکر و قدردانی کنند. خانم بی بی رضیه میردهقان در سخنان کوتاهی گفت: «همه این ها انجام وظیفه است و توفیق خداوند باعث آن شده است.»



پروورش استان‌های لرستان، کردستان و خراسان شمالی، در حین دریافت جایزه سخنان کوتاهی ایراد کردند. نماینده لرستان با اشاره به این سخن شهید رجایی که «معلمی شغل نیست، عشق است. اگر به عنوان شغل انتخابش کرده‌ای، رهایش کن و اگر عشق توست مبارکت باد.» گفت که همهٔ معلمان باید این موضوع را سرلوحهٔ کار خود قرار دهند.

حامیان مادی و معنوی این جشنوارهٔ بزرگ نیز مورد تقدیر و قدردانی قرار گرفتند. دکتر بهرام سبحانی، مدیرعامل مجتمع فولاد مبارکهٔ اصفهان، علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، مهندس حمیدرضا عراقی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران و اولویه مارتین، نمایندهٔ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی از جمله آنان بودند. در پایان، فیلم سینمایی «پینوکیو، عموسردار و رئیسعلی» به کارگردانی سیدرضا صادقی و تهیه‌کنندگی ناصر عنصری در حضور فرهنگیان و هنرمندان به نمایش درآمد.

هادی نژاد، هم‌ضمن تأیید سخنان خانم میردهقان گفت: «آنچه می‌بینید جلوه‌های معلمی است و مشمول همهٔ معلمان است و فقط رنگ و شکل آن متفاوت می‌شود.»

جوایزی برای هنرمندان

از جمله بخش‌های مهم مراسم افتتاحیهٔ جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد تقدیر و اهدای جوایز برگزیدگان استانی، پردیس فرهنگیان و حامیان مالی بود. این جوایز به نمایندگان ادارات کل آموزش و پرورش و نمایندگان پردیس دانشگاه فرهنگیان استان‌های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خوزستان، سمنان، زنجان، سیستان و بلوچستان، تهران، شهرستان‌های استان تهران، فارس، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، مازندران، لرستان، مرکزی، هرمزگان، یزد و همدان اهدا شد. در این جمع پرشور نمایندگان ادارات آموزش و



رشد جوان
www.roshdmag.ir
پدر و مادر عزیزم که سعادت من در گرو رضایت شماست.
و معلمان مهربانم که لحظه‌هایتان را نثارم می‌کنید تا در
راه نمانم.
از شما آموخته‌ام که:
خلاف جهت رودخانه شنا کردن هنر بزرگی است
وگرنه مایه مرده هم می‌تواند در جریان موافق به پیش
رود.
پس کمکم کنید دل به دریا بزنم.

• می‌توانید متن pdf رشد جوان را (با رنگ‌ها و تصاویر
مناسب برای دانش‌آموزان کم‌بینا) در بخش «مجلات
عمومی» از سایت رشد به نشانی www.roshdmag.ir
دریافت کنید.

• دبیر مسئول: محمد ناسری
• سرپرست: نسیم جعفری
• اعضای شورای کارشناسی و برنامه‌ریزی: مجید عقیق، فاطمه رضایی، محبت‌آله همتی،
رویا کارآمد
• مدیر داخلی: زهره کریمی
• نشانی دفتر: تهران، خیابان گلستانه شمالی، پلاک ۲۶۶
• تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۹۰۰۷

يك اتفاق بزرگ!

تجربه انتشار مجله‌های «رشد روشن»
ویژه دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا

گامی ضروری در راه اجرای عدالت آموزشی

بیش از نیم قرن از آغاز فعالیت «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» می‌گذرد. بنابر اسناد موجود، این دفتر به وجود آمد تا برای رسیدن به هدف‌هایی از این دست کوشا باشد:

• تشویق دانش‌آموزان به خواندن و مطالعه و ایجاد عادت به مطالعه در آنان.

• تدارک و تدوین خواندنی‌های غیردرسی، کمک آموزشی، آسان، مناسب، ارزان و فراوان برای دانش‌آموزان گروه‌های سنی گوناگون.

• شمارگان مجله‌های «پیک» در سال ۱۳۵۲، پس از هشت سال فعالیت، به ۲/۵۰۰/۰۰۰ نسخه در سال رسید. امروزه این دفتر در ادامه راه انتشار مجله‌های پیک، مجلات «رشد» را در بیش از ۳۰ عنوان و در شمارگان سالانه نزدیک به ۴/۰۰۰/۰۰۰ نسخه منتشر می‌کند.

دانش‌آموزانی که در مدارس عادی شهر و روستا در

دوره‌های گوناگون و پایه‌های متفاوت مشغول به تحصیل‌اند، مخاطبان عمده مجله‌های دانش‌آموزی رشد هستند. این در حالی است که دیگر گروه‌های دانش‌آموزان (دارای نیازهای ویژه) در زمره مخاطبان مجله‌های رشد تعریف نشده‌اند. هم‌اکنون در مدرسه‌های استثنایی تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش، بیش از ۷۰ هزار دانش‌آموز استثنایی تحصیل می‌کنند که از خواندن این مجله‌ها محروم‌اند و در صورت دریافت هم، مجله چندان به کارشان نمی‌آید.

بنابر تعاریف «سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور»، دانش‌آموز استثنایی (دانش‌آموز دارای نیازهای ویژه) فردی است که از نظر یادگیری، ارتباطی، حس بینایی و شنوایی، جسمانی و رفتاری به‌طور قابل ملاحظه‌ای آسیب دیده باشد و مشکلات آموزشی و رشدی او که به‌وسیله انواع آزمون مشخص می‌شود، در حدی باشد که مانع یادگیری او شود و روی عملکرد آموزشی او اثر نامطلوب بگذارد. این دانش‌آموز برای آنکه بتواند از آموزش و پرورش بهره‌بردار، نیازمند ایجاد

Roshd-e-roshan Nalavan is the first Braille Magazine for Blind high school students (age 13-15) in Iran. It is published monthly in Farsi language and distributed between students all over the country at no charge.
It encourages blinds to read for pleasure, and thereby improve their reading skill.
It contains different reading materials such as stories, poems and various articles on health, inspiration, self-esteem, hobbies and so on. For more information you can refer: www.roshdmag.ir

• بستگی عزیز
لطفاً از گذاشتن محموله‌های سنگین
بر روی بسته‌های مجلات بریل خودداری کنید.

دانش آموز نابینا (دچار آسیب دیدگی شدید تا عمیق):
دانش آموزی است که قدرت بینایی ندارد یا میزان باقی مانده از بینایی او، با وجود استفاده از وسایل کمک بینایی، به حدی کم و محدود است که ایجاب می‌کند آموزش او از طریق روش‌های آموزشی ویژه نابینایان و خط بریل صورت پذیرد. حداکثر بینایی اصلاح شده چنین دانش‌آموزانی از ۲۰/۲۰۰ (بیست/دویستم) کمتر است یا زاویه دیدشان در بیشترین قطر از ۲۰ درجه بیشتر نیست.

دانش آموز آسیب دیده شنوایی
دانش آموز کم‌شنوا (دچار آسیب دیدگی خفیف تا متوسط): دانش‌آموزی است که میزان باقی مانده شنوایی او با استفاده از وسایل کمک شنوایی و بهره‌گیری از راهنمایی‌های آموزشی برای دریافت مطالب شنیداری و گفتاری کافی است و میزان شنوایی وی بین ۳۵ تا ۷۰ دسی‌بل است.

دانش آموز ناشنوا (دچار آسیب دیدگی شدید تا عمیق): دانش‌آموزی است که با میزان باقی مانده شنوایی خود، با وجود استفاده از وسایل کمک شنوایی، نتواند گفتار دیگران را از طریق حس شنوایی پردازش کند. به عبارت دیگر، میزان افت شنوایی وی ۷۰ دسی‌بل یا بیشتر است. لذا او از طریق حس شنوایی از فراگیری زبان محروم است.
دانش آموز تلفیقی - فراگیر: دانش‌آموزی است که با یکی از آسیب‌دیدگی‌های شنوایی، بینایی، جسمی - حرکتی، هوش مرزی (دیرآموز)، مشکلات ویژه یادگیری، اختلال رفتاری - هیجانی (خفیف تا متوسط)، با استفاده از روش آموزش تلفیقی - فراگیر، در کلاس‌های آموزش و پرورش عادی به تحصیل مشغول است.

تغییراتی در محیط، منابع، برنامه‌های آموزشی و پرورشی، و دریافت خدمات توان بخشی است و برابر مقررات در یکی از دوره‌های تحصیلی استثنایی یا عادی به تحصیل اشتغال دارد.

تقسیم‌بندی دانش‌آموزان مزبور چنین است:

دانش آموز آسیب دیده بینایی
دانش آموز کم‌بینا (دچار آسیب دیدگی خفیف تا متوسط): دانش‌آموزی است که میزان باقی مانده بینایی او، با استفاده از وسایل کمک بینایی، به حدی کم و محدود است که نمی‌تواند از خطوط کتاب‌های عادی استفاده کند و برخوردار وی از آموزش، مستلزم استفاده از کتاب‌های درشت خط است.
حداکثر حدت بینایی اصلاح شده چنین کودکان و دانش‌آموزانی از ۲۰/۲۰۰ (بیست/دویستم) بیشتر و از ۲۰/۷۰ (بیست/هفتادم) کمتر است.

دانش آموز چند معلولیتی: دانش آموزی است که دو یا بیشتر از دو ناتوانی دارد که به یکدیگر وابسته نیستند و این ناتوانی‌ها در حدی هستند که روی عملکرد آموزشی وی تأثیر می‌گذارند.

دانش آموز دچار اختلال رشدی فراگیر (طیف اُتیسیم): دانش آموزی است که در سه حیطه ارتباط فردی و میان فردی، اجتماعی، تخیل و تفکر تفاوت معناداری با گروه هم‌سالان خود دارد، به میزانی که عملکرد آموزشی و اجتماعی وی دچار اختلال می‌شود.

دانش آموز دچار اختلال رفتاری-هیجانی: دانش آموزی است که پاسخ‌های رفتاری-هیجانی او در مدرسه، به صورت مستمر با هنجارهای پذیرفته شده براساس سن، جنسیت، و قومیت یا فرهنگ، تفاوت معنی‌داری با هم‌سالانش دارد، به گونه‌ای که بدون وجود آسیب‌دیدگی هوشی، حسی یا جسمی، در عملکرد تحصیلی، رفتار کلاسی، مراقبت از خود، روابط اجتماعی، سازگاری شخصی و سازگاری شغلی او اختلال مشاهده می‌شود.

دانش آموز دچار مشکلات ویژه یادگیری: دانش آموزی است که دچار اختلال‌هایی در یادگیری و شناخت است و این اختلال روی دامنه نسبتاً محدودی از درس‌ها و عملکردهای او تأثیر می‌گذارد. این اختلال اکتسابی نیست و دانش آموز برای دستیابی به سازگاری، انطباق و موفقیت در برنامه آموزشی کلاس عادی، نیازمند دریافت آموزش‌های ترمیمی پاره‌وقت از مراکز آموزشی و توان‌بخشی مشکلات ویژه یادگیری است.

دانش آموز دیرآموز (مرزی): دانش آموزی است که از نظر هوشی، براساس آزمون‌های استاندارد، در محدوده بین یک تا دو انحراف استاندارد زیر میانگین در منحنی نرمال قرار گرفته‌است و از نظر یادگیری مهارت‌های تحصیلی، نسبت به

هم‌سالان عادی خود عملکرد محدودتر و ضعیف‌تری دارد، اما در رفتار انطباقی او اشکالات اساسی مشاهده نمی‌شود. چنین دانش‌آموزی در مدارس عادی به تحصیل اشتغال دارد.

دانش آموز کم‌توان ذهنی: دانش آموزی است که به‌طور معنی‌داری در عملکرد هوشی (دو انحراف استاندارد زیر میانگین) و رفتار سازشی، اجتماعی و عملی وی محدودیت وجود دارد و ناتوانی او در سنین رشد و قبل از ۱۸ سالگی به وقوع پیوسته است. دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی از نظر آموزشی به سه گروه حمایت‌پذیر، تربیت‌پذیر و آموزش‌پذیر تقسیم می‌شوند. سازمان آموزش و پرورش استثنایی مسئولیت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر با هوشیهر ۵۰ تا ۷۰ را به‌عهده دارد.

دانش آموز معلول جسمی - حرکتی (دچار آسیب‌دیدگی خفیف): دانش‌آموزی است با هوشیهر مرزی و بالاتر، که به علت آسیب خفیف در اندام‌های فوقانی، تحتانی و یا هر دو، تا حدودی قادر است کارهای شخصی خود را انجام دهد، اما برای بهره‌مندی از امکانات آموزشی، به تسهیلات، ابزارها و تجهیزات ویژه نیاز دارد.

دانش آموز معلول جسمی - حرکتی (دچار آسیب‌دیدگی شدید): دانش‌آموزی است با هوشیهر مرزی و پایین‌تر که به علت آسیب شدید در اندام‌های فوقانی، تحتانی و یا هر دو قادر به انجام امور شخصی خود نیست. این دانش‌آموز می‌تواند با ایجاد تسهیلات، انطباق و تعدیل روش‌های آموزشی و پرورشی، و نیز ابزارها و تجهیزات ویژه، از امکانات آموزشی - پرورشی نیز بهره‌گیری کند.

در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، بنا به پیشنهاد رئیس وقت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، حجت‌الاسلام دکتر

محمدیان، دفتر «انتشارات و تکنولوژی آموزشی» به انتشار مجلات «رشد روشن» برای دانش آموزان آسیب دیده بینایی اقدام کرد. کار با رشد روشن نوآموز، برای کودکان نابینای پایه های دوم و سوم ابتدایی و رشد روشن دانش آموز، برای کودکان نابینای پایه های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی آغاز شد. در همان بدو انتشار، به دلیل خلأ موجود در این زمینه، جامعه دانش آموزان نابینا و خانواده های آن ها از مجلات استقبال کردند. برای نمونه به سه نامه زیر توجه کنید. علاوه بر این، مراجعه های حضوری و ارتباطات تلفنی بسیاری هم در این باره در دفتر مجله داشته ایم.

نامه ۱ (نامه پدر یک دانش آموز کم بینا به رشد روشن)

با سلام، به نظر من چاپ نوآموز رشد با قلم درشت برای کم بینا یان واقعاً کار عالی و بجایی بود. من همیشه مشکل تهیه مجله یا کتاب با قلم درشت را داشتم و البته همین الان هم دارم، ولی با چاپ مجله با فونت بزرگ برای پسرم کارمان کمی راحت شده. از زحمات بی شائبه و مجدانه شما سپاس گزارم و امیدوارم کارهای جدیدی برای کم بینا یان داشته باشید. علی رضایی، ولی دانش آموز محسن، کلاس سوم ابتدایی، از استان زنجان

نامه ۲ (نامه یک دانش آموز نابینا به رشد روشن)

با سلام و خسته نباشید خدمت شما عزیزان که در نشریه رشد روشن زحمت می کشید برای ما بچه های نابینا. من زهرا یزدانی کلاس ششم هستم از استان یزد. من در مدرسه شبانه روزی رسولیان درس می خوانم. اولین بار نشریه در ماه گذشته به مدرسه ما رسید، ولی به دست من نرسید. من از شما خواهش می کنم این نشریه زیبا را برای من بفرستید. من از قسمت سرگرمی و لطیفه خیلی خوشم می آید. من داستان هایی را که در این نشریه است، دوست دارم. من روزها که تنها هستم، با خواندن همین نشریه خودم را سرگرم می کنم. امیدوارم در چاپ این نشریه موفق باشید. از شما متشکرم. از شما کمال تشکر را دارم. لطفاً نشریه زیبا یان را حتماً برایم بفرستید. بسیار خوش حال می شوم. منتظر نشریه زیبا یان می مانم. خدا یار و نگه دار تان باشد.

نامه ۳ (نامه مادر یک دانش آموز نابینا به رشد روشن)

معلم بریل او آمد! او با یک درفش و لوح سفید آمد! او با لوئیس بریل آمد! او برای نمایش افقی دیگر، در کرانه ساحل چشمان بی فروغ فرزندم آمد! او آمد، تا از انگشتان کوچک فرزند من، چشمانی توانمند بسازد! او آمد، تا قایق سرنوشت فرزند مرا، که در آب های متلاطم آینده ای نامعلوم در گرداب استرس و اضطراب به دور خود می پیچد، به ساحل امن و آرامش برساند! او آمد، تا من و فرزندم را با دنیای مبهم نابینا یان آشنا کند! او آمد، تا با لغزاندن انگشتان فرزندم روی شش برجستگی زندگی ایجاد کند! او آمد تا از دریچه ای دیگر زیبایی های زندگی را به فرزندم نشان دهد! او آمد، تا از فرزند من در مقابل اختاپوس یک قهرمان بسازد! او آمد تا به من بگوید درفش نیز همانند سکه دو رو دارد! همان درفشی که باعث کوری لویی بریل شد، راهی نوین در مقابل پایش نهاد که دنیای نابینا یان را متحول کرد! او آمد، معلم بریل فرزندم آمد! یاسمن همایون، از خراسان جنوبی، شهر سربیشه

انتشار مجلات رشد روشن در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ نیز ادامه یافت و گروه مخاطبان رشد نوجوان و جوان را هم تحت پوشش قرار داد. اما این مجلات در ادامه راه دچار مشکلات و معضلاتی شده اند که در این گزارش به آن ها اشاره می شود. از جمله تعاریف و مفاهیم استاندارد آموزش و پرورش استثنایی، موضوع «مناسب سازی کتاب درسی و مواد یا محتوای آموزشی» است. در بیان این مفهوم فوق آمده است: «اصلاح و تغییر محتوای آموزشی (کتاب های درسی / مواد آموزشی) دانش آموزان عادی و انطباق آن ها با ویژگی ها و توانایی های دانش آموزان استثنایی.»

از ابتدای سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مجلات رشد نوآموز و رشد دانش آموز برای دانش آموزان کم بینا مناسب سازی و در هشت شماره منتشر شدند. این مجلات در قطع بزرگ تر از مجلات عادی رشد و با خط درشت و طراحی گرافیک ویژه منتشر شدند، اما در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴، به دلیل وجود محدودیت های مالی، این روند انتشار ادامه نیافت.

چالش‌های پیش‌رو

● گروه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش و پرورش، از نظر جمعیتی بزرگ‌ترین گروه کودکان دارای نیازهای ویژه در آموزش و پرورش استثنایی کشور است و این در حالی است که برای این گروه از کودکان، هیچ مطلب خواندنی و نشریه‌ای چاپ نمی‌شود.

● در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵، علاوه بر انتشار رشد روشن برای دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی، نسخه کم‌بینایی مجلات رشد نوآموز و رشد دانش‌آموز، همچون سال‌های گذشته، منتشر می‌شده که انتشار آن متوقف شده است.

● گروه دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی، با وجود آمار کم تحت پوشش آموزش و پرورش (۸۱۵ نفر در گروه سنی نوآموز، ۱۰۲۲ نفر در گروه سنی دانش‌آموز، ۴۲۴ نفر در گروه سنی نوجوان و ۴۳۴ نفر در گروه سنی جوان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴)، از پراکندگی گسترده‌ای در سطح کشور برخوردار است. لذا فرایند توزیع مجلات برای آن‌ها، روند خاصی را می‌طلبد.

● توزیع این مجلات در سال جاری توسط «مؤسسه رودکی» انجام می‌شود.

● براساس قانون سکوگرام، بسته‌های پستی زیر هفت کیلوگرم، از پرداخت هزینه ارسال معاف هستند، اما قبول این مطلب برای مدیران ذی‌ربط اداره پست دشوار به نظر می‌رسد. لذا توزیع این مجله‌ها از روند مطلوبی برخوردار نیست.

● تأمین منابع مالی برای تولید این مجلات از طرف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با اما و اگرهای زیادی مواجه است و ادامه این روند ممکن است به انتشار نیافتن این مجلات بینجامد.

راهکارهای پیشنهادی

● از میان مجله‌های سال جاری یا سال‌های گذشته می‌توان با تغییراتی، مجله جدیدی برای گروه کم‌توان ذهنی فراهم کرد.

● با توقف انتشار نسخه کم‌بینایی مجله‌های رشد نوآموز و دانش‌آموز در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴، مجله خط بریل به همراه خط بینایی را برای دانش‌آموزان کم‌بینا نیز توزیع کردیم، اما گزارش‌های رسیده حاکی از آن بود که نسخه بریل به همراه خط بینایی نمی‌تواند نیاز این گروه را برآورده سازد. لذا پیشنهاد می‌شود نسخه کم‌بینایی رشد نوآموز و دانش‌آموز نیز منتشر شود.

● توزیع مجلات موضوعی بسیار حیاتی است. پیشنهاد می‌شود این مجلات پس از چاپ در چاپخانه رودکی، به



روش کار

الف) مجلات رشد روشن نوآموز و رشد روشن دانش آموز

آماده‌سازی محتوا

مجله رشد دانش آموز، بعد از فراهم شدن مطالب هر شماره - و غالباً پیش از تصویب و تهیه ماکت نهایی - آن‌ها را برای استفاده رشد روشن در شبکه می‌گذارد. همکاران مجله رشد نوآموز نیز دو تا سه هفته بعد، ماکت نهایی مجله را برای خارج کردن از قالب «ایندیزاین» و تبدیل به قالب «ورد»، به مدیر داخلی مجله رشد روشن تحویل می‌دهند.

در جلسه‌ای با حضور نویسندگان کودک و معلمان مرکز استثنایی نابینایان، مطالب این دو مجله برای انتشار در رشد روشن بررسی می‌شوند. غالباً مطالب موجود در رشد نوآموز هر ماه، برای گروه آسیب‌دیده بینایی نیز مناسب است. هماهنگ بودن مجلات، به‌خصوص برای کودکانی که در مدارس عادی و به‌صورت تلفیقی درس می‌خوانند، مطلوب است (البته برخی از عنوان‌ها، کلمات و عبارات متناسب‌سازی می‌شوند).

گاه با صلاح‌دید و تأیید کارشناسان، از مطالب (شعر، داستان و کاردستی) مجله نوآموز در مجله رشد روشن دانش آموز نیز استفاده می‌شود.

مخاطبان رشد روشن دانش آموز، علاوه بر مطالب علمی، آموزشی و اخلاقی موجود در رشد دانش آموز، به مواد خواندنی دیگری نیاز دارند که حس شادمانی، اعتمادبه‌نفس، پذیرش موقعیت خود، پیوند با اجتماع و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی را در آن‌ها تقویت کند. چنین حسی باید بیشتر به‌صورت غیرمستقیم (در قالب قصه و داستان کوتاه که نویسندگان کودک با اهداف خاص برای

اداره توزیع ارسال شوند و از طریق نمایندگان رشد سراسر کشور در اختیار اداره آموزش و پرورش استثنایی استان قرار گیرند. از طرف دیگر، با توجه به قانون سکوگرام، می‌توانیم در توزیع این مجلات به مرور از سیستم مشترکین فردی استفاده کنیم.

● تدابیری صورت گیرد که تأمین منابع مالی این مجلات فقط و فقط از طریق گردش مالی مجلات رشد صورت گیرد. در این‌باره نمی‌توان به هم‌پاری سازمان‌هایی نظیر سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی، سازمان محیط زیست و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تکیه کرد.



این مخاطبان می‌نویسند) و گاه صریح و ساده (توصیه‌های کارشناسان) به مخاطبان منتقل شوند. چنین محتوایی را یا کارشناسان و نویسندگان مجله تولید می‌کنند یا با همکاری دوستان دیگر در مراکز استثنایی فراهم می‌شود.

معرفی بخش‌ها

صفحه «آغازین» مجله (سرمقاله) جایی است تا خودمانی‌تر (با خاص‌تر) با مخاطبان ویژه خود حرف بزنیم. در مناسبت‌های خاص (مثلاً روز جهانی معلولان) این صفحه در اختیار کارشناسان نیز قرار می‌گیرد تا با بچه‌ها مستقیم و صمیمانه‌تر حرف بزنند.

در صفحه «مهارت‌ها»، کارشناسان استثنایی، علاوه بر آموزش مهارت «تحرک و جهت‌یابی»، رفتارهای اجتماعی در خانه و مدرسه، در برخورد با افراد بینا و دوستان نابینا، چگونگی عکس‌العمل و پاسخ به کنجکاوی‌های دیگران درباره نحوه زندگی و تحصیل، و... را آموزش می‌دهند. همکاران این صفحه عبارت‌اند از: خانم **اسکندری**، مدرس خط بریل و تحرک و جهت‌یابی؛ خانم **اسماعیل‌زاده**، کاردرمانگر بچه‌های استثنایی؛ خانم **فریبا علیزاده**، دبیر دانش‌آموزان استثنایی.

در پشت جلد، پیام‌هایی ضروری با بیانی صریح و کوتاه (به خط بینایی) برای بزرگ‌ترها و والدین منعکس می‌شود؛ مانند: «پدر و مادر عزیز از زمین خوردن من نهراسید و بگذارید مثل بچه‌های دیگر جست‌وخیز کنم.» این پیام‌ها نیز ضمن مشورت و گفت‌وگو با آموزگاران و مربیان کودکان استثنایی فراهم می‌شوند.

در صفحه سرگرمی، علاوه بر بازی با واژه‌ها (به‌منظور تقویت هوش کلامی)، مفاهیم ریاضی و اعداد، بازی و سرگرمی‌های تصویری (جدول و مارپیچ) به‌صورت بریل قرار دارند که حس

لامسه و قدرت درک بچه‌ها را تقویت می‌کند. این بخش هم بر عهده یکی از کارشناسان مجله (خانم **ریحانه کشاورز**)، مربی دانش‌آموزان ویژه) است که کاردستی‌های رشد‌نواآموز و رشد دانش‌آموز را نیز با توان بچه‌های آسیب‌دیده بینایی متناسب‌سازی می‌کند.

در صفحه «یک دوست تازه» کتاب‌های مناسب بریل و صوتی موجود در کتابخانه‌ها و بازار نشر معرفی می‌شوند. توضیح نحوه تهیه کتاب‌ها یا چگونگی عضویت در کتابخانه نیز می‌آید. خانم **پرستو ولدخان**، مسئول بخش نابینایان کتابخانه حسینیۀ ارشاد، مسئولیت این بخش را بر عهده دارد.

صفحه «تو» مخصوص نوشته‌ها، شعرها و حرف‌های خود بچه‌هاست.

در صفحه «ورزش»، حرکات ورزشی آموزش داده می‌شوند. خانم **حاجی‌زاده**، مربی ورزش نابینایان، با مشورت خانم **کوه‌فلاح**، کاپیتان تیم ملی گلبال، این کار را انجام می‌دهند. با توجه به محدودیت تعداد صفحات این مجله، از محتوای مجلات سال‌های گذشته نواآموز و بیشتر دانش‌آموز، برای پر کردن تمام سطرهای صفحات با شعر یا داستانک‌های لطیف و مناسب استفاده می‌شود.

ب) آماده‌سازی و تولید مجلات رشد روشن نوجوان و رشد روشن جوان آماده‌سازی

هر سال با هم‌فکری اعضای «شورای برنامه‌ریزی مجلات رشد روشن نوجوان و رشد روشن جوان»، نخست برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.

بدیهی است در این برنامه‌ریزی نیازهای ویژه مخاطبان مدنظر قرار می‌گیرد و سعی می‌شود درک مطالب ارائه شده

تولید

ماکت کامل شده مجلات برای تأیید به ترتیب در اختیار معاون مجلات و سپس مدیر مسئول قرار می‌گیرد. بعد از تأیید محتوا، مدیر داخلی مجله، با هماهنگی واحد تولید نشریات رشد، فایل‌های «ورد» و «پی‌دی‌اف» مجلات را تهیه و به چاپخانه می‌فرستد. در واحد چاپخانه که در حال حاضر در خیابان «ظهیرالاسلام» قرار دارد، با استفاده از نرم‌افزار مبدل، فایل به خط بریل بازگردانده می‌شود. در این مرحله سردبیر و مدیر داخلی در چاپخانه حضور می‌یابند تا در صورت سرریز شدن مطالب از صفحات در نظر گرفته شده، بار دیگر ویرایش حجمی انجام دهند. بعد از تهیه نسخه بریل، یک نمونه از آن چاپ و توسط نمونه‌خوان‌های نابینا خوانده می‌شود تا ایرادهای احتمالی اصلاح شوند.

از روی نمونه اولیه اصلاح شده زینک تهیه می‌شود و نمونه‌خوانان نابینا زینک نهایی را می‌خوانند تا اگر ایرادی باقی مانده باشد، از طریق «چکش کاری» اصلاح شود.

به این ترتیب که با سنبه و چکش، نقطه‌های اضافی خط بریل روی زینک صاف یا در صورت نیاز، نقطه‌هایی به آن اضافه می‌شوند. زینک نهایی تحویل قسمت چاپ می‌شود تا مجله به تعداد شمارگان تعیین شده از سوی معاون مجلات، چاپ شود و در اختیار دفتر مجلات رشد قرار گیرد. معاون مجلات نیز طبق آماری که از مدارس نابینان تهیه کرده است، به توزیع آن‌ها اقدام می‌کند.

برای کنترل فرایند تولید محتوا، جلسات دوره‌ای شورای برنامه‌ریزی مجله برگزار می‌شود. لازم به توضیح است که دو نفر از اعضای این شورا از معلمان نابینا هستند و غالباً با بازخوردی که از مخاطبان مجله به دست می‌آورند، نظرها و پیشنهادهای مفیدی برای بهبود کیفیت مجلات ارائه می‌کنند.

تا حد امکان به حس بینایی وابسته نباشد. البته این امر محدودیت‌هایی را برای پدیدآورندگان به وجود می‌آورد که در نوع خود چالشی جدی و در عین حال جذاب شمرده می‌شود.

بعد از تأیید برنامه سالانه و سرفصل‌های مجلات از سوی مدیر مسئول مجلات رشد، گردآوری و تولید محتوا، طبق زمان‌بندی اعلام شده از سوی معاون مجلات انجام می‌شود. لازم به توضیح است که بخش عمده مطالب دو مجله مذکور از مجلات رشد جوان و نوجوان اقتباس و با توجه به شرایط خاص مخاطبان، ویرایش و تلخیص می‌شود.

برای مثال، اگر در مطالب مجله‌های رشد نوجوان و رشد جوان جدول‌ها یا تصویرهای مکمل وجود داشته باشند، این موارد به گزاره‌های متنی تبدیل و برای مخاطبان متناسب‌سازی می‌شوند.

بخش دیگری از محتوا به طور اختصاصی برای مخاطبان سفارش داده می‌شود. در این بخش، مطالبی همچون آشنایی با ورزش نابینان، آشنایی با زبان بدن، معرفی مهارت‌ها و مشاغل مناسب برای نابینان و یا افراد موفق نابینا (به منظور الگوسازی) درج می‌شود.

مطالب بعد از متناسب‌سازی و ویرایش اساسی توسط سردبیر، تحویل بخش حروف‌چینی می‌شوند. بعد از حروف‌چینی، نمونه‌خوانی و اصلاح نهایی، از آنجا که فونت خط بریل قابلیت تغییر اندازه ندارد، مدیر داخلی مجلات مطالب آماده شده را طبق برگه صفحه‌گستر (کنداکتور) که سردبیر مشخص کرده است، در صفحات مجلات جاگذاری می‌کند تا تناسب حجم مطالب با صفحات پیش‌بینی شده برای آن‌ها مشخص شود.

در این مرحله، سردبیر بار دیگر مطالب را ویرایش و تغییرات لازم را اعمال می‌کند.

قطار دیجیتال به راه افتاده است!

بازخوانی تجربه‌های مجلات رشد در فضای مجازی
از زبان محمد کرام‌الدینی، سردبیر مجلهٔ رشد آموزش زیست‌شناسی

محمد کرام‌الدینی: خبر در عصر دیجیتال به صورت لحظه‌ای مخابره می‌شود. سال‌ها قبل از آنکه سازمان به فکر کاربرد اینترنت در فرایند تولید مجله باشد، من سرگرم بودم. در آن زمان اصلاً حروف فارسی در وب وجود نداشت. به مرور، زبان عربی و پس از آن فارسی وارد فضای مجازی شد. در آن زمان من وبلاگ داشتیم. ما وقتی می‌خواهیم ایده‌ای را شایع کنیم، دو راه وجود دارد: یا تصمیم‌گیرنده هستیم و یا از پایین می‌خواهیم ایده را شیوع بدهیم که انرژی و کار فراوانی می‌برد و عشق و سرمایه می‌خواهد. من حدود ۱۱ سال پیش مقاله‌ای نوشتم و در آن مطرح کردم که قطار دیجیتال به راه افتاده است و ما باید سعی کنیم که از آن جا نمانیم. قبل از اینکه این دفتر به فکر وبلاگ باشد، من وبلاگی داشتیم و با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کردم. ولی وقتی وبلاگ رسمی افتتاح شد، من آن را غیرفعال کردم.

تردیدی نیست که با حضور پررنگ «فناوری اطلاعات و ارتباطات» (ICT) جهان دچار تحولات شگرف به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و ... شده است. رسانه‌ها و نشریات کاغذی نیز از این امر مستثنا نبوده‌اند.

بنا به منطق و تجربه باید از فرصت‌های زایندهٔ ICT در حوزهٔ نشریات کاغذی نیز بهره برد. در جلسات کارشناسی «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ با حضور محمد کرام‌الدینی، سردبیر مجلهٔ «رشد آموزش زیست‌شناسی» به موضوع «بازخوانی تجربه‌های مجلات رشد در فضای مجازی» پرداخته شد. در ادامه، گزارش این نشست و نظرات حاضران را می‌خوانید.



کنید، مسلماً افراد بیشتری جذب می‌شوند. مجله رشد آموزش زیست‌شناسی از چهار شماره به سه شماره در سال تبدیل شد و ما از دی ماه بی‌کار می‌شویم. من می‌خواستم پیشنهاد کنم، این مجلات به چهار شماره در سال بازگردد. پیشنهاد دیگر من این است که یک شماره را به صورت دیجیتال منتشر کنیم. به این شکل هیچ هزینه‌ای هم برای دفتر نخواهد داشت. در این شرایط، از یک طرف تعداد نشریات در سال کم می‌شود و از طرف دیگر تعداد مقالات ارسالی زیاد می‌شود و این معضلی است. بسیاری از مقالات مجال چاپ شدن ندارند. اگر این مقالات به صورت دیجیتال منتشر شوند، بسیار خوب خواهد بود و قابلیت‌های بیشتری نیز دارد. امروز قطار نشریات الکترونیک با سرعت در حال پیشرفت است و اگر شما جست‌جو کنید، متوجه می‌شوید بسیاری

این وبلاگ هنوز هم هست، اما فعالیت‌های آن در این حد است که اگر نشریه جدیدی روی وب برود، اعلام می‌کنیم و مقالات پذیرفته شده را معرفی می‌کنیم و از این طریق با مخاطبان ارتباط می‌گیریم. یکی از موقعیت‌هایی که وجود دارد، «تلگرام» است. چندی پیش من یک کانال تلگرامی افتتاح کردم. البته پیش از من مجله «رشد جوان» این کار را انجام داده بود. کار کردن با تلگرام هم فوت و فنی دارد و در این مدت تجربه‌هایی هم کسب کرده‌ام. اولین اصل در این کارها مخاطب‌شناسی است. باید فهمید که مخاطب چه چیزی دوست دارد. مثلاً سؤال معلمان زیست‌شناسی در این روزها این است که: محتوای کتاب زیست‌شناسی دهم چیست. دیروز سه فصل از کتاب را گذاشتیم و بلافاصله مخاطبان افزایش پیدا کردند. بنابراین وقتی شما نیاز را بسنجید و بر اساس نیاز حرکت



گرام‌الدینی: امروز
قطار نشریات
الکترونیک با سرعت
در حال پیشرفت است
و اگر شما جست‌جو
کنید، متوجه می‌شوید
بسیاری از نشریات
به سوی نشر دیجیتال
رفته‌اند. شاید کمتر
مجله‌ای در جهان باشد
که یک وب‌سایت
پیوسته نداشته باشد

از نشریات به سوی نشر دیجیتال رفته‌اند. شاید کمتر مجله‌ای در جهان باشد که یک وب‌سایت پیوسته نداشته باشد. بسیاری از نشریات اغلب مقالات خود را در سایت می‌گذارند. دیجیتال کردن به محیط زیست کمک می‌کند و از مصرف کاغذ می‌کاهد. بعد مسافت و زمان در این نشریات حل شده است. ما هم بالاخره باید سوار این قطار شویم. من سرمقاله آخرین شماره مجله خودمان را به نشر دیجیتال اختصاص دادم. ما در زیست‌شناسی انفجار دانش و داده داریم.

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد: واقعیت این است که ما خواه‌ناخواه باید نشر الکترونیکی را در ساختار دفتر ببینیم. لازمه این امر آن است که افراد حرفه‌ای وارد کار شوند، سرمایه‌گذاری شود و بسترهای فنی مهیا شوند. به نظر می‌رسد الان روح حاکم بر دنیا این موضوع را طلب می‌کند و باید این گام‌ها برداشته شوند. این فضا باید به وجود بیاید. البته نشر کاغذی هم نقش خود را همچنان ایفا می‌کند.

علی‌اصغر جعفریان، سردبیر رشد

نوجوان: به نظر من محتوای دیجیتالی باید با محتوای کاغذی متفاوت باشد. محتوای دیجیتالی هم جایگزین محتوای کاغذ نمی‌شود. نکته بعد این است که باید از این فضا برای ارتباط مجلات با مخاطب استفاده کنیم. این قدم شاید برای مجلات کاربردی‌تر باشد.

شهرام شفیعی، سردبیر رشد نوآموز: در مورد رابطه دموکراسی و دنیای دیجیتال، امروزه همه می‌توانند حرف بزنند و برای خودشان رسانه باشند. برخورد سلبی بسیار متزلزل است؛ برخورد سلبی گفتمان‌ها، اکثریت نسبت به اقلیت و ... امروزه ما می‌فهمیم که اگر می‌خواهیم حرفی بزنیم باید تولید کنیم و حرف جذاب بزنیم. اهرم سلب به شدت از دست ما خارج می‌شود و درک این نکته مهم اگر از فرهنگ شروع شود، بسیار خوب خواهد بود. امروزه جامعه جهانی پرچم حکمت را بلند کرده است. چقدر خوب است که رشد با پیشینه‌ای قوی از این فرصت استفاده کند. بد نیست که در کنار آن نگاهی آسیب‌شناسانه هم وجود داشته باشد. به هر حال من استفاده کردم.

محمد علی قربانی، سردبیر رشد جوان: ما با تفکر

مولکول DNA در سال ۱۹۵۳ کشف شد. در کشور ما اسکناس‌های پنج هزار تومانی جدید تصویر مولکول DNA را دارند. مولکول DNA امروزه جزء ادبیات محاوره‌ای ماست. در سال ۲۰۰۳ نقشه ژنی انسان کامل شد و فهمیدیم تعداد ژن‌های انسان ۳۰ هزار تاست. از این سال زیست‌شناسی دچار تحول شدیدی شد و فناوری دیجیتال در انتقال این علم بسیار مفید واقع شد و قابلیت دسترسی پیدا کرد. پس ما ناچاریم به سمت دیجیتالی شدن حرکت کنیم.

اصغر ندیری، سردبیر رشد آموزش ابتدایی: بحث شیرینی را ارائه کردید. آیا مجلات رشد استعداد و آمادگی دیجیتالی شدن را دارند؟ با توجه به اینکه ما سایت مجلات رشد را داریم و در کنار آن ایمیل و شبکه‌های دیگر را هم داریم، شاید این امر اتفاق افتاده باشد.

گرام‌الدینی: ما برای همین اینجا هستیم تا این بحث را مطرح کنیم. در این مسیر هر فناوری که کارهای جذاب‌تری دارد، جلو می‌افتد و بقیه حذف می‌شوند. من روزی را می‌بینم که مجلات ما دیجیتالی شده‌اند. الان هم نیمه‌دیجیتالی هستیم.



بیات: رسانه فقط ابزار نیست، بلکه یک محیط است که ما در آن زندگی می‌کنیم. امکان ندارد کسی از این عامل کناره‌گیری کند. دنیای آینده را اطلاعات و رسانه‌ها مطرح می‌کنند و پیچیدگی این موضوع آنجاست که خود این اطلاعات قابل کنترل نیستند که پارادوکسی ایجاد می‌کند

کاغذی نمی‌توانیم به سمت رسانه دیجیتال حرکت کنیم. باید درباره این موضوع بیشتر کار کنیم و از افراد متخصص کمک بخواهیم. **محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم:** اگر ما بدون مطالعه وارد بعضی از مسائل شویم، مسیر را به درستی نخواهیم رفت. باید به تهدیدهای این موضوع هم دقت کنیم. امروزه سواد رسانه‌ای موضوعی را به نام «ذائقه‌سازی» مطرح می‌کند. من در قسمت دانش‌آموزی در مورد این موضوع کمی نگران هستم. زیرساخت فرهنگی بسیار مهم است. به نظر من به دو نکته باید دقت کنیم: ما به واسطه ورودمان به عرصه دیجیتال آیا

کاتالیزور ذائقه‌سازی نسل جدیدمان خواهیم بود؟ و اگر آن را به عنوان یک نگاه مثبت می‌بینیم اقتضائاتی که باید داشته باشیم چه چیزهایی هستند؟

شفیعی: به نظر من ورود به این بحث الزاماً مساوی با ورود به فضای دیجیتال نیست. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که ارتباطات دیجیتال وجود دارد. از این به بعد بشر مغز دیگری خواهد داشت و نحوه پردازش اطلاعات متفاوت خواهد بود.

محمدحسین دیزجی، نویسنده و گزارشگر: نشریات کاغذی همچنان هستند و همچنان باید باشند. روزنامه‌های معتبری در دنیا وجود دارند که کاغذ را حذف نکرده‌اند. اما نمی‌توان چشم را هم به روی فناوری بست. فناوری ایده‌های خودش را دارد که اگر با آن همراه باشیم موفق خواهیم بود. در مورد مجلات رشد هم نشریات کاغذی باید پا بر جا باشد؛ اما می‌توانیم از قابلیت دیجیتال هم استفاده کنیم. اگر ما جذابیت کار را بالا ببریم، مخاطب را از دست

نمی‌دهیم. اگر بتوانیم هر روز حرفی برای گفتن داشته باشیم مخاطب جذب خواهد شد.

سپیده چمن‌آرا، سردبیر رشد برهان متوسطه اول: آقای کرام‌الدینی گفتند باید نیاز مخاطب را بشناسیم. در ارتباط با مجلات، آیا ما باید همه نیازهای آموزشی را شناسایی و رفع کنیم یا آنچه مرتبط با مجله است را مطرح کنیم؟ موضوع دیگر این است که من فکر می‌کنم، کسانی که وبلاگ یا کانال‌گردان می‌شوند، باید ویژگی‌های خاصی داشته باشند. در ارتباط با وبلاگ، مشکلی که وجود دارد، بحث تعاملی بودن آن است که آن را ناکارآمد کرده است. مورد آخر این که در آینده هویت فیزیکی افراد مهم نخواهد بود و اکانت هر فرد مهم است. باید آماده چنین دنیایی باشیم.

سیدکمال شهابلو، معاون دفتر: من فکر می‌کنم در نشر دیجیتال، به خصوص مجلات رشد، ما اهداف مختلفی را دنبال می‌کنیم که یکی از آن‌ها «لذت خواندن» است. لذت خواندن کتاب با هیچ چیز جایگزین نمی‌شود. هدف دیگر آموزش است. بحث «عدالت آموزشی» که جزو اهداف مجلات است، باید در نظر گرفته شود. ثبات کتاب قابل جایگزین با نشریات دیجیتالی نیست. ما می‌توانیم بعضی از مطالب را به صورت دیجیتالی و بعضی را به صورت کاغذی منتشر کنیم و با شیب ملایمی به این سمت پیش برویم.

فربرز بیات، سردبیر رشد آموزش علوم اجتماعی: من سعی می‌کنم افق‌هایی را در بحث نظری و تاریخ تحول رسانه‌ها باز کنم تا دوستان بدانند دیگران که در این زمینه بحث کرده‌اند، به این تغییر و تحول

عصر چهارم، عصر «پلتفرم» است که سه حوزه را تهدید می‌کند: در درجه اول سازمان‌های رسانه‌ای که در این عصر نمی‌توانند به شکل سابق کار کنند و بیشتر مدیریت می‌کنند. پس خطری برای آن‌ها محسوب می‌شود. اما خطری هم روزنامه‌نگاران و تیم تحریریه را تهدید می‌کند. در رویکرد پلتفرم، تیم متخصص تولید وجود



چگونه نگاه کرده‌اند. در بحث تحول فضای اجتماعی و مجازی بحثی اساسی وجود دارد، مبنی بر اینکه رسانه از یک ابزار و وسیله فراتر می‌رود. رسانه اعم از نشریه، رادیو، تلویزیون، سایت و ... است. صاحب‌نظران معتقدند چهار عامل دنیای حال و آینده ما را شکل می‌دهد: یکی بحث جهانی شدن است که همه ما با آن آشنا هستیم. جهانی شدن یک فرایند و عامل کلان است که همه جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. عامل دوم تجاری شدن است که همه را دربرمی‌گیرد. روند سوم فردی شدن است. هر کس می‌تواند رسانه شخصی داشته باشد. آخرین عامل رسانه‌ای شدن است. رسانه فقط ابزار نیست، بلکه یک محیط است که ما در آن زندگی می‌کنیم. امکان ندارد کسی از این عامل کناره‌گیری کند. دنیای آینده را اطلاعات و رسانه‌ها مطرح می‌کنند و پیچیدگی این موضوع آنجاست که خود این اطلاعات قابل کنترل نیستند که پارادوکسی ایجاد می‌کند.

نکته دیگر در تحول رسانه‌هاست. در بحث تحول رسانه‌ها چهار دوره مشخص داریم که در بسیاری از رسانه‌های کشور تا حدود زیادی در دوره اول هستیم: یک دوره، دوره نشر است که با چاپ و کتابت شروع می‌شود. ویژگی دوره نشر این است که تا حدود زیادی یکطرفه و غیرتعاملی است، امکان انتقال یک نوع متن را دارد و آنالوگ است. مخاطب نیز منفعل است. دوره دوم عصر پخش است. این دوره هزینه‌های سنگینی دارد. دوره سوم ترکیبی از نشر و پخش است. آنچه که در این سه دوره مشترک است، این است که سازمان‌های رسانه‌ای تولیدکننده پیام و محتوا هستند. تیم متخصصی دارند، معمولاً آنالوگ هستند، هزینه‌های بالایی دارند و مهم‌تر از همه اینکه مخاطب منفعل است.

را هم به همراه دارد. مثلاً یکی از مشکلات بحث حقوق معنوی است. منبع اخباری که در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شوند، مشخص نیست و مسائل حقوقی جدی مطرح می‌شود. ما چه کار می‌توانیم بکنیم برای آماده شدن؟
پایه کاری که در فضای وب انجام می‌شود، بحث زبان

ندارد. همه کسانی که مخاطب هستند، تولید کننده‌اند و علیه حرفه‌ای‌گری هستند. ما باید خودمان را آماده کنیم. همه وارد این فضا می‌شوند و اگر ما مهارت‌های جدیدی را کسب نکنیم، ناموفق خواهیم بود. تا حد زیادی حرفه روزنامه‌نگاری به معنای سنتی آن با خطر مواجه است و ما باید آماده باشیم. البته مشکلات زیادی



است. وبلاگ‌نویسی زمانی خیلی رواج داشت، ولی الان فروکش کرده است. اما زبان اصلی نوشتن در وب همین وبلاگ‌نویسی است. ما باید وبلاگ‌نویسی را بلد باشیم و تکنیک‌ها و مهارت‌های آن را بدانیم. ما در سایت همشهری مجموعه درس‌نامه‌ای را شروع کرده‌ایم، تحت عنوان بلاگ‌نویسی که تازه شروع شده است. اگر این زبان را یاد بگیریم محتوای مناسب را می‌توانیم تولید کنیم و ساختار سازمانی خودمان را متناسب با این فضا تعریف کنیم و زیرساخت‌ها را هم باید برای این موضوع مهیا کنیم. ببخشید.

حبیب یوسف‌زاده، ناظر محتوایی مجلات رشد:

وقتی یک جسم خارجی وارد یک محیط می‌شود، تکانه‌هایی در محیط ایجاد می‌کند و آرام آرام به سمت تعادل پیش می‌رود. پدیده‌های جدید عموماً این‌گونه هستند. بخشی از جاذبه‌های کاذب این فضاها فروکش می‌کند و نباید نگران این موضوع بود. نکته دیگر اینکه هیچ‌گاه فضای دیجیتالی نخواهد توانست نشر کاغذی را کنار بزند. ولی ما باید مهارت سوار شدن به این قطار را کسب کنیم. به هر حال این دغدغه وارد دفتر و فضای کار ما شده است. ضمن اینکه با وارد شدن فضای فناوری آموزشی به دفتر بخشی از موضوع جلسه می‌تواند به فناوری آموزشی محول شود. اما نکته اصلی بحث اقتصاد نشر دیجیتالی است. یکی از عواملی که مدیران فرهنگی را از رواج نشر دیجیتال باز می‌دارد بحث اقتصادی است. به نظر من بد نیست مروری داشته باشیم بر تجربیات موفق داخلی و خارجی.

شفیعی: من با آقای یوسف‌زاده موافقم. این ماجرا مثل هر ماجرای جدیدی در ابتدا بزرگ‌نمایی‌هایی دارد. باید کمتر نگران باشیم و از انفعال دوری کنیم و ماجرا را خوب بشناسیم. اما مهم این است که قطب مخالف این قضیه را

هم بشناسیم و آن، بحث متن است. متن‌ها به چه دلیل خوانده می‌شوند؟ آیا همه آنچه به عنوان خواندنی منتشر می‌شوند، ویژگی‌های متن را دارند؟ بسیاری از خواندنی‌ها از تمام ویژگی‌های لازم برخوردار نیستند. متن‌های مهمی که در طول تاریخ خوانده می‌شوند چه ویژگی‌هایی دارند؟ به نظر من متن‌ها به دلایلی خوانده می‌شوند که بیرون از آن متن‌ها هستند. متن‌های خواندنی تمام آن ویژگی‌ها را در خود دارند که به عنوان متن خوانده می‌شوند. به نظر من ما باید این توازن را حفظ کنیم و در دام شتاب‌زدگی نیفتیم.

جعفریان: ما برای اینکه بتوانیم از امکانات دیجیتال و اینترنت استفاده کنیم و ارتباطمان را با مخاطب بیشتر کنیم، سعی کردیم از فضاهایی که داریم استفاده کنیم. البته به نسبت شمارگان مجله من راضی نیستیم. به هر حال توانستیم با مخاطبان از طریق سایت ارتباط برقرار کنیم. قبلاً وبلاگ داشتیم، ولی به خاطر محدودیت‌های زیاد وبلاگ، تقاضای سایت کردیم. راه‌های دیگر سامانه پیامکی، کانال تلگرام، صفحه اینستاگرام و ایمیل هستند. در سایت مطالب بچه‌ها را قرار می‌دهیم. از بخش‌هایی که داریم، یکی «ضد زنگ» است که به خاطرات طنز بچه‌ها اختصاص دارد. قسمتی «خواندنی‌ها» است که مطالب علمی و اجتماعی را قرار می‌دهیم. «روزنامه‌دیواری» است که حاوی کارهای بچه‌هاست. بخش «نوجوانانه» است که به مسائل روان‌شناسی می‌پردازد. در سایت، زیر هر صفحه و مطلب نظرسنجی بچه‌ها آمده است که من دائماً آن‌ها را چک می‌کنم و مورد استفاده قرار می‌دهم. بخش پیامکی ما دو طرفه است و ما هم می‌توانیم به کسی که پیام داده است، بلافاصله پیام بدهیم. منتها ما این کارها را با عوامل مجله انجام می‌دهیم، در حالی که اگر از افراد حرفه‌ای استفاده شود، خیلی بهتر جواب خواهد داد. در کانال تلگرام صفحات

و مطالب مجله را قرار می‌دهیم.

محمد ناصری، مدیرمسئول مجلات رشد: بحث امروز بسیار پر دامنه است و در یک جلسه نمی‌توان آن را جمع کرد. آقای قربانی به درستی اشاره کردند که تجربه نوشتن کاغذی با دیجیتالی متفاوت است. مثال آقای کرام‌الدینی در مورد قطار بسیار خوب بود. ما در مجلات فرصت‌هایی ایجاد کرده‌ایم که به آن‌ها نگاه نشده است. فضای مجازی، افراد دغدغه‌مند خودش را می‌خواهد. شاید سردبیران ما افراد مورد نظر این کار نباشند. در این چند سالی که ورود پیدا کرده‌ایم، کاملاً قابل ارزیابی است. بگذاریم مجله کاغذی کار خودش را درست انجام دهد و فرد یا افراد مؤثر در نشر دیجیتال را به خدمت بگیریم. ما در فضای مجازی بسترهای بسیار مناسبی داریم. بهتر است به نیازهای واقعی مخاطبان خود فکر کنیم. من فکر می‌کنم این موضوع بسیار اهمیت دارد و باب آن بسته نیست و باید در مورد آن به نتیجه برسیم. ما برای پاسخ دادن به نیازهای مخاطبان در اینجا جمع شده‌ایم. جمع‌بندی من این است که ما از سردبیران محترم یک مجله قابل قبول و جذاب می‌خواهیم. در موارد دیگر دوستان مختار هستند و بر اساس توانایی خود عمل کنند. اگر شما برنامه قابل دفاع داشته باشید، دفتر حتماً هزینه خواهد کرد. در دفتر و سازمان افق‌هایی که شما پیش روی خود دارید روشن است. آقای کرام‌الدینی یکی از افرادی است که می‌تواند راه را باز کند و برنامه‌های خود را بیان کند. بسیار خوش حال می‌شویم که برنامه‌های عملیاتی از مجله زیست‌شناسی آغاز شود. ضمناً تجربه‌هایی داشته‌ایم که دنبال نشده‌اند؛ مثل تجربه مجله کودک. در هر صورت باید همه چیز روشن باشد. به نظر من بعضی از سردبیران ما کارشناس و فعال در این عرصه نیستند و باید از افراد جوان‌تر و متخصص این حوزه استفاده کنند.

جهان آینده زیباست

گزارش مراسم اختتامیه چهل و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

مختصری از برگزاری این دوره اظهار امیدواری کرد که همچون سال‌های گذشته، برگزار کنندگان بتوانند از نقد و نظرات سازنده و کارشناسی شده حاضران و صاحب‌نظران استفاده کنند.

سید سعید بدیعی گفت: «امسال جشنواره با ۱۰۴۴ اثر شامل ۸۲۰ اثر داخلی و ۲۲۴ اثر خارجی از ۳۰ کشور جهان، در چهار بخش داستانی بلند، داستانی کوتاه، مستند و پویانمایی، کار خود را آغاز کرد. همچنین ۲۳۹ اثر در بخش‌های بین‌الملل، فرهنگیان فیلم‌ساز، دانشجو - معلمان و دانش‌آموزان فیلم‌ساز به مرحله نهایی راه پیدا کرده و بررسی آثار در مرحله نهایی توسط ۱۲ داور برجسته ایرانی، ۴ داور خارجی و ۳ داور دانش‌آموز انجام شد.

در طول یک هفته نمایش فیلم‌های منتخب در بیش از ۳۰۰ مرکز نمایشی ثابت و سیار، بیش از ۶۷۰ هزار دانش‌آموز، دانشجو - معلم و فرهنگیان کارشناس و همچنین دیگر علاقه‌مندان به فیلم‌های آموزشی در تهران و پنج استان سمنان، گیلان، فارس، هرمزگان (با محوریت

مراسم «پایانی چهل و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد»، جمعه ۲۱ آبان ۱۳۹۵ با حضور مسئولان و برخی مقامات داخلی و خارجی، از جمله دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، معاون محترم وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، اعضای شورای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جشنواره فیلم رشد و نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران، در سینما فلسطین تهران برگزار شد.

در آغاز پس از تلاوت آیاتی چند از کلام خدا و پخش سرود جمهوری اسلامی، سیدسعید بدیعی، دبیر جشنواره برای ارائه گزارش نهایی از دستاوردهای آن به جایگاه آمد. در این مراسم از فیلم‌های برگزیده امسال با اهدای جوایزی تقدیر و تشکر شد.

هفته مرور آثار منتخب جشنواره فیلم رشد در بیش از ۲۰ استان

دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، با بیان گزارش



جزایر خلیج فارس و سواحل مکران) و شهرستان‌های استان تهران به طور هم‌زمان از فیلم‌ها دیدن کردند که این یکی از دستاوردهای جدید این جشنواره در ایام برگزاری آن به شمار می‌آید. از آذر ماه سال ۱۳۹۵ نیز هفته‌ی مرور آثار منتخب جشنواره در بیش از ۲۰ استان و پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان سراسر کشور را خواهیم داشت. جشنواره‌ی فیلم رشد، با توجه به اهمیت و وسعت مخاطبان خود، همواره مورد توجه نهادهای خصوصی و دولتی بوده است. در این راستا تعدادی از نهادها و شرکت‌ها در کنار جشنواره حضور داشتند و به حمایت از این رویداد فرهنگی - هنری پرداختند که از همه‌ی آن‌ها کمال سپاس‌گزاری را داریم.»

جهان آینده با علم، آگاهی و آزادی زیباست

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ضمن خیرمقدم و تشکر از حاضران و مهمانان گفت: «این جشنواره حقیقتاً به مقوله‌ی فیلم و تأثیر آن

در فرایند یاددهی توجه ویژه دارد و پیام آن به مخاطبان خود و تمام کسانی که دل‌شان برای کودکان و نوجوانان، دانش‌آموزان و آینده‌سازان کشور می‌تپد، پیام دوستی، صلح و همکاری است. جهان آینده با علم، آگاهی و آزادی مبتنی بر علم و آگاهی زیباست و هرآنچه که علم، آگاهی و صلح را تهدید کند، نازیباست. هنرمندان، فیلم‌سازان و معلمان دوست دارند که فرزندانمان، آینده‌ای سرشار از سلامت، امنیت، موفقیت، خوش‌بختی و شادکامی داشت باشند و هیچ کودکی در دنیا، طعم تلخ جنگ و فقر را نچشد تا همه بتوانند در کنار یکدیگر با صلح و امنیت، جهان آینده را زیبا بسازند.»

او با تشکر از کسانی که در این راستا فیلم ساختند و زمینه را برای ادامه‌ی تحصیل فرزندان کشورمان مساعد کردند تا چگونه زیستن را در کنار با هم زیستن و بهتر زیستن بیاموزند، از همه‌ی دوستانی که از این جشنواره پشتیبانی و حمایت کردند، تشکر کرد و افزود: «از داوران محترم که با صبوری و حوصله فیلم‌های برگزیده را انتخاب کردند،



سیاس گزارم. امیدوارم جشنوارهٔ چهل و ششم گامی فراتر و بهتر از گام‌های پیشین باشد و آیندهٔ خوبی برای ما ترسیم کند. در این جلسه از همهٔ اصحاب هنر و کسانی که در عرصهٔ فیلم‌سازی دستی بر آتش دارند، همچنین از همهٔ معلمان و دانشجو - معلمان که معلمان آینده هستند، می‌خواهم که به موضوع فیلم آموزشی - تربیتی به دیدهٔ جد و علاقه‌مندی بیشتری بنگرند. فیلم آموزشی - تربیتی، فیلم تفننی نیست بلکه فیلمی هدفمند است که وقت و سرمایه‌گذاری بیشتری را می‌طلبد. ما در آموزش و پرورش خود را موظف می‌دانیم که هر روز بیشتر از روزهای پیش به این مقوله بپردازیم و اقدامات بیشتری در زمینهٔ حمایت و سرمایه‌گذاری از فیلم‌های آموزشی انجام دهیم.»

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدیان ادامه داد: «در صحبتی که با برخی از کارشناسان داشتم، شنیدم که امسال تعداد فیلم‌های داستانی بلند کم است. جا دارد به این مقوله بیشتر توجه شود. شاید ساخت فیلم داستانی بلند هزینهٔ بیشتری لازم داشته باشد، اما یقیناً اثرگذاری آن در فرایند یادگیری و مخصوصاً پیام‌های فرهنگی و تربیتی آن می‌تواند همهٔ هزینه‌ها را جبران کند. البته یک نکتهٔ مثبت

و نویدی که دوستان می‌دادند این بود که فیلم‌های بخش مستند، کوتاه و پویانمایی امسال، در مقایسه با سال‌های پیش با کیفیت تر و با ارزش تر بودند. یکی از داوران محترم اشاره می‌کرد که امسال به سادگی نمی‌شد تشخیص داد که فیلم‌های پویانمایی و مستند توسط فیلم‌سازان داخلی ساخته شده‌اند یا فیلم‌سازان خارجی. این موضوع نشان می‌دهد که جشنواره دارد به اهداف خود نزدیک می‌شود.

ما فیلم‌های خوب را شناسایی و معرفی می‌کنیم تا از دست‌اندرکاران و تولیدکنندگان آن‌ها قدرانی کنیم. این وظیفهٔ ماست، اما به نظر می‌رسد که رسالت فیلم‌سازان و کسانی که در حوزهٔ تعلیم و تربیت کار و تلاش می‌کنند، با این حمایت‌ها بیشتر و سنگین تر شود.

امیدوارم که روزهای آینده، وقتی که فیلم‌های جشنواره به مدارس برده می‌شوند، لبخند را بر لبان دانش‌آموزان ببینیم. این لبخندها و شادمانی آن‌ها و همچنین سهولت و تعمیق یادگیری سبب خواهد شد که رنج‌ها و زحمات برگزاری جشنواره از یادها فراموش شود و شیرینی آن برای همیشه باقی بماند.»

زبان تصویر، زبان آشنای جهان امروز است

فلورانس ژبلیت، نمایندهٔ کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ در ایران، با ابراز خرسندی از حضور در مراسم اختتامیهٔ چهل‌وششمین جشنوارهٔ فیلم رشد در ایران گفت: «در ایران اهمیت فیلم در آموزش و پرورش افراد به ویژه نسل جوان مورد تأکید همگانی و مورد توجه مقامات است. این جشنواره نیز خود دلیلی بر تلاش ایران برای گسترش آموزش و پرورش میان جوانان به منظور سرمایه‌گذاری برای نسل آینده است. در کشور شما همگان فرصت بهره‌مندی از نظام آموزش و پرورش را دارند در حالی که این امر در



بسیاری از کشورها محقق نشده است.

ایران همچنین قدم‌های قابل توجهی برای ترویج آموزش بین پناهندگان مقیم این کشور برداشته است. درگیری‌های امروز در بسیاری از کشورها، همچون افغانستان، عراق، نیجریه، سودان جنوبی، سوریه و یمن،

به ما یادآوری می‌کند که تمام کودکان از فرصت آموزش برخوردار نیستند. تا این تاریخ به ندرت شاهد جابه‌جایی گسترده مردم در این حد بوده‌ایم. هم‌اکنون در سراسر جهان حدود ۶۰ میلیون نفر، به دلیل درگیری و خشونت، از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند که بخش بزرگی از آنان را کودکان تشکیل می‌دهند. این رقم از زمان جنگ جهانی دوم بی‌سابقه است. این افراد گاهی سال‌ها از خانه دور می‌مانند و از حقوق اولیه خود از جمله آموزش محروم می‌شوند. این در حالی است که همگی می‌دانیم، آموزش ابزاری قدرتمند برای کودکان است تا وضعیت خود را بهبود ببخشند، از فقر نجات یابند و به عنوان شهروند، مشارکتی همه‌جانبه در جامعه خود داشته باشند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ترویج حق آموزش در شرایط اضطراری، به ویژه در زمان درگیری‌های مسلحانه، مصمم است. این کمیته، سازمانی بی‌طرف و بی‌غرض است که هدف صرفاً بشردوستانه آن، حمایت و کمک به زندگی و کرامت قربانیان درگیری‌های مسلحانه و دیگر شرایط خشونت‌آمیز و امدادسانی به آنان است.

ما همچنین با ترویج حقوق بشردوستانه و اصول جهانی نوع‌دوستی، تلاش می‌کنیم از درد و رنج افراد پیشگیری کنیم. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در راستای اهداف و مقاصد کلی خود، ۹ سال پیش تصمیم گرفت تا با اهدای جایزه به بهترین فیلم‌ها نشان‌دهنده دغدغه‌های بشردوستانه،

ژیلت: ایران همچنین قدم‌های قابل توجهی برای ترویج آموزش بین پناهندگان مقیم این کشور برداشته است

از این جشنواره پشتیبانی کند.»

او هدف از اهدای این جایزه را تشویق فیلم‌سازان به استفاده از استعداد خویش برای نشان دادن شرایط افراد آسیب دیده از درگیری‌های مسلحانه، خشونت یا بلایای طبیعی دانست و افزود: «به این ترتیب،

همگی ما در جریان وضع زندگی و چالش‌های این افراد قرار می‌گیریم. در واقع وقتی که وضعیت قربانیان به تصویر کشیده می‌شود، از آن پس، تصاویر به جای کلمات سخن خواهند گفت و به بیننده امکان تجربه جهانی را که از آن بی‌خبر است، می‌دهند. زبان تصویر، زبان آشنای جهان امروز است. زبانی که هم واقعیت روی زمین و هم رؤیای انسان را و رای مرزهای گوناگون به تصویر می‌کشد. قدرت فیلم حقیقتاً بی‌مانند است. این لحظات، نه تنها امروز بلکه همچنین برای نسل‌های آینده توسط تصاویر زنده نگه داشته می‌شوند.»

ژیلت در پایان گفته‌هایش، فیلم آموزشی و بهره‌گیری از فیلم‌سازی را روشی عالی برای کمک به فهمیدن جهان پیرامون و چالش‌هایش دانست که می‌تواند به تضمین حق دسترسی به آموزش برای تمام کودکان کمک شایان توجهی کند.

اهدای جوایز بخش داستانی بلند

در بخش بازیگری، دیپلم افتخار و جایزه نقدی هیئت داوران برای بازی در نقش همایون، به **حجت شورکی** بازیگر فیلم «پینوکیو، عاموسردار و رئیسعلی» تعلق گرفت. همچنین جایزه ویژه هیئت داوران، شامل دیپلم افتخار و جایزه نقدی برای کارگردانی فیلم «فقط شاگرد اول»، نصیب **آزاده قوچاق** شد. **فرزین مهدی‌پور** نیز برای کارگردانی

فیلم «صله سحر»، برندهٔ دیپلم افتخار و جایزهٔ نقدی شد. این بخش دو تندیس سیمین و زرین نیز نصیب برندگان شد. تندیس سیمین و لوح افتخار برای کارگردانی فیلم «ترانهٔ شرقی» به احسان صدیقی تعلق گرفت و سیدرضا صافی‌زاده نیز برای فیلم «پینوکیو، عاموسردار و رئیسعلی» برندهٔ تندیس زرین و جایزهٔ نقدی شد.

بخش بین‌الملل فیلم‌های مستند

در این بخش ضمن تقدیر و تشکر از مدرسهٔ مونالیزا فرانسه، برای برگزاری مرور تولیدات مستند علمی - آموزشی در چهل و ششمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد، از رئیس دفتر و نمایندهٔ جدید صلیب سرخ در ایران، خانم فلورانس ژیلت و همچنین آقای محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و نمایندهٔ هیئت داوران بخش فرهنگیان، دانشجو - معلمان و دانش‌آموزان فیلم‌ساز برای اهدای جوایز بخش فیلم‌های مستند دعوت شد.

جایزهٔ ویژه هیئت داوران (لوح تقدیر و جایزهٔ نقدی) مشترکاً به فیلم‌های «صیادک معمار» به کارگردانی خلیل زارعی و فیلم «قنات قصبهٔ گناباد» به کارگردانی سعید توکلی فر تعلق گرفت. فیلم «به کجایم رویم» به کارگردانی محمدرضا مجلسی و تهیه‌کنندگی محمدرضا عاطفی و فیلم «چند شاخه گل مریم» به کارگردانی محمد قاسم‌پور نیز برندهٔ لوح تقدیر و جایزهٔ نقدی در این بخش شدند.

فیلم «رسیدن به آسمان» به کارگردانی استیوان دوودس لیون یون چونگ از کره جنوبی، تندیس سیمین و جایزهٔ نقدی را از آن خود کرد و در نهایت تندیس زرین این دوره نیز به فیلم «مردی که فسیل شد» به کارگردانی حامد سعادت اختصاص یافت.

بخش فیلم‌های مستند فرهنگیان فیلم‌ساز
دیپلم افتخار و جایزهٔ نقدی برای کارگردانی فیلم «نغمه‌های کرکیل»، «نقش دست» و «من و بایسیکل» به ترتیب به محمد مرادی جاوید، فاطمه بابایی و لطیف فتاحی تعلق گرفت. گل حسین نوری دلاور، با کارگردانی فیلم «شهر سوخته»، برندهٔ تندیس سیمین و جایزهٔ نقدی این دوره شد. در بخش پایانی نیز، محمد مقیم‌پور بیژنی با تشویق حضار به روی صحنه آمد و لوح زرین را برای فیلم «ماهیان خاویاری» دریافت کرد.

بخش فیلم‌های مستند دانشجو معلمان فیلم‌ساز
هیئت داوران دیپلم افتخار و جایزهٔ نقدی را در این بخش برای فیلم «علم» به حمیدرضا شاه‌بدی، کارگردان این فیلم اهدا کرد.

بخش فیلم‌های مستند دانش‌آموزان فیلم‌ساز
از میان فیلم‌های دانش‌آموزی راه یافته به بخش مسابقه، با اهدای دیپلم افتخار و جایزهٔ نقدی از فیلم‌های «چنگی بر چوب»، به کارگردانی یاسین فرخی و «گویا و خموش»، به کارگردانی رقیه زنگنه تقدیر شد. فیلم‌های این بخش تندیس زرین نداشت و جایزهٔ نقدی برای فیلم «چلنگری» به یگانه برزگری، کارگردان این فیلم رسید.

جوایز بخش داستانی کوتاه در بخش بین‌الملل
لوح تقدیر و جایزهٔ نقدی در این بخش به فیلم «هوای ماندن» به علی نیکوکار تعلق گرفت. تندیس سیمین و جایزهٔ نقدی نیز مشترکاً نصیب فیلم «کار با اکانت» به کارگردانی لوکاس کلسینسکی از آلمان و فیلم «کلاس» به کارگردانی امیر دازارگر از ایران شد.



جوایز بخش داستانی کوتاه در بخش فرهنگیان فیلمساز

دیپلم افتخار و جایزه نقدی این بخش، به مرتضی یوسفی کارگردان فیلم «خیلی خوب شد» و تندیس سیمین و جایزه نقدی مشترکاً به فیلم‌های «وقت طلایی» به کارگردانی علیرضا کارگر قوی‌بازوی جلالی و فیلم «میهمان ناخوانده» به کارگردانی محمود الیاسی تعلق گرفت. در نهایت تندیس زرین و جایزه نقدی هیئت داوران برای فیلم «نفس» به تریا صادقی کارگردان آن اهدا شد.



آثار برگزیده در بخش فیلم‌های داستانی کوتاه دانشجو معلمان فیلمساز

دیپلم افتخار و جایزه نقدی به فیلم «عروس باران» به کارگردانی دانیال فروتن پژوهی تعلق گرفت. هیئت داوران هیچ‌یک از فیلم‌های این بخش را شایسته دریافت تندیس زرین ندانست، اما با اهدای تندیس سیمین و جایزه نقدی از محبوبه خلیلی، کارگردان فیلم «نون و آب» تقدیر شد.



آثار برگزیده در بخش فیلم‌های داستانی کوتاه دانش آموزان فیلمساز

لوح تقدیر و جایزه نقدی این بخش برای فیلم «زمانی برای دوری درختان» به کارگردان این فیلم، علی حسن‌علی اهدا شد. فیلم‌های «بازگشت» به کارگردانی دانا حکیمی و «بیگانه» به کارگردانی شایان داوری نیز دیپلم افتخار و جایزه نقدی را نصیب خود کردند. هیئت داوران با اهدای لوح زرین و جایزه نقدی از محدثه اسدی‌زاده، کارگردان فیلم «نذر کتاب» تقدیر و تشکر کرد.

و جایزه نقدی این دوره را دریافت کرد. دو فیلم «پدر و مادر» به کارگردانی محمدحسین آخوندی و «دزد لحظه‌ها» به کارگردانی معصومه خوش‌لهجه نیز مشترکاً شایسته دریافت لوح تقدیر و جایزه نقدی شناخته شدند. دیپلم افتخار و لوح تقدیر هم مشترکاً به فیلم‌های «دوست سبز من» به کارگردانی محمد مشعری و «زمین ما» به کارگردانی شایان گوهری تعلق یافت. هیئت داوران امسال هیچ‌یک از آثار این بخش را شایسته دریافت تندیس سیمین تشخیص نداد و با اهدای تندیس زرین و جایزه نقدی از فیلم «تنگنا» به کارگردانی امیل کشیشیان تقدیر شد.

آثار برگزیده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

دیپلم افتخار و جایزه نقدی هیئت داوران در این بخش به فیلم‌های «کچ» ساخته مهرزاد حسنی و همچنین «نغمه‌ها» ساخته داوود جلیلی اختصاص یافت.

بخش اهدای جوایز تولیدات پویانمایی در بخش بین‌الملل

دیپلم افتخار و جایزه نقدی برای فیلم «من، پنجره و گربه»، به فاطمه گودرزی، کارگردان آن تعلق گرفت. دیپلم افتخار و جایزه نقدی نیز مشترکاً به فیلم «قصه‌ها و پندها» (خر دونده و پرنده) به کارگردانی علیرضا سپهری‌راد و فیلم «کودکان دریا» به کارگردانی سارا رحیم‌زاده و سعادت رحیم‌زاده اختصاص یافت. این بخش دو تندیس سیمین و زرین نیز داشت.

هیئت داوران تندیس سیمین و جایزه نقدی را به فیلم «پسرک» به کارگردانی مونا عبدالله شاهی اهدا کرد. فیلم «تخم‌مرغ طلایی» به کارگردانی سیرناواس بهکتا از سنگاپور نیز برنده لوح زرین و جایزه نقدی این بخش شد.

فیلم‌های برگزیده بخش پویا نمایی فرهنگیان فیلم‌ساز

دیپلم افتخار و جایزه نقدی این بخش به فیلم «از کی»، به کارگردانی مریم سجادی نجف‌آبادی تعلق گرفت. همچنین فیلم‌های «دوچرخه» به کارگردانی مهدی شاد و «کول‌بری» به کارگردانی حمیدرضا گوهری، مشترکاً برنده تندیس سیمین و جایزه نقدی شدند. تندیس زرین در این بخش برای فیلم «مین»، به فهیمه ذبیحی سلطانی کارگردان آن اهدا شد.

فیلم‌های برگزیده پویانمایی در بخش دانش‌جو – معلمان فیلم‌ساز

در این بخش دیپلم افتخار و جایزه نقدی به فیلم «تنگ ماهی» به کارگردانی مهسا حسینی اهدا شد. فیلم «میراث» به کارگردانی سعید صداقت، تندیس سیمین







باید تدبیری اندیشید!

گزارش آیین پایانی شانزدهمین همایش
نمایندگان رشد در استان‌ها

تلاش، صفا و صمیمیت که در گزارش‌ها دیده می‌شود و گفته می‌شود، برای کاری است که دوستان می‌دانند تأثیرش چقدر زیاد است. بعضی خدمات دوستان در مدرسه بسیار بسیار مهم است. منتها بسته به نوع نگاهی که دوستان به مجلات رشد دارند، این واجب بودن را تبیین و تشریح می‌کنند. تجربه مشترک همه ما که دانش‌آموزانی در سال‌های مختلف داشته‌ایم، این است که وقتی از خاطرات کلاس می‌گویند، بیش از اینکه کلاس درس را بگویند، حواشی کلاس برایشان تأثیرگذار بوده است. مثلاً جلساتی که لابه‌لای نماز یا در اردو داشته‌ایم. تأثیر مجله رشد از این جنس است. آنچه در آموزش و پرورش برای تقویت مطالعه دیده شده، علی‌الحساب مجلات رشد است. مجله رشد با این مقصود طراحی شده است و شما هم همین موضوع را دنبال می‌کنید. الحمدلله رو به رشد هم بوده است.

اکنون سئوالات دوستان ما. دوست عزیزمان از قزوین - قزوین خاستگاه مجلات رشد است - نوشته‌اند که من درست متوجه نمی‌شوم که به چه دلیل شما روی توسعه

«دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» هر ساله به منظور قدرشناسی از زحمات نمایندگان رشد در استان‌ها و ایجاد زمینه برای تبادل تجربیات آنان و تبیین دیدگاه‌های مدیران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، «نشست نمایندگان رشد استان‌ها» را برگزار می‌کند. شانزدهمین دوره این همایش در روزهای ۹ و ۱۰ شهریور ۱۳۹۵ برگزار شد. در ادامه، گزارشی از آیین پایانی این نشست می‌خوانید.

ایده مجلات رشد برای جهان اسلام
محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی
آموزشی

ما بیش از دوستان خودمان و بیش از هر کس دیگری از این جلسات که معمولاً شهریورماه برگزار می‌شود، حالمان خوب می‌شود. زیارت دوستان ما بیش از هر کسی برای من و دوستان ما روحیه‌بخش است. به این جهت که آن همه



ایده‌ای پیشنهاد می‌کنید که دوستان ما در استان‌ها دنبال کنند و با چه ایده‌ای از طرف آموزش و پرورش این عدالت می‌تواند تحقق پیدا کند. همان‌گونه که دوستان می‌دانند، بهای مجلات رشد امسال ریالی بالا نرفت، در حالی که به حق توزیع درصدی افزوده شد. اما باز هم این سؤال هست که: وزارت آموزش و پرورش برای تحت پوشش قرار دادن مجله‌ای که تأثیر دارد، چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

نکته دیگری که دوستان درخواست کرده‌اند این است که آقای محمدیان بر نقش مجلات رشد در جلسات مدیران کل تأکید داشته باشند. آقای صادق‌پور هم گفتند که ما موظف هستیم مجلات رشد را ترویج کنیم و حتی در شکل‌گیری چگونگی آن نقش جدی ایفا کنیم. همه این موضوع‌ها جای بحث و گفت‌وگو دارند، اما ما فقط یک روز و نیم در خدمت دوستان هستیم. متأسفانه با این وقت محدود، خیلی از فرمایشات دوستان باقی می‌ماند. سعی می‌کنیم پیشنهاد کارگروه‌ها را دنبال کنیم. رونمایی دیروز را به این دلیل در متن برنامه قرار دادیم که بهره بیشتری از جلسه ببریم. دفتر به بهانه رونمایی که اولاً رونمایی از کتاب و ثانیاً کتاب یک اندیشه‌ورز بود، کوشید امکانی فراهم آورد تا جمعی از صاحب‌نظران صحبت کردند.

پایان‌بخش عرض بنده این است که از استان عزیز، خراسان رضوی، پیشنهاد خوبی در خصوص مجلات رشد داشتیم؛ اینکه به احترام پایتخت فرهنگی جهان اسلام، بخشی از فعالیت‌ها را به آنجا ببریم. نکته‌ای هم فرموده‌اند که بسیار دقیق و مغتنم است. ایشان فرموده‌اند ایده مجلات رشد برای جهان اسلام، و حداقل برای کشورهای همسایه ما می‌تواند ایده جذابی باشد. به خصوص برای مجلات دانش‌آموزی که فارغ از اختلافات بین مذاهب هستند، با استقبال بیشتری مواجه خواهند شد. یعنی می‌توانیم به

کمی تأکید می‌کنید. در سال گذشته در همین مجلس که قریب به اتفاق دوستان حضور داشتند، سؤال شد که مصرف فرهنگی مگر چقدر اهمیت دارد. از آنجا که باز هم این سؤال به شکل دیگری مطرح شده، جا دارد که بگوییم چرا در فرهنگ کمیت مهم است؟

یکی از عزیزان فرموده‌اند: ما به دنبال ایجاد تحول از مسیر مجلات رشد هستیم. اما اگر این تحول را مشاهده و ملاحظه نمی‌کنیم پس می‌توانیم بگوییم به مقصد هم نرسیده‌ایم. و بعد پرسیده‌اند: آقای دکتر محمدیان، آیا تحول با مجلات رشد و رسیدن به تحول با مجلات رشد یک مسیر مشخص قابل مشاهده دارد؟ یا جواب چیز دیگری است؟ یعنی مجلات رشد کجای دسترسی به اهداف تحول قرار دارند؟

سال‌هاست که ما به اینجا می‌آییم و همین سؤال بارها تکرار شده است که ما برای تحقق عدالت آموزشی، برای مناطق آسیب‌پذیر چه می‌کنیم و چه باید بکنیم. یعنی در مناطقی محروم که این مجلات خودگردان هستند، شما چه

است. یعنی ما رنگ و صبغة الهی داشته باشیم. اگر این رنگ و صبغة الهی را از ما بگیرند، یعنی موج نداریم. هالک نه اینکه در آینده هلاک می‌شود، بلکه در همان لحظه هالک است. «هالک» اسم فاعل است و زمان در آن نیست. چیزی که وجه الهی نداشته باشد، هالک است. لذا خدا عالم را ایجاد کرده است تا بماند. برای اینکه خدا حکیم است. حکیم هم برای ایجاد عالم هزینه کرده است و حکیم علی‌الاطلاق هزینه‌اش را نابود نمی‌کند. پیامبر هم فرمود: «خلقتم للبقاء لا للفناء». خدا شما را برای همیشه آفریده است. هزینه کرده است برای ما. لذا ما کارهایی را که برایشان هزینه می‌کنیم، نباید نابود کنیم.

اما از بین نبردن کارها یعنی اینکه در آن‌ها موج ایجاد کنیم. یعنی اجازه ندهیم در آن‌ها رکود، سکون و سکوت باشد. سکوت و سکون و رکود باعث می‌شود انسان خفگی بگیرد و از بین برود. لذا برخی از سیاسیون زمانی می‌گفتند ما هیچ‌گاه نباید به نظام تبدیل شویم و باید همیشه باید نهضت بمانیم. نظام حرکت ندارد، اما نهضت همیشه پیش می‌تازد. لذا ما مقوله نظام جمهوری اسلامی را با انقلاب اسلامی عموم و خصوص من وجه می‌دانیم. انقلاب اسلامی از بین نمی‌رود و همه ما امیدواریم به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) برسد.

لذا در آموزش و پرورش ما باید به تحول همیشه با آغوش باز نگاه کنیم و تحول را بپذیریم و از سامانه‌های موجود آن قدر دفاع کنیم که ما را به هدف برسانند. هر جا خود سامانه باعث شود ما از حرکت بایستیم، باید سامانه را تغییر دهیم. آنچه که برای ما اهمیت دارد، عبودیت است. اگر معبدی باشد که در آن قرب به خدا نباشد آن معبد را باید خراب کرد. اما اگر قرب به خدا باشد، معبد می‌سازیم. لذا در آخرالزمان در روایت‌ها داریم که قرآن‌ها را با زینت چاپ



برکت این مولود فرهنگی فعالیت‌هایمان را از این منظر گسترش دهیم.

مجله باید رنگین‌کمانی باشد!

حجت‌الاسلام دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

آقای ناصری نکاتی را مطرح کردند. من هم پیش از عزیمت به اینجا در ذهنم مرور می‌کردم که چه بگویم. امسال من گزارش دقیقی نگرفتم، ولی سعی می‌کنم بحث را ادامه دهم. دوستان مستحضرید که یک نظام اگر پویایی خودش را از دست بدهد، ساختارهایش دچار آفت می‌شوند. «موجیم که آرامش ما عدم ماست». چون نمی‌خواهیم معدوم باشیم باید همیشه موج داشته باشیم. سنت الهی هم در ایجاد عالم این است که همه عالم بماند. ماندن عالم به این است که موج داشته باشد. موج عالم به این است که یاد خدا باشد. «کل شیء هالک الا وجهه. کل من علیها فان و یبغی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام». این وجه همان موج



ناصری: ایده مجلات
رشد برای جهان
اسلام، و حداقل برای
کشورهای همسایه ما
می‌تواند ایده جذابی
باشد. به خصوص برای
مجلات دانش‌آموزی
که فارغ از اختلافات
بین مذاهب هستند،
با استقبال بیشتری
مواجه خواهند شد

می‌کنند و مساجد را با زینت بنا می‌کنند، اما روحشان خالی است. الان چقدر بناهای دینی و مذهبی زیبا داریم؟ بسیار؛ از مسجد تا کلیسا. اما در درونشان روح عبودیت، بندگی و همدردی نیست. چقدر قرآن، انجیل و تورات چاپ می‌شود؟ فراوان، اما روح توجه در آن‌ها زنده نیست. پس سامانه‌ای ایجاد کرده‌ایم که تحول ایجاد شود. اگر تحول اتفاق نیفتد یا سامانه باعث شود که تحول اتفاق نیفتد باید سامانه را به نفع تحول دگرگون کنیم. یا اگر

ساختار اداری درست می‌کنیم، باید بتوانیم وظایف اداری را انجام دهیم. اگر ساختار باعث شود وظایف انجام نشوند، باید آن ساختار را شکست. این جمله اول من، که ما باید در آموزش و پرورش تحول ایجاد کنیم.

یکی از موضوعاتی که در تحول باید به آن توجه داشته باشیم، «عدالت آموزشی» است. عدالت آموزشی یعنی چه؟ باید تعریف شود. عدالت آموزشی و تربیتی یعنی اینکه دسترسی به آموزش و پرورش با کیفیت را برای تمام کودکان لازم‌التعلیم ایرانی، فارغ از قومیت، جنسیت، زبان، مذهب، موقعیت جغرافیایی و موقعیت اجتماعی والدین تأمین کنیم. آموزش و پرورش با کیفیت، نه آموزش و پرورش تنها. البته دستیابی به این آموزش و پرورش مرحله‌ای دارد؛ از پوشش ظاهری تا ایجاد و ارتقای کیفیت. اسلام هم بر همین امر تأکید دارد و اجازه نمی‌دهد آحاد انسانی را محروم کنیم. نمی‌گوید فقط برای مسلمانان است. می‌گوید واجب است برای مسلمان، ولی نمی‌گوید برای بقیه حرام است. می‌گوید برای هر که زیر پرچم اسلام زندگی می‌کند، باید موقعیت طلب علم را فراهم کرد. اسلام می‌گوید، حتی اگر با غیر مسلمانی در جنگ هستیم؛ اگر طالب علم و حقیقت است،

به او امنیت بدهید.

اما روش‌های توسعه عدالت را هر روز باید تکمیل کرد. ما یک روز پوشش ظاهری را در نظر می‌گرفتیم. امروز ارتقای کیفیت را باید بر آن ارجح کنیم. مجلات رشد یکی از راه‌های رسیدن به عدالت آموزشی هستند. گاهی بعضی از افراد باهوش استادی ندیده‌اند، اما از طریق کتاب و مجله خودآموزی می‌کنند. بسیاری از عالمان در این کشور استاد ندیده‌اند، اما در اثر مطالعه

علامه شده‌اند؛ مثل استاد **محیط طباطبایی**. ایشان دیپلم هم نداشت، اما استاد بود. کجا یاد گرفته بود؟ از محل خواندن. ما باید وسایل خواندن، نوشتن و مطالعه کردن را فراهم کنیم. تفاوت مجله با کتاب از حیث توسعه عدالت آموزشی این است که نو به نو مطلب بیاورد تا جرقه بزند و جریان ساخته شود. از مجله دانش عمیق نمی‌خواهیم. می‌خواهیم به تنوع نیازها پاسخ بدهد، تلذذ باطنی ایجاد کند تا جرقه بزند و جرقه به جریان تبدیل شود. همه این‌ها باید در چارچوب نظام معیار باشد. به عبارت دیگر، مجله باید رنگین‌کمانی باشد.

مجلات تخصصی با مجلات عمومی فرق دارند. هر صفحه مجلات عمومی باید دارای یک خواننده باشد، اما مجلات تخصصی باید تازه‌ها را بنویسند، در یک موضوع. مجله تخصصی با کتاب تخصصی هم فرق دارد. مجله باید نو به نو باشد و کتاب ممکن است کهنه شود. مجله به مباحث روز می‌پردازد، لذا در مجله ترجمه مقاله‌ای از سال ۲۰۰۰ معنا ندارد. این یک معیار و محک است. تولیدات و اظهارات مجله باید جدید باشد.

در عدالت آموزشی هر کس وظیفه‌ای دارد. وظیفه



محمدیان: در عدالت
آموزشی هرکسی
وظیفه‌ای دارد. وظیفه
سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی،
تولید محتوا برای
همگان و همه اقشار
است؛ فارغ از جنسیت
و قومیت و موقعیت
اجتماعی و جغرافیایی

این معنا که ما امروز در بازار هزینه می‌کنیم. شمارگان بالا هزینه را کم می‌کند. شما اگر شمارگان مجلات را بالا ببرید، امکان خرید آن را فراهم می‌کنید. این نکته را باید در نظر داشته باشیم. البته شمارگان ما بالا نیست. ما ۱۰ میلیون دانش‌آموز داریم و شمارگان همه مجلات ما یک دهم این هم نیست. حداقل باید بگوییم یک مجله برای پنج نفر یا ده نفر. مجله‌های کودک و نوآموز باید حداقل ۳۰۰ هزار نسخه در ماه منتشر شوند.

شمارگان مجله رشد دانش‌آموز ما حداقل ۳۰۰ هزار نسخه باشد. من به این دلیل گزارش را می‌خواهم که ببینیم چقدر جلو رفته‌ایم. کیفیت هنری هم باید همین‌طور باشد. باید شاخص‌هایی مشخص شود.

جایگاه ما در تحول چیست؟ تحول در آموزش و پرورش یک نقطه نیست که ما به آن برسیم. ما در تحول سنتی را بنا نهادیم که باید این سنت را تعقیب کنیم. گفتیم هر پنج سال یک بار باید برنامه درسی را مورد بازنگری قرار دهیم. بعد از ۳۰ سال کتاب‌های اول ابتدایی را عوض کردیم. امسال که به پایه ششم رسیده‌ایم، به دوستان گفته‌ام که توقف کنیم تا پایه‌های دهم و یازدهم را تمام کنیم. اما همراه با تمام شدن پایه دوازدهم باید بازنگری پایه‌های اول و دوم را شروع کنیم. چون جهان جهان دیگری شده است. ما اگر در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم فناوری را وارد کردیم، باید ببینیم که آیا جایگاه فناوری باید در پایه‌های پنجم و ششم باشد یا باید دوره اول ابتدایی را از فناوری متأثر کنیم.

ما معلمانمان را هم باید بازسازی کنیم. امروز یکی از دل‌نگرانی‌های من در مورد معلمان است. ما در کتاب‌های درسی رویکرد «پژوهش‌محور» داشته‌ایم. در مجلات رشد

سازمان ما تولید محتوا برای همگان و همه اقشار است؛ فارغ از جنسیت و قومیت و موقعیت اجتماعی و جغرافیایی. باید در نیازها، عواطف و نگرش خاص، سهم دختر و پسر را رعایت کنیم. نسبت به قومیت‌های خاص باید عدالت داشته باشیم. اینجا «باب لتعارفوا» باید اتفاق بیفتد. ایرانی باید هم‌وطنانش را بشناسد. مفاخر ملی را باید با همان نگاه بشناسیم. سنن دینی و شعائر دینی را در مجلات عمومی بشناسانیم. اگر

می‌خواهیم در حوزه معارف اسلامی حرف بزنیم، باید از خرافه به شدت پرهیز کنیم. مجله ما برای قلقلک دادن نیست که بگراند یا بخنداند. در حوزه مباحث تخصصی جدی هستیم. این عدالت آموزشی است. اما توزیع. ما باید امکان توزیع را برای همه فراهم کنیم. توان خرید در حیطه من نیست، پس باید تدبیری اندیشید. اما شما هم تدبیری دارید. شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها و شهرستان‌ها را به کار بگیرید. مجله را به آن‌ها ارائه کنید. همچنان که من به آقای بدیعی عرض می‌کردم، «شبکه ملی مدارس ایران» هم باید ارائه شود. ما هم حمایت می‌کنیم.

نکته دیگر این است که من توسعه کمی را ضرورت می‌دانم. اولاً کمیت و کیفیت مقابل هم نیستند. کم و کیف مکمل هم هستند. اگر شمارش به اتصال اتفاق بیفتد، کم متصل است. اگر به انفصال باشد، کم منفصل است. اما اگر به حالت‌های درونی پردازیم کیفیت است. مثل فیزیک و شیمی که موضوعشان ماده است. کمیتی که ما می‌گوییم ظاهر است و کیفیت درونش است. اما دسترسی باید آسان باشد. ما باید مجله را تولید کنیم، توسعه دهیم و بازارش را فراهم کنیم تا تولید کالای فرهنگی مقرون به صرفه باشد. به

باید رویکرد پژوهش محور را برای دانش آموزان تبیین کنیم. در شنیدن گزاره‌های خبری، دانش آموزان باید سؤال کردن را بیاموزند: چرا؟ چگونه؟ چیست؟ اگر کسی بعد از پاسخ دادن به این سؤال‌ها انتخاب کند، انتخابش پایدار خواهد بود. ما باید دانش آموزان را این گونه تربیت کنیم. معلم باید بداند اگر سر کلاس می‌رود، دانش آموز احتمال دارد بپرسد: چرا؟ چه می‌گویی؟ چگونه؟ یا از حقیقت چیزی بی‌رسد یا از ماهیت آن و یا از فرایندش. دانش آموزان و معلمان باید اینگونه تربیت شوند.

ما انتظار داریم در «دانشگاه فرهنگیان» معلمان ما این گونه تربیت شوند و به آن‌ها گفته شود که از این به بعد بسته آموزشی دارند، نه کتاب درسی. یعنی علاوه بر کتاب درسی مجله رشد، سی‌دی و فیلم آموزشی دارند. باید معلمان را به جشنواره فیلم رشد وارد کنیم. وقتی سر کلاس می‌روند، باید بدانند که فیلم هم جزو رسانه‌های آموزشی است. نرم‌افزارها و مجلات هم جزو رسانه‌های آموزشی هستند. لذا شعار ما در سازمان پژوهش این است که داده‌های آموزشی ما که مبتنی بر پژوهش طراحی شده‌اند، باید در یک بستر فرهنگی به میوه‌های تربیتی منجر شوند؛ یعنی آموزش، پژوهش، فرهنگ و تربیت. یعنی بستر آموزش و پرورش باید بستر فرهنگی باشد، نتیجه‌اش تربیتی باشد و آموزشش مبتنی بر پژوهش باشد. در این پژوهش باید هم خودمان را ببینیم، و هم دیگران را، هم نیاز مخاطب را، هم مصالح ملی را و هم نقش خودمان را در عرصه بین‌المللی. به همین دلیل من از دوستان می‌خواهم که ترجمه‌ها و نوشته‌ها هدفمند باشند.

مشهد را هم خودتان تصمیم بگیرید و ببینید امکان‌ش هست یا نه. چه چیزی را می‌توانیم آنجا عرضه کنیم؟ ما از تجارب مجلاتمان در ارتباط با کشورهایی که با آن‌ها پروتکل

همکاری داریم، استفاده می‌کنیم. به برخی از کشورها پیشنهاد داده‌ایم. برخی از کشورها هم همکاری دارند. در جهان اسلام می‌توانیم الگوی مجله را تبیین کنیم.

دو نکته هم اضافه عرض می‌کنم: اول اینکه ما روزی باید این تک‌نگاشته‌ها را به مجموعه‌های ماندگار تبدیل و به صورت موضوعی جمع‌آوری کنیم؛ مجموعه لطایف، ایران‌شناسی، کاردستی، آشپزی و موضوعاتی که روی آن‌ها فکر کرده‌اید و برایشان هدف رفتاری تعریف کرده‌اید. برخی از مقالات موضوعاتی در رشته‌های تخصصی و مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌ها هستند. بسیاری از سؤالات همان سؤالات قدیمی‌اند که ظاهرشان تغییر کرده است.

دوم اینکه از ظرفیت «انتشارات مدرسه» باید بیشتر استفاده کنید. ما انتشارات مدرسه را برای رقابت با بقیه ایجاد نکرده‌ایم، برای این است که دیگران را به کارهایی که انجام نده‌اند ترغیب کنیم و خودمان کنار بکشیم و به کار جدید بپردازیم. ما الان می‌کوشیم که معلمان را نویسنده و نویسندگان را تربیت کنیم و تربیت‌شده‌ها را به حوزه کتاب درسی وارد سازیم. همین را باید از مجلات رشد شروع کنیم. معلمان ما باید بنویسند. معلمان ما در نوشتن عاجزند. مراجعه به لغت‌نامه بین ما منسوخ شده است. لذا این قبیل موضوع‌ها را باید در مجلات مطرح کنید. هندبوک‌هایی را که معلم و دانش‌آموز نیاز دارند، معرفی کنید. از ظرفیت انتشارات مدرسه استفاده کنید.

از همه شما تشکر می‌کنم. مطلب آخر اینکه معاونان پژوهش هم به کمک شما بیایند تا کار محکم‌تر اتفاق بیفتد.



عدالت سازمانی و عملکرد کارکنان

با تکامل دانش بشر و پیشرفت‌های گوناگون او در عرصه‌های مختلف، نیاز او به ارزش‌های اصیل انسانی مانند عدالت و آزادی بیشتر احساس می‌شود. یکی از عرصه‌های ابراز حساسیت به مفهوم عدالت، ساحت سازمان‌های رسمی است. بر هیچ سازمانی پوشیده نیست که استقرار عدالت در سازمان می‌تواند پیامدهای مؤثری داشته باشد و در عملکرد کارکنان تأثیرگذار باشد. چنانچه مدیران سازمان‌ها به دنبال پیشرفت و بهبود سریع در سازمان هستند، باید قادر باشند در کارکنان خود درک وجود عدالت و انصاف را به وجود بیاورند. (دهقانان، ۱۳۸۷: ۵۳) بدون شک عدالت انسجام آفرین است. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰: ۱۰۵۵) در واقع عدالت سازمانی مانند چسبی است که باعث می‌شود افراد دور هم جمع شوند و به طور مؤثر با هم کار کنند. در مقابل، بی‌عدالتی سازمانی هرگونه انسجام سازمانی را از هم می‌پاشد و سلامت روانی و کرامت انسانی

مدیریت رسانه بزرگی چون مجلات رشد در داخل «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» صورت می‌گیرد. اگرچه اغلب افرادی که در برنامه‌ریزی و تولید مجلات رشد مشارکت دارند، حضور «غیر رسمی» در این سازمان دارند، ولی خواه ناخواه، فضای عمومی سازمان در کنش‌ها و واکنش‌های آن‌ها مؤثر است. مقاله «عدالت سازمانی و عملکرد کارکنان در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» روزه‌ای است که به یکی از پدیده‌ها و دلمشغولی‌های سازمانی با نگاه پژوهشی و علمی گشوده شده است. امید است رهاورد این گزارش پژوهشی، مبنای کندوکاوی جدی‌تر در برخی ساحت‌های بنیادین سازمان باشد.



و پرورش، از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. موضوع عدالت در کلیت خود به عنوان موضوعی فراگیر مورد انتظار همه انسان‌هاست و معمولاً عدالت در کنار آزادی از موضوعاتی است که همواره دغدغه نوع بشر بوده و دین مبین اسلام هم یکی از اصول خود را عدل قرار داده است. از آن‌جا که عدالت سازمانی می‌تواند در عملکرد شغلی و ایجاد رضایت خاطر بیشتر کارکنان نقش مهم داشته باشد، در این تحقیق برآنیم که میزان تأثیر وجود عدالت سازمانی و تأثیر آن بر عملکرد شغلی کارکنان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را مورد پژوهش قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: عدالت سازمانی، عملکرد کارکنان

عدالت سازمانی

هر چند که مباحث اولیه در مورد عدالت توسط سقراط، افلاطون و ارسطو مورد بررسی قرار گرفته است و اندیشمندان مدیریت این مفهوم را به عاریت گرفته‌اند، ولی در ادبیات سازمانی نیز در این خصوص مفاهیمی شکل گرفته است و به‌طور مشخص سه نوع عدالت سازمانی مورد توافق قرار گرفته‌اند. زمانی که صحبت از عدالت می‌شود، کارکنان دوست دارند در سه زمینه در مورد آن‌ها عادلانه رفتار شود: آن‌ها انتظار دارند پیامد تصمیمات برایشان عادلانه باشد (عدالت توزیعی)، فرایندهای تخصیصی در زمینه‌های مختلف با رعایت عدالت همراه باشد (عدالت رویه‌ای) و در تعامل با دیگران با آنان با انصاف و عدالت برخورد شود (عدالت مراده‌ای). (رابینز، ۱۳۸۷: ۱۷۴-۱۷۱)

پس از انقلاب صنعتی و مکانیزه شدن جوامع بشری، سازمان‌ها چنان بر زندگی بشر سیطره افکنده‌اند که هر انسان از لحظه تولد تا مرگ مستقیماً وابسته به آن‌هاست،

را خدشه‌دار کرده و باعث کاهش وفاداری کارکنان و در نهایت تهدیدی برای سازمان می‌شود. (Croppanzano et al. 2007: 34)

رعایت عدالت اداری در مجموعه‌ای که به لحاظ تعداد کارمندان و پرسنل گسترده‌ترین مجموعه اداری کشور است، کار آسانی نیست و در عین حال یکی از ضرورت‌هایی است که توجه به آن می‌تواند به رضایت شغلی این قشر مؤثر بینجامد و تحولاتی اثر گذار در کل جامعه بر جا بگذارد. دین مبین اسلام نیز تأکید زیادی بر تعلیم و تربیت دارد. در آموزه‌های این دین مقدس، حرفه معلمی از جایگاه والایی برخوردار است. به همین دلیل، معلمان و کارکنان آموزش و پرورش که به نوعی مسئول و متولی موضوع تعلیم و تربیت هستند، جایگاهی والا و مهم در تعیین سرنوشت کشور و نسل‌های آتی دارند. بنابراین، رضایت آن‌ها از شرایط محیط‌های کار و ادارات آموزش



در آموزه‌های این
دین مقدس، حرفه
معلمی از جایگاه
والایی برخوردار
است. به همین دلیل،
معلمان و کارکنان
آموزش و پرورش که به
نوعی مسئول و متولی
موضوع تعلیم و تربیت
هستند، جایگاهی
والا و مهم در تعیین
سرنوشت کشور و
نسل‌های آتی دارند

۱۳۸۹: ۱۳۲). عملکرد نهایی سازمان منوط به عملکرد تک‌تک افراد درون آن و محیط اطراف است. به عبارت دیگر، از جمع نهایی یا نتیجه نهایی عملکرد افراد و کارکنان سازمان، کل عملکرد سازمان را می‌توان به دست آورد. نارضایتی و نبود احساس تعلق و وفاداری کارکنان می‌تواند تأخیر، غیبت و ترک سازمان را به همراه داشته باشد که علاوه بر هزینه‌های فراوان، در روحیه سایر کارکنان نیز تأثیر می‌گذارد و موجب اختلال در سیستم روابط انسانی می‌شود.

عملکرد کارکنان

سازمان‌های موجود در هر جامعه با استفاده از منابع محدودی که در اختیار دارند، به گونه‌ای به رفع نیازهای فردی و گروهی افراد جامعه می‌پردازند و از آن‌جا که منابع تولید همواره با یک ویژگی یعنی کمیابی مواجه هستند، غالباً اصلی‌ترین هدف سازمان‌ها استفاده بهینه از عوامل تولید و رسیدن به اثر بخشی است. این عوامل شامل زمین، سرمایه، نیروی انسانی، فناوری و مدیریت هستند. در این بین نیروی انسانی ارزشمندترین دارایی سازمان‌هاست و از حساسیت زیادی برخوردار است. عملکرد انسان در درون سازمان انعکاسی از دانش، مهارت و ارزش‌های اوست. به همین منظور، شناخت عوامل مؤثر بر عملکرد کارکنان یکی از اهداف بهسازی نیروی انسانی در مدیریت بخش‌های دولتی است که برای سنجش دانش، توانایی، انگیزش، رفتار شغلی و عملکردی کارکنان پایه‌ریزی می‌شود. موفقیت هر سازمان در رسیدن به اهداف سازمانی با نحوه عملکرد نیروهای انسانی شاغل در آن سازمان ارتباط مستقیم دارد. در بسیاری از موارد عملکرد انسان

به نحوی که امروزه زندگی بدون وجود سازمان‌ها قابل تصور نیست. بنابراین، اجرای عدالت در جامعه منوط به وجود عدالت در سازمان‌هاست. اولین تحقیقات درباره عدالت در سازمان‌ها به اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی برمی‌گردد (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۹).

پس از سال ۱۹۹۰ میلادی، فصل جدیدی از مطالعات تجربی پیرامون عدالت سازمانی آغاز شده است. به موازات گسترش و پیشرفت جامعه بشری، نظریات مربوط به عدالت تکامل یافته و دامنه آن از ادیان و فلسفه به تحقیقات تجربی کشیده

شده است. عدالت سازمانی پیش‌بینی کننده بسیاری از متغیرهای دیگر سازمانی است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای عدالت سازمانی که به تازگی مورد توجه قرار گرفته تأثیر در عملکرد کارکنان است. کارکنان با انگیزه، از ارزشمندترین منابع سازمان هستند و توجه به نیازها و جلب رضایت آن‌ها اهمیت فراوانی دارد. عدالت سازمانی نیز به دلیل تأثیرات مهمی که بر نتایج کاری فردی، سازمانی، نگرش‌ها و رفتارهای کارکنان از جمله عملکرد کارکنان دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است.

عدالت سازمانی مجموعه‌ای از پیامدهای روانی و رفتاری را به دنبال دارد؛ زمانی که افراد احساس می‌کنند با آن‌ها به طور غیر منصفانه رفتار شده است، عملکرد کاری‌شان کاهش می‌یابد و کمتر تمایل خواهند داشت به همکاری‌شان کمک کنند. ادراک بی‌عدالتی در سازمان‌ها موجب افزایش تناوب رفتارهای نامولد یا خودشکننده میان اعضای سازمان می‌شود و رفتارهایی چون ابراز خستگی، غیبت، افزایش مقاومت در برابر تغییر، تلافی کردن، انحراف و تندخویی و نظایر آن را افزایش می‌دهد (رضائیان،



نتیجه بازتاب روحیات و طرز تلقی‌های او از جهان هستی است. تفاوت میان افرادی که عملکرد موفق دارند و آن‌هایی که ناموفق هستند، در آن چیزی نیست که دارند، بلکه در چیزهایی است که آن‌ها با کمک منابعی که در اختیار دارند و با استفاده از تجربه‌هایشان در زندگی، می‌بینند و انجام می‌دهند (رضائیان، ۱۳۸۹: ۳۳۶).

از عملکرد شغلی تعریف‌های متعددی ارائه شده است. آنچه در تمامی آن‌ها مشترک است نحوه انجام وظایف و مسئولیت‌های محوله است. در یک تعریف نسبتاً جامع، عملکرد عبارت است از کارایی و اثر بخشی در وظایف محوله و بعضی

داده‌های شخصی نظیر حادثه آفرینی، تأخیر در حضور بر سر کار، غیبت و کندی کار. در این تعریف کارایی به معنای نسبت بازده به دست آمده به منابع به کار رفته است و اثر بخشی عبارت است از میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده. از سوی دیگر، عواملی مانند غیبت، کندی در کار، تأخیر و حادثه آفرینی می‌توانند معیارهای مناسبی برای سنجش عملکرد باشند (رابینز، ۱۳۸۷: ۳۶۰).

عوامل مؤثر بر عملکرد فردی عبارت‌اند از:

۱. توانایی؛
۲. شخصیت؛
۳. یادگیری
۴. ادراک؛
۵. انگیزش؛
۶. استرس

عوامل مؤثر بر عملکرد گروهی عبارت‌اند از:

۱. ارتباطات؛

کارکنان دوست دارند در سه زمینه در مورد آن‌ها عادلانه رفتار شود: آن‌ها انتظار دارند پیامد تصمیمات برایشان عادلانه باشد (عدالت توزیعی)، فرایندهای تخصیصی در زمینه‌های مختلف با رعایت عدالت همراه باشد (عدالت رویه‌ای) و در تعامل با دیگران با آنان با انصاف و عدالت برخورد شود (عدالت مرادوه‌ای)

۲. رهبری؛
 ۳. قدرت و سیاست؛
 ۴. رفتار گروهی و تعارض
- عوامل مؤثر بر عملکرد سازمانی نیز عبارت‌اند از:
۱. ساختار سازمانی؛
 ۲. محیط سازمانی؛
 ۳. سیاست‌ها و رویه‌های سازمانی؛
 ۴. فرهنگ سازمانی

عواملی که ذکر شد، همگی بر عملکرد مؤثرند اما مشکل اصلی در این روند این است که نمی‌توان همه این عوامل را به طور یکجا ارزیابی کرد. لذا از مدل آچبو که مدلی برگرفته از سه سطح فردی، گروهی و سازمانی عملکرد است استفاده شده است. هرسی و گلداسمیت، این مدل را به منظور کمک به مدیران در تعیین علت وجود مشکلات عملکرد و ارائه راهبردهایی برای تغییر و حل این مشکلات طرح ریزی کردند. آن‌ها در تدوین این مدل برای تحلیل عملکرد انسانی دو هدف اصلی را در نظر داشتند:

- تعیین عوامل اساسی که بر عملکرد فرد کارکنان تأثیر بگذارند.

- ارائه این عوامل به گونه‌ای که مدیران شاغل بتوانند آن‌ها را به کار برند و به خاطر داشته باشند.

یکی از مشکلاتی که در مدیریت به چشم می‌خورد، این است که بسیاری از مدیران قابلیت این را دارند که کارمندان خود را در جریان نوع مشکلات موجود بگذارند، اما همین مدیران فاقد اثربخشی لازم برای تعیین علت وجود این مشکلات هستند. به عبارت دیگر، بسیاری از مدیران در شناسایی مسائل و مشکلات قوی هستند، اما

در تحلیل مشکلات یا تشخیص آن‌ها به مراتب ضعیف‌ترند. برای داشتن حداکثر اثربخشی در ارزیابی و حل مشکلات عملکردی، مدیران باید به تعیین علت ایجاد مسائل بپردازند. مدل اچیو به وسیلهٔ هرسی و گلداسمیت به منظور کمک به مدیران در تعیین علت وجود مشکلات عملکردی و به وجود آوردن راهبردهای تغییر به منظور حل این مشکلات طرح‌ریزی شد (هرسی و بلانچارد، ۱۳۷۵: ۵۰۷).

اولین قدم برای تدوین مدل اچیو کنار گذاشتن عواملی است که بر عملکرد مدیریت تأثیر می‌گذارد. نتایج پژوهش آتکینسون نشان می‌دهد که عملکرد، کنش انگیزش و توانایی است. به عبارت ساده‌تر، زیر دست باید تا حدی میل و مهارت‌های لازم برای انجام کامل تکلیف را داشته باشد. پیترو و لاولر با افزودن تصور دانش یا درک شغل این ایده را بسط دادند و به این مسأله نیز توجه کردند که حتی اگر زیردستان دارای تمایل کامل و یا مهارت‌های لازم برای انجام کار را داشته باشند، این تمایل و مهارت زمانی مؤثر خواهد بود که از آنچه باید انجام دهند و نحوهٔ انجام آن درک صحیح داشته باشند.

یافته‌های پژوهش

۱. نتایج این پژوهش، رابطهٔ مثبت و معنادار بین عدالت سازمانی و عملکرد کارکنان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را تأیید می‌کند. این نتیجه نشان می‌دهد، هنگامی که افراد احساس کنند سازمان با آن‌ها به عدالت رفتار کرده است، برای دستیابی به اهداف سازمان تلاش می‌کنند و تمایل زیادی برای باقی‌ماندن در سازمان از خود نشان می‌دهند. افزایش عملکرد کارکنان در نهایت به افزایش اثربخشی، کارایی و بهره‌وری سازمان منجر شده و همچنین موجب کاهش غیبت و جابه‌جایی کارمندان می‌شود.

۲. بین عدالت توزیعی با عملکرد کارکنان رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های این تحقیق بیانگر این است که در صورتی که افراد حقوق، مزایا و پاداش و ترفیع را عادلانه بدانند آن‌گاه خود را با سازمان تعیین هویت می‌کنند، برای دستیابی به اهداف آن می‌کوشند و تمایل زیادی برای باقی‌ماندن در سازمان از خود نشان می‌دهند. این موضوع در نهایت باعث افزایش کارایی و بهره‌وری سازمان می‌شود.

۳. بین عدالت رویه‌ای با عملکرد کارکنان رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، عملکرد کارکنان تا اندازه‌ای تحت تأثیر روابط میان کارمند و سازمان (که با عدالت رویه‌ای مرتبط است) و تا اندازه‌ای تحت تأثیر روابط میان کارکنان و سرپرست مستقیمشان (عدالت مرادده‌ای) است. بدین معنا که هنگامی که کارکنان رویه‌های جاری را عادلانه بدانند، کوشش خود را برای انجام بهتر کار انجام می‌دهند. یافته‌های این تحقیق نیز نشان می‌دهد بین عدالت رویه‌ای و عملکرد کارکنان رابطهٔ قوی و مثبتی وجود دارد.

۴. بین عدالت مرادده‌ای با عملکرد کارکنان نیز رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، زمانی که یک کارمند نبود عدالت مرادده‌ای را احساس می‌کند، پیش‌بینی می‌شود نسبت به رفتار سرپرست مستقیم خود واکنش منفی نشان دهد، نه این که نسبت به سازمان به عنوان یک کل چنین واکنشی نشان دهد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که کارمند از سرپرست مستقیم خود ناراضی شود تا این که نسبت به کل سازمان احساس ناراضی‌تبی کند.

۵. یافته‌ها نشان داد از میان سه بُعد عدالت سازمانی، رتبهٔ عدالت مرادده‌ای بالاتر از سایر ابعاد عدالت سازمانی است. پس از آن به ترتیب عدالت رویه‌ای و عدالت توزیعی قرار دارند. این نتایج نشان می‌دهد که کارکنان شرکت



کننده در این تحقیق، عادلانه بودن روابط سرپرستان با خودشان را مهم‌تر از سایر ابعاد عدالت می‌دانند. علاوه بر این، کارکنان میزان عادلانه بودن رویه‌های سازمانی (عدالت رویه‌ای) را مهم‌تر از عدالت در توزیع حقوق، پاداش و مزایا (عدالت توزیعی) می‌دانند.

میانگین بالای عدالت مروده‌ای در این سازمان با یافته‌های مطالعات دیگر سازگار است. این مطالعات نشان می‌دهند، در میان ابعاد عدالت سازمانی، بیشترین مقدار به عدالت مروده‌ای اختصاص دارد. بدین معنا که عدالت یکی از موضوعات مهم و قابل

ملاحظه در روابط متقابل بین افراد درون سازمان است و باید در رابطه بین افراد با همکاران، سرپرستان و زیردستان در نظر گرفته شود.

پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان برای بهبود عملکرد کارکنان بر اساس مؤلفه‌های عدالت سازمانی، پیشنهادهایی ارائه داد:

- مدیران برای ایجاد عدالت سازمانی در زمینه‌های تخصیص منابع و پاداش‌ها (عدالت توزیعی)، عدالت دریافت شده از فرایندها و رویه‌های مورد استفاده در تصمیمات مربوط به تخصیص (عدالت رویه‌ای)، عدالت درک شده از رفتار افراد تصمیم‌گیرنده در فرایند تصمیم‌گیری (عدالت مروده‌ای) باید تلاش کنند، چرا که منجر به تقویت سلامت اداری و در نتیجه افزایش عملکرد کارکنان خواهد شد.

- به منظور برقراری عدالت سازمانی، مدیران نقش حساسی را ایفا می‌کنند. کارکنان همواره رفتارهای مدیران

به منظور آگاهی از درک عدالت سازمانی، ارزیابی‌های مستمر به عمل آید. بدیهی است اجرای چنین فرایندی مستلزم برخورداری از یک سیستم اطلاعاتی مناسب است که بتواند اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و خلاصه کرده و برای تصمیم‌گیری در اختیار مدیران عالی قرار دهد.

نظیر عدالت، تکبر، محبت و خصایصی نظیر آن‌ها را زیر نظر دارند و به خاطر می‌سپارند و یاد می‌گیرند. بنابراین، لازم است مدیران برای کارمندان خود الگو باشند.

- با توجه به این که نگرش‌ها حالتی پویا دارند و ممکن است به همان سرعت و شدتی که پدید می‌آیند از بین بروند، پیشنهاد می‌شود که به منظور آگاهی از درک عدالت سازمانی، ارزیابی‌های مستمر به عمل آید. بدیهی است اجرای چنین فرایندی مستلزم برخورداری از یک سیستم اطلاعاتی مناسب است که بتواند اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و

خلاصه کرده و برای تصمیم‌گیری در اختیار مدیران عالی قرار دهد. این اطلاعات می‌تواند از طریق گزارش‌های مربوط به نرخ ترک خدمت، غیبت‌ها، میزان شکایات، سوابق عملکرد و ... باشد.

- پاداش و مزایایی را که کارکنان از سازمان دریافت می‌کنند، باید قابل مقایسه با سازمان‌های دیگر باشد؛ طوری که اگر کارکنان سازمان، خود را با کارکنانی که همان مشاغل را در سایر سازمان‌های مشابه دارند مقایسه کنند، اطمینان یابند با آن‌ها با عدل و انصاف رفتار شده است.

- نظام شایسته‌سالاری در سازمان از طریق ارتقای کارکنان بر اساس شایستگی و صلاحیت طبق ضوابط و مقررات سازمان و واگذاری مسئولیت‌های مهم‌تر به کارکنان دارای شایستگی و صلاحیت لازم است اجرا شود. - از آن‌جا که کارکنان در سازمان، از نظر نسبت حقوق با حجم کاری، خود را با سایر همکاران مقایسه می‌کنند، لازم است سیستم پرداخت حقوق به شکلی عادلانه در

سازمان تعریف شود، طوری که مورد قبول تمام کارکنان باشد.

- حقوق پرداختی به کارمندان باید با مسئولیت‌های محوله به آن‌ها متناسب باشد.

- پاداش و مزایای پرداختی به کارکنان با توجه به تحصیلات، دوره‌های آموزشی گذرانده شده، تجربه و تلاش و نحوه انجام کار کارکنان باید به شکل منصفانه‌ای پرداخت شود تا به ایجاد تنش بین کارکنان یا بین کارکنان و مدیران منجر نشود. برای این منظور، ابتدا باید معیارهایی را برای دریافت پاداش مشخص کرد و آن‌ها را به اطلاع کارکنان رساند. در صورتی که افراد واجد این شرایط بودند، آن‌گاه پاداش به آن‌ها تعلق بگیرد.

- سختی و فشار کار می‌تواند به عنوان معیاری برای تعیین پاداش و مزایا در نظر گرفته شود. هر کس با هر توانی می‌تواند کارهای عادی را یاد گرفته و انجام دهد. بنابراین، متصدیان این مشاغل معمولاً حقوق و پاداش عادی را دریافت می‌کنند. اما برای کارهای سخت و پرفشار که انجام آن دشوار است، اضافه پرداخت پیش‌بینی بشود. در هنگام ارزیابی عملکرد کارکنان به توانایی‌ها و داشته‌های آن‌ها توجه شود.

- مدیران و سرپرستان درباره آنچه از کارمند خود توقع انجام آن را دارند توضیح کاملی ارائه کنند.

- از توانمندی‌های کارکنان برای بهبود عملکرد سازمان استفاده شود.

- ارتباط و حمایت از کارکنان با رعایت اصول عدالت و پرهیز از روابط ناعادلانه، از طریق احترام به کارکنان، توجه به خواسته‌های آن‌ها، صداقت و رک‌گویی، برقراری روابط دوستانه به نحوی که فقط تعداد محدودی از پرسنل سازمانی مورد توجه و حمایت مدیریت نباشند، بلکه تمام اعضا از این حق برخوردار باشند، لازم است.

- زمانی که مدیران درباره یکی از پست‌های سازمانی تصمیمی اتخاذ می‌کنند، نسبت به خواسته‌های پرسنل شاغل در آن بخش و حق و حقوق آن‌ها توجه ویژه داشته باشند و توضیحات لازم در زمینه دلایل این تصمیمات را به صورت واضح و شفاف به کارکنان ارائه بدهند.

- برقراری روابط دوستانه مدیران و سرپرستان با کارکنان در قالب شبکه‌های غیر رسمی مفید و مؤثر است.

منابع

۱. آرمسترانگ، مایکل، مدیریت عملکرد؛ راهبردهای اساسی و رهنمودهای عملی. ترجمه ناصر میرسپاسی و اسماعیل کاووسی. انتشارات ترمه، ۱۳۸۶.

۲. دهقانان، حامد و استادهاشمی، علی. رویکرد چند سطحی در بررسی مفهوم عدالت سازمانی. فصل‌نامه برداشت دوم. شماره ۸. ۱۳۸۷.

۳. رابینز، استیفن، رفتار سازمانی، ۱۳۸۵، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، جلد ۳، چاپ یازدهم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۴. رضائیان، علی، انتظار عدالت و عدالت در سازمان (مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته)، ۱۳۸۹، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.

۵. کاظمی، حمید، نظام‌های حقوق و دستمزد، ۱۳۸۵، تهران، انتشارات دانش.

۶. نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، علی‌اکبر، ۱۳۸۰، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه پیام نور.

۷. هرسی، پاول و بلانچارد، کنت اچ.، مدیریت رفتار سازمانی استفاده از منابع انسانی، ۱۳۷۵، ترجمه قاسم کبیری، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.

8. Cropanzano Russell, David E. Bowen, & Stephen W. Gilliland. The Management of Organizational Justice, Academy of Management Perspectives, 2007.



برای تولیدات فرهنگی فضاسازی لازم است

گزارش شانزدهمین دوره نشست نمایندگان رشد استان تهران

فضاسازی و ارتباطات فرهنگی می تواند مسیری

برای ما باز کند

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی: یکی از ویژگی های خیلی خوب معلمان و افراد فرهنگی، اعم از هنرمندان، نویسندگان و معلمان، فضا سازی و حساس کردن دیگران نسبت به کالاهای فرهنگی یا تولیدات فرهنگی است. این اخلاق بسیار خوبی است و ما که افتخار معلمی را داریم، از این ویژگی هم باید برخوردار باشیم. مدتی قبل سردبیر مجله «رشد معلم» به من گفت: کتابی است که اگر نخواندهای بخوان، خواندنی است. پرسیدم: اسمش چیست؟ گفت: سه شنبه ها با موری. گفتم نخوانده ام. گفت: این کتاب به چند دلیل خواندنی است: اولین دلیلش این است که به نوعی درباره یک معلم است. دومین دلیلش این است که درباره رابطه معلم و شاگرد است. سومین دلیلش این است که سرگذشت واقعی است. چهارمین دلیلش این

شهر تهران، پایتخت ایران، و شهرستان های استان تهران با توجه به شرایط ویژه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... و نیز جنبه های خاص مردم شناسی و جمعیت شناسی و میانگین تولید و توزیع رسانه های نوشتاری و غیر نوشتاری، در زمینه توزیع مجلات رشد، همواره از شرایط ویژه ای برخوردار بوده است. به همین دلیل همایش نمایندگان مجلات رشد استان تهران، به شکل جداگانه برگزار می شود. در ۱۶ شهریور ۱۳۹۵، شانزدهمین دوره همایش نمایندگان مجلات رشد در «تالار امیرکبیر مدرسه دارالفنون» برگزار شد. آنچه در ادامه می خوانید، گزارشی از این نشست است.



هستیم که وارد این شغل شده‌ایم. چون افراد حساس‌تر و ان‌شاءالله اندیشمندتری هستیم که وارد این حوزه شده‌ایم. اگر در سینما، موسیقی، تئاتر یا گونه‌های متفاوت تولیدات فرهنگی و هنری، ابزار و امکانات خیلی باید جور باشد تا این اتفاق بیفتد، خوش‌بختانه در امری که ما درگیر آن هستیم، این موضوع وجود ندارد. «مطالعه» این ویژگی را دارد که آدم‌ها را در تمرکز صد در صد قرار می‌دهد. ضمن اینکه تأثیری که مطالعه روی آدم می‌گذارد، عمیق‌تر از گونه‌های دیگر است. عنصر مطالعه بسیار اهمیت دارد و هیچ چیزی جای آن را نخواهد گرفت. ما برای اینکه به مخاطبانمان حس بدهیم، باید خودمان حس بگیریم و این از مسیر مطالعه اتفاق می‌افتد.

من کتاب دیگری هم معرفی می‌کنم که به شما تقدیم کرده‌ایم؛ کتاب «در تمنای یادگیری». کسی که کتاب حول محورش می‌چرخد، یک معلم و مربی تربیتی است که در

است که جزو پنج کتاب پرفروش آمریکاست. کتاب را برایم آورد. امروز که مجدداً رفتم کتاب را بخرم، چاپ جدید شده بود. کتابی است که در دنیا به سی و چند زبان ترجمه شده و در ایران به چاپ هجدهم رسیده است. در مقدمه کتاب آمده است که چند مدل فیلم درباره‌اش ساخته شده است. دیگر اینکه رابطه بین معلم و شاگرد رابطه عمیقی است. داستان درباره استادی است که به بیماری صعب‌العلاجی دچار و در حال مرگ است. دارد قوای جسمی‌اش را از دست می‌دهد و هر قدر به مرگ نزدیک‌تر می‌شود، نگاهش نسبت به زندگی، مرگ، تعلیم و تربیت، پول، ازدواج و نسبت به همه چیزهایی که در دنیا با آن‌ها مواجه هستیم، شفاف‌تر و معنوی‌تر می‌شود. این کتاب را بخوانید.

یکی از چیزهایی که سبب می‌شود، ما معلمان انگیزه نسبت به شغل و حرفه‌مان حساس باشیم، گرفتن انگیزه از بیرون و درون است. چون همه ما افراد عاطفی‌تری نسبت به دیگران

سال ۱۳۴۴ در یکی از روستاهای کاشان متولد شده. الان ۵۱ ساله است، اما به عنوان یک استاد تراز اول بین‌المللی، در ۱۸ کشور جهان کرسی «درس پژوهی» دارد. بار آخری که به ایران آمد، هفته گذشته بود که از سفر چین بازمی‌گشت. پس از آن هم به ژاپن برگشت. این استاد دکتر **سرکار آرائی** است که بعضی از شما با ایشان آشنایی دارید. حداقل کسانی که در معاونت ابتدایی مسئولیت دارند، می‌دانند که در سال گذشته درس پژوهی یکی از اولویت‌های ما بوده و دکتر آرائی در ایران مبدع این موضوع است. این کتاب دو بخش دارد: بخش نخست آن حاوی خلاصه‌ای از زندگی ایشان است. بخش دوم دربردارنده هفت مصاحبه است و درباره هفت موضوع مهم صحبت شده است. افراد مختلفی در مصاحبه‌ها شرکت داشته‌اند. برای رونمایی کتاب خیلی‌ها آمده بودند؛ دکتر **نجفی**، دکتر **مهرمحمدی**، دکتر **امانی** و ...

دوستی به من گفت که ما فیلم آموزشی زیاد داریم، چگونه می‌توانیم آن‌ها را وارد چرخه آموزش و پرورش کنیم؟ من گفتم می‌توانید این فیلم‌ها را وارد کتاب‌های درسی کنید. با آقای دکتر امانی تماس گرفتم و به ایشان پیشنهاد دادم، برای سال‌های آینده در کتاب‌های درسی آیکن فیلم طراحی کنند و این فیلم‌ها را با کارشناسان ببینند. می‌توان اپلیکیشنی طراحی کرد تا بچه‌ها از طریق آن فیلم‌ها را مشاهده کنند. فضاسازی فرهنگی و ارتباطات فرهنگی می‌تواند مسیری را برای ما باز کند.

در هر شکل این کتاب بسیار خواندنی است و با مشارکت «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» و «شرکت افست» چاپ شده است. شما هم وقتی خواندید، فضاسازی کنید. یکی از کارهای خوب جشنواره‌ها معرفی کتاب‌های خوب است. مهم‌تر از جشنواره‌ها، آدم‌ها هستند که کتاب‌های خوب را به هم معرفی می‌کنند.

همه این‌ها مقدمه‌ای بود برای عرض پایانی من. ما که معلم

هستیم و جنسی که با آن در ارتباطیم، کتاب و دفتر و قلم است، خیلی کم می‌خوانیم. وای به حال کسانی که در مشاغل دیگر هستند. خوش به حال کسانی که خیلی می‌خوانند. آقای آرائی می‌گفت: هر معلم ژاپنی در سال حداقل ۵۰ کتاب مطرح مربوط به خودش را می‌خواند و ۱۰۰ فیلم و تئاتر می‌بیند. بخشی از حقوقش باید به تولیدات فرهنگی اختصاص پیدا کند. ما نمی‌خوانیم، ولی می‌توانیم این عادت را در بچه‌ها و دانش‌آموزانی که سنشان کم است ایجاد کنیم. دلیلش این است که مجلات کودک و نوآموز ما شمارگان میلیونی دارند و وقتی به نوجوان و جوان می‌رسد، کم و کمتر می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد، بچه‌های ما فطرتاً جست‌جوگرتر از ما هستند. خانواده، جامعه و صدا و سیما ممکن است این کار را نکنند. من و شما که معلم هستیم، وظیفه داریم این کار را انجام دهیم. مطالعه غیررسمی چارچوب رسمی آموزش و پرورش، مطالعه مجلات رشد است. مجلات رشد در نظام آموزش و پرورش طراحی شده‌اند و دست ماست که از این نظام بهره‌برداری لازم را بکنیم یا نه.

من، به عنوان یکی از اعضای تیم خودتان از شما تشکر می‌کنم. شمارگان مجلات رشد ۲۰ سال پیش ۲۰ میلیون بود، حدود هشت سال پیش به ۳۰ میلیون رسید و امروز که با هم صحبت می‌کنیم، ۴۰ میلیون است. اولین تلنگر را آقای دکتر **محمدیان** به من زد. زمانی که من آمار را گفتم، گفتند: خیلی جای کار داریم. آمار دانش‌آموزان دوره ابتدایی هفت میلیون، و شمارگان مجلات رشد ابتدایی سه میلیون و هفتصد هزار است. یعنی ۵۰ درصد دانش‌آموزان دوره ابتدایی از مجلاتی استفاده می‌کنند که در نظام آموزش و پرورش طراحی شده‌اند. البته اگر ما از ۲۰ درصد به ۵۲ درصد رسیده باشیم، خوب است، ولی ۴۸ درصد هم نمی‌خوانند. در مورد معلمان این رقم بیشتر است.

من فکر می‌کنم پیام امروز بنده به شما تأمل دوباره روی

ایجاد فضاهای فرهنگی است. برای توجه به تولیدات فرهنگی فضاسازی کنیم. نکته آخر اینکه ما به عنوان فرهنگی های جامعه، باید اولین کسانی باشیم که تمام تولیدات فرهنگی را که در کشور ارائه می شوند، می خوانند. یکی از دلایلی که ما از بچه‌ها عقب افتاده‌ایم، این است که تولیدات فرهنگی خودمان را نمی بینیم. بسیاری از حرف‌ها را می توانیم به بهانه تولیدات فرهنگی بزنیم، و نمی‌زنیم. خیلی ممنون که به صحبت‌های من گوش دادید.

حرف‌های مایوس‌کننده را از ادبیات تعلیم و تربیت

دور بریزیم!

یوسفعلی رضایی، رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۰ شهر تهران: در دوره کودکی و نوجوانی، ما در فضایی بودیم که تنها چیزی که برایمان جالب نبود، کتاب و مدرسه و دفتر و محله بود. در محله‌ای زندگی می‌کردیم که بچه‌ها شر بودند؛ محله ۱۳ متری حاجیان. بهترین تفریح ما بوکس و فوتبال بود. اوج دوران محمدعلی کلی بود. در محله ما تلویزیون هم نبود. حالا فضاها خیلی فرق کرده است. در همان محله بسیار خوب ما، گروهی هم بودند که برای آینده فکر می‌کردند و ما نمی‌دانستیم. در «مسجد جوادالائمه» جمع شده بودند. در مسجد جوادالائمه گروهی از استادان بودند که دوستان حاضر در اینجا بازمانده همان نسل هستند و برای آینده فرهنگی جوانان محل فکر می‌کردند. فضایی ساخته بودند که بچه‌های محل به هر بهانه‌ای جلوی در مسجد جمع می‌شدند و با یکی از ویژگی‌هایی که در آن‌ها بود، با مسجد ارتباط برقرار می‌کردند. به بهانه‌های متفاوت بچه‌های محل جذب می‌شدند. جذب مهم‌ترین اثر را دارد. نگاه ما به مسائل ریشه در همین تأثیرپذیری‌های دوران نوجوانی و کودکی دارد. ما تأثیرات زیادی گرفتیم. یکی از کارهای خوبی که در مسجد انجام می‌شد، نقد

کتاب بود. یادی می‌کنم از مرحوم فردی و همه دوستان آن دوران. فضا و بستری باید ایجاد شود که بچه‌ها به سمت این کارها بیایند. الان بعد از ۳۲ سال خدمت در آموزش و پرورش، با تجربه عملیاتی و اجرایی، متأسفم که بگویم ما نمی‌توانیم بستر بسازیم. ما محدود هستیم. در نظام ما انبساط و آرامش وجود ندارد. تغییر و تحولات فکری زیادی وجود دارند که به جابه‌جایی سریع آدم‌ها منجر می‌شوند. همه این‌ها آرامش را از فضای آموزش و پرورش گرفته‌اند و نمی‌توان تمرکز ایجاد کرد. نظامی سریع و پرتحرک، ولی کم‌بهره داریم. من فکر می‌کنم مهم‌ترین کار بسترسازی و انتخاب اصلح مدیریت‌های فرهنگی است. نه فقط در آموزش و پرورش. الان سینما در جهان انسان‌ها را برای آینده تربیت می‌کند. در آموزه‌های دینی داریم که آینده از آن صالحان است. ما باید بچه‌ها را برای آینده آماده کنیم. ما اصلاً آینده‌پژوهی نداریم. بچه‌های مسجد جوادالائمه به دنبال تصویری از آینده بودند. این تفکرات به تربیت نسلی منجر شد که الان این نسل مصرف شده است. بسیاری در دفاع مقدس، بسیاری در دولت‌های پس از انقلاب مصرف شده‌اند. هم‌زمان با مصرف نیروی انسانی باید کسانی تربیت شوند که نیازهای جدید را فرماندهی و مدیریت کنند. ما به این چیزها فکر نمی‌کنیم.

من در حوزه منطقه خودم سعی کردم امنیت و آرامش ایجاد کنم. احترام به تفاوت‌های فردی، کنار آمدن با مخالفان، و آسیب دیدن از مخالفان تا حدی برای مدیریت لازم است. این‌ها بسیار سازنده هستند. بستر تفکر و زمینه آرام و بدون تنش این‌گونه ایجاد می‌شود. هدف‌های بزرگی داریم. کافی است مدیران این هدف‌ها را بفهمند تا راحت با هم کنار بیاییم. در رابطه با نیازهای ما، همان‌طور که کشورهای مدرن به ما لطمه می‌زنند، ما هم باید به همان سبک به آن‌ها لطمه بزنیم. ما باید آینده‌ای امیدبخش، مدرن و شیک در داستان‌ها



معاونت آموزش ابتدایی شهرستان ملارد خدمت می‌کنم. در سال ۱۳۸۲ در حوزه کارهای اجرایی قرار گرفتیم. به نوعی از اول شروع کارم با مجلات رشد عجین شدم. اولین تجربه استفاده من از مجلات رشد به سال ۱۳۷۲ برمی‌گردد که دانشجوی مرکز تربیت معلم شهر تهران بودم. آن زمان جشنواره طرح درس را برگزار می‌کردند. من طرح درس را بر اساس مطالب مجله رشد معلم نوشتیم و رتبه دوم را در سطح مراکز تربیت معلم شهر تهران کسب کردم. این انگیزه خوبی شد که از مجلات رشد استفاده کنم؛ مخصوصاً تکنولوژی آموزشی، آموزش ابتدایی و رشد معلم. همکاران خودم را برای استفاده بهینه از مجلات رشد تشویق می‌کردم. ریاست اداره ما و مجموعه تیم ابتدایی ما با هم هم‌نظر هستند.

سال قبل تعداد مشترکان مجلات رشد آموزش مشاوران مدرسه، رشد مدیریت مدرسه و رشد آموزش پیش‌دبستانی در منطقه ما افزایش داشت. دلیل این افزایش آن بود که کار را از ابتدا و از پیش‌دبستانی شروع کردیم و افزایش استفاده در پیش‌دبستانی را مد نظر قرار دادیم. تقریباً تمام مراکز مجلات را دریافت می‌کنند و در پایان سال نحوه استفاده را توضیح می‌دهند.

در مورد مجله مدیریت مدرسه معتقدیم، اگر مدیر مدرسه خودش اهل مطالعه باشد، مجموعه خود را به مطالعه و استفاده از مجلات علاقه‌مند می‌کند. در مورد مجله رشد مشاوران مدرسه معتقدیم، راهنمایی صحیح، آشنایی با روش‌های روز و برخورد با مشکلات می‌تواند راه‌گشا باشد و به کمک آن‌ها می‌توانیم مشکلات عمومی را که معمولاً در سطح مدارس یکسان هستند حل کنیم.

توضیحاتی برای استفاده از مجلات رشد می‌دهم. مجله «رشد مدرسه فردا» از جمله مجلات رشد در حوزه فاوا و تعلیم و تربیت بود. ما برای معاونان اجرایی و معاونان آموزشی همه مدارس اهداف مجله را بیان کردیم. در برگزاری آزمون

و کتاب‌ها به تصویر بکشیم. آینده‌پژوهی خلاقیت بشر را شکل می‌دهد. ما باید حکومت و آینده‌سالحان و دانشمندان مؤمن، متعهد، انسان‌دوست، نمازخوان و انقلابی را که جزو آرمان‌های ماست، به تصویر بکشیم. فیلم بسازیم، فیلم‌های تخیلی. الان سینما به قهقهه می‌رود و اغلب سینماگران به پایان خط رسیده‌اند. چون در حوزه فرهنگ ما هیچ چیز تثبیت نمی‌شود.

ما سعی می‌کنیم به عنوان مسئولان اجرایی، فضایی آرام به وجود بیاوریم و یکدیگر را تحمل کنیم. مهارت‌های زندگی را که در دهه ۱۳۷۰ یونسکو تبلیغ کرد که در کتاب‌های درسی بیابند، در فوق برنامه‌های آموزشی آورده‌ایم. توصیه‌ام این است که کمی به آینده خوش‌بین و ساده‌اندیش باشیم. حرف‌های مایوس‌کننده را از ادبیات تعلیم و تربیت بیرون بریزیم. باید آینده مثبتی را ترسیم و برایش محتوا تولید کنیم

مجلات رشد در رشد شخصیت کودکان، تفکر،

خلاقیت و پیشرفت آن‌ها مؤثرند

رقیه عبدالمالکی، معاون آموزش ابتدایی شهر ملارد: من با ۲۳ سال سابقه کار، چهارمین سال است در حوزه



مجاب شدند، فهرست کتاب‌هایی را که می‌خواهند تهیه کنند، از ما بگیرند تا ما بتوانیم اردوهای بازدید از کتابخانه‌ها را داشته باشیم. این کار اتفاق افتاده و تمامی مجلات دانش‌آموزی در این کتابخانه‌ها موجودند.

توسعه کمی بستری برای توسعه کیفی است

سیدکمال شهابلو، معاون انتشارات دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی: من می‌خواهم کمی درباره توسعه کمی و کیفی مجلات رشد برای شما صحبت کنم. البته شما بهتر از من از تعداد مجلات و نحوه توسعه آن‌ها در سطح منطقه و شهرستانان آگاهی دارید و من چند نکته کلی را بیان می‌کنم. بخش اول در مورد توسعه کمی است. فعالیت‌های مختلفی در «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» در خصوص توسعه کمی صورت می‌گیرند. توسعه کمی را بستری بدانید برای توسعه کیفی. در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ماسعی می‌کنیم، طی برنامه ششم توسعه کشور و توسعه سازمان، چند پژوهش را به انجام برسانیم و نتایج آن‌ها را در اختیار شما بگذاریم. از جمله، در خصوص توسعه کمی، چگونگی توسعه کمی مجلات رشد را طی برنامه ششم بررسی قرار می‌کنیم. برنامه توسعه کشور تا سال

از محتوای مجله استفاده کردیم. با مساعدتی که مدیر منطقه داشتند، سفر سه روزه شیراز را برای برگزیدگان در نظر گرفتند. در جلسه مدیران نحوه استفاده از این مجلات، نحوه گزارش به حوزه معاونت ابتدایی و آموزش متوسطه را توضیح می‌دهیم و ماه به ماه رصد می‌کنیم. به کمک «رشد معلم» برنامه‌ای داریم که ما تقریباً سومین سالی است که در سطح شهرستان انجام می‌دهیم و آن سازمان‌دهی کردن جلسات شورای معلمان است. این طرح در سطح وزارتخانه مطرح شده است. سومین سال است که جلسات را از حالت بخش‌نامه‌ای خارج کرده‌ایم. استفاده از رشد تکنولوژی آموزشی را مبنای کار برای اجرای طرح‌های آموزشی در مدارس قرار داده‌ایم. همکاران من در این جمع حضور دارند. در سطح شهرستان‌های استان تهران، چند طرح به صورت یکسان و چند طرح به صورت خلاقانه انجام می‌شوند. ما طرح‌های استان را هم با استفاده از مجله رشد تکنولوژی آموزشی عجین کرده‌ایم.

برای استفاده از مجلات رشد دانش‌آموزی، فعالیت‌هایی را برای دانش‌آموزان در نظر گرفتیم. در ادامه استفاده از مجلات رشد، دست‌ورزی‌هایی داشتیم و تأکید می‌کردیم، زنگ انشا و یا زنگ هنر مجلات رشد حتماً در دسترس دانش‌آموزان قرار گیرد تا از آن‌ها استفاده کنند.

به منظور علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به مجلات رشد، سه عامل خانواده، مدرسه و دوستان را در نظر گرفتیم. جشنواره طلایه‌داران آموزشی را برگزار کردیم و از مدرسان خواستیم این مجلات را در جلسات اولیا و مربیان معرفی کنند. همچنین، آزمون‌های بنیة علمی را در سه مرحله در سال گذشته برگزار کردیم. دو برگه آخر هر آزمون سؤالاتی درباره مجلات رشد بود.

ما در سطح منطقه با نهادهایی مثل کتابخانه‌ها ارتباط داریم. در جلساتی که در فرمانداری تشکیل می‌شوند؛ کتابخانه‌ها

۱۴۰۰ ادامه پیدا خواهد کرد و ما هر سال دو درصد به تعداد مخاطبان اضافه می‌کنیم. اما توجه ما صرفاً به فیزیک مجلات نیست. ما وب‌سایتی داریم با عنوان **سایت مجلات رشد** که برای تحقق دو اصل «موجود بودن» و «در دسترس بودن» نشریات رشد فعالیت می‌کند. ما این دو اصل را که اصول توسعه کمی هستند برای توسعه عدالت آموزشی رعایت می‌کنیم. نکته بعدی گستردگی و توسعه نرم‌افزار توزیع است. ما برای انجام این کار ملی و توزیع مجلات در سطح کشور به نرم‌افزار نیاز داریم. این نرم‌افزار حدود ۱۸ سال است که در حال استفاده است. منتها ضروری است گسترده شود و به کل مناطق و استان‌های کشور برود. خیلی مهم است که ما بتوانیم اطلاعات مورد نیاز را به سرعت به دست بیاوریم. استان اصفهان نرم‌افزاری آماده کرده است که می‌توان آن را به کل مناطق و شهرستان‌ها تعمیم داد. این نرم‌افزار در نشست استانی معرفی شد. ان‌شاءالله سعی می‌کنیم از اول مهر آن را در اختیار همکارانی که با ما لینک می‌شوند، قرار دهیم. قطعاً در این صورت اطلاعات ما برای توزیع مجلات جامع و کامل خواهد شد و عدالت بیشتری را در ارزیابی‌ها رعایت خواهیم کرد.

چند سالی است که ما مناطق را رتبه‌بندی می‌کنیم. اینجا بیانیه‌ای خوانده می‌شود و معاونان و نمایندگان می‌آیند و جوایزی اهدا می‌شود. خیلی مختصر عامل‌های مؤثر بر این رتبه‌بندی‌ها را می‌گوییم: مورد اول «درصد تغییر شمارگان درخواستی» است.

مورد بعدی «درصد حجم نسبی توزیع» است. تفاوتش با اولی این است که در کل کشور تعدادی مجله توزیع می‌شود و می‌خواهیم ببینیم سهم هر استان چقدر است. مورد سوم «مخاطبان تحت پوشش» است. خودتان با خودتان هم مقایسه می‌شوید. مورد چهارم «فعالیت‌های فرهنگی» است که به صورت خیلی مختصر در فیلم‌ها دیدید. فعالیت‌های

مختلفی که در راستای توسعه کمی و کیفی مجلات رشد و فرهنگ مطالعه در منطقه، شهرستان و استان انجام می‌دهید، برای ما خیلی اهمیت دارد.

اینکه کار مجلات و فرهنگ مطالعه برای ما اهمیت دارد و ارتقای آن را از شما انتظار داریم. علاوه بر این، کل فرایند توزیع مجلات رشد به صورت خودگردان است و برای اینکه موازنه‌ای در تولید و انتشار مجلات داشته باشیم، مجبوریم آنچه را که به مناطق و شهرستان‌ها فرستاده‌ایم، مطالبه کنیم. مورد آخر «مجموع امتیازات» است. بعضی از مناطق، شهرستان‌ها یا استان‌ها هستند که در چند مورد رتبه می‌آورند. واحدی که در چند مورد رتبه می‌آورد، در بالاترین امتیازات قرار می‌گیرد و برای ما اهمیت دارد.

اما در مورد توسعه کیفی هم چند نکته بگویم: اول پژوهش. «تأثیر مجلات رشد بر عادت به مطالعه در بین دانش‌آموزان» عنوان پژوهشی است که در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. یعنی تحقیقی که صددرصد کیفی است. دوم تعامل با مخاطبان. قطعاً تعامل با مخاطبان برای هر بنگاهی که تولیدکننده محتوای فرهنگی است، اهمیت دارد. شرکت شما نمایندگان و معاونان در جشنواره‌ای که دفتر برگزار می‌کند هم اهمیت دارد. این دفتر هر سال حدود هفت جشنواره برگزار می‌کند تا محصولات تولیدشده را معرفی کند: جشنواره عکس رشد، جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، جشنواره کتاب‌های قرآنی، نشست با نمایندگان استان‌ها و مناطق و شهرستان‌های استان تهران و کلیه فعالیت‌های فرهنگی دیگری که در منابع غیرمکتوب داریم. من خواهش می‌کنم که حضور حداکثری داشته باشید تا ضمن اینکه با فعالیت‌های دفتر بیشتر آشنا می‌شوید، سفیرانی شوید برای انتشار بهتر و بیشتر محصولات تولیدی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

علاوه بر کتاب، نرم‌افزار و سایر منابع آموزشی مؤثر

در فهرستگان رشد معرفی می‌شوند

فریبا کیا، معاون سامان‌دهی منابع و مواد آموزشی

دفتر: بحث منابع آموزشی و تربیتی و کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی موضوعی است که همه شما با آن درگیر هستید. کتاب خیلی زیاد و زمان کم است و سازمان بحث به‌گزینی منابع را در دستور کار خود دارد. «کتاب‌نامه رشد» حاصل تلاشی است که در سازمان پژوهش با مشارکت ۲۰۰ کارشناس متخصص صورت می‌گیرد و کتاب‌های آن از میان کتاب‌هایی که حدود ۸۰۰ ناشر منتشر می‌کنند، گلچین می‌شود. هر سال حدود ۵۰۰۰ کتاب به دفتر می‌رسد توسط کارشناسان بررسی می‌شود. کتاب‌نامه رشد فهرست کتاب‌های مناسب است که قدمت ۱۶ ساله دارد. تاکنون حدود ۷۵ عنوان کتاب‌نامه تولید شده است و فکر می‌کنم اسم کتاب‌نامه رشد را همه بزرگواران شنیده باشند. سیاست این بوده است که این منابع را تا سطح کلاس و مدرسه تعریف کنند. تا به حال پوشش فیزیکی کتاب‌نامه حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد بوده است. در سال گذشته، ما برای اولین بار شهر تهران را به عنوان جامعه نمونه انتخاب کردیم و در همه مدارس و در وهله اول در مدارس دولتی کتاب‌نامه توزیع کردیم. من تشکر می‌کنم از زحماتی که شما کشیدید و کتاب‌نامه را توزیع کردید. ما نتیجه توزیع را ارزیابی کردیم و نتایج قابل قبولی کسب شد.

در سال جاری، دفتر به این نتیجه رسید که به جای اینکه همه کتاب‌های مناسب از متوسط تا عالی را معرفی کنیم که شاید انتخاب از میان آن‌ها برای معلم سخت باشد، بهترین‌ها را در مجموعه منتخبی از کتاب‌های مناسب معرفی و این بهترین‌ها را در حجم کمتر و در قطع مجلات رشد تحت عنوان «فهرستگان رشد» در همه مدارس کشور توزیع کنیم. خیلی بحث و بررسی شد که از چه طریقی این کار انجام

گیرد. به این نتیجه رسیدیم که با تجربه موفق که در سال گذشته در شهر تهران داشتیم، مأموریت توزیع کتاب‌نامه رشد هم با همان فرایندهای خاص خودش توسط شما بزرگواران انجام شود. امروز ما ترجیح داده‌ایم فرم‌های مخصوص و توضیحات لازم را از طریق بخشی که در سایت مجلات رشد به نمایندگان رشد اختصاص دارد، در اختیار شما بگذاریم. هم‌اکنون فهرستگان رشد در دست چاپ است. علاوه بر آن، تمامی کتاب‌هایی که مناسب تشخیص داده شده‌اند، تحت عنوان کتاب‌نامه رشد روی سایت سامان بخشی کتاب‌های آموزشی بارگذاری می‌شوند. اتفاق مبارک دیگر این است که امسال برای اولین بار، علاوه بر کتاب، نرم‌افزارها و سایر منابع آموزشی مؤثر بر یادگیری هم در پیوست فهرستگان معرفی می‌شوند. با توجه به اینکه سال گذشته کتاب‌نامه رشد توسط شما توزیع شده، بگویید چه مشکلاتی داشته است؟ یا اگر نکته‌ای درباره کتاب‌نامه رشد دارید، بفرمایید.

راهکار مناطق دیگر چیست؟

مهدی اکبری، نماینده مجلات رشد اسلام‌شهر: شما از ما خواستید فعالیت‌ها را به شکل سی دی در اختیارتان قرار دهیم. خیلی از مناطق کارهای قشنگی دارند. من پیشنهاد دارم، در قسمتی از مجلات یا در یک مجله جدا، فعالیت‌های جذاب و موفق هر منطقه را در اختیار سایر مناطق قرار دهید. موضوع دوم این است که الان اکثر مناطق، آمار مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش‌آموز بالا و آمار رشد جوان و نوجوان پایین است. می‌خواستم ببینم راهکار مناطق دیگر چیست تا ما هم بتوانیم اعمال کنیم و آمار را بالا ببریم.

محبت‌اله همتی، ناظر محتوایی مجلات رشد: ما بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی نسبت به گذشته رشد قابل قبولی داشته‌ایم. در مورد سؤالی که آقای اکبری فرمودند، من فکر



جاده ترویج مجلات رشد

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد: در مورد پرسش آقای اکبری چند نکته را عرض می‌کنم. شما فرض کنید ما جاده‌ای به نام جاده ترویج مجلات رشد داریم. این جاده سه چاله دارد. چاله اول آن است که مجله را نمی‌شناسند. یعنی باید به ضعف اطلاع‌رسانی اعتراف کنیم. دوم اینکه می‌شناسند، ولی به هر دلیلی در دسترسشان نیست. چاله سوم که به نظرم در کل ایران جدی است، می‌شناسند، در دسترسشان هم هست، اما نمی‌خواهند. یعنی واقعاً رغبت درونی یا تحریک بیرونی وجود ندارد. در بعد خواستن ما وظایفی در دفتر داریم. بخشی هم به شما عزیزان برمی‌گردد. باید احساس درونی در مخاطبان نوجوان و جوان و محرکات بیرونی را تقویت کنیم. در ایجاد احساس نیاز، اولین گام اصلاح نگرش معلمان و مدیران است. خوش‌بختانه شما در تهران هستید و می‌توانید از سردبیران و کارشناسان دعوت کنید. نکته بعد گره خوردن با دغدغه‌های بچه‌هاست. استفاده از محتوا در مراسم صبحگاهی خیلی کمک می‌کند. دعوت از نویسندگان و شاعران مجلات ایده خوبی است. اگر امکان داشته باشد، گزیده‌های مجلات رشد در تابلوهای مدارس بیاید. ما هم در داخل دفتر باید به دنبال نیازسنجی باشیم و به تولید حرفه‌ای بپردازیم. از نظر جنبه‌های اطلاع‌رسانی هم کارهایی در دست انجام است، ولی باز هم سرمایه‌گذاری بیشتری می‌خواهد.

می‌کنم باید انتظاراتمان را از خودمان تنظیم کنیم. درست است که در مقایسه با دانش‌آموزان دوره ابتدایی، شمارگان رشد نوجوان و جوان کم است، اما توجه داشته باشیم، در دوره ابتدایی معلم، مدیر مدرسه و بقیه عوامل تأثیر زیادی روی دانش‌آموز دارند و نگاه آن‌ها در انتخاب دانش‌آموز مؤثر است. برای همین است که اگر در یک مدرسه ابتدایی مدیر زمینه مساعد را فراهم کند و معلم نگاه مثبتی داشته باشد، معمولاً همه بچه‌ها مجله را می‌گیرند. اما وقتی دانش‌آموز به سن نوجوانی و جوانی می‌رسد، تا حدی انتخابگر می‌شود و هر چه معلم بگوید را درست نمی‌پذیرد. این وضعیت در مجلاتی که خارج از آموزش و پرورش منتشر می‌شوند هم حاکم است. فکر می‌کنم اگر این تفاوت‌ها را در نظر بگیریم، از شمارگان مجله‌های رشد نوجوان و جوان هم رضایت نسبی به دست می‌آید. راهکارهای متفاوتی می‌توان برای افزایش شمارگان در نظر گرفت. مهم‌ترینش این است که هر کس مجله را بین دانش‌آموزان تشویق می‌کند، خودش مجله را بخواند. من فکر می‌کنم شماره اول مجلات را بخوانید و ببینید مجله چه مقدار از نیازها را توانسته است، پاسخ دهد. مجلات در بعد محتوایی به بخش مهمی از نیازهای دانش‌آموزان پاسخ می‌دهند و اگر همه ما به این امر اشراف داشته باشیم، زمینه را برای رشد مجله‌های جوان و نوجوان فراهم می‌کنیم.





راه حل‌ها درون مسئله نهفته‌اند!

گزارش آیین رونمایی کتاب «در تمنای یادگیری»

آن تأکید می‌کنند. اما همواره این سؤال اساسی پیش روی ماست که چرا به این مأموریت و مسئولیت گسترده و مهم چنان‌که باید توجه نمی‌شود و چرا به رغم این باور که توسعه از مسیر آموزش می‌گذرد، دست کم گاهی به آموزش بی‌مهری می‌شود. پاسخ این سؤال از منظر مسئولان کشور، مدیران آموزش و پرورش، صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان متفاوت است. در این میان، اصحاب اندیشه و آنان که عمر خود را پای آموزش و پرورش صرف کرده و برای تحقق این امر مهم و پیچیده با تمام وجود کوشیده‌اند، در این زمینه دریافته‌های بهتری در حوزه نظریه و راهکارهای مؤثرتری در عرصه عمل دارند. «مجموعه اندیشه‌ورزان» با این هدف شکل گرفته است که صاحبان اندیشه در آموزش و پرورش را به تدریج به میدان گفت‌وگوهای چالشی بکشاند، گذشته و حال را تا حدی واکاوی کند که به مدد آینده بیاید و می‌کوشد آموزش

در عصر نخستین روز نشست نمایندگان مجلات رشد استان‌ها در نهمین روز از شهریور ۱۳۹۵ در سالن اجتماعات شرکت افسست در تهران، آیین رونمایی کتاب «در تمنای یادگیری»، نخستین جلد از مجموعه «اندیشه‌ورزان» برگزار شد. در این نشست، ده‌ها تن از شخصیت‌ها و چهره‌های فرهنگی و علمی کشور حضور داشتند و عصری مملو از نشاط و بهجت فرهنگی را خلق کردند. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی از این محفل علمی و فرهنگی است.

توسعه از مسیر آموزش می‌گذرد

سیدمحسن گلدان‌ساز، مدیرعامل شرکت افسست آموزش و پرورش گسترده‌ترین، پیچیده‌ترین و مهم‌ترین کار کشور است و مسئولان کشور نیز بر این باورند و حداقل در حوزه دیدگاه و نظر و در مقام سخن بر اهمیت و ضرورت



در باب اندیشه‌های دکتر آرانی، مشتمل بر موضوعاتی چون درس‌پژوهی، برنامه‌درسی و برنامه‌ریزی درسی، آموزش و توسعه، تربیت معلم، فناوری برای آموزش و کارکردهای دانشگاه است. این موضوعات با حضور صاحب‌نظران در قالب میزگرد همراه با بحث و نقد ارائه می‌شوند و امید می‌رود که برای معلمان، کارشناسان و اصحاب تعلیم و تربیت مفید باشند. نشست حاضر به مناسبت رونمایی کتاب «در تمنای یادگیری» با هدف پرداختن به موضوع اندیشه‌روزی در آموزش و پرورش و با حضور شما برگزار شده است.

در اینجا اشاره‌های کوتاه به شخصیت و فعالیت‌های وطنی دکتر سرکار آرانی لازم به نظر می‌رسد. دکتر آرانی به تدریس و پژوهش در دانشگاه ناگویا اشتغال دارد و در فعالیت‌های آموزشی در عرصه بین‌المللی پرکار است. با این حال حضور ایشان در آموزش و پرورش کشور، به ویژه در فعالیت‌های مدرسه‌ها به زعم خودشان در کف کلاس درس مشهود و در خور تأمل است. زیرا با وجود دوری از وطن و حضور تقریباً سالی دو بار در ایامی محدود، بسیاری از دست‌اندرکاران آموزش و پرورش در ستاد با ایشان در ارتباط هستند و همواره در برنامه‌های حضور چند روزه خود در کشور ملاقات‌ها و گفت‌گوهای کارشناسی، سخنرانی در مجامع و محافل آموزشی و حضور در کلاس و مدرسه را از قلم نمی‌اندازند و از چند ماه قبل، جزئیات را پیش‌بینی و تحقق آن‌ها را پیشاپیش و به طور مکرر دنبال می‌کنند. به نحوی که به رغم وجود دیگر بزرگان و صاحبان اندیشه در داخل کشور، حضور دکتر آرانی در گستره آموزش و پرورش کشور در مواردی بیشتر حس می‌شود.

دکتر آرانی پس از تلاش برای شناساندن «درس‌پژوهی» که در ایران به نام او پیوند خورده و اکنون در مدارس تهران و شهرستان‌ها در حال اجراست، اینک «درس‌کاوی» را که طرحی نو و خلاقانه حداقل در آموزش و پرورش کشور

و پرورش را مستعد گام نهادن در راه بهسازی کند. پس نگاه این مجموعه ترسیم مسیر بهسازی آموزش از منظر اندیشه‌ورزان در عمل و نظر است.

امروز اولین کتاب از این مجموعه پیش روی شما قرار گرفته است. هر کتاب این مجموعه شامل فصلی نسبتاً مفصل از زندگی یک اندیشمند ایرانی است و در آن، دوره‌های کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگ‌سالی او، با محوریت زمینه‌های تربیتی و فراز و فرودهای آموزشی و پرورشی تا زمان رسیدن به جایگاه امروزی، بیان می‌شود. فصل‌های بعد به موضوعاتی اختصاص می‌یابند که فرد صاحب‌نظر بر آن‌ها بیشتر تمرکز داشته است و به سبب آن‌ها شناخته می‌شود. موضوع اولین کتاب از این مجموعه که امروز با حضور شما سروران و فرهیختگان رونمایی می‌شود، زندگی و اندیشه‌های دکتر سرکار آرانی است. فصل اول را آقای محمد ناصری با قلم شیوای خود به رشته تحریر کشیده‌اند و فصل‌های بعد

سید محسن گلدان ساز



دکتر محمد علی نجفی



دکتر محمود مهر محمودی



گلدان ساز: شرکت
افست ۶۰ سال است
که به چاپ کتاب‌های
درسی دوره ابتدایی
و مجلات رشد افتخار
می‌کند و این توفیق
را موهبتی بزرگ
می‌شمارد

موظف به چاپ چند عنوان کتاب در سال است، سیاست نشر شرکت افست به صورت محدود بر آثاری متمرکز شده است که به بهسازی آموزش کمک کنند. به این بهانه نیز سهمی ولو اندک در یادگیری ایفا کند.

انتشارات شرکت افست قصد حضور همه‌جانبه و پررنگ در بازار نشر کشور را ندارد و از رهگذر انتشارات، خود را حلقه‌ای

از زنجیره برنامه‌ریزی آموزشی و درسی می‌داند البته این وظیفه را در کنار و به اتکای «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» و به ویژه «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» عهده‌دار شده است. انجام سخن بخشی از مقدمه کتاب به قلم دکتر آرنای است: در تمنای یادگیری را صفحه به صفحه بخوانیم. شاید روشنایی شمع دوستان و نوری که در نماهایی از زندگی سراسر حل مسئله غریبی در غربت می‌اندازد، بهانه‌هایی برای تأمل و سایه‌روشن‌هایی برای کندوکاو و نقد آگاهانه آموزش و یادگیری فراهم سازد. شاید.

از همه شما ممنونم که توجه فرمودید. این مجموعه چون فقط با مدد و همراهی اندیشمندان و بزرگان استمرار و ادامه خواهد داشت، از همین جا دست استمداد دراز می‌کنیم و از همه شما طلب مساعدت و کمک می‌کنیم. «دور با عاشقان افتد تسلسل بایدش.»

ماست، به میان آورده است. درس کاوی مشاهده‌ای عمیق و دقیق، تجزیه و تحلیل هوشمندانه فعالیت معلم و دانش آموز، به همراه بهره‌گیری از فضا و امکانات، و توجه به همه ابعاد در کلاس درس است که بهسازی آموزش و کلاس درس را نشانه می‌رود و معلم را به بهترین شیوه در مسیر چگونه معلمی کردن هدایت می‌کند. امید است که

این مجموعه بتواند دست‌مایه‌ای برای معلمان و کارشناسان در دستیابی به اهداف آموزشی و پرورشی باشد و در حد خود به برخی نیازهای آموزش و پرورش پاسخ دهد. بی تردید نظرات و آرای استادان و صاحب‌نظرانی که در این نشست طرح موضوع می‌کنند، مجموعه اندیشه‌وزران را در مسیر بهبود و استمرار قرار خواهد داد، اما ممکن است این پرسش مطرح شود که: چرا افست؟

شرکت افست ۶۰ سال است که به چاپ کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و مجلات رشد افتخار می‌کند و این توفیق را موهبتی بزرگ می‌شمارد. «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» که نزدیک به نیمی از سهام این شرکت را نمایندگی می‌کند، به ضرورت در قراردادهای سال‌های اخیر شرکت افست را ناشر می‌شناسد. این امر مستلزم دریافت مجوز رسمی بود که خوش‌بختانه به نام «انتشارات شرکت افست» اخذ شد. از آنجا که به بنا به مقررات نشر، ناشر

مهندس عبدالحسین نفیسی



دکتر اسدالله مرادی



دکتر محمود امانی تهرانی



آیناشت تجربه تحقق پیدا نمی کند

دکتر محمدعلی نجفی، وزیر پیشین آموزش و پرورش ایران

خیلی ممنون و مسرور هستم که این افتخار نصیب بنده شد که امروز در جمع شما فرزندان و فرهیختگان باشم و از فضیلت‌های این مجلس و فضای معنوی این محفل

بهره‌مند شوم. من قرار نیست صحبت طولانی داشته باشم. به این دلیل که کارشناسان عالی‌رتبه‌ای از نظام تعلیم و تربیت دعوت شده‌اند. من به دو نکته در اینجا اشاره می‌کنم و البته نکته دوم خود شامل دو نکته است. نکته اول اینکه شخصیت و اندیشه‌های دکتر سرکار آرانی تا حدی که بنده با آن‌ها افتخار آشنایی داشته‌ام، شایسته تمجید برای مدیران آموزش و پرورش، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش، دانش‌پژوهان و دانشجویان و همه کسانی که با مقوله تعلیم و تربیت ارتباط دارند و مباحث نظری و عملی تعلیم و تربیت را دنبال می‌کنند، قابل استفاده هستند. این کتاب به عنوان اولین اثر از مجموعه اندیشه‌ورزان انتخاب بسیار خوبی بوده که با سلیقه و دقت انجام شده است. من در حد فرصتی که داشتم، بخش‌هایی از این کتاب را مطالعه کردم. انصافاً کتاب با ارزش و قابل استفاده‌ای است. هم آن بخش از مطالب که توسط خود آقای دکتر ارائه شده و هم مباحثی که توسط دوستان دیگر مطرح شده است. امیدوارم همه علاقه‌مندان به مسائل آموزش

نجفی: جای چنین مجموعه‌ای در مجموعه اسناد و کتبی که در باب تعلیم و تربیت در کشور نوشته و منتشر شده‌اند، خیلی خالی است

و پرورش و تعلیم و تربیت در سطح کشور از این کتاب حداکثر لذت و استفاده را ببرند.

نکته دوم اینکه، تصمیم دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و انتشارات شرکت افست - که البته این یک پیوند مبارک است - برای خلق مجموعه اندیشه‌ورزان گرفته‌اند، قابل تقدیر است. جای چنین مجموعه‌ای در

مجموعه اسناد و کتبی که در باب تعلیم و تربیت در کشور نوشته و منتشر شده‌اند، خیلی خالی است. فکر می‌کنم آموزش و پرورش ما و همه بخش‌های اجرایی و مدیریتی کشور ما از دو ضعف بزرگ رنج می‌برند:

اول اینکه برای اکثر تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های مدیران آموزش و پرورش مستندسازی نشده و گزارش‌های تحقیقاتی و کارشناسی که به اتخاذ چنان تصمیمی یا تدوین چنان برنامه‌ای انجامیده است، به صورت مستند در خیلی از موارد وجود ندارد. یا بعضی از این تصمیمات که گاهی بسیار مؤثر، مهم و ملی بوده‌اند، اصولاً مبتنی بر این گزارشات تحقیقاتی نیستند و در مواردی تصمیمات خلق الساعه بوده‌اند. یا اینکه گزارش‌های کارشناسی و تحقیقاتی وجود دارند، اما این‌ها حذف شده‌اند و آنچه باقی مانده، در مغز و سینه مدیران و برنامه‌ریزان ضبط شده است. آثار سوء چنین وضعیتی را همگان می‌دانند و مشخص است که وقتی تصمیمات مستندسازی نشوند و برنامه‌ها از گزارشات



مهرمحمدی: آرانی
موجودی است
برخوردار از یک هویت
ترکیبی. هنر حمل
هم‌زمان عقلانیت
ایرانی و عقلانیت
جهانی و ایجاد هارمونی
بین آن‌ها را در وجود
خودش دارد

آرانی نماینده و نماد بارز جهان جهانی

شده ماست

دکتر محمود مهرمحمدی، سرپرست
دانشگاه فرهنگیان

من فکر می‌کنم دکتر آرانی نماینده و نماد
بارز جهان جهانی شده ما در حوزه تعلیم و
تربیت هستند. آرانی بی‌تردید یک هویت
جهانی و دامنه عمل جهانی در حوزه تعلیم
و تربیت دارد. این دامنه عمل گاه به صورت

فیزیکی است و با سفرهایش مرزهای فکری کشورهای
مختلف را درمی‌نوردد، یا به صورت حضور مجازی است.
این هویت جهانی و این نماد بارز یک جهان جهانی‌شده
در حوزه تعلیم و تربیت، خودش نکته قابل تأمل و توجهی
است. اما در اینجا من به بعد مهم دیگری می‌خواهم اشاره
کنم که در پیوند با این بعد است. اگر آرانی نماینده و نماد
بارز یک جهان جهانی‌شده در حوزه تعلیم و تربیت است،
مهم‌تر از آن این است که او نماد و نماینده حفظ ایرانیت
خودش است در عین غوطه‌وری در فرهنگ غیر. آرانی
نه‌تنها در فرهنگ‌های دیگری که به واسطه همان هویت
جهانی مرتباً با آن‌ها در ارتباط است، ذوب و استحاله نشده
بلکه از فرهنگ و ریشه‌های ایرانی‌اش در غنی‌سازی زیست
جهانی خود استفاده می‌کند و با استفاده از این ریشه‌های
فرهنگی، تعریفی از گونه ایرانی هویت جهانی عرضه
می‌کند. به عبارت دیگر، در حالی که عمیقاً ایرانی مانده،
عمیقاً هم جهانی شده است. آرانی موجودی است برخوردار
از یک هویت ترکیبی. هنر حمل هم‌زمان عقلانیت ایرانی
و عقلانیت جهانی و ایجاد هارمونی بین آن‌ها را در وجود
خودش دارد. همه کسانی که با دکتر آرانی آشنا هستند،
می‌دانند که او چگونه به این عمیقاً ایرانی ماندن دست پیدا
کرده و این دستاورد مهم‌تر از عمیقاً جهانی شدن است.

کافی به عنوان مستندات برخوردار نباشند،
خیلی زود با تغییر مدیران و برنامه‌ریزان و
سیاست‌گذاران تغییر پیدا می‌کنند. این یکی
از دردهایی است که هم در آموزش و پرورش
و هم در بقیه بخش‌های کشور داریم. روند
آزمایش و خطا لطمات زیادی را به کشور ما
زده است و می‌زند. امید می‌رود که مجموعه
اندیشه‌ورزان بخشی از این ضعف را جبران
کند و با مصاحبه‌هایی که با افراد مؤثر در

آموزش و پرورش انجام می‌شود، لااقل آنچه در سینه و ذهن
آنان وجود دارد، کشف و مکتوب شود و برای کارشناسان و
مسئولان امروز و آیندگان بماند. نکته دوم اینکه تجربیات
مدیران و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران آموزش و پرورش
هم کمتر جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و در اختیار مردم
قرار داده شده است. در نتیجه در همه دستگاه‌های کشور ما
انباشت تجربه تحقق پیدا نمی‌کند و در نتیجه انباشت علم
اداره کشور فراهم نمی‌شود. این موضوع باعث شده است ما
در مسائل اجرایی هم به صورت سعی و خطا اقدام کنیم که
لطمات زیادی را به نظام آموزشی ما و دستگاه‌های دیگر
وارد کرده است. صدها تجربه شکست‌خورده و ناموفق وجود
دارند که بارها تکرار شده‌اند. یا عیناً و یا ماهیتاً دوباره تجربه
شده‌اند و دوباره لطمات و خسارت‌های زیادی را به دنبال
داشته‌اند. امیدوارم مجموعه اندیشه‌ورزان این ضعف را هم تا
حد قابل توجهی جبران کنند.

ما امیدواریم سال‌های سال با انتشار کتاب‌های عمیق و
پرمحتوا در این مجموعه بتوانیم فرهنگ آموزش و پرورش
را تقویت و از غنای بیشتری برخوردار کنیم. امیدوارم دکتر
سرکار آرانی خدماتشان را چه در داخل کشور و چه در
خارج از کشور به طور مؤثرتری دنبال کنند و در انتظار آثار
و کتاب‌های دیگری از ایشان هستیم.



گمان می‌کنم آرنی در میان آن‌هایی که در آینده هم مطرح خواهند شد، یگانه خواهد ماند.

آرنی اهل کاشان است

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

اهل کاشانم

روزگرم بد نیست

تکه نانی دارم، خرده هوشی

سر سوزن ذوقی

مادری دارم بهتر از برگ درخت

دوستانی بهتر از آب روان

و خدایی که در این نزدیکی است

لای این شب‌بوها، پای آن کاج بلند

روی آگاهی آب، روی قانون گیاه

آرنی اهل کاشان است؛ دیار کویبری آران و بیدگل. آسمان آن قدر نزدیک بوده که از کودکی جسارت داشته که دست‌هایش را برای گرفتن ستاره به سوی آسمان بالا ببرد. او در این تمنا آموخته است که سر در آسمان داشته باشد و در همه حال محو تماشای شگفتی ستاره‌ها شود. همشهری

می‌دانم که آرنی هرکجا که هست، به ایران بسیار فکر می‌کند. می‌دانم که آرنی مستمراً دربارهٔ ایران می‌نویسد و دیدگاه‌های خودش و اندیشه‌های خودش را با هم‌وطنانش به اشتراک می‌گذارد. می‌دانم که آرنی به ایران مکرر و به بهانه سفر می‌کند، نه به بها. گویی بوی ایران مشامش را می‌نوازد و به روح ناآرام او آرامش می‌بخشد. آرنی در جهت توسعهٔ منابع انسانی ایران و ایران توسعه‌یافته از منظر شاخص‌های انسانی هم اهتمام ویژه دارد و در این جهت تلاش ویژه می‌کند. آرنی با وفاداری به منش ایرانی، شخصیت متین ایرانی را به نیکویی در ورای مرزهای ایران تبلیغ و ترویج می‌کند.

آرنی غلو و بزرگ‌نمایی در پیوند با فرهنگ غیر را که به تحقیر فرهنگ خودی یا خودباختگی فرهنگی ایرانیان می‌انجامد، نمی‌پسندد. مثلاً هیچ‌گاه از گفتار، رفتار و نوشتار آرنی پیام از سر تا پا ژاپنی شدن دریافت نمی‌شود. در عین حالی که نگاه مدینهٔ فاضله‌ای در فرهنگ ما خیلی هم زمینهٔ پذیرش و باور دارد. اما آرنی از ژاپن که بیشتر از همه و بهتر از همه آنجا را می‌شناسد، چنین تصویری ارائه نمی‌کند تا با کوچک‌شماری فرهنگ و تمدن ایران دکانی برای خود درست نکند و اصطلاحاً معرکه‌ای نگیرد. و خیلی کارهای دیگر را هم که می‌توان برشمرد که چگونه آرنی عمیقاً ایرانی مانده، در حالی که عمیقاً جهانی شده است. برای من وجه ایرانی ماندن آرنی بسیار مهم‌تر از وجه جهانی شدن اوست. عرض من همین بود. حرکت اندیشه‌ورزان با این توصیفی که کردم و از این منظری که من به موضوع نگاه می‌کنم، حسن انتخاب داشته است و این حسن انتخاب را برای شروع این جریان باید به دست‌اندرکاران آن تبریک گفت. البته می‌توان به رگه‌ها و معیارهای دیگری از اندیشه‌ورزی و انتخاب مصادیق اندیشید و آن‌ها را به باشگاه اندیشه‌ورزان دعوت کرد. اما



ناصری: آرانی اهل
کاشان است؛ دیار
کویری آران و بیدگل.
آسمان آن قدر نزدیک
بوده که از کودکی
جسارت داشته که
دست‌هایش را برای
گرفتن ستاره به سوی
آسمان بالا ببرد.
او در این تمنا آموخته
است که سر در آسمان
داشته باشد
و در همه حال محو
تماشای شگفتی
ستاره‌ها شود

ترس آغاز کرد. آنچه را دوست نداشت انجام
دهد زیر بارش نمی‌رفت و آنچه را که دل
می‌بست، عاشقانه انجام می‌داد.

قالی بافی را دوست نداشت. از همان اول
که پشت دار قالی می‌نشست یک ریز غر
می‌زد. جثه‌اش هم آن قدر نبود که بتواند
زمان زیادی پشت دار قالی تاب بیاورد و
حرف نزند. پشت دار قالی تکیه‌گاهی نبود
که به آن تکیه کند و به همین دلیل خسته
می‌شد و حوصله‌اش سر می‌رفت. آن وقت
بود که دائم بهانه می‌آورد و غر می‌زد. بعضی
وقت‌ها هم که می‌خواست ریشه‌های قالی را
ببرد، بی‌هوا انگشتش را می‌برید. خون که از
انگشتش بیرون می‌زد، مادر ناراحت می‌شد.

خونی شدن چلهٔ قالی کار مادر را که به نجسی و پاکی
حساس بود، دشوار می‌کرد و باعث می‌شد سر علیرضا داد
بزند: یالله بچه پاشو برو بی کارت! همه جا را خونی و نجس
کردی. خب بگو نمی‌خوام کار کنم. چرا دستت رو می‌بری؟
یالله پاشو برو! علیرضا هم از ته دل می‌گفت: ای خدا کی
می‌شه بساط قالی بافی از آران و بیدگل کنده بشه و نسلش
وربیفته تا همهٔ ما آزاد بشیم.

مسگری آرزویش بود. علیرضا از بوی قلع خوشش می‌آمد.
از همان لحظهٔ اول معلوم بود که خوش حال است. بالاخره
مسگری بهتر از قالی بافی بود. روحیهٔ شاد، پرتلاش و پدرانۀ
مسگر علیرضا را مشتاق کار کرد. مسگر با علیرضا مثل آدم
بزرگ‌ها رفتار می‌کرد و او را به دنبال کارهای گوناگون
می‌فرستاد: برو نون و پنیر بگیر علیرضا. (علیرضا لقبی است
که از بدو تولد مرحوم مادر دکتر آرانی به ایشان می‌دهد. پدر
و مادر سر محمدرضا و علیرضا اختلاف داشتند. شناسنامه
محمدرضا می‌شود و علیرضا نام دکتر آرانی می‌شود که

سپهری است، اما انس و الفتی عمیق با
مولانا دارد. با حافظ مأنوس است، اما به
سعدی عشق می‌ورزد. ژاپنی‌ها به او که تازه
۵۰ سالگی را پشت سر گذاشته، می‌گویند تو
پنجاه ساله‌ای، اما به اندازهٔ سه نفر آدم پنجاه
ساله کار کرده‌ای؛ یعنی ۱۵۰ سال زندگی.
این را ما نمی‌گوییم ژاپنی‌ها می‌گویند.

مایلم در این وقت کوتاه مروری بر زندگی
آرانی داشته باشم. برای اندیشه‌ورزی که
سراسر زندگی‌اش در تمنای یادگیری
گذشته است. اجازه می‌خواهم اولاً برش‌هایی
از بخش اول کتاب را برایتان بخوانم: مادرش
که خدایش بیامرزد، خیلی خیلی زود در
درخشش چشم‌های درشت و جذاب نور

جست‌جوگری را که با شیطنت کودکی درآمیخته بود،
تشخیص داد. کمتر پیش می‌آمد که علیرضا روز را بدون
حادثه به شب برساند. چند روز پیش مسیر آبی را که از خانه
به آران دشت می‌رفت، با سنگ بسته بود. وقتی مرد همسایه
از او با ناراحتی به مادرش شکایت کرده بود، علیرضا در پاسخ
به مادر گفته بود: «فقط می‌خواستم ببینم اگر جلوی آب رو
بگیرم قطور می‌شه و چه کسی دنبالش می‌یاد».

مکتب‌دار محله که بعدها کتاب‌دار تنها کتابخانهٔ شهر شد
و بهتر از هر کسی از استعداد علیرضا خبر داشت هم به پدر
گفته بود که علیرضا بالاستعداد است. خوب قرآن می‌خواند
و حروف الفبا را می‌شناسد. حتی گفته بود همین حالا
هم سوادش از بچه‌های کلاس اول بیشتر است. علیرضا با
شنیدن این قضاوت ترس از مدرسه را فرونهاد. اما کلاس
اول برای علیرضا چیزی نداشت. الفبا را قبلاً یاد گرفته بود و
کلاس برایش جایی خسته‌کننده بود. تنها چیزی که مدرسه
به او آموخت، نظم و انضباط و البته ترس بود. مدرسه را با



نقیسی: دکتر آرانی
محصول فرایند
توسعه است. فرایند
توسعه‌ای که از
روستایی در دل کویر
شروع می‌شود و تا
بزرگ‌ترین کشور
صنعتی و پیشرفته
آسیا ادامه پیدا
می‌کند

ما هم ایشان را به همین نام می‌شناسیم). چند روز گذشت. علیرضا هر روز با ذوق و شوق فراوان به دکان مسگر می‌رفت و از ته دل از این وضع احساس شادمانی می‌کرد. مخصوصاً روزی که شنید، مسگر به بقال دکان روبه‌روی مغازه‌اش گفته است: این فلزش چیز دیگری است. جوهر داره. با این سن و سال خیلی با هم‌سن و سالش فرق می‌کند. آداب و گفت‌وگو را می‌داند.

داستان ادامه دارد. این بخش را خواندم

تا دوستانی که کتاب را ندیده‌اند، مزمزهای کنند و اگر خوششان آمد، بخش اول را خودشان بخوانند. اصلاً چرا بخش اول در کتاب‌های اندیشه‌ورزان؟ اندیشه‌ورز باید ساحت اندیشه‌ورزی را بشکافد و نظرات اندیشه‌ورزان را بگوید. اما کدام اندیشه‌ورزی بدون زندگی واقعی روزمره اندیشه‌ورز شده است؟ بدون بافت خانوادگی و محلی و فراز و فرودهای زندگی‌اش. کسی که با اندیشه‌ورزی مواجه می‌شود، باید درباره زندگی آن اندیشه‌ورز هم نکاتی را بداند. ایده‌ای که به ذهن آقای گلدانساز آمد، در سفری که خدمت آقای گلدانساز، آقای صادق پور و آقای آرانی بودیم و برای اجرای یکی از کلاس‌های درس پژوهی به یزد می‌رفتیم. معلوم شد که نفر اول ما در این مجموعه آقای آرانی است. پس باب گفت‌وگو درباره زندگی ایشان را آغاز کردیم.

آقای آرانی زندگی بسیار خواندنی، شنیدنی و دیدنی دارند؛ خواندنی برای کسانی که می‌خواهند قلم بزنند. زندگی آقای آرانی پر از ماجراهای داستانی، خواندنی و تأثیرگذار برای همه گروه‌های سنی است. شنیدنی از باب اینکه اگر من توانسته باشم کمی از لحن آقای آرانی را که در آن سفر بر ذهن و دل بنده و آقای گلدانساز نشست، منتقل کرده باشم، توفیق داشته‌ام. دیدنی از باب اینکه برای فیلم‌سازان

و کسانی که داستان مستند کار می‌کنند یا زندگی یک شخصیت را می‌خواهند کار کنند، فرازهای دیدنی دارد. اما تصمیم نهایی ما این بود که نه رمان زندگی آقای آرانی را و نه زندگی‌نامه داستانی او را، به معنای مرسوم که این سال‌ها رایج شده است، نمی‌خواهیم بنویسیم. داستان زندگی او را به شکل رج زدن قالی می‌نویسیم.

برای بخش اول ظرف محدودی داشتیم.

آنچه که مهم بود معلمانی بودند که در

زندگی آرانی نقش داشتند. از آن مکتب‌دار که به تفصیل زندگی‌اش در کتاب آمده تا مدرسه، دانشگاه و معلمان مهمی که در زندگی آقای آرانی نقش داشته‌اند و از همه آن‌ها بیشتر از چند نفر یاد می‌کنم. می‌خواهم از کسی یاد کنم که در این دنیا نیست. مادر بزرگوار دکتر آرانی که علو درجات را برای ایشان از خدا می‌خواهیم که در سال گذشته به رحمت خدا رفتند. از پدر حکیم دکتر آرانی که نتوانستند در جلسه حضور پیدا کنند. آرزوی سلامتی و طول عمر برای ایشان داریم. همین‌طور همسر و فرزند بزرگوار ایشان که در ایران تشریف ندارند.

آرانی، محصول فرایند توسعه است

مهندس عبدالحسین نقیسی

دکتر آرانی محصول فرایند توسعه است. فرایند توسعه‌ای که از روستایی در دل کویر شروع می‌شود و تا بزرگ‌ترین کشور صنعتی و پیشرفته آسیا ادامه پیدا می‌کند. شما زندگی دکتر آرانی را که از دید فرایندی بررسی کنید، می‌بینید از همان ابتدا دکتر آرانی یک فرایند توسعه‌محور را ادامه داده و پیگیری کرده است. از همان ابتدا که در خانه به بافت قالی کمک می‌کرده است. بعد که در تابستان‌ها به مسگری رفته

و سفیدگری یاد گرفته و آن کار را با علاقه انجام داده است. یادگیری فوق‌العاده‌ای که آنجا از خودش نشان داده برای ارتباط با مردم و یاد گرفتن آنچه که در محیط وجود داشته است. زندگی سخت کویر، محیط زندگی بهترین آموزشگاه است برای فردی که هنر یاد گرفتن دارد. زندگی در کویر با همه سختی‌هایی که دارد، فرایندی توسعه‌ای است و به پرورش انسان توسعه‌یافته و فرهیخته کمک می‌کند.

شما در شرح حال دکتر آرانی خواهید خواند که ایشان چطور از امکانات محیط استفاده می‌کند. از آنچه در خانه بوده و پدر ایشان کتاب‌ها را در اختیارشان قرار می‌داده، یا کتابخانه **امامزاده محمدحیان** که کتابخانه معتبری در منطقه است. بعد به قم می‌آید و در کتابخانه **آیت‌الله مرعشی** فعالیت می‌کند. اصولاً خودیادگیری را دنبال کرده است.

دکتر آرانی بیش از آنچه از معلمی و مدرسه بیاموزد، با خودآموزی از محیط اطراف دریافت کرده است. شاکله فکری و توسعه‌یافتگی در دکتر آرانی در همان اوان کودکی و در محیط آران بیدگل و کارگاه‌ها ریخته شده است. ایشان از تمام عوامل محیطی به نحو احسن استفاده می‌کند.

من فکر می‌کنم اگر باز هم جلوتر برویم، آموزش متوسطه دکتر آرانی را تحلیل کنیم، می‌بینیم ایشان در همان ابتدای آموزش متوسطه و انتخاب رشته، از هنرستان شروع می‌کند، اما همان سال وارد رشته تجربی می‌شود و بعد از چهل روز به رشته علوم انسانی می‌رود و خودش توانایی‌هایش را در این رشته کشف می‌کند و شروع می‌کند از این توانایی‌ها استفاده کردن.

یکی از دلایل درخشش او در دوره متوسطه همین است که درمی‌یابد به چه چیزی علاقه دارد و استعدادش در چه زمینه‌ای است. کشف این خصوصیات ادامه پیدا می‌کند. به عنوان بسیجی به اهواز می‌رود. در آنجا برای عده‌ای بسیجی

سخنرانی می‌کند و نشان می‌دهد در زمینه ارتباط برقرار کردن با محیط و مردم استعداد دارد. این رشته را که دنبال می‌کنیم می‌بینیم دکتر وقتی در کنکور قبول می‌شود، می‌تواند در همه رشته‌های علوم انسانی وارد شود، ولی ایشان رشته علوم تربیتی را برمی‌گزیند، برای اینکه دریافته می‌تواند معلم خوبی باشد.

این را از مدرسه دریافته، از تجربه زندگی خودش آموخته است. بعد از آن به کارشناسی ارشد می‌رود. آشنایی من با ایشان از همان زمان است. اطلاعاتی از من می‌خواست که من آنچه در بضاعت داشتم در اختیارشان قرار دادم. دکتر با همان رساله‌ای که درباره ژاپن نوشته بود، به ژاپن می‌رود. استادش به او اختیار می‌دهد که هم به انگلیسی درس بخواند و هم به ژاپنی. اما اگر می‌خواهد از تجربه ژاپنی استفاده کند، باید ژاپنی بیاموزد.

دکتر با همه مشکلاتی که آموختن ژاپنی دارد، آن را می‌آموزد. من توجه شما را به خودیادگیری‌های دکتر آرانی جلب می‌کنم. من همین‌جا صحبت‌ها را خاتمه می‌دهم، اما توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که بذری که دکتر عظیمی در جامعه ما پاشید و دکتر آرانی آن را پرورش داد، الان دارد کم‌کم اثر می‌کند. کشور ایران دوره کودکی را نگذرانده و به همین دلیل نتوانسته است توسعه پیدا کند. اگر ایران بخواهد توسعه پیدا کند، باید دوره کودکی را به معنای واقعی کلمه بگذراند.

آموزش سنین صفر تا هفت سالگی مهم‌ترین مرحله آموزش است برای اینکه ما انسان توسعه‌یافته، همشهری توسعه‌یافته و جامعه توسعه‌یافته داشته باشیم. امیدوارم به این روز برسیم.



مسائل را باید از حوزه آکادمیک به کف

نهاد خانواده بکشانیم

دکتر اسدالله مرادی

من غریبم از بیابان آدم، به تعبیر مولانا. نمی‌دانم بین این همه عالم و آداب‌دان من قلندر چه می‌کنم. من بعضی دوستانی دارم که در عالم «ذر» و مثل با هم آشنا شده‌ایم که یکی از آن‌ها دکتر آرانی است که خیلی بهره برده‌ام. گفت‌وگوی پرماجرایی ایشان با بنده را خواهم گفت. موضوعی را که من روی آن کار می‌کنم و اینکه ما به **روسو** بیشتر نیاز داریم تا **کانت**، در همین بافت کتاب

و جلسه با شما در میان می‌گذارم. بنابر این جایگاه است که ما می‌توانیم از امثال آقای آرانی بیشتر استفاده کنیم. شما می‌دانید که روسو و کانت معاصر هستند و کانت بدون شک بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین فیلسوف مدرنیته است. وقتی کتاب‌های روسو به کانت می‌رسید، ساعت چهار بعدازظهر که پیاده‌روی می‌کرد، پیاده‌رویش‌اش را تعطیل می‌کرد و می‌گفت آن قدر کتاب‌های روسو برایش جذاب‌اند که نظم کانتی برایش به هم می‌ریزد.

وضعیت موجود آموزش و پرورش ما مسائل بسیاری دارد. بعضی گفته‌اند ۷۰۰ مشکل دارد. من به ۲۷۰ مسئله رسیده‌ام. یکی از آن مسائل مسئله رقابت‌محوری و استلزامات و مسائلی است که در بحث رقابت‌محوری وجود دارد. از یک سو در اسناد بالادستی آموزش و پرورش حیات طیبه و ارزش‌های متعالی هدف‌گذاری شده‌اند، از سوی دیگر در خانه و مدرسه و رسانه‌های ما بحث روابط‌محوری مطرح است. شکاف عمیقی به وجود آمده است. امسال بودجه آموزش و پرورش بیش از ۳۰ هزار میلیارد است. خانواده برای همین رقابت‌محوری هزینه‌هایی می‌کند که مجموعه

مرادی: وضعیت موجود آموزش و پرورش ما مسائل بسیاری دارد. بعضی گفته‌اند ۷۰۰ مشکل دارد. من به ۲۷۰ مسئله رسیده‌ام. یکی از آن مسائل مسئله رقابت‌محوری و استلزامات و مسائلی است که در بحث رقابت‌محوری وجود دارد

این هزینه‌ها برای مدرسه‌های غیرانتفاعی، مؤسسات کنکور و کتاب‌های کمک‌آموزشی بیش از این ۳۰ هزار میلیارد است.

برای هر دانش‌آموز نزدیک به هشت میلیون تومان خرج می‌کنیم. پولی که خانواده می‌دهد و مدرسه می‌دهد آموزش و پرورش ما را به راز بقا تبدیل کرده است. صبح بچه را در مدرسه نظام جمهوری اسلامی می‌گذاریم و عصر او را به مؤسساتی که خودمان تشخیص می‌دهیم، می‌فرستیم. این آموزش و پرورش رازبقاگونه ماست که نهاد خانواده بیشتر از همه در آن شریک

است. این وضعیت در مغرب زمین فلسفه دارد. فردی به نام اسپینسر آن را از تئوری داروین بیرون آورده و وارد جامعه کرده است. در تعلیم و تربیت هم می‌توان از این تئوری استفاده کرد. من یک نمونه از آن را می‌گویم.

مثلث خانواده، صدا و سیما، و حکومت این راز بقا را گارانتی کرده است. در تلویزیون ما که قرار است حیات طیبه مطرح باشد، شش شبکه مؤسسه‌های کنکور را تبلیغ می‌کنند. تلویزیون جمهوری اسلامی در اختیار شرکت‌هایی است که برای کنکور کار می‌کنند و بچه‌های ما به هر صورت قربانی هستند. هر سه به دلایل مختلف نگاه ابزاری دارند. من نمی‌دانم مسئولان ارشد نظام تلویزیون را می‌بینند و آگاهی دارند یا نه. بنابراین، هم به جهت محتوا و هم به جهت نگاه، به روسو نیاز داریم.

تعلیم و تربیتی که روسو عنوان می‌کند، نگاهی انسانی دارد. یعنی «کودک محوری» با روسو شروع می‌شود و غرب مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر روسو قرار دارد. کانت وقتی آثار روسو را می‌خواند، می‌گوید روسو مرا به راه آورد. کانت که خودش خداوندگار اخلاق در فلسفه عملی و نظری

است. البته در غرب از روسو فاصله می‌گیرند و در ۵۰ سال گذشته دوباره به روسو باز می‌گردند. روسو کسی بود که مسائل را می‌توانست به جامعه بکشد و کانت نمی‌توانست. ما در تعلیم و تربیت به یک نهضت روشنگری و اخلاقی احتیاج داریم و روسو می‌تواند به ما کمک کند. این نهضت روشنگری باید به کانون خانواده برسد و در خانواده مادر می‌تواند این رسالت را به دوش بکشد. از طرف دیگر هم به یک نهضت اخلاقی نیاز داریم. ما متأسفانه امروز به دلایل بسیاری تعلیم و تربیت «اخلاقی محور» نداریم. یکی از کتاب‌های برجسته آقای آرنی که می‌تواند به این نهضت کمک کند، به نظر من ترجمه کتاب «آموزش به مثابه فرهنگ» است. عجیب است که این کتاب به چاپ دوم نرسید. آثار دکتر آرنی جملگی در باب این موضوع نوشته شده‌اند. امیدوارم اندیشمندان ما بتوانند روسووار مسائل را از حوزه آکادمیک به کف نهاد خانواده بکشاند.

اندیشه ورزی یعنی توان بر ساختن!

دکتر محمود امانی طهرانی، مدیر کل دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

هر آنچه نوشته می‌شود، می‌ماند و هر آنچه نوشته نشود از دست می‌رود. در جلسه امروز ما قراری داشتیم که رعایت نشد. قرار بود درباره دکتر آرنی صحبت نکنیم و جلسه نکوداشت نباشد. ما قرار بود درباره دکتر آرنی بگذاریم ۴۰ سال دیگر نکوداشت بگیریم؛ زمانی که کارهای بزرگشان را به اتمام رسانده باشند. هنوز یک گل از صد گل او نشکفته است. اینکه از ۱۰۰ کتابی که هر ایرانی درباره تعلیم و تربیت می‌خواند، پنج کتاب از دکتر آرنی است، تأثیر عظیمی را نشان می‌دهد که ایشان در باب تعلیم و تربیت داشته‌اند. اما من روی پروژه اندیشه‌ورزان متمرکز می‌شوم. خیلی تأمل کردم که این پروژه چیست و به کجا می‌خواهد برسد و

ضرورتش چیست. در این کتاب نحوه پرورش هنر استدلال را می‌خوانیم که تولیدش مرهون تلاش دکتر آرنی است. خانم **واتانابه** که اخیراً سفری به ایران داشت، جمله‌ای در باب اهمیت نوشتن دارد. اگر شما می‌بینید کشوری مثل ایالات متحده داعیه امپراتوری جهان را دارد، به این دلیل است که امپراتور نوشتن است. چون می‌نویسد، می‌تواند تجربیات خودش را مدون کند. من به این موضوع اندیشیدم که مخاطب این کتاب کیست؟ چه محتوایی انتظار می‌رود در این کتاب‌ها باشد؟ روش‌شناسی تولید این کتاب‌ها چیست؟ وجه تمایز این کار با کارهای قبلی، مثل کار خانم **توران میرهادی**، چیست؟ وجه تشابه‌شان چیست؟ این نوع مسئله‌ها دغدغه من بود. در باب بعضی‌ها به نکاتی رسیدم. اولین نکته این است که معلوم کنیم، اگر قرار است این مجموعه ادامه پیدا کند، درباره چه کسانی خواهد بود؟ آیا می‌توان فهرستی تولید کرد که به وسیله آن به اولویت‌بندی برسیم؟ فهرستی از کسانی که در درجه اول وجه علمی و سابقه کاری آن‌ها پررنگ باشد و تسلط علمی، آکادمیک از جنس فهم عمیق علمی داشته باشند.

دومین گروه، کسانی هستند که یک تجربه زیسته ارزشمند دارند؛ کسانی که ایده‌های خود را در عرصه عمل به کار گرفته‌اند که نشانه‌هایی دارد: تماس مداوم با مخاطبان، والدین، بچه‌ها و جامعه. اما وجه سوم اندیشه‌ورزی است. عنوان مجموعه اندیشه‌ورزان است. اندیشه‌ورز صفت فاعلی مرکب مرخم است. این صفت در ظاهر امر ساده‌ای است و خیلی جاها هم به کار می‌رود، اما وقتی به راستی در افراد جست‌جو می‌کنیم، می‌بینیم گوهر پربابی نیست. اندیشه‌ورزی یعنی توان بر ساختن. این امر ما را به یافته‌هایی می‌رساند که قابلیت ایجاد تحرک آموزشی دارند. این وجه سوم عنصری است که اگر یکی از دوتای دیگر را کنار بگذاریم، اما در این باب سوم نباید تردید کرد که کسانی که



امانی طهرانی: کسی که این کتاب را می‌خواند بسیار کنجکاو است که بداند دکتر آرانی در اوج توان فکری، در آینده چه طرحی دارد و می‌خواهد در کشور خودش چه کند

واقعی‌تر کند و برای بسیاری از افراد آموزنده‌تر باشد. این بخش از کتاب در این نوع کارها معمولاً مغفول است. بخش دوم که جایش مطلقاً خالی است، بحث آینده است. کسی که این کتاب را می‌خواند بسیار کنجکاو است که بداند دکتر آرانی در اوج توان فکری، در آینده چه طرحی دارد و می‌خواهد در کشور خودش چه کند. این بخش آخر را به پایان

می‌برم با شعری که هشداری عظیم به ماست:

و همه حرف من به تو این است
که تو طفلی و خانه رنگین است
میان عاشق و معشوق فرق بسیار است

هدف را پیش خورشید گذاشته ایم!

دکتر محمدرضا سرکار آرانی

معاشران گره از زلف یار باز کنید
شبی خوش است بدین قصه‌اش دراز کنید
حضور مجلس انس است و دوستان جمع‌اند
و ان یکاد بخوانید و در فراز کنید
ریاب و چنگ به بانگ بلند می‌گویند
که گوش هوش به پیغام اهل راز کنید
هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق
بر او نمرده به فتوای من نماز کنید
میان عاشق و معشوق فرق بسیار است
چو یار ناز نماید شما نیاز کنید

سلام عرض می‌کنم خدمت همه استادان، دوستان و عزیزانی که بر من منت گذاشتند و سخن گفتند و با وجود تهدیدهای چندین باره من، باز هم محبت کردند و از من به نیکی گفتند. سپاس گزارم، به ویژه از مسئولان محترم

در این مجموعه می‌آیند، باید از این مشخصه به خوبی برخوردار باشند. اما باب دومی که می‌خواهم به آن نگاه کنم، مصداق اتم و اکمل این سه وجه است که گفتم در دکتر آرانی وجود دارد.

کتاب‌هایی از این نوع مخاطبان مجهولی دارند و هر کس از این منبع‌ها بهره خود را می‌برد. یکی از چیزهایی که این آثار را برای

افراد مختلف قابل استفاده می‌کند، نگاهی خرد در کنار نگاه کلان است. این کتاب وقتی در مرحله تکمیل بود، آقای ناصری بخش اول آن را برای من فرستادند. من مسئولیت دو مصاحبه با دکتر آرانی را داشتم و برای سؤالات آن دو مصاحبه بسیار فکر کرده و چارچوب ساخته بودم. این هفت مصاحبه در کتاب هفت مبحث را مطرح می‌کنند. البته بخش اول کتاب بخش بسیار بسیار دشواری است.

این نگاه خرد در کنار نگاه کلان کتاب را خواندنی، جذاب و بسیار مطلوب می‌کند. این دو وجه در کنار هم منبعی علمی و کامل برای ارجاعات پژوهشی فراهم می‌آورند، اما این کافی نیست. از این کتاب‌ها بهره دیگری هم باید برد. آنچه که این نگاه خرد و کلان را به هم می‌دوزد و این مثلث را به هم پیوند می‌دهد، مسائل آموزش و پرورش است.

مسئله جدا از مشکل است. مسئله‌ها کلان‌تر از مشکلات هستند. مسئله‌های مهم ما نباید زیاد باشند. این کتاب به طور خاص به پنج مسئله پرداخته است که از این پنج مسئله، سه مورد وجه مسئله‌گی دارند و دوتای دیگر مسئله نیستند.

اما آخرین نکته‌ای که اظهار می‌کنم، متمرکز بر همین کتاب است. من انتظار داشتم در این کتاب دو بخش را ببینم که نیافتیم: یک بخش شامل شکست‌ها، اشتباهات، کاستی‌ها، ناکامی‌ها و همه آن چیزهایی است که می‌تواند کتاب را



کنم، چون قصه اندیشه‌ورزان هم از اینجا شروع می‌شود و آن این است که در ذهن و دل تک‌تک ما حرف‌هایی هست. هر آدمی به میزانی که اندیشه می‌ورزد، در دل و ذهنش حرف‌هایی برای گفتن دارد، ولی تا جایی که در قالب زبان و فرمت‌های معمول ارتباط سامان نیافته و ظهور پیدا نکرده است، قابل نقد و بررسی نیست. از لحظه‌ای که به دست شما می‌رسد، قابل نقد و بررسی است. این حق شماست که وقتی اندیشه‌ای در زبان مسئله‌ها و فرضیه‌ها عرضه می‌شود شما آن را بررسی و نقد کنید. چه بسا در آن سفره دل خود را ببینید و سفر زندگی خود را نگاه کنید و حتی بکشید در سفیدی بین سطرها و آنچه در تنگنای زمین و زمانی که من در آن قرار گرفته بودم، نگنجیده است، با قدرت تخیل خود بنویسید و جالب این است که حق دارید به حساب من بگذارید و آن را نقد کنید. من به همه این نقدها خوشامد خواهم گفت. این کتاب اگر اندیشه‌ورزانه است به خاطر توجه به حرکتی است که از حالا به بعد عینیت خواهد داشت. پیشاپیش به همه آن‌ها خوشامد می‌گویم.

بیشتر از این خوش‌حالم که اندیشه‌ورزان هم‌سفران تازه‌ای خواهند داشت. اگر چه دکتر مهر محمدی از معیار حرف زدند و من چنین تصویری ندارم، ولی به هر ترتیب این هم‌سفران جلوه‌های تازه‌ای به کار خواهند داد و تازه شروع شده است. اندیشه‌ورزان تصویری از تجربه زیسته تمنای یادگیری یک بنده است. چیزی بیش از این نیست. یک عبد است. عیدی که از مدرسه ترس داشت و از معاد هم می‌ترسید و به تدریج آموخت که با معاد زندگی کند. زندگی با معاد ترس از معاد و ترس از مرگ را هم با خود برد. خداوند بزرگ را از این همه لطف شاکرم.

اندیشه‌ورزان فرصت دیگری هم برای من فراهم کرد؛ اینکه به حیرانی‌های خودم هم یک نظام فکری و ساخت قابل عرضه ببخشم. سپاس گزارم از همه دوستانی که اینجا

کشوری و نهادی، به ویژه از آقای دکتر نجفی که صرف‌نظر از جایگاه مدیریت عالی، یک دوست اندیشمند برای همه ماست. از همه دوستان محترمی که اینجا هستند، مسئولان محترم شهرستان کاشان، شهرستان آران و بیدگل و نماینده شهرستان و همراهانشان سپاس گزارم. تشکر اختصاصی دارم از آقای گلدانساز و آقای ناصری که اسباب این همه بزرگی را برای خودشان، شما و ایران فراهم آوردند. امیدوارم که این روند ادامه پیدا کند و همه ما بتوانیم از این پروژه استفاده کنیم. نمی‌توانم از دست‌اندرکاران این پروژه که سه سال طول کشیده است سپاس‌گزاری کنم؛ چون اسامی‌شان غیر قابل احصاست. من را خواهند بخشید.

در مقدمه کتاب که آقای ناصری به کرامت و آقای گلدانساز به لطف به آن اشاره کردند، من از سه چیز می‌ترسم؛ از تبلیغ، تهییج و تعظیم می‌ترسم. اگر بخواهید نکاتی را که دوستان گفتند، جمع کنید که از کجا آمده‌اند، این ترس با چیزی دیگر همراه می‌شود و آن ملامت‌پیشگی است. لذا خیلی زیر بار اینکه هم‌زم اندیشه‌ورزان شوم نمی‌رفتم.

خامان ره نرفته چه دانند ذوق عشق

دریادلی بجوی دلیری سرآمدی

در مقدمه من فقط یک نکته را خودم می‌خواهم اشاره



بزرگی در جهان بر این باورند که آموزش امری نظری، عملی و اخلاقی است. لذاست که نگاه تغییر به آموزش متفاوت از سایر کشورهاست. شما به ژاپن که نگاه می‌کنید عموماً می‌گویند به کلمه احتیاج است نه حیات طیبه. حیات طیبه پایان راه همه انبیاست. در ژاپن به حرکت کوچک آرام مستمر قائل هستند.

این تفاوت را به تفصیل بیان کرده‌ایم. ما تغییرات زیادی داریم، ولی هیچ بهبودی نداریم. بخشی از مصاحبه اول کمک می‌کند که ببینیم چگونه این تغییر را باید انجام دهیم. من چند نکته را گفته‌ام:

نمایشان نیامده و بی‌مزد و منت این غلام قمر را در این راه سه ساله همراهی کرده‌اند. امیدوارم که این آموزش و یادگیری محمل گفت و شنود شود. یکی از شاخص‌های توسعه عبارت از این است که چقدر آموزش و یادگیری محور و موضوع گفت‌وگوهای اجتماعی است. مجموعه اندیشه‌ورزان گفت‌و شنود درباره یادگیری را رونق می‌بخشد و می‌کوشد در دل جوان‌ترها بذر امید بکارد. به میان سالان یادآوری می‌کند که اندیشه‌ای باید و مهم‌تر از آن، به سالمندان هشدار می‌دهد که به سوسوی چراغی که در انتهای تونل وضع موجود می‌بینند دلخوش نباشند. چه بسا چراغ قطار تازه‌ای است که به سرعت به تونل وضع موجود نزدیک می‌شود و این قطار راه‌حل‌های دیروز ماست. راه‌حل‌ها درون مسئله‌ها نهفته‌اند. نسخه‌های بیرونی غالباً تجربه‌ای همراه دارند، ولی همیشه نسخه درونی نیستند. تجربه ۱۰۰ ساله ما نشان می‌دهد که پزشکی بدون درمان هستند. جهدی از درون لازم است. صلاحیت‌ها را نمی‌توان خرید، صلاحیت‌ها را باید ساخت. ایران زمین دست کم یکصد سال است که در تکاپوی فهم قصه و غصه خود است. اندیشه‌ای باید. چگونه آیا و کی؟ ز سحر خبر ندارم.

در تمنای یادگیری را صفحه به صفحه بخوانیم. شاید روشنایی شمع دوستان و نوری که در نماهایی از زندگی سراسر حل مسئله غربی در غربت می‌اندازد، بهانه‌هایی برای تأمل و اندیشه و سایه‌روشن‌هایی برای کندوکاو و نقد آگاهانه آموزش و یادگیری فراهم سازد. شاید. من گاه در اینترنت چک می‌کنم. بعضی از جمعه‌ها، روی بیلبوردها می‌نویسند که شاید این جمعه بیاید شاید. در غربت این معنای دیگری دارد. شاید امروز بیاید شاید. آیه ۲۴ سوره ابراهیم می‌خوانیم: «لعلهم یتذکرون». شاید اصحاب ذکر باشید.

هفت مصاحبه در این مجموعه داریم. در مصاحبه اول نگاهی به تغییر در آموزش شده است. چون فیلسوفان



آرانی: مجموعه
اندیشه‌ورزان
گفت‌و شنود درباره
یادگیری را رونق
می‌بخشد و می‌کوشد
در دل جوان‌ترها بذر
امید بکارد

مصاحبه پنجم از شما یک سؤال اساسی می‌پرسد: حالا اگر آموزش و توسعه مهم است، شما کجا ایستاده‌اید؟ ما در ۱۰۰ سال گذشته در ایران بسیار سخن گفته‌ایم که ما چه ملتی هستیم و ایران چه کشوری است، ولی کسی به خود جرئت نداده که بگوید ایران کشور توسعه‌یافته‌ای است. چرا؟ چون کسی به خود جرئت نمی‌دهد بگوید ما الان کجا ایستاده‌ایم.

سودای شما چه چیزی می‌تواند باشد؟

مصاحبه ششم آموزش را تعریف می‌کند که صحنه‌پردازی یادگیری است. آموزش انتقال مطلب نیست. فناوری ابزار است و جای اندیشه را نمی‌گیرد. هیچ فناوری نمی‌تواند ضعف‌های فلسفه غلط تربیتی را برطرف کند. در مصاحبه هفتم به سراغ دانشگاه رفته‌ایم.

عقدۀ را بگشاده گیر ای منتهی

عقدۀ سخت است بر کیسه تھی

در گشاد عقدۀها گشتی تو پیر

عقدۀ چندی دگر بگشاده گیر

در اینجا اشاره‌ای هم کرده‌ایم به اینکه آموزش عالی در ایران نه مسئولیت اشتغال را می‌پذیرد و نه مسئولیت تضمین کیفیت خودش را. نکته آخر همان عرض اولم است که می‌شود پزشکی بدون درمان. این داستان را شنیده‌اید که پاسبانی ساعت دو نیمه شب جلوی پیرمردی را سوار بر کالسکه می‌گیرد و از او می‌پرسد که از کجا آمده است و به کجا می‌رود. داخل کالسکه را جست‌جو می‌کند و چیزی پیدا نمی‌کند و او را رها می‌کند. این قصه تکرار می‌شد و پاسبان کار خودش را می‌کرد. تا اینکه بعد از مدتی در قهوه‌خانه‌ای یکدیگر را دیدند. پاسبان پرسید: پیرمرد تو چه می‌کردی؟ پیرمرد گفت: اول تو بگو که کجا ایستاده‌ای؟ پاسبان گفت: خیالت راحت باشد. من بازنشسته شدم. پیرمرد گفت: قصه

اول اینکه هدف را پیش خورشید گذاشته‌ایم. هدف‌ها باید مشخص و قابل ارزیابی باشند. دوم اینکه چشم‌هایمان را یک بار دیگر بشوئیم و ببینیم از کی از برنامه به سمت تولید سند رفته‌ایم. دست‌ا حدی به سند نمی‌رسد. نه قابل تعریف است و نه قابل توصیف. توجه به روندهای جهانی بحث دیگر

است. وقتی بوش رئیس‌جمهور آمریکا شد، گفت هیچ بچه‌ای پشت در مدرسه نمی‌ماند. این یک گزاره مشخص است که قابل بررسی، اندازه‌گیری، سنجش و بازخواهی است. به این روندها اشاره شده است.

اولین روند حرکت از نظام‌های آموزشی غیرمتمرکز به سمت نظام‌های متمرکز است. دوم، تأکید بر فرد به سوی تأکید بر فرایندهاست. سومین جهت، معلمی و تدریس را متناسب با نیاز کردن و یادگیری را شخصی کردن. ما خیلی میک‌آپ کرده‌ایم و خودمان هم گیج شده‌ایم. پنجم حرکت از صرف درست بودن به درست عمل کردن است. در قرآن مدام گفته می‌شود ایمان و عمل صالح. ما ایمان را گرفته‌ایم و به عمل صالح توصیف کرده‌ایم. حرکت از مدیریت آموزشی به رهبری آموزشی. مصاحبه دوم به فرایندهای می‌پردازد. وقتی شما در هر رده‌ای یاد می‌گیرید، دانش آموز و کارمندان هم یاد می‌گیرند. مصاحبه سوم به این موضوع می‌پردازد که در جست‌جوی زبان و فهم مشترک باشیم. برنامه درسی چیزی نیست جز در جست‌جوی زبان و فهم مشترک بودن. حداقل اجباری که ایجاد کند این است که در دوره ابتدایی می‌خواهیم به چه برسیم و در دوره متوسطه به چه. تعداد پی‌اچ دی‌ها در دنیا مهم نیست.

مصاحبه چهارم به توسعه در کلاس درس می‌پردازد. توسعه کیفیت حل مسئله شماسست. نحوه حل مسئله کیفیت زندگی شما را رقم می‌زند.

خیلی ساده بود. کل کالسکه‌ها دزدی بود. و تو طفلی و خانه رنگین است.

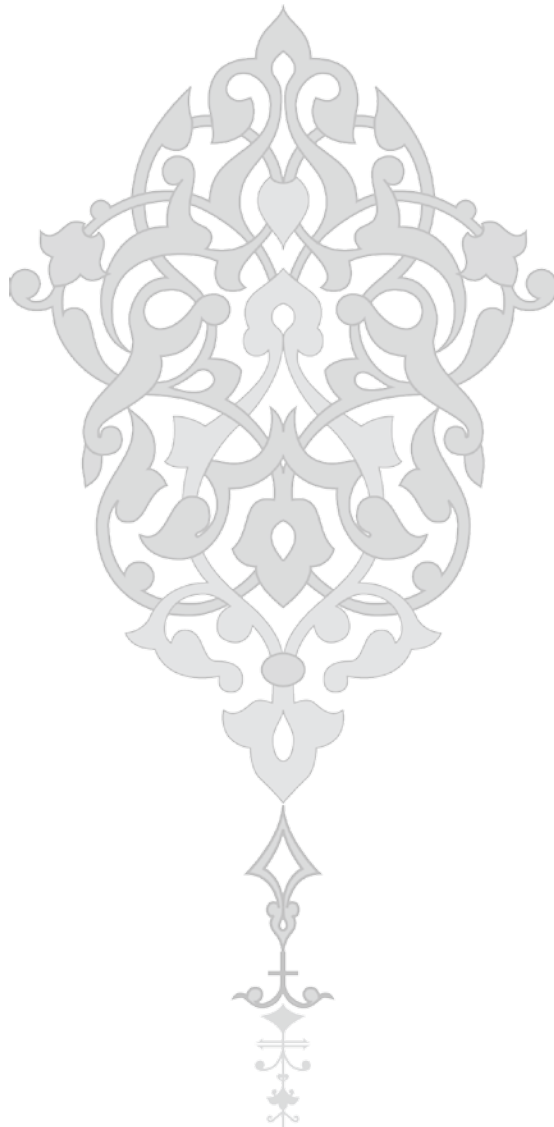
در پایان می‌خواهم به دو نکته اشاره کنم: من رضایتی به این کار نداشتم و خیلی هم بد اخلاقی کردم. هر چه گفتم که «خامان ره نرفته چه دانند ذوق عشق»، و بروید «دلیری، سرآمدی» بیابید که در ایران کم هم نیستند، گوش نکردند. هر چه نقصی است بر من بگیرید و هر چه خیر است برای دوستان است. در پایان باید بگویم، حکیمی یادگیری را به من آموزش داد که خودش سه چهار کلاس بیشتر سواد نداشت. او خیلی چیزها به من یاد داد که به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنم: یکی اینکه خیلی مرا در جهان تکان داد، «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» است. هرگاه خودت را قربانی کردی، و در معرض نقد قرار گرفتی درست است. مولانا می‌گوید: «اگر عیدی دارید، فقط قربان است.» اینکه آدم خودش را قربانی کند. پدری که پسرش را بکشد. نکته دوم: «ربنا لا تكلنا الی انفسنا طرفه عین»

من این سفر را خیلی با مقدمه آمدم. گفتم با این جلسه و تبلیغ و تهییج، خدایا چه بر ما می‌خواهی بنویسی. از مرحوم مادرم هم آقای ناصری به کرامت یاد کردند. امیدوارم این مجموعه اندیشه‌ورزان ما را به نقاد و اندیشه‌ورز تبدیل کند. این پلکان هم پریدنی نیست. تا اندیشه نتوانی، نقاد نمی‌توانی باشی. ما در جامعه ایران یا مداحیم و یا ضجه می‌زنیم. نقادی امر دیگری است. مهم‌تر از آن، به ما یاد دهد که درست عمل کنیم. مجدداً از همه شما سپاس گزارم.

در این کتاب باید از حدود ۳۰۰ نفر تشکر می‌کردم. ولی این افراد اگر کتاب را بخوانند، جای خودشان را پیدا خواهند کرد. از همه نویسندگان و اصحاب رسانه تشکر می‌کنم. به خصوص از دوستانی که از اصفهان، یزد، آران و بیدگل آمده‌اند، تشکر می‌کنم. در کویر آن قدر کهکشان و ستاره‌ها با عظمت هستند و خورشید به ما نزدیک است که به من

جسارت می‌داد تا دستم را بالا بگیرم. عظمت آسمان به ما چیزی داد که جای دیگر شاید کمتر پیدا شود؛ اینکه سرت را برای امید و بهبودی بالا بگیر.

بسی شدیم و نشد عشق را کرانه پدید
تبارک‌الله ازین ره که نیست پایش
جمال کعبه مگر عذر رهروان خواهد
که جان زنده‌دلان سوخت در بیابانش



طرح بسته آموزشی «بر فراز آسمان»

نگاهی به برنامه‌های درسی نو نگاشت
برای هنرآموزان پایه دهم فنی و حرفه‌ای و پایه دهم نظری

معرفی ساختار بسته آموزشی بر فراز آسمان

ساختار جدیدی که برای اولین بار در مجموعه بر فراز آسمان تجربه شده، مبتنی بر «توان رسانه‌های نو» و به طور مشخص «سایبردراما» است که در آن، با حذف روایت از فیلم، امکان تعامل و دخالت مخاطب در محتوا را فراهم آورده است. لذا در مجموعه آموزش معلمان، به جای مواجه شدن با یک فیلم معمولی، با قطعاتی از فیلم‌ها مواجهیم که هر کدام موضوع مستقل دارند و در عین حال در مجموع یک کل نظام یافته را ایجاد کرده‌اند.

این قطعات کوتاه، بر اساس موضوعات، در شیوه چند رسانه‌ای با امکان انتخاب بدون توجه به تقدم و تأخر، در اختیار هنرآموز قرار می‌گیرند و قدرت مشارکت و انتخاب‌گری مخاطب را بالا می‌برند.

برای آموزش معلمان نیز نرم افزاری چند رسانه‌ای طراحی شده که علاوه بر فیلم‌ها امکان همراهی سایر

- چرا کتاب تغییر کرده؟
- مگه کتاب قبلی چش بود؟
- چطور درسش بدیم؟
- اسناد بالادستی کجای این کتابه؟
- رویکردتون در تالیف چی بود؟
- ارزشیابی‌اش پس چی می‌شه؟
- با ظهور هر کتاب نونگاشتی، این سؤال‌ها و ده‌ها سؤال دیگر برای معلمان ایجاد می‌شود.
- با یاری مؤثر همکاران مؤلف برآنیم بسته‌ای آموزشی شامل: فیلم آموزشی، کتاب گویا، عکس و سایر اسناد آموزشی، در قالبی که با وجود بداعت، نگاهی به ساختار تجربه شده در تولید برنامه‌های مشابه در سنوات گذشته را دارد، تقدیم معلمان کنیم.



فایل‌های عکس، صدا، اسناد و پی‌دی‌اف و ... را ممکن ساخته است.

بخش‌های بسته آموزشی بر فراز آسمان به شرح زیر پیشنهاد می‌شوند:

۱. تحول در آموزش فنی و حرفه‌ای (تحول دوره دوم متوسطه)

در این بخش که خود به چند آیتم کوتاه چند دقیقه‌ای، با موضوعات گوناگون، تقسیم می‌شود، با حضور برنامه‌ریزان و کارشناسان، مباحث عمومی مرتبط با تحول در آموزش فنی و حرفه‌ای مورد توجه و مذاقه قرار می‌گیرد. این بخش به یک درس یا رشته خاص محدود نیست و مباحث مهم و تأثیرگذار در تحول بنیادین رشته‌های فنی و حرفه‌ای را شامل می‌شود و نقش هنرآموزان را در این تحول تبیین می‌کند.

۲. کلیات رشته

زمان: ۳۰ دقیقه

ساختار: آیتم کوتاه در استودیو

کارشناسان: تعداد کارشناسان معرفی شده از سوی گروه محترم درسی آزاد است، اما برای بیان هر موضوع تنها یک نفر مقابل دوربین قرار می‌گیرد.

مباحث مطرح شده: مباحث کلی در خصوص برنامه

درسی، ویژگی‌های رشته و کتاب نونگاشت؛ از جمله: ضرورت تغییر، ویژگی‌ها، رویکرد، ارتباط با اسناد بالادستی، شبکه مفهومی، کلیات ارزشیابی و معرفی اجزای بسته آموزشی.

شرایط ارائه: کارشناس محترم به صورت ایستاده و رو به دوربین‌ها قرار دارد. میز مقابل ایشان و تصویر تلویزیون دیواری می‌تواند هم‌زمان با ارائه، فایل‌های مورد نیاز را پخش کند.

نکته: در بخش «کلیات رشته» قرار نیست مباحث مهارتی و کارگاهی مطرح شوند.

The screenshot shows a video player interface for a course. At the top, there are navigation icons and the course title 'معرفی بودمان الگوریتم (روند نما)'. The video player shows a scene with a person at a desk and various 3D models. Below the video, there is a timeline and a table of contents.

زمان	صفحات
۲:۴۲	کار کلاسی بخش (بخش کاربرد ابزارهای دوران و ...)
۹:۱۹	آشنایی با ابزارهای کمک رسم
۴:۰۸	نحوه اندازه گذاری نقشه ها و ترسیم ها

۳. درس‌ها

مکان فیلم برداری: استودیو، آزمایشگاه، هنرستان و کارگاه مرتبط با بحث درس به پیشنهاد گروه درسی.

شیوه پرداخت: این بخش باید بسته به نیاز معلمان طراحی شود. لذا پیشنهاد می‌شود، به مباحثی که صرفاً تازگی، جذابیت یا پیچیدگی لازم را دارد پردازیم تا با جلوگیری از اطناب در بیان، ارتباط مخاطبان را که خود متبصر در فن محسوب می‌شوند، مؤثرتر کنیم.

زمان هر قطعه فیلم: به منظور رعایت ایجاز در کلام،

استفاده در محیط‌های برخط، رعایت و بهره‌گیری از شیوه‌های FAQ، ایجاد امکان تعامل بیشتر برای کاربر، و ... ترجیحاً سه تا پنج دقیقه در نظر گرفته شده است. بدیهی است، برای مباحثی که ضرورتاً به زمان بیشتری برای تبیین نیاز دارند، هر «عنوان» بحث به چند «زیر عنوان» تقسیم خواهد شد و به صورت آیتم‌های دنباله‌دار در همین محدوده زمانی سه تا پنج دقیقه، ضبط خواهد شد.

ارزشیابی: مبحث کلیات ارزشیابی را در بخش کلیات مورد توجه قرار داده‌ایم. اما با توجه به شرایط درس، اگر نکاتی در

کار و فناوری پایه نهم - لوح فشرده اول

درسها

جستجو:

مشاهده اسناد:

کار کلاسی به
آشنایی با ابزار
نحوه اندازه
نقشه پروژه ط
نقشه های دی
ساخت چرتقیل
ساخت حلزور
کلیات پودمان
آشنایی با محیط Scratch
ساخت قطعه برنامه ساده
فرمان حلقوی
فرمان های شرطی

۵:۲۰	آشنایی با محیط Scratch
۳:۳۶	ساخت قطعه برنامه ساده
۴:۴۹	فرمان حلقوی
۵:۰۵	فرمان های شرطی

ساخت چرتقیل اسباب بازی

5 of 64

زمان/صفحات

۰۳:۱۸

کند تا قبل از زمان فیلم‌برداری، برای تهیه آن اقدام لازم صورت پذیرد. از آنجا که در دکور، هم‌زمان با فیلم‌برداری، پی‌دی‌اف یا پاورپوینت آموزشی مرتبط پخش می‌شود، لازم است قبل از زمان آفیش فیلم‌برداری، فایل مذکور به صورت اتوماسیونی ارسال شود.

نظارت محتوایی: از آنجا که در مرحله تدوین، به دلیل کوتاه بودن زمان در تولید و حجم بسیار زیاد درس‌ها، به شکل معمول امکان دخل و تصرف و ویرایش وجود ندارد، لذا خواهشمند است در روز فیلم‌برداری، حتماً یک کارشناس،

خصوص ارزشیابی درس به درس یا برخی از فصل‌ها لازم بود، با همین ساختار ضبط خواهد شد.

تعداد کارشناسان: تعداد کل کارشناسان آزاد است و به تشخیص گروه درسی بستگی خواهد داشت. اما برای هر موضوع (یک آیتم فیلم)، ترجیحاً یک کارشناس برای مباحث کارگاهی و صرفاً یک کارشناس برای مباحث استودیویی در مقابل دوربین حضور خواهند یافت.

ابزار، وسایل و اسناد: گروه باید فهرست ابزار و وسایلی را که برای هر بخش لازم است، در فرم شماره ۱ وارد

صرفاً برای کنترل محتوا، پشت دوربین حضور داشته باشد تا بر صحت و دقت علمی مباحث صحنه بگذارد.

۴. نمونه روش تدریس

محل فیلم برداری: کلاس درس در دفتر تکنولوژی آموزشی.

تعداد نمونه های تدریس: دو تا سه درس. البته تصمیم نهایی در خصوص ضرورت اختصاص تعداد، با توجه به شرایط کتاب، با گروه درسی است.

نکته: بی شک در کتاب های جدید همه درس ها به نمونه روش تدریس نیاز نخواهند داشت.

۵. گنجینه

گنجینه رامی توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: الف) گنجینه برنامه درسی؛ ب) گنجینه شایستگی های پایه معلمی.

الف) گنجینه برنامه درسی

در بخش مربوط به برنامه درسی، منابع بیشتری برای مطالعه، از جمله کتاب، مقاله، سایت و وبلاگ معرفی شده و نیز عکس ها، فیلم ها بارمبندی، نمونه سؤال، نمونه طرح درس و سایر منابع متنوعی که در آرشيو گروه درسی قرار دارند و برای ارائه به معلمان مناسباند، قرار داده می شوند. تقویت و غنای این بخش به حسن همراهی گروه بستگی دارد. سخنرانی موضوعی - تخصصی در قالب یک بخش ۱۰ تا ۱۵ دقیقه ای که برای ضبط آن در استودیو، مقدمات لازم فراهم خواهد شد. موضوع سخنرانی در راستای مباحث درسی و تخصص هنرآموز است و حتی اگر به طور صریح به کتاب مرتبط نشود، اما باید تقویت کننده اهداف دوره یا برنامه درسی باشد.

ب) شایستگی های پایه معلمی

معرفی کتاب ها، مقالات و مباحثی پیرامون روش ها و تکنیک های معلمی. همچنین، معرفی سایر رسانه های تولیدی در سازمان، از جمله: مجلات رشد، فیلم های آموزشی، کتاب های گویا، نرم افزار، سایت رشد، جشنواره فیلم رشد و نیز بخش «فیلم خانه» که گزیده های از فیلم های جشنواره رشد را در خود خواهد داشت. همچنین گزیده های از سخنرانی های تد (TED) در خصوص مباحث به روز آموزشی در دنیا.

امید است با تلاش جمعی و همدلی، بتوانیم محصولی درخور هنرآموزان محترم و به تناسب نسل آینده تولید کنیم.

تصویر ۴



جدول اسامی فیلم‌های آموزش معلمان سال ۱۳۹۵ شاخه فنی و حرفه‌ای

ردیف	رشته	عنوان درس	کارشناس علمی
۱	الکترونیک	طراحی سیم‌کشی برق ساختمان‌های مسکونی	-
۲	الکترونیک	عرضه تخصصی قطعات الکترونیک	سید محمود صومتی
۳	تربیت بدنی	توسعه مهارت‌های جسمانی، حرکتی بنیادی	-
۴	تربیت کودک	مراقبت از سلامت کودک	معصومه صادق
۵	ماشین ابزار	تولید به روش فرم دستی و ماشینی	حسن عبداله‌زاده
۶	صنایع فلزی	ساخت مصنوعات فلزی	حسن عبداله‌زاده
۷	مکانیک خودرو	سرویس و نگهداری خودروهای سواری	امیر بهادر بهادران
۸	صنایع چوب و کاغذ	طراحی و ساخت کابینت آشپزخانه	محمد لطفی نیا
۹	تاسیسات	نصب و راه‌اندازی سیستم‌های انتقال آب گرم	-
۱۰	چاپ	لیتوگرافی و کلیشه‌سازی	محمد حسین افشار
۱۱	صنایع دستی فرش	نقشه کشی دستی و رایانه‌های فرش	بشری گلیخش
۱۲	تزئینات داخلی	تزئینات کاغذ دیواری و مولتی سلولوزی و معماری داخلی	پرستو آریانزاد
۱۳	امور دامی	تولید و پرورش مرغ	سید ناصر خالقی میران
۱۴	ماشین‌های کشاورزی	نگهداری و کاربرد ماشین‌های کشاورزی	مجید داودی
۱۵	ساختمان	اجرای ساختمان	مالک مختاری
۱۶	متالورژی	تولید قطعات فلزی	حسن عبداله‌زاده
۱۷	فناوری سرامیک	سرامیک	-
۱۸	صنایع شیمیایی	عملیات آزمایشگاهی در فرایندهای شیمیایی	طیبه کنشلو
۱۹	امور باغی	تولید و پرورش سبزی و صیفی	-
۲۰	امور زراعی	پرورش و تولید حیوانات	عابدین آریانپور
۲۱	فناوری غذایی	فرآوری گیاهان دارویی و خشکبار	معصومه حقیقت‌پژوه مطلق
۲۲	حمل و نقل	-	رقیه متحیریسند
۲۳	فتوگرافیک	عکاسی پرسنلی و ویرایش حروف و تصاویر	-
۲۴	علوم پایه	زیست‌شناسی - فیزیک - شیمی	-
۲۵	مکانیک	نصب و راه‌اندازی مصنوعات مکانیک	-
۲۶	فتوگرافیک	عکاسی پرسنلی و ویرایش حروف و تصاویر	-
۲۷	شبکه و نرم‌افزار رایانه	نصب، راه‌اندازی و نگهداری سیستم عامل و نرم‌افزارهای کاربردی	-
۲۸	طراحی و دوخت پارچه	طراحی و دوخت پارچه	-

جدول اسامی فیلم‌های آموزش معلمان سال ۱۳۹۵ شاخه نظری

ردیف	رشته	دوره	پایه	عنوان درس
۱	علوم پایه و فنی حرفه‌ای	متوسطه دوم	دهم	تعلیمات دینی ۱
۲	علوم پایه و فنی حرفه‌ای	متوسطه دوم	دهم	عربی، زبان قرآن ۱
۳	ادبیات و علوم انسانی	متوسطه دوم	دهم	عربی ۱ (تخصصی رشته ادبیات و علوم انسانی)
۴	علوم پایه و علوم انسانی	متوسطه دوم	دهم	فارسی ۱
۵	علوم پایه و علوم انسانی	متوسطه دوم	دهم	نگارش ۱
۶	ادبیات و علوم انسانی	متوسطه دوم	دهم	علوم و فنون ادبی ۱
۷	علوم پایه	متوسطه دوم	دهم	ریاضیات ۱
۸	ریاضی فیزیک	متوسطه دوم	دهم	هندسه ۱
۹	ادبیات و علوم انسانی	متوسطه دوم	دهم	ریاضی و آمار ۱
۱۰	علوم پایه و فنی حرفه‌ای	متوسطه دوم	دهم	زبان خارجی ۱
۱۱	علوم پایه و علوم انسانی	متوسطه دوم	دهم	تربیت بدنی
۱۲	علوم پایه	متوسطه دوم	دهم	فیزیک ۱
۱۳	علوم پایه	متوسطه دوم	دهم	شیمی ۱
۱۴	علوم پایه	متوسطه دوم	دهم	آزمایشگاه علوم
۱۵	همه رشته‌ها	متوسطه دوم	دهم	جغرافیای عمومی
۱۶	علوم انسانی	متوسطه دوم	دهم	تاریخ ۱
۱۷	علوم انسانی	متوسطه دوم	دهم	جامعه‌شناسی ۱
۱۸	همه رشته‌ها	متوسطه دوم	دهم	تفکر و سواد رسانه‌ای
۱۹	علوم پایه	متوسطه دوم	دهم	زیست ۱
۲۰	-	ابتدایی	چهارم	علوم تجربی
۲۱	-	ابتدایی	ششم	علوم تجربی
۲۲	-	ابتدایی	ششم	تفکر و پژوهش
۲۳	-	ابتدایی	ششم	ریاضی
۲۴	-	ابتدایی	ششم	هدیه‌های آسمان

سفیران فرهنگی رشد

گزارش شانزدهمین دوره همایش نمایندگان مجلات رشد استان‌ها

مجلات رشد در استان اصفهان» در شانزدهمین همایش نمایندگان مجلات رشد.

بخش نخست: تبادل تجارب استان‌ها

از مجلات رشد برای رشد استفاده می‌کنیم

راحمه رجایی، معاون آموزش ابتدایی استان مرکزی ما از مجلات رشد برای رشد استفاده می‌کنیم. مجله‌های علمی کاملاً مطمئنی که ما می‌توانیم در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم. گروه‌های زیادی به ما مراجعه می‌کنند و محصولاتشان را به ما عرضه می‌کنند. اکثراً هم مجوز دفتر تألیف را دارند، اما ما مجاز نیستیم از همه آن‌ها استفاده کنیم. امکان‌ش هم برای ما نیست و شاید صلاح هم نباشد. خانواده‌ها می‌توانند بیرون از حوزه آموزش و پرورش آن‌ها را تهیه کنند. اما برای استفاده از مسائل کیفی مجلات

در فرایند تولید هر نشریه، حلقه پایانی آن، انتشار و توزیع آن است. حلقه‌ای که اگر نباشد، همه تلاش‌های حوزه تولید فرهنگی و تولید فنی - هنری بی‌تأثیر خواهد شد. علاوه بر تولید، توزیع و دسترسی مخاطبان به نشریه، دریافت بازخورد از مخاطبان و درک میزان رضایتمندی آنان از محتوا و شکل مجلات، پس از توزیع صورت می‌پذیرد. این وظیفه کلیدی توسط «نمایندگان مجلات رشد» و برخی از معاونان پژوهشی استان‌ها انجام می‌شود. نشست نمایندگان مجلات رشد فرصتی است تا آنان به تبادل نظر در باب «راهکارهای بهبود توزیع و دریافت بازخورد مخاطبان» دست یابند.

آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی است از سه بخش «تبادل تجارب استان»، «هماهنگی با نمایندگان مجلات رشد» و «مرور تجربه تولید نرم‌افزار توزیع



بینیم نیاز دانش آموز ما در این دوران چیست و بر اساس نیازش خوراکش را تأمین کنیم. زمانی که کسی نیازی داشته باشد، ناخودآگاه به دنبال آن می‌رود. می‌توان از مجلات رشد به عنوان تکمیل کننده کتاب‌های درسی استفاده کرد. در وهله اول باید نیاز دانش آموز مشخص شود و معلم هم او را تشویق کند و خانواده‌ها هم حمایت کنند

شبکه توزیع، شبکه بسیار خوبی است

علی اکبر محسنی نسب، معاون پشتیبانی استان کرمانشاه

معاونت پشتیبانی، موتور محرک ادارات کل است. ما دیدیم که بعضی از مدارس مجلات رشد را دریافت نمی‌کنند و محدودیت در بعضی مدرسه‌ها بسیار زیاد است. ما درصدی را تخفیف دادیم و سعی کردیم، مجلات رشد را به صورت

رشد با تمام وجود اقدام می‌کنیم. به نظر من اگر مجلات را به رایگان در اختیار بچه‌های مدارس روستایی و چندپایه بگذاریم، قشر آسیب‌پذیر و محرومی را تحت حمایت قرار داده‌ایم. البته در استان ما به همت همه دوستان و خصوصاً نماینده محترممان انصافاً مسائلی اجرایی خیلی خوب پیگیری می‌شوند. نشست‌ها و جلسات فراوانی انجام می‌شوند. استفاده‌ای که از این مجلات می‌شود برای ما مهم است؛ استفاده‌ای که معلمان ما از این مجلات دارند. ساعت تفریح معلمان ما باید با مجله رشد بگذرد.

ما ۹۹ درصد مدارس ابتدایی را پوشش داده‌ایم. در حوزه دوره متوسطه هم رشد خوبی داشته‌ایم. در تفاهم‌نامه‌ای که با مناطق داریم، خواسته‌ایم که نوشته‌های معلمان و دانش‌آموزان ارسال شود. ما هدف‌گذاری می‌کنیم و می‌کوشیم به کمک همکاران به درصدی که می‌خواهیم، برسیم. امیدوارم مجله رشد جزو کیف دانش‌آموزان شود و به کمک معلمان و مدیران در راستای مطالعه فرهنگ‌سازی شود. طرحی هم برای پایه ششم داریم که در استان در حال اجراست. دفترچه‌ای داریم به اسم «یار مهربان»، که وقتی دانش‌آموز کتابی را مطالعه می‌کنند، پیام کتاب را در آن دفترچه می‌نویسند. یکی از منابعی که از آن در یار مهربان استفاده می‌کنیم، مجلات رشد هستند. مجلات رشد باعث شدند کتابخانه‌های ما تجهیز شوند و رونق بهتری پیدا کنند و اهدای کتاب‌ها زیاد شود. پیشنهاد می‌کنم مجلات رشد در «نشریه پیوند» هم معرفی شوند.

یکی از مشکلات ما این است که باید این بسته فرهنگی را در سبد اقتصادی خانوار قرار دهیم. این هم نقطه ضعفی است. مشکل دیگر هم این است که نمایندگان مجلات رشد پی در پی تغییر می‌کنند. اشتراک مجله جوان هم کم است که باید برای بالا رفتن اشتراک آن هدف‌گذاری شود. من فکر می‌کنم ما باید مخاطب‌شناسی و نیازسنجی کنیم. باید

علی اکبر محسنی نسب



رایگان در اختیار مدرسه‌های محروم قرار دهیم. این روش نتیجه خوبی هم داشت و بچه‌ها با ذوق و علاقه استقبال کردند. علاوه بر این، شبکه توزیع ما شبکه بسیار خوبی است. در هر شهرستان و منطقه یک نفر نماینده را برای این کار معین کرده‌ایم. در مدرسه‌ها هم مدیران انصافاً بازوی توانمندی برای ما هستند. ۱۳ میلیون دانش‌آموز در اقصی نقاط کشور هستند که می‌توانند تبلیغ‌کننده خوبی برای مجلات رشد باشند. مجلات رشد بار علمی فوق‌العاده خوبی دارند و اطلاعاتشان خیلی عالی است. اگر در فضای مجازی هم ورود پیدا کنند خیلی خوب خواهد بود.

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد: رایگان شدن مجلات ممکن نیست و آسیب‌هایی بر آن مترتب است. درباره‌ی ارائه اینترنتی مجلات هم باید بحث شود. در دفتر به این موضوع پرداخته شده است. به شکل مطلق امکان‌ناست که نسخه چاپی آن برداشته شود.

این نشریه از کارایی و اثربخشی خوبی

پر خوردار است

علی‌عسگر جمشیدی، معاون آموزش ابتدایی استان فارس
در ابتدای کلام حکایتی از سعدی تقدیم می‌کنم: یک

علی‌عسگر جمشیدی



شب تأمل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می‌خوردم و سنگ سراچه دل به الماس آب دیده می‌سافتم و این بیت‌ها مناسب حال خود می‌گفتم:

هر دم از عمر می‌رود نفسی
چون نگه می‌کنم نمانده بسی
ای که پنجاه رفت و در خوابی
مگر این پنج روزه دریایی
هر که آمد عمارتی نو ساخت
رفت و منزل به دیگری پرداخت
عمر برف است و آفتاب تموز
اندکی ماند و خواجه غره هنوز

امیدوارم در دوران کوتاه عمر و کوتاه‌تر مسئولیت، همه بتوانیم در حوزه تعلیم و تربیت تأثیرگذار باشیم. شمارگان کتاب در فرانسه ۱۰ میلیون در سال است. سرانته مطالعه در آمریکا بیست دقیقه است و در ژاپن ۹۰ دقیقه. مردم ایسلند در سال ۴۰ کتاب می‌خوانند. ۹۱ درصد مردم ژاپن به خواندن کتاب، مجله و روزنامه عادت دارند. کشورهای پیشرفته با ۲۰ درصد جمعیت جهان، ۷۰ درصد کتاب‌های موجود در جهان را چاپ و منتشر می‌کنند. اما از ۸۰ میلیون ایرانی، تنها دو میلیون و پانصد هزار نفر عضو کتابخانه هستند. شمارگان کتاب در ایران نه هزار نسخه است.

سرانه مطالعه در ایران متفاوت اعلام شده است. بیشترین شمارگان کتاب در دولت آقای رفسنجانی بوده است و کمترین آن در دولت آقای احمدی‌نژاد. علت مطالعه نکردن قیمت بالای کتاب، سانسور و ممیزی، و فضای مجازی اعلام شده است. البته بعضی این علت‌ها را قبول نمی‌کنند. علت را باید در روحیه کتاب‌خوانی مردم جست‌وجو کرد.

اهمیت مجلات رشد در این موارد است: ایفای نقش منابع مکمل در پیشرفت اهداف تعلیم و تربیت؛ ارتقای فرهنگ مطالعه و نهادینه کردن فرهنگ مطالعه در دبستان و پیش‌دبستان؛ توسعه دایره لغات؛ ایجاد زمینه موفقیت دانش‌آموزان و همکاران؛ کمک به زبان‌آموزی کودکان؛ توسعه و تعمیق تفکر علمی و تفکر نقاد؛ امکان تبادل تجارب آموزشی و تربیتی؛ پرورش و شناسایی استعدادهای نگارشی و پرورشی؛ کمک به والدین در آموزش کودکان؛ تحقق عدالت آموزشی؛ ابزاری برای توسعه پایدار.

ما اعتقاد داریم، هرکاری را باید با فرهنگ‌سازی انجام دهیم و مجموعه زبردست قبول کند که آن کار را انجام دهد. ما جلسات متعددی با مسئولان داشتیم و ثابت کردیم که نحوه ثبت نام مجلات رشد ایراد دارد. بعد برای ثبت‌نام و واریز وجه و دریافت حواله به صورت اینترنتی سیستمی طراحی شد. به این صورت همه فرایندهای اضافی را برداشتیم. در مورد نحوه تبلیغات، جلساتی با کارشناسان داشته‌ایم. آزمون فصلی با کتاب را برگزار می‌کنیم. در این آزمون فصلی یک کتاب را معرفی می‌کنیم که از آن آزمون می‌گیرند. یکی از منابع آزمون، مجلات رشد هستند که در تفهیم مطالب آن‌ها مؤثر است. ما به منظور بالا بردن روحیه همکارانمان، مدیران با اشتراک بالای ۸۰ درصد را تشویق کرده‌ایم و سه نفر از نمایندگان مجلات رشد را به همراه خانواده به مشهد مقدس فرستاده‌ایم. ضمناً برای مشارکت بیشتر مدرسه‌های متوسطه، با معاونان و کارشناسان آموزش

متوسطه نشست‌هایی داشته‌ایم.

با توجه به اینکه نویسندگان مجلات رشد با مخاطبان خود آشنایی کامل دارند، این نشریه از کارایی و اثربخشی خوبی برخوردار است. اقداماتی هم که در زمینه استفاده از مطالب رشد انجام داده‌ایم عبارت‌اند از: برگزاری آزمون؛ برگزاری مسابقات آشپزی؛ برگزاری مسابقات دست‌ساخته‌ها؛ برگزاری مسابقات ورزشی؛ اختصاص زنگ کلاس به مجلات رشد؛ انشانویسی؛ حفظ شعر؛ بازی و سرگرمی. اگر بخواهیم مجلات رشد واقعاً تأثیرگذار باشند، مؤلفان باید به گونه‌ای بنویسند که پاسخ‌گوی ذهن جست‌وجوگر دانش‌آموز باشد. اطلاعات مجلات باید به‌روز باشد. مجلات رشد نباید به حوزه‌هایی واگذار شوند که صرفاً به جنبه مالی توجه می‌کنند. برای مناطق محروم باید امتیاز قائل شویم.

مفهوم یادگیری تغییر خواهد کرد

اصغر بیات، معاون آموزش ابتدایی استان زنجان چرا در دوره جوانی مجلات خوانش مناسب را ندارند؟ من فکر می‌کردم برمی‌گردد به اینکه نوع آموزش ما و برداشت ما از مفهوم دانش و یادگیری چیست. اگر یادگیری برای یادگیرنده با درد و رنج توأم باشد، او در دوره متوسطه قطعاً از یادگیری بیزار می‌شود و به دنبال یادگیری نخواهد رفت.

اصغر بیات





مجله‌ها باید در آن‌ها ثبت شوند، اشکالاتی وجود دارد. مثلاً مجله رشد آموزش زمین‌شناسی حذف شده، ولی جزو آمار برای ما آمده است. یا رشد قرآن و رشد معارف اسلامی ادغام شده‌اند، ولی می‌بینیم قرآن جدا و معارف جدا داده شده است. پس لطف کنید جدولی را که من خدمت شما می‌دهم، صحیح و کامل پر کنید.

مسائل تولید و توزیع به ما برمی‌گردند. برای قسمت شماره یک بر اساس سال قبل آمارها را جمع‌آوری می‌کنیم. حداقل را هم در نظر می‌گیریم. ارزشیابی مدرسان، معاونان و نمایندگان محترم هم دارای حجم نسبی است. درصدی تحت پوشش است و درصدی شامل مطالبات و فعالیت‌های فرهنگی است. در مورد فعالیت‌های فرهنگی من خواهش می‌کنم که تا قبل از اردیبهشت آثارتان را به دست ما برسانید.

ما اگر در اینجا نکاتی را عنوان می‌کنیم، در مورد ده درصد کارهاست. نود درصد کارها واقعاً خوب انجام می‌شوند. کار مجلات هم بسیار سنگین است و ما دقیقاً می‌دانیم. در داخل تهران و شهرستان‌های تهران ما حتماً بازدید خواهیم داشت. در مورد استان‌ها هم هر زمان آقای شهابلو تشخیص بدهند، خدمت دوستان می‌رسیم.

برنامه‌های رسمی درسی ما چنین بلایی را بر سر کودکان آورده است. اگر دانش را به این مفهوم بگیریم که چیزی نیست که قرار است منتقل شود، بلکه چیزی است که در ذهن فرد ساخته می‌شود، مفهوم یادگیری تغییر خواهد کرد. یادگیری چیزی است که یادگیرنده از دانش قبلی و کسب شده خودش و براساس تجربه‌هایش به آن دست می‌یابد.

با این نگاه مجلات رشد قرار است یک محیط و منبع غیررسمی برای یادگیرنده ایجاد کنند تا یادگیرنده لذت ببرد. به این منظور، ما در زنجان در تعدادی از مدرسه‌ها دانش‌آموزان را درگیر تولید دانش جدیدی از ظرفیت مجلات رشد کردیم. فرمی تهیه شده که بهانه‌ای است برای تولید توسط دانش‌آموز که هر سه ماه یک بار در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و قدرت استدلال دانش‌آموز به کار گرفته می‌شود. هر دانش‌آموز از دانش قبلی خودش دانش جدیدی را تولید می‌کند و فرصت برای ارائه دارد. به نظر می‌آید این برنامه شوق یادگیری را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

بخش دوم: هماهنگی با نمایندگان مجلات رشد

ارزشیابی‌ها خوانا و قابل خواندن باشد

کمال زندگانی، مسئول توزیع و بازرگانی

کارهای فرهنگی خود را به صورت فیلم، پاورپوینت و عکس برای ما بفرستید. لطفاً به صورت فیزیکی نفرستید. بعضی از استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق ما تعداد زیادی «سی‌دی» می‌فرستند. یک «دی وی دی» یا سی‌دی به مدت ده دقیقه تا یک ربع برای ما کافی است. سعی کنید ارزشیابی‌ها خوانا و قابل خواندن باشند. چند فرم هم هست که خدمت شما می‌دهم که مجله‌ها باید در آن ثبت شوند. در بعضی از قسمت‌های این فرم‌ها که نام و مشخصات

چهار سطح توسعه کمی و کیفی مجلات رشد

سید کمال شهابلو، معاون انتشارات

من قبل از اینکه وارد بحث خودم شوم، لازم می‌دانم از همه شما خواهش کنم، اگر در استان همکارانتان کتابی را که دیروز رونمایی شد، خواستند، آن را از طریق «انتشارات مدرسه» تهیه کنند.

اما موضوع توسعه کمی و کیفی مجلات رشد در برنامه «ششم توسعه» است. برنامه ششم که قرار بود از سال ۱۳۹۵ شروع شود، با یک سال تأخیر شروع می‌شود. ما موظف هستیم که در برنامه ششم توسعه از منظر کمی هر سال دو درصد شمارگان مجلات را بالا ببریم و به این ترتیب مخاطبانمان در پایان سال ۱۴۰۰ حدود ده درصد افزایش پیدا می‌کند.

مواردی که آقای زندگانی گفتند در «سایت مجلات رشد» موجود است. مجلات رشد سال‌هاست که به دو صورت فیزیکی و الکترونیکی توزیع می‌شوند. توزیع فیزیکی را شما و همکارانتان در ۷۰۰ نقطه کشور انجام می‌دهید. توزیع الکترونیکی را خانم نورائی، دبیر سایت مجلات رشد، بعد از یک ماه روی سایت قرار می‌دهند. تمام مواردی که نمایندگان رشد باید بدانند، اعم از اینکه هر استانی چه نماینده‌ای داریم و فرم‌هایی که باید پر شوند، همه بر روی سایت مجلات رشد موجودند.

برای توسعه کمی و کیفی مجلات رشد، ما چهار سطح را در نظر می‌گیریم: موجود بودن، در دسترس بودن، مقبولیت و انطباق پذیری. شما به هر کتابی که در مورد سطوح عدالت آموزشی و عدالت تربیتی اشاره کرده است مراجعه کنید، می‌بینید که این سطوح رعایت می‌شوند؛ چه در بخش آموزش و چه در بخش تربیت. دو سطح اول، یعنی موجود بودن و در دسترس بودن، دو سطح کمی هستند. آنچه که شما می‌خواهید منطبق کنید، اول باید خلق و موجود شود

و بتوانید اثری را که خلق کرده‌اید، در دسترس مخاطبان خود قرار دهید. قطعاً بخش انتشارات و مدیریت کلان دفتر می‌کوشند این سطوح را قوی‌تر کنند. در برنامه ششم توسعه ما باید همه این سطوح را تقویت کنیم تا بتوانیم به ایده‌آلی که مدنظر داریم، برسیم. این دو سطح کاملاً کمی هستند. در سطوح پایین، حتی در استان‌ها سطح پایین‌تر از کارشناسی هم کمک می‌کند و آنچه را که خلق شده است، در دسترس قرار می‌دهد. بخشی که مربوط به تولید محتوا می‌شود و در دفتر انجام می‌گیرد، یا آنچه مربوط به طبع و چاپ مجلات است، در این دو سطح قرار دارد که وظیفه اصلی دفتر انتشارات است. البته اهمیت این سطح‌ها کمتر از سطح‌های دیگر نیست. هر بنگاهی که محتوا تولید می‌کند، باید از این دو سطح بگذرد.

دو سطح بعدی ما، یعنی مقبولیت و انطباق‌پذیری، دو سطح کیفی هستند. مقبولیت یعنی اینکه پایین‌ترین سطح کیفی را از صفر داشته باشد و به صد برسد. تفاوتی که در تولیدات فرهنگی می‌بینیم، در این سطح است. در این سطح مقبولیت را مترادف کیفیت می‌بینیم؛ کیفیتی که در محتوا مورد نظر است. مورد آخر که انطباق‌پذیری است، مورد انتظار همه است. هر ساله که همکاران ما به استان‌ها می‌روند، مطرح می‌شود که آنچه تولید شود، منطبق با افکار مخاطب باشد.

تمام این سطوح باعث تحقق عدالت آموزشی می‌شوند و قطعاً عدالت آموزشی با عدالت تربیتی در هم آمیخته است. رعایت سطوح قبل باعث می‌شود، ما به یکی از رویکردهای مهم دفتر که همان عدالت آموزشی است، بهتر و زودتر برسیم. ما مدارسی در نقاط گوناگون کشور داریم که یک معلم و دو دانش‌آموز دارند. در گزارشات بعضی از مجلات، به خصوص «رشد آموزش ابتدایی»، می‌بینیم مجله به دست معلمی رسیده است که یک دانش‌آموز دارد و آن گزارش

درباره نحوه آموزش، کلاس‌داری و خلاقیت او چاپ شده است. همین موضوع باعث توسعه عدالت آموزشی می‌شود. اما دفتر برای عملیاتی کردن این سطوح در بخش انتشارات برنامه‌هایی دارد. برای برنامه کیفی‌سازی دو پژوهش در سال ۱۳۹۵ انجام می‌دهیم که عنوان یکی از آن‌ها «بررسی چگونگی توسعه کمی مجلات رشد طی برنامه ششم توسعه» است. برنامه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان زیرمجموعه‌ای از وزارت متبوع در برنامه ششم توسعه مطرح است که از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ طول می‌کشد. ان شاء... در آن برنامه قرار است ما هر سال دو درصد افزایش مخاطب داشته باشیم. برون‌دادهای این پژوهش را در اختیار شما قرار می‌دهیم تا با استفاده از آن، شما هم بتوانید به ما برای توسعه مجلات کمک کنید. از نظر کیفی، مورد دوم تأثیر مجلات رشد بر عادت به مطالعه بین دانش‌آموزان است. هر سال در برنامه خودمان حداقل دو پژوهش ملی انجام می‌دهیم که لازمه انجام این پژوهش‌ها این است که استان‌های منتخب ما، اعم از برخوردار، نیمه‌برخوردار و کم‌تر برخوردار، با ما همکاری لازم را از نظر آماری و اطلاعاتی داشته باشند تا بتوانیم به برون‌دادهای واقعی برسیم.

نکته بعدی گستردگی توزیع است. توزیع ۴۰ میلیون مجله در سطح کشور کار راحتی نیست. هر کدام از شما برای خود سبک و برنامه‌ای دارید. مثلاً استان اصفهان نرم‌افزاری را طراحی کرده است. در این نرم‌افزار همه مدارسها و اطلاعات دریافت مجلات و تسویه حساب‌ها آمده و مشخص شده‌اند. مورد سوم ارتباط بیشتر با مخاطبان است. سطح مورد انتظار ما در دو سطح کیفی، عدالت آموزشی است. ما از مدیرکل محترم دفتر خواهش کردیم که در این بخش کسی را به ما معرفی کند که به ما کمک کند و از محتوای مجلات اطلاع داشته باشد. بحث آخر تبدیل موزعین و تغییر کاراکتر موزعین مجلات رشد به «سفیران فرهنگی رشد» است.

سطوحی که الان هستید، معاون استان، کارشناس استان و کارشناس مسئول است و نمی‌توان گفت توزیع‌کننده مجلات رشد. نقشی که معاونان آموزشی در استان دارند و نماینده ارشد رشد در استان دارند، تبلیغ مجلات رشد از دید فرهنگی است که خیلی اهمیت دارد و خواسته چهارم ماست برای اینکه سطوح مورد نظر را عملیاتی کنیم.

بخش سوم: مرور تجربه تولید نرم‌افزار توزیع در استان اصفهان

سامانه رشد را راه‌اندازی کرده‌ایم

شهین جوانی، معاون آموزش ابتدایی استان اصفهان ابتدا در مورد اقداماتی که در سطح استان صورت گرفته و سبب شده‌اند که هم بحث توسعه کمی و کیفی داشته باشیم، مطالبی را عرض می‌کنم. همین سامانه رشد را در سطح استان راه‌اندازی کردیم. به کمک آن توانستیم تک‌تک مدرسه‌ها را رصد کنیم و حتی مدرسه‌هایی را که اقدام نکرده بودند، بشناسیم و با ادارات تماس بگیریم تا هر چه سریع‌تر اقدام کنند. گزارشگری و صورت‌حساب قابل رصد و ارزیابی است و کاهش حجم کاری برای نمایندگان رشد را در سراسر استان به همراه داشته است. امسال صحبت شد که آمار دانش‌آموزی را هم به این سیستم اضافه کنیم تا بتوانیم درصد بگیریم و این امکان را ایجاد کردیم که در سامانه ماندگار شود تا سال‌های بعد هم بتوان رصد کرد و وضع موجود را مشخص و به سمت وضع مطلوب قدم برداشت. ما امسال نزدیک به پنج درصد افزایش مخاطب داشته‌ایم، اما در دوره متوسطه از مجلات رشد خیلی استقبال نمی‌شود. از آنجا که مشکل ما بیشتر در دوره متوسطه بود و در دوره ابتدایی صددرصد دانش‌آموزان تحت پوشش بودند، جلساتی با رؤسای ادارات و معاونان برگزار کردیم و قرار شد نامه‌ای



می‌کنند، معرفی کنیم و عکس، زندگی‌نامه و فعالیت‌هایشان را انعکاس بدهیم، مخصوصاً در دوره متوسطه، باعث ارتقای کمی خواهد بود.

سامانه‌ای با سه سطح

خسرو سبزی‌علی، نماینده مجلات رشد در استان اصفهان

سامانه ما در استان اصفهان سال گذشته طراحی شد. خانم زندی‌فر، همکار محترم بازنشسته ما زحمت کارهای الکترونیکی و فنی آن را کشیده‌اند. سامانه از سه سطح تشکیل شده است:

سطح اول مدرسه است. چون بعضی از ادارات و نواحی ما تخفیف مدارس را مدیریت می‌کنند، ما برای مدرسه دسترسی خاصی نگذاشته‌ایم. مدرسه با کد مدرسه و شماره رمزی که دارد وارد می‌شود، ضمناً این سامانه از سامانه سما تغذیه می‌شود. آمار را وارد و ثبت می‌کند. با این کار، در سال گذشته حداقل ۱۰ هزار برگه کمتر استفاده شده است. یکی از محاسن سامانه این است که این آمار هر سال وجود خواهد داشت.

به سطح ناحیه با کد ناحیه و شماره رمز می‌توان وارد شد. همچنین، تعداد آموزشگاه‌هایی را داریم که وارد شده‌اند و ما می‌توانیم مدیریت کنیم. فهرست مجلات رشد هم هست که به تفکیک مدرسه‌ها نشان داده می‌شود. ما برای نه نوبت طراحی کرده‌ایم. گزینه‌ای به نام «نوبت اول تا نوبت نهم» داریم و یک گزینه «تاکنون» که مربوط به مجلاتی است که تا این لحظه وارد شده‌اند. یک صورت‌حساب کلی مدارس را گذاشته‌ایم که معلوم می‌کند چقدر دریافت و تخفیف داشته‌اند و چقدر باید پرداخت کنند. از کارهای دیگر سامانه تهیه صورت حساب ماهانه مدرسه‌هاست. یکی دیگر از گزینه‌ها اضافه کردن مدرسه است. بعضی از مدرسه‌ها به هر

از سوی معاونت به مدارس ارسال شود. همین عمل نزدیک به پنج درصد افزایش مشترکان را به همراه داشت. احساس کردیم کار پژوهشی باید انجام شود. در خصوص مجلات رشد نوجوان - هم آن‌هایی که دریافت می‌کردند و هم آن‌هایی که دریافت نمی‌کردند - رشد جوان، رشد آموزش ابتدایی و رشد ریاضی پژوهش‌هایی انجام دادیم. نتیجه آن برای استان قابل کاربرد بود. مسابقاتی را هم برای دانش‌آموزان و همکاران فرهنگی داشتیم؛ اعم از مسابقات شعر، کاریکاتور و طراحی جدول. همین کارها را برای آموزگاران داشتیم. به علاوه اینکه از آموزگاران خواستیم نحوه کار بست مجلات رشد را هم برای ما ارسال کنند که تا الان ۵۶۹ اثر از همکاران رسیده که تعدادی از آن‌ها ارائه شده‌اند.

روز «همراه بارشد» را داشتیم که روز بسیار خاطره‌انگیزی برای دانش‌آموزان است. روز هجدهم اسفندماه است و در این روز کاری گروهی توسط دانش‌آموزان مرتبط با مجلات رشد انجام می‌شود. امسال خود همکاران استقبال کردند. همه نمایندگان رشد استان مورد تشویق قرار گرفته‌اند و فعالیت‌های آن‌ها را ارزیابی کرده‌ایم. در زمینه انجام پژوهش‌های کشوری هم همکاری شده است. در مجموع اگر ما بتوانیم در مجلات رشد منتخبان جشنواره‌هایی را که به شکل کشوری هستند و دانش‌آموزان در آن‌ها شرکت



آنان قرار ندارد که می‌تواند برای مدیران زنگ خطر باشد. ۲۳ درصد اعلام کردند که اصلاً مجله را مطالعه نمی‌کنند. ۲۲ درصد از دبیران ریاضی هم به طور کامل از مجله رضایت داشتند. دو پژوهش هم در مورد مجله «رشد نوجوان» انجام دادیم. یکی دانش‌آموزانی که مجله رشد نوجوان را دریافت می‌کردند و یکی دانش‌آموزانی که دریافت نمی‌کردند. ۴۲۰ نفر از دانش‌آموزان در این پژوهش شرکت کردند. ۹۱ درصد دانش‌آموزان متوسطه اول اعلام کردند که مجله رشد نوجوان را می‌شناسند. ۳۲ درصد اعلام کردند که در مدرسه تبلیغات لازم صورت نگرفته است. جذابیت و محتوای جالب، جدول، طنز و سرگرمی از نظر دانش‌آموزان متوسطه اول دارای بیشترین فراوانی برای ترغیب به مطالعه بوده است.

در راستای توسعه شهین جوانی

من فرصت را مغتنم می‌شمارم و از همه مسئولان تشکر می‌کنم که باب تبادل تجربیات را فراهم کردند. همه اعتقاد داریم که باید گامی برای توسعه برداریم. من احساس می‌کنم در کشور ما هنوز بایستی برای توسعه باز نشده است و بیشتر در مسائل رشد و پیشرفت هستیم. به قول دکتر رنایی که می‌فرماید: «ما باید به توسعه کودکی کمک کنیم، وگرنه در کودکی توسعه خواهیم ماند». این جمله قدری قابل تأمل است. ان شاء الله بتوانیم با ارتقای سطح پژوهش در میان دانش‌آموزان گامی در راستای توسعه برداریم.

دلیل وارد سامانه سما نبوده‌اند که می‌توانند ثبت‌نام کنند. در سطح استان همه این مراحل وجود دارند. ضمن اینکه ماهانه می‌توانیم برای ناحیه صورت حساب صادر کنیم. صورت حساب کلی نواحی و مناطق و حتی صورت حساب مدارس در دسترس هستند. قسمتی به نام «حساب متمم» گذاشته‌ایم. در حساب متمم ممکن است در یک ماه صد مجله به ناحیه‌ای کم یا زیاد داده باشید. می‌توانید در این قسمت تعداد مجلات را وارد کنید تا در صورت حساب کلی منظور شود. بایگانی هم داریم. هر ماه که آمار را برای کشور می‌فرستیم، آمار مرحله اول وارد بایگانی می‌شود. کار دیگر، فعال کردن و غیرفعال کردن سایت برای فرستادن آمار است که دیگر مدارس به سایت دسترسی نخواهند داشت. ما شش پژوهش توصیفی داشته‌ایم که نام یکی از آن‌ها «بررسی دیدگاه معلمان دوره ابتدایی استان در مورد مجله رشد آموزش ابتدایی» بوده است. این پژوهش ۱۹۰ معلم از مدرسه‌های استان را دربر گرفته است. ۱۹/۷۷ درصد از معلمان ابتدایی گفته‌اند که مجله را به طور کامل مطالعه می‌کنند و یکی از نقاط قوت کار است. ۷۴ درصد معلمان معتقدند کیفیت مجله رشد آموزش ابتدایی از بقیه مجلات بهتر است. آنچه بیشتر همکاران را راضی کرده، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت و مسابقات گوناگون از محتوای مجلات رشد است. پژوهش دیگری در مورد «رشد آموزش ریاضی» انجام داده‌ایم. ۱۸۰ نفر از معلمان فرم پژوهش را پر کردند. ۲۸ درصد دبیران ریاضی متوسطه اول و دوم اعلام کردند که مجله رشد آموزش ریاضی در مدرسه در اختیار



زبان تأثیرگذار معلم چیست؟

نشست نقد و بررسی مجله رشد آموزش ابتدایی
با حضور مرتضی مجدفر و صغری ملکی

را من درمی آوردم. شماره ۱۳۴ تا به امروز را آقای ندیری درمی آورند. صحبت کردن از این مجله سخت است، چون بنیان آن را من و آقای همتی گذاشته‌ایم. من ترکیبی از نگاه‌های آموزشی و ژورنالیستی را در بحث امروز ارائه می‌دهم. البته بیشتر از زاویه دید آموزشی و ژورنالیستی به موضوع نگاه کرده‌ام و تقریباً همه اجزای مجله را بررسی کرده‌ام. اگر از معایب صحبت می‌شود به این معنا نیست که وزن بیشتری دارند.

از صفحه جلد شروع می‌کنم. صفحه جلد مجله در هر هشت شماره استفاده از عکس را در سیاست خود قرار داده است. نکته جالب این است که برابری دختر و پسر را در روی جلدها رعایت کرده‌اند. مجله ویژه معلمان است، ولی در چهار جلد معلمان حضور دارند. ضمن اینکه اگر حداقل در هشت جلد یک سهم یک جلدی هم به معلمان مرد می‌دادند بد نبود، چون ۹/۵ درصد معلمان ابتدایی مرد

«نقد و بررسی» نشانه روحیه تعالی خواهی بشر است. «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» همواره سعی کرده است، با ایجاد فضای نقد و نقادی، ضمن احترام به آرا و نظرات گوناگون، زمینه‌های بهبودبخشی به محصولات و تولیدات خود را فراهم سازد.

بر همین اساس طی نشست در سومین روز خرداد ۹۵، با حضور مرتضی مجدفر، متخصص رسانه و از همکاران پیشین دفتر، صغری ملکی، معلم و کارشناس و نصرالله دادار، کارشناس حوزه رسانه و گزارش، به نقد و بررسی مجله رشد آموزش ابتدایی پرداخته شد. آنچه در ادامه می‌آید گزارشی موجز از این نشست است.

مرتضی مجدفر: سردبیر مجله رشد آموزش ابتدایی، از شماره ۱ تا ۶۹، آقای همتی بودند. از شماره ۷۰ تا ۱۳۴



هستند. عکس‌ها به ندرت با مطالب داخل مجله تناسب دارند؛ به استثنای شماره یک، دو و هشت که تقریباً مرتبط هستند. جلد‌های سه، چهار و پنج تقریباً حالت تزئینی و یادگاری دارند. جلد سه هم کاملاً منفعل است و هیچ پیام خاصی را دنبال نمی‌کند. نکته مثبت این است که جای تیتراها در همه شماره‌ها به یک شکل است و این از مزیت‌های گرافیکی است. تقریباً در هیچ یک از جلد‌ها نمادی از کارهای جدید آموزش و پرورش، مثل «ارزشیابی توصیفی» و «هوشمندسازی» دیده نمی‌شود.

صفحه پشت جلد ظاهراً قرار است مبتنی بر آگهی باشد، ولی این موضوع در سه شماره رعایت نشده است. شماره چهار به تبریک میلاد رسول اکرم (ص) و شماره پنج به عکس صفحه اول روزنامه اطلاعات اختصاص دارد. شماره هشت هم تصویری را به نقل از خبرگزاری مهر و با توضیحی در مورد جنگ ناخواسته سوریه آورده است. با توجه به

ظرفیت عکس رشد، کار کردن عکسی که چهار ماه قبل خبرگزاری مهر زده، هرز دادن این صفحه است. پشت جلد شماره دو به اهداف دوره آموزشی اختصاص دارد. ناهمگونی و ناهماهنگی صفحه پشت جلد از نقاط ضعف مجله است. صفحه دوم جلد با هویت‌ترین صفحه جلد مجله است. هر هشت شماره به یک چیز پرداخته است و گرافیک خوبی دارد. به غیر از تکراری بودن دو عکس، موارد بعدی خوب‌اند. هیچ منطقی در انتخاب عکس‌ها و آثار گرافیکی صفحه سوم جلد به چشم نمی‌خورد. شماره‌های یک و دو حاوی نقاشی‌های مسابقه آب مجله رشد کودک است. صفحه سوم جلد شماره سه تسلیم شهادت امام رضا (ع) است. در شماره چهار با تصویری از مقام معظم رهبری، مناسبت ۹ دی یادآوری شده است. در شماره پنج دوباره تصویری از مسابقه آب آمده است که هیچ جذابیتی برای آموزگاران ندارد. از شش، هفت و هشت به سمت تابلوهای خوش‌نویسی



شده رفته‌ایم. در مجموع صفحه سه جلد از هیچ سیاست مدونی پیروی نمی‌کند. صفحه شناسنامه مصداق واقعی مختصر و مفید بودن است. خیلی خلاصه و زیبا طراحی شده و از لحاظ گرافیکی هم خوب است. تنها اشکال موجود تصویر حاشیه پایین سمت راست است که عکاس روی جلد با آن معرفی شده است. در شماره پنج و شش این باکس دو تصویر کار شده‌اند که در هیچ کدام از شماره‌های دیگر کار نشده است.

به یادداشت‌های سردبیر می‌رسیم. آقای

ندیری قلم بسیار خوب و پرکششی دارند. سرمقاله‌های همه شماره‌های امسال هم توسط ایشان نوشته شده‌اند. البته حجم سرمقاله‌ها متفاوت است. به ندرت در سرمقاله‌ها به مسائل اساسی آموزش ابتدایی اشاره می‌شود. در شماره یک به شرح برنامه‌های مجله پرداخته شده که لازم است. افزوده‌ای درباره ارزشیابی توصیفی آمده که ناتمام رها شده است. در شماره دو به جایگاه بازی و خنده در زندگی کودکان پرداخته شده است که می‌شد آن را ادامه داد. شماره‌های سه و چهار به دکتر شکوهی پرداخته‌اند که یکی از آن‌ها کافی بود. شماره پنج هم مشکل شماره یک را دارد که بی‌دلیل به انتها رسیده است. شماره شش بی‌ارتباطی در آموزش ابتدایی را در خود نهفته دارد و اصلاً سرمقاله نیست. شماره هفت و هشت آموزشی‌ترین و مرتبط‌ترین سرمقاله‌های مجله محسوب می‌شوند.

بعد از سرمقاله در همه شماره‌ها، با یک استثنا در شماره دو، یک گفت‌وگو چاپ شده که حسن مجله است. گفت‌وگو با استادان صاحب‌نام حوزه تعلیم و تربیت است. در شماره دو به جای گفت‌وگو مقاله‌ای از دکتر بهنام بهراد چاپ شده است که پنج ماه پیش در مجله «شوق تغییر» به نوعی دیگر

چاپ شده بود. این گفت‌وگوها شیوه تنظیم و مطالب خوبی دارند و می‌توانند مرجع خوبی باشند و بابت انتخاب آن‌ها به آقای ندیری تبریک می‌گوییم. به جز این‌ها، گفت‌وگوهای دیگری هم در مجله چاپ شده‌اند که جای ثابت ندارند و تعداد آن‌ها هم خوب است؛ به ویژه گفت‌وگوهایی که به معلمان پرداخته‌اند. من به چند مورد اشاره می‌کنم.

شماره یک گفت‌وگو با دکتر محمد شهرانی است. این معلم رسانه را می‌شناسد و همه‌جا خودش را مطرح می‌کند. مصاحبه

دیگر شماره یک، گفت‌وگو با خانم رضانی، فوق‌العاده است، ولی یک تیتراژ ۲۵ کلمه‌ای دارد که خیلی بد است. گفت‌وگوی خوبی هم با آقای بیات چاپ شده که اشتباه آن هم این است که به عنوان گزارش چاپ شده، در صورتی که گفت‌وگو است. گفت‌وگوی دکتر گریمی در شماره دو خواندنی است که به شیوه گفت‌وگویی تنظیم نشده است.

گفت‌وگو با خانم منصوره متولی در شماره سه بسیار انگیزه‌بخش است. گفت‌وگو با امین کوهساریان هم خواندنی است که در شماره پنج چاپ شده است. در انتخاب تیتراژ به کار بردن عبارات گفت‌وگوی صمیمی و گفت‌وگوی دلچسب خودداری کنید. شماره شش گفت‌وگو با جناب خان بسیار جذاب است. شماره هفت گفت‌وگو با شادی جمشیدی خیلی زیباست. گفت‌وگو با سید معصومه میر حسینی بی‌خاصیت است. گفت‌وگو با حمید موسوی زاده هم در سال‌های قبل انجام شده بود.

مورد بعدی مطالب دنباله‌دار و نویسندگان ثابت است. یکی از کارهای خوبی که آقای ندیری انجام داده، این است که مجله نویسنده ثابت دارد، ولی مطالب دنباله‌دار ندارد. این سیاست بسیار خوبی است. این نویسندگان ثابت در

مجدفر: چند ویژگی بسیار مثبت مجله را هم ذکر می‌کنم. در شماره چهار، ویژه‌نامه دکتر شکوهی، سراسر درس‌آموزی است. در شماره شش ویژه‌نامه کلاس‌های چندپایه، عالی است. در شماره یک، ویژه‌نامه خواندن و نوشتن برای اولی‌ها، بسیار تاثیرگذار است



حد معمول در مجله اتفاق افتاده است. گزارش‌ها حرفه‌ای و ژورنالیستی تهیه شده‌اند، به اکثر درس‌ها در مجله توجه شده است.

چند مورد از کاستی‌ها را هم عنوان می‌کنم: بی‌توجهی به رویدادهایی که در حوزه آموزش ابتدایی رخ می‌دهند، کمبود یادداشت و مقالات کوتاه تک‌صفحه‌ای، کم‌توجهی به برنامه درسی هنر، ذکر مطالب تکراری و تلگرامی و اس‌ام‌اسی، کم‌توجهی به برنامه درسی قرآن. در مورد ویرایش مجله یک ایراد فنی وجود دارد. باید دقت سردبیری وجود داشته باشد. اگر بتوان پایان مطالب را با یک علامت مشخص کرد تا به دنبال ادامه مطالب نگردیم، خیلی بهتر خواهد بود. با وجود تجربه‌های خوبی که از معلمان خوب شهرهای گوناگون در برخی از شماره‌ها چاپ شده‌اند، پراکنده شدن آن‌ها در صفحات مانع از دیدن آن‌ها می‌شود. پیشنهاد من تجمیع این‌ها در یک جاست.

یک سؤال هم دارم: حضور پرتعداد معلمان کرجی و طالقانی چه دلیلی دارد؟

صغری ملکی: من در حال حاضر معلم ابتدایی نیستم و شاید نتوانم چندان نقد کنم. اگر صحبت‌های معلمان را که مخاطب واقعی مجله هستند می‌شنیدید بهتر بود. جای

یک حوزه مشخص مطلب می‌نویسند، ولی مطلب اپیزودیک می‌نویسند که در هر شماره مستقل است.

مطلب بعدی که به عنوان مصداق خوب باید مثال بزنیم، صفحه «ارتباط با مخاطبان رشد آموزش ابتدایی» است. مورد بعدی درباره نویسنده‌هایی است که مطالب کپی شده می‌دهند. شاید سخت باشد بتوان به کپی بودن مطلبی پی برد. در شماره یک مقاله خانم **اعظم فاضلی** کپی است. در شماره شش هم مطلب آقای **حسین باقری** کپی است. «معرفی کتاب» خوب است، اما فراز و نشیب دارد. نکته بی‌توجهی به کتاب‌های برگزیده طرح سامان‌بخشی است. می‌توانیم شرح را کم کنیم و در هر شماره کتاب‌های بیشتری معرفی کنیم. چند مطلب درباره آموزش کودکان استثنایی داریم که به اعتقاد من خوب است، ولی باید مطالبی در اولویت قرار گیرند که به یادگیری توأمان کودکان استثنایی با دانش‌آموزان عادی می‌پردازند. نکته خیلی مهم رعایت اخلاق حرفه‌ای در نگارش برای کودکان است.

چند ایراد روزنامه‌نگاری را هم استخراج کرده‌ام. در پنج شماره تیتیر تکراری دارید. در فهرست، عنوان برخی از مطالب موجود در مجله ذکر نشده است. تیتیر اداری هم زیاد است. چند ویژگی بسیار مثبت مجله را هم ذکر می‌کنم. در شماره چهار، ویژه‌نامه دکتر شکوهی، سراسر درس آموزی است. در شماره شش ویژه‌نامه کلاس‌های چندپایه، عالی است. در شماره یک، ویژه‌نامه خواندن و نوشتن برای اولی‌ها، بسیار تأثیرگذار است. توجه به ارزشیابی توصیفی به صورت زیرپوستی و بدون سروصدا در همه شماره‌ها، توجه به محیط زیست در ابعاد گوناگون به طور عملی، مدرسه‌ای و کاربردی در همه شماره‌ها، توجه ویژه به آموزش ریاضیات با توجه به تغییرات کتاب‌های ریاضی، توجه به جایگاه خانواده و مرتبط کردن آن با معلم و مدرسه، ویراستاری و گرافیک خوب. مجله به تمام معنا رنگی است. آموزش و پرورش تطبیقی در

روایتگر باید باورپذیری را به خواننده القا کند. در بعضی از مطالب این باورپذیری وجود ندارد. به نظر من مطالب آقای نادری خیلی خوب است، خصوصاً اینکه در هر شماره به مطلبی پیرامون نوشتن پرداخته‌اند. اما کاش مثال می‌زدند تا معلمان بیشتر با آن آشنا شوند. در کل من شلوغی محتوای مجله را نپسندیدم. نظم ذهنی ندارد. پیشنهادم برای رفع این مشکل دادن یک تم است. در زمینه مطالب علمی هم مطالب خشک و بی‌روح بیان شده‌اند. باز هم جای مخاطبان مستقیم مجله را خالی می‌بینم.

کاظم طلایی، ناظر مجلات رشد: آقای پورحنیفه، یکی از گرافیست‌های صاحب‌سبک هستند. از روی جلد که شروع کنیم، معمولاً از عکس‌های موجود در آرشیو استفاده

مخاطبان ویژه خالی است. در ارتباط با مجلات، خیلی از صحبت‌ها را آقای مجدفر گفتند. در مورد ساختار کلی مجله، من احساس کردم مجله شما مجله‌ای است که ساختار منظم و تفکیک شده ندارد. پیشنهاد من این است که شما تمی کار کنید و در هر شماره مجله یک تم ثابت داشته باشید. همچنین می‌توانید سرفصل‌های روشن‌تری داشته باشید که در حوزه ابتدایی باشند. در مورد چندپایه هم بعضی از مطالب فقط عنوان چندپایه را یدک می‌کشند و ربطی به چندپایه ندارند. یادداشت‌های سردبیر هم همین ویژگی را دارند و خیلی پراکنده‌اند.

در گفت‌وگوها انتظارات مخاطب برآورده نمی‌شوند و سؤالات مفیدی از افراد پرسیده نشده‌اند. به نظر من از نظر محتوای داخلی، مصاحبه‌ها خوب انجام نشده است.



می‌شود. از هشت عکس جلد به نظرم فقط یک عکس خوب است؛ بقیه سفارشی و تزئینی‌اند. به نظر من باید برای عکس فقط به آرشو بسنده نکنیم. بیشتر عکس‌ها فضای تیره و تاری دارند. تعجب می‌کنم که چرا از کاریکاتور استفاده نمی‌کنیم. بچه‌ها در عکس‌ها بیشتر بچه‌های شهری هستند. در عکس‌ها از معلمان جوان کمتر استفاده شده است و گویا نمی‌خواهیم به معلمان جوان میدان بدهیم. اگر در بعضی جاها سفیدخوانی بیشتر باشد بهتر است.

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: من فکر می‌کنم از رنگ خیلی زیاد استفاده شده است. مجله‌ها باید از رنگ استفاده کنند، نه اینکه رنگ غالب باشد. نکته بعدی، همان‌طور که آقای طلایی گفتند، همه معلم‌ها در عکس‌ها مسن هستند. یک پیشنهاد هم دارم: بد نیست در هر شماره جریان و کمپینی راه بیندازیم و بگوییم معلمان ابتدایی با بچه‌های کلاسشان عکس سلفی بگیرند و در صفحات جلد از آن‌ها استفاده کنید. زنده بودن کلاس‌های ابتدایی در مجلات دیده نمی‌شود.

نصرالله دادار: به نظر من اگر چه شاید ساختار منسجمی در مجله دیده نمی‌شود، اما مسائل مبتلابه معلمان ابتدایی دیده می‌شود. نگاه من به مجله بیشتر نگاه شغلی خودم است که نگاه ژورنالیستی است. به نظر من تیترهای مجله جای کار دارند. تیتر ویتروین مطلب است. اگر تیتری جذاب نباشد، راه ورود خواننده به مطلب بسته خواهد شد. تیتر باید روان باشد و ایجاد ابهام نکند.

نکته دیگر بحث زیرتیتر یا روتیتر است. الزاماً هر تیتری نیاز به زیرتیتر ندارد. اگر تیتری نتواند به تنهایی پیام را برساند، با یک زیرتیتر یا روتیتر به آن کمک می‌کنیم. نکته دیگر در مورد باگفت‌وگوهاست. بعضی از گفت‌وگوها واقعاً هیچ پیامی ندارد. از طرف دیگر این مجله اساساً هیچ کاری با سوتیتر ندارد. فرصت برای خواندن همه مطالب نیست. ما

می‌توانیم با سوتیتر به کسانی که فرصت ندارند، کمک کنیم. در ضمن سوتیتر می‌تواند خواننده را نگه دارد تا مطلب را بخواند. می‌توان در این مجله باگفت‌وگوها صدای دانش‌آموز را به گوش معلم رساند.

نکته دیگر این است که اطلاعات معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در مجله ضعیف است. پیشنهاد می‌کنم معلمان را در این زمینه آگاه کنید. بعضی مقدمه‌هایی که برای مصاحبه‌ها نوشته می‌شوند از همان اول راه را بر مخاطب می‌بندند.

حمیدرضا امیری، سردبیر رشد برهان متوسطه دوم: چند پیشنهاد دارم: در پشت جلد شماره سه همایش ملی آموزش ابتدایی را معرفی کرده‌اید. چقدر از مقالات این همایش در مجله استفاده شده است؟ پیشنهاد می‌کنم که آن‌ها را دنبال کنید. در هر شماره می‌توان در مورد چالش‌هایی که در کتاب‌های درسی جدیدالتألیف وجود دارد، صحبت کرد. معلمان در این زمینه دچار مشکل هستند. نکته دیگر پاسخ‌گویی به سؤالات متداول توسط کارشناسان است. و سرانجام نقش کم‌رنگ اولیاست. اولیا مخاطب اصلی شما نیستند، اما درگیر هستند.

مجدفر: فکر می‌کنم دوستان به‌طور کامل مجلات را ندیده‌اند. در مورد ساختار مجله، باید ببینیم مجله بر اساس اهدافش پیش رفته است یا نه. در مورد سوتیتر هم مجله مقاله‌های کمتر از دو صفحه دارد و خود به خود مقاله یک باکس است و جایی برای سوتیتر ندارد. اغلب مطالب مجله به سوتیتر نیاز ندارد. نکته آخر اینکه من به بسیاری از محاسن مجله به خاطر کمبود وقت اشاره نکردم.

ملکی: در پاسخ به صحبت آقای مجدفر در مورد ساختار، من به تحقیق گفتم که مجله ساختار ندارد. مجله از نظر مخاطب دارای نظم و ساختار بندی مناسب نیست. مخاطب باید یک نظم ذهنی در مجله ببیند که چنین



چیزی وجود ندارد.

اصغر ندیری، سردبیر رشد آموزش ابتدایی: از دوستان تشکر می‌کنم. در مواردی که دوستان فرمودند، احساس می‌کنم سلیقه‌ها وارد شده است. آموزش ابتدایی یک دریاست و مطالب بسیاری دارد. ما طبق چارچوبی که داریم حرکت می‌کنیم و می‌کوشیم حرکتان بر اساس برنامه‌های دفتر باشد. در مورد مطالب مجله من تلاش کرده‌ام مطالب متنوعی را بیاورم و مختصر و مفید باشد.

محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: من به این نکته قائل هستم که کار در مجله از جنس یادگیری است. وقتی آقای طلایی در حین کار تذکر بدهند، اثربخشی آن بالا خواهد بود. وقتی آقای طلایی ایراد من را بیان می‌کند مچ‌گیری من نیست، دستگیری از من است. این موقعیت‌های یادگیری را نباید از دست دهیم.

محب‌اله همتی، ناظر محتوایی مجلات رشد: شما می‌توانید برای ایجاد این موقعیت‌های یادگیری جلسه‌های درون هیئت تحریریه خودتان داشته باشید.

صغری ملکی



قربانی: به نظر من شب امتحان شب رفع اشکال است، شب یادگیری نیست. اصلاح شب امتحان با اصلاح درس دادن متفاوت است و من همیشه این تفکر را در آقای طلایی دیده‌ام.

مجید راستی، سردبیر رشد کودک: خیلی ممنون. استفاده کردم. در مورد زبان نکته‌ای داشتیم. زبان صرف کاری از پیش نمی‌برد. زبان به همراه لحن است که اثرگذار می‌شود. اگر به لحن کم بها بدهیم، ممکن است زبان غریبه باشد.

طلایی: من به نکته‌ای اشاره کنم. ما در کارمان باید به نحوی رفتار کنیم که هویت گرافیک را هم در نظر بگیریم. گرافیک باید نسبت به کار خود احساس مالکیت کند تا کارش قابل دفاع باشد.

محمد ناصری، مدیر مسئول مجلات رشد: از آقای ندیری تشکر می‌کنم. از آقای مجدفر به خاطر دقت نظری که داشتند ممنونم. صحبت‌های ایشان فراتر از یک مجله بود. از خانم ملکی ممنونم که معمولاً صریح‌اللهجه صحبت می‌کنند. من خواهش می‌کنم همه ما در مورد نوشتن مؤثر فکر کنیم. این مسئله ما در مجلات رشد است. زبان تأثیرگذار معلم چیست؟ توجه داشته باشیم گروه مسنی این کار را اداره می‌کند و فراموش نکنیم، معلمان ما جوان هستند. راه نجات ما در ایمان داشتن به جوانان است. مملکت را جوانان پیش می‌برند. ما بافت مسنی داریم. این ارزش مسن‌ها را کم نمی‌کند، توجه ما به جوانان را زیاد می‌کند. نکات آقای دادار بسیار اهمیت دارند. نقد آقای طلایی ارزشمند است. موضع ما در این جلسه نقد است و قرار نیست دفاع کنیم.





طبقه‌بندی سنی مجله‌های کودک در دنیا

و نیم قرن می‌گذرد. در اولین مجلاتی که از سال ۱۷۳۱ میلادی تا اوایل قرن بیستم منتشر می‌شدند، مقاله، داستان، شعر و مطالبی دربارهٔ سیاست انتشار می‌یافت و سرگرم کردن مردم هدف اصلی گردانندگان آن‌ها بود. اما با گسترش و پیشرفت‌های چشمگیر صنعت چاپ، مجله‌های متنوعی با اهدافی فراتر از سرگرم کردن مخاطبان منتشر شدند. به‌طوری که امروزه با طیف وسیعی از مجلات سیاسی، ورزشی، علمی، آموزشی و سرگرم کننده روبه‌رو هستیم که هر کدام گروه خاصی از مخاطبان عام و خاص را از گروه‌های سنی متفاوت، به خود جلب می‌کنند. در این میان، مجلاتی که ویژهٔ کودکان و نوجوانان منتشر می‌شوند، سهم قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند [سالاری، ۱۳۸۴].

امروزه در سراسر جهان، تعداد مجله‌های کودکان رو به افزایش است و مجله‌های خوب و با کیفیت کودکان به ابزاری قدرتمند در جلب کودکان به مطالعه و خواندن مطالب

عصر الکترونیک و انفجار اطلاعات و ارتباطات، تحولات شگرفی را پیش روی بشر قرار داده است؛ تحولاتی که ناشی از افزایش دانش بشری و تبادل سریع اطلاعات‌اند و محور پیشرفت و توسعهٔ جوامع انسانی محسوب می‌شوند. در چنین شرایطی، رشد روزافزون رسانه‌های گوناگون ارتباطی و فناوری‌های چاپ و نشر، تخصصی شدن علوم، افزایش تعداد دانشمندان فعال و فعالیت‌های تحقیقاتی، باعث افزایش حجم انتشارات و اطلاعات علمی در همهٔ علوم و فنون شده است. در این میان، مجله‌ها از پرکاربردترین رسانه‌های آموزشی و اطلاعاتی هستند که در چرخهٔ تولید، انتقال و اشاعهٔ اطلاعات علمی، به‌خصوص ارتقای کیفی آموزش و روزآمد کردن مستمر دانش منابع انسانی سازمان‌ها و جوامع نقش بسزایی دارند. این رسانه‌ها در موضوع‌ها و قالب‌های گوناگون و با اهداف و مخاطبان خاص منتشر می‌شوند [هاشمی، ۱۳۹۳]. از انتشار نخستین مجله به مفهوم امروزی آن، بیش از دو



با ظاهری موجه‌تر و ویژگی‌های برتر و با تغییر عنوان عمومی به رشد، توسط «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش انتشار یافتند. در حال حاضر، تعداد ۳۱ عنوان مجله رشد برای انواع گروه‌های سنی دانش‌آموزی و نیز معلمان، کارشناسان و دانشجویان منتشر می‌شود [مظاهری، ۱۳۹۲]. تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه نشریه‌های آموزشی رشد انجام شده‌اند. این ارزیابی‌ها که اکثر آن‌ها با روش تحلیل محتوا انجام شده‌اند، نتوانسته‌اند جو‌چین پژوهشی کاملی از بررسی همه جانبه مجله‌های مورد نظر ارائه دهند و یافته‌های آن‌ها اکثراً حول و حوش وضعیت محتوایی مجله‌ها بوده است. برای اینکه بتوان تصویری کامل‌تر از وضعیت این مجله‌ها به دست آورد و به تبع آن ضعف‌ها و نواقص احتمالی آن‌ها را هم نشان داد، نیاز است که این مجله‌ها جدا از تحلیل محتوا از جنبه‌های دیگری نیز مورد ارزیابی قرار گیرند. یکی از این جنبه‌ها

الهام‌بخش و مفید تبدیل شده‌اند [شاه محمدی، ۱۳۹۰]. اکثر مجله‌ها و نشریه‌های کودکان مطالبی مفرح، خلاق و پرشور برای خوانندگان خود مهیا می‌سازند و این شانس را به کودکان می‌دهند که دنیای هنر را بی‌واسطه کشف کنند. مسابقه‌های خلاق هم‌چون داستان‌نویسی، مقاله‌نویسی و نقاشی برگزار می‌کنند و با انتشار آثار کودکان و اهدای جایزه، آن‌ها را به تلاش در این زمینه‌ها تشویق می‌کنند. این مسابقات برای طیف وسیعی از کودکان امکان‌پذیر و توسعه‌ی‌توانایی‌های خود را در زمینه نوشتن و هنرهای دیگر فراهم می‌سازند. در کشور ما، مجموعه «مجلات رشد» که مخاطبان اصلی آن‌ها دانش‌آموزان هستند، به علت محتوای آموزشی غنی و تنوع در قالب‌های ارائه محتوا، همواره مورد اقبال مخاطبان خود قرار گرفته‌اند [امیر تیموری، ۱۳۷۷]. این مجلات که قبل از انقلاب اسلامی با عنوان «پیک» و با شمارگانی محدود منتشر می‌شدند، بعد از پیروزی انقلاب نیز



مجله‌ها از
پرکاربردترین
رسانه‌های آموزشی و
اطلاعاتی هستند که
در چرخه تولید، انتقال
و اشاعه اطلاعات
علمی، به‌خصوص
ارتقای کیفی آموزش
و روزآمد کردن مستمر
دانش منابع انسانی
سازمان‌ها و جوامع
نقش بسزایی دارند

منظور از کودک کسی است که زیر سن بلوغ قرار دارد [آکسفورد، ۱۹۸۰]. در اصطلاح حقوقی نیز «کودک» یا «صغیر» به کسی گفته می‌شود که از نظر سنی به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد [گلدشتی، ۱۳۵۵]. اما به دلیل اینکه مغایرت‌های قانونی زیادی در این زمینه وجود دارد، هنوز در ایران سن واحدی برای تشخیص کودک وجود ندارد.

از طرفی مطابق یافته‌های روان‌شناختی، نوجوانی نیز مرحله‌ای در چرخه تحول روانی است که پس از کودکی به وقوع می‌پیوندد و دوره تغییرات عمیق و واقعاً به منزله دگرگون شدن است. نوجوانی و به‌خصوص سال‌های اول آن، قبل از هر چیز دوران تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است [یاسایی، ۱۳۶۸]. حال بعد از اینکه تعریفی از کودک و نوجوان ارائه شد، باید دید ادبیات کودک و نوجوان به چه معناست. ادبیات کودک و نوجوان به نوشته‌ها و سروده‌های ادبی ویژه کودکان و نوجوانان می‌گویند. این نوع ادبیات، هم شامل بخشی از فرهنگ شفاهی عامه، مانند لالایی‌ها، مثل‌ها و قصه‌هاست، و هم شامل داستان‌ها، نمایش‌نامه‌ها، شعرها و اشعار و نیز نوشته‌هایی در زمینه دین، دانش اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی که نویسندگان و سرایندگان برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آورند [انوشه، ۱۳۷۶].

ادبیات کودک و نوجوان در ایران

شاید ا عراق نباشد اگر بگوییم، ایرانیان از قدیم به امر تربیت کودک توجه ویژه‌ای داشته‌اند و آن را یکی از وظایف مهم والدین می‌دانسته‌اند. به طوری که کمتر نوشته ادبی را می‌توان

مطالعه تطبیقی و مقایسه مجله‌های رشد با مجله‌های همسان آن‌ها در دیگر کشورهاست. با انجام این پژوهش، می‌توان دریافت که در این کشورها ملاک‌های دسته‌بندی آن‌ها برای گروه‌های سنی مخاطب چیست. زیرا این دسته‌بندی‌ها، به خصوص گروه‌بندی سنی، نقش مهمی در تطابق نیازهای مخاطبان با محتوا و شیوه نگارش و گرافیک مجلات دارد. به هر حال این نوع مواد آموزشی برای حضور پویا در نظام آموزشی نیازمند روزآمدسازی و ارتقای مستمر و دائمی است و چنین مطالعات و پژوهش‌هایی می‌توانند، راهکارهای لازم را برای پویایی و تحول هم‌گام با محیط به شدت متغیر کنونی در اختیار دست اندرکاران مجلات قرار دهند.

مجلات کودکان: تعاریف و ویژگی‌ها

کلمه «مجله» از نظر لغوی به معنای انبار کالاهای گوناگون است. «مجله کودکان» نشریه‌ای ادواری است با ترکیبی از مطالب گوناگون (شامل انواع ادبی گوناگون اعم از داستان، غیر داستان، فانتزی و شعر و سرگرمی‌های متنوع مانند جدول، کاردستی، تصویر، عکس و...) که برای گروهی خاص (از نظر سنی، جنسی یا تحصیلی) به شکلی منظم منتشر می‌شود. متون انتخابی نسبتاً کوتاه، تنوع موضوعی و شکل یا فرمت ویژه، از عواملی هستند که کودکان را به خواندن مجله تشویق می‌کنند. این ویژگی‌ها پاسخ‌گوی نیازهای کودکان دارای علاقه‌ها و ذائقه‌های مختلف‌اند و آن دسته از کودکانی را که از خواندن مطالب بلند و سنگین پرهیز دارند، ارضا می‌کنند [شاه محمدی، ۱۳۹۱].

اگر بخواهیم تعریفی از کودک ارائه کنیم، باید بگوییم

کودک و نوجوان، دیگر چنین چیزی ممکن نیست. علاوه بر این، تلاش بر آن است که ثابت شود، برای صفر تا دو سالگی، دو تا چهار سالگی، چهار سالگی تا دبستان و نیز آغاز دبستان و سال‌های دبستان مجله‌های جداگانه‌ای نیاز داریم. در دوره صفر تا چهار سالگی مجله‌هایی لازم داریم که کودک و والدین در کنار هم جذب مجله شوند. در دوره‌های بعدی نیاز است که بیان تصویری بر بیان کتبی ارجحیت پیدا کند. در دوره دبستان بی‌تردید تعریف مجله به سویی می‌رود که بزرگسال از کنار کودک به هنگام خواندن مجله حذف شود. مجله‌های نوجوانان در این باره اگر به سوی به رسمیت شناختن نوعی پنهان‌کاری بروند، موفق‌تر خواهند بود. یعنی مطالب به گونه‌ای فراهم شوند که نوجوان خود را نیازمند مجله ببیند و در عین حال حس کند که باید مجله خودش را از دید و نگاه بزرگ‌ترهای خانواده دور نگه دارد [رحماندوست، ۱۳۸۷].

تقسیم‌بندی سنی در ادبیات کودک و نوجوان

ادبیات مدرن کودکان به دو روش طبقه‌بندی می‌شود: بر اساس «ژانر» یا بر اساس «سن خاص مخاطب». معیارها برای تقسیم‌بندی بر اساس سن چندان واضح نیست و کتاب‌هایی که در محدوده سنی مرزی قرار دارند، ممکن است در هر دو گروه طبقه‌بندی شوند. کتاب‌های مختص کودکان معمولاً به زبان ساده نوشته می‌شوند و در آن‌ها از تصویرهای بزرگ و متعدد استفاده می‌شود. اما کتاب‌هایی که برای نوجوانان می‌نویسند، ادبیات ثقیل‌تری دارند و در آن‌ها از تصاویر کمتری استفاده می‌شود. تقسیم‌بندی بر اساس سن در گروه‌های زیر انجام می‌شود:

۱. کتاب‌های تصویری: مناسب برای مخاطبینی که به تازگی خواندن را فراگرفته‌اند یا برای کودکان ۵-۰ سال.
۲. کتاب‌هایی برای خوانندگان مبتدی: مناسب برای

یافت که به تربیت کودک و ضرورت آن اشاره نکرده باشد. اما این نقطه ضعف از دیدگاه روان‌شناسی و آموزش و پرورش در آن‌ها دیده می‌شود، که در تمام آن‌ها کودک کوچک شده بزرگسالان پنداشته شده، و به آینده کودک بیش از حال او توجه شده است. به همین سبب ادبیات کودکان به معنا و مفهومی که ما امروز از آن داریم، در ایران کاملاً تازگی دارد و شاید تاریخ آن از ربع قرن بیشتر تجاوز نکند [شعاری نژاد، ۱۳۷۰].

کلیدواژه‌ها: مجله کودک، طبقه‌بندی سنی، طبقه‌بندی، ادبیات کودک و نوجوان، مطالعه تطبیقی

معیارهای تقسیم‌بندی مجلات در دنیا و ایران

مجله باید در تهیه، تدوین و تنظیم مطالب و فرم و گرافیک اصول ژورنالیستی را رعایت کند تا مخاطب جذب و به خرید ترغیب شود. از نظر این اصل کلی تفاوتی بین مجلات وجود ندارد. اما از این نظر که برای جذب مخاطبان مختلف جاذبه‌های متفاوتی مورد نیاز است، می‌توان مجلات را از هم جدا کرد. کودک و نوجوان به دلیل محدودیت‌هایی که ویژه گروه سنی آن‌هاست، از جمله محدودیت واژگان پایه، محدودیت دانستی‌ها، نداشتن تفکر منطقی و نظایر آن، نیازمند مجلاتی ویژه هستند. دست‌اندرکاران مطبوعات باید چنین ویژگی‌هایی را بشناسند و مورد توجه اکید قرار دهند. در مطبوعات کودکان و نوجوانان نیز اصل جذب مخاطب کاملاً مبتنی بر رعایت همین ویژگی‌هاست. از چنین منظری است که روزنامه‌نگاری و اصول و قواعدش در حیطه جذب کودکان و نوجوانان رنگ و بوی دیگری پیدا می‌کند. شاید قبلاً می‌شد برای مطبوعات کودک و نوجوان تعریف کوتاهی ارائه کرد. اما لاقلاً در سه دهه اخیر، به دلیل کشف تفاوت‌های عمده روان‌شناختی، میان سه گروه خردسال،

کودکان ۷-۵ سال. این کتاب‌ها غالباً برای افزایش مهارت‌های خواندن طراحی می‌شوند.

۳. **کتاب‌های فصل‌بندی شده:** مناسب برای کودکان ۷-۱۲ سال که به دو نوع تقسیم می‌شوند:

- **کتاب‌های دارای فصل‌های کوتاه:** مناسب برای ۷-۹ سال

- **کتاب‌های دارای فصل‌های بلند:** مناسب برای ۹-۱۲ سال

۴. **قصه‌های مخصوص نوجوانان:** مناسب برای ۱۲-۱۸ سال [اندرسون، ۲۰۰۸؛ از ویکی پدیا].

تقسیم‌بندی سنی در ایران

طبقه‌بندی سنی کتاب‌های کودک و نوجوان از سال‌ها پیش به صورت جسته و گریخته در ایران نیز انجام می‌شود. به نظر می‌رسد اولین بار «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» در سال ۱۳۶۰ روشی برای گروه‌بندی سنی کتاب‌ها تعریف کرد. در حال حاضر سال‌هاست که نه تنها آن را برای دسته‌بندی کتاب‌های خودش به کار می‌برد بلکه ناشران دیگر هم غالباً برای تعیین گروه سنی کتابی که چاپ می‌کنند، از همین دسته‌بندی استفاده می‌کنند. این دسته‌بندی کودکان و نوجوانان، یعنی همه افرادی را که در محدوده سنی ۳ تا ۱۷ سال قرار دارند، را شامل می‌شود و پنج گروه سنی دارد: «الف» (۳ تا ۵ سال)، «ب» (۶ تا ۸ سال)، «ج» (۹ تا ۱۰ سال)، «د» (۱۱ تا ۱۳ سال)، «ه» (۱۴ تا ۱۷ سال). دسته‌بندی دیگری در «وب سایت آمازون»، کتاب‌های گروه سنی دانش‌آموزان کلاس سوم دبستان تا سال‌های آخر دبیرستان را به دو گروه ۹ تا ۱۲ سال و نوجوانان دسته‌بندی می‌کند [شاه محمدی، ۱۳۹۰].

مجلات کودکان و دسته‌بندی سنی آن‌ها

• آمریکا

در ایالات متحده آمریکا ناشران متعددی در زمینه تولید مواد کمک آموزشی کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کنند و مجلات زیادی در این زمینه منتشر می‌شوند. از جمله «شرکت چاپ و نشر کاروس»^۱ که از ۳۵ سال پیش تا کنون کتاب‌ها و مجلات زیادی را برای گروه‌های سنی متفاوت به چاپ رسانده است. از مجلات چاپ شده توسط این شرکت می‌توان مجلات داستانی «کفش‌دوزک» (گروه سنی ۳ تا ۶ سال) و «کریکت»^۲ (گروه سنی ۹ تا ۱۴ سال)، و مجلات غیرداستانی (علمی، هنری و علوم انسانی) «پیرس»^۳ (گروه سنی ۷ تا ۱۰ سال) و «بیندیش»^۴ (کودکان و نوجوانان ۱۰ سال به بالا) را نام برد. از دیگر محصولات این شرکت، می‌توان به «اودیسه»^۵ (گروه سنی ۹ تا ۱۴ سال)، «صورت‌ها»^۶ (کودکان ۹ سال به بالا)، «دانه‌های سیب»^۷ (گروه سنی ۶ تا ۹ سال)، «حفاری»^۸ (گروه سنی ۹ تا ۱۴ سال)، «عنکبوت»^۹ (گروه سنی ۶ تا ۹ سال) و «دانستن»^{۱۰} (۶ تا ۹ سال) اشاره کرد.

هامتی دامتی^{۱۱}: مجله‌ای است برای (گروه سنی ۵ تا ۷ سال) که از اکتبر سال ۱۹۵۲ تا سال ۲۰۰۰ به عنوان مجله‌ای هم‌سو با «چیلدرن دایجست»^{۱۲} (گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال) توسط دفتر انتشاراتی کاروس به چاپ می‌رسید. در سال ۲۰۰۹ دو هفته نامه چیلدرن دایجست به «جک و جیل»^{۱۳} تغییر نام داد، اما هامتی دامتی همچنان با همان نام به چاپ می‌رسد و امروزه در کنار جک و جیل و «لاک پشت»^{۱۴} (گروه سنی ۳ تا ۵ سال) یکی از سه مجله‌ای است که توسط این شرکت انتشاراتی برای کودکان تهیه می‌شود.

خیال‌کن^{۱۵}: این گاه‌نامه آموزشی ۵ شماره در سال برای کودکان ۷ تا ۱۲ ساله آمریکایی به چاپ می‌رسد.

تایم برای کودکان^{۱۶}: توسط انتشارات «تایم»^{۱۷} در ایالات متحده آمریکا به چاپ می‌رسد. این مجله به صورت هفته‌نامه

در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و آن‌ها را به مطالعه علاقه‌مند می‌کند.

● انگلستان

آکویلا^{۱۸}: این مجله توسط انتشارات «جوانه تازه روپیده^{۱۹}» در انگلستان و برای گروه سنی ۸ تا ۱۳ ساله منتشر می‌شود و حاوی مطالبی دربارهٔ زبان انگلیسی، فضانوردی، ریاضیات، محیط زیست، تاریخ، فلسفه، شناخت حیوانات، هنر و ورزش است. «کلیک^{۲۰}» ویژهٔ گروه سنی ۳ تا ۶ سال، «سیکادا^{۲۱}» ویژهٔ گروه سنی بالای ۱۴ سال، «استوری باکس^{۲۲}» ویژهٔ گروه سنی ۳ تا ۶ سال از دیگر مجلات انگلستان هستند.

● هندوستان

در هندوستان چندین مجله مخصوص کودکان و نوجوانان وجود دارد. مجلهٔ «چامپک^{۲۳}» (ویژهٔ گروه سنی بالای ۱۲ سال) از سال ۱۹۶۸ تا کنون توسط «گروه مطبوعاتی دهلی^{۲۴}» در هندوستان چاپ می‌شود. از سال ۲۰۰۴، مجلهٔ دیگری با عنوان «اینده‌آهانش^{۲۵}» (رنگین‌کمان) اضافه شده است. این ماهنامه برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۶ ساله منتشر می‌شود. مجلهٔ «تات^{۲۶}» (ویژهٔ گروه سنی ۳ تا ۷ سال) و مجله «دیم دیم^{۲۷}» (ویژهٔ گروه سنی ۹ تا ۱۵ سال) و مجلهٔ «بعد از مدرسه^{۲۸}» (برای دانش‌آموزان دبستانی) از دیگر مجلات هندوستان هستند.

● استرالیا

«جدی نگیرید^{۲۹}» یکی از مجلات پرطرفدار استرالیایی است که دختران و پسران ۷ تا ۱۳ ساله آن را مطالعه می‌کنند. «دی ام ای جی^{۳۰}» (گروه سنی ۷ تا ۱۲ ساله) نیز از مجلات دیگری است که برای کودکان استرالیایی منتشر می‌شود.

● کانادا

اولین شمارهٔ «مجلهٔ بوف^{۳۱}» در سال ۱۹۷۶ توسط ناشر کانادایی، **بایارد^{۳۲}** کانادا منتشر شد. سالانه ۱۰ شماره از این مجله برای گروه سنی ۹ تا ۱۳ سال به زبان انگلیسی منتشر می‌شود. مجله «کریپ^{۳۳}» (ویژهٔ گروه سنی ۳ تا ۶ سال) و مجله «ماس^{۳۴}» (ویژهٔ گروه سنی ۹ تا ۱۴ سال) از دیگر مجلات کانادایی هستند.

● فرانسه

«گوزن^{۳۵}» به صورت ماهنامه در ۵۲ صفحه به چاپ می‌رسد. این مجله کودکان را به جست‌وجو و کشف طبیعت تشویق می‌کند. «سورتمه^{۳۶}» نیز مجله‌ای است که به صورت ماهنامه در ۳۶ صفحه منتشر می‌شود. داستان‌های بلند و کوتاه، بازی‌های آموزشی و معما از مطالب این مجله هستند. کودکان با مطالعهٔ این نشریه به ابزارهایی برای کشف بهتر دنیای اطرافشان دست می‌یابند. «فرره^{۳۷}» هم ماهنامه دیگری است که در ۳۶ صفحه منتشر شده و به کودکان در آموختن کلمه‌ها و تصویرها کمک می‌کند. داستان‌های بلند و کوتاه، شعرهای کودکانه، کمیک استریپ و برجسب‌های بزرگ و جالب از محتویات این مجله است.

● امارات

ماجد^{۳۸}: نام مجموعه کتاب‌های کمیک و مجله‌ای مخصوص کودکان ۹-۱۲ سال است که در ابوظبی برای کودکان و نوجوانان اماراتی منتشر می‌شود. اولین شمارهٔ این مجله در سال ۱۹۷۹ منتشر شده است.

● چین

اولین شماره مجله «دنیای داستان‌های علمی»^{۳۹} در سال ۱۹۷۹ برای کودکان و نوجوانان چینی در این کشور به چاپ رسید.

● روسیه

اولین شماره مجله «مورزیلکا»^{۴۰} در سال ۱۹۲۴ منتشر شد. ماهنامه‌ای ادبی و هنری است که برای کودکان ۶ تا ۱۲ ساله روسی چاپ می‌شود.

● پاکستان

مجله «سنتره»^{۴۱} از ژانویه سال ۲۰۰۸ میلادی تاکنون توسط انتشارات کفایت^{۴۲}، بزرگ‌ترین شرکت انتشاراتی پاکستان، در کراچی به چاپ می‌رسد. این مجله در قالب ماهنامه و به زبان اردو منتشر می‌شود. سنتره به عنوان بخشی از مواد خوانداری زبان اردو در برنامه درسی مدارس پاکستان، برای آموزش خواندن به دانش آموزان ۸ تا ۱۲ ساله (دوره ابتدایی) گنجانده شده است.

● عراق

مجله «په په ووله»^{۴۳} ماهنامه‌ای آموزشی است که اولین شماره آن در بهار ۱۹۹۲ توسط انتشارات «رهایب کودکان کردستان»^{۴۴} منتشر شد. تنها مجله آموزشی است که به زبان کردی در کردستان عراق به چاپ می‌رسد.

● ایران

رشد کودک (ویژه گروه سنی ۶ تا ۷ سال)، **رشد نوآموز** (ویژه گروه سنی ۸ تا ۹ سال)، **رشد دانش آموز** (ویژه گروه سنی ۱۰ تا ۱۲ سال)، **رشد نوجوان** (ویژه گروه سنی ۱۳ تا ۱۵ سال)، **رشد جوان** (ویژه گروه سنی ۱۶ تا ۱۸

سال)، **کیهان بچه‌ها** (ویژه گروه سنی نوجوان)، **سروش کودکان** (ویژه گروه سنی ۷ تا ۱۱ سال)، **شاهد کودک** (ویژه کودکان)، **شاهد نوجوان** (ویژه گروه سنی ۱۱ تا ۱۶ سال)، **شاهد جوان** (ویژه گروه سنی ۱۷ تا ۲۵ سال) و **سروش خردسالان** (ویژه گروه سنی ۳ تا ۷ سال) از جمله مجلات ایرانی هستند. تنها روزنامه‌ای که متعلق به گروه سنی نوجوانان است و در نیم سال اول عرضه می‌شود، روزنامه «گنبد کبود» است. ماهنامه «موعود جوان» نیز برای گروه سنی دبیرستان منتشر می‌شود. «سلام بچه‌ها» ماهنامه‌ای فرهنگی ویژه نوجوانان کشور است. «معارف»، «داستان»، «شعر»، «اجتماعی» و «آسمانه» از جمله بخش‌های مجله «سلام بچه‌ها» است که در هر شماره مطلبی خاص نوجوانان دارد. این مجله در اولین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان به عنوان بهترین نشریه کودکان و نوجوان برگزیده شد. سپس بار دیگر در چهارمین جشنواره مطبوعات به عنوان بهترین نشریه نوجوانان انتخاب شد (بایگه اطلاع رسانی حوزه).

مجله «پوپک» نیز یک ماهنامه فرهنگی برای کودکان ایران است. شروع انتشار این مجله از مرداد ۱۳۷۳ بوده و صاحب امتیاز آن «دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» است. مجموعه مجلات «دوست» نیز در برای سه دوره سنی خردسال، کودک و نوجوان چاپ می‌شود.

صاحب امتیاز این مجلات نیز «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)» است. از طرف دیگر ماهنامه‌های «نبات» و «نبات کوچولو» از سال ۱۳۸۹ به عنوان اولین مجلات تخصصی برای دو گروه سنی کودک (۷-۱۲ سال) و خردسال (۳-۶ سال) فعالیت خود را شروع کردند و از سال ۱۳۹۳ فعالیت خود را در قالب «مؤسسه فرهنگی فردای روشن کودک» ادامه دادند. مؤسسه فردای روشن کودک به صورت تخصصی در زمینه تولید محتوا (داستان، شعر،

بازی و سرگرمی) به صورت مکتوب، چند رسانه‌ای و برخط با خردسالان فعالیت می‌کند. هدف آموزش و پرورش مهارت‌های مختلف برای کودکان و

- مجلات مورد بررسی در آمریکا دارای دسته‌بندی‌های سنی

جدول ۱. دسته‌بندی سنی مجلات در کشورهای مورد بررسی

در جدول ۱ مجلاتی که در هر کشور منتشر می‌شوند، به ترتیب گروه سنی آورده شده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود:

کشور	نام مجله	رده سنی
آمریکا	لاک‌پشت	۳-۵ سال
	کفشدوزک	۳-۶ سال
	هامتی دامتی	۵-۷ سال
	دانه‌های سیب	۶-۹ سال
	عنکبوت	۶-۹ سال
	دانستن	۶-۹ سال
	چیلدرن دایجست	۶-۱۲ سال
	بیرس	۷-۱۰ سال
	خیال‌کن	۷-۱۲ سال
	حفاری	۹-۱۴ سال
	اودیسه	۹-۱۴ سال
	کریکت	۹-۱۴ سال
	صورت‌ها	۹ سال به بالا
	بیندیش	۱۰ سال به بالا
انگلستان	تایم برای کودکان	دانش آموزان
	کلیک	۳-۶ سال
	استوری باکس	۳-۶ سال
	آکویلا	۸-۱۳ سال
	سیکادا	بالای ۱۴ سال
هندوستان	بعد از مدرسه	دبستان
	چلمپک	بالای ۱۲ سال
	تات	۳-۷ سال
	دیمدیم	۹-۱۵ سال
استرالیا	رنگین کمان	۹-۱۶ سال
	جدی‌نگرید	۷-۱۳ سال
کانادا	دی ام جی	۷-۱۲ سال
	بوف	۹-۱۳ سال
	کریپ	۳-۶ سال

کشور	نام مجله	رده سنی
فرانسه	کودکان	کودکان
	سورتمه	کودکان
	فریره	کودکان
امارات	ماجد	۹-۱۲ سال
چین	دنیای داستان‌های علمی	کودکان و نوجوانان
روسیه	مورزلیکا	۶-۱۲ سال
پاکستان	سنتره	۸-۱۲ سال
عراق	په په وله	کودکان
ایران	رشد کودک	۶-۷ سال
	رشد نوآموز	۸-۹ سال
	رشد دانش‌آموز	۱۰-۱۲ سال
	رشد نوجوان	۱۳-۱۵ سال
	رشد جوان	۱۶-۱۸ سال
	کیهان بچه‌ها	نوجوان
	سروش خردسالان	۳-۷ سال
	سروش کودکان	۷-۱۱ سال
	شاهد کودک	کودکان
	شاهد نوجوان	۱۱-۱۶ سال
	شاهد جوان	۱۷-۲۵ سال
	گنبد کبود	نوجوان
	سلام بچه‌ها	نوجوان
	پوپک	کودک
	دوست خردسالان	پیش‌دبستانی
	دوست کودک	کودکان
	دوست نوجوان	نوجوانان
	نبات کوچولو	۳-۶ سال
	نبات	۷-۱۲ سال
	موعود جوان	دانش‌آموزان دبیرستانی

جدول ۲. دسته‌بندی مجلات در چهار گروه سنی

کشور	پیش از دبستان	دبستان	نوجوان	جوان
آمریکا	لاک‌پشت سال ۳-۵	دانه‌های سیب سال ۶-۹	حفاری سال ۹-۱۴	-
	کفشدوزک سال ۳-۶	عنکبوت سال ۶-۹	اودیسه سال ۹-۱۴	-
	هامتی دامتی سال ۵-۷	دانستن سال ۶-۹	کریکت سال ۹-۱۴	-
	-	چیلدرن دایجست سال ۶-۱۲	صورت‌ها سال ۹ به بالا	-
	-	بپرس سال ۷-۱۰	بیندیش سال ۱۰ به بالا	-
	-	خیال‌کن سال ۷-۱۲	تایم برای کودکان	-
انگلستان	کلینک سال ۳-۶	آکویلا سال ۸-۱۳	سیکادا بالای ۱۴ سال	-
	استوری‌باکس سال ۳-۶	-	-	-
هندوستان	تات سال ۳-۷	-	چلمیک بالای ۱۲ سال	-
	-	-	دیمدیم سال ۹-۱۵	-
	-	-	رنگین کمان سال ۹-۱۶	-
استرالیا	-	جدی نگیرید سال ۷-۱۳	-	-
	-	دی ام جی سال ۷-۱۲	-	-
کانادا	کرپ سال ۳-۶	بوف سال ۹-۱۳	-	-
فرانسه	استوری‌باکس سال ۳-۶	گوزن کودکان	-	-
	-	سورتمه کودکان	-	-
	-	فرقه کودکان	-	-
امارات	-	ماجد سال ۹-۱۲	-	-

متفاوتی هستند و یک دسته‌بندی مشخص و یک شکل ندارند. برای مثال، مجلهٔ لاک‌پشت برای گروه سنی ۳ تا ۵ سال، اما مجلهٔ کفشدوزک برای گروه سنی ۳ تا ۶ سال منتشر می‌شوند.

- در انگستان مجلات مورد بررسی مربوط به سه گروه سنی ۳ تا ۶، ۸ تا ۱۳ و ۱۴ سال به بالا هستند.

- در هندوستان مجلات مورد بررسی متعلق به گروه سنی ۳ تا ۶، ۸ تا ۱۳ و بالای ۱۴ سال هستند. تنها مجلهٔ بعد از مدرسه متعلق به کل دانش‌آموزان دبستانی است.

- در استرالیا مجلات بررسی شده مربوط به گروه سنی ۷ تا ۱۲ یا ۱۳ سال هستند.

- در کانادا مجلات متعلق به گروه سنی ۳ تا ۶ سال و ۹ تا ۱۳ سال هستند.

- در مجلات فرانسه گروه سنی ذکر نشده است. مجلات کشورهای امارات، روسیه و پاکستان مربوط به گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال هستند.

- در مجلات چین و عراق گروه سنی ذکر نشده است.

- بین مجلات ایران نیز دسته‌بندی‌های متفاوتی مشاهده می‌شود.

با عنایت به وجود تفاوت بسیار زیاد بین مجلات از منظر دسته‌بندی سنی آن‌ها، به منظور کسب نتایجی مدون از این مقایسه، تمام مجلات در چهار دستهٔ سنی تقسیم‌بندی شده‌اند. در این تقسیم‌بندی که آن را در جدول ۲ مشاهده می‌کنید، مجلات به چهار گروه پیش از دبستان، دبستان، نوجوان و جوان تقسیم شده‌اند.

امارات، چین، روسیه، پاکستان و عراق نیز به همین شیوه عمل کرده‌اند. اما در ایران این روند کاملاً متفاوت است و برای سنین از دورهٔ پیش دبستانی تا جوانی مجلات متنوعی تولید و منتشر می‌شود. گروه مجلات رشد در این زمینه بیشترین تنوع را دارند و تقسیم‌بندی سنی آن‌ها از شش سالگی شروع می‌شود و در ادامه، هر مجله هر دو سال را در بر می‌گیرد.

در نهایت رشد جوان تا پایان دوران تحصیل یعنی ۱۸ سالگی را پوشش می‌دهد. مجلات کیهان بچه‌ها، سروش، شاهد، دو چرخه، همشهری بچه‌ها، سلام بچه‌ها، پوپک، نبات کوچولو و ... نیز از دیگر نشریات کودکان در ایران هستند. سروش در دو گروه پیش از دبستان و دبستان و شاهد در سه گروه دبستان، نوجوان و جوان فعالیت می‌کند. دو مجلهٔ گنبد کبود و موعود جوان نیز به ترتیب برای نوجوانان و جوانان تولید می‌شود.

به نظر می‌رسد ایران بین بقیهٔ کشورهای کامل‌ترین تقسیم‌بندی را در تولید مجلات دارد و تمام گروه‌های سنی از پیش از دبستان تا پایان تحصیل را شامل می‌شود که این موضوع موجب می‌شود، مخاطب کودک، نوجوان و جوان حق انتخاب بیشتری در این خصوص داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Carus publishing Company
2. Cricket
3. Ask
4. Muse
۵. Odyssey
6. Faces
7. Apple seeds
8. Dig
9. Spider
10. Know
11. Humpty Dumpty

کشور	پیش از دبستان	دبستان	نوجوان	جوان
چین	-	دنیای داستان‌های علمی کودکان و نوجوانان	-	-
روسیه	-	مورزیلکا ۶-۱۲ سال	-	-
پاکستان	-	سنتره ۸-۱۲ سال	-	-
عراق	-	په په وله کودکان	-	-
ایران	رشد کودک ۶-۷ سال	رشد نوآموز ۸-۹ سال	رشد نوجوان ۱۳-۱۵ سال	رشد جوان ۱۶-۱۸ سال
	سروش خردسالان ۳-۷ سال	رشد دانش آموز ۱۰-۱۲ سال	کیهان بچه‌ها نوجوان	شاهد جوان ۱۷-۲۵ سال
	دوست خردسال	سروش کودکان ۷-۱۱ سال	شاهد نوجوان ۱۱-۱۶ سال	موعود جوان دانش آموزان دبیرستانی
	نبات کوچولو ۳-۶ سال	شاهد کودک کودکان	سلام بچه‌ها نوجوان	-
	-	پوپک کودکان	دوست نوجوان نوجوان	-
	-	دوست کودک	گنبد کبود نوجوان	-
-	نبات ۷-۱۲ سال	-	-	

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بالاترین تعداد مجلات به کشور آمریکا اختصاص دارد. در این کشور مجلات به سه دسته پیش از دبستان، دبستان و نوجوان تقسیم می‌شوند، ولی در حوزهٔ جوانان مجله‌ای منتشر نشده است. می‌توان گفت تقریباً این روند در کشورهای دیگر هم وجود دارد و برای جوانان به ندرت مجله‌ای تولید می‌شود. در هندوستان مجلات متعلق به دو گروه سنی پیش از دبستان و نوجوان هستند. اما در دو کشور استرالیا و فرانسه مجلات تنها برای دبستانی‌ها تولید می‌شوند.

۴. خیرآبادی، معصومه (۱۳۹۱). نشریات آموزشی جهان. سالنامه رشد.
۵. رحماندوست، مصطفی و شامانی، محمد علی (۱۳۸۷). وضعیت روزنامه‌نگاری کودکان و نوجوانان. کتاب ماه کلیات. شماره ۱۳۴.
۶. سالاری، حسن (۱۳۸۴). معرفی و بررسی مجموعه مجلات کودک و نوجوان تایم. سالنامه رشد. شماره سوم. زمستان.
۷. شاه‌محمدی، نیره (۱۳۹۱). ۱۰۰ رسانه آموزشی جهان. سالنامه رشد.
۸. شاه‌محمدی، نیره (۱۳۹۱). مجلات کمک آموزشی کودکان در جهان. سالنامه رشد.
۹. شاه‌آبادی. (۱۳۹۰). دسته‌بندی کتاب‌های کودکان. روزنامه جام جم. دوشنبه ۲۷ تیر.
۱۰. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۰). ادبیات کودکان، تهران، موسسه اطلاعات. چاپ پانزدهم، ص ۳۷
۱۱. گیتی، خسرو و گیلدشتی، محمد رضا (۱۳۵۵). حمایت از محورین معلولین و انتشارات مرکز تحقیقات.
۱۲. مظاهری، حسن (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی مجله رشد کودک با مجله کودک کشورهای آمریکا، هند و انگلیس به منظور ارتقا مجله رشد کودک. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۱۳. هاشمی، شهناز. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی نشریه کمک آموزشی رشد دانش‌آموز با نشریه‌های آموزشی کشورهای آمریکا، انگلستان، امارات متحده عربی و لبنان به منظور ارتقای استانداردهای مجله رشد دانش‌آموز. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۱۴. هجری، محسن (۱۳۹۲). تقسیم‌بندی گروه‌های سنی در کتاب‌ها.
۱۵. یماسن، پاول (۱۳۶۸). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران.

16. "Review Board | Australian Classification". www.classification.gov.au. Retrieved 2016-04-30.
17. "Censored - a short history of censorship in New Zealand by Paul Christoffel (extract)". Archived from the original on May 21, 2010. Retrieved March 12, 2009.
18. Oxford companion to law. Clarendon Press Oxford. 1980. P211.

12. Children digest
13. Jack and Jill
14. Turtle
15. Imagine
16. Time for kids
17. TIME
18. Aquila
19. New leaf publishing ltd
20. Click
21. Cicada
22. Story Box
23. Champak
24. Delhi press group
25. Indrahanush
26. Toot
27. Dimdima
28. After school
29. Just kidding
30. DMAG
31. Owl
32. Bayard Canada
33. Chrip
34. Muse
35. Wappiti
36. Toboggan
37. Toupie
38. Majid
39. Sience fiction world
40. Murzilka
41. Suntra
42. Kifayat publishers
43. Pepule
44. Kurdistan Save the Children (KSC)

منابع

۱. امیر تیموری (۱۳۷۷). رسانه‌های آموزشی. انتشارات ساسان. تهران.
۲. انوشه، حسن (۱۳۷۶). دانش‌نامه زبان و ادب فارسی. سمت. تهران. چاپ اول.
۳. پایگاه اطلاع رسانی حوزه.



گام هفتم در جاده تولید محتوای الکترونیکی رشد

گزارش مراسم پایانی هفتمین جشنواره تولید
محتوای الکترونیکی رشد

و محوری در نیل به وضع مطلوب در تولید و بهره‌برداری از مواد و رسانه‌های آموزشی از دیگر اهداف برگزاری این جشنواره است. «مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در ادامه توضیح داد: «این جشنواره با حضور بیش از ۲۰۰ هزار نفر شرکت‌کننده برگزار شده که اجرای آن کار بسیار عظیمی است و جا دارد که از همه برگزارکنندگان آن تقدیر و تشکر به عمل آید. امروز برگزیدگان مرحله نهایی این جشنواره معرفی خواهند شد. این موفقیت برای آن‌ها مبارک باد و امیدواریم که در این عرصه توفیقات بیشتری کسب کنند.»

شادابی و تنوع در محیط‌های آموزشی

در ادامه این مراسم، سیدسعید بدیعی، معاون تکنولوژی آموزشی و دبیر جشنواره، گزارشی از چگونگی برگزاری «هفتمین جشنواره ملی تولید محتوای الکترونیکی رشد» ارائه کرد و گفت: «کار این جشنواره از مهرماه سال ۱۳۹۴

مراسم پایانی هفتمین جشنواره ملی تولید محتوای الکترونیکی و یژه دانش‌آموزان، فرهنگیان و دانش‌جو - معلمان در روز سه‌شنبه دوم شهریورماه ۱۳۹۵ در سالن امیرکبیر مدرسه دارالفنون برگزار شد.

توانمندسازی مدارس

محمد نصری، مدیرکل «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» در ابتدای این مراسم، ضمن خیرمقدم به حاضران، از همه دست‌اندرکاران و برگزارکنندگان جشنواره تشکر کرد و گفت: «ایجاد و شناسایی یک بانک بزرگ اطلاعاتی از مهم‌ترین اهداف این جشنواره است.» وی افزود: «تولید مواد و رسانه‌ها متناسب با نیاز معلمان و دانش‌آموزان و استفاده از آن‌ها در فرایند تدریس، زمینه‌سازی برای مشارکت فعال معلمان و مربیان در تولید، تکمیل و غنی‌سازی مواد و منابع متنوع یادگیری و توانمندسازی مدرسه برای ایفای نقش اصلی



دبیر هفتمین جشنواره تولید محتوای الکترونیکی رشد با بیان این مطلب که این جشنواره در مرحله استانی و کشوری برگزار شده است، گفت: «مرحله اول در استان‌ها برگزار شد و مرحله دوم آن کشوری بود. انصافاً همه آثاری که به مرحله کشوری رسیدند، آثار خوب، ارزشمند و برگزیده‌ای بودند. بنابراین همه خوب و برترند و بزرگانی که اسامی آن‌ها در ویژه‌نامه جشنواره درج شده است، نمونه‌ای از برگزیدگان هستند.» وی در ادامه گفت: «یک سامانه ثبت نام برای جشنواره پیش‌بینی کرده بودیم که در همان ابتدای کار بیش از ۲۴۰ هزار نفر در آن سامانه ثبت نام کردند. اما چون تعدادی از کارها نهایی نشده یا به مرحله استانی نرسیده بودند، در مجموع تعداد ۱۴۸۷۶۵ اثر پالایش شده به استان‌ها رسیدند که بعد از پالایش آن‌ها در استان‌ها، تعداد ۹۰۲۷۹ اثر در استان‌ها داوری شدند که کار خیلی سنگینی بود. سرانجام توسط استان‌ها انجام شد و ۴۷۵۰ اثر از آن‌ها به مرحله

با ارسال بخشنامه دستورالعمل برگزاری جشنواره به استان‌ها کلید خورد. این جشنواره در سه گروه دانش آموزان، معلمان و دانشجو - معلمان برگزار شد. گروه اول شامل دانش آموزان پایه ششم، متوسطه اول، متوسطه دوم و هنرجویان بود. گروه دوم شامل معلمان مدارس استثنایی، ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم و گروه سوم دانشجو معلمان بودند. امسال برای اولین بار بیش از ۷۰۰ دانشجو - معلم در این جشنواره شرکت کرده‌اند.» بدیعی سپس به اهداف جشنواره پرداخت و اظهار داشت: «هدف اصلی ما از برگزاری این جشنواره، ایجاد بانکی از اطلاعات محتوای تولید شده در استان‌هاست که ان شاءالله استان‌ها بتوانند به آن‌ها مراجعه کنند و محصولات تولیدی خودشان را ببینند.»

وی افزود: «از دیگر اهداف این جشنواره، ایجاد شادابی و تنوع در محیط‌های آموزشی و استفاده از توان معلمان و دانش آموزان در تولید محتوای الکترونیک است.»



ناصری: ایجاد و شناسایی یک بانک اطلاعاتی بزرگ، از مهم‌ترین اهداف برگزاری این جشنواره است.

اکنون افرادی سؤال کنند، چه تحولی اتفاق افتاده است. این موضوع مثل ساختمان سازی نیست که ظرف یک یا دو سال، ۱۰ یا ۲۰ طبقه بسازید و بگویید بیاید آن را ببینید. آثار و پیامدهای تحول در عرصهٔ تعلیم و تربیت، شاید یک یا دو نسل طول بکشد تا ظهور کند.

امروز که تحول در آموزش و پرورش شروع شده است، با یاری شما و نهادهای پشتیبانی، پشتیبانی می‌شود؛ با نگاه‌های تیزبینانهٔ مقام معظم رهبری تعقیب و رصد می‌شود و آثار مثبت خودش را اندک اندک نشان می‌دهد. البته ما مسئولان باید با دقت و مراقبت فرایند این تحول را در عرصه‌های مختلف و در ساحت‌های متنوع تربیتی رصد کنیم. برای مثال، ما در حوزهٔ تغییر محتوا، کتاب‌های پایه‌های اول تا ششم و پایه‌های هفتم تا نهم را تغییر داده‌ایم و امسال به پایهٔ دهم رسیده‌ایم. اما چنین نبوده است که ما تخته گاز حرکت کنیم و مراقب اطراف و جوانب خود نباشیم. امروز ما کارها را ایستگاه به ایستگاه، توسط پژوهشگران رصد کرده‌ایم که آیا همین هدف اجتماعی تربیت کردن، جامعه‌پذیری و ... که در سند تحول و برنامهٔ درسی آمده است محقق شده است، یا نه.»

دکتر محمدیان در ادامه گفت: «آثاری که شما تولید و در این جشنواره ارائه کرده‌اید، حاصل مشارکت است. یعنی بخشی از سند تحول اجرایی شده است. امروز بین دانش‌آموزان گفت‌وگو، سؤال کردن و فرهنگ نقدپذیری رایج شده است. ما برای پایهٔ ششم ابتدایی کتاب **تفکر و پژوهش** را تولید کرده‌ایم و این از جمله درس‌هایی است که دانش‌آموزان و معلمان از آن استقبال کرده‌اند. افراد باید این‌ها را ببینند. افرادی که سؤال می‌کنند که چه کرده‌اید، باید از خودشان بپرسند که ما برای تعلیم و تربیت کشور، برای تأمین مرجعیت معلم یا ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان چه کرده‌ایم؟ دمیدن در بوق شعار ساده است. دستگاه تعلیم و تربیت کشور در

کشوری راه یافتند. کار داوری روی آثار راه یافته به مرحلهٔ کشوری از فروردین امسال (۱۳۹۵) توسط هشت داور فنی آغاز شد. پس از چند ماه کار و تلاش داوران، ۴۸۵ اثر به عنوان برترین‌های استانی از ۳۰ استان انتخاب شدند و ما امروز ۸۱ اثر برتر کشوری آن‌ها را

مورد تشویق و تقدیر قرار داده‌ایم.» مهندس بدیعی در پایان اظهار داشت: «ما در شبکهٔ رشد بستری ایجاد کرده‌ایم که ان‌شاءالله همهٔ محصولات مناسب استان‌ها را روی شبکهٔ استانی خودشان بگذاریم؛ البته به شرط آنکه صاحبان آثار اجازهٔ این کار را هم به ما بدهند.»

تحول در آموزش و پرورش یک امر دفعی نیست

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر **محمی‌الدین بهرام محمدیان**، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سخنران بعدی این جشنواره بود. ایشان در آغاز سخنان خود ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطرهٔ شهیدان رجایی و باهنر، هفتهٔ دولت را تبریک گفت. وی در ادامه افزود: «تعلیم و تربیت کشور امروز در روند یک تغییر و تحول همه‌جانبه است. تحول در آموزش و پرورش امری دفعی نیست که





بدیعی: امسال برای
اولین بار بیش از ۷۰۰
دانشجو - معلم در
این جشنواره شرکت
کردند.

از همه شما دست‌اندرکاران و گروه‌های تولید و تحلیل محتوا در استان‌ها تشکر کنم. این اقدامات نشان می‌دهد که گروه‌های تولید و تحلیل محتوا در استان‌ها وجود دارند. چون ما می‌خواهیم در آینده بخشی از کارهای تولیدی سازمان را به استان‌ها بسپاریم و اقدامات شما

نشان می‌دهد که این ظرفیت در استان‌ها وجود دارد. اما بر این نکته هم تأکید می‌کنم هر جا که هستیم، باید یک قدم جلو برویم. آنچه اتفاق افتاده است، نقطه پایانی کار ما نیست. بلکه نقطه آغازین کار ماست. توجه داشته باشیم، آشنایی با این فضای جدید که آن را مجازی نمی‌دانم، بلکه فضای دوم و فضای توسعه یافته می‌دانم، ضرورت‌های خاص خودش را دارد که البته نیازمند مطالعه و کارهای جمعی است. وارد کردن دانش‌آموزان به این فضا و رها کردن آن‌ها کار درستی نیست. باز کردن این پنجره‌ها و آزاد گذاشتن عبور هر منظره‌ای از این پنجره کار عاقلانه نیست. این پنجره‌ها باید به سمت مناظری باز شوند که تعلیم و تربیت را مدد می‌کنند. ما باید بتوانیم هدایتگری آموزشی و تربیتی خودمان را داشته باشیم. البته ایجاد موقعیت و شرایط بهینه برای انتخاب دانش‌آموز و مخاطب جزو وظایف تعلیم و تربیت است. ما نمی‌گوییم که تا پایان عمر باید کسی دست او را بگیرد و راه ببرد، بلکه معتقدیم باید پاهای او را برای راه رفتن خوب توانمند کرد.»

دکتر محمدیان در پایان گفت: «امیدوارم که کارهای شما تداوم پیدا کند و شبکه ملی رشد از کارهای شما استفاده کند. شما باید دیده شوید و تلاش کنید که دیده شوید. دیده شدن در شبکه ملی رشد یک فرصت است. وقتی دیده شدید، می‌توانید حق الزحمه خود را هم از آن بردارید.»

در پایان مراسم، ضمن معرفی برگزیدگان مرحله نهایی جشنواره، جوایز آن‌ها نیز اهدا شد.

زمین سنگلاخ راه می‌رود. نباید به جای اینکه هموارش کنیم، دائم دست کسانی که رهروان آن راهاند را بگیریم و ایجاد مزاحمت کنیم.» وی گفت: «در سال ۱۳۸۵، در همین جشنواره تحلیل محتوا، ۷۶ نفر شرکت کرده بودند، اما امسال این رقم به ۲۴۰ هزار نفر

رسیده است. این نشان از نشاط و شور در دستگاه تعلیم و تربیت کشور دارد. این شور و نشاط در همه بخش‌های وزارت آموزش و پرورش وجود دارد و این‌ها بیانگر آن است که حجم عظیمی از کار دارد اتفاق می‌افتد. در سال‌های قبل در سازمان پژوهش معمولاً دو یا سه کتاب تغییر پیدا می‌کرد، امسال همکاران ما ۱۴۰ عنوان کتاب درسی تولید کرده‌اند. این امر سهل و ساده‌ای نیست؛ بسیار سخت است. من همکاران خودم را می‌بینم که گاه برای انجام کارها، شب‌ها در اداره مانده‌اند. واقعاً خجالت می‌کشم. چگونه می‌توان به این افراد گفت که شور و نشاط ندارید؟

همین جمعی که امروز اینجا آمده‌اند، همه با شور و نشاط‌اند. چطور می‌توان به آن‌ها گفت نشاط ندارید؟ بخشی از کارهای جدیدی که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در حوزه تولید محتوا اتفاق افتاده، مثل درس جدید **تفکر و سواد رسانه‌ای** که با همین جشنواره امروز ما مرتبط است، اقدام جدیدی است. البته هر امر جدیدی هم با مقاومت رو به رو خواهد شد و هم به قول شهید **مطهری** سنگ به آن خواهند زد. الان در کشور ما برخی این‌گونه شده‌اند که تا کار نمی‌کنی، حرف نمی‌زنند. ولی وقتی کاری کردی، می‌گویند آقا این کتاب به لحاظ علمی ضعف دارد یا از این قبیل حرف‌ها. خب شما بیابید کمک کنید تا اصلاح شود. اما به قول مولانا ای کاش نقدها را عیاری بود.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ادامه با تشکر از دست‌اندرکاران جشنواره، گفت: «ضروری می‌دانم که



سایبردراماتیک و فیلم آموزشی

گزارش کارگاه آموزشی «گذری بر سایبر دراما»
روایت تعاملی در فیلم آموزشی

اتصال تازه‌ای ایجاد کند.

اغلب شرکت‌کنندگان در این برنامه دانشجویان دانشکده سینما و تئاتر تهران بودند. پس از تعریف فیلم آموزشی و بازکردن عناصر، کلیدواژه‌ها و مؤلفه‌های آن، این پرسش مطرح شد که: «اساساً جایگاه فیلم آموزشی در فرایند آموزش چیست؟ و چگونه می‌توان اتصال قوی میان فیلم آموزشی و سینما برقرار کرد؟» پاسخ به این پرسش، اصلی‌ترین هدف کارگاه بود و همه برنامه‌های آن در جهت دستیابی به یک نتیجه‌گیری نهایی و قانع‌کننده طراحی شده بودند. همچنان که یک فیلم آموزشی خوب، به‌طور غیرمستقیم مخاطب را با خود همراه می‌کند تا پیام‌های آموزشی‌اش شنیده شود، این پرسش‌های نظیر آن نیز در سیر منطقی خود، دانشجویان را قدم به قدم به نتیجه موردنظر نزدیک می‌کرد.

رویدادهای دنیای دیجیتال

کارگاه با مروری بر رویدادهای دنیای دیجیتال و اثرات آن بر شکل بیان سینمایی ادامه پیدا کرد. رسانه‌های جدید

امسال برای نخستین بار، تعدادی از فیلم‌های چهل‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در دانشکده سینما و تئاتر تهران به نمایش گذاشته شد. فیلم‌ها همه‌روزه در یک نوبت برای دانشجویان علاقه‌مند اکران می‌شد. برگزاری برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی از دیگر اتفاقاتی بود که بخش نمایش فیلم‌ها را همراهی می‌کرد. یکی از این کارگاه‌های آموزشی، «سایبر دراما» (روایت تعاملی در فیلم آموزشی) بود که سه‌شنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۵ با سخنرانی وحید گلستان و با حضور دانشجویان در «سالن شهید فلاح پور» این دانشکده اجرا شد.

تعریف فیلم آموزشی

در این کارگاه آموزشی، ابتدا تعریف کوتاهی از فیلم آموزشی و مبحث روایت تعاملی (سایبر دراما) ارائه شد. سایبر دراما افق‌های تازه‌ای را در سینما گشوده است و این شیوه‌ی بیانی جدید می‌تواند با فیلم آموزشی نقاط مشترک و



که برای هر یک، فیلمی ساخته شده است. در این مجموعه با ده‌ها و گاهی حتی بیش از ۱۰۰ قطعه فیلم بسیار کوتاه روبه‌رو هستیم که هیچ‌کدام نسبت به دیگری اولویت خاصی ندارند و هر یک پاسخ‌گوی سؤالی کوتاه هستند.

چیدمان این فیلم‌ها به‌گونه‌ای است که انواع فایل‌های صوتی، عکس، پی‌دی‌اف آموزشی و دیگر اسناد آموزشی به آن ضمیمه می‌شوند. در نتیجه به مخاطب اجازه می‌دهد که برای ورود به مباحث آموزشی فیلم، خود مشارکت و تعامل داشته باشد. به‌گونه‌ای که هر جا احساس نیاز کرد، برگردد و دوباره ببیند و همچنین جاهای غیر ضروری را نادیده بگیرد و بیشتر بر قسمت‌های دلخواه خود تمرکز کند. برای نمونه این مخاطب است که تصمیم می‌گیرد در کنار دیدن فیلم، فایل‌های صوتی و اسناد آموزشی آن را ببیند یا نبیند. این تعامل علاوه بر جذاب بودن برای مخاطب، تجربه تازه‌ای را پیش‌روی او قرار می‌دهد، به‌گونه‌ای که با احترام گذاشتن به فردیت مخاطب، این امکان را برای او فراهم می‌کند تا اگر بخشی از اطلاعات فیلم برایش تکراری است و نیازی هم به آشنایی‌زدایی فرمیک وجود ندارد، به راحتی از دیدن این قسمت‌ها صرف‌نظر کند و به بخش‌های دیگر بپردازد.

این دقیقاً همان چیزی است که در مستند بر فراز آسمان رخ می‌دهد. این مستند یک نمونه از مبحث سایبردراماتیک به‌شمار می‌آید. سایبردراماتیک با محور قصه‌گویی ماهیت پیچیده‌تری دارد و برای آنکه مخاطب بتواند از آن استفاده کند، باید انواع گجت، ابزار و سخت‌افزار برای او تولید شود. به‌عبارت دیگر، تنها بحث نرم‌افزاری مؤلف یا فیلم‌ساز مطرح نیست، بلکه باید از سوی مخاطب هم، شرایط نمایشی متفاوتی ایجاد شود.

پای صحبت دانشجویان حاضر در کارگاه که می‌نشستیم، هدف اصلی حضور خود را کنجکاوی زیاد برای

می‌توانند افق تازه‌ای را پیش‌روی مخاطب مشتاق قرار دهند و تماشاچی را با آثاری با بیان جدید آشنا کنند. در زمینه رابطه سایبر دراما، ساختار مدرن و ساختار ارسطویی داستان‌گویی نیز با دانشجویان تبادل نظر شد. بررسی فرم‌هایی که می‌توانند با موضوع سایبردراما اجرا شوند و یا حتی قبلاً اجرا شده‌اند و نیز چگونگی کمک‌رسانی آن‌ها به فرایند فیلم آموزشی، بخش پایانی این نشست را به خود اختصاص داد.

فیلم مستند «بر فراز آسمان»

پس از پایان بحث‌ها، فیلم مستندی با عنوان «بر فراز آسمان» برای دانشجویان نمایش داده شد. این مستند که در واقع بسته‌ای آموزشی است، ساختاری متفاوت با دیگر مستندها را دنبال می‌کند. در مستندهای معمول، فیلم با یک سؤال آغاز می‌شود و در بستر خود ادامه می‌یابد تا در نهایت، خود به همه سؤالات پاسخ دهد. اما در مستند بر فراز آسمان، سؤالات به موضوعات ریز متفاوتی تبدیل شده‌اند



کسب اطلاعات بیشتر دربارهٔ این مقوله می دانستند. **سید علیرضا طباطبایی**، دانشجوی سینمای دانشگاه هنر، یکی از افرادی بود که کنجکاوی زیاد، پایش را به این کارگاه گشوده بود. او دریافتش را از کارگاه چنین بیان کرد: «وجه داستانی سایبر دراما می تواند تحول گسترده‌ای را در نحوهٔ ارائهٔ داستان و درگیر کردن مخاطب ایجاد کند. به همین دلیل کنجکاو بودم که بیشتر دربارهٔ آن بدانم. این کارگاه با توجه به موضوع آن، بسیار متفاوت و جدید بود.

دانشجویان از کارگاه‌های آموزشی استقبال خوبی می کنند. به ویژه زمانی که این کارگاه‌ها با موضوعات آموزنده و استادان باتجربه و متخصص برپا شود، شاهد استقبال خوب آن‌ها خواهیم بود. با پرداختن بیشتر به مقولهٔ سایبردراما و آشنایی بیشتر با آن، می توان فرم‌ها و سبک‌های روایی جدیدی را در حوزهٔ سینمای کشور پیش‌بینی کرد.»



زیبایی‌شناسی تصویری در مجلات رشد

عناصر تصویری در نشریات رشد کودک، نوآموز و دانش آموز

- در یک نگاه کلی، عناصر تصویری نشریات رشد کودک، نوآموز و دانش آموز را فارغ از تکنیک و گونه‌های واقع‌گرا یا انتزاعی می‌توان به گونه‌های زیر دسته‌بندی کرد:
۱. تصویرگری؛
 ۲. طراحی و نمادهای گرافیکی؛
 ۳. عکس؛
 ۴. کلاژهای ترکیبی؛
 ۵. ترام، فضا و پس‌زمینه‌های رنگی؛
 ۶. تنوع فونت‌های نوشتاری.
- بدون شک در ترکیب عناصر تصویری فوق، رعایت نکات زیر ضروری است:
۱. مطابقت علمی و آموزشی؛
 ۲. هم‌خوانی با متن؛
 ۳. ارزش‌گذاری درست بر کلیدواژه‌های متن (و بر جسته‌سازی کلیدواژه‌های اصلی)؛
 ۴. جذابیت ترکیب متن و تصویر (در صفحه‌آرایی)؛
 ۵. رعایت عناصر زیبایی‌شناسانه به بهترین شکل. همچنین، رعایت نکاتی که در ارائه تصویر برای متن مورد نظر ضروری به نظر می‌رسند تا عناصر زیبایی‌شناسانه تصویر در جای خود قرار گیرند:
۱. ترکیب‌بندی جذاب در تصویر؛
 ۲. استفاده از تضاد (کنتراست)‌های رنگی مناسب؛
 ۳. توجه به گروه سنی کودک در هر کدام از نشریات سه‌گانه کودک؛
 ۴. توجه کافی به نکات آموزشی و پیام‌های موجود در متن؛
 ۵. توجه به حس‌های پنهان در کنش‌های شکل گرفته در متن؛
 ۶. هماهنگی مناسب و ایجاد تعادل میان عناصر تصویری (تصویرگری، طراحی، عکس، پس‌زمینه‌های رنگی و فونت‌ها) با توجه به گروه سنی کودک؛
 ۷. حفظ تعادل میان سه گونه اصلی نماهای تصویری (نزدیک، متوسط، دور). هرچه گروه سنی پایین‌تر باشد،



تنوع فونت و شکل فانتزی آن‌ها بیشتر و پرتحرک‌تر است).
 از آنجا که تصویرگران امروزی بیش از همه به سوی
 تصویرهای خیال‌انگیز و فانتزی تمایل نشان می‌دهند، این
 خطر وجود دارد که میزان درک کودک مخاطب تصویر
 نادیده گرفته شود و تصویرهای اغراق شده در گرایش به
 تخیل، کودکان گروه‌های سنی پایین‌تر را از دستیابی به
 درون‌مایه علمی و آموزشی موجود در متن (و تصویر) دور
 کند.

فراموش نکنیم، نشریات رشد نشریات همکار با
 کتاب‌های درسی به شمار می‌روند و با توجه به میزان فراگیر
 بودن آن‌ها در ساختار ملی، خواه ناخواه از ارزش آموزشی
 خاصی برخوردارند، زیرا برخلاف اهداف کتاب‌های درسی،
 پیام خود را به شکل غیرمستقیم منتقل می‌کنند و هم‌سو
 با کتاب‌های درسی، باید از ارزش‌های دیداری (و ادبی)
 برجسته‌ای برخوردار باشند.

اطلاق نشریه بر مجموعه مجلات رشد، بیانگر جایگاه

نمای نزدیک بیشتری در تصاویر لازم است؛
 ۸. توجه به واقع‌گرایی و انتزاع، برقراری تعادل میان آن‌ها با
 توجه به میزان درک گروه سنی مخاطب؛
 ۹. تعادل جنسیتی (دختر و پسر)؛
 ۱۰. دوری از یکسان‌سازی چهره‌ها (و لباس‌ها) در تصویرهای
 جمعی؛
 ۱۱. سفیدخوانی؛

۱۲. نسبت میان حجم متن و تصویر با توجه به گروه سنی
 مخاطب (هرچه گروه سنی بالاتر می‌رود، حجم متن
 سنگین‌تر و حجم تصویر سبک‌تر می‌شود)؛
 ۱۳. تعادل تنالیت‌ها و سایه‌روشن‌های رنگی با توجه به گروه
 سنی مخاطب (هرچه گروه سنی مخاطب بالاتر می‌رود،
 تنالیت‌ها و سایه‌روشن‌های رنگی متنوع‌تر می‌شود)؛
 ۱۴. توجه به ایجاز در عناصر تصویری (هرچه گروه سنی
 مخاطب بالاتر می‌رود، جزئیات تصویری افزایش می‌یابد)؛
 ۱۵. تنوع فونت (هرچه گروه سنی مخاطب پایین‌تر باشد،

صرفاً ژورنالیستی آن‌ها نیست. این به آن معناست که نگاه گذرا و سطحی به تصویر (و متن) در این نشریات می‌تواند سلیقه‌های کودکانه را در سطح ملی تغییر دهد و از اهمیت ارزش‌های زیبایی‌شناسانه آن بکاهد. به عبارت دیگر، توجه به تصویرهای هنرمندانه، پرکار و گاه ماندگار در این نشریات می‌تواند میزان بالندگی را در آن‌ها به نمایش بگذارد. با توجه به نکات مطرح شده در بخش نخست این نوشتار و مقایسه آن با عناصر تصویری موجود در نشریات نام‌برده، به موارد تطبیقی در هریک از نشریات زیر می‌پردازیم.

۱. رشد کودک

از آنجا که دو فرایند: «صحت علمی - آموزشی» و «هم‌خوانی با متن» مهم‌ترین نکاتی هستند که افزون بر عناصر زیبایی‌شناسی تصویری باید مورد توجه تصویرگر و گرافیکست قرار گیرند، نخست به موارد تطبیقی این دو فرایند می‌پردازیم.

الف) صحت علمی - آموزشی

* رشد کودک ۱، صفحه ۳ (قصه‌های فرشته) - رنگ گنجشک قرمز است. در مواردی که نام پرنده برده می‌شود، ضروری است شکل ظاهری و رنگ آن با پرنده واقعی هم‌خوان باشد. همین پرنده در شماره‌های ۲ و ۳ رشد کودک به رنگ بنفش نقاشی شده است. به خاطر بیاوریم، تغییر رنگ شخصیت‌های متنی، عمدتاً برای بیان احساس - به ویژه در سبک اکسپرسیونیسم - صورت می‌گیرد. درک این ویژگی برای کودک گروه سنی الف دشوار است. مثلاً گربه آبی بیانگر جانوری آرام و صلح‌طلب است و گربه قرمز موجودی خشمگین و خطرناک.

* همان‌جا، صفحه ۵ (کی بود؟) - رنگ روسری خانم معلم

در کلاس قرمز است. این با واقعیت کلاسی کودک هم‌خوان نیست!

* همان‌جا، صفحه ۳۱ (صدای هوهو) - شکل قاصدک واقعی نیست.

* رشد کودک ۲، روی جلد - چهره مرغ از رو به رو نقاشی شده است، ولی نوکش از پهلوست (انتزاع اغراق شده).

* همان‌جا، صفحه ۱۸ (گریه پیاز) - رنگ بادمجان قرمز و رنگ پیاز بنفش است.

* همان‌جا، صفحه ۲۰ (کوهان برفی) - برف روی کوه خاکستری است.

* همان‌جا، صفحه ۲۵ (کیف مادر بزرگ) - رنگ هزارپا سبز است (با کرم ابریشم اشتباه می‌شود).

* همان‌جا، صفحه ۳۱ (پاییز نقاش) - توت فرنگی روی درخت نقاشی شده است!

* رشد کودک ۳، صفحه ۴ (دو با دو) - روپوش معلم قرمز نقاشی شده است. با واقعیت کلاسی کودک هم‌خوان نیست. می‌توانست حداقل آبی یا سبز یا ... باشد.

* همان‌جا، صفحه ۹ (قدقدا...) - لانه مرغ به خانه انسان شبیه است.

* همان‌جا، صفحه ۱۳ (بازی تازه) - بچه گنجشک و جوجه مرغ هم‌رنگ و هم‌شکل‌اند.

* رشد کودک ۴، صفحه ۱۳ (کفش عروسی) - رنگ هزارپاها قرمز است.

* همان‌جا، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵ (نقل سیاه، نقل سفید) - رنگ هزارپاها بنفش است.

* همان‌جا، صفحه ۲۶ (رفتم به باغ زردآلو) - تصویر زاغ و کلاغ کاملاً شبیه به هم است و به شکل اغراق آمیزی شبیه انسان نقاشی شده‌اند.

ب) هم خوانی با متن

- * رشد کودک ۱، صفحه ۵ (کی بود؟) - از تکه کاغذ بیسکوئیت که عنصر شیئی متن و مهم هم هست، اثری دیده نمی‌شود.
- * همان جا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵ (خواب اسب آبی) - عکس‌ها و حرکات بچه‌ها از تباط چندان با متن ندارند.
- * همان جا، صفحه ۲۰ (لپ قرمزی) - از گاو صندوق و قلق که از عناصر اصلی قصه‌اند، اثری دیده نمی‌شود.
- * رشد کودک ۲، صفحه‌های ۱۰ و ۱۱ (نخود، نخود، خانه خود) - در متن از آسمانی حرف است که از شدت پرواز کلاغ‌ها سیاه و دودی شده است، ولی در آسمان سه کلاغ بیشتر دیده نمی‌شود و آسمان آبی است.
- * همان جا، صفحه ۵ (برق رفت) - در تصویر معلوم نیست برق رفته یا هست.

- * همان جا، صفحه ۲۱ (شتر و مورچه) - در قصه خبری از مارمولک نیست.
- * همان جا، صفحه ۳۰ (خانواده آقای ا) - متن درباره بشقاب حرف زده است، ولی در تصویر کاسه نقاشی شده است.
- * همان جا، صفحه ۳۱ (پاییز نقاش) - در شعر از رنگ‌های زرد، قهوه‌ای و قرمز حرف زده شده است، ولی در تصویر برگ‌های قرمز و نارنجی بیشتر دیده می‌شوند.
- * همان جا، صفحه پشت پشت جلد (کفشدوزک) - در شعر از غنچه حرف زده شده است، ولی در نقاشی گل پرپر می‌بینیم.
- * رشد کودک ۳، صفحه‌های ۴ و ۵ (نصف نصف) - در متن حرف از یک گردو است، اما در تصویر دو گردو کشیده شده است.

- * همان جا، صفحه‌های ۶ و ۷ (دکتر بازی) - در متن حرفی از زرافه نیست، ولی تصویر بزرگی از زرافه نقاشی شده است. به جای آن می‌شد پدر بزرگ و مادر بزرگ را نقاشی کرد.
- * همان جا، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱ (تا) -

- توی متن رد پای نی نی و مورچه هست، ولی توی تصویر نیست.
- * رشد کودک ۴، صفحه ۱ (یک حرف و دو حرف) - متن درباره پدر و مادر است، ولی فقط پدر نقاشی شده است.
- * همان جا، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹ (کتاب من) - جای دفتر در تصویر خالی است.





تصویرگری یا عکاسی، رویکردهایی چون تضاد رنگی (کنتراست)، ترکیب‌بندی (به ویژه در همراهی متن و تصویر)، نماهای تصویری (دور، متوسط، نزدیک)، زاویه دید، خیال‌انگیزی و رنگ‌اندیشی از مهم‌ترین عناصر زیبایی‌شناسانه تصویرهای کودکان به شمار می‌روند. در اینجا به برخی از این عناصر و جایگاه آن‌ها در رشد کودک اشاره می‌شود:

تضاد رنگی (کنتراست)

نبود تضاد رنگی و بجا در برخی از تصویرهای موجود در مجموعه رشد کودک، از ارزش‌گذاری به آن کاسته است. نمونه این مورد را در تصویرهای زیر می‌توان دید:

دوتا پول (شماره ۱، صفحه ۲۱)، شماره ۲، روی جلد، شماره ۳، قوقولی قوقو (صفحه ۸)، بازی تازه (صفحه ۱۳) و قصه‌های کوچولو (صفحه‌های ۲۰ و ۲۱). همچنین روی جلد شماره ۴.

در جلد اول، از جمله در تصویرگری متن‌های یک مدرسه پر از دوست (صفحه ۱)، کی بود؟ (صفحه ۵)، تی‌تی و تاتا (صفحه‌های ۶ و ۷)، رفتیم به باغ گردو و (صفحه‌های ۲۶ و ۲۷) به خوبی به این موضوع توجه شده است.

ترکیب‌بندی

تصویرگری‌های متن‌های «ای‌وای! پیدا شد»، «توپ لالا، شاخه لالا»، «کی بود؟» و «یک مدرسه پر از دوست» در رشد کودک ۱، «یک حرف و دو حرف»، «برق رفت»، «تی‌تی و تاتا»، «نخود نخود، خانه خود» در رشد کودک ۲، «دو با دو»، «نصف نصف»، «تی‌تی و تاتا» و «قلقلک بده» در رشد کودک ۳، و «یک کتاب تازه»، «چند بوس کوچولو»، «کلاس شنا»، «خرس سفیده»، و «مترو» در رشد کودک

علمی و هم‌خوانی تصویر با متن ضرورتی است که نادیده گرفتن آن، به ویژه برای گروه سنی الف، که هنوز درک درستی مثلاً از شکل هزار یا زاغ ندارند، به اشتباه‌انگاری کودک می‌انجامد. به این ترتیب، رسالت اصلی نشریات رشد محقق نمی‌شود؛ فرایندی که در کتاب داستانی ممکن است چندان مهم جلوه نکند.

ج) عناصر زیبایی‌شناسانه در مجلات رشد

افزون بر جذابیت‌های حاشیه‌ای که در کناره‌های تصویر به کار گرفته می‌شوند و رویکردهایی دیداری که لوگوها، فونت‌ها، ترام‌ها و پس‌زمینه‌ها را تشکیل می‌دهند، تصویرها نخستین گرایش‌های مخاطب کودک را برای پذیرفتن یا نپذیرفتن کتاب یا مجله مورد نظرش را به دوش می‌کشند. در کنار جذابیت‌های تکنیکی تصویر، خواه به شکل

۴ از بهترین نمونه‌های ترکیب‌بندی در این مجموعه به شمار می‌روند؛ رویکردی که به ویژه در ترکیب‌بندی متن «ای وای! پیدا شد» در شماره ۱ به شکلی برجسته و زیبا دیده می‌شود.

اهمیت ترکیب‌بندی عمدتاً در چگونگی همراهی متن و تصویر، سفیدخوانی، ترکیب نماهای دور و نزدیک و عناصر حاشیه‌ای تصویر شکل می‌گیرد. در تصویرگری متن «ای وای! پیدا شد»، تصویرگر به زیبایی تمام توانسته است از درشت‌نمایی تصویر مادر بزرگ در کنار نمای دور بچه‌ها، به حس پنهان در متن که بیانگر حمایت مادر بزرگ از بچه‌هاست، به همراه قرار دادن حاشیه‌های سبز به شکل خانه در لبه‌های صفحات، به نتیجه‌ی زیبایی‌شناسانه و مفهومی جذابی دست یابد.

رعایت چنین رویکردی در تمام صفحات یک نشریه‌ی کودکان، آن هم با فراگیری نشریات رشد، رویکردی بسیار ضروری و گریزناپذیر است.

به کارگیری نماهای نزدیک از دیگر عناصر دیداری مهم در تصویرگری و عناصر دیداری کودکان، به ویژه کودکان گروه سنی الف، به شمار می‌رود، فرایندی که در این مجموعه از نشریات رشد کمتر به چشم می‌خورد. نماهای به کار گرفته شده در این مجموعه عمدتاً نماهای متوسط است. از نماهای تقریباً نزدیک روی جلد که بگذریم، تقریباً در هیچ‌جای نشریات این مجموعه چنین گرایشی به چشم نمی‌خورد. کافی است در هر نشریه یکی دو نمونه از این نماها به کار گرفته شود تا تنوع ترکیب‌بندی تازه‌تری در صفحات شکل بگیرد. رویکرد جذابی از نمای نزدیک را می‌توان در متن «برگ‌ریزان»، رشد نوآموز ۳ دید.

تصویرهای پرکار نیز از جمله تصویرهای نمونه‌ای هستند که کاوشگری و کندوکاو کودک را در تصویر به دنبال دارند؛

رویکردی که بیشتر در نشریات نوآموز، از جمله روی جلد ۴ دیده می‌شود. تصویرهایی که با توجه به کوچکی و بزرگی عناصر تصویرگری و ترکیب نماهای گوناگون، به ایجاد تضاد (کنتراست)های جذاب انجامیده است.

همسانی چهره‌ها در تصویرهایی که تجمع شخصیت‌های تصویری را در بر دارد، از جمله دیگر آسیب‌های مفهومی و تصویری است که نمونه‌ی آن از جمله در رشد کودک ۱ در شکل دختر بچه‌ها در متن «کلاس اولی‌ها»ی به چشم می‌خورد. حس‌پذیری فرایند دیگری است که بر واقع‌نمایی تصویری می‌افزاید. رویکرد حسی در عکاسی برای متن‌های «گریه‌ی پیازی» رشد کودک ۲، که هم‌زمان در خنده، اشک‌ریختن، حس شیطننت و شگفتی دختر بچه‌ها دیده می‌شود، کمتر در موارد دیگر تکرار شده است؛ فرایندی که در بیشتر رویکردهای تصویری معمولاً به حس‌های یکنواخت و همانند تبدیل شده است.

رویکرد حس‌پذیری در تصویرهای متن «خدا همه‌جا هست»، رشد کودک ۲ در ابراز شگفتی کودک و بداخلاقی کودک در متن «بوس، نه»، از معدود نماهای حس‌پذیر و اغراق شده است که فراگیری آن به نمایش خنده‌های عمیق و از ته دل کودکان تا شگفتی شیرین کودک در برابر پدیده‌ی خلقت می‌انجامد.

ارزیابی نهایی

در ارزیابی نهایی، از عناصر تصویری مجموعه نشریات رشد کودک می‌توان با درجه‌بندی‌های «خوب» و «خیلی خوب» یاد کرد.

نمونه‌ی تصویرهای عالی: «ای وای! پیدا شد» (رشد کودک ۱)، روی جلد رشد کودک ۳، «بوس، نه!» (رشد کودک ۲)

رشد نوآموز

با توجه به افزایش گروه سنی مخاطب رشد نوآموز نسبت به رشد کودک، تغییرات تصویری در آن را چنین می‌توان خلاصه کرد:

۱. افزایش نماهای متوسط و دور در برابر نماهای نزدیک و متوسط نزدیک.
۲. افزایش تنالیته و والرهای رنگی با به کار گرفتن سایه روشن‌های بیشتر.
۳. به کارگیری حجم بیشتر متن و کاهش حجم تصاویر.
۴. افزایش جزئیات تصویری، به ویژه در چهره‌نگاری و فضاسازی اطراف تصاویر.

هر چند برخی تصاویر مجموعه نشریات رشد نوآموز از همان ویژگی نشریات رشد کودک برخوردارند (از جمله تصویر صفحه‌های ۸ و ۹ رشد نوآموز شماره ۳ با عنوان «از ماه تا ماه» و صفحه ۲۴ با عنوان «از صبح تا غروب»)، با این همه، تصاویر در ظرافت و تکنیک‌های به کار رفته، عمدتاً از تصویرهای کودکان رشد کودک فاصله گرفته‌اند و به جزئیات و عناصر زیبایی‌شناسانه بیشتری دست یافته‌اند.

آسیب‌شناسی‌هایی که عمدتاً در شکل‌های نبود تطابق علمی - آموزشی و ناهماهنگی متن با تصویر در مجموعه نشریات رشد کودک به چشم می‌خورد، در این مجموعه چندان وجود ندارد و دقت بیشتری در این همراهی روی داده است. تیرگی برخی از تصویرها در این مجموعه باعث شده است با وجود استفاده از تکنیک و طراحی مناسب، تصاویر جلوه اصلی و رنگ‌اندیشی خود را از دست بدهند. در این مورد می‌توان از تصویرهای متن «مهربان و باگذشت»، «باغ لیوان» و «عنصر مهم» (رشد نوآموز ۱) «اژدهای سرزمین مُردام»، «صدای زیبای مناجات» و «مهربان‌تر از همه» (رشد نوآموز ۲) نام برد.



نمونه تصویرهای خیلی خوب: «یک مدرسه پر از دوست»، «توپ لالا...»، «کاردستی با مقوا»، «در کشتی» و «خرس سفید» (رشد کودک ۱)، روی جلد و «چند روز از این ماه»، «برق رفت»، «بوس نه»، «خود نخود...»، «ماشین بابا»، «کیف مادر بزرگ» و «به توپ بزن» (رشد کودک ۲) و «قصه‌های فرشته»، «دو با دو»، «دکتر بازی»، «پرنده‌ها هم سهم دارند»، «مسافرت»، «قلقلک بده»، «توپ را بچرخان»، «بارون دونه دونه» و «صد آفرین» (رشد کودک ۳) و روی جلد و «یک کتاب تازه»، «کلاس شنا»، «حالا نخند...»، «من و عروسکم»، «خرس سفیده»، «مترو»، «پول تاکسی» (رشد کودک ۴).

نمونه تصویرهای خوب: روی جلد، «کی بود؟» و «آقای ۱» (رشد کودک ۱)، «شعرهای شنیدنی» و «رفتم به باغ انجیر» (رشد کودک ۲)، «قدقد قدا»، «کرم شب‌تاب»، «قصه‌های کوچولو» و «رفتم به باغ انگور» (رشد کودک ۳)، و «قصه فرشته»، «خاک» و «کلاه» (رشد کودک ۴).
در این‌جا از نمونه تصویرهای درجه «متوسط» نام برده نمی‌شود.

شخصیت‌های تصویری متن «اژدهای سرزمین مُردام» در رشد نوآموز ۲ می‌توان دید. همچنین، «لب‌های خندان کودکان» در روی جلد‌های نوآموز ۳ و ۴، «رویات تَر تَرش»، «راز لُپی کوچولو» (رشد نوآموز ۳)، «توبهٔ روباه» (رشد نوآموز ۱)، و «شبهات‌ها و تفاوت‌ها» (رشد نوآموز ۲) با نمادها و نشانه‌های روح‌بخشی هستند که در نشریات کودک به اندازه به آن‌ها توجه نشده است.

جذابیت صفحه‌آرایی در متن‌هایی چون «قطار خسته»، «آب نبات چوبی» (رشد نوآموز ۱)، «تر و تازه»، «وسایلت را من نگه می‌دارم»، «اژدهای سرزمین مُردام» (رشد نوآموز ۲)، «صفحهٔ شعر»، «هزار بوسهٔ پری»، «پاچنگالی»، «لطیفه»، و «ماه توی گودال» (رشد نوآموز ۴) به روشنی سبب شده است تا عناصر دیداری به زیبایی به نمایش گذاشته شوند و به معیارهای زیبایی‌شناسانهٔ یک نشریهٔ جذاب معنای بیشتری ببخشند؛ رویکردی که باید با دقت و ظرافت تمام مورد توجه تصویرگر، صفحه‌آرا و مدیر هنری قرار گیرد و در تمامی نشریات رشد به کار گرفته شود.

برجستگی دیگر نشریات رشد نوآموز را باید در به‌کارگیری رنگ و هماهنگی فرم در تصویرها دید. رویکردی که ضرورت وجودی آن در نشریات کودک بیشتر به چشم می‌خورد. نمونهٔ این برجستگی را می‌توان در روی جلد نشریات نوآموز ۲، ۳ و ۴ و همچنین تصاویر متن‌های «قطار خسته»، «تر و تازه»، «وسایلت را من نگه می‌دارم»، «آدم بزرگ‌های دوست‌داشتنی»، «گاهی باید فریاد زد»، «مهتاب» و «هزار بوسهٔ پری» در مجموعهٔ نشریات چهارگانهٔ نوآموز دید.

استفاده از تکنیک‌های متنوع و به‌کارگیری استنادانهٔ طرح و رنگ نیز از دیگر ویژگی‌های این مجموعه است. برجستگی عناصر زیبایی‌شناسانه در تصویرگری روی جلد‌های ۲ تا ۴ و متن‌های «برنامهٔ هفتگی»، «حرف‌های تازه»، «آب‌نبات

روی جلد‌های نوآموز ۲، ۳ و ۴ از جذاب‌ترین روی جلد‌های نشریات رشد دبستانی به شمار می‌روند. پرداختن به جزئیات و طراحی فیگوراتیو در روی جلد نوآموز ۲، جذابیت رنگ و فرم در روی جلد نوآموز ۳، و همچنین جذابیت ترکیب‌بندی و جلوه‌های خیال‌انگیز تصویری در روی جلد نوآموز ۴، نمونه‌های زیبا و درخور توجهی از روی جلد را به نمایش گذاشته‌اند. این ویژگی در روی جلد نوآموز ۱ دیده نمی‌شود. روی جلد نوآموز ۱ بیشتر مناسب کودک به نظر می‌رسد تا نوآموز.

جلوزدن تصویر از متن در تصویر متن «برنامهٔ هفتگی» و «حرف‌های تازه» در نوآموز شمارهٔ ۱، رویداد جالبی است که تصویرگر در نشان دادن برنامهٔ درسی و لباسی که به تن کودک زار می‌زند، به آن پرداخته است. مفهومی که به طور غیرمستقیم در لایه‌های متنی پنهان است و تصویرگر به آن توجه نشان داده است. ویژگی‌های بومی در تصویرگری متن «اتل مثل توتوله» در رشد نوآموز شمارهٔ ۱، و «اتل مثل» در رشد نوآموز شمارهٔ ۴ نیز فرایندی است که کمتر در تصویرگری‌های نشریات رشد دورهٔ ابتدایی دیده می‌شود؛ ضرورتی که البته و البته به متن محلی آن مربوط است. به نظر می‌رسد، هماهنگی و هم‌سانی چهره‌ها و لباس‌ها در مجموعهٔ تصویرگری‌ها و عکاسی‌های نشریات رشد به گونه‌ای است که انگار همهٔ آن‌ها زادهٔ پایتخت‌اند و گوناگونی بومی و قومی کودکان ایرانی تقریباً به طور کلی در محتوای تصویرها نادیده انگاشته شده و فقط با اشارهٔ مستقیم متن به آن‌ها پرداخته شده است.

رعایت درون‌مایه‌های حسی و گوناگونی آن‌ها نیز از رویکردهایی است که به طور پراکنده در نشریات نوآموز، با توجه بیشتری نسبت به نشریات کودک، دیده می‌شود. فرایندی که نمونهٔ جالب آن را در تحرک پراضطراب و ترس



چوبی»، و «عینک تَرترش» و «آجی مجی ... سلام» در رشد نوآموز ۱، «تر و تازه»، «مورک ترترش»، «بدن ما»، «تق تق اجازه هست»، «صدای زیبای مناجات»، در رشد نوآموز ۲، «برگریزان»، «آدم بزرگ‌های دوست‌داشتنی»، «روبات ترترش»، «گاهی باید فریاد زد»، «فال گوش»، «شستر و روباه»، «خُرُوک» و «مهتاب» در رشد نوآموز ۳ و «خانه ترترش»، «صفحه شعر»، «خجالت بکشیم یا نه»، «دخترانه، پسرانه»، و «لطیفه» در رشد نوآموز ۴ سبب شده‌اند این مجموعه جایگاه مناسب‌تری میان گروه نشریات دبستانی رشد داشته باشد.

ارزیابی نهایی

در ارزیابی نهایی از عناصر تصویری مجموعه نشریات رشد نوآموز، می‌توان با درجه‌بندی‌های «خیلی خوب» و «عالی» یاد کرد.

نمونه تصویرهای عالی: روی جلد‌های نوآموز ۲ تا ۴ و تصویر و متن‌های «قطار خسته»، «حرف‌های تازه»، «بعد ترترش» از رشد نوآموز ۱، «تر و تازه»، «بعد ترترش» و «وسایلت را من نگه می‌دارم» از رشد نوآموز ۲، «گاهی باید فریاد زد»، «فال گوش» و «مهتاب» از رشد نوآموز ۳ و «خجالت بکشیم یا نه» و «هزار بوسه پرپری» از رشد نوآموز ۴.

نمونه تصویرهای خیلی خوب: تصویر متن‌های «برنامه هفتگی»، «بعضی روزهای هفته»، «مهربان و باگذشت»، «پرده‌ها»، «اتل متل توتوله»، «قصه ریزه»، «آب‌نبات چوبی»، «توبه روباه» و «آجی مجی ... سلام!»، از رشد نوآموز ۱، «خوب حرف زدن»، «بابا»، «بدن ما»، «تق تق ...»، «ژدهای سرزمین مردام»، «لطیفه»، «لان می‌آیم می‌خورمتان»، «مادربزرگ من»، «صدای زیبای مناجات»

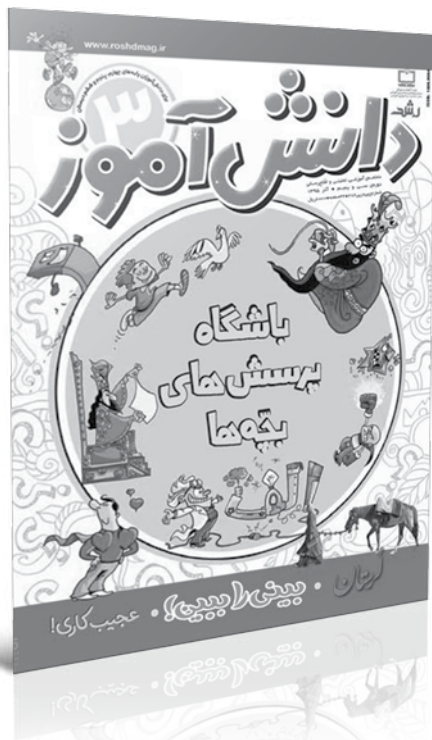
و «از خانه تا مدرسه» از رشد نوآموز ۲.

در اینجا از تصویرهایی با درجه «خوب» نام برده نمی‌شود.

۳. رشد دانش آموز

تصور آن که رشد ذهنی دانش‌آموز پایه سوم ابتدایی پس از یک یا دو سال او را به کودکی تبدیل می‌کند که ناگهان گرایش‌ها و علاقه‌مندی‌هایش دچار دگرگونی می‌شود و به ناگیزر نشریه مورد نظرش هم باید ناگهان با تغییر فرم و محتوا همراه شود، به گونه‌ای که شکافی باورنکردنی بین گذشته و حال او در کلاس سوم ابتدایی تا چهارم (و پس از آن) پدید آید، تصویری غیرکارشناسانه به نظر می‌رسد؛ فرایندی که در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، به ویژه کتاب «فارسی ششم» به چشم می‌خورد؛ کتابی که ناگهان جذابیت‌های رنگی‌اش را از دست داده و رنگ‌های تیره قهوه‌ای در میانه تصویرهایش، کودک دبستانی را از گذشته رنگی‌اش جدا کرده است.

نگاهی گذرا به مجموعه نشریات رشد دانش‌آموز و مقایسه آن با رشد نوآموز، هر بیننده‌ای را متوجه این تغییر



تعداد صفحات رشد دانش آموز با نشریات رشد نوآموز و رشد کودک معقول به نظر نمی‌رسد.

ضرورت وجود تصویرهای جذاب، پرکار و هنرمندانه، آن گونه که مثلاً در برخی از متون فارسی چهارم و پنجم ابتدایی از جمله در متن‌هایی چون: «باران»، «خبر داغ»، و «شعر ستایش» (چهارم ابتدایی) و متن‌های «وقتی بوعلی کودک بود»، «گلدان خالی» و «زیر آسمان بزرگ» (پنجم و ششم ابتدایی) دیده می‌شود، بیانگر آن است که نشریات رشد نمی‌توانند از این همراهی دور باشند و با گرایشی ناهمسان بیش از همه به ارزش‌گذاری متن بها دهند و جذابیت‌های تصویری را نادیده بگیرند.

ایجاد تعادل میان عناصر متنی و تصویری می‌طلبد که هرچندگاه تصویری پرکار، پر حجم، جذاب و پر از جزئیات صفحات نشریات رشد را در بر گیرد و از فشردگی زیاد متن

ناگهانی خواهد کرد؛ نشریه‌ای که فشردگی متن و تصویر همراه با چهار گوشه‌های تصویری و کلیشه‌بندی شده‌اش، از همان روی جلد آغاز می‌شود و به کودک چنین می‌نماید که «تو دیگر بزرگ شده‌ای، پس ...!»

هرچند در نگاهی گذرا به این مجموعه از مجلات رشد، نیاز کودک به بیشتر دانستن و جست‌جوی بیشتر در لایه‌های تو در توی دانستنی‌ها به خوبی دریافت می‌شود، اما دوری از توجه به نیازهای او در گرایش به تنوع رنگ و فرم به همراه نوگرایی در روش ارائه تصویر، محصول تولید شده را از دسترس او دور خواهد کرد.

هرچند ایجاد تعادل میان علاقه‌مندی‌های کودک کلاس چهارم و کلاس ششم به طور هم‌زمان در یک نشریه کار دشواری است، ولی به نظر می‌آید باید رویکرد ناگزیری برای ایجاد این تعادل در نشریه به کار برود؛ آن هم در نشریه‌ای که به ویژه ساختار گرافیکی آن بیشتر به نظر مناسب دانش‌آموزان ششم ابتدایی است تا کودکان کلاس چهارم ابتدایی.

ویژگی‌های عناصر دیداری

در مقایسه‌ای ساده میان نشریات دانش‌آموز و کتاب فارسی سال‌های آخر دوره ابتدایی، به راحتی متوجه فشردگی متن و تصویر در صفحات نشریات رشد خواهیم شد. هرچند این نکته تا حدی به مقتضای رویکرد ژورنالیستی مجلات صورت می‌گیرد، اما این ویژگی در نشریات رشد نوآموز دیده نمی‌شود و فاصله صفحات آن با صفحات کتاب‌های درسی سال‌های دوم و سوم ابتدایی، در نمادهای دیداری چندان به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌آید ساده‌ترین راه برای حل این معضل، افزایش صفحات رشد دانش‌آموز باشد تا از فشردگی نمادهای دیداری متن و تصویر کاسته شود، چرا که همسانی

بکاهد. هر چند این رویداد مثلاً در صفحه «به قول شاعر...» در دانش آموز ۱ اتفاق می‌افتد، اما فاقد آن جذابیت و زیبایی است که کودک سال‌های آخر دوره ابتدایی نیازمند آن است. از سوی دیگر، گرایش به عکاسی سبب شده است شکل مجله به یک نشریه علمی و فرهنگ‌نامه‌ای تبدیل شود، به گونه‌ای که از ارزش هنری و ادبی آن به شدت کاسته شود و به شکل نشریه‌ای اطلاعاتی و خواندنی درآید. به خاطر بیاوریم هدف از تصویرگری ژورنالیستی در مطبوعات کودک، ارسال هر چه سریع‌تر پیام نیست، بلکه بهترین گونه انتقال پیام مد نظر است. وجود کادرهای پی در پی در مجلات رشد دانش آموز سبب شده است نشریات رشد به شکلی نه چندان تازه و امروزی، بلکه الگو گرفته از کهن‌ترین نمونه‌های مطبوعاتی، در دسترس کودکان قرار گیرند. هر چند در ارائه تصویر برای متن‌هایی چون «صد سکه پنجاه سکه»، «گوش بده»، «بینی را ببین»، و «عجیب کاری» تلاش شده است صفحات از چارچوب‌های گنجانده شده در صفحات دیگر دور شود، ولی جذابیت هنری که مثلاً در صفحات متن‌هایی چون «قورقوری و جیرجیرو»، و «خاله خرسه به چشم می‌خورد»، در صفحات دیگر چندان دیده نمی‌شود و این کار نیز نتوانسته است رنگ و لعاب کافی را به مجموعه نشریات دانش آموز برگرداند.

اختصاص دو صفحه تمام به فهرست نشریه، رویکردی تصویری است که بیشتر در رشدهای کودک و نوجوان مناسب به نظر می‌رسد تا رشد دانش آموز، چرا که نیاز کودک گروه‌های سنی «الف» و «ب» به نمادهای تصویری بیشتر است تا کودک مخاطب رشد دانش آموز. همین رویداد در صفحات «من یار مهربانم» نیز به چشم می‌خورد. در این میان، صفحاتی چون «چراغتان روشن»، «کردها»، و تا اندازه‌ای صفحه «ترکمن‌ها» از عکس‌هایی

تیره و کوچک انباشته شده‌اند که از کهنگی صفحه‌آرایی آن حکایت دارد. صفحه «شما» نیز از غیر جذاب‌ترین صفحات این نشریه (به ویژه در نشریه دانش آموز ۲) به شمار می‌رود. با توجه به دسترسی کودکان امروز به منابع تصویری اینترنتی و نمونه‌های همانند آن می‌توان به ضرورت نوآندیشی و دوری از کلیشه‌سازی تصویرهای مجله‌ای در نزد آنان پی برد. کودک امروز حق انتخاب فراوانی دارد، اما برای مجلات رشد این انتخاب وجود ندارد که استانداردهای متوسط را برای برخی از صفحات شتاب‌زده‌اش در صفحه‌آرایی و همراهی متن و تصویر بپذیرد.

در مجموع باید پذیرفت، وظیفه تصویر در گونه‌های متفاوت آن، تنها برجسته‌سازی متن و نمایش پیام‌های متنی نیست، بلکه خودآگاه عنصر اصلی بخش‌هایی از نشریه، چه در انتقال پیام و چه در نمایش عناصر زیبایی‌شناسانه، به شمار می‌رود. فرایندی که در مجموعه نشریات رشد دانش آموز به چشم نمی‌خورد.

بدون شک، وجود مدیر هنری و بینش فراگیر اوست که در همراهی با عکاس، تصویرگر، صفحه‌آرا و گرافیست، به عناصر دیداری متن جذابیت و معنا می‌بخشد. به نظر می‌رسد، وجود کارگاه‌های گوناگون در زمان‌های متفاوت کاری، در همراهی با نویسندگان و کارشناسان هنر و ادبیات کودک، می‌تواند یاری‌گر جدی هنرمندان تجسمی نشریات باشد؛ رویکردی که باید با جدیت و دقت نظر دنبال شود.

ارزیابی نهایی

در یک ارزیابی نهایی، از عناصر تصویری مجموعه نشریات رشد دانش آموز می‌توان با درجه‌بندی‌های «نسبتاً خوب» و «خوب» یاد کرد.



افزایش اقبال ناشران به تولید آثار استاندارد

گزارش مراسم پایانی سیزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد

بازگشت کتاب‌دارها

محمد ناصری، مدیرکل دفتر و دبیر جشنواره مراسم پایانی سیزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد با پخش فیلم مستند «کتابخانه فاطمه‌ها» آغاز شد. محمد ناصری، دبیر جشنواره، ضمن خوشامدگویی به حاضران، جای وزیر آموزش و پرورش را خالی دانست و گفت: «لازم است از وزیر آموزش و پرورش تشکر کنیم که در مراسم معارفه خود نگاه آموزش و پرورش را به پرورش معطوف کردند. امروز دکتر فیض، معاون پرورشی وزیر آموزش و پرورش هم در این مراسم حضور دارند. یکی از بسترهای مناسب پرورش، پرداختن به حوزه کتاب و کتابخوانی به شکل واقعی است؛ مانند کتابخانه فاطمه‌ها، کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، و کتابخانه‌های عمومی و مساجد کشور. اینکه کتابخانه را به قرائت‌خانه تبدیل کنیم، هنر نیست.»

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با اشاره به بازگشت کتابدارها به مدارس گفت: «کتابخانه چه ارزشی

مراسم پایانی سیزدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، روز ۲۹ آذر ۱۳۹۵، در محل «مدرسه دارالفنون» تهران برگزار شد. در این دوره، ۱۰۷۳ عنوان کتاب به مرحله داوری رسیده بودند که در ۲۲ گروه داوری و توسط ۶۸ داور قضاوت شدند. از ۱۱۷ اثری که به عنوان نامزد دریافت جایزه معرفی شده بودند، در پایان، ۳۵ اثر به عنوان آثار برگزیده یا تقدیری جوایز جشنواره را از آن خود کردند. در این مراسم، همچنین «انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» و «انتشارات نوشته» (اصفهان) به عنوان ناشران برتر انتخاب شدند. از ویژگی‌های قابل توجه این دوره از جشنواره، حضور قابل توجه آثار ناشران شهرستانی بین آثار برگزیده و تقدیری بود. گزارشی کوتاه از این مراسم را می‌خوانید.



دارد، زمانی که آن را به قرائت‌خانه و جایی برای آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کنکور تبدیل کنیم؟ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به دنبال تولید کتاب‌هایی است که به اشاره و تفصیل کار کتابخانه‌ها را معرفی می‌کنند؛ مانند تفکر و سبک زندگی، و تفکر و پژوهش. این مسائل در کتابخانه اتفاق می‌افتند. درود بر دکتر فیض که تأکید کردند بر جایی که باید؛ یعنی کتابخانه و کتاب‌دار. چه خوب است که در تجهیز کتابخانه‌های مدارس از ۲۵ هزار عنوان کتابی که این سازمان با ده‌ها و شاید صدها کارشناس بررسی کرده است، انتخاب کنید. امیدواریم در دوره‌ای که شما حضور دارید، بوی کتاب‌های تازه، شوق تولید کتاب‌های تازه در پدید آوردن‌گان و عشق حضور در کتابخانه‌ها ایجاد شود، چرا که این بخشی از تربیت و پرورشی است که ما به دنبالش هستیم»

دبیر سیزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد در ادامه با اشاره به تاریخچه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی افزود: «من و همکارانم توفیق داریم در دفتری

فعالیت کنیم که به منظور ترویج مطالعه تأسیس شده است؛ دفتری که بیش از ۵۰ سال پیش دفتر انتشارات و امور کتابخانه نام داشت. وظیفه این دفتر تولید خواندنی‌های مناسب، مفید، غیر اجباری، غیر نمره‌ای و غیر رقابتی بود که در این راستا مجلات پیک را منتشر می‌کرد. این مجلات که روزگاری ۷ عنوان بودند امروز به بیش از ۳۰ عنوان رسیده‌اند و با عنوان مجلات رشد منتشر می‌شوند. روزگاری که ادبیات کودک و نوجوان رسمیت نداشت، انگشت‌شمار افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کردند هم در مجلات پیک فعالیت داشتند و امروز هم همین‌طور است. هم‌چنین امروزه تعداد زیادی ناشر در این زمینه فعالیت می‌کنند که از این میان بیش از ۷۰۰ ناشر به طور پیوسته با دفتر در ارتباط هستند.»

۲۴ عنوان کتاب مناسب به ازای هر روز آموزشی

ناصری در ادامه درباره تعداد کتاب‌های رسیده به دبیرخانه جشنواره گفت: «امسال ۳۶۳۹ عنوان کتاب مناسب به دست ما رسیده است. یعنی ما به ازای هر روز

بیشتری است؛ مانند تولید کتاب‌های مرجع و دانش‌نامه‌ها. زمانی برای تولید این کتاب‌ها چشم‌امید به ناشران دولتی بود، اما امروز ناشران خصوصی گوی سبقت را از ناشران دولتی ربوده‌اند. لازم می‌دانم در این بخش از یکی از خادمان مهم حوزه فرهنگ، زنده یاد **توران میرهادی** یاد کنم که در حوزه مدرسه‌داری، کتاب‌های درسی و فرهنگ‌نامه‌نویسی تلاش بسیار داشت. این پیشگامی باعث شد امروز فرهنگ‌های متعدد و متنوع حتی برای خردسالان به همت ناشران خصوصی تولید شود.»

محمد ناصری در آخر ناشران را به تولید دیگر اجزای بسته آموزشی تشویق کرد و افزود: «توصیه و خواهش ما این است که ناشران در تولید سایر اجزای بسته آموزشی همت بیشتری به خرج دهند. همچنین در زمینه کتاب‌های جدید التألیف انتظار مشارکت بیشتری از ناشران داریم و امیدواریم صدا و سیما نیز کتاب‌های معتبر و برگزیده را تبلیغ کند.»

تصحیح جریان نشر

حجت‌الاسلام دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

ایشان نخست به پیشرفت جریان نشر در جهت تولید آثار مناسب اشاره کرد و گفت: «جریان تولید کتاب برای کودکان و نوجوانان و نشر کتاب‌های کمک آموزشی و آموزشی در حال تصحیح خود است. خوش حال هستم که هر سال نسبت به سال‌های گذشته گام‌های مثبت بیشتری برداشته می‌شود و ما در حال نزدیک شدن به فرهنگ اصیلی هستیم. به طوری که برخی از ناشرانی که به جریان نشر به عنوان تجارت نگاه می‌کنند، جای خود را به ناشران واقعی می‌دهند که دغدغه معرفت و بصیرت، علم و دانش کشور را



آموزشی ۲۴ عنوان کتاب مناسب معرفی می‌کنیم. ۷ عنوان برای دوره ابتدایی، ۵ عنوان برای دوره متوسطه اول، ۶ عنوان برای دوره متوسطه دوم، ۵ عنوان برای فنی‌وحرفه‌ای و ۲ عنوان برای پیش‌دبستان. برترین‌های این آثار در مجلدی تحت عنوان فهرستگان منتشر و به ۱۰۵ هزار مدرسه کشور به طور رایگان اهدا می‌شود.»

وی افزود: «در جشنواره امسال همه کتاب‌های مناسب منتشر شده در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به تعداد ۴۲۶۶ عنوان بررسی شدند. پس از بررسی اولیه، ۱۰۷۳ عنوان کتاب در دایره داوری قرار گرفتند که نهایتاً امروز ۱۵ اثر برگزیده و ۱۷ اثر تقدیری معرفی خواهند شد.»

اقبال روزافزون ناشران به تولید آثار استاندارد

ناصری به اتفاقات مثبت در سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی اشاره کرد و گفت: «اقبال ناشران به تولید آثار استاندارد رو به رشد است. از سوی دیگر، ناشران خصوصی وارد حوزه‌های سخت‌تری شده‌اند که نیازمند سرمایه‌گذاری



ناصری: ناشران در تولید سایر اجزای بسته آموزشی همت بیشتری به خرج دهند. همچنین در زمینه کتاب‌های جدید التالیف انتظار مشارکت بیشتری از ناشران داریم

دارند. این موضوع را باید به فال نیک گرفت. ما از کسانی که این مسیر را شتاب می‌دهند قدردانی می‌کنیم.»

کنکور علت مهم نابسامانی‌های حوزه نشر

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از کنکور به عنوان علت‌العلل نابسامانی‌های تولیدات فرهنگی و کمک

آموزشی یاد کرد و افزود: «یکی از موضوعاتی که تعلیم و تربیت و فرایند یاددهی یادگیری را دچار اختلال می‌کند تولیدات فرهنگی نامناسب است. شاید علت‌العلل این نابسامانی وجود کنکور باشد. کنکور بسیاری از آسیب‌ها را بر ما تحمیل کرده و فرصت بسیاری از سوءاستفاده‌ها را به دیگران داده است.

تا خیمه کنکور فرو ننشیند و طناب‌های کنکور پاره نشوند، ما نمی‌توانیم دانش‌آموزان را متناسب با استعدادشان و نیازهای توسعه متوازن کشور به سمت دانشگاه و بازار کار هدایت کنیم. ما باید به علائق دانش‌آموزان، استعدادهای آن‌ها، امکانات و نیازهای توسعه متوازن کشور دقت کنیم.»
حجت‌الاسلام محمدیان دسترسی به تولیدات و آثار مناسب را یکی از حقوق دانش‌آموزان دانست و گفت: «موضوع دیگری که باید به آن توجه داشته باشیم، حقوق دانش‌آموزان است. یکی از حقوق دانش‌آموزان و فرزندانشان ما آن است که آثار مناسب برایشان تولید شود. ما باید در تولید آثار حقوق دانش‌آموز و مسئولیت خود را بشناسیم. حق دانش‌آموز این نیست که ما برای حساب و کتاب بازار خود از حقوق آن‌ها کم بگذاریم. دانش‌آموزان ما بهترین‌های ما هستند. بنابراین باید در حوزه نشر هم بهترین‌ها را برای

آن‌ها فراهم کنیم.»

وی روی پشتیبانی آثار تولید شده از سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی تأکید کرد و در ادامه افزود: «سند تحول آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی به عنوان یک میثاق برای آینده آموزش و پرورش - حداقل تا سال ۱۴۰۴ - تهیه شده‌اند. باید آنچه تولید می‌کنیم از سند تحول پشتیبانی کند و مفاهیم آن

را توسعه دهد. همچنین مطالب کتاب‌های درسی را تسهیل کند و عمق ببخشد. ایجاد فضای مغایر یا متضاد با آن حوزه می‌تواند آسیب‌های جدی به ما برساند.

برنامه درسی ما سیاستی را دنبال می‌کند که بر اساس آن، خلاقیت در دانش‌آموزان ایجاد شود، نهال ایمان در آن‌ها درونی شود تا بتوانیم آن‌ها را به عمل مؤثر و اخلاق رهنمون شویم. تولید آثاری که بتواند یا بخواهد حافظه‌محوری و توانایی تست‌زنی را تقویت کند نوعی ایجاد اختلال در برنامه تربیتی مدرسه است.

ما همیشه از حافظه گرایی یا نهادینه نشدن رفتارهای عقلانی در فرزندانمان گلیاه می‌کنیم، اما از سوی دیگری کارهایی انجام می‌دهیم که ضد نقدهای خودمان است. ما باید خود پاسبان و صیانت‌کننده محیط فرهنگی و آموزشی‌مان باشیم.»

وی در پایان به تولید کتاب برای مخاطب معلم به منظور توانمندسازی او اشاره کرد و گفت: «آثاری که تولید می‌کنیم نباید فقط متوجه دانش‌آموزان باشند. باید برای معلمان هم آثاری تولید کنیم و توانمندی‌های معلمان را در فرایند یاددهی - یادگیری ارتقا ببخشیم و روش‌های نو را به معلمان ارائه دهیم.»



گروه داوری تفکر و پژوهش

شایسته تقدیر: «داستان‌های فکری برای کودکان ایرانی»، نوشته رضاعلی نوروزی و منیره عابدی درچه

گروه داوری داستان

برگزیده: «قصه‌های جنگ و صلح»، نوشته مرتضی خسرونژاد

شایسته تقدیر: «هشت‌پا»، نوشته مرتضی شمس

گروه داوری داستان دوره متوسطه

برگزیده: «هیچ‌کس جراتش را ندارد»، نوشته حمیدرضا شاه‌آبادی

شایسته تقدیر: «تردبانی رو به آسمان»، نوشته یوسف قوجق

گروه داوری ریاضی

شایسته تقدیر: «آموزش ریاضیات در دبستان»، نوشته امیرحسین آشنا

شایسته تقدیر: جلد نخست «هندسه از ابتدا تا ...»، نوشته ارشک حمیدی

گروه داوری زبان و ادبیات فارسی

برگزیده: «بیاید داستان بنویسیم»، نوشته مهدی میرکیایی

شایسته تقدیر: «کتاب کار جامع دوم دبستان»، نوشته سمانه قدری

گروه داوری زبان‌های خارجی

شایسته تقدیر: «کتاب جامع زبان انگلیسی خط سفید»، نوشته مجید توانایی

محمدیان: سند تحول آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی به عنوان یک میثاق برای آینده آموزش و پرورش - حداقل تا سال ۱۴۰۴ - تهیه شده‌اند

در مراسم اختتامیه سیزدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، برگزیدگان جشنواره به شرح زیر معرفی شدند:

گروه داوری آداب و مهارت‌های زندگی

«مهارت‌های خشم»، نوشته فاطمه ترکمانی
«مجموعه مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دبستانی»، نوشته مشترک طیبه قادری و سعیدی‌نیاز

گروه داوری آموزش و پرورش کودکان استثنائی

برگزیده: «اختلال‌های روانی و هیجانی کودک»، نوشته مشترک حسین مرادی و حسن رضائی
شایسته تقدیر: «انقلاب اتیسم»، ترجمه هایده حائری و اسماعیل گنجه

گروه داوری بازی و سرگرمی

برگزیده: «بازی‌های روز چهارشنبه»، نوشته رکسانا سپهر

گروه داوری پیش دبستانی

برگزیده: «من و مامانم و مدرسه»، نوشته شکوه قاسم‌نیا
شایسته تقدیر: «من هم بازی»، نوشته سرور گتبی

گروه داوری تاریخ و جغرافیا

برگزیده: «عکس یادگاری با فرعون»، نوشته عباس نادری
شایسته تقدیر: «لئوناردو داوینچی»، نوشته آناهیتا آقا طاهر و حمیدرضا غلامرضایی

گروه داوری سلامت و تربیت بدنی

برگزیده: «حرکات اصلاحی»، نوشته زهره افشارمند و یحیی سخنگویی

صلواتیان

شایسته تقدیر: «عروسک‌های انگشتی»، نوشته هدی عظیمی

گروه داوری شعر و نثر ادبی

برگزیده: «رفتم بالا اودم پایین»، نوشته ناصر کشاورز
شایسته تقدیر: «یک قوری پر از قو»، نوشته مریم هاشم‌پور

گروه داوری کار و فناوری

برگزیده: «مبانی ویندوز ۱»، نوشته سعیده مفیدی نسب
شایسته تقدیر: «بازمصرف، بازیافت، بازگامی»، نوشته مینا سلیمی

گروه داوری مطالعات و علوم اجتماعی

شایسته تقدیر: «دنیای هیجان‌انگیز مومیایی‌ها»، ترجمه
صدار صاحب‌فصول

گروه داوری معارف اسلامی

برگزیده: جلد نخست «مجموعه آموزشی درس نامه صحیفه
سجادیه»، نوشته حمید محمدی و همکاران

گروه داوری علوم تربیتی و روان‌شناسی

برگزیده: «روان‌شناسی رشد و گستره زندگی»، ترجمه پرویز
شریف درآمدی و محمدرضا شاهی
شایسته تقدیر: «تدریس پژوهش محور»، نوشته اکبر پناهی

گروه داوری نمایشنامه

برگزیده: «جعبه خیال»، نوشته فریده شیرزبان

گروه داوری علوم تجربی

برگزیده: نوشته حسن سالاری «آشنایی با جانوران و
خزندگان»

در گروه داوری ناشران نیز انتشارات دولتی «کانون
پرورش فکری کودکان و نوجوان» و ناشر خصوصی «نوشته»
تجلیل شدند.

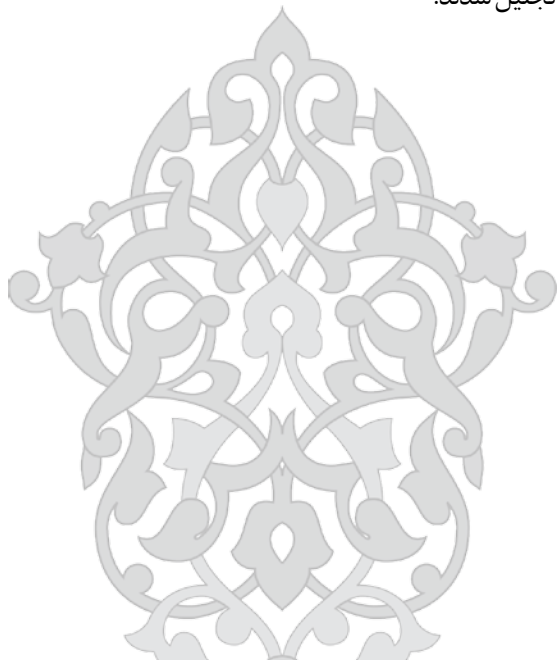
شایسته تقدیر: «پیش‌بینی، مشاهده، توضیح»، نوشته
معصومه و ملیحه خلیلی

گروه داوری فیزیک

شایسته تقدیر: «فیزیک ۳ و آزمایشگاه»، نوشته احمد
احمدی و روح‌الله خلیلی بروجنی

گروه داوری فرهنگ و هنر

برگزیده: «راز نقاشی‌های قشنگ»، نوشته محمدحسین





پلی برای ارتباط با مخاطبان

گزارش عملکرد مرکز بررسی آثار در سال ۱۳۹۵

نامه‌های رسیده به مرکز بررسی آثار در فصل پاییز بیشترین آمار را داشته و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان پس از دریافت مجلات رشد نسبت به نوشتن و برقراری ارتباط با آن‌ها ترغیب می‌شوند. در سایر فصل‌ها، عواملی همچون تعطیلی مدارس یا امتحانات بر روی این آمار تأثیر می‌گذارند. نمودار ۲ این نسبت را نشان می‌دهد:



به لحاظ موضوعی، نقاشی بیشترین مخاطبان را داشته و قطعه ادبی نیز در رتبه دوم قرار دارد. به طوری که از مجموع نامه‌های دریافتی، ۱۵۳۶ نامه با موضوع نقاشی، ۳۸۵ نامه

کارشناسان مرکز بررسی آثار مجلات رشد تا پایان بهمن ۱۳۹۵، تعداد ۲۷۴۴ نامه را پاسخگویی کرده‌اند. از این تعداد، ۱۲۹۲ نامه به رشد کودک، ۵۳۶ نامه به رشد نوجوان، ۳۷۲ نامه به رشد دانش‌آموز، ۲۳۸ نامه به رشد نوجوان و ۱۵۰ نامه به رشد جوان تعلق داشته‌اند. سایر نامه‌های پاسخگویی شده، دارای مخاطبان دانش‌آموز نبوده و توسط معلمان یا والدین علاقه‌مند به داستان یا شعر ارسال شده‌اند. نمودار ۱ نامه‌های دریافتی را بر اساس مجلات دانش‌آموزی نشان می‌دهد:

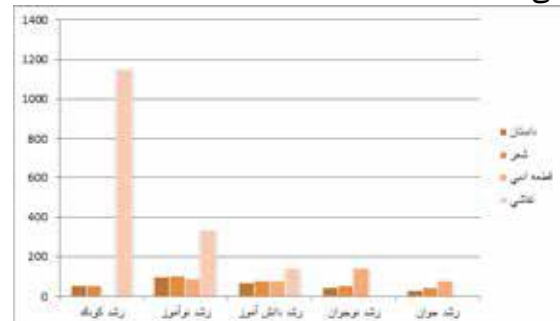


آموزش آن‌ها تهیه شده که با توجه به نیاز هر دانش‌آموز در اختیار او قرار می‌گیرد. این جزوه‌ها، نقاشی را به صورت مرحله به مرحله آموزش داده و مخاطبان از طریق انجام دادن تمرین‌های هدف‌دار، از نقاشی کردن لذت برده و تکنیک‌های مختلف را می‌آموزند.

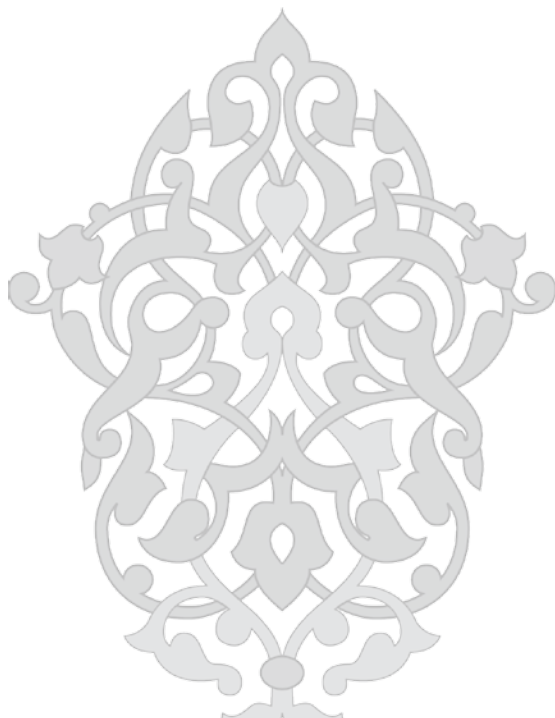
همچنین، مرکز بررسی آثار از سال ۱۳۹۳ برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان علاقه‌مند به نوشتن داستان یا شعرگویی، در دوره ابتدایی و دوره متوسطه اقدام به انتشار دو ویژه‌نامه با عنوان **قاصدک** و **چکاوک** کرده که نویسندگان آن‌ها دانش‌آموزان هستند. به عبارت دیگر، آثار برگزیده دانش‌آموزان طی یک سال تحصیلی طبق نظر کارشناسان انتخاب و در پایان سال در قالب این دو ویژه‌نامه منتشر می‌شود. این ویژه‌نامه‌ها از طریق پست برای دانش‌آموزانی که آثار چاپ شده دارند و دانش‌آموزان دیگری که به نوشتن علاقه‌مند هستند، ارسال می‌شود. تاکنون دو شماره از این ویژه‌نامه‌ها منتشر و در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفته است.



در قالب قطعه ادبی، ۳۳۹ نامه به صورت شعر و ۲۹۱ نامه نیز داستان بوده‌اند. نمودار ۳ نسبت نامه‌های دریافتی توسط هر یک از مجلات دانش‌آموزی را براساس موضوع نشان می‌دهد:



کارشناسان مرکز بررسی آثار به منظور تشویق دانش‌آموزانی که با ارسال آثار ادبی و هنری خود با مجلات رشد ارتباط برقرار کرده‌اند، به تمامی نامه‌ها پاسخی کتبی می‌دهند. علاوه بر آن، به دلیل اهمیت و استقبال دانش‌آموزان مقطع دبستان از بخش نقاشی، جزوه‌هایی برای



ارزیابی باشاقول برنامه درسی

معیارهای ارزیابی کتاب‌های آموزشی حوزه کار و فناوری

آن افزایش دهند و حتی اولیای دانش‌آموزان را نیز از موضوعات درس و فرصت‌ها و تهدیدهای ایجاد شده توسط آن مطلع سازند. کلیدواژه‌ها: کتاب‌های آموزشی، حوزه کار و فناوری، برنامه‌درسی

جایگاه و اهمیت کتاب‌های آموزشی

پیشرفت‌ها و تجربیات نوین آموزشی این امکان را فراهم ساخته‌اند که سخن مشهور منسوب به پیامبر اکرم (ص)، یعنی «ز گهواره تا گور دانش بجوی»، که همان یادگیری مادام‌العمر است، مصداق عملی یابد. امروزه یادگیری به زمان حضور در مدرسه محدود نمی‌شود، بلکه همان‌طور که در گزارش «کمسیون بین‌المللی تعلیم و تربیت درباره آموزش برای قرن بیست و یکم» به یونسکو، با عنوان «یادگیری، گنج درون» بیان شده است، یادگیری تمام جنبه‌های حیات انسان

حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری، یکی از حوزه‌های یازده‌گانه در برنامه درسی ملی است. در این حوزه نوظهور که یکی از مصادیق بارز تحول در نظام جدید آموزشی است، درسی با همین نام (کار و فناوری) ایجاد شده است. این درس از پایه ششم ابتدایی آغاز می‌شود، کتاب درسی دارد و از سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در مدارس در حال اجراست. ضمن اینکه قرار است درس مذکور در پایه پنجم نیز اجرا شود و لذا کتاب درسی آن تألیف شده و در حال اجرای آزمایشی است. با توجه به جدید بودن و گستردگی موضوعات ارائه شده در این درس، نیاز است ناشران گوناگون به تولید کتاب‌های آموزشی در این زمینه بپردازند تا از این طریق، زمینه را برای گسترش و تعمیق مفاهیم این درس برای دانش‌آموزان فراهم سازند و از بُعدی دیگر، توانایی معلمان را در تدریس



را در برمی گیرد. تحقق چنین امر خطیری بدون بازاندیشی، بازسازی ساختارها و بازآفرینی مؤلفه‌های نظام آموزشی و زیرساخت‌های آن، بعید می‌نماید. یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین منابع تحقق یادگیری مؤثر و پایدار در کشورمان، کتاب‌های آموزشی هستند. یادگیری اطلاعات از طریق کتاب، با وجود گسترش اینترنت، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است. امروزه کتاب‌های آموزشی توانسته‌اند در کنار ابزار پیچیده و سریع توسعه یافته رسانه‌ای، همچنان اهمیت خود را حفظ کنند و به تحقق یادگیری در سطوح گوناگونی از فراگیرندگان بپردازند.

حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری

حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری یکی از حوزه‌های یازده‌گانه برنامه درسی ملی و می‌توان گفت از حوزه‌های نوظهور است که بر یادگیری فناوری، به خصوص فناوری

اطلاعات، مهارت‌آموزی و آشنایی با مشاغل تأکید دارد. سایر حوزه‌های تربیت و یادگیری عبارت‌اند از: حکمت و معارف اسلامی، قرآن و عربی، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و هنر، سلامت و تربیت‌بدنی، علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ریاضیات، علوم تجربی، زبان‌های خارجی و آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده. در بخش معرفی این حوزه در برنامه درسی ملی آمده است: «حوزه کار و فناوری شامل کسب مهارت‌های عملی برای زندگی کارآمد و بهره‌ور و کسب شایستگی‌های مرتبط با فناوری و علوم وابسته، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، به منظور تربیت فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی و نیز آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخش‌های مختلف اقتصادی و زندگی اجتماعی است.» همچنین، ضرورت و کارکرد حوزه در برنامه درسی ملی به این صورت مورد تأکید قرار گرفته است: «با توجه به آموزه‌های اسلامی، کار و اشتغال از ارزش تربیتی برخوردار است. انسان

- از طریق کار، نفس سرکش را رام می‌کند، شخصیت وجودی خویش را صیقل می‌دهد، هویت خویش را تثبیت می‌کند، زمینه ارتقای وجودی خویش را مهیا می‌کند و امکان کسب روزی حلال و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه را فراهم می‌آورد. آموزش فناوری، کار و مهارت‌آموزی باعث پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری، مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر، افزایش درآمد و توسعه‌یافتگی خواهد شد.»
۲. شایستگی‌های پایه فنی مورد نیاز نیروی کار، حرف و مشاغل گوناگون؛
۳. شایستگی‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
۴. شایستگی‌های مربوط به یادگیری مادام‌العمر فنی و حرفه‌ای.
- بر اساس این قلمروها، شایستگی‌های گوناگونی در این حوزه تعریف شده‌اند که در جدول ۱ به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

شایستگی‌های حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری

در برنامه درسی ملی چهار قلمرو شایستگی برای حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری به شرح زیر در نظر گرفته شده‌اند:

۱. شایستگی‌های محوری غیر فنی دنیای کار؛

اهداف کلان حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری

اهداف کلان حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری، ناظر بر اهداف و رویکردهای برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین

جدول ۱

نمونه شایستگی‌ها	قلمروی شایستگی‌ها
کارآفرینی، مشارکت جمعی، تلاش جهت تحقق توسعه پایدار، تصمیم‌گیری، رعایت ایمنی و بهداشت، مدیریت و برنامه‌ریزی کارها، درک علاقه‌ها و سبک‌های کاری، کسب حلال، تفکر خلاق، مدیریت منابع، به‌کارگیری اخلاق حرفه‌ای، تفکر منطقی، مدیریت پروژه، گزارش‌نویسی، به‌کارگیری الزامات و قوانین کار، تفکر سیستمی، جهادگری، شکیبایی، ریسک‌پذیری، تفکر انتقادی، ایثارگری	شایستگی‌های محوری غیر فنی دنیای کار
دست‌ورزی و کسب توانایی‌های فیزیکی، تحقیق و بررسی مشاغل و حرف، طراحی و ساخت‌ساز و کارهای حرکتی، به‌کارگیری فناوری‌های نو، طراحی و ساخت محصولات صنایع دستی، پرورش و نگهداری گیاهان، نقشه‌کشی، تعمیر و نگهداری، طراحی و ساخت محصولات چوبی، پرورش و نگهداری حیوانات، طراحی و ساخت سازه‌های معماری و عمرانی، طراحی و ساخت محصولات فلزی، طراحی و ساخت محصولات الکترونیکی و برقی، کسب مهارت‌های اداری و مالی، طراحی و دوخت پوشاک، آماده‌سازی و پخت غذا، کسب مهارت‌های بهداشتی	شایستگی‌های پایه فنی مورد نیاز نیروی کار حرف و مشاغل گوناگون
کسب مهارت کار در فضای مجازی، سواد اطلاعاتی، حفظ و رعایت امنیت در فضای مجازی، جست‌جو و گردآوری اطلاعات، به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، به اشتراک‌گذاری اطلاعات، مستندسازی اطلاعات، تولید برنامه‌های کاربردی، پردازش اطلاعات متنی و تصویری، انتخاب فناوری اطلاعات و ارتباطات	شایستگی‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات
خودآموزی، آموزش به دیگران، پژوهش‌گری، یادگیری تلفیقی (بین حرفه‌ای)، کنجکاوی و پرسشگری، تفکر فناورانه، به روز بودن، مباحثه و تبادل نظر، تولید اطلاعات، درک فرهنگ و هویت ملی، مسئولیت‌پذیری، به روز رسانی اطلاعات، درک هنری و زیبایی شناختی، خودباوری	شایستگی‌های مربوط به یادگیری مادام‌العمر فنی و حرفه‌ای

و منبعث از شایستگی‌های این حوزه است. این اهداف عبارت‌اند از:

- کسب مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات،
- آشنایی با مشاغل و کسب مهارت‌های پایه‌موردنیاز آن‌ها؛
- به‌کارگیری انواع تفکر؛
- کسب مهارت‌های مدیریت و تصمیم‌گیری؛
- کسب مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی؛
- ارزش‌گذاری به علم و هنر؛
- کار با فناوری و کسب مهارت‌های پایه فنی.

درس کار و فناوری

به دنبال استقرار نظام جدید آموزشی، درس کار و فناوری منبعث از حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری تألیف و وارد مدارس شد. در این درس سعی بر آن بوده است که مطابق آنچه برنامه‌درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تأکید کرده است، محتوای مرتبط با ارتقای شایستگی‌های فناوری اطلاعات، در کنار شایستگی‌های مورد نیاز دنیای کار و مشاغل، آموزش داده شود. در برنامه‌درسی ملی، جهت‌گیری‌های کلی در سازمان‌دهی محتوا به این صورت بیان شده است: «شایستگی‌های این حوزه در دوره آموزش عمومی به صورت عینی، تجربی و عمدتاً در هم تنیده با دیگر حوزه‌های تربیت و یادگیری و از طریق تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی و متنوع کسب خواهد شد و زمینه هدایت دانش‌آموزان را با توجه به علاقه‌ها و توانایی ایشان در مسیرهای تحصیلی، حرفه‌ای و شغلی فراهم می‌کند. در تدوین فعالیت‌های یادگیری این حوزه، در کلیه دوره‌های تحصیلی، دیدگاه

فناورانه حاکم خواهد بود.»

این درس هم‌اکنون در پنج پایه تحصیلی در حال اجراست. در جدول ۲ روند اجرای این درس مشاهده می‌شود. محتوای درس کار و فناوری در پایه‌های متفاوت شامل پروژه‌ها، پودمان‌ها و مفاهیم گوناگونی است که ذکر آن‌ها می‌تواند برای مؤلفان و ناشران کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی مفید باشد. محتوای مذکور در جدول ۳ خلاصه شده است.

کتاب‌های آموزشی کار و فناوری

بر اساس اسناد ارزیابی کتاب‌های آموزشی در گروه درسی کار و فناوری، این کتاب‌ها در برگیرنده دو گروه کتاب‌های کمک‌آموزشی و کتاب‌های کمک‌درسی می‌شوند. کتاب‌های کمک‌آموزشی به منظور ایجاد انگیزه، افزایش دانش و سواد علمی، پرورش مهارت‌های ذهنی و عملی، و توسعه یادگیری به منظور ارتقای شایستگی‌های لازم در دو بُعد فردی و اجتماعی تهیه و تنظیم می‌شوند، و لزوماً به برنامه‌های درسی دوره تحصیلی وابسته نیستند و شامل «کتاب‌های تکمیلی دانش‌آموز» و «کتاب‌های حمایتی معلمان و کارشناسان» می‌شوند. کتاب‌های کمک‌درسی، کتاب‌هایی هستند که به منظور تسهیل، تثبیت و تعمیق مفاهیم، مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی در جهت اهداف برنامه‌ها و کتاب‌های درسی دوره و پایه تحصیلی خاصی تهیه و تنظیم می‌شوند، مانند «کتاب‌های کار» و «کتاب‌های تمرین». این کتاب‌ها لزوماً به اهداف برنامه‌های درسی وابسته‌اند.

بنابراین کتاب‌های آموزشی کار و فناوری شامل سه گروه زیر می‌شوند:

- کتاب‌های تکمیلی دانش‌آموز: کتاب‌هایی برای دانش‌آموزان

جدول ۲

عنوان کتاب	سال تحصیلی ۹۱-۹۲	سال تحصیلی ۹۲-۹۳	سال تحصیلی ۹۳-۹۴	سال تحصیلی ۹۴-۹۵
کار و فناوری پایه پنجم	-	-	-	آزمایشی
کار و فناوری پایه ششم	سراسری	سراسری	سراسری	سراسری
کار و فناوری پایه هفتم	-	سراسری	سراسری	سراسری
کار و فناوری پایه هشتم	-	-	سراسری	سراسری
کار و فناوری پایه نهم	-	-	-	سراسری

جدول ۳

عنوان کتاب	رئوس مطالب
کار و فناوری پایه پنجم	شناخت رایانه، سیستم عامل، کار گروهی، برنامه نقاشی، ساخت آشیانه پرنده، تایپ در رایانه، ساخت چراغ مطالعه، برنامه ویژه پرداز، گزارش نویسی، سبزی کاری، برنامه ارائه مطلب، ساخت خودروی کشتی
کار و فناوری پایه ششم	کار با رایانه، نقاشی با رایانه، دسته بندی اطلاعات در رایانه، حافظه رایانه، نوشتن متن در رایانه، شبکه ملی مدارس ایران (رشد)، ارائه نمایشی مطالب، پروژه های طراحی و ساخت، پودمان های کار
کار و فناوری پایه هفتم	نوآوری و فناوری، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، جست و جو و جمع آوری اطلاعات، مستندسازی، کسب و کار، نقشه کشی، کار با چوب، اشتراک گذاری اطلاعات، پرورش و نگهداری گیاهان، پوشاک، خوراک
کار و فناوری پایه هشتم	کار با فلز، الکترونیک، اتصال به شبکه، پست الکترونیکی، صنایع دستی (بافت)، پرورش و نگهداری از حیوانات، امور اداری و مالی، ماکت سازی
کار و فناوری پایه نهم	الگوریتم، ترسیم با رایانه، ساز و کارهای حرکتی، بازی های رایانه ای، برق، تأسیسات مکانیکی، عمران، خودرو، پایش رشد و تکامل کودک، صنایع دستی (برجسته کاری روی فلز و مس)، هدایت تحصیلی - حرفه ای

توضیح: لازم به ذکر است، در حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری، به علت ممنوع بودن آزمون کتبی و لزوم ارزشیابی عملکردی، «کتاب های تمرین» که با تأکید بر سؤالات مکتوب، تشریحی و تستی تدوین می شوند، جایگاهی ندارند.

شاخص های ارزیابی کتاب های آموزشی کار و فناوری
ارزیابی کتاب های آموزشی کار و فناوری بر اساس شاخص های متعددی صورت می گیرد. در این قسمت، برخی از شاخص های مورد توجه در ارزیابی این دسته از کتاب ها

هستند که در گستره های وسیع تر نسبت به کتاب های درسی، به تدارک فرصت ها و موقعیت های یادگیری می پردازند.

- کتاب های حمایتی معلمان و کارشناسان: کتاب هایی هستند که به منظور ارتقای شایستگی های حرفه ای و تخصصی معلمان و کارشناسان تولید می شوند.
- کتاب های کار: این نوع کتاب ها شامل مجموعه ای از فرصت های یادگیری هستند که در قلمرو مفاهیم، مهارت های اساسی و ایده های کلیدی از برنامه درسی برگرفته شده اند و هدف آنها توسعه صلاحیت های لازم است.

- ارائه می‌شود تا ناشران و مؤلفان بتوانند بر اساس آن کتاب‌های مفیدتری را تدوین کنند. فهرست کامل شاخص‌ها در اسناد ارزیابی گروه درسی کار و فناوری قابل دسترس خواهند بود.
- کاربردی بودن مطالب در زندگی واقعی
- توجه به ویژگی‌های جنسیتی
- رعایت حقوق مالکیت معنوی
- داشتن شناسنامه استاندارد
- رشد تفکر و مهارت‌های دانش‌آموزان در راستای درس
- تقویت توان گزارش‌نویسی در دانش‌آموزان
- ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان
- ترغیب دانش‌آموزان به کنجکاوی و مطالعه بیشتر
- افزایش دانش پایه و درک معلمان / کارشناسان از درس
- ارائه مطالب تکمیلی در راستای موضوع درسی و روش تدریس آن
- معرفی پروژه‌های بومی مناطق گوناگون کشور
- معرفی مشاغل و آموزش مهارت‌های پایه مورد نیاز آن‌ها
- پرورش انواع تفکر

جمع‌بندی

در این مقاله، ضمن توضیح حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری، جایگاه این حوزه در سند برنامه درسی ملی بررسی شد. شایستگی‌ها و اهداف کلان آن نیز مورد بررسی و تشریح قرار گرفت. سپس به کتاب‌های درسی کار و فناوری و رئوس محتوای آن‌ها پرداختیم. در انتها، انواع کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی مورد اشاره در اسناد ارزیابی کتاب‌های آموزشی کار و فناوری، به همراه شاخص‌های ارزیابی آن‌ها معرفی شدند. امید است ناشران و مؤلفان محترم، با اطلاعاتی که از این مقاله به‌دست می‌آورند، در عرصه کتاب‌های آموزشی کار و فناوری آثار مفید و هدفمندی ارائه کنند.

نمونه‌هایی از شاخص‌های ارزیابی

- ارتباط با اهداف درس و شایستگی‌های حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری
- داشتن فهرست مناسب
- داشتن مقدمه مناسب
- توجه به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی
- صحت و اعتبار مطالب
- انسجام مطالب
- پرهیز از غلط‌های املائی
- به روز بودن مطالب
- تعیین مخاطبان کتاب
- درج عناوین مناسب برای تصاویر و جداول
- استفاده از ادبیات نوشتاری متناسب با سن مخاطب
- توجه به سبک‌های یادگیری گوناگون مخاطبان
- استفاده از رنگ و علامت برای تأکید بر موضوعات مهم
- استفاده از قلم خوانا و مناسب
- حروف‌چینی و صفحه‌آرایی جذاب
- جذابیت و زیبایی طرح روی جلد
- کیفیت تصاویر
- نداشتن نواقص چاپی
- معرفی کوتاه کتاب (در ابتدای کتاب یا پشت جلد)
- استفاده از جداول، نقشه‌ها، نمودارها و تصاویر
- مرتبط بودن تصاویر با محتوا



دو روز، دو کارگاه

گزارش کارگاه‌های آموزشی در حاشیه جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

روزهای ۲۰ و ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۵، کارگاه‌های آموزشی و برنامه ویژه نمایش و نقد فیلم برای دانش‌آموزان، دانشجو - معلمان و معلمان فیلم‌ساز در اردوگاه شهید باهنر تهران برگزار شد.

این اردوگاه همچنین میزبان فیلم‌سازانی بود که از شهرها و استان‌ها برای ارائه آثارشان در چهاروششمین جشنواره جهانی فیلم رشد حضور پیدا کرده بودند و در نهایت با تقدیر دبیر جشنواره راهی خانه‌هایشان شدند.

وارد اردوگاه شهید باهنر که شدیم، فضای شاعرانه و انبوه درختان آن که با رنگ‌های پاییزی جلوه خاصی پیدا کرده بودند، نخستین چیزی بود که به چشم می‌آمد. از آنجا که کارگاه آموزشی در سالن پامچال برگزار می‌شد، فرصت خوبی برای قدم‌زدن در این مسیر زیبا در اختیارمان قرار گرفت.

«کارگاه مستندسازی» با حضور استاد پیروز کلانتری و «کارگاه خلاقیت در فیلم‌نامه‌نویسی» با مدیریت محمود

الیاسی، از فرهنگیان فیلم‌ساز، دو کارگاهی بودند که در این اردوگاه برگزار شدند. در این دو کارگاه، دانش‌آموزان، معلمان و دانشجو - معلمان حضور داشتند. خیلی‌ها معتقد بودند، چون بیشترین آثار دانش‌آموزی را فیلم‌های داستانی تشکیل می‌دهند، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مستندسازی، بیشتر برای فرهنگیان و دانشجو - معلمان فیلم‌ساز مفید خواهد بود. اما مباحث آن‌قدر کاربردی و مفید بودند که دانش‌آموزان هم استفاده لازم را از آن‌ها بردند.

در این کارگاه‌ها، با بیانی شیوا و ساده درباره خلاقیت‌های فیلم‌نامه نویسی، گفت‌وگو شد. در زمینه تعریف فیلم مستند و تلاش آن برای بازگ کردن واقعیت‌ها نیز مطالبی عنوان شد. سپس ساختار فیلم مستند و اهداف آن، به‌ویژه در سینمای امروز که بسیاری از



سه درصد از زندگی دو رو بات

فاطمه صادقی، دانش‌آموز فیلم‌ساز اصفهانی است که در رشته انیمیشن تحصیل می‌کند و تاکنون برای فعالیت‌های کلاسی و چندین جشنواره مختلف فیلم‌هایی تولید کرده است. او در فیلم‌هایش از تکنیک‌های حوزه انیمیشن‌سازی همچون «پیپر»، «اسلوموشن»، «عروسکی»، «۲دی» (2D) و «۳دی» (3D) استفاده می‌کند. **سه درصد** عنوان فیلم جدید اوست که در جشنواره هنرهای تجسمی و فرهنگی، و جشنواره رشد شرکت کرده است. این فیلم داستان دو رو بات است که انرژی‌شان به پایان نزدیک شده و حال بر سر کسب انرژی با هم رقابت می‌کنند.

صادقی که در کارگاه‌های آموزشی این دوره حضور داشته و بسیاری از فیلم‌ها را دیده است، می‌گوید: «رقابت بین دانش‌آموزان بسیار خوب بود. بسیاری از فیلم‌ها را با هم دیدیم و نقد و بررسی کردیم. این ارائه نظرات و مطلع شدن از دیدگاه‌های یکدیگر، به کسب تجربیات و ارائه فیلم‌های بهتر در آینده کمک زیادی می‌کند.»

او با اشاره به برخی فیلم‌های قوی این بخش گفت: «برایم جالب بود برخی فیلم‌هایی که ساختار و فیلم‌نامه قوی هم داشتند، سازندگانشان در این زمینه تحصیلات تخصصی نداشتند و این از نقش تجربه در ارائه آثار خوب حکایت می‌کند.»

دزد لحظه‌ها در جشنواره امسال

معصومه خوش‌لهجه برای چندمین بار است که در بخش دانش‌آموزی جشنواره رشد شرکت می‌کند. او سال گذشته برای فیلم انیمیشنی **مسیر زندگی را انتخاب کنید**، دیپلم افتخار و رتبه سوم جشنواره را به خود اختصاص داد. معصومه درباره هدف از حضور در این جشنواره گفت: «از

معلمان می‌خواهند فیلم آموزشی بسازند که به نوعی از فیلم مستند منشأ می‌گیرد، مورد بررسی قرار گرفت. دانش‌آموزان و دانشجو - معلم با یادداشت‌برداری و پرسش و پاسخ علاقه خود را به مباحث کارگاه نشان می‌دادند. قرار است مطالب گفته شده در این کارگاه‌ها به زودی برای استفاده همه علاقه‌مندان، در شبکه ملی مدارس ایران (رشد) بارگذاری شوند.

پس از پایان برنامه‌ها، در فاصله‌ای که قرار بود وسایل ایاب و ذهاب برای بردن شرکت‌کنندگان به مکان اختتامیه جشنواره حاضر شود، در محوطه اردوگاه شاهد حضور پر جنب و جوش دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمان فیلم‌ساز بودیم. به سراغ برخی از این عزیزان رفتیم تا درباره فیلم‌ها و همچنین نظراتشان پیرامون کارگاه‌ها و جشنواره بیشتر بدانیم.

استفاده مفید از آن را نیز به او بیاموزد.»
 خوش‌لهجه کارگردان و انیماتور این اثر است و طرح و ایده آن را از اتفاقات روزمره‌ای که هر روز در جامعه می‌بیند، اقتباس کرده است. او درباره فیلم‌های این دوره از جشنواره گفت: «دانش‌آموزان در سطوح گوناگون در حال پیشرفت هستند. جشنواره‌ها و به‌ویژه کارگاه‌های آموزشی که با موضوعات متنوعی همچون فیلم‌نامه‌نویسی و... برگزار می‌شوند، در ایده‌یابی به دانش‌آموزان فیلمساز کمک زیادی می‌کنند و در رشد سطح فکری آنان و بهبود آثار انیمیشنی تأثیر دارند. با دیدن فیلم‌های این دوره با طرز فکر فیلمسازان دیگر هم‌سن و سال خودم آشنا شدم و بر تجربیاتم افزوده شد.»

مستند آیینی علم

حمید شاهرودی، دانشجوی فیلمساز از استان خراسان جنوبی، در این جشنواره حضور داشت. با او در مورد فیلمش گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم. شاهرودی در جشنواره امسال فیلم **علم** را ارائه کرده است. به گفته او، این فیلم نوعی مستند آیینی است که سنت‌ها و آیین‌های مردم خراسان جنوبی در ایام محرم را به تصویر می‌کشد. «انجمن فیلم و عکس نگاه»، وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهیه‌کنندگی این اثر را به عهده داشته است: «در این فیلم، به‌لحاظ نوع کار و جنبه مستندی آن، چندان از دانشجو - معلمان استفاده نشده است و بیشتر عوامل از فعالان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند.» او با اشاره به بالاتر بودن سطح فیلم‌های امسال نسبت به دوره‌های گذشته ادامه داد: «طی یک سال گذشته، دانشگاه فرهنگیان و وزارت آموزش و پرورش دوره‌های آموزشی را برای دانشجو - معلمان و دانش‌آموزان برگزار کردند که انعکاس آثار مفید آن را امسال خیلی خوب در فیلم‌ها می‌بینیم.»



آنجا که جشنواره فیلم رشد از جشنواره‌های بسیار قدیمی و معتبر است، به من در رشته فیلم‌سازی کمک فراوانی کرده است، طوری که بسیاری از تجربیاتم را با حضور در این جشنواره کسب کرده‌ام. امسال هم با انیمیشن **دزد** در این جشنواره حضور پیدا کرده‌ام.»

این انیمیشن با تکنیک نقاشی روی شیشه ساخته شده است و زمان کوتاهی دارد: «در تلاش بودم در همین زمان کوتاه، آنچه را که در زمینه مضرات استفاده از تلفن همراه در نظر داشتم، در فیلم بگنجانم.» این فیلم داستان پسرچهای است که ابتدا زندگی بسیار خوبی دارد. ورزش می‌کند و در درس‌هایش بسیار جدی و مستعد است. تا اینکه خانواده‌اش برای تشویق، یک گوشی تلفن همراه به او هدیه می‌دهند. در ادامه می‌بینیم که این پسر، پس از مدتی، دچار چه مشکلاتی می‌شود. از خانواده و دوستانش کناره‌گیری می‌کند و در نهایت دچار افت تحصیلی می‌شود. به گفته کارگردان، این فیلم نمی‌خواهد بگوید استفاده از تلفن همراه بد است، اما می‌کوشد بر نقش آموزشی خانواده‌ها، به‌ویژه مادران، در راهنمایی و پرورش فرزندان تأکید کند: «وقتی خانواده وسیله‌ای را در اختیار کودک می‌گذارد، باید فرهنگ



شاهرودی: مستند
علم، روایتگر نوعی
آیین علم‌گردانی
است که در یکی از
شهرستان‌های استان
خراسان جنوبی اتفاق
می‌افتد

مستند علم، روایتگر نوعی آیین علم‌گردانی است که در یکی از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی اتفاق می‌افتد. تمام افراد دخیل در این مراسم (از خانم‌ها که مراسم با حضور آن‌ها آغاز می‌شود تا آقایان که در نهایت علم به آنان سپرده می‌شود)، در فیلم حضور دارند و این سنت قدیمی به صورت کامل نمایش داده می‌شود.

روایت تنهایی در نوروز

ساناز قاسمی، دانش‌آموز فیلم‌ساز، بیشتر فیلم‌های بخش دانش‌آموزی را دیده بود: «به‌نظرم فیلم‌های امسال از سطح کیفی خوبی برخوردار بودند و دوستشان داشتم.» او با انیمیشن **نوروز** در جشنوارهٔ امسال حضور یافت. قاسمی فیلم‌سازی را از سال دوم دبیرستان آغاز کرده است و بیشتر در زمینهٔ تولید انیمیشن فعالیت می‌کند. فیلم نوروز روایتگر تنهایی پیرمردی است که هر نوروز چشم انتظار خانواده‌اش بر سر میز شام به در خیره می‌ماند؛ خانواده‌ای که هیچگاه نمی‌آیند. دوربین از بالا نشان می‌دهد که خانواده او تنها قاب عکسی هستند و این تنهایی بسیار ریشه‌دار و عمیق است. قاسمی خودش این فیلم انیمیشنی را نویسندگی و کارگردانی کرده است.

خطرات فضای مجازی از زبان مرد ناشناس

محمد رضا حسینیان، دانش‌آموز ۱۷ سالهٔ فیلم‌ساز، حدود سه‌سالگی است که در حوزهٔ فیلم‌سازی وارد شده و این نخستین باری است که در جشنوارهٔ فیلم رشد حضور پیدا می‌کند. **مرد ناشناس** به کارگردانی او و نویسندگی **محمد غلامی** تهیه شده است. محمد رضا حسینیان، مهدی

جعفرزاده و سبحان مقدم هم بازیگران آن هستند. این فیلم به نمایش خطرات و مضرات فضای مجازی می‌پردازد و داستان پسری است که بسیار به بازیگری علاقه دارد و پیشنهادهایی را که در فضای مجازی به او می‌شود، می‌پذیرد. غافل از اینکه فریب عده‌ای کلاه‌بردار و کارگردان قلابی را خورده است. فیلم با کش‌وقوس‌هایی ادامه پیدا می‌کند. در نهایت هم شخصیت اصلی داستان متوجه می‌شود، در واقع دوستانش با او شوخی کرده‌اند.

لزوم ساخت فیلم‌های بیشتر با محوریت دختران دانش‌آموز

حمیدرضا گوهری معلم فیلم‌ساز منطقهٔ ۱۷ آموزش و پرورش تهران است. او با انیمیشن **کولبری** در جشنوارهٔ امسال حضور یافت که به بخش مسابقهٔ فیلم‌های فرهنگیان نیز راه پیدا کرد. گوهری نخستین بار در سال ۱۳۷۴ با فیلم **گلبرگ** در جشنوارهٔ رشد شرکت کرد و در سال ۱۳۷۶ نیز با فیلم **روزنو** حضور داشت. گوهری بیشتر فیلم‌های جشنوارهٔ امسال را دیده است و می‌گوید: «احساس می‌کنم زمان برخی فیلم‌ها برای دانش‌آموزان بیش از حد طولانی و خسته‌کننده بود. فیلم‌های مناسب دانش‌آموزان ابتدایی در مقایسه با دوره‌های راهنمایی و دبیرستان بهتر و قوی‌تر بودند. بخش پویانمایی نیز یکی از نقاط قوت جشنوارهٔ امسال بود.» به اعتقاد او، معلمان فیلمساز چون دغدغهٔ حضور در کلاس و مدرسه را دارند، دقیقاً می‌دانند چه چیزی برای آموزش مورد نیاز است: «معلمان فیلم‌های آموزشی را بهتر درک می‌کنند. هر چند شاید بسیاری از آن‌ها اطلاعات و معلومات تخصصی فیلم‌سازی را نداشته

نهایت مردم در گوشه و کنار خیابان‌ها به دست‌فروشی
بپردازند.

او با اشاره به برگزاری دوره فیلم‌سازی برای دانشجو-معلمان
زنجان، برپایی این برنامه‌ها را اقدام مفیدی دانست که
سبب می‌شود، وقتی این عزیزان در آینده وارد کلاس درس
می‌شوند، توانایی تدریس بهتری داشته باشند. همچنین،
آن‌ها می‌توانند از فیلم به‌عنوان ابزاری آموزشی استفاده
کنند: «دنیای امروز دیگر دنیایی نیست که بخواهیم تنها
از طریق شنوایی مطالب را به دانش‌آموزان انتقال دهیم.
متأسفانه از حس سمعی - بصری کمتر استفاده می‌شود و
تصویر را در بسیاری از کلاس‌هایمان نادیده می‌گیریم. این
در حالی است که اگر به تصویر اولویت دهیم، دانش‌آموزان
افراد موفق‌تری می‌آیند و می‌توانند درس‌هایی را که در
آن‌ها مشکل دارند، بهتر بیاموزند. من همیشه گفته‌ام،
دانش‌آموزان ما در درس‌هایی مانند ریاضی، فیزیک و
شیمی واقعاً با مشکلات و کاستی‌هایی روبه‌رو هستند. در
این بخش‌ها می‌توان از فیلم‌های آموزشی برای آموزش بهتر
و عمیق‌تر مطالب درسی استفاده کرد.»

نون و آب

محبوبه خلیلی دانشجوی رشته علوم تربیتی دانشگاه
فرهنگیان قزوین است و با فیلم داستانی کوتاه **نون و
آب** نخستین حضور خود را در جشنواره فیلم رشد تجربه
می‌کند. این فیلم بر موضوع هدایت تحصیلی و معضلات
و مسائل نظام آموزشی کشور تمرکز دارد. به گفته خلیلی،
هدف از تولید این فیلم، بیان این واقعیت برای والدین بود
که کودکان را درست تربیت و هدایت کنند. تلاش شده
بود بر نقش مهم والدین، جامعه و علاقه دانش‌آموزان در
رشد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأکید شود. این

باشند و از لحاظ فنی ضعیف باشند. این مشکلی است که در
این زمینه وجود دارد و نیازمند آموزش هستیم.» گوهری با
انتقاد از حضور کم‌رنگ دانش‌آموزان دختر در فیلم‌ها گفت:
«متأسفانه در بسیاری از فیلم‌هایی که برای دانش‌آموزان
دختر دوره‌های راهنمایی و دبیرستان به‌نمایش در آمد،
شخصیت اصلی فیلم پسر بود و به زندگی و دغدغه‌های
پسران اختصاص داشت. کمتر فیلمی با محوریت دختران
ساخته شده بود. نیاز است فیلم‌سازان خانم، به‌ویژه
فرهنگیان و دانش‌آموزان، بیشتر وارد این حوزه شوند و آثار
بیشتری در این زمینه تولید شود.» **کولبری**، اثر جدید این
کارگردان، انیمیشنی است که بدون استفاده از تکنیک‌های
نرم‌افزاری معمول، از سیاه قلم استفاده می‌کند: «تلاش
کردیم با امکانات بسیار کم یک فیلم انیمیشن تولید کنیم
و هدفمان نشان دادن این موضوع به دوستان فیلم‌ساز بود
که می‌توانند بدون یادگیری کار با نرم‌افزارهای تخصصی
و استفاده از استودیوها، با ابزارهای ساده‌ای همچون مقوا،
ذغال و دوربین عکاسی نیز فیلم بسازند.»

این انیمیشن به موضوع قاچاق کالا اختصاص دارد و
اثر قاچاق در به تعطیلی کشاندن کارخانه‌ها را به تصویر
می‌کشد. حمیدرضا می‌گوید: «بسیاری از کشورها مانند
ژاپن و آلمان، پس از جنگ جهانی دوم، با بها دادن به
تولید داخلی، موفق شدند از بحران خارج شوند. اگر ما نیز
بخواهیم، می‌توانیم با برنامه‌ریزی منسجم و تلاش مردم،
تولید را تقویت کنیم تا بی‌کاری و تعداد دست‌فروشان
جامعه روزبه‌روز کم‌تر شود و جوانان بتوانند به بازار کار وارد
شوند.» فیلم با نمایش فعالیت چرخ صنعت آغاز می‌شود
و در ادامه می‌بینیم که با ورود کالاهای قاچاق از مرزها،
این چرخ به تدریج از حرکت می‌ایستد و کارخانجات کاملاً
متروکه می‌شوند. ورود کالاهای وارداتی سبب می‌شود در



قدیمی و همچنین دیگر وسایل و ابزارهای دوران گذشته، از شغل‌هایی است که در این اثر نمایش داده می‌شوند. یگانه برزگری نویسنده‌گی و کارگردانی این فیلم را به‌عهده داشته و **حبیب شاهچراغی** نیز در آن نقش آفرینی کرده است. به‌گفته کارگردان، فیلم‌های امسال بسیار خوب بودند: «موفق شدم تجربیات خوبی کسب کنم. همچنین کارگاه‌های آموزشی که به نقد و نمایش فیلم‌های مستند، داستانی و پویانمایی اختصاص داشت، بسیار مفید و جالب بودند.» او درباره تأثیر فیلم‌های آموزشی جشنواره رشد گفت: «مسئلاً نمی‌شود تأثیر فیلم‌هایی را که با موضوع آموزش ساخته می‌شوند بر سطح کیفی آموزش کشور نادیده گرفت. برای نمونه در فیلم خود من، دانش‌آموزان با آداب و رسوم و فرهنگ شهرهای دیگر کشور آشنا می‌شوند. به‌نظرم اثر آموزشی خیلی خوبی می‌تواند داشته باشد.» او همچنین به وجود برخی مشکلات در مسیر ساختن آن اشاره کرد: «برای گرفتن مجوز فیلم‌برداری در مکان‌هایی که مشاغل خاص مورد نظرمان قرار داشتند، با مشکلات زیادی روبه‌رو بودم، اما خوش‌حالم که این کار به سرانجام رسیده و خوش‌بختانه مخاطبان استقبال خوبی هم از آن کردند.»

فیلم زندگی دانشجو - معلمی را روایت می‌کند که به‌طور اتفاقی با پسر بچه‌ای در محله‌شان آشنا می‌شود. این پسر در اثر اشتباه خانواده وارد مسیر نادرستی می‌شود که هیچ علاقه‌ای به آن و استعدادی در آن زمینه ندارد. در پایان هم، اصرار خانواده به تحصیل این دانش‌آموز در رشته‌ای نادرست و غیرمنطبق با علاقه‌اش، سبب سرخوردگی و ناکامی او می‌شود. همه عوامل سازنده نون و آب، به‌جز بخش تدوین، دانشجو - معلمان دانشگاه فرهنگیان قزوین هستند. محبوبه خلیلی نویسنده و کارگردان این اثر است و **غزاله جلیلود** و **معصومه کیایی** نقش‌های اصلی را به‌عهده دارند. خلیلی فیلم‌های امسال جشنواره را با جدیت دنبال کرده است. او می‌گوید: «همانطور که در آثارها هم اعلام کردند، سطح فیلم‌های جشنواره امسال از سال‌های پیش بالاتر بود. خوش‌بختانه فیلم‌های قوی بسیاری، چه در بخش دانش‌آموزی و چه در بخش فرهنگیان وجود داشت، اما آثار قوی را در بخش دانش‌آموزی بیشتر دیدم.» جلیلی در کارگاه‌های آموزشی نیز حضور داشت و «کارگاه مهارت‌های فیلم‌نامه‌نویسی و نقش‌خلاقیت در فیلم‌نامه‌نویسی» را از کارگاه‌های دیگر کاربردی‌تر و مفیدتر می‌دانست.

معرفی مشاغل قدیمی و فراموش‌شده در آیینۀ چلنگری

یگانه برزگری دانش‌آموز فیلم‌ساز ۱۸ ساله‌ای است که از سال دوم هنرستان فیلم‌سازی را تجربه کرده است و امسال با فیلم **چلنگری** در جشنواره فیلم رشد حضور یافت. این فیلم به معرفی مشاغل قدیمی و فراموش‌شده‌ای می‌پردازد که امروزه دیگر در یزد و دیگر شهرهای کشور نام و نشانی از آن‌ها نیست. برای نمونه، ساخت انواع کلید مربوط به درهای



از نقد نمی‌ترسیم!

گزارش نشست گفت‌و شنود ناشران آموزشی با رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد و جشنواره کتاب‌های قرآنی این اتفاق خواهد افتاد.»

سپس دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، درباره همکاری با ناشران گفت: «نگاه آموزش و پرورش به ناشران نگاه رقابتی است، نه رقابتی. به همین دلیل معتقد است که باید تسهیلاتی را برای جامعه نشر کشور فراهم کند تا تولیداتشان به دست مخاطبان اعم از دانش‌آموزان، معلمان و حتی خانواده‌ها، برسد. اما در عین حال در یک نقطه توافق داشتیم که آنچه به عنوان تولیدات ارائه می‌شود، قابلیت ورود به مدارس و استفاده دانش‌آموزان را ندارد و نیازمند ممیزی است. از این حیث که بهداشت فکری، فرهنگی و آموزشی آن باید رعایت شده باشد و این کار باید در **انجمن فرهنگی ناشران** و توسط اهل فن انجام بگیرد و انجمن باید بر تولیدات نظارت داشته باشد. ما هم می‌توانیم از محیط خودمان صیانت کنیم. ما در برنامه درسی ملی تولید محتوای آموزشی و تربیتی را به صورت رسمی پیش‌بینی

همکاری آموزش و پرورش و ناشران حوزه آموزشی از موضوعاتی است که مدت‌هاست ضرورت آن حس می‌شود. به همین منظور نشستی با حضور رئیس «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» با برخی از اثرگذارترین ناشران برگزار شد. در ادامه بخشی از مهم‌ترین پیشنهادات ارائه شده در این نشست را می‌خوانید.

در ابتدای جلسه، محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، با بیان نقش مهم ناشران در فرایند یاددهی - یادگیری گفت: «ناشران حاضر از ناشران فعال در حوزه نشر کتاب‌های آموزشی و تربیتی هستند. امیدوارم همکاری بین ناشران و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تداوم یابد.»

وی با اشاره به ضرورت شناسایی بیش از پیش کتاب‌های نامناسب در سطح مدارس کشور افزود: «با مقدمات فراهم شده و متناسب‌سازی حجم کتاب و نیز برگزاری جشنواره



ذائقه‌های فرهنگی تغییر می‌کنند، رفتارهای فرهنگی مخدوش می‌شوند، اصالت‌های فرهنگی از بین می‌روند و ارزش‌های فرهنگی جا به جا می‌شوند.»

پس از بیانات حجت‌الاسلام دکتر محمدیان تنی چند از ناشران که برای بیان نظرات خویش اعلام آمادگی کرده بودند، به ترتیب سخن گفتند:

هامون سبطی، مدیرمسئول نشر ناشران

هامون سبطی گفت: «اگر می‌خواهید ذائقه آموزش و پرورش در انتخاب کتاب‌ها و شیوه‌ای که داشته عوض شود، نیاز به نخبه‌گرایی دارید و راه حل آن ساده است. باید بودجه‌ای برای بورسیه کردن رتبه‌های یک تا هزار در نظر بگیرید تا این‌ها به عنوان معلمان آینده ذائقه آموزش و پرورش را عوض کنند.»

وی در ادامه افزود: «پیشنهاد می‌کنم یک سلسله نشست نقد کتاب‌های نامناسب با حضور ناشر و مسئولان سازمان پژوهش داشته باشیم تا به ناشر اجازه دفاع بدهند. از سوی دیگر، به ناشر اجازه دهید در مورد کتاب‌های درسی نظر بدهد و تعامل اتفاق بیفتد؛ چون بعضی مؤلفان انتشاراتی‌ها دبیران با سابقه هستند. البته امسال همکاری‌هایی هم شده است، اما کافی نیست. دیگر اینکه پیش‌نویس کتاب‌ها را در اختیار ناشران قرار دهید تا در جشنواره کتاب‌های رشد، ناشران یا نمایندگانشان حضور داشته باشند و شائبه از بین برود که داوری‌ها سمت و سویی خاص پیدا کرده‌اند.»

محسن زارعی از نشر فرهیختگان جوان

زارعی درباره رفاقت آموزش و پرورش با ناشران و نبود رقابت بین آن‌ها خطاب به رئیس سازمان گفت: «این باور شخص شماسست، که متأسفانه این باور در آموزش و پرورش

کرده‌ایم و نظام‌نامه‌ای به نام ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش و ذیل آن اسناد استانداری هم تولید کردیم. این تولیدات ما در خدمت شماسست. شما ساز و کار را طراحی کنید و اجازه ندهید برخی برای افزایش سرمایه خودشان، با بهره‌گیری غیرمعتولانه از بازار آموزش و پرورش، کالای فکری، فرهنگی و آموزشی تولید کنند؛ چون اهداف اساسی ما را تهدید می‌کند.»

محمدیان با تکیه بر لزوم بهره‌گیری از فرصت‌ها و استفاده از ظرفیت‌های موجود طرفین گفت: «معتقدیم هر کس سرمایه‌ای اعم از فکری، مادی و انسانی وارد بازاری می‌کند، باید مابه‌ازای آن را برداشت کند. اما باید به دو نکته توجه کند: یکی پیشگیری از **استغلال** یعنی جایز نبودن بهره‌گیری ناجوانمردانه از فرصت‌ها، و دوم هم **نیازسازی کاذب برای بهره‌گیری بیشتر** که امری مذموم است.»

وی در ادامه افزود: «من معتقدم که سامانه نشر در حیات فرهنگی کشور به منزله شبکه خون‌رسانی است که اگر مختل شود، حیات فرهنگی دچار اختلال می‌شود،



محمدیان: من معتقدم
که سامانه نشر در
حیات فرهنگی کشور
به منزله شبکه
خون‌رسانی است که
اگر مختل شود، حیات
فرهنگی هم دچار
اختلال می‌شود

این صورت بین ناشران کتاب‌های مناسب با ناشران کتاب‌های نامناسب فرق گذاشته نشده است.

وی در پایان پیشنهاد کرد که به مدارس بخش‌نامه شود که فقط با ناشرانی که مورد تأیید سازمان پژوهش هستند قرارداد ببندند تا جلوی ورود کتاب‌های نامناسب به مدارس گرفته شود.

سید حسام‌الدین پرورده از نشر قرآن و اهل بیت (ع)
پرورده که به نمایندگی از نشر قرآن و اهل بیت (ع) در جلسه حضور یافته بود، در ابتدای سخنان خویش، با ذکر سابقه ۲۰ ساله این ناشر و انتخاب دو کتاب آن در دوازدهمین جشنواره کتاب‌های قرآنی رشد گفت: «این آمادگی وجود دارد که طرح‌های آموزش و پرورش را دریافت کنیم و نیازی را که هست برطرف سازیم. در حال حاضر ما خودمان دست به کار شده‌ایم و در حال آماده سازی طرح تدبیر در دوره ابتدایی و متوسطه برای تولید هستیم.»

علی امین صادقیه، مدیرمسئول انتشارات علمی فار و رئیس انجمن ناشران آموزشی
امین صادقیه با تأکید بر لزوم آگاهی ناشران از اهداف آموزش و پرورش گفت: «هنوز اهداف آموزش و پرورش به درستی منتشر نشده‌اند. خیلی از ناشران اهداف آموزش و پرورش را نمی‌دانند و این موضوع خوب بیان نشده است. مسئله دوم این است که: آیا کتاب‌های کمک‌آموزشی تا به حال دسته‌بندی شده‌اند و اگر این‌طور است، کدام نوعش دچار مشکل است که بتوان در مورد آن صحبت کرد؟»
امین صادقیه در گرایش اولیا به کتاب‌های کمک‌درسی

جاری و ساری نشده است. یعنی حساسیت نسبت به بخش خصوصی خیلی بالاست. من سال‌ها در مجموعه دولتی مدیر بوده‌ام و آن موقع معتمد بودم. اما به بخش خصوصی که آمدم، رقیبی شدم که باید از او ترسید و مراقبت کرد!»

وی با تأکید بر لزوم ممیزی و مراقبت در بخش تولیدات ناشران اذعان کرد: «آموزش

و پرورش باید بخش خصوصی را همکار بداند و راهکار بدهد. باید تولیدات کمک‌درسی را با نظارت و کیفیت بالا به ناشران بسپارد و از آن‌ها بخواهد کتاب‌های مناسب تولید کنند.»
وی با اعتراض به نحوه برخورد برخی مدارس با ناشران گفت: «این‌نامه‌ها و قوانین آموزش و پرورش در حوزه نشر که به مدارس هم ارسال می‌شوند، باید توسط آن‌ها ملاک قرار بگیرند. اما با وجود اخذ مجوزها و تأییدیه‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مدارس زیر بار نمی‌روند و می‌گویند باید از حراست هم مجوز بیاورید. این چندگانگی تصمیم‌گیری موجب دلسردی و سرخوردگی ناشران آموزشی می‌شود.»

یحیی دهقانی، مدیرمسئول انتشارات مبتکران
دهقانی پیشنهادات کرد: «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و در رأس آن جناب آقای دکتر محمدیان در دوسه سال بعدی به حمایت از ناشرانی بپردازد که خودشان تشخیص می‌دهند برای نظام آموزشی مفیدند. از سوی دیگر با ناشرانی که می‌دانید محل نظام آموزشی هستند، تعامل برقرار کنید تا بدانند چرا به این جلسه دعوت نشده‌اند. در مطبوعات این‌طور عنوان شده است که کتاب‌های کمک‌درسی محل دستگاه تعلیم و تربیت هستند که در



خاطرنشان کرد: «وقتی پدر یا مادری می‌بیند که با کتاب کمک‌درسی می‌شود وارد حوزه رقابت شد، مبادرت به خرید این کتاب‌ها می‌کند.»

وی در خصوص ارزیابی کتاب‌های کمک‌درسی توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اظهار داشت: «اگر تمام مواردی که در جریان انتخاب یک کتاب وجود دارد به درستی بیان شوند، ناشران خود را به آن‌ها نزدیک می‌کنند؛ البته با واقعیت‌نگری و در شرایطی که بتوانند در جهت مثبت حرکت کنند. انتظار نداشته باشیم کار یکی دو ساله انجام شود. اگر ما پایه‌های درست را ایجاد کنیم، اشکالات را در دوره بعدی نخواهیم داشت.»

در ادامه جلسه هامون سبطنی بار دیگر سؤالی مطرح کرد: «در انتشارات دریافت، من هشت تا نه عنوان کتاب برگزیده داشتم. چرا حتی کتابخانه‌های مدارس این کتاب‌ها را از من درخواست نکردند؟ آیا آمدن نام کتاب در کتاب‌نامه رشد، یعنی سلب مسئولیت از دفتر انتشارات سازمان پژوهش؟ حداقل می‌شود در کتابخانه‌های مساجد و مدارس سهمیه‌ای به این کتاب‌ها اختصاص داد. طبیعتاً چنین ناشری کمک مالی چندانی دریافت نمی‌کند، اما کمک روحی دریافت می‌کند. این از اقدامات کم‌هزینه‌ای است که می‌تواند نتایج پرباری داشته باشد.»

کاظم قلم‌چی، مدیر مسئول انتشارات کانون فرهنگی آموزش

کاظم قلم‌چی درباره عدالت آموزشی گفت: «وجه مشترک ما عدالت آموزشی است که یکی از دستاوردهای تولید منابع آموزشی، در دسترس قرار گرفتن آن‌ها برای همه است. لذا از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی استدعا دارم که ببیند وضعیت عدالت آموزشی با معیاری

که می‌پسندید در رده‌های بالاتر چگونه است؟ مثلاً ببیند چند نفر از کودکان لازم‌التعلیم وارد دبستان می‌شوند یا چقدر فارغ‌التحصیل می‌شوند. در کنکور امسال در کنار قبولی‌های تک‌رقمی و دورقمی تهرانی شاهد قبولی چند نفر از دانش‌آموزان روستایی در رتبه‌های برتر کنکور هستیم که به نظر من این مصداق عینی عدالت آموزشی است.»

قلم‌چی در ادامه خاطرنشان کرد: «علاوه بر بحث عدالت آموزشی، موضوع ارتقای کیفیت آموزشی مطرح است. امروزه معلوم شده، بیشترین چالش‌ها در آموزش مربوط به دوره‌های قبل از دانشگاه است. لذا در آموزش و پرورش کشور، با وجود چالش‌ها، باید به مقایسه کیفی کتاب‌ها بپردازیم و ببینیم حسن‌ها و نقایص بخش خصوصی چیست و وضعیت فعلی نشر آموزشی چگونه است. آیا حسن‌هایش بیشتر است یا عیب‌هایش؟»

مدیر مسئول انتشارات کانون فرهنگی آموزش خطاب به دکتر محمدیان گفت: «در این مورد تحقیق کنید و ببینید آیا کتاب‌های کمک‌درسی ناشران با همه خوبی‌ها و بدی‌هایشان، در حوزه عدالت آموزشی تأثیرگذار بوده‌اند یا خیر. به نظر من آموزش و پرورش کشور ما با توجه به روحیه



سبطنی: اگر می‌خواهید
ذائقه آموزش و
پرورش در انتخاب
کتاب‌ها و شیوه‌ای که
داشته عوض شود،
نیاز به نخبه‌گرایی
دارید

بوده است که آموزش و پرورش خیلی با ما موافق نیست، اما حالا تا حدودی دیدم بهتر شده است و الان در حال تعامل هستیم.»
نصری گفت: «ما برای جلوگیری از عدم تأیید کتابمان سرمایه‌گذاری کرده‌ایم و می‌خواهیم حرف بزنیم یا نقد شویم. به ما برگه می‌دهند که کتاب‌هایتان این ایرادها را

دارد. من این شیوه را قبول ندارم.»

وی افزود: «از نظر من کتاب‌های بازار کمک‌آموزشی چهار دسته هستند: کتاب‌های عالی؛ کتاب‌هایی که از کتاب‌های درسی بهترند؛ کتاب‌هایی که نقطه ضعف دارند و کتاب‌های مردود. باید کتاب‌های مردود را تعریف کنید. باید برایش مصداق قائل شویم و جلسه کارشناسی بگذاریم تا ناشران بیایند از آن‌ها دفاع کنند. باید تعریف مشخصی از کتاب مردود بیاورید و کتاب‌ها طبقه‌بندی شوند.»

عبدالعظیم فریدون از انتشارات محراب قلم

فریدون در خصوص کیفیت کتاب‌ها گفت: «با برگزاری جشنواره‌های کتاب و اتفاقاتی که در حوزه سامان بخشی افتاد، کیفیت کتاب‌های کمک‌درسی ارتقا یافت و استانداردهای عرضه شده، موجب شد ناشران به سمت کارهای کیفی بروند و الان با گذشته قابل مقایسه نیست. اما به دلیل مشکلات موجود، بخشی هم به سوی تولید کارهای ضعیف و نامناسب رفته‌اند و شاید از این موقعیت سوء استفاده کرده‌اند.»

وی در ادامه به ذکر چند پیشنهاد پرداخت و افزود: «برای تولید کتاب‌های مناسب و با کیفیت باید اول اطلاع‌رسانی کافی داشت، که فعلاً از طریق کتاب‌نامه صورت می‌گیرد، اما کافی نیست. دوم حمایت ملموس از تولیدات باکیفیت از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط در خرید و تجهیز کتابخانه‌ها و یا

آرمان خواهی شما پیشرفت خوبی داشته که یکی از عواملش تولید همین کتاب‌هاست. چرا ما وقتی از کتاب‌های درسی صحبت می‌کنیم، از آسیب‌شناسی‌اش حرف می‌زنیم؟ چرا از دستاوردهایش نمی‌گوییم؟ می‌خواهم از جناب دکتر محمدیان بپرسم: اگر شما کتاب‌های آموزشی و کتاب‌های

ناشران را در دو کفه ترازو بگذارید، حسن‌ها و عیب‌ها، کدام بیشتر است؟ به نظر من، محاسن کتاب‌های تولید شده در بخش خصوصی در حوزه آموزش از عیب‌هایش بیشتر است. قضاوت و داوری خود شما از وضعیت فعلی نشر آموزشی در وضع فعلی چگونه است؟ و اگر دستاوردی دارد، چیست؟»

دکتر ابوذر نصری، مدیرمسئول انتشارات خیلی سبز

نصری در آغاز سخنان خویش، با بیان اینکه ۷۰ عنوان از کتاب‌های خیلی سبز مورد تأیید سازمان پژوهش قرار گرفته است، گفت: «ما بر تولید کتاب‌های مناسب و مورد تأیید سازمان متمرکز شده‌ایم. ما دو نوع کتاب داریم: ۱. کتاب‌هایی که مورد تأیید نیستند، اما مورد اقبال قرار می‌گیرند.

۲. کتاب‌هایی که مورد تأیید قرار می‌گیرند، اما با اقبال مواجه نیستند.

ما باید به سمت این شکاف بین تأیید و اقبال حرکت کنیم و حتماً سازمان پژوهش هم در جهت تعیین مترها حرکت کند.»

وی افزود: «اگر معیار خیلی آرمان‌گرایانه باشد و ما نتوانیم خطی را بین این دو نقطه رسم کنیم، این شکاف ناراحت کننده است. چرا ما نمی‌توانیم با بخش‌نامه جلوی مدارس را برای خرید بگیریم؟ من در گذشته نگرشم این



کتاب نمی شود نقد کرد. ما در هر حوزه یادگیری یک برنامه داریم. از اول ابتدایی تا پایان دوره متوسطه را باید ببینید. وسعت توالی دروس، ضریب دشواری شان، رابطه عمودی و رابطه افقی درس های دیگر را با هم ببینید و نقد کنید.»

وی افزود: «هر وقت از قول من گفتند: کتاب ناشران کمک آموزشی را نخوانید، این ناقص است. منظور من کتاب های غیراستاندارد است. از من پرسیدند: آیا شما طرفدار تولید کتاب های کمک آموزشی هستید؟ گفتم: اگر استاندارد باشند، بله. برای آنکه می توانند به تسهیل، تعمیق

نهادهای فرهنگی مرتبط. سوم رفع مشکل کتاب های درسی و ارتقای دانش معلمان در راستای تغییر کیفیت درسی. چهارم تبیین سند برنامه درسی ملی در جلسه مشترک با ناشران.»

نادیا اسکویی از انتشارات بنی هاشمی

خانم اسکویی گفت: «من سوآلی از سازمان پژوهش دارم: وارد شدن کتاب های درسی قبل از چاپ به بازار آزاد و قرار گرفتن در دست دلانان معنی اش چیست؟ لطفاً پاسخ دهید. ضمن اینکه معتمد ادما این جلسات برای ما مطلوب است.»

دکتر محمدیان در بخش دوم سخنان خویش با اشاره به اهمیت حل مشکلات نشر آموزشی خاطر نشان کرد: «من معتمد خود شما برای همه مشکلاتی که گفتید می توانید راه حل پیدا کنید. همه ما می پذیریم ناشری داریم که خوب تولید نمی کند، کتابی داریم که غیراستاندارد است و در فرایند یاددهی - یادگیری خلل ایجاد می کند.»

محمدیان با توجه به سابقه پنج ساله فرایند تغییر کتاب های درسی افزود: «بهترین و مناسب ترین کار این بود که اولاً معلمان ما و کسانی که متخصص موضوعی هستند از پیش نویس کتاب های درسی باخبر شوند، صاحب نظران نقاط قوت و ضعف کتاب ها را به ما بگویند، و ثالثاً ناشرانی که می خواهند استفاده کنند، ببینند و همکاری کنند. ما کار گردش آزاد اطلاعات را انجام داده ایم. علاوه بر آن، یک سامانه اعتباربخشی درست کرده ایم. یعنی کتاب را روی سامانه بارگذاری کردیم و امکان دسترسی گذاشتیم تا نقد کنند. ما از نقد نمی ترسیم. اما با تخصص نقد کنید. ما نقدی می خواهیم که مدرک ها و معیارهای علمی داشته باشد. معیارهای آموزشی و تربیتی داشته باشد. تنها با دیدن یک



زارعی: حساسیت نسبت به بخش خصوصی خیلی بالاست. من سال‌ها در مجموعه دولتی مدیر بوده‌ام و آن موقع معتمد بودم. اما به بخش خصوصی که آمدم، رقیبی شدم که باید از او ترسید و مراقبت کرد

تقویتش می‌کنیم. خودمان در جهت کمال نوشته‌ایم، خودمان هم اصلاحش می‌کنیم. ما نه خودمان را مصون از خطا می‌دانیم نه از سؤال فرار می‌کنیم.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با تأکید بر لزوم پذیرفتن اشکالات در اصلاح امور، گفت: «من معتقدم ضعفها را ندیدن حماقت است و تشدید نقاط ضعف خیانت است. اما دیدن ضعفها و سعی در برطرف کردن نواقص و تکمیل آنها عین رسالت است. ما نه دنبال حماقتیم نه خیانت. شما کمک کنید تا به رسالتمان عمل کنیم.»

و تثبیت یادگیری کمک کنند. این‌ها سه کد من هستند: تسهیل، تعمیق، تثبیت.»
محمدیان خاطر نشان کرد: «ما در کنار مؤلفان کتاب‌های درسی، گروه منتقدان کتاب درسی را قرار دادیم. پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی، پژوهشگاه مطالعات علوم اجتماعی، معاونت پژوهشی حوزه علمی و انجمن‌های علمی معلمان را به عنوان منتقد انتخاب کردیم. درست است که طی پنج شش ماه کتاب‌های درسی را تغییر

می‌دهیم، اما بخشی از مطالعاتش قبلاً اتفاق افتاده است.»
دکتر محمدیان ضمن ارائه پیشنهاد چاپ کتاب‌نامه به صورت مشترک توسط سازمان پژوهش و ناشران گفت: «در این صورت ارسال آن به مدارس هم به عهده سازمان خواهد بود. من امسال به آقای ناصری مأموریت داده‌ام که برای مجلات رشد آگهی فرهنگی بگیرد. البته قرار است آگهی کتاب‌هایی را منتشر کنند که استاندارد هستند.»

وی ضمن اعلام حمایت از ناشران آموزشی که کتاب‌های استاندارد تولید می‌کنند گفت: «ما با معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش، شهرداری تهران و وزارت ارشاد میثاقی داریم که کتاب‌های تأیید شده در سامان‌دهی را برای کتابخانه مدارس تهیه کنند.»

ایشان بار دیگر به ناشران پیشنهاد همکاری در زمینه تدوین ملاک‌های ارزیابی آثار را داد و گفت: «گروهی از بین آن‌هایی که علاقه‌مندند انتخاب کنید و با مد نظر قرار دادن سند برنامه درسی ملی، برای هر کتاب ملاک ارزشیابی بنویسید. میثاق ما با شما راهنمای برنامه درسی ملی و سند تحول است. در استانداردهای تولید و تقویت شده بازنگری کنید، ما هم در شورای هماهنگی علمی سازمان





آموزش در دنیای جدید

گزارش تولید نرم‌افزارهای آموزشی
در حوزه تکنولوژی آموزشی دفتر

مختلف، در مورد قرار گرفتن «برنامه محوری» به جای «کتاب محوری» در نظام آموزشی اتفاق نظر دارند. در رویکرد برنامه محوری، آموزش از طریق یک برنامه تلفیقی اجرا می‌شود و بخش‌های متفاوت این برنامه به صورت یک مجموعه در خدمت اهداف آموزشی خواهند بود. مفهوم «بسته آموزشی» در واقع مبتنی بر نوعی تفکر نظام‌مند و نگاهی جدید به برنامه درسی است. بسته آموزشی با در نظر گرفتن اصل مهم «تفاوت‌های فردی در یادگیری» شامل مواد یادگیری انفرادی نظیر کتاب درسی، نرم‌افزارهای آموزشی، فیلم‌های آموزشی و... است و در کلاس درس به عنوان بخشی از ابزار آموزش به کار گرفته می‌شود.

فرایند تولید نرم‌افزارهای آموزشی

۱. اعلام نیاز به تولید نرم‌افزارهای آموزشی برای هر درس و کتاب درسی از سوی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری و دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش و تصویب در حوزه تکنولوژی آموزشی.
۲. تشکیل جلساتی با حضور کارشناسان دو دفتر تألیف و فنی و حرفه‌ای و نیز شرکت‌های تولید کننده داخلی با حضور کارشناسان حوزه تکنولوژی آموزشی پیش از آغاز روند تولید و تعیین محتوای الکترونیکی مورد نیاز، نوع تولید، مدیاهای مورد نظر و سایر ویژگی‌های مورد انتظار در هر نرم‌افزار از سوی کارشناسان.
۳. تهیه شرح خدمات تولید نرم‌افزارها در حوزه تکنولوژی آموزشی و ارائه آن به معاونت توسعه منابع و پشتیبانی سازمان برای برگزاری مناقصه تولید.
۴. انجام مناقصه از سوی سازمان و انتخاب شرکت‌های برنده و انعقاد قرارداد تولید نرم‌افزارهای آموزشی.
۵. آغاز روند تولید با مشارکت ناظران محتوایی از سوی دفتر

مبانی معرفت‌شناسی ساختن‌گرایی سبب ایجاد تغییرات اساسی در بنیادهای آموزشی و یادگیری و به تبع آن، «فناوری آموزشی» شده است. با پیشرفت در زمینه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، امکان طراحی محیط یادگیری انفرادی و تجارب خاص برای افراد فراهم آمده و فناوری آموزشی متفکرانه تولد یافته است. یادگیری که پیش‌تر به اندوختن دانش به وسیله یادگیرنده و پردازش اطلاعات خاص معطوف بود، جای خود را به «خلق دانش نوین از سوی یادگیرنده» داده است. مربی و معلم نیز به جای آنکه مرجع و منبع اطلاعات باشند راهنما و ناظر بر فعالیت‌های یادگیرندگان شده‌اند. یادگیری الکترونیکی که در بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شود، برای دانش‌آموزان فرصت یادگیری فراهم می‌آورد. در این نوع یادگیری، مواد آموزشی الکترونیکی و به ویژه نرم‌افزارهای آموزشی چند رسانه‌ای بیشترین اهمیت را دارند. امروزه تقریباً همه کارشناسان و مدیران در رده‌های

تألیف و نظارت فنی از سوی کارشناسان حوزه تکنولوژی آموزشی.

۶. تولید نهایی نرم‌افزارهای آموزشی از طریق شرکت‌ها، و ارائه آن‌ها به «اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی» برای تکثیر و ارائه به همراه کتاب درسی به دانش آموزان سراسر کشور.

عنوان‌های نرم افزارهای تولید شده و در دست تولید در سال ۱۳۹۵

ردیف	عنوان	کارشناس محتوایی
۱	فارسی پنجم ابتدایی	فاطمه رضانی
۲	عربی نهم متوسطه اول	کوروش امیری‌نیا
۳	کار و فناوری هشتم متوسطه اول	بهنام نیک‌نژاد
۴	هنر نهم متوسطه اول	کوروش امیری‌نیا
۵	کار و فناوری ششم ابتدایی	-
۶	ریاضی پنجم ابتدایی	فاطمه رضانی
۷	ریاضی نهم متوسطه اول	کوروش امیری‌نیا
۸	علوم پنجم ابتدایی	فاطمه رضانی
۹	هنر پنجم ابتدایی	فاطمه رضانی
۱۰	علوم سوم ابتدایی	فاطمه رضانی
۱۱	علوم چهارم ابتدایی	فاطمه رضانی
۱۲	هدیه آسمانی سوم ابتدایی	فاطمه رضانی
۱۳	علوم تجربی هفتم متوسطه اول	کوروش امیری‌نیا
۱۴	علوم تجربی هشتم متوسطه اول	کوروش امیری‌نیا
۱۵	هدیه‌های آسمانی چهارم ابتدایی	فاطمه رضانی

گفتنی است در حوزه کارشناسی تکنولوژی آموزشی، مهرداد طالش‌رضانی و در حوزه کارشناسی فنی، مرتضی سلطانی ایفای نقش کرده‌اند.

شیوه‌های نو و خلاق در کتاب‌های دینی

گزارش دیدار کارشناسان دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با ناشران و نویسندگان کودک و نوجوان قم

سه‌م بالای ناشران قمی در تولید کتاب‌های دینی
کیا خاطر نشان کرد: «از ۷۵۰ ناشری که با سازمان پژوهش
تعامل دارند، ۸۵ ناشر در شهر مقدس قم فعال هستند که
سه‌م آن‌ها در تولید کتاب‌های دینی و قرآنی قابل توجه است.
برای نمونه ۵۴ درصد از کتاب‌های مناسبی که به چهارمین
جشنواره رشد، ویژه کتاب‌های قرآنی راه یافته‌اند، به ناشران
شهرستانی اختصاص دارد که ۳۵ درصد این کتاب‌ها متعلق
به شهر قم است.»

وی با اشاره به این که برای تحلیل و بررسی ضعف‌ها و
قوت‌های کتاب‌های دینی کودک و نوجوان ابتدا باید از وضعیت
موجود آگاه شد، نتایج به دست آمده از بررسی کتاب‌های دینی
دریافت شده توسط دبیرخانه، بخشی از مشکلات این کتاب‌ها
را تبیین کرد.

کتاب‌های دینی کمتر تأیید می‌شوند

معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی نتیجه حاصل از
بررسی ۲۷۹ عنوان کتاب دانش‌افزایی دینی برای دانش‌آموزان

در پی دعوت رئیس انجمن ناشران کودک و نوجوان
قم روز ۱۷ بهمن ۱۳۹۵، جمعی از کارشناسان و
ارزیابان کتاب‌های دینی دفتر انتشارات و تکنولوژی
آموزشی به قم سفر کردند تا با ناشران و نویسندگان
این شهرستان دیدار و درباره کتاب‌های دینی
گفت‌وگو کنند.

لزوم استفاده از شیوه‌های نو و توجه به نیازهای مخاطب
فریبا کیا، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی
در ابتدای این نشست، فریبا کیا، معاون سامان‌دهی منابع
آموزشی و تربیتی با اشاره به همکاری بیش از ۷۵۰ ناشر از
سراسر کشور با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت:
«هر سال بیش از ۵۰۰۰ عنوان کتاب آموزشی و تربیتی به دفتر
انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی
آموزشی ارسال می‌شود که توسط ۲۰۰ کارشناس مختلف
ارزیابی می‌گردد.»



را برای حضاران به شرح زیر تشریح کرد: «از این تعداد، ۱۴۷ عنوان کتاب مورد تأیید قرار گرفته‌اند که معادل ۵۳ درصد کتاب‌های ارزیابی شده است. این رقم در مقایسه با میانگین کتاب‌های تأیید شده در دبیرخانهٔ سامان‌دهی که حدود ۶۰ درصد است، به شکلی قابل توجه پایین‌تر است.

باید توجه کرد که رقم ۶۰ درصد میانگین کتاب‌های دانش‌افزایی، کمک‌درسی و کتاب‌های کار - تمرین است و معمولاً رقم کتاب‌های تأیید شده در گروه اول خیلی بالاتر از دو گروه دیگر است.»

جدول ۱. نتایج کسب شده برای سنجه‌های اختصاصی در کتاب‌های دینی دانش‌افزایی دانش‌آموزان از مجموع ۲۷۹ کتاب

ردیف	سنجه‌های اختصاصی	میانگین امتیاز کسب شده	امتیاز اکتسابی (درصد)	امتیاز کامل (۱۲۰)
۱	گسترش دانش دانش‌آموزان در حوزهٔ مفاهیم دینی	۱۱٫۷	٪۵۹	۲۰
۲	کمک به تقویت اهداف برنامهٔ درسی	۷٫۹	٪۵۳	۱۵
۳	پاسخ به پرسش‌های مذهبی دانش‌آموزان	۱۰٫۱	٪۵۱	۲۰
۴	علاقه‌مندسازی دانش‌آموز به مفاهیم دینی و انس با آن	۸٫۹	٪۵۹	۱۵
۵	ایجاد فرصت اندیشیدن در حوزهٔ مفاهیم دینی	۷٫۱	٪۴۷	۱۵
۶	استفاده از روش‌های نو و تکنیک‌های گوناگون در بیان موضوعات دینی	۷	٪۴۷	۱۵
۷	توجه به نیازهای فرد و جامعه در حوزهٔ دین (مسائل اجتماعی، اخلاقی، شبهات و ...)	۱۰٫۴	٪۵۲	۲۰

هم امتیاز پایینی می‌گیرد. به عبارتی دیگر حتی کتاب‌هایی که تأیید می‌شوند از فقر بهره‌گیری از تکنیک‌های نورنج می‌برند و این نشانگر آن است که مؤلفان هنوز نتوانسته‌اند از روش‌های نو و جدید که می‌تواند برای مخاطب بسیار جذاب باشد بهره بگیرند.»

به خواننده فرصت تفکر بدهیم

وی ایجاد فرصت اندیشیدن در حوزه مفاهیم دینی را یکی دیگر از متغیرهایی خواند که در کتاب‌های مذهبی، نسبت به سایر محورها کمتر مورد توجه مؤلفین بوده است و این سنجه، هم در کتاب‌های تأیید شده و هم در کتاب‌های نامناسب نسبت به سایر متغیرها نمره کمتری کسب کرده و ضعف بیشتری را نشان می‌دهد.



عدم پاسخ‌گویی به پرسش‌های مخاطب

کیا با اشاره به این که یکی از کارکردهای اصلی کتاب‌های دینی و مذهبی، پاسخ به پرسش‌های مذهبی دانش‌آموزان است تأکید کرد: «به نظر کارشناسان و ارزیابان، این سنجه نیز نتوانسته است نمره شایسته‌ای به دست آورد. ملاحظه می‌شود که این دیدگاه در نمره‌ای که به سنجه ۷ داده شده نیز مورد تأیید قرار گرفته است. این سنجه میزان توجه به نیازهای فرد و جامعه در حوزه دین را اندازه می‌گیرد.»

کتاب‌های دینی ظاهر مطلوبی ندارند

معاون سامان‌دهی در پایان این بخش با اشاره به این که کتاب‌های دینی مناسب در مجموع ۷۰ درصد امتیاز بخش اختصاصی و ۵۳ درصد امتیاز بخش عمومی را به دست آورده‌اند گفت: «در کتاب‌هایی که ارزیابی می‌شود، معمولاً امتیاز به دست آمده در بخش عمومی که -اغلب ناظر به

موضوع دیگر این است که در این بررسی فقط سنجه‌های اختصاصی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به‌طور معمول از مجموع ۲۰۰ امتیازی که یک کتاب می‌تواند کسب کند، ۱۲۰ امتیاز به سنجه‌های اختصاصی و ۸۰ امتیاز به سنجه‌های عمومی تعلق می‌گیرد. همچنین یک کتاب باید بتواند حداقل ۶۰ درصد مجموع امتیازها را کسب کند تا مناسب شناخته شود (مشروط بر آن که از بخش تخصصی نیز حداقل ۶۰ درصد امتیازها را به دست آورد).»

مهم‌ترین مشکل عدم بهره‌گیری از روش‌های نو

کیا سپس با برشمردن سنجه‌های اختصاصی برگه‌های ارزیابی کتاب‌های دینی گفت: «مطابق جدول نتایج، در بین سنجه‌های هفت‌گانه اختصاصی، کم‌ترین امتیاز مربوط به بخش استفاده از روش‌های نو و تکنیک‌های گوناگون در بیان موضوعات دینی است؛ این سنجه در بین کتاب‌های مناسب

ویژگی‌های ظاهری کتاب‌هاست - بیش از امتیاز بخش اختصاصی است؛ اما میانگین امتیاز عمومی کتاب‌های مناسب دینی، از بخش اختصاصی کمتر است. این امر حاکی از آن است که ویژگی‌های ظاهری کتاب‌های دینی مانند تصاویر، فونت، صفحه‌آرایی، سامان‌دهی محتوا، فهرست و نمایه به اندازه محتوای این کتاب‌ها نتوانسته است نظر ارزیابان را جلب کند.»

وضعیت کتاب‌های کمک درسی دینی

کیا در بخش دیگری از سخنان خود، وضعیت کتاب‌های کمک‌درسی دینی را مورد بررسی قرار داد و گفت: «کتاب‌های کمک‌درسی دینی در مقایسه با کتاب‌های دانش‌افزایی ضعیف‌تر ارزیابی شده‌اند. به طوری که از ۵۴ کتاب ارزیابی شده فقط ۱۱ کتاب یعنی ۲۰ درصد مناسب شناخته شده است. این تعداد بسیار کم نیز با کسب حداقل امتیاز لازم و به عنوان کتاب درجه سه پذیرفته شده‌اند که جای نگرانی دارد.»

وی سپس توضیح کوتاهی درباره نتایج به دست آمده

در این گروه بیان کرد و گفت: «جدول نتایج کتاب‌های کمک‌درسی نشان می‌دهد که ناشران به دنبال کردن فرایند یادگیری از طریق فرایندهای خلاق و جذاب و مفاهیم و نکات مهم درس‌ها در طراحی پرسش‌ها و فعالیت‌ها توجه کافی ندارند؛ تمرین‌های ارائه شده را به شکل مناسب دسته‌بندی نمی‌کنند، در شیوه‌های ارائه مطلب تفاوت‌های فردی را نادیده می‌گیرند و فعالیت‌های مناسبی را برای خوانندگان خود طراحی نمی‌کنند.»

وی در پایان تأکید کرد: «این نتایج به ما نشان می‌دهد که نویسندگان و مؤلفان کتاب‌های کمک‌درسی باید شناخت بیشتری و بهتری نسبت به برنامه‌درسی کسب کنند. البته در همین راستا نشست‌ها و کارگاه‌هایی برای تبیین اهداف برنامه‌های درسی با حضور ناشران و مؤلفان برگزار شده است.»

لزوم استفاده از شیوه‌های نو و توجه به نیازهای مخاطب پرویز آزادی، استاد دانشگاه و ارزیاب کتاب‌های دینی
در ادامه نشست دکتر پرویز آزادی، عضو هیئت علمی

جدول ۲. نتایج کسب شده برای سنجه‌های اختصاصی در کتاب‌های دینی کمک‌درسی دانش‌آموزان از مجموع ۵۴ کتاب

ردیف	سنجه‌های اختصاصی	امتیاز کسب شده میانگین	امتیاز اکتسابی (درصد)	امتیاز کامل (۱۲۰)
۱	تقویت فرایند یادگیری از طریق فعالیت‌های مناسب	۵,۶	۴,۷٪	۱۵
۲	توجه به مفاهیم و نکات مهم درس در طراحی پرسش‌ها و فعالیت‌ها	۴,۶	۳,۱٪	۱۵
۳	تنوع‌بخشی به تمرین‌ها و فعالیت‌ها	۶	۴۰٪	۱۵
۴	توجه به فعالیت‌های فردی	۵,۵	۳,۷٪	۱۵
۵	سامان‌دهی تمرین‌ها از ساده به مشکل	۴,۴	۲,۹٪	۱۵
۶	دنبال کردن فرایند یاددهی از طریق فرایندهای خلاق و جذاب	۴,۳	۲,۹٪	۱۵
۷	دور بودن از روش حل‌المسئله	۷,۲	۴۸٪	۱۵
۸	طراحی فعالیت‌ها به گونه‌ای که دانش‌آموزان را در درک بهتر مفاهیم، حقایق و اصول مطرح در برنامه کمک می‌کند	۵,۹	۳,۹٪	۱۵



دانشگاه آزاد اسلامی و یکی از مؤلفان کتاب‌های درسی دینی با اشاره به وضعیت کتاب‌های دینی موجود در جامعه، نویسندگان کتاب‌های دینی را به چهار گروه تقسیم کرد و گفت: «خستین گروه از نویسندگان کتاب‌ها، قشر حوزوی است که دغدغه فقه دارد و از جنبه فقهی - احکامی وارد موضوع می‌شود. گروه دوم، قشر دانشگاهی است که نگاه

دینی - اخلاقی دارد. این گروه دغدغه دین به معنای اعم آن را دارد و مانند قشر اول دغدغه فقه و احکام ندارد. او این گروه را گروه روشنفکرها خواند که گروه‌هایی مانند بهائیان نیز خود را به آن‌ها تشبیه می‌کنند. کتاب‌های بسیاری را از آن‌ها می‌توان در بازار مشاهده کرد و از این جهت که اصول و قواعد کار را رعایت می‌کنند، بسیار موفق‌اند و با تفکر از پیش تعیین شده، می‌دانند که محصول را چگونه ارائه دهند که مخاطب با یک نگاه آن را کشف کند.

گروه بعدی طیف مترجمان است؛ افرادی که مباحث مطرح در ادیان دیگر به ویژه مسیحیت را که فعال‌ترین دین در دنیاست، ترجمه می‌کنند. گروه چهارم هم اقشاری هستند که با عنوان عرفان‌های نوظهور، مادی، کاذب یا هر عنوانی که بتوان بر آن‌ها گذاشت فعالیت می‌کنند. آثاری تولید می‌کنند که جنبه آسمانی و الهی ندارد و چه بسا بازار را به قبضه خود درآورده‌اند.»

وی ادامه داد: «کافی است نگاهی اجمالی به کتاب‌های موجود در انتشاراتی‌ها و فروشگاه‌ها بکنیم و متوجه این قضیه بشویم که اگر ما به عنوان مؤلفان کتب دینی و مذهبی تلاش جدی نکنیم و اصول و قواعد کار را رعایت نکنیم گوی رقابت توسط اقشار دیگر ربوده می‌شود.»

آزادی: استفاده از قلم علمایی و الفاظ و جملات سنگین بیشتر از جانب قشر حوزوی احساس می‌شود و پیام آن‌ها برای کودک و نوجوان قابل درک و فهم نیست

عمده‌ترین ضعف‌ها در کتاب‌های دینی

آزادی سپس به ضعف‌های رایج و عمده کتاب‌های دینی پرداخت و تکرار ملال آور موضوعات را یکی از نقاط ضعف مهم تألیف کتاب‌های دینی برشمرد. وی گفت: «گاهی یک موضوع از سوی نویسندگان مختلف تکرار می‌شود. برای مثال ده‌ها نویسنده داستان پیامبران را تکرار می‌کنند بدون آن‌که

ایده‌پردازی خاصی صورت گرفته باشد یا از زاویه جدیدی به موضوع نگاه کنند که با کودک و نوجوان ارتباط بهتری برقرار کنند. تکرار یک آسیب جدی است که در بسیاری از آثار دیده می‌شود و دلیل آن هم نبود ایده و ایده‌پرداز خلاق در عرصه تألیف است.»

آزادی با تأکید بر این نکته که با وجود ایده، می‌توان موضوعات تکراری را به شکل‌های گوناگون و برای گروه‌های سنی مختلف مورد توجه قرار داد، گفت: «مثلاً با ایده‌پردازی، موضوع دروغ‌گویی و پرهیز از آن را می‌توان از زوایای مختلف، به روش‌های متفاوت و به زبان‌های مختلف برای کودک هشت ساله و ده ساله و چهارده ساله بیان کرد.»

وی متن دشوار و سنگین را از دیگر ضعف‌های قابل مشاهده در تألیف برشمرد و افزود: «استفاده از قلم علمایی و الفاظ و جملات سنگین بیشتر از جانب قشر حوزوی احساس می‌شود و پیام آن‌ها برای کودک و نوجوان قابل درک و فهم نیست. طبعاً باید کوشید مفاهیم و معانی را با زبانی ساده به کودک و نوجوان انتقال داد.»

این مدرس دانشگاه، عدم آشنایی با زبان‌های خارجی و بی‌اطلاعی از تجربه‌های صورت گرفته در جهان را دیگر ضعف مؤلفان دانست و گفت: «منظور من این نیست که مؤلفان وارد عرصه ترجمه بشوند. کافی است کتاب‌های دینی را به زبان



ارتباط رودررو با مخاطب، فرصتی برای کشف نیازهای او

محبت‌اله‌همتی، ناظر محتوایی مجلات رشد

همتی موضوع نشر کتاب‌های دینی را محور بحث خود قرار داد. به باور او ناشران کتاب‌های دینی ابتدا باید به این پرسش بنیادی پاسخ دهند که چرا باید برای کودکان و نوجوانان کتاب دینی منتشر شود. تأمل و تفکر کافی درباره این پرسش و دادن پاسخ دقیق به آن از سوی ناشر (و مؤلف و مترجم و...) خط سیر تولید کتاب‌های دینی را مشخص می‌کند.

وی با تأکید دوباره بر آشنایی تمامی دست‌اندرکاران حوزه تولید، چاپ و نشر کتاب‌های دینی کودک و نوجوان با نمونه‌های موفق جهانی، گفت: «ناشران و مؤلفان به‌خصوص در حوزه سازمان‌دهی محتوا و روش‌ها و تکنیک‌های به کار گرفته شده برای انتقال مفاهیم را از زوایای مختلف بررسی کنند؛ کاری که در حوزه صنعت رایج است. بخشی از این مطالعه جهانی، سفر و حضور در نمایشگاه‌های مختلف کتاب و محصولات فرهنگی در سراسر دنیاست. استفاده از تجربه‌های ناشران و مؤلفان سایر کشورها و روش‌های آنان در تألیف، ترجمه، ترسیم و بیان مفاهیم به جامعه مخاطب است. این

اصلی بخوانند و درک کنند. ما در تولید کتاب‌های دینی به زبان عربی تجربه‌های موفق‌تری را در کشورهایمانند مصر و مراکش می‌بینیم. در زبان‌های دیگر کشوری مانند فنلاند نیز پیشرو و موفق‌اند. مطالعه این گونه کتاب‌ها و آشنایی با شیوه بیان آن‌ها، می‌تواند کمک زیادی به مؤلفان در شیوه‌های ارائه آموزه‌های الهی کند. تجربه‌ای که از مطالعه این کتاب‌ها به زبان اصلی به دست می‌آید، از طریق ترجمه به دست نمی‌آید.»

مؤلف کتاب‌های درسی دینی، بهره‌گیری از منابع و مآخذ نامعتبر را یکی دیگر از مشکلات مهم کتاب‌های دینی برشمرد و گفت: «مؤلفان کتاب‌های دینی گاه از منابعی استفاده می‌کنند که مبتنی بر اسرائیلیات و نقل‌های جعلی است و شبیه فراوانی در صحت آن‌ها وجود دارد. البته در مواردی هم کتاب با مراجعه به قرآن و روایات معتبر نوشته شده است، ولی برداشت شخصی و غیردقیق مؤلف و بی‌توجهی به تفاسیر معتبر موجب شده است محتوا با آیات یا روایات دیگر تعارض پیدا کند.»

آزادی در بخش دیگری از سخنان خود به برشمردن راهکارهایی پرداخت که می‌تواند مشکلات را کاهش دهد. وی شناسایی مؤلفان فعال یا مستعد و آشنا با زبان و ادبیات در عرصه کودک و نوجوان را به‌خصوص در قشر حوزوی یکی از راه‌های مؤثر دانست و برگزاری نشست‌های مؤلفان کتاب‌های دینی با هدف نقد و بررسی کتاب‌ها را در کمک به این هدف مؤثر خواند.

او همچنین برگزاری نشست‌هایی با هدف موضوع‌شناسی، آسیب‌شناسی و شناسایی نیاز مخاطب را ضرورت جامعه مؤلفان برشمرد. آشنایی مؤلفان و ناشران با راهنمای برنامه درسی و راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی از دیگر راه‌کارهایی بود که پرویز آزادی برای رفع مشکلات کتاب‌های دینی کودکان و نوجوانان پیشنهاد کرد.



همتی: آنچه که در
راهنمای برنامه‌درسی
یا کتاب‌های درسی
آمده است بخشی از
نیازمندی‌های جامعه
مخاطب را از نگاه
کارشناسان ذیربط
نشان می‌دهد

متخصصانی به عنوان مدیر هنری و ناظر محتوایی حضور دارند و کیفیت هنری کتاب و محتوا را بررسی می‌کنند. با مقایسه‌دنیای صنعت و فرهنگ به نظر می‌رسد حوزه‌صنعت از نظر شاخص‌های مدیریتی نسبت به حوزه فرهنگ سبقت گرفته است. در تحلیل همین موضوع شاید به این نتیجه برسیم که حوزه صنعت به خوبی یافته‌های حوزه مدیریت را اندیشمندانه و هوشمندانه در دنیا رصد و تحلیل می‌کند.»

لازمه تولید کتاب خوب: نگاه علمی، رفتار حرفه‌ای و فضای اخلاقی

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد

نادری، ایده‌پردازی در حوزه نشر آثار دینی را بحثی قابل تأمل و پیچیده خواند و با توجه به بعد صنعتی نشر گفت: «در دنیای صنعت، کیفیت محصول یک اتفاق نیست و در یک فرایند اتفاق می‌افتد. صنعت نشر هم از این قانون پیروی می‌کند و محصول یک فرایند است. ایده‌پردازی در صنعت نشر نیز به یک فرایند و بستر نیاز دارد.»

وی بحث خود را به دو حوزه کتاب‌های مرجع و کلیات و غیر مرجع تقسیم کرد و افزود: «واقعیت این است که کتاب‌های مرجع و اطلس بزرگسال در شهر قم به خوبی تولید می‌شود؛ ولی در حوزه کودک و نوجوان تعداد کتاب‌های مرجع انگشت‌شمار و با کمبود مواجه است. مدیریت این بخش نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و ماهیت آن نیازمند کار گروهی است. البته کتاب‌های مرجع تولید شده در حوزه بزرگسال با وجود آن که از حیث محتوا غنی هستند ولی از لحاظ گرافیک، زبان، کتاب‌سازی، صفحه‌آرایی، چاپ و تصویر هنوز قدیمی و گویی در دهه

نمایشگاه‌ها دید جدیدی را برای ناشران ایجاد می‌کند.

ارتباط با مخاطب برای شناخت نیازها

مشاور مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، شناسایی نیازمندی‌های مخاطبان را موضوع دیگری دانست که ناشران باید به آن توجه کنند. وی گفت: «آنچه که در

راهنمای برنامه‌درسی یا کتاب‌های درسی آمده است بخشی از نیازمندی‌های جامعه مخاطب را از نگاه کارشناسان ذیربط نشان می‌دهد؛ اما ارتباط مستمر و مؤثر و رودررو با مخاطبان فرصت مغتنمی است که نیازمندی‌های فراموش شده را عیان می‌کند و دیدگاه جدیدی را ارائه می‌دهد و فضای مناسبی را برای کشف نیازمندی‌های دانش‌آموزان در زمینه تألیف، تصویر، داستان و .. ایجاد می‌کند.»

نقد جدی و مستمر کتاب‌های تولید شده راه‌کار دیگری بود که همتی آن را برای افزایش کیفیت کتاب‌های دینی لازم دانست. وی حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم از کتاب‌های دینی در طول ۳۰ سال پس از انقلاب را یکی از آسیب‌های حوزه تألیف کتاب‌های دینی خواند و گفت: «این حمایت‌ها موجب تولید کتاب‌های دینی عمدتاً نازل در بازار شده است. شاید اگر یک ستاد نقد وجود داشت، ناشر با وسواس فکری بیشتری به تولید اثر می‌پرداخت. وجود چنین ستادی باعث دقت در فرایند تولید کتاب، دقت در نگارش، و در نتیجه افزایش کیفیت کتاب می‌شود که این کار استقبال جامعه مخاطب را به دنبال خود می‌آورد.»

وی در آخرین توصیه خود به ناشران گفت: «با بررسی کارنامه ناشران و مؤلفان موفق در حوزه نشر کودک و نوجوان متوجه می‌شویم که در فرایند تولید کتاب‌های این حوزه



۶۰ باقی مانده‌اند که نیاز به بازنگری دارند.»
 نادری شهر قم را در ایران در زمینه تولید کتاب‌های دینی غیر مرجع بزرگسال به لحاظ محتوا پیشتاز خواند و ابراز امیدواری کرد که این شهر بتواند با استفاده از عنصر خلاقیت و هنر در کتاب‌های دینی، جایگاه برتر را در این حوزه و حوزه کتاب‌های دینی

کودک و نوجوان داشته باشد. در حوزه کتاب‌های دینی، چه داستانی و چه غیر داستانی، کمبود خلاقیت به صورت جدی احساس می‌شود.

برای مثال وقتی نویسنده‌ای واقعه کربلا را از نگاه شخصیت‌های منفی این واقعه روایت می‌کند، ما با یک اثر جدید و خلاق روبه‌رو می‌شویم.»

وی با اشاره به ضعف‌های کتاب‌های دینی از لحاظ گرافیک، ویرایش و حتی چاپ گفت: «کتاب یک رسانه است. کتاب‌هایی که قرار است تدوین شود باید با توجه به شرایط زمان و جامعه و از منظر مخاطب و روان‌شناسی او باید بررسی شود و برای رسیدن به ایده خوب و مناسب از وجود اشخاص معتبر و موفق و صاحب نظر در پدیده نشر مشاوره گرفته شود.»

نادری بازدید از نمایشگاه‌های کتاب خارج از کشور را برای ناشران تجربه‌ای خوب دانست که می‌توان از آن‌ها برای آشنایی با انواع قالب‌های نوشتاری و اصول کتاب‌سازی بهره گرفت. وی با انتقاد از کمبود کتاب‌هایی با محور سبک زندگی و مهارت‌های زندگی بر مبنای دین، گفت: «قریب به اتفاق کتاب‌هایی که در این زمینه وجود دارد، ترجمه شده و غیربومی‌اند و اگر در زبان ضعف نداشته باشند، از لحاظ انگاره‌ها الگوهای ذهنی با الگوهای دینی ما منافات دارند.»

نادری: کتاب یک رسانه است. کتاب‌هایی که قرار است تدوین شود باید با توجه به شرایط زمان و جامعه و از منظر مخاطب و روان‌شناسی او باید بررسی شود

این نویسنده کتاب‌های دینی، تأکید کرد: «هر اتفاق با کیفیتی در فرهنگ، به سه عنصر نیاز دارد: نگاه علمی، رفتار حرفه‌ای و فضای اخلاقی. اگر در شهر فضای اخلاقی وجود داشته باشد، ولی رفتار حرفه‌ای صورت نگیرد یا نگاه علمی نباشد کیفیت چهره نمی‌نماید. مدیریت حرفه‌ای نشر،

سازوکارهای حرفه‌ای، مطالعه منابع دانشگاهی و استفاده از افراد مطلع در کیفیت تألیف نتیجه مستقیم دارد. داشتن یک اتاق فکر با زاویه دید متفاوت، تخصص‌های متفاوت و کارشناسان متفاوت، می‌تواند کمک شایانی به نشر و تألیف کند. یک نشر حرفه‌ای باید شورای برنامه‌ریزی بر مبنای یک فکر اولیه داشته باشد.»

وی در بخشی دیگر از سخنان خود با اشاره به این‌که ناشران نباید نگران سرمایه‌گذاری خود در تولید کتاب خوب باشند، گفت: «کار با کیفیت مشتری خود را دارد. برای مثال امروز بازار نشر به دنبال کارهای مجموعه‌ای است و این نشان می‌دهد که خانواده‌ها حاضرند یک مجموعه گران‌قیمت را بخرند به شرطی که آن را با کیفیت ببینند. امروزه کتاب‌هایی برای کودکان تولید می‌شود که خوردنی است. یا مثلاً انواع انجیل‌ها برای کودکان منتشر شده است. ما در ایران، قرآن برای کودکان یا حتی یک فرهنگ تصویری مناسب از اسلام نداریم.»

نادری احترام به نویسندگان و پدیدآورندگان و همفکری با آنان را در بروز ایده‌های خلاقانه مؤثر دانست و با این جمله به سخنان خود پایان داد که: «عمده اتفاقات قسوی در فرایند اتفاق می‌افتد. فکر و بازنگری این مسیر تأثیر به‌سزایی در رفع مشکلات دارد.»

کلید دانش، خواندن است

گزارش نشست هم‌اندیشی مدیران و سردبیران با نمایندگان مجلات رشد استان‌های یزد و بوشهر

رسانه‌های آموزشی در همین مقوله می‌گنجند، چهار کارکرد عمده برای این مجلات مطرح است.

۱. کارکرد آموزشی: چون مجلات رشد درون آموزش و پرورش منتشر می‌شوند، یکی از اصلی‌ترین کارکردهای آن‌ها القا و انتقال مفاهیم و معلومات در همه حوزه‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی حرفه‌ای است.

۲. کارکرد اطلاع‌رسانی: اطلاع‌رسانی به مخاطبان از پدیده‌های نو و رخداد‌های جدید دنیا که امروزه با توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی شکلی جدید و متنوع به خود گرفته است از دیگر کارکردهای این مجلات است.

۳. کارکرد سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت: فراهم کردن سرگرمی‌های آموزنده و ایجاد لذت، به‌خصوص در مجلات دانش‌آموزی رشد، کارکرد دیگر این مجلات است.

۴. کارکردهای تربیتی و ترغیبی: مجموعه مجلات رشد، به

به رسم سنت حسنه هم‌نشینی مسئولان مجلات رشد با نمایندگان مجلات رشد سراسر ایران که با هدف هم‌فکری و تبادل تجارب و قدرشناسی از آنان برگزار می‌شود، مراسم یک روزه گفت‌وگوی صمیمانه مدیران مجلات رشد با نمایندگان استان‌های یزد و بوشهر، روز ۴ اسفند ۱۳۹۵ در مشهد مقدس برگزار شد. آنچه می‌خوانید گزارش مشروح این نشست است.

چهار کارکرد برای سه هدف

ناصر نادری، مشاور مدیرکل و ناظر محتوایی مجلات رشد

محققان حوزه رسانه کارکردهای متفاوتی را برای رسانه‌ها قائل هستند که چون مجلات رشد هم به عنوان



بتوانند زایشی نو در اندیشه‌های مخاطب پدید آورند و کوششی مثبت در گرایش به هنجارهای اجتماعی و انقلابی در مخاطب ایجاد کنند.

حال باید به این سؤال پاسخ داد که: این کارکردها تا چه حد محقق شده و مجلات رشد تا چه حد توانسته‌اند به این اهداف و ساحت‌ها نزدیک و نزدیک‌تر شوند؟ سؤالی که شاید بتوان پاسخ آن را در این نشست و از طریق گفت‌وگو و تبادل نظر بین مسئولان مجلات رشد و نمایندگان استانی مجلات در دو استان بوشهر و یزد پیدا کرد.

کلید دانش، خواندن است

محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

دو استان مهم بوشهر و یزد همیشه نقشی مهم در مسائل

دلیل اهداف تربیتی و اخلاقی و همچنین ترغیب مخاطبان به خواندن و نوشتن، کارکردهایی هم در زمینه مسائل تربیتی و ترغیب مخاطبان به حرکت در مسیر اهداف قصد شده دارند. البته باید توجه داشت که این کارکردها باید به سه اتفاق مشخص زیر منجر شوند تا بتوانیم ادعا کنیم که این مجموعه مجلات به اهداف خود رسیده و یا به آن نزدیک شده اند که عبارت‌اند از:

۱. این مجلات با کارکردهای فوق باید به ایجاد زاویه دید نو از نگاهی جدید منجر شود.
۲. کارکردهای چهارگانه مذکور باید به ایجاد هیجان درونی و انگیزشی بینجامد و باعث شود، مخاطب علاوه بر حرکت در مسیراهدهای مجلات، انگیزه تداوم ارتباط و بهره‌گیری از این مجلات و دیگر خواندنی‌های مناسب را هم پیدا کند.
۳. این کارکردها به شرطی مؤثر واقع خواهند شد که

مؤثر باشند. ما امیدواریم با آمدن آقای دکتر فیض به معاونت فرهنگی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش و عملی شدن قول بازگرداندن کتاب‌داران به مدارس، کتابخانه‌های آموزشگاهی ما جان بگیرند. همچنین امیدواریم که با همت شما نمایندگان سخت‌کوش مجلات رشد و مدیران کل، معاونان و همچنین رؤسای مناطق و ادارات آموزش و پرورش و مدیران تلاشگر مدارس زمینه تجهیز این فضاهای خواندن و مطالعه به مجموعه مجلات رشد، به خوبی و بهتر از گذشته فراهم شود.

موضوع مهم دیگر هم این است که توجه داشته باشیم، اتفاقاتی که در حوزه تربیتی، آموزشی و اخلاقی رخ می‌دهند در چه زمینه‌ای تأثیرات بیشتری می‌گذارد. همه ما تجربه معلمی داریم و می‌دانیم که معمولاً دانش‌آموزان بیشتر تحت تأثیر رفتارهای غیر رسمی و آنچه که ممکن است به عنوان حواشی رفتار معلمان و یا اولیای آموزشی تلقی شود، قرار دارند و به هر میزان که در فضاهای غیر رسمی و در واقع در فضاهای اختیاری از رفتار آنان اثر بگیرند، تأثیر این رفتارها در وجود دانش‌آموزان ماندگارتر خواهد بود.

حالا به همین قیاس باید گفت، گرچه کتاب‌های درسی هم در نوع و جایگاه خود خیلی مهم هستند، اما مجلات رشد، چون آن رسمیت کتاب‌های درسی را ندارند و در واقع با اراده و انتخاب دانش‌آموزان در اختیارشان قرار می‌گیرند، ممکن است اثرات بیشتری از این مجلات بپذیرند. یعنی گرچه کتاب‌های درسی اهمیت دارند، اما آنچه به عنوان تربیت و یادگیری واقعی صورت می‌پذیرد، اتفاقاً در حوزه غیر رسمی است. ضمناً بر اساس پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته، مجلات رشد می‌توانند در این بخش خیلی مؤثر واقع شوند و فضای اختیاری و انتخابی مجلات می‌تواند به تخیل و خلاقیت دانش‌آموزان پر و بال بدهد و تأثیرات



فرهنگی و اجتماعی در کشور پهناور ایران اسلامی بر عهده داشته‌اند و دارند. استان یزد به‌خصوص در زمینه آموزش و پرورش و مسائل فرهنگی خوش درخشیده است. استان بوشهر نیز که امسال به مدت یک سال عنوان «پایتخت کتاب جمهوری اسلامی ایران» را به خود اختصاص داده است، فرصت و موقعیت ویژه‌ای را در اختیار دارد تا بتواند بیش از گذشته قابلیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی خود را به‌خصوص در زمینه فرهنگ مطالعه و کتاب و کتابخوانی نشان دهد.

در حوزه مطالعه و خواندن، یکی از نقش‌های روشن آموزش و پرورش، «برنامه‌ریزی طراحی و انتشار مجموعه مجلات رشد» است که به‌خصوص نقش این دستگاه فرهنگی را در ایجاد فرهنگ مطالعه و خوب خواندن برجسته و ممتاز می‌کند. یعنی مجلات رشد تنها منابع رسمی هستند که در کنار کتاب درسی و در تکمیل آن، می‌توانند در مدارس و نظام رسمی آموزش و پرورش نقش آفرینی کنند. همچنین، یکی از منابع مهم و مستمر کتابخانه‌های آموزشگاهی ما (که متأسفانه در چند سال اخیر رو به افول گذاشته‌اند)، همین مجلات رشد هستند که با سازوکاری قانونی و مداوم می‌توانند در توسعه و تجهیز این مراکز مطالعه و خواندن



ناصری: یعنی مجلات
رشد تنها منابع رسمی
هستند که در کنار
کتاب درسی و در
تکمیل آن، می‌توانند
در مدارس و نظام
رسمی آموزش و
پرورش نقش آفرینی
کنند

عمیق‌تری بر آنان بگذارد.

البته و متأسفانه این فضاهای رسمی از گونه‌ای دیگر ایجاد شده‌اند و در قالب مؤسسات و مراکز غیر رسمی تأثیرات نامطلوبی را بر فضای رسمی آموزش و پرورش می‌گذارند که اتفاق تلخ و بدی است. برای مثال، در بسیاری از موارد کتاب‌های به اصطلاح کمک‌درسی و کمک‌آموزشی کار را پیش می‌برند و فضا را از کتاب‌های درسی

گرفته‌اند که جای تأمل دارد. چون این مراکز در زمینه کنکور موفق شده‌اند، این امور را به دیگر فضاها هم تسری می‌دهند. در مجموع اموری مانند سودجویی، تألیف کتاب‌های غیر استاندارد و اموری از این دست، و نیز تأثیرگذاری بیش از حد و نامتوازن این مؤسسات و مراکز آموزشی آسیب‌هایی را متوجه دانش‌آموزان و خانواده‌ها کرده است.

مجلات «رشد» که حدود ۵۰ سال قبل با عنوان کلی «پیک» انتشار خود را آغاز کرده‌اند، برای در دسترس قراردادن مواد خواندنی مناسب طراحی و منتشر شده‌اند و بنا بر این بوده است که این مجلات اوقات فراغت دانش‌آموزان را نیز غنی‌تر کنند. به همین دلیل نباید به گونه‌ای عمل کنیم که این مجلات هم به نوعی دیگر از کتاب‌ها تبدیل شوند و با انجام کارهایی مانند امتحان گرفتن از مجلات رشد، جذابیت و کارکرد اصلی این مجلات را از آن‌ها بگیریم. البته چون این مجلات آن رسمیت و جایگاه کتاب‌های درسی را ندارند، نباید گمان کنیم که در قبال آن‌ها مسئولیتی نداریم. یادمان باشد که اتفاقاً در دنیای تعلیم و تربیت امروز این مجلات نقش و جایگاه مهمی در شکل‌گیری و تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند.

در کشور آلمان کودکان از سه سالگی وارد مهدهای

کودک می‌شوند و آموزش‌های دبستانی متناسب با سن کودک، عمدتاً مبتنی بر بازی و سرگرمی است. همچنین نمایشگاه تصویرگری کتاب‌های کودکان در «بولونیا» که معمولاً همه ساله در فروردین ماه برگزار می‌شود، کتاب‌ها و سرگرمی‌هایی را در قالب کتاب برای کودکان از سرتا سر دنیا عرضه می‌کند که جذابیت و لذت بخش بودن برای کودک یکی از ویژگی‌های اصلی این

کتاب‌هاست. ضمناً برای اینکه کودک بتواند کتاب را همواره و حتی در حمام همراه خود داشته باشد، کتاب‌هایی از جنس پلاستیک طراحی و تولید شده است تا کودک بتواند آن را در داخل وان حمام هم همراه خود داشته باشد. این کتاب‌ها در شکل‌ها و قالب‌های گوناگون و متفاوت در معرض دید کودکان و دیگر مخاطبان قرار می‌گیرند تا با آن‌ها خو بگیرند و همراه شوند. به گونه‌ای که می‌گویند از هر ۱۰۰ آلمانی، ۸۰ نفر کتاب می‌خوانند و حتی حالا که دنیای تلفن همراه، کتابخانه‌ها و کتاب‌ها را هم تحت تأثیر قرار داده است، هنوز هم کتاب‌های کاغذی جایگاه و نقش خاص خود را دارند.

همان‌طور که در ابتدای سخنانم اشاره کردم، حال که قرار است استان بوشهر به مدت یک سال پایتخت کتاب کشور باشد، فرصت بسیار مغتنمی است تا تجربه‌ای جدید در این حوزه فراهم شود. یادمان باشد که عادت به مطالعه آموختنی است و به فضاسازی و فرهنگ‌سازی نیاز دارد و مهم‌ترین اقدام هم در این خصوص آن است که خواندنی‌های مناسب، به‌خصوص در دسترس و معرض نگاه کودکان قرار گیرد تا ضمن ایجاد جذابیت‌های لازم، بتوانیم زمینه‌ی عادت به مطالعه را هم بهتر و بیشتر از گذشته فراهم کنیم. پس حالا که بستر چنین کار مهمی با طراحی و تولید مجلات

رشد فراهم شده است، ما و شما که متولی تولید و توزیع این مجلات هستیم باید همت کنیم تا این مجلات بتوانند راه خود را به خصوص به دل بچه‌های دبستان باز کنند.

چنین کاری البته که باید تدوام داشته باشد. همان‌گونه که برای فرزندان خودمان لباس می‌خریم، باید برایشان کالاهای فرهنگی، کتاب و مجله هم بخریم و به ویژه این کار برای بچه‌ها که خودشان امکان و قدرت مراجعه و انتخاب کتاب و مجله را ندارند، کاری ضروری و الزام‌آور است.

در مورد مجلات معلمان هم باید همین اهتمام و دقت وجود داشته باشد تا حداقل تعدادی مجله تهیه و در دفتر معلمان موجود باشد و آن‌ها بتوانند با دسترسی به مجلات از محتوای آن‌ها بهره‌مند شوند. ما قبل از انقلاب تنها یک مجله برای معلمان داشتیم که با عنوان «بیک معلم» منتشر می‌شد. اما در حال حاضر بیش از ۲۰ عنوان مجله برای معلمان محترم داریم که از گوناگونی و تنوع خوبی هم برخوردار هستند. اینجا هم لازم است کوشش کنیم و این مجلات را در معرض نگاه و دسترس معلمان قرار دهیم و در اختیارشان بگذاریم.

خلاصه کلام اینکه برای ارتقای سطح مطالعه معلمان تنها و تنها مجلات رشد در دسترس و در شبکه گسترده مدارس قرار دارند که اگر اعتقاد داریم کلید دانش خواندن است، باید در توسعه و ترویج مجلات رشد، بیش از پیش بکوشیم. زمانی هم که این مجلات را در معرض نگاه معلمان قرار دادیم، یک پله بالاتر این است که این مجموعه مجلات را درست تبلیغ و ترویج کنیم و آن‌ها را به دست معلمان برسانیم.

مجدداً از شما که برای چنین کار مهمی همت کرده‌اید، تشکر می‌کنیم. باید اذعان کنیم که اگر طی ۱۰ سال گذشته شمارگان مجلات رشد از حدود ۳۲ میلیون نسخه به ۴۰

میلیون نسخه رسیده، این افزایش شمارگان و به تبع آن تأثیرگذاری بیشتر مجلات، حتماً در گرو همراهی، همدلی و همکاری شما عزیزان و مسئولان استانی آموزش و پرورش بوده است که باید آن را قدر بدانیم و خداوند متعال را برای چنین موفقیتی شکرگزار باشیم.

این نکته را هم در نظر داشته باشیم که حس خوب همکاری با مجلات رشد، چه در قالب یک نویسنده، هنرمند و شاعر و چه در نقش یک نماینده استانی یا در منطقه و مدرسه، کاری ارزشمند است که قیمت ندارد و باید امیدوار باشیم که خداوند متعال اجر چنین کار با ارزشی را به همه دوستان عنایت فرماید.

بوشهر، پایتخت کتاب ایران

شاهین افشارپور، نماینده مجلات رشد در استان بوشهر

در استان بوشهر ۱۸ منطقه آموزشی داریم که ۲۰۰ هزار نفر دانش‌آموز در آن مشغول به تحصیل‌اند و از این تعداد، ۱۱۵ هزار نفر دانش‌آموزان دوره ابتدایی هستند. پوشش مجلات رشد در دوره ابتدایی از وضعیت متوسطی برخوردار است که امیدواریم با اقداماتی که صورت می‌گیرد، افزایش مناسبی پیدا کند.

همان‌طور که آقای ناصری هم اشاره کردند، امسال استان بوشهر به عنوان پایتخت کتاب جمهوری اسلامی ایران هم انتخاب شده است که امیدواریم بتوانیم در مسیر فرهنگ‌سازی مطالعه کتاب و ایجاد عادت به خواندن و مطالعه کردن گام‌های اساسی‌تری برداریم.

همان‌گونه که اطلاع دارید، از «عسلویه» که در این استان واقع شده است، به عنوان پایتخت انرژی ایران هم یاد می‌شود. اما نفوذ فرهنگی خاصی در این منطقه وجود



ایجاد عادت به مطالعه تلاش و کوشش بیشتری می‌طلبد و ضمناً همراهی همه دست‌اندرکاران را طلب می‌کند که باید به این امر مهم توجه داشته باشیم.

- گاه به نظر می‌رسد که محتوای مجلات رشد، جذابیت و کشش لازم و قدرت جلب نظر مخاطب را ندارد. مسئولان باید به این نکته مهم و کارشناسی و آسیب‌شناسی این امر توجه داشته باشند و برای رفع آن برنامه‌ریزی و اقدام کنند. - این موضوع که در ابتدای هر سال بخش‌نامه‌ای صادر و در آن فقط دریافت پول برای بیمه و کتاب را مجاز اعلام می‌کنند، دست مدیران ما را برای دریافت وجه ناچیز مجلات رشد می‌بندد و آنان را در طول سال با مشکل مواجه می‌کند. خوب است برای این بخش‌نامه فکری بشود. - از زمانی که طرف حساب و کتاب هزینه مجلات رشد، شرکت «افست» شده است، کارها به کندی پیش می‌روند. اگر مانند گذشته دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی طرف حساب باشد، بهتر است.

این اتفاق نیکو

صادق رضایی، نماینده مجلات رشد در استان یزد
شهر و استان یزد به عنوان «دارالعباده» و «دارالعلم»

دارد و با بودن اقوام عرب زبان که تعداد زیادی از آنان اهل تسنن هستند، ما نیازمندیم مجلات رشد بیشتر معرفی و اهداف آن‌ها تبیین شوند تا با همراه شدن افکار عمومی و به‌خصوص توجه مدیران مدارس و همکاری بیشتر آنان بتوانیم اقدامات اساسی‌تری در این زمینه انجام دهیم.

من در این بخش از صحبت‌ها به برخی مشکلات و موانعی که بر سر راه معرفی و توزیع مجلات رشد وجود دارند اشاره می‌کنم تا با آگاهی مسئولان مجلات رشد و همراهی و حمایت این عزیزان امیدوار باشیم در آینده موفقیت‌های بیشتری در این زمینه به دست آوریم:

- یکی از مشکلات فرا روی معرفی و توزیع مجلات رشد، عدم آگاهی و همراهی مدیران مدارس و گاه عدم اعتقاد و یا علاقه‌مندی و گاه مشغله‌های فراوان اداری و اجرایی آنان است که اجازه نمی‌دهد این همراهی و همگامی شکل بگیرد. ما شاهد بوده‌ایم که هرگاه این همکاری بین مدیران و نمایندگان مجلات رشد وجود داشته است، معلمان، کادر آموزشی و حتی دانش‌آموزان استقبال بیشتر و بهتری از این مجلات داشته‌اند.

- گمان ما این است که قیمت و هزینه ریالی مجلات تأثیر زیادی در فروش و توزیع آن‌ها ندارد و پرداخت هزار تومان در ماه مشکلی برای اولیای دانش‌آموزان به وجود نمی‌آورد. پس اگر ما بتوانیم به درستی این موضوع را تبلیغ و تبیین کنیم که غذای ذهن و روح هم مثل غذای جسم برای دانش‌آموزان مهم است، خانواده‌ها از خرید این مجلات استقبال خواهند کرد.

- به طور کلی در جامعه‌ای که سرانه مطالعه پایین است و کتاب و مجله در سبد خرید خانواده‌ها جای مستحکم ندارد و با وجود فضاهای مجازی که جذابیت‌های بی‌بدیلی دارند و دسترسی به آن‌ها غالباً ارزان‌تر است، کار فرهنگی و

جایگاه بالایی در ساختار و ترکیب فرهنگی و مذهبی کشور بزرگ جمهوری اسلامی ایران دارد و شعار «فنا، فنوت و قناعت» مشی و روش زندگی مردمان سخت‌کوشی است که با توکل به خداوند بزرگ، سخت‌کوشی و بهره‌گیری از مواهب الهی، از کمترین امکانات بیشترین بهره‌ها را بر گرفته‌اند. ما امیدواریم این اتفاق نیکو در مورد مجلات رشد هم صورت عمل پیدا کند.

در استان یزد ۱۴ منطقه آموزشی داریم و پوشش مجلات رشد در دوره ابتدایی ۷۴ درصد، دوره متوسطه اول ۱۲ درصد و در دوره متوسطه دوم ۴ درصد است. ما برای ارائه هدفمند مجلات رشد، همراه با برنامه‌ریزی و توجیه مدیران مدارس، اقدامات اجرایی زیر را هم انجام داده‌ایم:

- ارسال بخش‌نامه اشتراک مجلات به مدارس استان؛
- ارسال بخش‌نامه اشتراک مجلات رشد ویژه معاونان و مدیران مدارس ابتدایی؛
- برنامه‌ریزی برای هدفمند کردن عملکرد نمایندگان رشد و ثبت آن؛
- ارسال دستورالعمل جشنواره خلاقیت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان؛

صادق رضایی



- برپایی نمایشگاه مطالعه مجلات رشد در اداره کل آموزش و پرورش استان (ارائه مجلات هر ماه برای اطلاع و مطالعه همکاران اداری)؛

- برپایی نمایشگاه فعالیت‌های فرهنگی مجلات رشد در سطح کلاس، مدرسه و منطقه؛

- افزایش درصد تخفیف نمایندگان مناطق و نواحی.

همچنین برخی مسائل و موضوعاتی که مانع استقبال مناسب از مجلات رشد می‌شوند، و نیز راه‌هایی برای رفع این مانع‌ها به شرح زیرند:

- تغییر سالانه نمایندگان رشد در مناطق و نواحی به دلایل مختلف مشکل آفرین است و ثبات در این امر سازنده و مثبت خواهد بود.

- همراهی و دیدگاه مثبت مدیران در مورد مجلات رشد، بسیار مؤثر است و باید روی این موضوع بیشتر کار شود.

- فراگیر شدن حضور معلمان در تهیه مجلات رشد، باعث خواهد شد محتواهای مناسب‌تری برای مجلات تولید شود.

- نبود اطلاع‌رسانی و آگاه نبودن اولیای دانش‌آموزان از اهداف و برنامه‌های مجلات رشد باعث شده است اولیا

رغبتی به دریافت مجلات برای فرزندان خود نداشته باشند.

- هزینه‌های بالای حمل و نقل، به‌خصوص برای مجلات که

وزن قابل توجهی دارند، مسئله‌ساز است.

- انگیزه نداشتن همکاران برای ارتقای علمی باعث شده

است، توجه مناسبی به مجلات نداشته باشند.

- رسانه‌های اجتماعی و جذابیت‌های فضای مجازی، رقابتی

سخت را بین این مجلات و رسانه‌های مزبور برای جذب

مخاطبان رقم زده است که باید بدان توجه داشت و برای

رفع این مشکل اقدام کرد.

همچنین به منظور توسعه و ترویج مجموعه مجلات

رشد، پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح شده‌اند:



سید کمال شهابلو

چه خوب است که در خصوص این شماره به طور ویژه‌تری اطلاع‌رسانی و تبلیغ شود، تا معلمان و مدیران در این استان مجله را با رغبت و انگیزه بیشتری تهیه کنند. یا اینکه همین الان که ما در اینجا کنار هم گرد آمده‌ایم، آقای کاوه تیموری، سردبیر «رشد آموزش هنر» برای تهیه گزارش در استان بوشهر هستند و خوب است که نمایندگان مجله در این استان آن شماره را که گزارش ایشان در آن درج خواهد شد، با حساسیت بیشتری معرفی و اطلاع‌رسانی کنند.

ضمناً به نظر می‌رسد که در همه استان‌ها مدیران مدارس، به خصوص مدیران دوره متوسطه دوم، باید بیشتر توجیه شوند تا بتوانیم در زمینه مجلات دانش‌آموزی دوره متوسطه هم توسعه کمی و کیفی بیشتری داشته باشیم.

در مورد فعالیت‌های دیگر هم که دوستان نماینده دو استان بوشهر و یزد به برخی از آن‌ها اشاره کردند باید بگوییم، فعالیت‌های فرهنگی مانند «زنگ رشد» و فعالیت‌های مشابه که با خلاقیت مدیران و مشارکت معلمان انجام می‌شوند، می‌توانند در توسعه و ترویج مجلات مؤثر باشند. استان‌ها باید خودشان تلاش کنند، با گرفتن کد دوره‌های آموزشی، دوره‌هایی را مبتنی بر محتوای برخی مجلات که با آن

برگزاری آزمون‌های جامع از مجلات ویژه معلمان؛ در نظر گرفتن محرک‌های انگیزشی ویژه برای نمایندگان رشد مناطق و نواحی استان‌ها مانند همین نشست که امروز برگزار شد؛

اختصاص درصدی از منابع ویژه مناطق محروم و عشایری به مجلات رشد؛

استفاده از ظرفیت‌های سایر نهادها و ارگان‌های فرهنگی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

گام‌های بعد با رویکردی جدید

سید کمال شهابلو، معاون انتشارات دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مطلب مهمی که بارها بر آن تأکید کرده‌ایم این است که نمایندگان سخت‌کوش مجلات رشد، به خصوص در استان‌هایی مانند استان بوشهر که رشد خوبی هم در زمینه توزیع مجلات داشته‌اند، باید در گام‌های بعدی رویکرد جدیدی به کار خود در حوزه مجلات رشد داشته باشند و با نگاهی فرهنگی‌تر امور را سامان دهند. از جمله اینکه نمایندگان مجلات و دوستانی که زحمت توزیع مجلات را در سطوح استان، شهرستان و منطقه بر عهده دارند، باید بر محتوای مجلات رشد هم اشراف بیشتری پیدا کنند تا بتوانند در گفت‌وگوها و مراودات کاری خود، استناد بیشتری به این محتواها داشته باشند، و نشان دهند که اگر بر مفید و سازنده بودن محتوای مجلات تأکید دارند، خودشان هم در حد امکان و توان مجلات را می‌خوانند و از محتوای آن‌ها استفاده می‌کنند.

برای مثال، در شماره فصل بهار «رشد آموزش تاریخ»، گزارشی از گفت‌وگو با معلمان تاریخ استان یزد به چاپ می‌رسد که زحمت تهیه آن هم با آقای رضایی بوده است.

ما چهار عنوان مجله هم برای نابینایان روشندل داریم که همواره آرزو می‌کنیم، شمارگان آن‌ها پایین بیاید. یعنی در واقع از آمار این عزیزان کاسته شود و ما کمتر دانش‌آموزی داشته باشیم که از نعمت بینایی محروم باشد. این مجلات به صورت رایگان برای استان‌ها ارسال می‌شوند. تقاضا می‌کنیم که اگر دوستان در استان خودشان مراکزی را سراغ دارند که نیازمند این مجلات هستند ولی برایشان ارسال نمی‌شود، به ما اعلام کنند تا این مجلات مستقیماً برای آن مراکز ارسال شود.



مهدی سمسامی

میزگرد پرسش و پاسخ

در ادامه جلسه، میزگرد پرسش و پاسخ با حضور آقایان **همتی**، مشاور مدیر کل و ناظر محتوایی مجلات رشد، **راستی**، سردبیر مجله رشد کودک، **متولی**، سردبیر مجله رشد آموزش ابتدایی؛ **جعفریان**، سردبیر مجله رشد نوجوان و **موسوی**، سردبیر مجله رشد جوان برگزار شد. در ابتدای این بخش از برنامه برخی از شرکت‌کنندگان سؤالات خود را مطرح کردند و سپس اعضای میزگرد به سؤالات مربوط به خود پاسخ دادند.

نرخ مطالعه پایین است

مهدی سمسامی، کارشناس اداره سنجش منطقه آب‌پخش (استان بوشهر) منطقه آموزشی آب‌پخش از سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به منطقه مستقل آموزشی تبدیل شده است و من هم بر اساس علاقه شخصی مسئولیت توزیع مجلات رشد را در آن بر عهده گرفته‌ام. دریافت مجلات رشد نباید اجباری باشد و اصل هم بر همین موضوع است. اما وقتی ما پول مجلات را هم با پول کتاب درسی و حق بیمه از دانش‌آموز دریافت

دوره‌ها تناسب دارند، از ستاد وزارتخانه دریافت و آن را اجرا کنند. ضمناً استان **اصفهان** برای رصد موضوعات مربوط به مجلات رشد در سطح استانی نرم‌افزار خوبی را طراحی کرده و اعلام داشته است که آن را در اختیار همکاران دیگر استان‌ها هم قرار می‌دهد که پیشنهاد می‌کنم، دوستان ما در دو استان بوشهر و یزد برای دریافت این نرم‌افزار کارآمد اقدام کنند.

نکته بعدی هم در مورد دو مجله برهان ریاضی متوسطه ۱ و برهان ریاضی متوسطه ۲ است که برای دانش‌آموزان این دوره منتشر می‌شود و چون فرایند نشر آن از فصل‌نامه به ماه‌نامه تغییر پیدا کرده، خوب است در این خصوص هم اطلاع‌رسانی شود.

ما در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی وبگاهی با عنوان «roshdmag.ir» داریم که تمام فعالیت‌های دفتر در آن منتشر و معرفی می‌شوند و به فایل PDF مجلات رشد هم از طریق آن می‌توان دست یافت. ضمناً امکانی هم برای نمایندگان مجلات رشد در همان صفحه اصلی این سایت فراهم شده است که می‌تواند خط ارتباطی ما با این عزیزان باشد.



علی محمدی

- پیشنهاد می‌کنم مجلاتی ویژه مدیران مدارس منتشر شود و اطلاعات مدیریتی مورد نیاز آنان را بیش از پیش در اختیارشان قرار دهد.

به مسائل پرداخته شود

منیره علی پور، کارشناس آموزش ابتدایی شهرستان گناوه

- ما هم برای پوشش و توسعه مجلات رشد اقداماتی را به شرح زیر انجام داده‌ایم:
- تبلیغات و اطلاع‌رسانی و دعوت از مدیران مدارس و معرفی مجلات رشد؛
- برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی از مجلات رشد، بین همکاران فرهنگی؛
- برگزاری جشنواره غذا از غذاهایی که در مجلات رشد آموزش داده شده‌اند؛
- برقراری یک ساعت مطالعه اجباری مجلات رشد در کلاس‌های درس.
- در پایان پیشنهاد می‌کنم اگر ممکن باشد، مجلات رشد استانی هم طراحی شوند و در آن‌ها به مسائل بومی هر

می‌کنیم، این خودش نوعی تجویز است. با این وصف باز هم باید به تک‌تک مدیران زنگ بزنم و از آنان بخواهم حداقل پنج یا شش نسخه از مجله هم برای آموزشگاه مشترک شوند. ما در دوره ابتدایی ۱۰۰ درصد دانش‌آموزان را تحت پوشش مجلات رشد داریم، اما در دوره متوسطه اول و دوم استقبال چندانی از مجلات نمی‌شود. نکته مهم این است که متأسفانه نرخ مطالعه در کشور پایین است و با این حال تصور این است که این مجلات باید در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد. ضمناً در این میان علاقه و اعتقاد مدیران هم خیلی اهمیت دارد و می‌تواند در امر اشتراک و توزیع مجلات تأثیرگذار باشد.

چند پیشنهاد

علی محمدی، کارشناس روابط عمومی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه یک یزد

- سه سال است که بنده نمایندگی مجلات رشد را در ناحیه خودمان بر عهده دارم و در مجموع باید گفت که مجلات نسبت به گذشته مقبولیت بیشتری پیدا کرده‌اند. در همین زمینه نکاتی را مطرح می‌کنم:
- به نظر من باید معلمان و دانش‌آموزان در مورد تألیف مطالب مجلات و تهیه محتوا نقش بیشتری داشته باشند و به ویژه دانش‌آموزان به عنوان مؤلف و سردبیر کوچک، مانند «جشنواره جابرین حیان» که نگارش برخی موضوعات تحقیقی و نگارشی بر عهده دانش‌آموزان است، نقش بیشتری بر عهده بگیرند.
- موضوع اوریگامی به عنوان یک نمونه کار دست‌ورزی، بسیار تأثیرگذار است. پیشنهاد می‌کنم مجلات، به خصوص مجلات دانش‌آموزی، بخش‌هایی را به این کار هنری با زمینه کار با کاغذ اختصاص دهند.



استان بیشتر پرداخته شود.

دو پرسش و یک پیشنهاد

صادق رضایی، نماینده مجلات رشد در استان یزد

من دو پرسش و یک پیشنهاد دیگر را هم به صحبت‌های قبلی‌ام اضافه می‌کنم:

- آیا برای آگاهی والدین و مدیران از اهداف و برنامه‌های مجلات رشد در سطح وزارتخانه کاری شده است؟
- آیا قصد و برنامه‌ای برای استفاده از رسانه‌های جدید (مانند سی‌دی که زمانی همراه با مجله «رشد آموزش ابتدایی» منتشر می‌شد)، دارید؟

- خوب است در مجله «رشد جوان» به آموزش مهارت‌های مخاطبان، مثل افزایش «مهارت مطالعه» توجه بیشتری بشود.

شیوه‌های مشارکت

محبت‌اله همتی، مشاور مدیرکل و ناظر محتوایی مجلات رشد

در خصوص مطلبی که آقای محمدی در زمینه

مشارکت دانش‌آموزان در تهیه محتوای مجلات گفتند، باید بگویم که در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، مرکزی با عنوان «مرکز بررسی آثار» وجود دارد که آدرس آن در شناسنامه مجلات آمده است. آثار برگزیده رسیده از سوی دانش‌آموزان در دو نشریه سالانه «قاصدک» برای دوره ابتدایی و «چکاوک» برای دوره متوسطه اول چاپ می‌شوند. ضمناً برخی مجلات مانند مجله «رشد نوجوان» صفحه‌ای به عنوان «پاتوق» دارند که همه محتوای آن توسط مخاطبان تهیه و منتشر می‌شود. در مورد مطلبی که برای چاپ مجله ویژه مدیران مطرح شد، پیام شما را به سردبیر مجله مدیریت مدرسه خواهیم رساند. در خصوص سی‌دی پیوست مجله رشد آموزش ابتدایی باید بگویم که ما مدتی فیلم‌های گنجینه رشد را که شامل آثار برگزیده جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد بود، معرفی می‌کردیم که با اتمام آن گنجینه کار پایان یافت. البته این فیلم‌ها روی «شبکه ملی مدارس» در دسترس هستند. در مورد رسانه‌های اجتماعی و بهره‌گیری از آن هم باید بگویم که در یک جریان تعاملی با شبکه رشد می‌توان این هم‌افزایی را ایجاد کرد. ضمناً سال گذشته در رشد نوجوان فعالیت‌هایی در این خصوص انجام شده است.

در ارتباط با پیشنهاد خانم علی‌پور درباره طرح مسائل بومی استان‌ها هم در مجلات رشد اقداماتی انجام شده و با افزودن بخش ایران‌شناسی این اقدامات توسعه پیدا خواهد کرد.

خاطرات خوب کودکی

مجید راستی، سردبیر رشد کودک

چند سال قبل در کتابی از دانشمند سخنور آقای فلسفی خواندم که: «خداوند بچه‌ها را به پدر و مادرها عطا می‌کند تا بدین وسیله بتوانند به رشد خود ادامه

مطالب و محتواهای تولید شده توسط بچه‌ها را در صفحه «پاتوق» بیاوریم که خوش‌بختانه مطالب زیادی هم در این خصوص و به قلم مخاطبان به دستمان می‌رسد.

روش حل مسئله را بیاموزیم

سید امیر سادات موسوی، سردبیر رشد جوان

من بیشتر و قبل از هر چیز برای شنیدن به این نشست آمده‌ام و آنچه را دوستان گفتند، یادداشت کردم. دوست دارم نظرات عزیزان را دربارهٔ مجلهٔ رشد جوان بدانم. در یکی از خاطراتم به یاد دارم که در المپیاد نجوم یک جوان اهل لیتوانی با آنکه مبحث مربوط به سؤالی را نخوانده بود، با روشی مناسب به پاسخ رسیده بود. یعنی ذهنش طوری تربیت شده بود که می‌توانست با منطقی خاص مسائل خودش را حل کند. این برای من تجربه‌ای بسیار آموختنی و خوب بود. اعتقاد دارم ما هم باید در همهٔ آموزش‌های خود روش حل مسئله را به جوانان بیاموزیم و مطمئن باشیم آن‌ها راه حل مسائل خود را پیدا خواهند کرد. در مورد فضای مجازی هم تا حالا مجلات رشد نوجوان و جوان ارتباط‌های مجازی خوبی برقرار کرده‌اند، اما اعتقاد دارم که



دهند.» کار کردن با بچه‌ها ما را به آن‌ها نزدیک می‌کند و عمل درست و دلسوزانهٔ ما باعث می‌شود، آن‌ها از کودکی خود خاطرات خوبی داشته باشند. پس باید سعی کنیم که خاطراتشان را غنی و از خوبی آکنده کنیم. بچه‌ها اساساً خیلی کم‌توقع هستند و قدر آنچه را که دارند، می‌دانند. امیدواریم همهٔ بچه‌های دنیا بتوانند به خوبی رشد کنند و ما آن‌ها را از دنیای بچگی که برایشان خیلی لذت بخش است، ناشیانه جدا نکنیم.

بچه‌ها راه خودشان را پیدا می‌کنند

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان

امروز جمله‌ای را در شبکه‌های مجازی خواندم که به دلم نشست. نوشته بود: «اهل رشد که باشی شرایط برای بی‌معناست!» ما اگر به جایی برسیم که اهمیت خواندن را بدانیم، لذت مطالعه را تجربه کنیم و بتوانیم آن‌ها را به بچه‌ها نیز بچشانیم، آن‌ها راه خود را برای عادت به مطالعه باز خواهند کرد. پس باید خلاقیت به خرج دهیم و دسترسی آن‌ها را به بسته‌های جذاب و متنوع خواندنی آسان کنیم و مطمئن باشیم که بچه‌ها راه خودشان را خواهند یافت. چون مدارس و کلاس‌های رسمی ما چارچوب‌های رسمی و خشکی دارند، اگر بتوانیم زنگ‌های تفریح جذاب و دوست‌داشتنی در خانه و مدرسه فراهم کنیم، این موضوع در پیشرفت آنان بسیار مؤثر خواهد بود.

آقای افشارپور به موضوع مسافت طولانی بین شهرها و مشکل ارسال مجلات اشاره‌ای داشتند که باید گفت، شاید راه گریز ما از این مشکلات همین امکانات دنیای مجازی باشد. ما در مجلهٔ رشد نوجوان تلاش می‌کنیم از همهٔ وسائل و ابزارهای موجود و در دسترس برای رساندن پیام خود به مخاطبان استفاده کنیم. همان‌طور که اشاره شد، می‌کوشیم



پرده را کنار بزنیم، راه خودش را به ما نشان خواهد داد. یادمان باشد که از آدم‌های موفق فراوان شنیده‌ایم که یک تکه روزنامه یا یک خط از یک کتاب برایشان الهام بخش شده است. پس باید این زمینه‌های الهام‌بخشی را پیدا کنیم و آن گاه کودکان خود مسیر رشد و موفقیت را پی خواهند گرفت. یادمان باشد که ما حتی اگر بتوانیم یک نفر را یاری کنیم تا دانشمندی فکور و مؤثر شود، ممکن است او دنیایی را زنده کند.

از همه امکانات استانی برای توسعه محتوای مجلات

رشد بهره بگیریم

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد

من هم اجازه می‌خواهم که خیلی مختصر به چند نکته اشاره کنم:

- همکاران و عزیزان، ما را در موضوعیابی برای مجلات

باید یک اکوسیستم بین مجله و همه فضاهای ارتباطی ایجاد کنیم تا بتوانیم مخاطبان را در همه فضاها جذب کنیم. در مجموع مجله «رشد جوان» بین ۴ درصد از کل مخاطبان توزیع می‌شود که حتی اگر کنکور مخاطبان را هم در نظر بگیریم، ظرفیت این مجله خیلی بیشتر است و باید روی آن کار و برنامه‌ریزی شود.

این کوچه به هیچ جا نمی‌رود، تو کجا می‌روی؟

علیرضا متولی، سردبیر رشد آموزش ابتدایی

می‌گویند فردی به دنبال نشانی بود و از فردی دیگر پرسید: ببخشید آقا! این کوچه به کجا می‌رود؟ آن فرد هم که در واقع عارف جهان دیده‌ای بود گفت: این کوچه به هیچ جا نمی‌رود تو به کجا می‌خواهی بروی؟

مثل ما هم در مجلات رشد همین است که باید راه را پیدا کنیم و وقتمان را در کوچه و پس کوچه‌ها تلف نکنیم. به دنبال راه‌های فلسفی و عارفانه باشیم که اگر موفق بشویم

یاری کند.

- هر ساله بدون اغراق هزار مقاله و خاطره از معلمان در مجلات چاپ می‌شود و ما هم معلمان را به تولید محتوا برای مجلات ترغیب می‌کنیم.

- ما را در جریان بازخوردهایی که در خصوص مجلات دریافت می‌کنید، قرار دهید.

- خیلی از واژه اجبار برای مجلات رشد استفاده نکنیم. مجلات ما حالت نیمه تجویزی دارند و اجبار بدون روشنگری درباره آن‌ها اثری نخواهد داشت.

- چرا می‌گوییم ساعت اجباری مطالعه! آیا گفتن ساعت شیرین مطالعه بهتر و جذاب‌تر نیست؟

- از همه استعدادها و فضاهای بومی استانی و امکانات در اختیار، مانند گروه‌های علمی در حوزه‌های تکنولوژی آموزشی و انجمن‌های علمی معلمان در رشته‌های مختلف برای توسعه محتوای مجلات رشد بهره بگیرید.

این مراسم پس از سه ساعت بحث و گفت‌وگو با اهدای لوح سپاس و قدرشناسی از نمایندگان مجلات رشد استان‌های یزد و بوشهر پایان یافت.



هویت جنسی و مجلات رشد

گفت و شنودی با

دکتر حجت عرفانیان پور، در باب «هویت جنسی»

وجود دارد، اما هر جامعه‌ای به مقتضای امکانات خود به این نیاز پاسخ داده است. ما جامعه امروز را در نظر می‌گیریم، با توجه به سبک و سیاق شکل‌گیری خانواده‌ها، تعداد فرزندان، واژه پدرسالاری، مادرسالاری و یا فرزندسالاری، نوع روابط اجتماعی و اقتصادی افراد، نوع روابط رسانه‌ای و مجازی افراد و سایر ساختارهای آن. هویت جنسی همه ما مثل سایر نیازهایمان در یک دوره خاص شکل می‌گیرد و ما باید درباره آن اطلاعات مناسبی داشته باشیم.

هویت جنسی در یک تعریف استاندارد ترغیب به خواننده شدن به عنوان زن یا مرد است. وقتی فرد خودش رازن یا مرد می‌خواند، آنجاست که هویت جنسی او شکل گرفته است. در اینجا هورمون‌هایی در فرد شکل گرفته‌اند. در مبحث هویت جنسی، یک مرد وقتی به لحاظ جسمی مرد می‌شود، اتفاقاتی در جسم او رخ می‌دهد. کسی که دچار اختلال یا انحراف

در سلسله نشست‌های کارگروه تخصصی «تربیت جنسی»، روز پنجم خرداد ۱۳۹۵ با حضور دکتر حجت عرفانیان پور به موضوع مهم «هویت جنسی» پرداخته شد. در این نشست، برخی از سردبیران مجلات عمومی رشد حضور داشتند و علاوه بر کندوکاو در جوانب مفهوم هویت جنسی، درباره نقش مجلات رشد عمومی در این زمینه گفت‌وگو کردند.

حجت عرفانیان پور: ما در بدنمان همراه با رشد جسمی و روانی، نیاز جنسی هم داریم. این نیاز باید هدایت و تربیت شود و باید برای آن برنامه داشته باشیم؛ به دو دلیل: یکی برای اینکه این فرد یک انسان استاندارد باشد، و دوم اینکه بتواند از فرورفتن و درگیر شدن در اختلال‌ها و انحرافات اجتناب کند. درست است که بین جامعه امروز و دیروز فرق

اندام تناسلی فرد است که ما باید در گام نخست پاسخ مناسب داشته باشیم. تا زمانی که شناخت مناسب در این زمینه وجود نداشته باشد، پاسخ مناسبی هم وجود نخواهد داشت. روی سخن ما در اینجا بیشتر با والدین و معلمان است.

تا وقتی مشاور مدرسه و معلم تکنیک و تاکتیک مناسب را نیاموخته باشند، پاسخ مناسبی هم دریافت نخواهد شد. باید زبان فرد را بشناسیم. رفتار ما بسیار مهم است. نباید باعث ایجاد برانگیختگی شویم. شخصیت فرد از دوران جنینی شکل می‌گیرد و ما باید آن را جدی بگیریم و برایش وقت بگذاریم. پس در کنار هویت و کنجکاوی، و آشنایی و شناخت، پاسخ‌دهی است که مربوط به چند گروه است: یکی خود مخاطب است، یکی گروه مرجع و یکی گروه والدین. والدین، هم والدین خونی و هم والدین اجتماعی را شامل می‌شود.

مبحث بعد به این برمی‌گردد که ما در جامعه می‌خواهیم کلیدی بزنی. این کلید باید از کجا خورده شود؟ آیا باید گروهی را حذف کنیم یا باید برنامه‌ریزی کنیم و به گروه‌های متفاوت دیتاهای متفاوت دهیم؟ نمی‌توان در جامعه افرادی را حذف کرد، چون به گروه‌های سوخته تبدیل می‌شوند. این کار اشتباه است. باید برای همه گروه‌ها برنامه داشته باشیم. باید رفتار را بشناسیم، خواسته را بدانیم و به صورت مناسب پاسخ دهیم. من پیشنهادی دارم: اگر می‌خواهیم به بچه‌ها و معلمان دیتا دهیم، اول بررسی کنیم که چه دیتایی را نیاز داریم. چه نکاتی مدنظر ماست؟ زمانی که پاسخ‌دهی مناسب نباشد و تربیت جنسی مناسب صورت نگیرد، مشکلات فراوانی ایجاد می‌شوند.

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: شما برای نوجوان و جوانی که در سن بلوغ است و نیاز جنسی دارد، چه تجویزی دارید؟



است با این معضل روبه‌رو می‌شود که یا دستگاه جنسی‌اش کاملاً زنانه یا مردانه نیست و یا اگر هست، اختلال روانی او باعث می‌شود نتواند خود را مرد یا زن بخواند.

مبحث بعدی ترشح هورمون‌هاست. وقتی ما با صفات، رفتارها، و کنش‌ها و واکنش‌ها آشنایی داشته باشیم، در کنار آن روابط، رفتار، و عمل و عکس‌العمل مناسب را از خود بروز می‌دهیم. یکی از نکات اصلی که در مبحث بلوغ و جنسیت افراد با آن روبه‌رو می‌شویم، کنجکاوی دوران بلوغ است که از رشد بدنی و ترشح هورمون‌ها سرچشمه می‌گیرد و فرد در وجود خود کنش‌ها و واکنش‌های متفاوتی می‌بیند. در پسران با نعوظ آلت جنسی و در دختران با کنش‌های رفتاری، خلقی و ویژگی‌های بدنی رخ می‌دهد.

نخستین مطلب بعد از بروز کنجکاوی، پاسخ‌دهی مناسب به کنجکاوی است. بیشترین نمود کنجکاوی در ویژگی‌های



عرفانیان پور: هویت
جنسی در یک تعریف
استاندارد ترغیب به
خوانده شدن به عنوان
زن یا مرد است. وقتی
فرد خودش را زن یا
مرد می‌خواند، آنجاست
که هویت جنسی او
شکل گرفته است

عرفانیان پور: نمی‌توان به این فرد یک‌شبه
دیتا داد. باید از همان دوران کودکی روی او
کار کرد. امروزه سرانۀ سفر به خارج از کشور
در خانواده‌ها تغییر کرده است.
وقتی ما تعریفی مناسب در روابط بین فردی
نداشته باشیم، در روابط خودمان با دیگران
دچار مشکل خواهیم شد. تعریف مناسب
یعنی وقتی هویت جسمی و جنسی فرد
شکل می‌گیرد، خودش را بشناسد و در مقابل،
جنس مخالف را هم بشناسد. چرا در دانشگاه با این خلأ روبرو
می‌شویم؟

اولین بهانه‌ها برای ایجاد ارتباط، گرفتن جزوه است. زمانی
طرح خانه‌های عفاف را مطرح کردند، اما با جنجال و
مخالفت‌های فراوان روبه‌رو شد. در حالی که امروز این موضوع
به صورت زیرزمینی در حال انجام است.
ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد: احتمالاً
پرداختن به موارد خاص و انحرافات در مجلات رشد، به
مصلحت نباشد. اگر به نیازها و شرایط عمومی و طبیعی
مخاطبان توجه شود، منطقی‌تر است.

قربانی: شما به ما بگویید ما چه چیزهایی به بچه‌ها بگوییم
که غیر از موارد اجتنابی باشد و پاسخ بهتری به مشکلات و
مسائل آن‌ها بدهد.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز: شاید
نیاز نباشد ما از نگاه مذهبی به این موضوع نگاه کنیم. مسئله
مهمی که وجود دارد، ایجاد شخصیت اخلاقی و اجتماعی بالا
و به وجود آوردن اعتماد به نفس بالا در کودکان و نوجوانان
ماست. حیا و اخلاق در خانواده بسیار مهم است.

عرفانیان پور: عرض من این است که اگر به جای سرکوب
تربیت مناسبی داشته باشیم، به نتیجه بهتری خواهیم رسید.

ما نمی‌توانیم نیازی را که در فرد شکل
می‌گیرد، سرکوب کنیم و نمی‌توانیم خودمان
را از جوامع دیگر دور کنیم؛ پس باید با توجه
به فرهنگ، آداب، رسوم، پیشینه و مذهب
خودمان نسخه‌ای ملی - مذهبی تهیه کنیم.
در مبحث ملی باید با توجه به اقوام، رسوم،
آداب و فرهنگ جامعه و در بعد مذهبی با
توجه به چینش مذهبی جامعه، دبتای
مناسب به فرزندان خود بدهیم. یک استاندارد
بین‌المللی هم هست که باید آن را با توجه به آداب و رسوم و
فرهنگ جامعه خودمان تجویز کنیم.

برای قشری که تا الان داریم، به یک نسخه نیاز داریم و برای
قشری که تازه وارد اجتماع می‌شود، به نسخه دیگری نیاز
داریم. تربیت جنسی هم در یک جلسه امکان‌پذیر نیست.
مخصوصاً با وجود بار فرهنگی بالایی که در جامعه ما وجود
دارد. باید از علمای به‌روز حوزه کمک بخواهیم و به افراد
اطلاعات مناسب بدهیم.

محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: من حس
می‌کنم آموزش و پرورش ما وظیفه‌هایی را به عهده گرفته
است که اصلاً در حیطه وظایفش نیست. خانواده در این
مسئله نقش مهم‌تری دارد. ما به عنوان رسانه می‌خواهیم چه
کنیم؟ من والدین اجتماعی را قبول ندارم. به نظر من کلیت
قصه رسالت خانواده است. مگر ما به عنوان یک رسانه چقدر
می‌توانیم به خانواده‌ها کمک کنیم و چقدر می‌توانیم به خود
مخاطبان کمک کنیم؟ من فکر می‌کنم کل قصه همین
است که آگاهی‌های درست بدهیم. واقعیت‌هایی را که وجود
دارند، بیان کنیم. بیش از این دیگر رسالت ما نیست. رسالت
خانواده است. خانواده‌ای که به حجب و حیا و شرم اهمیت
می‌دهد، نسبت به این موضوع رفتار مناسبی خواهد داشت. ما



کنیم، باید از سرچشمه درست شود تا تأثیر بیشتری داشته باشد. وگرنه چندان مؤثر نخواهد بود. ما باید تعادلی مدنظر داشته باشیم و سعی کنیم به آن تعادل برسیم.

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان: آقای دکتر، من در مجله نوجوان باید به چه چیزهایی بپردازم؟

عرفانیان پور: نخست هویت جنسی هر فرد و در کنار آن، با ادبیات متناسب با سن، هویت جنسی افراد را تعریف کنیم. در کنار آن بگوییم ما به عنوان زن یا مرد چه ویژگی‌هایی داریم. عوامل فرهنگی و مذهبی جامعه را مطرح کنیم و حدود خودمان را با دیگران مشخص کنیم تا دچار انحراف نشویم. در ادامه هم مسیری را برای پرسیدن باز بگذاریم.

این گام‌ها آسیب‌زدایی می‌کنند و تربیت صحیح را به دنبال خواهند داشت. پلکان را به این ترتیب خواهیم چید که در آینده درست شود.

بباییم برای آن‌ها که در معرض آسیب هستند هم به نوبه خودشان دیتا و اطلاعات مناسب بدهیم تا بیشتر آسیب نبینند و آسیبشان آپیدمی نشود.

یادمان هم باشد که همه چیز در کلام خلاصه نمی‌شود و گاه تصویر بسیار گویاتر و مؤثرتر است.

به عنوان مسئولان یک مجله در همین حد که چه چیزی را باید بگوییم، بررسی می‌کنیم. رسالت ما این است که مطالبی را بیان کنیم که بچه این مرحله را با آسیب کمتری بگذراند. **نادری:** الان بچه‌ها بیشتر از اینکه فرزند خانواده باشند، فرزند رسانه‌ها هستند. مشکل ما این است که خانواده‌های ما دچار آسفتگی‌اند.

قربانی: من هنوز جواب سؤال را نگرفته‌ام. ما نیازی طبیعی داریم که باید به آن پاسخ داده شود و تا زمانی که راه پاسخ دادن آن وجود ندارد، راه‌هایی را پیشنهاد می‌کنیم که ذهن نوجوان و جوان از این نیاز منحرف شود.

گرمارودی: ما باید شخصیت بچه‌ها را به نحوی بسازیم که به خودشان اعتماد داشته باشند و بپذیرند که ذهنشان اجل از بسیاری چیزها باشد. اینجاست که دین ورود پیدا می‌کند و کمک می‌کند که انسان با مسائل خود کنار بیاید.

قربانی: من کاملاً با شما موافقم. من می‌گویم باید برای مخاطبمان مطالبی بنویسیم و متوجه شده‌ایم که جامعه ما از مسیر اصلی و درست خود منحرف شده است. من به عنوان سردبیر باید به این قضیه نگاه کنم، نه به عنوان پدر.

نادری: ما در یک جلسه هم باید به بحث «تربیت جنسی در اسلام» دامن بزنیم و هم اینکه در مجلات چه باید بکنیم. جامعه به لحاظ روانی و ذهنی در وضعیت خوبی نیست و آبستن حوادث معناداری است.

مجید راستی، سردبیر رشد کودک: من احساس می‌کنم گاهی راه‌حل‌های ما ناقص و مقطعی‌اند و در نهایت جوابی نخواهیم گرفت. تا باوری نباشد نمی‌توان کسی را کنترل کرد. الان همه می‌خواهند معلم باشند و این وحشتناک است. آمادگی برای یادگیری بسیار زیاد شده است و توانایی‌ها شکوفا شده‌اند.

هر جوانی روش زندگی خودش را دارد و اگر نخواهیم کاری

نهی بیش از حد دعوت است!

گفت‌و شنودی با پروین داعی‌پور
در باب «بایدها و نبایدهای مراقبت‌های جنسی»

را دیده‌ام. البته آنجا اختیار وجود دارد و خانواده‌ها می‌توانند تصمیم بگیرند که فرزندشان در کلاس‌ها شرکت کند یا نه. اما محتوای آموزش عمدتاً روی رابطه جنسی است، یعنی از نحوه تکثیر گیاهان و حیوانات شروع می‌شود و بعد به سمت safe sex در انسان می‌رود. اینکه چطور سکس مطمئنی داشته باشیم و پیشگیری صورت بگیرد. من که آنجا بودم سر و صدای بیماری ایذر هم خیلی بالا گرفت.

بنابراین مفهومی که آنجا وجود دارد، به نام Sex Education دقیقاً یعنی تربیت و آموزش مسائل جنسی. در مقطع زیر کودک مطالب خیلی تمیز و خیلی‌هایش هم در فرهنگ شرقی قابل استفاده بود. مثلاً برای سن زیر ۱۲ سال روی نحوه تکثیر گیاهان، حیوانات و مسائل علمی صحبت می‌کنند. ولی بالاتر که می‌روند، دقیقاً بحث سکس و نحوه جلوگیری و بهداشت و بیماری مطرح

در ادامه سلسله جلسات کارگروه «تربیت جنسی»، در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۵ جلسه‌ای با حضور پروین داعی‌پور، کارشناس روان‌شناسی بالینی و آموزش مراقبت‌های جنسی به والدین، و نیز سردبیران مجلات دانش‌آموزی رشد برگزار شد. آنچه در پی می‌آید، چکیده‌ای از گفت‌وگوهای آن نشست علمی - کاربردی است.

پروین داعی‌پور: «تربیت جنسی» که معادل Sex Education است، کاری است که از دهه ۱۹۹۰ در مدارس اروپا شروع شد و من در آن دهه در انگلیس بودم. خیلی هم سر و صدا کرد و همه خانواده‌ها نپذیرفتند. آنجا منظور از Sex Education دقیقاً آموزش رابطه جنسی بود. این به غلط به دست ما رسیده است. من بسته آموزشی آن‌ها



می‌شود. من با کلمه تربیت جنسی برای بسته آموزشی خودم موافق نیستم. مثل تربیت دینی نیست. احساس می‌کنم که جزو غلط‌های رایج شده است. کاری که من می‌کنم Sex Education نیست، بلکه در حوزه پیشگیری و بهداشت روان است. لذا نام «مراقبت جنسی» را انتخاب کردم. حدود هشت نه سال است که این کار را انجام می‌دهم. اوایل وقتی می‌خواستم آموزش را ارائه دهم، همه وحشت می‌کردند که لابد قصد آموزش روابط جنسی را دارم. من به یک نیاز در خانواده رسیده بودم و برای متقاعد کردن حوزه آموزش اولیا از آبرویم مایه گذاشتم.

در همان دهه ۱۹۹۰ که من در انگلیس بودم، بحث پایان قرن بیست و آغاز قرن بیست و یک بود. این هزاره سوم خیلی مبهم بود و خیلی حرف از این بود که هزاره سوم که شروع شود، فناوری‌هایی می‌آید که دنیا را زیرورو می‌کند.

حرف از انفجار اطلاعات بود. عده‌ای فوق‌العاده بدبین بودند و عقیده داشتند که در هزاره سوم کره زمین ما به سوی نابودی و تخریب می‌رود. فیلم‌هایی مثل «۲۰۱۲» ساخته شد که خیلی‌ها را ترساند. وقتی سال ۲۰۰۰ شروع شد، برای آن طرف خیلی هیجان‌انگیز بود. این طرف ولی صبحی بود مثل بقیه صبح‌ها.

الان می‌بینیم که فناوری‌های عجیبی آمده‌اند. اینکه شما در خانه نشست‌اید و در آن واحد می‌توانید با هر نقطه دنیا صحبت کنید. درها باز شد و دهکده جهانی شکل گرفت. علی‌رغم آنچه که فرهنگ رسمی سعی دارد به مردم یاد بدهد، آنچه در جهان اتفاق می‌افتد بر همه جاها مستولی می‌شود. نه تنها کشور ما، همه جا را متأثر کرده است. قبل از این شاید یک غربی هم نمی‌دانست که حلب کجاست، ولی الان خیلی خوب می‌دانند. الان تعاریف از مسلمانانی بسیار



داعی‌پور : از نظر من
حجاب ابتدا امری
عبادی است. نشانه‌ای
از تعبد زن مسلمان به
خدای واحد خود است
و نشانه‌ی اطاعت اوست

پیامش این است که بچه‌ها مایل هستند، ارتباط اجتماعی با جنس مخالف را تجربه کنند؛ البته به شکل صحیح. اما چون بلد نیستند، خراب می‌شوند. الان بزرگ‌ترین معضل در مراکز مشاوره و روان‌شناسان بالینی شکست‌های عاطفی است. بچه‌هایی که به

دنبال یک رابطه به ظاهر ساده هستند، اما به لحاظ عاطفی درگیر می‌شوند و عشق را تجربه می‌کنند و دچار شکست می‌شوند، چون رابطه درست نیست و بنیان ندارد و از جایی به بعد خراب می‌شود. ما جوان‌هایی با زخم‌های عمیق روانی داریم که بعضی را می‌توان جمع کرد و بعضی اصلاً جمع نمی‌شود. انواع و اقسام مختلفی هم دارد.

در دوره کودکی و نوجوانی بحث مراقبت‌ها مطرح است و اینکه والدین باید بلد باشند چطور پاسخ سؤال بچه‌ها را بدهند و آن‌ها را تجهیز کنند. والدین گاهی نمی‌توانند جواب بدهند، چون ذهن‌ها مملو از تعابیر جنسی است. یکی از جنسی‌ترین جوامع ما هستیم. همه چیز دارد تعبیر جنسی می‌شود. یک تار مو و یک مچ زن که بیرون می‌افتد، تعبیر جنسی می‌شود. همه چیز را نباید تعبیر جنسی کرد. حتی من در آموزه‌هایی که در حجاب وجود دارد گفته‌ام، این قدر که حجاب را جنسی می‌کنید، من به آن اعتقاد ندارم. معتقدم حتی به لحاظ دینی هم تنها پایه‌اش این نیست.

از نظر من حجاب ابتدا امری عبادی است. نشانه‌ای از تعبد زن مسلمان به خدای واحد خود است و نشانه‌ی اطاعت اوست. خیلی چهره بدی درست شده است. انگار آقایان هیچ کرامت و شرافتی ندارند و نمی‌توانند خودشان را کنترل کنند و هیچ عقلانیتی بر وجودشان مستولی نیست. هر خانمی را ببینند، حالشان بد می‌شود. بچه‌ها وقتی با بعضی از واقعیات اجتماعی دنیا روبه‌رو می‌شوند، در آموزه‌ها شک می‌کنند.

رنگارنگ شده است. در این انفجار اطلاعات و دهکده جهانی و باز شدن درها، اتفاقاتی افتاده که خانواده ما را هم متأثر کرده است. اطلاعات جنسی به وفور دست بچه‌هاست. یعنی من به عنوان روان‌شناس بالینی که علاقه‌مندی اولم کودک و نوجوان است، چه در پسرها و

چه در دخترها، با اطلاعاتی مواجه می‌شوم که حتی بهنگام هم نیست. درست نیست، تعبیرات اشتباه دارد و به دنبالش رفتارهای اشتباه می‌آورد.

هشت سال پیش که من بسته آموزشی‌ام را درست کردم، تحت عنوان مراقبت‌های جنسی و بهداشت، نه به عنوان بهداشت جسمانی آن را فقط بین مدیران مجموعه‌ها، مشاوران و مربیان می‌بردم. ولی بعد از دو سال دیدم که قصه خیلی پیچیده‌تر از این شده است. الان پدر و مادر گرفتار هستند و باید مسلط به مهارت شوند. بخش اعظم آن طبیعی است. حتی در قسمت طبیعی هم پدر و مادر کاری نمی‌کنند. یعنی به سؤالات به‌حق و ساده بچه‌ها نمی‌توانند جواب بدهند. هر سؤالی که کوچک‌ترین بویی از روابط جنسی داشته باشد، پدر و مادر عکس‌العمل منفی نشان می‌دهند و سؤال را خاموش می‌کنند. این به معنای از بین رفتن سؤال در ذهن کودک یا نوجوان نیست.

مسئله دیگر به هم ریختگی روابط با جنس مخالف است. چیزی که انگار کسی جرأت ندارد درباره آن حرف بزند و حد آن را مشخص نمی‌کند. کاری که بچه‌ها دارند انجام می‌دهند که از دوره راهنمایی شروع شده و به دبستان هم رسیده است.

حوزه دیگری را که من بسیار به هم ریخته می‌بینم، حوزه روابط است. از بچه‌های کوچک دارد شروع می‌شود. در این موضوع هم پیامی خوابیده است که آن را هم نمی‌بینیم.



داعی پور : در جامعه
ما آنقدر که اصرار بر
پیام‌های مذهبی وجود
دارد، بر پیام‌هایی که
نوعاً انسانی‌اند و به
واسطهٔ انسان بودن
مطرح می‌شوند و در
همهٔ جوامع پذیرفته
شده‌اند، تاکید
نمی‌شود

تکرار می‌کنم روی دو میحث باید کار شود: یکی در حوزهٔ کودکی است که مراقبت است. باید به بچه‌ها صفاتی را یاد داد: مصونیت، کنترل، نگهداری از خود و مراقبت. علائم هشدار را باید یاد داد. بحث سوء استفادهٔ جنسی از کودکان، درصد قابل توجهی توسط نزدیکان است و یکی از پنهان‌ترین جاهاست. یکی از جاهایی که بروز پیدا می‌کند، مدرسه است. بچه جرئت ندارد به مادرش بگوید و به معلم می‌گوید. خانواده‌ها از ترس آبرو خیلی

از مسائل را نمی‌گویند و سکوت می‌کنند. دو مانع جدی در آموزش مراقبت‌ها داریم: یکی همین غلط‌های رایج و فرهنگی عام است؛ باورهای رایج غلط؛ مثل رفتن آبرو و طلاق دادن که همه فاجعه‌انگاری است و مانع از رفتار درست خانواده می‌شود. فرهنگ رایج افراد را به سکوت و پوشاندن حقایق در بحران دعوت می‌کند عده‌ای فکر می‌کنند، اگر ساکت باشند، گذر زمان موضوع را حل می‌کند. در دعاها هم همین‌طور است.

مشکل دومی که ما در آموزش مراقبت‌ها با والدین داریم، بحث نگرش غلطی است که نسبت به مسائل جنسی وجود دارد. از نظر آن‌ها، مسائل جنسی یک عیب است. کثیف و حیوانی است. بنابراین کاری که من در بستهٔ آموزشی‌ام می‌کنم، کار رودرروست. عکس‌العمل افراد را باید ببینم و آخر کلاس همه باید نظر بدهند. من روند آدم‌ها را دنبال می‌کنم. نگرانی، اضطراب و نگرش منفی را می‌بینیم و امیدوارم در جلسه‌هایی که با من هستند، به آرامش برسند.

انسان موجودی جنسی است و باید این واقعیت را قبول کرد. انسان شریف است و کرامت دارد. هر آنچه که به انسان مربوط است شریف است، از نظر من این موضوع حیوانی

نیست. مادر غریزهٔ خوردن هم حیوان هستیم. در غریزهٔ خواب هم مثل حیوان هستیم. چرا آنجا به ما نمی‌گویند حیوان هستیم؟ اصرار بیش از اندازه و بزرگ‌نمایی روی یک موضوع می‌تواند باور غلط ایجاد کند که این امر حیوانی و کثیف است. یکی از راه‌هایی که من دنبال می‌کنم، تغییر نگرش است. این موضوع یک موضوع انسانی و شریف است. چطور ما موضوع خوردن را این‌قدر زیبا کرده‌ایم؟ یکی از مظاهر زیبای انسانی شده است. همه جای

دنیا اگر بخواهند به کسی محبت نشان دهند، بهترین غذا را برایش درست می‌کنند. در تفریحات خودمان خوردن جایگاه مهمی دارد. خوردن را به مناسبات، ارتباط و دوستی تبدیل کرده‌ایم.

دو اتفاق در این بسته می‌افتد: یکی اصلاح نگرش است که امر جنسی امر زشتی نیست و هرآنچه متعلق به انسان است می‌تواند زیبا و انسانی کند. عمق ازدواج چیست؟ اصلاً تعریف ازدواج چیست؟ وفاداری به شریک جنسی است. آنقدر این موضوع اهمیت دارد که اگر نفر سومی به هر شکلی داخل بیاید، در همهٔ جوامع خیانت محسوب می‌شود. در جوامع برهنگان بدوی که در جنگل‌های آمازون زندگی می‌کنند و انسان‌شناسان روی آن‌ها مطالعه می‌کنند هم وجود دارد. یک رابطهٔ فوق‌العاده خاص است و هرکسی تخطی کند، خیانت تلقی می‌شود. در جامعهٔ ما این معنا ندارد.

در بستهٔ مراقبت‌ها، من روی دو دورهٔ کودکی و نوجوانی کار کرده‌ام. از کودکی شروع می‌کنم. اتفاقاتی در کودکی می‌افتد که شکل جنسی دارد، ولی معنای جنسی ندارد. ما یک سلسله کنجکاوی‌های جنسی داریم. بچه وقتی به دنیا می‌آید، از یک جایی متوجه من خود می‌شود. از یک جایی



در جامعه ما آنقدر که اصرار بر پیام‌های مذهبی وجود دارد، بر پیام‌هایی که نوعاً انسانی‌اند و به واسطه انسان بودن مطرح می‌شوند و در همه جوامع پذیرفته شده‌اند، تأکید نمی‌شود. جوانی هم که به هر دلیل از تقید مذهبی رو برمی‌گرداند، همه مسائل حتی انسانی را نفی می‌کند؛ چون فکر می‌کند متعلق به دین است. مثلاً وقتی اصرار دارند، هر چه که اخلاقی و انسانی است، پایگاهش دین است، هرآنچه را که انسانی است، دیگر قبول ندارند. دین روی خیلی از مواردی که عقل تأیید می‌کند، صحنه گذاشته است. یکی از حوزه‌هایی که بسیار به هم ریخته، حرمت تن است، به علت اصرار فراوانی که روی حجاب می‌شود و به آن بعد جنسی می‌دهند.

من روی آموزش حرمت تن تمرکز می‌کنم. کودک باید متوجه شود که تنش متعلق به خودش است و بدن حرمت دارد. هیچ کس حق ندارد به این تن صدمه بزند. بعد یک سلسله رفتارهای ساده را بیان می‌کنم که می‌تواند پیام مهمی به بچه‌ها برساند. اصرار دارم که این پیام با عمل والدین انتقال پیدا می‌کند نه به طور کلامی. پیام مهمی که به بچه‌ها باید داده شود، این است که هیچ کس، حتی پدر و مادر، نباید به مناطق ممنوعه بدن شما نگاه کند یا آن را لمس کند.

بعد اشارات عملی می‌دهیم. در آموزش توالیت، آداب استحمام و لباس پوشیدن. یعنی یاد دادن مفاهیم پایه‌ای که در مجله هم می‌توان روی آن کار کرد. یکی از آن‌ها مفهوم عمومی و خصوصی است. هنوز مردم ما تشخیص نمی‌دهند کجا عمومی و کجا خصوصی است. یکی از چیزهایی که کودکان ما باید یاد بگیرند، لمس خوب و لمس بد است. خیلی از ما رفتارهای افراد فامیل را با بچه دیده‌ایم. بسیاری از مادرها روی آن سرپوش می‌گذارند. ما به مادر یاد می‌دهیم که به آن فرد بگوید بچه من این کار را دوست ندارد. من دو سال است وارد موضوع «سوء استفاده» شده‌ام.

متوجه می‌شود که دختر است یا پسر است. این موضوع را هم از بزرگ‌ترها متوجه می‌شود. یک فرایند هویت جنسیتی داریم که طبق تعریف روان‌شناسان شده، تا پایان شش سالگی تمام می‌شود. یعنی کودک می‌فهمد دختر است یا پسر. من این موضوع را برای والدین باز می‌کنم. کودک متوجه اختلافاتی می‌شود. مردها سبیل دارند، زن‌ها ندارند. زن‌ها صدای نازکی دارند و مردها صدای بم‌تری دارند. یک جا هم متوجه بدنش می‌شود و کنجکاو‌هایی صورت می‌گیرد که در سؤالاتش نمود پیدا می‌کند.

یکی از چیزهایی که والدین با آن درگیرند، سؤالات است. هر والدی باید بداند که با سؤالات کودکانش در هر سنی مواجه می‌شود. تعدادی از سؤالات ممکن است به ظاهر تم جنسی داشته باشند. صحبت درباره نحوه پاسخ‌گویی به سؤالات دو جلسه مفصل طول می‌کشد. ضوابط می‌دهیم. من الان گنجینه خوبی از سؤالات در خانه ایرانی دارم؛ به تفکیک دختر و پسر، و کودک و نوجوان. مثل یک منحنی نرمال است. بعضی تکرار زیادی دارند و بعضی نادرترند و مطرح شدنشان به فضای خانه بستگی دارد. من آموزش حرمت تن را در دوره کودک می‌کنم که از نظر خودم فوق‌العاده مهم است.

بگویم، یکی دو مادر دیده‌ام که گفته‌اند من قاطعانه بچه را ساعت نه می‌خوابانم. من مادری در خانواده ایرانی ندیده‌ام که بگوید الان وقت خوابم است، برویم خانه. بچه‌های ما نه تغذیه خوبی دارند و نه خواب خوبی. رفتارهای تند و خشنی با آن‌ها می‌شود. لطیف نیستند. در پایه‌هایی که باید به بچه‌ها یاد بدهند ضعیف عمل می‌کنند.

در دوره بلوغ، چیزی به اسم درد رشد داریم. در دو مقطع زمانی سرعت رشد بسیار زیاد است: یکی دوره نوزادی است و یکی دوره نوجوانی و قبل از بلوغ. هورمونی به نام هورمون رشد داریم. یک شکایت عمومی بین نوجوانان داریم که می‌گویند صبح‌ها پاهایشان درد می‌کند. این هورمون در تاریکی مطلق فعالیت می‌کند. هر قدر تاریک‌تر باشد، بهتر عمل می‌کند؛ همراه با خواب. سرعت رشد آن قدر زیاد است که پوست به سرعت استخوان‌سازی نمی‌رسد. در اثر این رشد ترک‌های نقره‌ای روی بدن ایجاد و پوست کشیده می‌شود. از این موقعیت باید استفاده کرد و به بچه گفت که اگر خواب و تغذیه مناسبی داشته باشد، قامت خوبی پیدا خواهد کرد. بعد وارد نوجوانی می‌شویم. از نظر ما روان‌شناسان، پایان نوجوانی پایان ۱۹ سالگی است. شروع ۲۰ سالگی اول جوانی است. ما دوره نوجوانی را سه قسمت می‌کنیم: اولی، میانی و پایانی. در پایان بچه‌ها جدی‌تر هستند. در پایان نوجوانی که از نظر من پایان ۱۹ سالگی است، دو اتفاق بزرگ باید بیفتند: یکی اینکه جنسیت خود را بپذیرد، یعنی قبول کند که یک مرد یا یک زن است، و دیگر آنکه نقش‌های آن جنسیت را نیز بپذیرد.

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد: بحث دوستی دختر و پسر را چطور جا می‌اندازید؟
داعی‌پور: تا ۱۲ سالگی شما مادر و پدر یک کودک هستید. از زمانی که وارد نوجوانی می‌شود باید بدانید بچه از

تجربه‌ای در یک مدرسه راهنمایی اتود زدم که مدیر آن اصرار کرد. آنجا تحت عنوان مراقبت از خود با بچه‌ها حرف زدم و موقعیت‌های احتمالی سوء استفاده را برای بچه‌ها توضیح دادم. یکی از موضوعاتی که به بچه‌ها یاد دادم، مفهوم راز خوب و راز بد است. کسانی که کودکان را مورد سوء استفاده قرار می‌دهند، از واژه راز استفاده می‌کنند. چون راز برای بچه‌ها فوق‌العاده مهم است. سوء استفاده‌کنندگان از این واژه خیلی استفاده می‌کنند. من در آن دو جلسه در این مورد توضیح دادم و به بچه‌ها گفتم که هر رازی راز نیست. الان در بحث حرمت تن به والدین این موضوع را آموزش می‌دهم. هر رازی ارزش نگه داشتن ندارد. این‌ها مجموعه حرمت تن است. خیلی از والدین به من بازخورد مثبت می‌دهند.

حرمت اتاق خواب موضوع دیگری است. در خانواده ایرانی خواب حرمت و اهمیت ندارد. بی‌خوابی یکی از ارزش‌ها شده و مورد تحسین است. یکی از بدفهمی‌ها که در مورد اتاق خواب وجود دارد، این است که در اتاق باید بسته باشد. کنترل‌های عجیبی وجود دارند و نگرانی‌هایی در ذهن والدین می‌بینیم که خود این نگرانی‌ها دعوت است. من شعاری دارم که: «تهی بیش از اندازه دعوت است».

در دوره کودکی قسمت پررنگ بسته ما روی آموزش حرمت تن است که بچه‌ها باید آن را یاد بگیرند. یک قسمت هم بلوغ را داریم و آماده شدن برای بلوغ. من از تغییرات جسمی حرف نمی‌زنم. روی بلوغ و بلوغ زودرس و بلوغ دیررس و رشد بحث می‌کنم. تغذیه در بچه‌ها اصلاً خوب نیست. خواب خیلی بی‌ارزش است. در جوامع توسعه‌یافته نوجوانان ساعت هشت شب خواب هستند. نه ساعت می‌خوابند و صبح به موقع بیدار می‌شوند. مدل زندگی بعضی از خانواده‌های مرفه ایرانی از گدایان جهان گدایانه‌تر است. من ۱۵ سال است که رسماً با خانواده ایرانی کار می‌کنم. به جرئت می‌توانم



داعی پور: کودک باید متوجه شود که تنش متعلق به خودش است و بدن حرمت دارد. هیچ کس حق ندارد به این تن صدمه بزند

سه مؤلفه باید در یک تعادل باشد تا عشق را شکل دهند که در نوجوان نیست. برای همین اگر نوجوان با شکست عشقی مواجه شود، صدمه‌ای که می‌خورد وحشتناک است. در نوجوان این تعادل وجود ندارد، بنابراین صدمه دارد. به همین دلیل عده‌ای از روان‌شناسان

می‌گویند تجربه عشقی به صلاح نوجوان نیست. بنابراین در پیشگیری من به خانواده‌ها می‌گویم که اعتقادی به رابطه عشقی و عاطفی زیر ۱۸ سال ندارم. پس یک قسمت پیشگیری دارم که چه کنیم که بچه در این دام نیفتد. این قسمت را سعی می‌کنم با مؤلفه‌های دینی و فرهنگی خودمان پیش بروم. کمی باید اجازه بدهیم دختر و پسر در فضاهای عمومی و همگانی باشند. با ممانعت و لوع بی‌مورد ایجاد می‌کنیم. قسمت ارتباط با جنس مخالف دو بخش دارد:

یک بخش پیشگیری است. یکی از همکاران ما تحقیق کرده بود که یکی از علت‌های رواج ارتباط با جنس مخالف، سرگرمی است. بچه‌ها تفریح ندارند. بچه‌ها برای اینکه به هیجان برسند، رو به کارهای منفی می‌آورند. زندگی بعضی از ایرانیان خالی از رنگ است. رنگ زندگی بچه‌های ما کم است. من تجاربی از کودکی خودم به یاد دارم که دلم برای این نسل می‌سوزد. بخش دیگر این است که اگر بچه‌ها وارد ارتباط شده‌اند، والدین چه کاری باید انجام دهند. چه نباید بکنند و چه باید بکنند. به کجا باید مراجعه کنند و کمک بگیرند. والدین ما خیلی بی‌حوصله شده‌اند. والدینی که گوش می‌دهند، اگر انجام بدهند خیلی در تربیت بچه موفق تر خواهند بود. من در خدمت شما هستم.

نادری: در مورد خودارضایی چه باید کرد؟

داعی پور: خودارضایی یک بحث پیچیده روانی - عاطفی است. زیربنای خودارضایی «اضطراب» است؛ مثل ناخن

کالبد کودک به کالبد بزرگسال وارد می‌شود. اصل تربیت در دوره نوجوانی است. اتفاقات بزرگ دوره نوجوانی را در یکی دو جلسه توضیح می‌دهم. روی مدیریت احساسات کار می‌کنیم. ما به بچه‌هایمان یاد نمی‌دهیم که آدم هستند. به واسطه اینکه یک پسر به

دختری سلام کرد نباید فکر کند که عاشقش شده است. این موضوع را ما در دانشگاه‌ها هم داریم. هنوز اصول عاشقی را هم بلد نیستند. هیچ کس جرئت ندارد به بچه‌ها بگوید یک رابطه سالم چیست. مشکل از اینجا ناشی می‌شود. من اول روی مدیریت احساسات و خویشتن‌داری بحث می‌کنم. در این زمینه‌ها مجله می‌تواند کار کند. این خویشتن‌داری به معنای خویشتن‌داری مذهبی نیست. یک پسر لایبیک کم سواد آن‌ور آبی هم می‌داند که وقتی من می‌گویم نه، یعنی نه. در بحث لمس من در جایی مطرح کردم که ما مفهومی به نام «لمس اجتماعی» نداریم. ما در این زمینه بسیار مشکل داریم. ما مفهومی به نام لمس اجتماعی نداریم و به دلیل دخالت مسائل دینی این موضوع با موضوع‌های دیگر قاطی شده است. من یک بحث پیشگیری دارم. در دوره نوجوانی و زیر ۱۸ سال، بحث عشق را در روان‌شناسی داریم. من اصلاً از پایگاه دین حرف نمی‌زنم، چون معتقدم کارشناس دین نیستم. آنچه می‌گویم از پایگاه روان‌شناسی است. عشق سه مؤلفه دارد: ۱. صمیمیت. ۲. شوق، اشتیاق و میل. در فارسی به آن شهوت می‌گویند، ولی منظور اینجا فقط شهوت نیست. ۳. تعهد.

نظریات مختلفی درباره عشق داریم. در یکی از این نظریات گفته می‌شود که در نوجوانان هر سه مؤلفه وجود دارد و یک نوجوان می‌تواند عاشق شود. اما تفاوت آن با بزرگسال آن است که در این سه مؤلفه تعادل یا بالانس وجود ندارد. این



جویدن یا شصت مکیدن. همه این‌ها برای تخلیه تنش صورت می‌گیرند. بچه‌ای که تنها می‌ماند، به طور تصادفی با این موضوع آشنا می‌شود و بعد منبعی برای تخلیه می‌شود که سیکل معیوبی دارد. فقط اشکالی که وجود دارد این است که چون جزء رفتارهای عادی است، اگر منبع اضطراب هم از بین برود عادت باقی می‌ماند. در دوره نوجوانی هم دوباره منبعش اضطراب است، ولی حسی که به وجود می‌آید از نوع بزرگ‌سالی است. بنابراین این سیکل معیوب به وجود می‌آید. هر چه در

سنین پایین‌تر جلویش را بگیریم، موفق‌تر هستیم. هر چه سن بالاتر برود سخت‌تر خواهد بود. در مورد این موضوع ما چند تفاوت با دنیای غرب داریم.

شهرام شفيعی، سردبير رشد دانش آموز: بخش قابل توجهی از این واقعیت‌ها را به شکل‌های دیگری دیده‌ایم و بسیاری از آن‌ها هم تازگی دارند. من فکر می‌کنم، ما به عنوان سردبیران مجلات رشد، اگر بخواهیم روی این موضوع کار کنیم، دو مسئله داریم: یکی اینکه از کجا شروع کنیم و دیگری اینکه از کجا شروع نکنیم. چون این بحث حساسیت مضاعفی دارد. ما از کجا برای هر مجله شروع کنیم و بعد از اینکه از نقطه خاصی شروع کردیم، نقاط بعدی آن چه خواهد بود.

داعی پور: در قسمت کودکی حرمت تن را مطرح می‌کنیم که برای نوآموز و پایه‌های اول و دوم مناسب است. در دوره کودکی آموزش هویت جنسی و حرمت تن را داریم. آموزش حرمت تن در دوره نوجوانی هم می‌تواند مطرح شود. لمس یک نیاز عمیق عاطفی - انسانی است. لمس یک اصل مهم عاطفی است. من معلم اجازه ندارم از هر نوع لمسی استفاده کنم. وقتی یک رفتار اجتماعی هنجار نشده و همه انجام

داعی پور: ارتباط با جنس مخالف دو بخش دارد: یک بخش پیشگیری است. بخش دیگر این است که اگر بچه‌ها وارد ارتباط شده‌اند، والدین چه کاری باید انجام دهند. چه نباید بکنند و چه باید بکنند. به کجا باید مراجعه کنند و کمک بگیرند

نمی‌دهند، وقتی انجام می‌شود ممکن است معنای بدی داشته باشد. آموزش حرمت تن را در کودکی، نوجوانی و جوانی باید داشته باشیم. در کودکی توجه به والدین است و در نوجوانی و جوانی توجه روی فرد است.

شفيعی: ما دو مشکل دیگری هم داریم. یکی اینکه ما در هر گروه سنی که هستیم، داریم ابتدا به ساکن شروع می‌کنیم. این شرایط یک فضا و تعریف جدیدی برای شروع این کار ایجاد می‌کند. مشکل دیگر این است که برای این آموزش‌ها ابعاد دیگری باید وجود داشته باشند که در اختیار ما نیستند. این‌ها کار ما را حساس می‌کنند و مسئله دیگر اینکه ما از دین توقع داشتیم که به همه سؤالات و مسائل ما پاسخ بدهد. در این زمینه کار باید بشود. در کنار این آموزش‌ها، ما کمی هم نیازمند آن هستیم که به جنبه‌های دیگر انسانی که در آن‌ها تبادلات فرهنگی باید راحت‌تر اتفاق بیفتد، برسیم.



تربیت جنسی از نگاهی دیگر

گفت‌و شنودی با خانم دکتر راضیه معصومی
در باب چستی مفهوم تربیت جنسی

شده و تجویز دارو در آن بسیار شده است. ولی ما می‌توانیم قدم‌هایی خیلی ابتدایی‌تر و بنیادی‌تر از دارو برداریم. پس این نگاه وجود دارد و مسائل جنسیتی و جنسی از زاویه پزشکی در نظر گرفته می‌شود. اما یک دیسیپلین دیگری هم هست که روان‌شناسی است. نگاه غالب در حوزه روان‌شناسی که فریادی به این موضوع نگاه می‌کند، این است که تجارب دوران کودکی و نوجوانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پارادایم سوم هم هست که بعد جنسیتی انسان را در قالب یک رفتار می‌بیند و می‌گوید این رفتار در بستر تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد که به آن «ساختارگرایی» اجتماعی گفته می‌شود. ساختارگرایی اجتماعی می‌گوید: اجتماع و محیط، از همان بدو تولد تا رشد در خانواده و ورود به جامعه و در مدرسه، و دانشگاه و اشتغال می‌تواند بر رفتار جنسی و جنسیتی انسان تأثیر بگذارد.

یکی از چالش‌های جدی جامعه امروز ایران در عرصهٔ تعلیم و تربیت، موضوع «تربیت جنسی» است. از این رو، «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» طی جلسات متعددی به کندوکاو پیرامون این موضوع پرداخته است. آنچه در پی می‌آید، محتوای نشست «تربیت جنسی از نگاهی دیگر» است که به سخنان خانم دکتر معصومی و نیز گفت‌وگوی سردبیران مجلات دانش آموزی رشد با وی اختصاص دارد.

راضیه معصومی: در این حوزه دیسیپلین‌های (Discipline) علمی متفاوتی وجود دارند که می‌کوشند توضیح دهند. تقریباً نزدیک به دو دهه است که حوزهٔ پزشکی بر مسائل جنسیتی سیطره پیدا کرده است. اصطلاحاً می‌گویند این حوزه «مدیکالایز» (Medicalize)



نوجوانی با خودارضایی احساس گناه نمی‌کند، اما نوجوانان ما خیلی بیشتر در معرض احساس گناه هستند. پس تفاوت کاربرد علم غربی در حوزه سکسولوژی با بقیه حوزه‌های پزشکی و علمی این است که ما باید به محتوا لباس فرهنگی - اجتماعی جامعه خود را بپوشانیم.

شهرام شفیعی، سردبیر رشد دانش آموز: کسی که به عنوان بیمار به شما مراجعه می‌کند بخشی از این موانع فرهنگی را خودش گذرانده است.

معصومی: دقیقاً همین‌طور است. ما در حوزه کودک و نوجوان با باورهای نادرست والدین و حتی مربیان روبه‌رو هستیم. والدین معمولاً اجتناب می‌کنند و مشاوران هم بر اساس آزمون و خطا و تجارب شخصی توصیه می‌کنند. ما در حوزه کودک و نوجوان کارهای زیادی داریم که باید انجام دهیم. همین که چنین جلسه‌ای تشکیل شده، واقعاً

طبق نتایج پژوهش‌هایی که تا به امروز انجام شده‌اند، دو پارادایم غالب در میان والدین و مربیان ایرانی وجود دارد: اول اینکه حق آموزش جنسی را به ما نمی‌دهند. چون مسائل اروتیک مطرح می‌شوند و چشم و گوش نوجوان باز می‌شود و نوجوان دچار انحراف جنسی می‌شود. دوم اینکه والدین می‌گویند این مسائل اهمیت دارند و باید آموزش داده شوند، ولی ما این کار را انجام نمی‌دهیم.

در واقع این وظیفه از والدین به نظام آموزش و پرورش محول می‌شود. یکی از دلایل این نگاه، احساس شرم و حیای بی‌جایی است که در این حوزه وجود دارد. ما اگر بخواهیم مراجعه‌کننده ایرانی را با علم سکولار غربی مداوا کنیم، با چالش‌های زیادی مواجه می‌شویم. زیرا رفتار جنسی، جدا از مسائل غریزی و زیستی، با هنجارها و بستر فرهنگی و اجتماعی هم مرتبط است. مثلاً در غرب هیچ



معصومی: رفتار جنسی
جزء بنیادینی از انسان
است. این جزء از دوره
جنینی وجود داشته
است و تا زمان مرگ
نیز همچنان فعال
خواهد بود

نمی‌دانند چه باید بکنند. در دوره نوجوانی هم کلاً ارتباط بین والدین و نوجوان قطع است و حریم و فاصله بسیار وسیع‌تر و مشکل‌ما دوچندان می‌شود.

به این خاطر که یکی از پیش‌فرض‌های علمی در حوزه تخصصی من این است که اولین آموزش‌دهنده جنسی والدین هستند؛

چه برای کودک و چه برای نوجوان. یعنی از صفر تا نوزده سال، بهترین، معتبرترین و اصلی‌ترین منبع آموزشی ما باید پدر و مادرهایمان باشند. آیا در جامعه ما هستند؟ نیستند. رشد جنبه جنسی برای ما مدیریت شده نیست. درحالی که پیش‌فرض اول در حوزه رفتارشناسی جنسی کودکان این است که مهم‌ترین و اولین آموزش‌دهنده باید پدر و مادر باشند.

بعد از پدر و مادر مراقب دیگری تعریف می‌شود که کسی است که بیشترین ساعات را با کودک می‌گذراند. ما حداکثر سه مراقب برای کودک صفر تا هفت سال تعریف می‌کنیم: اول پدر و مادر و اگر نشد معلم مهد یا پرستار. پدر و مادر باید قوانین آموزش جنسی و مسائل تربیتی جنسی را هم به آن مراقب القا کنند و هر سه نفر با چارچوب مشخص با مسائل تربیت جنسی بچه برخورد داشته باشند.

اما یکی دیگر از مشکلات ما این است که کودکان ما دائم دست به دست می‌شوند. پس قسمتی هم به سبک زندگی برمی‌گردد. این سه مراقب باید خودشان آموزش و مهارت کافی را داشته باشند. اگر ما قبول کنیم که رفتار جنسی یکی از ابعاد وجودی انسان است، بسیار راحت‌تر می‌توانیم با آن برخورد کنیم. پدر و مادر ما به همه چیز کودک خود می‌رسند، به این قسمت که

خوب است و من خوش‌حالم که افرادی پیدا شده‌اند که دغدغه‌شان این موضوع است.

یک موضوع دیگر را هم به عنوان یک اصل کلی عرض کنم. طبق پارادایمی که من یاد گرفته‌ام، رفتار جنسی جزء بنیادینی از انسان است. این جزء از دوره جنینی وجود داشته است و تا زمان مرگ نیز همچنان فعال

خواهد بود. انسان موجودی جنسی است. ما این موضوع را در پارادایم دینی خودمان هم قبول داریم و می‌گوییم غریزه جنسی غریزه‌ای است که خدا فطرتاً در وجود انسان گذاشته است. این ویژگی یا خاصیت از لحظه شکل‌گیری جنین تا زمان مرگ وجود دارد، چون مهم‌ترین ارگان جنسی در انسان مغز است. به همین خاطر تظاهرات و رفتارهای جنسی از ابتدای تولد تا زمان مرگ وجود دارند. منتها در هر مقطع زمانی و بازه سنی جنس و شکل آن متفاوت است.

چالش دیگر ما در این حوزه این است که مسائل جنسی را عمدتاً تناسلی می‌بینیم. یعنی تا نوجوان چند عکس یا کلیپ رمانس یا جنسی را نگاه می‌کند، فکر می‌کنیم از دست رفته است. او به دنبال کنجکاوی‌های جنسی خود است. در دوران کودکی الگوی رفتار جنسی عمدتاً رفلکسی است. یعنی کودک خودآگاهی ندارد و خودتحریکی انجام می‌شود. نگاه غالب این است که از صفر تا هفت سالگی رفتار، رفتار رفلکسی است و چون خودآگاهی و هدفمندی در کنترل این رفتار وجود ندارد، در نتیجه این رفتار بروز پیدا می‌کند. بالای هفت سال به این دلیل که جامعه‌پذیری اتفاق می‌افتد، رفتار هدفمند می‌شود. در دوران بلوغ این هدفمندی بیشتر می‌شود، منتها خودکنترلی نوجوان هنوز روی این رفتار کم است. صحبت من تا اینجا در مورد افراد نرمال است. در فرهنگ ما اگر پدر و مادری خودتحریکی کودک را ببینند،

می‌رسند چشم‌هایشان بسته می‌شود.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز:

من یک چیز را در گفته‌های شما متوجه نشدم. شما می‌فرمایید از صفر تا هفت سال هم رفتار جنسی در حال شکل‌گیری است. آیا در این سنین رفتار پرخطر اکتسابی نیست؟

معصومی: ما برای کودک صفر تا هفت سال واژه رفتار پرخطر را به کار نمی‌بریم. واژه غیرطبیعی را به کار می‌بریم. رفتاری در این سنین غیرطبیعی تلقی می‌شود که تکرار شود. علت تکرار این رفتار مسائل مختلفی است. ابتدا عوامل مدیکال را بررسی می‌کنیم. اگر آن‌ها کنار رفتند، باید بستر خانوادگی را ارزیابی کنیم. شایع‌ترین علت رفتار جنسی تکرارشونده یا غیرطبیعی در یک کودک زیر هفت سال معمولاً فضای استرس‌آور خانواده است. رفتار جنسی در انسان معمولاً برای دو هدف انجام می‌شود: یا برای کسب لذت و یا برای رفع تنش و اضطراب. دلیلش هم این است که کل چرخه‌ای که در مغز انسان فعال می‌شود، چه با هدف رفع تنش و چه برای کسب لذت، مسیر تحریکی مغزی و پیامد آن یکی است. پس اضطراب زمینه‌ساز می‌شود.

اغلب مراجعان زیر هفت سال ما در محیط‌های استرس‌زای خانوادگی این رفتار را داشته‌اند. از هفت تا دوازده سال هم باید بررسی شود.

محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: من به عنوان پدر می‌خواهم این آگاهی‌ها را به فرزندم بدهم. بخشی از این آگاهی در مورد خطراتی است که بچه‌ها در جامعه با آن‌ها روبه‌رو هستند. ما باید بتوانیم به فرزندانمان تشخیص رفتار سره از ناسره و حریم افراد دیگر را آموزش دهیم.

معصومی: ما مسائل جنسی را متوالی می‌بینیم. من زمانی می‌توانم روی مسائل جنسی نوجوان خودم خوب کار کنم که نوجوان را در دوره کودکی خوب تربیت کرده باشم. اصل اول آموزش جنسی نوجوان این است که چارچوب‌ها آموزش داده شوند. عمده اولین تجارب جنسی در دوره نوجوانی در سنین پایین و در شرایط تصادفی اتفاق می‌افتند. تقریباً این امر در همه جوامع وجود دارد. آنچه که برای ما اهمیت دارد این است که والدین آموزش ببینند و آن را در خانواده طبق نظام ارزشی خودشان اعمال کنند. ما با نوجوانی که تربیت جنسی ندارد، به سختی می‌توانیم کار کنیم و چالش‌های بسیاری داریم. اگر قرار باشد این کارگروه





بر اساس جدول زمانی می‌گذارم. یعنی طبق زمان‌بندی خاصی می‌گوییم چه کارهایی باید انجام دهد.

قربانی: من دوست دارم یک مدل این کار را تا جایی که قابل گفتن است، بدانم. شما فرصت رو در رو دارید، ولی ما در مجله نمی‌توانیم دائم بگوییم که بچه‌ها به کلینیک مراجعه کنند. ما می‌خواهیم کمک کنیم. ما رسانه‌ای به اسم مجله داریم و می‌توانیم هشت شماره در سال مهمان خانۀ جوانان باشیم. هر یک از این جوانان ممکن است جایی مجله ما را ورق بزنند و از مسیری مشتری ما شود. به عنوان کسانی که نگران این موضوع هستیم، اگر شما یک مدل درمانی به ما بدهید، می‌توانیم به مخاطبانمان کمک کنیم.

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات: من خودم نمی‌توانم پیش‌بینی کنم که در ادامه چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم. چون فضای مه‌آلودی وجود دارد و برای خود من هنوز روشن نیست. به هر حال ما در جامعه آسیب‌ها و ناهنجاری‌هایی می‌بینیم که بخشی از آن‌ها ناشی از فضای عمومی دنیاست و بخشی هم ناشی از ندانستن‌ها. در عین حال، هم حریم شرعی و فرهنگی را داریم و هم محدودیت‌های مجله خودمان را. اما در عین حال می‌شود به این موضوع پرداخت.

معصومی: من پیشنهادهای زیادی دارم. ما در حوزه کودک تقریباً می‌دانیم چه باید بگوییم و راهبرد آن را هم می‌دانیم، چون نمونه عملی آن را کار کرده‌ایم. در حوزه نوجوان هم باید همین کار را انجام دهیم. اگر بخواهیم برای مجلات برنامه راهبردی بنویسیم، دیگر نمی‌توانیم وارد حوزه درمان شویم.

قربانی: من می‌خواهم سیر درمان را بشنوم تا بتوانم به پروسۀ درمان کمک کنم.

معصومی: شما برای اینکه به فرایند درمان کمک

برنامه راهبردی بنویسد، ترجیح من این است که سه برنامه داشته باشیم: یکی برای کودکان، یکی برای نوجوانان و یکی برای جوانان. پیشنهاد من این است که هم محتوایی برای خود افراد با لحاظ کردن نظام ارزشی و حدود فرهنگی داشته باشیم و هم مهم‌تر از آن، در مورد کودک و نوجوان گروه هدف اصلی ما والدین و مشاوران مدرسه باشند. در مورد جوانان مخاطب اصلی ما می‌تواند خود جوان باشد. من گروه‌های سنی را طبق تفکیک‌های علمی خودم می‌گویم.

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: گروه‌های سنی ما این‌گونه‌اند: نوجوان از منظر ما کلاس هفتم، هشتم و نهم است که سنین سیزده، چهارده و پانزده را شامل می‌شود. کودک شش و هفت ساله است. نوآموز هشت و نه ساله است. دانش‌آموز ده، یازده و دوازده سال است. جوان شانزده، هفده و هجده سال است. سؤال من این است که: اگر نوجوانی برای مشکل خودارضایی به کلینیک شما مراجعه کند، شما چگونه به او کمک می‌کنید؟

معصومی: البته این موضوع قابل بحث است و ما مشاوران مدرسه را باید در موضوع مدیریت خودارضایی آموزش دهیم تا درمان را یاد بگیرند. من طبق درمانی که یاد گرفته‌ام، به مدت دو تا چهار هفته نوجوان را تحت درمان



معصومی: ما اگر
 بخواهیم مراجعه‌کننده
 ایرانی را با علم
 سکولار غربی مداوا
 کنیم، با چالش‌های
 زیادی مواجه می‌شویم.
 زیرا رفتار جنسی،
 جدا از مسائل غریزی
 و زیستی، با هنجارها
 و بستر فرهنگی و
 اجتماعی هم مرتبط
 است

کنید، باید چند قدم اساسی و کلیدی بردارید. اولین پیشنهاد این است که فضای نیازسنجی ایجاد کنید. اگر می‌توانید نیازسنجی آنلاین انجام دهید. موضوع را مطرح کنید و بگویید مثلاً کار گروهی تشکیل شده است و می‌خواهید به صورت تخصصی در این فضا کار کنید. از والدین، مربیان و اولیای مدرسه نظرسنجی کنید تا ببینید فضای ذهنی عمومی چیست. یعنی تا می‌توانید باید از غلظت این مه کم کنید. بعد از نظرسنجی یک سلسله مصاحبه‌ها

با آدم‌هایی داشته باشید که در این حوزه حرف می‌زنند و بازخوردی از این مصاحبه‌ها بگیرید. بعد باید ببینیم این مزه‌ای که ما می‌خواهیم از نظر محتوایی به والدین و اولیای مدرسه ارائه کنیم، آیا خوشایند آن‌ها هست یا نه. در ادامه به فراخور این‌ها شما می‌توانید مطلب آماده کنید و در مجلات این موضوع را به صورت تخصصی و علمی نشر دهید. این وظیفه‌ای است که مجلات برعهده خواهند داشت. اما این کفایت نمی‌کند و چندان مشکلی در حوزه کودک و نوجوان حل نخواهد شد. اگر بتوانید باید برای تربیت یا ارائه مشاوره جنسی به افراد درگیر، کارگاه‌های تخصصی برگزار کنید.

نادری: برای اینکه فضای دفتر ما برای شما روشن شود، توضیح می‌دهم که ما اصلاً ادعای اصلاح کل جامعه ایران را نداریم. در مجموع ما هفت مجله عمومی در اینجا داریم که پنج مجله دانش‌آموزی است و دو مجله هم مخاطب بزرگسال است. بحث ما این است که می‌خواهیم اطلاعاتی بدهیم برای اینکه تدبیر شود، کودکان با توانمندی‌هایی که خدا داده است، خوب و سالم زندگی کنند و در جوانی و نوجوانی به رفتارهای پرخطر دست نزنند. این همه داستان

ماست. آموزش و پرورش داستان دیگری دارد.

شفیعی: من فکر می‌کنم در تاریخ ما خیلی جاها کارشناسانی پیدا شده‌اند در موضوعات مختلف که با مقامات، و تصمیم‌گیرندگان و اربابان تابو روبه‌رو شده‌اند، ولی چون ریخت‌شناسی آن بحث ریخت‌شناسی لازم نبوده، آن بحث عقیم مانده است. گاه دامنه بحث‌ها آن قدر گسترده می‌شود که افراد از آن فرار می‌کنند. به نظر من خیلی ساده و مشخص می‌توانیم در

بدنه جاهایی مثل آموزش و پرورش تأثیر بگذاریم. پیشنهاد می‌کنم در چنین مجامعی اول شنوندگان حرف بزنند تا نقطه مشترک پیدا شود. البته صحبت‌های شما در شروع بسیار خوب بود و من برای ادامه کار عرض می‌کنم. من فکر می‌کنم ماجرا هیچ‌کدام از چیزهایی که تا اینجا به آن‌ها رسیده‌ایم نیست. موضوع یک تابوی بزرگ است. ما در مجله دانش‌آموز به مسئله تعرض جنسی پرداخته‌ایم، ولی خیلی با احتیاط. آن قسمتی که می‌تواند نتیجه این روبه‌رویی امروز و جلسات بعدی باشد، این است که نمی‌توانیم ساز و کار تولید یک تابو را بپذیریم و در بافت آن تابو، آن را نقض کنیم؛ یعنی آنچه که الان دارد اتفاق می‌افتد. این ره به ترکستان است. اصل تابو پذیرفته است و ما می‌خواهیم گوشه‌هایی پیدا کنیم و لابه‌لای آن تابو حرف بزنیم که شاید روزی نابود شود.

به نظر من سؤال جدی این است که: اگر در غرب مسئله خودارضایی اشکال ندارد - که من فکر نمی‌کنم این چنین باشد - بالاخره آن‌ها اشتباه می‌کنند یا ما؟ این سؤال باید به کمک شما و ما پاسخ داده شود. این بحث ما اول یک بحث



معصومی: اولین
آموزش‌دهنده جنسی
والدین هستند؛ چه
برای کودک و چه
برای نوجوان. یعنی از
صفر تا نوزده سال،
بهترین، معتبرترین
و اصلی‌ترین منبع
آموزشی ما باید پدر و
مادرهایمان باشند

جدی که به جامعه ما در این حوزه وارد شد. فوکو در آن کتاب این موضوع را مطرح می‌کند که همیشه بین قدرت و مسائل جنسی ارتباط وجود دارد. فوکو گفتمانی مطرح می‌کند با عنوان گفتمان «قدرت، دانش، لذت». حاکمان جامعه برای اینکه بتوانند جامعه را تحت کنترل نگه دارند، «گفتمان دانش» تولید می‌کنند. سال‌ها آدم‌ها رفتار جنسی داشته‌اند، اما کسی آن را در قالب یک علم آکادمیک بیان نمی‌کرد.

رفتار جنسی از زمانی به عنوان یک رشته دانشگاهی مطرح شد که حکمرانان جوامع دیدند از طریق علمی کردن رفتار جنسی است که می‌توانند جامعه را تحت کنترل خود قرار دهند. بعد می‌گوید شما برای اینکه لذت آدم‌ها را در جامعه تحت کنترل خود قرار دهید، ساختاری تعریف می‌کنید. بیشتر درگیری‌های ما در حوزه مسائل جنسی و جنسیتی سناریوهای فرهنگی هستند. آدمی که در این سناریوهای فرهنگی قرار می‌گیرد دانش جنسی غلط دریافت می‌کند. این دانش جنسی به مرور به نگرش تبدیل می‌شود. نگرش جنسی باور جنسی انسان را می‌سازد و آن باور جنسی مبنای رفتار جنسی ما می‌شود. من بر اساس باورهای جنسی خودم رفتار می‌کنم. مبنای این باورها آموزش جنسی است؛ جایی که در کشور ما محل دعواست.

در مورد بحث خودارضایی در غرب، درست است. خودارضایی فلسفه خودش را دارد. در قرون وسطا تابو بود. الان هم نگرانی ایجاد می‌کند، ولی تابو نیست. در حالت نرمال تا قرون وسطا تابو بود. بعد از پایان قرون وسطا و ورود به دوره مدرنیته این مباحث مطرح و این نگرش‌ها ایجاد شدند. در جامعه ما پارادایم غالب دین اسلام است، ولی خیلی اوقات

فلسفی است. فضای عمومی این است که در جامعه مذهبی ما تصویرها و پیام‌هایی رد و بدل می‌شوند که از فرهنگ ما دورند. جامعه تابو را دور می‌زند و کار خودش را می‌کند. من می‌گویم اول با کمک فلسفه بفهمیم این تابو از کجا آمده است.

قربانی: من دوست دارم این جلسات به صورت هفتگی برای پخته شدن آدم‌هایی که دور این میز نشست‌اند ادامه پیدا کند. اما ما یک کشتی در حال حرکت هستیم. به

من دیروز برنامه‌ای داده‌اند که از شماره یک باید دو صفحه در مورد سلامت جنسی مطلب داشته باشیم. من الان می‌خواهم بنویسم، اما نمی‌خواهم چیزی که می‌نویسم بعداً باعث پشیمانی شود. باید یک نگاه زودبازده داشته باشیم.

معصومی: من در کارگاه‌هایمان با مشاوران زوجین به تجربه‌ای رسیدم. برای ما کارگاه می‌گذارند و ما را به عنوان مدرس دعوت می‌کنند. افرادی در حد کارشناس می‌آیند و قرار است من به آن‌ها تعلیم دهم که بهتر کار کنند. ولی من تا الان هرچه محتوای آموزشی به آن کارگاه برده‌ام، برای این بوده است که آن افراد را از نظر جنسی درست کنم. به این دلیل که ما آجرهای سکسولوژی آدم‌هایمان را باید بریزیم پایین و از اول بچینیم. اگر درست شد آن فرد می‌تواند مشاور خوبی باشد و درست بنویسد. این ضرورت وجود دارد و شما وارد فضایی شده‌اید که خیلی کار دارد. من توصیه می‌کنم حتماً دوستان کتاب «تاریخ سکچوالیتی» میشل فوکو را بخوانند. در جامعه ما در دو سه سال اخیر رگه‌هایی از انقلاب جنسی در میان افراد برجسته در حال رخ دادن است. در حوزه پزشکی تقریباً این تابو شکسته شده و ضرورت موضوع درک شده است. البته بعد از آسیب‌های



معصومی: شایع‌ترین
علت رفتار جنسی
تکرار شونده یا
غیر طبیعی در یک
کودک زیر هفت
سال معمولاً فضای
استرس‌آور خانواده
است

رفتار جنسی ناشی از هنجارهای غلط جامعه است و مشکلات ما ریشه در هنجارهای غلط اجتماعی دارد. در حاشیه نگه داشتن مسائل دینی است که باعث می‌شود این پارادایم فرهنگی - اجتماعی خودش را پررنگ‌تر نشان دهد و شما تفاوت‌های بین نسلی را کمابیش می‌بینید. در حوزه بهداشت در رأس جامعه این تابو در حال شکسته شدن

است. در جامعه هم به قدری این نیاز بالاست که افراد به اندازه ما سختشان نیست در مورد آن صحبت کنند. اگر ورود به بحث راحت باشد، معمولاً آدم‌ها راحت حرف می‌زنند.

شفیعی: بیان علمی این حرف آن است که ما باید گفتمانی درست کنیم که قدرت به ما اعتماد کند. این مسائل باید با زبانی مطرح شوند که قدرت متوجه شود، چندان هم خطرناک نیستند و مشکلات را می‌توان حل کرد. **معصومی:** دقیقاً همین‌طور است. خیلی عوامل دست به دست هم می‌دهند برای اینکه به شما این فضا داده شود که در این حوزه کار کنید. الان بستر اجتماعی جامعه ما در حال باز شدن است. قسمتی به این برمی‌گردد که همه به این ضرورت رسیده‌اند و قسمتی برمی‌گردد به تغییر فضای سیاسی جامعه.

موضوع دیگر این است که روی برنامه راهدی تأکید دارم. موضوع دیگر اینکه ما آدم‌های دانشگاهی هستیم و این موضوع را در قالب یک پروژه تحقیقاتی باید ببینیم. اگر در قالب یک پروژه ببینیم و پیش برویم، دستان پرتر خواهد بود.

گرمارودی: فقط می‌خواهم تناقض‌های ذهنی را که برای من به وجود آمده است، عرض کنم. از موضع سردبیر «رشد نوآموز»، چند سال پیش مطلبی نوشته شد، اما فضا

اجازه ادامه کار را نداد. من مقاله‌ای در یکی از مجلات زرد خواندم و با اینکه خودم با این مسائل مشکلی نداشتم مجله را مخفی کردم. فضای مدرسه‌ای گاهی ایجاب نمی‌کند که از هر کلمه‌ای استفاده کرد. به زمان طولانی احتیاج است. من برای شکستن این تابوها چشم‌اندازی ده ساله می‌بینم. فکر می‌کنم آنچه که مهم‌تر از همه است، ایجاد زمینه

برای پدر و مادرها و مشاوران مدرسه است.

معصومی: دقیقاً همین‌طور است. ما هم به همین موضوع قائل هستیم. ما به بازتولید ادبیات جنسی مطابق با فرهنگ ایرانی - اسلامی خودمان نیاز داریم. رسالت بسیار سنگینی است. هر چند که دیر شروع کرده‌ایم، اما همین هم خوب است.

نادری: ما در این جلسه به دنبال سه خروجی بودیم: یکی اینکه همه ما تغییر نگاه و نگرش داشته باشیم. نکته دوم اینکه ما می‌توانیم تجربه‌هایی که داشته‌ایم را مستند کنیم، چون این کار واقعاً تخصصی است. خروجی سوم هم تولید سند راهنمای آموزشی تغییرات جنسی در مجله است. این‌ها در نهایت باید به تولید محتوا در مجلات منجر شود که موضوع گمشده ماست.

الان بحث ما کاویدن فلسفی موضوع نیست. با رعایت جوانب علمی فکر می‌کنم چند بستر باید فراهم شود: یکی بحث ذهنی - روانی است. دیگری بخش مدیریتی در آموزش و پرورش است. نباید ناامید شویم. باید بسترهای دانشی و نگرشی به وجود آید. باید تجربیات غربی‌ها را مرور کنیم. اگر اجازه بدهید، در نشست‌های بعدی به بحث محتوای تربیت جنسی در سنین متفاوت بپردازیم.

آموزش جنسی را از دوران پیش دبستانی شروع کنید

گفت و شنودی با دکتر افسانه نیک‌راد
در باب «تربیت جنسی پیش از بلوغ»

از آنجاست که کنجکاو‌های کودکان شروع می‌شود؛ چه دختر و چه پسر. جالب است که خیلی از خانواده‌ها حاضرند تمام قسمت‌های بدن را به بچه‌ها توضیح دهند، اما دربارهٔ قسمتی که شاید نیاز بیشتری به شناخت دارد، توضیحی نمی‌دهند. یکی از مباحثی که خانواده‌ها درگیر آن هستند این است که از ۱۵ ماهگی به بعد است، که کودک اگر پوشک دارد، باز می‌شود او تازه متوجه وضعیت بدنی خود می‌شود و کنجکاو می‌کند. بعضی از خانواده‌ها به این موضوع رسیدگی می‌کنند و بعضی توجه خاصی به آن ندارد.

در سنین سه تا پنج سالگی کنجکاو‌های جنسی شروع می‌شوند. این دقیقاً سنینی است که کودکان خودشان می‌خواهند متوجه شوند که اعضای بدنشان چه کاری انجام می‌دهند. این موضوع برای آن‌ها جالب می‌شود. وقتی به قسمت آلت تناسلی می‌رسند، ممکن است دست‌کاری‌هایی

کند و کاو علمی و همه‌جانبه پیرامون معضلات و چالش‌های اجتماعی، جزو سیاست‌های «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» است. در ادامهٔ سلسله جلسات تخصصی کارگروه تربیت جنسی، در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ با حضور خانم دکتر افسانه نیک‌راد، متخصص روان‌شناسی به موضوع «تربیت جنسی پیش از بلوغ» پرداختیم. آنچه می‌خوانید نظرات سخنران و پرسش و پاسخ حاضران در این جلسه است.

افسانه نیک‌راد: امیدوارم بتوانیم با هم دربارهٔ آنچه که در جامعهٔ ما به شکل «تابو» درآمده است، صحبت کنیم. بیشتر بحث ما پیشگیری در این زمینه است. ما می‌دانیم که کودکان از شروع تولد نیازهایی در خود دارند. بعد از ۱۵ ماهگی کودک شناسایی اعضای بدن را آغاز می‌کند.



داشته باشند، اما مفهوم آن لذت جنسی نیست. این اشتباهی است که خیلی از بزرگ‌ترها دارند و فکر می‌کنند، در پنج سالگی کودکان هم مانند بزرگسالان لذت جنسی دارند. در حالی که آن‌ها فقط از سر کنجکاوی دست کاری می‌کنند و فقط لذت آنی می‌برند. تکرار این عمل گاهی به عادت تبدیل می‌شود و ممکن است سبب بعضی از بیماری‌ها و مشکلاتی شود و به خودارضایی‌هایی در سنین پنج و شش سالگی تبدیل شود. ما اصطلاح خودارضایی را برای کودک قبل از پنج سال به کار نمی‌بریم، چون فقط کنجکاوی است.

نزدیک سن بلوغ هورمون‌های جنسی تغییراتی را ایجاد می‌کند. این تغییرات می‌توانند کنجکاوی‌هایی را به وجود آورند و خودارضایی‌های نسبی را در این سنین داریم. این بحث بسیار گسترده است. من در کلینیک مراجعان زیادی در این زمینه دارم؛ بچه‌هایی که متأسفانه از طریق بزرگسالان و حتی

از طریق محارمشان مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند. در نگاه اول کودک متوجه نیست چه اتفاقی برایش افتاده است. ولی وقتی تکرار می‌شود، کم‌کم کودک افسرده و ناراحت می‌شود و احساس معذب بودن می‌کند. این دقیقاً از شش سالگی به بعد است که کودک کمی متوجه است، اما نمی‌داند چه اتفاقی برایش می‌افتد.

از سنین چهار پنج سالگی کودکان متوجه حالت‌های خاصی در خودشان می‌شوند. توجه والدین به کودکان خیلی مؤثر است و مفهوم دارد. در همین سنین ما کودکانی داریم که اختلافات زن و شوهر، ترس‌ها یا بیماری پدر و مادر آن‌ها را دچار اضطراب می‌کند و بنا به نیاز اضطرابشان به تنهایی پناه می‌برند. بعد کنجکاوی‌های جنسی شروع می‌شود و رفتارهای خودارضایی در این بچه‌ها شایع است. معمولاً وقتی کودکی را که به کلینیک می‌آورند، من اول ریشه‌ها را در خانواده بررسی



**نیکر اد: از سنین چهار
پنج سالگی کودکان
متوجه حالت‌های خاصی
در خودشان می‌شوند.
توجه والدین به کودکان
خیلی مؤثر است و
مفهوم دارد**

تصویر و به هر نحوی که می‌توانید در مجلات داشته باشید، آموزش را از دوران پیش‌دبستانی شروع کنید. کودکانی که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، دچار کم‌اشتهایی، ترس، اضطراب، ترس از تاریکی و تنهایی می‌شوند. معمولاً کسانی که آن‌ها را مورد آزار قرار می‌دهند، به آن‌ها می‌گویند این موضوع را نباید به کسی

بگویند و این یک راز است. اعتماد کردن به کسی که بتوان با او در این مورد صحبت کرد، بسیار اهمیت دارد. کودکان معمولاً با خاله یا عمه خود روابط خوبی دارند، ولی نباید در این مورد اجبار باشد. از رفتارهای خاص کودکان متوجه می‌شویم که مورد آزار قرار گرفته‌اند یا نه. خیلی از کودکانی که آزار دیده‌اند، در خواب دچار وحشت‌های شبانه می‌شوند. ما به آن‌ها آموزش می‌دهیم که قسمت‌هایی از بدن شما خاص هستند و کسی اجازه دسترسی به آن‌ها را ندارد و شما نباید آن‌ها را به کسی نشان دهید. یعنی خیلی راحت می‌توانیم در این زمینه برای کودکان آگاهی ایجاد کنیم.

بعد از پنج سالگی پدر هم نباید به قسمت‌های خاصی از بدن دختران توجه ویژه نشان دهد، اما مادر می‌تواند دسترسی داشته باشد. ولی به جز مادر و پدر کسی اجازه ندارد درباره این قسمت‌های خصوصی صحبت کند. اگر سؤالاتی برای کودکان پیش آمد، می‌توانیم بیشتر صحبت کنیم. یک موضوع مهم این است که ما باید بررسی کنیم، چه مشکلاتی در خانواده وجود دارد. پدر و مادری که خودشان دچار مشکل هستند و یا اصول را رعایت نمی‌کنند، مشکل بیشتری به وجود می‌آورند. از طرف دیگر، دعوای شدید بین پدر و مادر در کودکان اضطراب ایجاد می‌کند و این اضطراب پناهی برای تنهایی بچه‌ها می‌شود. در این تنهایی ممکن است دست‌کاری‌هایی برای خودشان ایجاد کنند. گاهی هم از ترس به اقوام نزدیک پناه می‌برند که همین

می‌کنم تا ببینم پدر و مادر چه مشکلی دارند.
**اصغر ندیری، سردبیر رشد آموزش
ابتدایی:** آmary که داشتید، سطح خانواده‌ها
را هم مشخص می‌کرد؟

نیکر اد: معمولاً افراد طبقه متوسط با ما تماس می‌گرفتند، چون هزینه‌های مشاوره بالاست. ما بر خوابگاه‌ها خیلی نظارت داریم،

اما دستمان باز نیست و اجازه نداریم آموزش‌ها را در سطوح بالاتر آموزش بدهیم. قبولاندن به مدیران سازمان‌ها بسیار مشکل است. آmary که ما در صدای مشاور داریم، طبقه پایین اجتماعی است، ولی در سطح کلینیک معمولاً متوسط به بالا هستند. در سنین سه تا پنج سالگی، کودکان متوجه فعالیت‌های بدنی و نیازهای خود می‌شوند، کنجکاو‌هایی برایشان به وجود می‌آید و از خانواده سؤالاتی می‌پرسند در مورد نحوه به وجود آمدن و تولد. این مسائل ذهن کودکان را پر می‌کنند. خیلی از خانواده‌ها با روش تنبیه برخورد می‌کنند. در صورتی که خیلی راحت می‌توان این مسائل را با ادبیات خود کودکان به آن‌ها تفهیم کرد. به کودک زیر پنج سال می‌توانیم بگوییم خدا خواسته است که شما داخل شکم مادر قرار بگیرید. بعد از آن در این زمینه آموزش‌ها و شناخت‌هایی به بچه‌ها می‌دهیم. مثلاً می‌گوییم وقتی بزرگ شدی متوجه مسائلی می‌شوی، اما در همین سنین کودکی اگر بداند ابتدا نزد خدا بوده و بعد از ازدواج پدر و مادر به داخل شکم مادر رفته و بعد از آن به بچه تبدیل شده، کافی است. بچه‌ها در همین حد که می‌فهمند، قانع می‌شوند.

من می‌بینم که شبکه‌های ماهواره‌ای و تلفن همراه خیلی تأثیر گذارند. همین‌طور کارتون‌هایی که بچه‌ها می‌بینند، روی آن‌ها اثر می‌گذارد. سؤالاتی برای کودکان ایجاد می‌شود و ما باید به آن‌ها پاسخ دهیم. من پیشنهاد می‌کنم، شما با زبان

موضوع هم مشکل ساز خواهد شد. اگر سؤالی دارید من در خدمت شما هستم.

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد: مخاطب

مجلات ما با «رشد کودک»، یعنی از شش و هفت سالگی با ما در تماس می‌گیرد. به نظر شما، در شش سالگی حتی بچه‌هایی که دچار آزار جنسی نمی‌شوند هم باید این مسائل را بدانند؟ اگر باید بدانند چه چیزهایی را باید بدانند؟ ما باید به دنبال تهییج چه رفتاری باشیم؟ اگر نمونه کتاب‌های ترجمه‌ای یا تألیفی در ایران و یا سایت‌هایی را که در این زمینه می‌توانند کمک‌کننده باشند، به ما معرفی کنید، بسیار خوب خواهد بود.

نیک‌راد: سنین شش تا هفت سالگی دقیقاً سن کنجکاوی‌های جنسی به صورت عملیاتی است و کودک متوجه قسمت‌های خاص بدن خود می‌شود. ما خیلی خوب است که در اینجا آموزش دهیم، کودک اگر این قسمت‌ها را به دیگران نمایش دهد یا درباره آن‌ها با دیگران صحبت کند، چه مسائلی به وجود می‌آید. ممکن است مشکلاتی مثل زخم شدن یا مسائل خاص تری به وجود بیاید. بیان کردن این‌ها در مجلات واقعاً کار سختی است. در مورد جنبه اسلامی، چند سال پیش سمینار بزرگی در خصوص خودارضایی بین روان‌شناسان و طلاب حوزه‌های علمیه برگزار شد. دلیل برگزاری آن سمینار این بود که در میان نوجوانان میزان افسردگی و گاه خودکشی به خاطر خودارضایی زیاد شده بود. می‌خواستند ببینند که آیا این کار صحیح است یا نه. اگر مبنای اسلامی را در نظر می‌گرفتیم، می‌دیدیم که نهی‌هایی شده و صحبت از این است که از لحاظ شرعی مشکل دارد. در بحث علمی، هورمون‌های جنسی در این سنین فعال می‌شوند و خواه‌ناخواه مشکلاتی را به وجود می‌آورند و به صورت طبیعی تا حدودی اشکال ندارد. بحث بر سر این بود که ما اگر موضوع را به شکل بیمارگونه، ترسناک و اضطراب‌آور برای نوجوانان یا کودکان مطرح کنیم

باعث ایجاد مشکلاتی خواهد شد. ما جلوی عادت رفتاری را می‌گیریم، ولی وقتی عملی طبیعی است، چندان نمی‌توانیم جلوی آن را بگیریم. گفتیم بیا بید عادت و تکرار عمل را نهی کنیم، اما فرد را دچار افسردگی نکنیم. نتیجه‌ای که از این سمینار گرفته شد این بود که طلاب گفتند که قسمت مذهبی را خواهیم داشت، اما شکلی که به صورت مرضی است، روان‌شناسان توضیح دهند تا بررسی شود و نظریه داده شود. این واقعیت است که در سنین رشد و بلوغ، کودکان کنجکاوی‌هایی دارند و در عین حال هورمون‌های رشد روی آن‌ها اثر می‌گذارد که اگر عادت شود بیمارگونه است و به خودارضایی می‌انجامد. حالا اگر خواهیم این مسائل را برای والدین توضیح دهیم به مشکل برمی‌خوریم. ما از سن پنج سالگی صحبت می‌کنیم. شش و هفت سالگی اوج این کنجکاوی است. کودکان در سنین ابتدایی ارتباطاتی برقرار می‌کنند که کنجکاوی‌ها را تشدید می‌کند. آموزش پیش از آن بچه‌ها را آگاه می‌کند، البته نه به صورت گسترده. در حد کلی کافی است. کسی که آزار می‌دهد، می‌خواهد اصلاً در مورد آن صحبت نشود. برعکس ما باید آموزش دهیم که بچه باید به پدر و مادر بگوید. کتاب خوبی در زمینه تربیت جنسی داریم که تألیف و ترجمه خانم ماندانا سلحشور است و در مورد تربیت جنسی پیش از بلوغ مطالب بسیار خوبی دارد. البته در همین کتاب‌ها مسائل خاص کشور ما بیان نمی‌شوند.

نادری: اگر در مجله کودک بخوایم آناتومی را نشان دهیم که کنجکاوی‌ها بیشتر می‌شود.

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان: فکر نمی‌کنم بتوان در مجله کودک از تصویر استفاده کرد.
محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: فکر می‌کنم رسالت ما در مجلات این است که به سراغ پیشگیری برویم. نباید به موارد آسیب‌دیده بپردازیم.



نادری: ما می‌خواهیم با متن و تصویر جنبه‌های نگرشی، عاطفی و رفتاری را به بچه‌ها منتقل کنیم. صحبت آقای قربانی درست است.

نیک‌راد: فرمایش شما درست است، چون با افراد عادی جامعه سروکار دارید. اما اگر بدانید طرح آزارها چگونه است، خواهید دانست که چگونه با این آزارها مقابله کنید. نیاز نیست این آزارها را به بچه‌ها توضیح دهید، ولی اطلاعات داشتن شما بزرگواران می‌تواند به آگاهی دادن به افراد عادی کمک کند. آنچه که الان اهمیت دارد، بخش عملیاتی موضوع است که بدانید چه اتفاقاتی در این گروه سنی می‌افتد و ما چه کارهایی را می‌توانیم انجام دهیم. آگاهی دادن در مورد قسمت‌های خاص بدن، پاسخ‌گویی به کنجکاوی‌های کودکان و دادن شناخت در مورد این مسائل، کاری است که شما باید انجام دهید. در این مرحله نقش والدین و معلمان بسیار مهم‌تر است. اکثر کودکان در این سنین می‌خواهند تفاوت خود و جنس مخالف را بدانند. به نظر ما آگاهی دادن بچه‌ها در این سنین و شناخت دادن به آن‌ها هیچ مشکلی ندارد.

محمد رضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: در این سنین آنچه اهمیت دارد، وظیفه والدین و نقش آن‌هاست. ما باید مرجعیت آن‌ها را بالا ببریم. نکته دیگر حق بدن است؛ یعنی

حقوق خصوصی. کودک باید یاد بگیرد سرویس بهداشتی و حمام محیط خصوصی اوست. از این موضوع به این برسیم که قسمت‌هایی از بدن خصوصی است و کسی نمی‌تواند به آن‌ها دسترسی داشته باشد. ما نباید مرجعیت والدین را نادیده بگیریم. این موضوع که آیا والدین اطلاع دارند یا نه، به ما مربوط نیست. به نظرم رویکرد ما باید رویکرد سلامت باشد تا آسیب‌شناسانه. از طرف دیگر، باید وارد این موضوع شویم که هر کس خودش نسبت به بدنش حق دارد و از این طریق آموزش دهیم. به عبارت دیگر ما سطح خودآگاهی را به کمک

دادن اطلاعات بالا ببریم.
نیک‌راد: کاملاً درست است. اگر کودکان آگاه شوند، خواهران‌خواه والدین هم ترغیب می‌شوند که آگاهی خود را بالا ببرند. نکته‌ای که در زمینه حریم‌های خصوصی وجود دارد، این است که ما می‌گوییم اتاق بچه هم حریم خصوصی اوست. اگر والدین می‌خواهند وارد اتاق او شوند، باید اجازه بگیرند. تا حتی اگر بچه دست‌کاری نسبت به خودش دارد، فرصت داشته باشد که از آن فاصله بگیرد. نکته‌ای که خیلی اهمیت دارد این است که قبل از سنین شش و هفت سالگی بیشترین ارتباط کودکان با والدین و به خصوص با مادر است. بیشترین توصیه ما این است که والدین باید رازدار کودک باشند و هر اتفاقی می‌افتد، کودکان با آن‌ها در میان بگذارند. این موضوع اگر برای کودک جا بیفتد، ناخودآگاه تأثیر می‌گذارد و سبب می‌شود تا هر موضوعی را به والدین بگویند.

علیرضا متولی، نویسنده و کارشناس حوزه روان‌شناسی: من سال‌هاست در مورد این موضوعات برای کودکان مطلب می‌نویسم، اما لزوماً مستقیم ننوشته‌ام. پیش‌نیازهایی مطرح می‌شود. یکی از پیش‌نیازها روشن کردن سه مفهوم «شرم، خجالت و حیا» است. یکی دیگر از پیش‌نیازها «آموزش سؤال پرسیدن» است. اگر این مسائل روشن نشوند،



نیک‌راد: شش و هفت سالگی اوج این کنجکاوی است. کودکان در سنین ابتدایی ارتباطاتی برقرار می‌کنند که کنجکاوی‌ها را تشدید می‌کند. آموزش پیش از آن بچه‌ها را آگاه می‌کند، البته نه به صورت گسترده. در حد کلی کافی است

تحوالی اتفاق نمی‌افتد. «نه» گفتن موضوع بسیار مهمی است. محتوا در این زمینه زیاد تولید می‌شود، اما عموماً تأثیرگذار نیست. یکی از مسائلی که ما باید به بچه یاد بدهیم، «نه» گفتن به خود است. فکر می‌کنم تربیت جنسی بچه‌ها لزوماً صحبت در مورد مسائل جنسی نیست، بلکه باید ابتدا روی پیش‌نیازها کار کنیم. در چند سال اخیر در «رشد نوآموز» من چنین موضوعاتی را نوشته‌ام. نکته آخر این است که ما نویسنده مخصوص این کار را نداریم؛ کسی که از دانش روان‌شناسی استفاده

کند و در این موارد مطلب بنویسد. نویسنده از دانش دیگران استفاده می‌کند. ما باید نویسنده تربیت کنیم.

نیک‌راد: نکته کاملاً درستی است. من مسائل و مشکلات را می‌گویم و اطلاعات را می‌دهم و می‌گویم چه چیزهایی در کشورمان تابوست و چه مشکلاتی را ایجاد می‌کند و والدین ما از چه چیزهایی می‌ترسند. هنر شما نویسندگان است که به چه شکلی به مخاطب در هر سنی مطلب را انتقال دهید. ولی من شخصاً دریافته‌ام که همه باید آگاهی داشته باشند و بدانیم که در سطح کشور چه اتفاقاتی رخ می‌دهند.

وقتی دانشجوی فنی و مهندسی ما هنوز طرز برقراری ارتباط اولیه با یک دختر را نمی‌داند و مشکلات شدید ارتباطی دارد، ریشه آن در وسواس شدید خانواده در این زمینه بوده است. یاد گرفتن «نه» گفتن بسیار مهم است. یکی از مسائلی که من در مورد بچه‌های پیش‌دستانی مد نظر قرار می‌دهم، اطلاعاتی است که کودکان در مورد جنسیت خودشان و جنس مخالف می‌خواهند داشته باشند. در این سنین نحوه بچه‌دار شدن هم سؤال به وجود می‌آورد. ما می‌توانیم به بچه‌ها در حد خودشان آگاهی بدهیم. چگونه پاسخ دادن بسیار مهم است.

باید تابو را شکست و اطلاعات را به بچه‌ها داد. بچه‌ها در نقاشی‌هایشان بسیاری از مشکلات خود را نشان می‌دهند. یکی از مشکلاتی که خانواده‌ها دارند، این است که اختلافات اکثر زن و شوهرها با دعوای روزانه شروع می‌شود، اما از روابط شبانه نشئت می‌گیرد. اگر آموزش‌ها به شکل درست در سنین دبستان و بلوغ داده شوند، فرزندان ما در جوانی نباید دچار مشکلات جنسی شوند.

نادری: غرض از این جلسات آن است که ما یافته‌ها و تجربیات را بشنویم و با هنر سردبیران و نویسندگان آن‌ها را به نحوی منتقل کنیم. دفتر از ما انتظار دارد که در این دوره صفحه‌ای را به این موضوع اختصاص دهیم.

نیک‌راد: به نظر من اگر شما با هنری که دارید سؤال برای مسئولان سؤال ایجاد کنید، خیلی جالب خواهد بود. طرح سؤال و ایجاد کنجکاوی بسیار راهگشاست.



دین منطبق بر مدار آفرینش است!

گفت‌و شنودی با علی تاج‌دینی
در باب «تربیت جنسی از نگاه استاد شهید مطهری (ره)»

سنگ را نمی‌توانیم؛ چون استعداد آن را ندارد. بنابراین وقتی می‌گوییم تربیت جنسی، فرض بر این است که استعدادی در انسان وجود دارد، به نام «غریزه جنسی». اما در حقیقت غریزه جنسی امری بالفعل است نه بالقوه. این غریزه مشترک میان انسان و حیوان است و صد در صد امری است مادی. مرحوم مطهری میان غرایز تفاوت قائل است.

وقتی کودکی متولد می‌شود، در ساختار وجودی‌اش شهوت و غضب هست، ولی بالفعل استعداد پرستش یا زیبایی و هنر نیست؛ بلکه استعداد آن هست. می‌تواند آن استعداد را رشد دهد یا ندهد. ولی غرایز وجود دارند و از سنی آشکار می‌شوند؛ چون به بدن مربوط می‌شوند. امری بالفعل است. بنابراین از این نظر شاید به تسامح می‌گوییم تربیت جنسی. بنابراین، تربیت جنسی به معنای امر بالقوه‌ای که می‌خواهیم آن را بالفعل کنیم، معنا ندارد. شاید تربیت جنسی به معنای

بی‌تردید، ملاک اصلی در حوزه اسلام‌شناسی در جامعه امروز ایران، دیدگاه‌های استاد شهید مرتضی مطهری است که دیدگاهی پیشرو محسوب می‌شود. هنوز پس از چهار دهه از شهادت استاد مطهری، آثار وی همچنان پاسخ‌گوی نسل معاصر است.

در کارگروه «تربیت جنسی» در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۹۵ با حضور علی تاج‌دینی، نویسنده و پژوهشگر حوزه دین‌شناسی به موضوع «تربیت جنسی» از نگاه استاد شهید مرتضی مطهری پرداخته شد. حاصل این گفت‌و شنود در ادامه آمده است.

علی تاج‌دینی: اصلاً تربیت جنسی یعنی چه؟ تربیت به معنای پرورش است و چیزی باید درون کسی باشد که بتوان آن را پرورش داد. مثلاً ما می‌توانیم بذری را پرورش دهیم، ولی



جنسی با حیا مربوطاند. مشکل ما این است که مرز میان حیا و بی‌حیایی در یک سلسله حوزه‌ها، از جمله تربیت جنسی روشن نیست.

در حوزه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی مسائل جنسی تحقیقات زیادی در دنیا صورت گرفته است. مشکل این است که در جامعه دینی، روی هر مسئله‌ای دست می‌گذارید، با این نکته مواجه هستید که دین به نوعی در آن مسائل نظرگاه دارد. قرائت‌های دینی هم می‌تواند راه‌گشای حل مسائل جامعه باشند و هم می‌تواند مانع ایجاد کنند. بخشی از آسیب‌های جامعه ما در اثر نوع اندیشه ما در حوزه دین‌داری است. ادعای بزرگان جامعه این است که دین امری شخصی نیست. این نکته مهم است که سبک زندگی ایرانی - اسلامی در زمینه تربیت جنسی چیست؟ این سؤال بسیار اهمیت دارد.

مهار کردن غریزه جنسی و در یک کلمه، مدیریت آن است. موضوع دیگری که اهمیت دارد آن است که در مطبوعات و از زبان رسانه‌ها می‌شنویم: طلاق به شکل فزاینده‌ای رو به افزایش است و وقتی پیگیری و به کارشناسان مراجعه می‌کنید، می‌بینید که کارشناسان می‌گویند: شصت هفتاد درصد طلاق‌ها را باید در رخت‌خواب آدم‌ها جست‌جو کرد. ممکن است عامل ظاهری که بیان می‌شود، اقتصاد باشد، ولی موضوعی که سال‌ها بیان نمی‌شد و اخیراً به صراحت در رسانه ملی می‌گویند، مسائل جنسی است. نه نسل گذشته و نه نسل جدید به دلایل فرهنگی تربیت جنسی نشده‌اند. درست است که می‌گوییم اسلام آزادی روابط جنسی را نمی‌پسندد و در کانون خانواده است که زن و شوهر باید از هم کام‌جویی کنند، ولی در کانون خانواده هم یاد نگرفته‌ایم. نه زنان ما یاد گرفته‌اند در کانون خانواده چگونه دلبری کنند، نه مردان. چون مسائل



ما اگر الگوی آقای
مطهری را مبنا قرار
دهیم، نباید جامعه‌مان
این وضع را داشته
باشد. باید مسئله
ازدواج و روابط جنسی
خیلی ساده‌تر از این‌ها
باشد

تشریح می‌کنند، مرادشان همان تزکیه نفس است، اما اثر اجتماعی سخنان صوفیه باقی مانده است.

محققان معتقدند که کشتن غرایز از دل اندیشه اسلامی درنیامده است و در ارتباط با فرهنگ‌های دیگر سرایت کرده است. در قرآن گرایش جنسی جزء آیات الهی دانسته شده است. در روایات توصیه‌های بسیاری

در باره حب زنان و ازدواج وجود دارد. بنابراین در اسلام پلید نبودن غریزه جنسی امری بدیهی است. منتها نکته ظریفی در این جا وجود دارد. جزء امتیازات آقای مطهری است که می‌گوید: ممکن است ما بگوییم غریزه جنسی پلید نیست، ولی عملاً رفتاری آموزش داده می‌شود که به سرکوب غرایز منجر می‌شود. بحث ریاضت در دنیای اسلام مطرح بوده است. آقای مطهری معتقد است در غرایز دیگر ریاضت توصیه شده است؛ مثل غریزه خواب که توصیه شده است، خواب را کم کنید. خوراک هم همین‌طور. ولی در زمینه جنسی توصیه به ریاضت اثر معکوس دارد. ریاضت در این زمینه اثربخش نیست و معکوس عمل می‌کند.

باید میل جنسی را ارضا کرد. البته نه افسارگسیخته. بی‌توجهی به غریزه جنسی مشکلات زیادی را به وجود می‌آورد. آقای مطهری مشخصاً در خصوص تربیت جنسی مقاله مستقلی ندارد. ولی جلد نوزدهم مجموعه آثار ایشان در مورد حقوق زن و خانواده، اخلاق جنسی، ازدواج و طلاق، و ... است. بنابراین اولین اصلی که می‌تواند پشتوانه پژوهش در حوزه تربیت جنسی باشد آن است که سرکوب غرائز محکوم است.

دومین اصلی که از دل آثار مطهری قابل استنباط است توجه به علوم محض و علوم انسانی چون روان‌شناسی و

وضعیت ما از نظر محتوایی مناسب نیست. اینکه ما در میان متفکران هنوز به آقای مطهری تکیه داریم، دلایلش این است که از نظر استدلال و روشنی بیان و مدرن بودن کسی در حد ایشان نیست. به همین دلیل معتقدم قرائتی که آقای مطهری از اسلام ارائه داد، خیلی قابل توجه است و برای بازکاوی و بازخوانی زمینه دارد. آقای مطهری از این

حیث اهمیت دارد و چون متفکر دینی برجسته‌ای بوده است، هم می‌توانیم این بحث را تربیت جنسی در اسلام عنوان کنیم و هم تربیت جنسی از دیدگاه آقای مطهری. البته در آثار استاد به طور مشخص مقاله‌ای با عنوان تربیت جنسی وجود ندارد، اما اصولی در حوزه تربیت و غرایز مطرح شده است که می‌تواند پشتوانه تحقیقاتی درباره تربیت جنسی باشد.

اولین سؤال آن است که: مواجهه اسلام با غرائز چیست؟ اینجا ما با دو نظر کلی مواجه هستیم. آقای مطهری به دو نظر قدیم و جدید اشاره می‌کند. هر دو نظریه در اندیشه غرب هم مطرح بوده‌اند. در نظریه قدیم، ازدواج را توصیه نمی‌کردند و رابطه جنسی پلید بوده است. در مسیحیت این نظر شدت پیدا کرد. علتش هم این است که به تعبیر روایات، حضرت مسیح (ع) مجرد بوده است. تجرد حضرت عیسی خیلی موضوعیت داشته که مسیحیت نسبت به پدیده ازدواج موضع منفی گرفته است. ازدواج در مسیحیت امر ممدوحی نیست. مسیحیت تا رنسانس سیطره عجیبی داشته است. در این دیدگاه غریزه جنسی امری پلید است و ترجیح دارد از طریق ریاضت آن را سرکوب کنیم. این عقاید به اندیشه‌های دینی ما هم راه پیدا کرده. در اندیشه صوفیه واژه کشتن نفس را زیاد داریم، در حالی که در قرآن و در روایات از واژه قتل نفس استفاده نشده است. البته عارفان هم وقتی نظر خویش را

جامعه‌شناسی است. مسئله بعد این است که نقطه مقابل سرکوب چیست؟ ما به این اصل رسیده‌ایم که خودمان و فرزندان نیاز جنسی را نباید سرکوب کنیم و با تحمل ریاضت آن را مهار کنیم. سرکوب در اینجا جواب نمی‌دهد، به این دلیل که مشکلات روحی و روانی ایجاد می‌کند. آقای مطهری می‌گوید: افرادی که طغیان می‌کنند، حتی در مسائل جنسی، خیلی از آن‌ها در خانواده‌های مذهبی بزرگ شده‌اند که بینشی سطحی و عوامانه دارند. در بعضی از خانواده‌های مذهبی این‌گونه مسائل را از کودکی سرکوب کرده‌اند و کودک فکر کرده است که دائم باید به مسجد برود. بچه در کودکی باید بازی کند. همین افراد وقتی بزرگ می‌شوند، در درونشان عقده‌های روانی پدید می‌آید. ما می‌گوییم غریزه جنسی را نباید سرکوب کرد. اما با مشکلاتی که در جامعه ما وجود دارد چگونه باید زندگی کرد؟ در اندیشه اسلامی چه راهی پیشنهاد شده است؟ اگر جامعه ما فکری به حال این مسائل نمی‌کند به اسلام ربطی ندارد.

ما اگر الگوی آقای مطهری را مبنا قرار دهیم، نباید جامعه‌مان این وضع را داشته باشد. باید مسئله ازدواج و روابط جنسی خیلی ساده‌تر از این‌ها باشد. غربی‌ها بعد از رنسانس خواستند انتقامی از کلیسا بگیرند. کلیسا در فطریات بشر دخالت می‌کرد. اینکه ما می‌گوییم اسلام دین فطری است و شاید بزرگ‌ترین مبنایی که در اسلام وجود دارد، فطرت است، به همین خاطر است. ما قوانین تکوینی داریم. دین منطبق با این مدار آفرینش است. به قول عرفا، کتاب تکوینی عالم با کتاب تدوینی کاملاً منطبق است. اگر گرایش در انسان وجود دارد، به آن گرایش باید توجه داشت. باید دید که غریزه قدرت در علم روان‌شناسی در وجود ما هست یا نه. اگر غریزه حقیقت‌طلبی و کنجکاوی در همه افراد بشر هست، پس اسلام هم می‌گوید باید به آن توجه شود.

نقطه مقابل، آزادی جنسی است. بعد از رنسانس متفکران غربی گفتند که اختلال شخصیت برای این بوده است که در گذشته فلاسفه قدیم به سرکوبی توصیه داشته‌اند و تمام اختلالات شخصیتی به خاطر سرکوب بوده است. منتها ما با راهی که نشان داده‌اند، اختلاف داریم. آن‌ها گفته‌اند که نقطه مقابل ریاضت این است که افراد کاملاً آزادانه میل جنسی خود را ارضا کنند و حد و مرزی نداشته باشند و تنها نباید آزادی فرد دیگری را مختل کنیم. این حرف به آزادی خیلی گسترده انجامید. امثال راسل گفته‌اند: که آدم‌ها می‌توانند یک زن داشته باشند که از آن بچه داشته باشند و چندین معشوقه. چون اینکه بچه بداند پدرش کیست، امری بدیهی است. اما زن هم می‌تواند معشوقه داشته باشد. پس این الگویی که در غرب پیدا شده است، حاصل آزادی بی حد و حصر روابط جنسی است.

امثال **فروید** خلاصه حرفشان این است که باید قيود کهن و منع‌های قانونی گذشته برداشته شوند. اولین موضوع کامیابی آزادانه زنان و مردان از معاشرت‌های لذت‌بخش جنسی است. زن و مرد نه تنها باید قبل از ازدواج از کامیابی برخوردار باشند، بلکه از دواج، نیز مانع نیست. راسل هم از جمله کسانی است که در غرب خیلی در این زمینه مؤثر بوده‌اند. او هم به شکل افراطی آرایبی را ارائه داده است که مخالف فطرت افراد بوده‌اند و چندان مورد توجه قرار نگرفتند. حتی راسل تربیت کودکان را به دولت و صلاحیت تربیت فرزند را به مؤسسات مسئول محول می‌کند. اما در این تفکر مسائلی نادیده گرفته می‌شوند، عواطف زیر سؤال می‌رود و خانواده دچار فروپاشی می‌شود.

راسل می‌گوید: مردان آن‌گاه که با عشق‌بازی‌های همسران خود مواجه می‌شوند و احساس ناراحتی می‌کنند، باید کف نفس و اغماض کنند. ایجاد مزاحمت نکنند، بلکه از آن افراد بیگانه شکر‌گزار نیز باشند. ما اسم این حسادت را «غیرت»



مثلاً بحث مال‌اندوزی هم همین‌طور است. در مسئله شهوت هم مشکل این است که امثال فروید فکر می‌کردند، اگر انسان آزادانه با افراد بیشتری ارتباط برقرار کند آرامشش بیشتر است. این‌جای کار را نخوانده بودند که آرزوهای کاذب انسان هم زیادند و خیال‌پردازی می‌کند.

توصیه مرحوم مطهری شاید غریب نباشد، ولی عمل کردن به آن سخت است. ایشان می‌گویند اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی آمادگی کاملی برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر داشته باشد. زن یا مردی که از این نظر کوتاهی کند، مورد نکوهش صریح قرار گرفته است. اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط اجتماع بزرگ، محیط کار و عمل و فعالیت است و از هر نوع کامیابی جنسی در آن محیط باید خودداری شود. در مورد آرای شهید مطهری در مورد «ازدواج آزمایشی» هم می‌توانید کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» را مطالعه کنید. خیلی هم واقع‌بینانه است و با جامعه امروز ما تطابق دارد. بر خلاف اینکه ما فکر می‌کنیم، افراد متأهل به سراغ ازدواج موقت می‌روند، ایشان می‌گویند این حرف حکیمانهای است که در دین مطرح شده است. من سعی کردم قرائتی از صحبت‌های آقای مطهری داشته باشم، به عنوان مقدمه بحث. به نظر من اگر بخواهیم الگویی در برنامه‌ریزی استخراج کنیم، حاصل بحث مهم خواهد بود.

ناصر نادری، ناظر مجلات رشد: صحبت‌های امروز شما خوب بود. دیدگاه اسلام به پدیده تربیت جنسی دارای سه حلقه است که با توجه به جنس کار ما، پرداختن به دو حلقه اول مهم‌تر است. یکی این است که اسلام می‌خواهد درباره جنبه‌هایی از هویت انسان، غرایز، اهمیت انسان، کانون خانواده و... نکاتی آگاهی‌بخش ارائه دهد تا به نوعی پیشگیری کند. تأکید به نیازهای خانواده و اهمیت اخلاق جزء مبادی

می‌گذاریم. اما تملک و غیرت اموری کاملاً فطری‌اند و نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت. افراد بزرگی مثل راسل، خطاهایشان هم بزرگ است. آقای مطهری می‌گویند استعداد جنسی تنها استعدادی نیست که در وجود انسان هست. غریزه جنسی یک استعداد انسانی مثل حقیقت‌جویی، عشق، زیبایی و ابداع نیست. اهمیت دارد، ولی یک استعداد حیوانی است. به قول آقای مطهری، اگر خوشی منحصر به این بود که تنها از طریق آزادی جنسی به خوشی می‌رسیدیم، درست بود. اما این‌گونه نیست. نکته دیگری که در رد آزادی‌های جنسی می‌آورد، این است که حیوانات غریزه‌ای دارند که وقتی تأمین شد، از آن می‌گذرند. ولی انسان ادراکات توهمی هم دارد و دو نوع تمنا دارد و آرزو می‌کند. یک سلسله از آرزوهای صادقانه و راست‌اند، اما خیلی از تمناهای انسان به شکل کاذب در انسان رشد می‌کنند؛ مثل حرم‌سراهایی که شاهان داشته‌اند. یا



توصیه مرحوم مطهری
شاید غریب نباشد، ولی
عمل کردن به آن سخت
است. ایشان می‌گویند
اسلام اصرار فراوانی
دارد که محیط خانوادگی
آمادگی کاملی برای
کامیابی زن و شوهر از
یکدیگر داشته باشد

است. به نظر می‌رسد که ما در مجلات باید با زبان و ذهن مخاطب به این نکات بپردازیم. بحثی که مربوط به دوران نوجوانی و جوانی است، بحث تعدیل بخشی و هشدارهای جدی است که حد و مرزی بین زن و مرد باید باشد. در بحث اختلال‌ها توصیه‌های تعدیل‌بخش وجود دارد. بخشی هم که حلقه آخر است. اگر اختلال به انحراف تبدیل شد، راهکارهای قضایی و تنبیهی هم وجود دارد که ما به آن‌ها

نمی‌پردازیم. اما به نظر می‌رسد در بحث پیشگیری و دادن اطلاعات در مورد کنترل غریزه و تقویت مبادی اخلاقی باید کار کنیم.

تاج‌دینی: جامعه یعنی نظام اجتماعی و رسانه‌ها باید یاد بگیرند در این موارد حرف بزنند. این بی‌حیایی نیست. پدر و مادر آگاه هم باید به فرزندان خود آگاهی بدهند. ما باید اول آسیب‌های جامعه در مورد این غریزه را پیدا کنیم و آگاهانه به راه حل مشکل بیندیشیم.

محمد ناصری، مدیر کل دفاتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی: بخشی از مخاطبان خاص شما کسانی بودند که متأهل هستند. اسلام درباره این قضیه، مبتنی بر فطرت و به درستی عمل کرده است. آقای مطهری به عنوان یک مسلمان صاحب نظر مسائلی را مطرح کرده است و نه در مقام حاکم. اما ما امروز با جامعه مسلمان‌ها طرف هستیم. ما می‌خواهیم مسئله‌ای به نام تربیت جنسی را که در جامعه وجود دارد، از طرف حکومت تعبیر کنیم. کودک، نوآموز، دانش‌آموز، نوجوان و جوان مخاطبان ما هستند و با آن‌ها باید صحبت کنیم. اگر این حرف‌ها را به کودک بزنیم، به این نتیجه می‌رسد که جامعه اسلامی نیست و پدر و مادرش هم کوتاهی می‌کنند. اتفاقاً اسلام درباره غریزه جنسی می‌گوید: اگر بخواهیم

فعلیت بعضی غرایز را خیلی کش بدهیم حد دارد، اما غریزه جنسی یک غریزه بالقوه در انسان است که می‌تواند تا زمانی کش پیدا کند. شاید برای گرسنگی و تشنگی بتوان خیلی محدودتر این کار را کرد. پس ما باید بگوییم امر فطری داریم و امر غریزی. امور فطری باید بر امور غریزی سروری داشته باشند. نوجوان و جوان باید متوجه شود که این امر می‌تواند در کنترل خودش باشد. در این صورت راحت‌تر

حرکت می‌کند.

اگر دانش‌آموز فکر کند که انسان است و غریزه‌ای به نام غریزه جنسی دارد که توانایی اداره آن را تا ۱۰ سال دیگر دارد، جامعه خیلی راحت‌تر حرکت می‌کند. مسیری که ما باید به سراغ آن برویم، این است که غریزه جنسی ضد انسانی نیست. در واقع قدرت انسان است. غریزه جنسی بالقوه‌ای است که فعلیتش مثل غرایز دیگر نیست. ما می‌خواهیم جامعه اسلامی را هدایت کنیم.

تاج‌دینی: این حرف درست که مخاطب ما نوجوان و جوان است. ما چه نوع آموزش‌هایی را باید در نظر بگیریم؟ این هم ربطی به اسلام ندارد. اگر جوان معرفت داشته باشد، احساس می‌کند شهوت در کمالش نیست. در بحث غریزه جنسی، دو عامل کنترل این غریزه در اسلام، نگاه کردن و شنیدن است. من پیشنهاد می‌کنم، افرادی که تا به حال آمده‌اند و صحبت کرده‌اند، در جلسه‌ای فکر کنند که برای کودک چطور مباحث را بیان کنیم.

ناصری: کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم این است که عقل و احساس فرد را تقویت کنیم. اما من می‌خواستم بگویم غریزه جنسی به نظر من اتفاقاً مثل گرسنگی و تشنگی نیست. کنترل غریزه جنسی راحت‌تر از گرسنگی و تشنگی است.



در حوزه روان‌شناسی،
جامعه‌شناسی و
زیست‌شناسی مسائل
جنسی تحقیقات زیادی
در دنیا صورت گرفته
است. مشکل این است
که در جامعه دینی، روی
هر مسئله‌ای دست
می‌گذارید، با این نکته
مواجه هستید که دین
به نوعی در آن مسائل
نظرگاه دارد. قرائت‌های
دینی هم می‌تواند
راه‌گشای حل مسائل
جامعه باشند و هم
می‌تواند مانع ایجاد کنند

چون روش‌ها و نگاه‌ها به سمتی رفته‌اند که همه احساس گناه می‌کنند. به نظر من روش‌ها باید اصلاح شوند و باید مصداقی عمل کنیم. باید شکل‌های شادی را به بچه نشان دهیم و نباید دروغ بگوییم.

محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد

معلم: شما یک نکته درباره بحث هیجان جنسی فرمودید. من می‌خواهم بگویم در خانواده بحث حیا و عفاف مطرح می‌شود. من شهید مطهری را یک عالم دینی می‌دانم که دین را با تمام وجودش شناخته و سعی کرده است، دین را در انطباق با انسان مطالعه کند. کار ما این است که می‌خواهیم مربی دینی شویم. این گزینه چیزی نیست که یکباره خودش را

نشان دهد. غرب در این زمینه موفق بوده است. حرمت تن و مراقبت از خود را در آموزش‌هایش مطرح می‌کند. با توجه به مطالعات شما، آیا می‌توانیم این نیاز را به نحوی پاسخ دهیم؟ از طرف علما این مسیر چگونه طراحی شده است؟ نمونه‌ای که به ذهن من می‌رسد این است که فیلتر کنیم. غرب در این زمینه خیلی جلو رفته است.

تاج‌دینی: من تصور می‌کنم در اسلام امور غایی گفته می‌شوند، ولی روش‌ها از دل علم درمی‌آید. دلیل عقلی خودش یک دلیل اسلامی است. من پیشنهاد می‌کنم که متخصصان در حوزه‌های مختلف کنار هم بنشینند و برای تولید محتوا از آن‌ها مشورت بخواهیم. یکی هم تجربه غربی‌هاست. غربی‌ها دائم خودشان را نقد می‌کنند و این خیلی خوب است. ما می‌توانیم از تجربیات آن‌ها استفاده کنیم. آن‌ها در این زمینه کار کرده‌اند و می‌توانیم جست‌جو کنیم تا روش‌هایشان را یاد بگیریم و از نمونه‌های عینی استفاده کنیم.

تاج‌دینی: فقط ما باید مراقب باشیم که در دام ایده‌آلیسم نیفتیم. افراد در جامعه بسیار متفاوت هستند و ظرفیت‌های گوناگونی دارند. **ناصری:** درست است. ما باید در این موضوع تأمل و توقف کنیم و ورود جدی داشته باشیم، نباید رد شویم. باید ایجاد نگرش کنیم. **تاج‌دینی:** شما امکان دارید که برای گروه‌های سنی متفاوت مطلب تهیه کنید. این موضوع نقشه می‌خواهد.

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد

نوجوان: من فکر می‌کنم پیشنهاد عملیاتی برای مجلات این است که در درجه اول آناتومی و فیزیولوژی بدن را به کودک، نوجوان و جوان بشناسانیم. خیلی از ما حتی بدنمان

را نمی‌شناسیم و چگونگی کار کردن آن‌ها را نمی‌دانیم. ما می‌توانیم به‌طور ملایم و از زاویه علمی به بچه یاد بدهیم. حداقل بهداشت را می‌توانیم مطرح کنیم. ما در آموزش رسمی از مسائل علمی هم فرار می‌کنیم. نکته بعدی این است که باید به این نحو مطالب را آماده کنیم که انسان را در محیطی بدون انحراف فرض کنیم تا بتوانیم آموزش‌های استاندارد را طراحی کنیم. اول باید محتوای مقدماتی را فراهم آوریم.

مجید راستی، سردبیر رشد کودک: تربیت جنسی یکی از موضوعاتی است که بچه‌ها با آن درگیر هستند و ما نمی‌توانیم فقط به این موضوع بپردازیم. در حالی که اگر روش‌ها اصلاح شوند تأثیرگذارتر خواهند بود. در مورد اینکه خانواده، جامعه و آدم‌ها باید شاد باشند، حرفی نیست و پیشنهاد می‌کنم شکل‌های شادی را هم نشان دهیم. کودک این موضوع را می‌فهمد. شادی یعنی چه؟ چطور می‌توان شاد بود؟ نمود و شکل عینی شادی را باید یک بار دیگر مرور کنیم.





محمد مهدی اعتصامی



سید کاظم اکرمی

۱۰۰ شماره در ۲۸ سال

گزارش مراسم نکوداشت یکصدمین فصل‌نامه‌رشد
آموزش قرآن و معارف اسلامی

چهار شماره درمی‌آمد (که همیشه چنین نبود. مثل همین سال ۱۳۹۵ که شماره‌تابستانی آن همراه شما همکاران عزیز همراه نبود) ربع قرن باید قدم از قدم برمی‌داشت تا از ۱ به ۱۰۰ برسد.

محمد ناصری، مدیرمسئول مجلات رشد و مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی دعوت شده است تا به مهمانان خوشامد و «خیرمقدم» بگوید. می‌گوید و آن را با «بود»ها و «باید»ها در مجله درمی‌آمیزد.

به نظر ناصری، مجله در ۱۰۰ شماره رشد کمی و کیفی داشته است: از نظر محتوا، قالب‌های ارائه مطلب، ارتقای بصری و گرافیکی و نظم در توزیع. وی به جایگاه ویژه مجلات عمومی رشد (غیرتخصصی) گریزی می‌زند و می‌پرسد: آیا مجلات تخصصی رشد هم در این جایگاه قرار دارند؟ و می‌خواهد گردانندگان مجله به این موضوع

اول تیرماه ۱۳۹۵ برابر با ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۴۷ ه.ق، در روز میلاد سبط اکبر رسول خدا(ص) و علی مرتضی(ع) و فاطمه زهرا(س)، امام حسن مجتبی(ع)، در سالن اجتماعات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، جمعی گرد آمده‌اند که نشست آنان در کنار هم اتفاق کمیابی است. این اتفاق خوش‌یمن را باید حاصل همگرایی اندیشه و قلم دانست. اندیشه و قلم همکاران فرهنگی که تراوش‌های فکری‌شان در ۱۰۰ شماره فصل‌نامه‌رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی تجلی یافت.

برای اینکه چنین مجله‌ای گام در خانه شماره ۱۰۰ بگذارد، حداقل ۲۵ سال باید صبر کرد؛ زیرا باید در قالب فصل‌نامه حرکت می‌کرد و اگر در هر سال

م‌حی‌الدین بهرام محمدیان



محمد رضا دهدست



سید محسن میرباقری



تیولفر هادوی



بیندیشند که: فصل‌نامهٔ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی چقدر خوانده می‌شود؟ آیا به پرسش‌ها پاسخ لازم را می‌دهد؟ آیا جریان‌سازی می‌کند؟ و آیا تا آن حد در دل مخاطبان جا باز کرده است که اگر روزی روزگاری فتیلهٔ روشنش را پایین بکشند خاموشش کنند، دلی برای این خاموشی و قطع ارتباط بتپد؟! مدیرمسئول خواستار تجدیدنظر در شیوهٔ مواجهه با چالش‌های موجود و حمله‌هایی می‌شود که در این روزگار گریبان حوزهٔ معارف اسلامی را گرفته است: «باید حرف بزنی، اما حرف جذاب بزنی. با زبان مخاطب باید حرف بزنی و به نیازهای واقعی مخاطبان بیش از پیش باید توجه کنیم.»

ناصری سرانجام گفت: «شرایط چنین فضایی در مصاحبهٔ رئیس محترم سازمان، حجت‌الاسلام محمدیان، در شمارهٔ ویژهٔ این فصل‌نامه (شمارهٔ ۱۰۰) طرح شده است.» ما هم از فرصت استفاده می‌کنیم. همکارانی که

ذائقه‌شان با این سخن مدیرمسئول تحریک شده است، به گفت‌وگوی ما با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان با عنوان «مجلهٔ رشد باید از برنامهٔ درسی پشتیبانی کند» که در صفحه‌های ۶ تا ۱۲ ویژه‌نامهٔ یکصدمین شماره چاپ شده است، رجوع بفرمایند.

سخنران بعدی، روزگاری (۱۳۶۷-۱۳۶۳) وزیر آموزش و پرورش بوده و یک‌سال (پاییز ۱۳۷۴ تا پاییز ۱۳۷۵) در جایگاه سردبیری فصل‌نامهٔ رشد آموزش معارف نشسته است. وی کسی جز دکتر **سید کاظم اکرمی** نیست. دکتر اکرمی ضمن تشکر از دوستان و همکاران برای برگزاری چنین مجلسی یادآوری می‌کند، وظیفهٔ مجله تبیین آیهٔ قرآنی «قد تبین الرشد من الغی» است.

به نظر وی، «رشد» و «غی» امروز با «رشد» و «غی» زمانی که ایشان تحصیل می‌کرد، تفاوت دارد. نسل امروز

روی مسائل انسانی و حل مشکلات انسان تأکید دارد. دکتر اکرمی معتقد است، اگر مجله رشد آموزش قرآن و معارف می‌خواهد روی مخاطبان اثر بگذارد، باید مخاطب‌شناسی باشد. باید به روانشناسی مخاطبان و نسل جوان توجه کند و دریابد که این نسل به چه چیزهایی می‌اندیشد. وی با این پرسش که در چند دهه اخیر تا چه حد به تربیت و پرورش معلم قرآن و علوم دینی پرداخته‌ایم، از دیدگاه خود چنین پاسخ داد که معلم خوب خیلی داریم، ولی بسیاری از معلمان برای این حوزه آموزشی مناسب نیستند. باید روی آموزش معارف اسلامی به کودک، نوجوان و جوان سرمایه‌گذاری کرد.

مهندس **محمدعلی سادات** که در شکل‌گیری مجله رشد آموزش معارف نقش داشته است و از پیش‌کسوتان در تألیف کتاب‌های دینی و قرآن در آموزش و پرورش است، پشت تریبون قرار می‌گیرد. وضعیت دوران خویش را تلگرافی باز می‌گوید: «در اوایل کار شورایی تشکیل شد. حواس خود را روی تألیف کتاب متمرکز کردیم. دریافتیم در کنار تألیف کتاب باید فکری برای معلم هم بکنیم. بعد به این نتیجه رسیدیم که لازم است مجله‌ای به‌عنوان تریبون معلمان چاپ و منتشر شود تا به‌ویژه، به روش‌های تدریس درس دینی بپردازد. برای سازماندهی معلمان این درس، ستاد درس دینی و قرآن تشکیل دادیم.»

به‌نظر مهندس سادات، معلم دینی باید از شخصیت و موقعیت خاصی برخوردار باشد. او هنوز هم باور دارد که مجله باید بیشتر به معلمان بپردازد. باید بررسی کند که چند درصد معلمان این درس کارآموده و مفیدند و چند درصد

برای تدریس این درس شرایط لازم را ندارند. وی با تأکید می‌گوید: «همگان از درس دینی و قرآن انتظارهایی دارند که از درس‌های دیگر ندارند.»

دکتر **سیدمحسن میرباقری** که زمانی سردبیر رشد مجله رشد قرآن بوده است، ۱۰ دقیقه فرصت را غنیمت شمرد و در سخنانی مهمترین و از بعدی عمومی‌ترین وجوه اندیشه انسان‌گرایانه (اومانیسم) غربی را گوشزد کرد که در مقابل اندیشه توحیدی اسلامی قرار می‌گیرد. سخنران یادآوری کرد که باید آموزش‌های ما در مدارس براساس فرهنگ توحید و خدامحوری باشد. دکتر میرباقری از سوره لقمان در قرآن کریم یاد کرد که در این سوره ۱۰ دستور آموزش توحیدی آمده و از جمله لقمان، فرزندش را از هر گونه شرک برحذر می‌دارد. وی اکنون در دانشگاه فرهنگیان تدریس می‌کند.

سخنران چهارم، **حجت‌الاسلام محمدرضا دهدست**، مؤلف و معلمی از شهرری است. وی شسته و رفته یادداشت‌های خود را برای بهبود کیفی مجله در چند بند مرور کرد: ۱. قرآن باید محور حرکت فرهنگی قرار گیرد؛ ۲. سختگیری در مجله در آن حد باید باشد که نوشته‌های بدون کیفیت که حرفی برای گفتن ندارند، چاپ نشود تا از وزانت مجله کاسته نشود؛ ۳. ضمن طرح شبهه باید پاسخ‌ها مستدل باشند، نه اینکه طرف را ساکت کنند؛ بلکه باید قانع‌کننده باشند؛ ۴. باب کردن **سخنان آیت‌الله جوادی آملی** سبب خوشحالی شد؛ ۵. در یک سیستم تعریف شده مجازی، از مقالات مجله سؤال‌هایی استخراج شود تا معلمان

بنفشه عمومی



محمد ناصری



محمد علی سادات



غلامعلی حداد عادل



به آن‌ها پاسخ دهند. هدف از این کار، ایجاد انگیزه برای ارتباط مجله با فرهنگیان است؛ ۶. باید برای معرفی مجله در سطح عمومی، به‌ویژه در آموزش و پرورش، بیشتر تبلیغ و اطلاع‌رسانی شود تا مجله در غربت نماند.

مهمانی از اصفهان نیز در جمع حضور دارد. او از دبیران فعال دینی، قرآن و عربی به‌شمار می‌رود. **نیلوفر هادوی** با اشاره به کیفیت رو به بهبود مجله پیشنهاد می‌کند

که در هر استان، اتاق فکری تشکیل شود تا با توجه به فرهنگ هر منطقه و رایزنی با معلمان، مشکلات و شبهه‌های اعتقادی بین معلمان و دانش‌آموزان رصد شوند. این اتاق فکر به‌عنوان حلقه وصل بین معلمان و دانش‌آموزان با هیئت تحریریه مجله عمل خواهد کرد و تجربه‌ها، ایده‌ها و پیشنهادهای نو را به دفتر مجله خواهد فرستاد. پیشنهاد

اکرمی: اگر مجله رشد آموزش قرآن و معارف می‌خواهد روی مخاطبان اثر بگذارد، باید مخاطب‌شناسی باشد. باید به روانشناسی مخاطبان و نسل جوان توجه کند و دریابد که این نسل به چه چیزهایی می‌اندیشد

دیگر وی ایجاد بانک سؤال‌های خلاقانه است. این سؤال‌ها را دبیران از پیام‌های قرآن، معارف و عربی، به‌عنوان سؤال‌های پرکاربرد، طرح خواهند کرد.

خانم هادوی می‌خواهد در هر شماره از مجله، حداقل یک شبهه مطرح و ضمن پاسخ درست به آن، از خاطرات و تجربه‌های سازنده و مفید معلمان نیز در زمینه شبهه‌زدایی در همان مورد خاص استفاده شود.

وی خواستار درج خلاصه گزارش دوره‌های ضمن خدمت (دانش‌افزایی) همکاران در مجله است. به اعتقاد وی، در این دوره‌ها نکات خوب و مفیدی ارائه می‌شوند. این معلم با سابقه درس دینی و قرآن و عربی در اصفهان، از نرسیدن مجله به نقاط دور دست استان‌ها شکوه دارد و می‌گوید، همکاری از نقاط دور دست استان تماس می‌گیرند که چرا مجله رشد آموزش قرآن و معارف به ما



ناصری: باید حرف
بزنیم، اما حرف جذاب
بزنیم. با زبان مخاطب
باید حرف بزنیم و
به نیازهای واقعی
مخاطبان بیش از پیش
باید توجه کنیم

رشد قرآن و معارف اسلامی توانسته است در
ظرف سال‌های متمادی، خط مشی فکری
و اصیل خود را صددرصد دنبال کند. این
خط‌مشی از تفکرات اندیشمندان و حضرت
امام خمینی برخاسته است.»

وی این خط‌مشی را در نگرش عقلانی به
دین، اجتماع‌گرایی دینی، توجه به مقتضیات
زمان و تحولات اجتماعی، عدالت‌گرایی و حفظ اصول انقلاب
اسلامی و انقلابی‌گری جمع‌بندی کرد و آن‌ها را ارکان اصلی
دانست و به موارد جزئی‌تر، از جمله استفاده از مقالات
معلمان و ارتباط دوجانبه میان تحریریه و مخاطبان هم
اشاره کرد. وی کسی جز **دکتر محمد مهدی اعتصامی**،
سردبیر کنونی مجله، نیست.

گوینده بعد گرد آمدن همه خوبان در یک جمع را غنیمت
می‌شمرد. پس چنین لب به سخن می‌گشاید: «روز خوب
(میلاد امام حسن (ع))، ماه خوب (رمضان المبارک)، جای
خوب (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)، مناسبت
خوب (جشن صدمین شماره مجله) و دوستان خوب»
جمع‌اند. و ادامه می‌دهد: «بعد از ۲۷ سال، به بارنشستن
«کلمه طیبه» را شاهدیم. پس باید «نعمت رب» را شاکر
باشیم که به برکت انقلاب اسلامی، خون شهدا و رهبری
امام بزرگوار این وضعیت فراهم شد. این نکته‌ها را در سال
۱۳۶۷، بنیان‌گذار فصل‌نامه رشد آموزش معارف اسلامی،
دکتر غلامعلی حداد عادل، بیان می‌کند. هم او که از سال
دوم انتشار مجله (۱۳۸۶) نام وی در شناسنامه مجله با عنوان
سردبیر ثبت شد. دکتر حداد عادل در ۱۰ دقیقه فرصت

نمی‌رسد. برگزاری مسابقه بر خط (online)
از مقالات خوب مجله، خواسته دیگر ایشان
بود. (همکاران برای آشنایی با آرای تفصیلی
خانم نیلوفر هادوی به صدمین شماره مجله و
صفحه‌های ۱۹ تا ۲۴ مراجعه کنند.)

در ادامه، حاضران از اصفهان به تهران باز
می‌گردند و پای پیشنهاد و انتقادهای **بنفشه**

عمویی (سرگروه دینی و قرآن شهر تهران) می‌نشینند. وی
با اشاره به مواردی که همکارانش گفته‌اند، می‌گوید: صحبت
و تصویر همکاران موفق در مجله کم است، اما افراد خاص
تکرار می‌شوند.

- انتشار قالب کاغذی مجله باید ادامه یابد و از فضای مجازی
مثل تلگرام در حد بارگذاری عناوین استفاده شود.

- برخی از مطالب و عناوین کتاب درسی مثل حجاب،
خمس و ولایت فقیه، چالش برانگیزند. خوب است در این
زمینه‌ها میزگردهایی برگزار شوند.

- نباید از پرداختن به خرافات موجود در جامعه پرهیز کرد.
- در فصل امتحان‌ها، سؤال‌های خوب درسی در مجله چاپ
شود.

- اطلاع‌رسانی و تبلیغ درباره مجله کم است. تعهدات خرید
برخط (online) از طرف همکاران تدارک شود. بسیاری از
معلمان از وضعیت مجله اطلاعی ندارند.

- کتاب سال دهم، به دلیل تازه تألیف بودن، حاوی
موضوع‌های چالش برانگیز است. آرای همکاران خواسته و
در مجله چاپ شود.

نکته اصلی و کلیدی سخنران بعدی این بود: «مجله

خود، بر اهمیت روش تدریس و ضعف موجود آن تأکید می‌کند و می‌گوید: «تا در روش آموزش پیشرفت نکنیم، در علم پیشرفت نمی‌کنیم». وی با بیان سیر تاریخی درس‌های دینی و قرآن، آن را از درس‌های مظلوم و در حاشیه و درس غیرقابل توجه در حکومت شاهنشاهی ارزیابی می‌کند. در همین حال، افرادی که به صورت تعهد شخصی به این درس پرداخته‌اند نیز ذکر خیر می‌کند. بعد به تحولات این حوزه پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد و می‌خواهد که به روش تدریس در دانشگاه فرهنگیان عنایت جدی بشود.

بانی و اولین سردبیر رشد آموزش معارف می‌گوید: «نیت ما این بود که در مجله مسائل واقعی آموزش دینی مطرح و برای تدریس آن‌ها راه‌حلی پیدا شود». وی تأکید دارد، «هر اندازه از عقلانیت دینی فاصله بگیریم، راه را برای سکولاریزم باز کرده‌ایم.» او توجه همه‌جانبه در آموزش بچه‌ها با این رویکرد را مهم می‌داند و وظیفه مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی را از دیگر مجلات رشد سنگین‌تر ارزیابی می‌کند و دلیل خود را چنین بیان می‌کند که اساس کار ما در این مجله «درس دینی» است. او کمال جمهوری اسلامی را منوط به سروسامان دادن به این درس اعلام می‌کند.

دکتر حداد عادل، تولید و تألیف و انتشار یک موضوع و توزیع مجله را موضوع مسئله‌دار دیگر می‌داند و به‌درستی یادآوری می‌کند: «اگر توزیع درست نشود، باعث ورشکستگی می‌شود.» وی از همکاران مجله می‌خواهد همزمان با دغدغه تألیف و تولید، دغدغه توزیع هم داشته باشند تا تولیدات در انبارها نماند و به‌دست معلم‌های ما در آذربایجان و بندرعباس برسد. وی بار دیگر بر «ایجاد شبکه توزیع برای انتشارات» انگشت تأکید می‌گذارد.

جلسه صدمین شماره مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی با سخنان میزبان اصلی یعنی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، حجت‌الاسلام دکتر **محمی‌الدین بهرام محمدیان**، پایان می‌یابد. وی بحث معارف اسلامی و قرآن کریم را دارای اهمیت ویژه می‌خواند و می‌افزاید: «اما در مقام عمل، چنانکه باید بدان توجه نمی‌شود.» وی حدیثی از **امام‌رضا (ع)** را روایت می‌کند که در آن امام همام (ع) رحمت خدا را شامل حال کسانی دانست که امر اهل بیت (ع) را احیا کنند. حضرت، امرشان را نشان دادن زیبایی‌های کلامشان اعلام و اضافه می‌کند: «اگر مردم به زیبایی‌های کلام ما پی ببرند، حتماً از آن‌ها پیروی می‌کنند.» دکتر محمدیان شناخت نیازها و مقتضیات روز و تدارک پاسخ‌های مناسب برای این نیازها را لازمه کار و پیشرفت در آن می‌داند و می‌گوید: «رشد شبهه‌ها، نشانگر زمان‌ناشناسی ماست.»

وی بر آشنا کردن نسل جوان (دانش‌آموزان) با پدیده‌های نو اشاره کرد و این کار را برعهده دانایان می‌گذارد و می‌افزاید: «در آموزش معارف اسلامی، قرآن باید مبنا و محور کار باشد.» وی خواستار پشتیبانی مجله از برنامه درسی ملی و معلمان و پیگیری روش‌های آموزشی در آن می‌شود.





۱۰۰ ایستگاه در ۲۶ سال

ویژه‌نامه انتشار صدمین شماره مجله رشد برهان ریاضی متوسطه ۲

با مدیریت انتشارات که در آن زمان **عبدالعظیم فریدون** بود، مطرح کرد و موافقت ایشان نیز جلب شد. البته براساس سلسله مراتب، طرح تولید این مجله ریاضی دانش‌آموزی را با مدیرکل وقت دفتر «انتشارات کمک‌آموزشی»، مهندس **چینی‌فروشان** در میان گذاشتم که ایشان با انتشار چنین مجله‌ای کاملاً موافق بود. حتی جای خالی چنین مجله‌ای با مخاطب دانش‌آموز را گوش‌زد و خاطرنشان کرد که از سال ۱۳۵۶ که «مجله ریاضی یکان»، به سردبیری مرحوم **زنده‌یاد دکتر مصحفی** تعطیل شد، تاکنون مجله ریاضی برای مخاطب دانش‌آموز منتشر نشده است و چاپ این مجله را یک رسالت فرض کرد. خیلی سریع هم مجوز چاپ آن را پس از کسب اجازه از رئیس «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» آن زمان، یعنی **دکتر حداد عادل**، صادر کرد. تا شماره ۳۶ این مجله، در انتشارات مدرسه تولید شد، اما از شماره ۳۷ تاکنون زحمت تولید آن به دوش عزیزان «دفتر

انتشار شماره صد در هر نشریه‌ای، نقطه عطفی به شمار می‌رود و یادآور تجربه‌ها و خاطره‌های شیرین و تلخ بسیاری است که در مسیر طی شده و در فضای آن نشریه گذشته است.

مجله رشد برهان ریاضی متوسطه ۲، از جمله نشریاتی است که در شماره شش سال ۱۳۹۵ به شماره طلایی ۱۰۰ رسیده است. این بهانه‌ای شد تا با مجموعه‌ای از یادداشت‌های دست‌اندرکاران و مخاطبان مجموعه، این اتفاق مبارک را به نحو شایسته‌ای یادآور شویم.

در سال ۱۳۶۹، یعنی حدود ۲۶ سال پیش، جرقه راه‌اندازی یک مجله ریاضی در ذهنم زده شد و این فکر اولیه را با معاون تولید وقت «انتشارات مدرسه»، **آقای برادری** در میان گذاشتم و ایشان استقبال کرد. بلافاصله موضوع را

کارنامه‌ای بس در خشان



ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی «رشد برهان ریاضی» که برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم منتشر می‌شود، به صدمین شماره خود رسیده است. جا دارد به‌همین مناسبت یکی از دست‌اندرکاران محترم، تاریخچه و فراز و نشیب‌های این مجله پرآوازه را بنویسد و چاپ و منتشر کند. نویسنده که افتخار آشنایی با سردبیر محترم مجله و مدیر داخلی آن و بسیاری از اعضای فرهیخته هیئت تحریریه را دارد و گه‌گاه که به شماره‌ای تازه از مجله دست می‌یابد، ضمن توجه به ظاهر جذاب آن، روی برخی از مقالات تعمق می‌کند، کارنامه این بزرگان را بس درخشان می‌داند و به تک‌تک آنان درود می‌فرستد. همچنین کارهای ارزنده بزرگانی چون استاد دکتر پرویز شهریاری را می‌ستاید و یاد و خاطره ایشان را گرامی می‌دارد.

۱۰۰ شماره، هر شماره حدود ۵۰ صفحه و هر صفحه حدود ۵۰۰ کلمه و نماد! آن‌ها که با کار نشر سروکار دارند، همت بلند این نویسندگان زبردست و شیفتگان ترویج علم و ریاضیات را ارج می‌نهند و تداوم تلاششان را آرزو می‌کنند.

دکتر مهدی بهزاد
چهره ماندگار ریاضی ایران

انتشارات و تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش و پرورش» بوده است. دلیل این انتقال نیز توانمندی‌های حرفه‌ای و تخصصی این بزرگواران در کار تولید نشریه بود. بخش‌های گوناگون دفتر انتشارات از لحظه آماده‌سازی پرونده خبر مجله توسط هیئت تحریریه تا زمان چاپ و توزیع نهایی، قدم به قدم در کنار ما و پشتیبان ما بوده‌اند که جا دارد مراتب سپاس خود و همکارانم را از این یاران همیشگی اعلام دارم. در طول چند سال اخیر، عزیزان و سرمایه‌هایی را از دست داده‌ایم؛ بزرگ‌مردانی که ریاضیات و آموزش ریاضی در کشور مدیون آن‌ها بوده و هست. زنده‌یاد دکتر پرویز شهریاری، زنده‌یاد دکتر احمد شرف‌الدین و زنده‌یاد دکتر عبدالحسین مصحفی، از جمله یارانی بودند که از فیض حضور ایشان محروم شدیم. حضور دوستان و استادانی که در طول این ۲۶ سال در کنارشان بوده و از راهنمایی‌هایشان بهره برده‌ایم و همچنان باعث دلگرمی هستند، به‌خصوص دکتر غلامرضا یاسی پور، استاد احمد قندهاری، استاد محمدهاشم رستمی و استاد محمدرضا هاشمی موسوی را بسیار گرامی می‌دارم و قدردان این حضور بابرکت و مؤثر ایشان هستم.

همچنین، بودن در کنار استادان و دوستان صدیقی که از میانه راه به جمع ما پیوسته‌اند و با ایثار و علاقه در امور مجله ما را یاری می‌کنند، برایم مایه افتخار است. میرشهرام صدر، هوشنگ شرقی، دکتر ابراهیم ریحانی، دکتر محرم نژاد ایردموسی، حسین کریمی، محمود داورزنی، احسان یارمحمدی و... یاران و همراهانی هستند که به وجود همگی آن‌ها و حضورشان در هیئت تحریریه مباحثات می‌کنم.

حمیدرضا امیری
سردبیر مجله

برهان مجله‌ای پاینده و پویا



وقتی آقای شرقی، مدیر داخلی مجله، به بنده فرمود برای صدمین شماره مجله «رشد برهان ریاضی» مطلبی کوتاه بنویس، دود از سرم بلند شد! دیدم ۲۵ سال از عمر عزیزمان را چون باد صحرا و نسیم سحرها گذرانده‌ایم.

دیدم از روزی که سردبیر محترم از استاد رستمی و بنده و آقای سیدموسوی دعوت به عمل آورد و موضوع انتشار مجله‌ای ریاضی را مطرح کرد، ۲۵ سال گذشته است.

دیدم حاصل این ۲۵ سال صرف وقت، ۹۶ شماره مجله‌ای به نام برهان است. سردبیر عزیز علاوه بر این، اظهار داشت قصد دارد از استاد پرویز شهریاروی نیز دعوت به عمل آورد که با ما همکاری کند تا به این طریق از تجربیات گران‌بهای ایشان نیز در نشر مجله بهره ببریم. چنین شد و ما در این سال‌های متمادی از دانش و تجربه این مرد شریف استفاده‌ها بردیم و بهره‌ها گرفتیم.

در این سال‌ها کسانی از هیئت تحریریه رفتند و افرادی دیگر آمدند، اما مجله همچنان راه خود را پیمود. امروز دیگر استاد در میان ما نیست و به رحمت ایزدی پیوسته است. اما آثارشان همچنان فایده‌بخش‌اند و آقای امیری عزیزمان نیز چون روزهای اول، همچنان پویا و تواناست. به جرئت می‌توانم بگویم، اگر آن استاد پیر و این سردبیر جوان نبودند، مجله چنین پا نمی‌گرفت و ادامه نمی‌یافت.

غلامرضا یاسی پور
عضو هیئت تحریریه مجله

برهان گنجی گر انمايه!



از آن هنگام که خودم را شناختم، فهمیدم به نوشتن تعلق خاطر دارم و این را از تشویق معلمانم در درس ادبیات و انشا بیشتر متوجه می‌شدم. اما نخستین مطلبی (مقاله‌ای) که درباره ریاضیات نوشتم، داستانی دیگر دارد و روایت آن به سال ۱۳۶۹،

یعنی ۲۶ سال قبل برمی‌گردد. آن زمان، جمعی از دوستان علاقه‌مند به ریاضی بودیم که در گروه‌های آموزشی اداره منطقه ۱۰ آموزش و پرورش تهران فعالیت می‌کردیم و با حمایت مسئول این بخش - که از مسئولان فعلی مجله «رشد» است - نشریه‌ای دست‌نویس را در چند صفحه منتشر می‌کردیم و اسمش را هم گذاشته بودیم: «چرتکه» که گاهی بچه‌ها به طنز می‌گفتند: «چرتکه که!»

من اولین مقاله ریاضی‌ام را در همان نشریه (که بیشتر از چهار شماره دوام نیاورد) به چاپ رساندم (معادله درجه سوم و کلیدی دیگر). با وجود آنکه کیفیت چاپ و نگارش و طراحی مجله بسیار ابتدایی بود، ولی اولاً مطالب آن درخور اعتنا بود و ثانیاً استقبال بسیار خوبی هم از طرف دانش‌آموزان منطقه و حتی منطقه‌های مجاور از آن به عمل می‌آمد که البته بیانگر حقایق بسیاری است.

بعد از آنکه آن جمع و نشریه‌شان از هم گسست، اشتیاق من برای پیوستن به یک مجله ریاضی و ادامه آن کار ناتمام، صدچندان شد. در همان سال‌ها بود که با «مجله یکان» که توسط مرحوم عبدالحسین مصحفی و در فاصله سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۲ منتشر می‌شد، آشنا شدم و نسخه‌هایی از آن را دیدم و این سؤال بزرگ برایم پیش آمد که: چرا بعد از این همه سال نباید یک ماهنامه ریاضی ثابت و فراگیر در کشور ما منتشر شود؟

مجله یکان را پر کند.

بعد از تلاش‌هایی که طی بیش از دو دهه انجام گرفت و به یاری خدای منان و لطف مسئولان «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» وزارت آموزش و پرورش، بالاخره این آرزو از مهرماه سال گذشته محقق شد. اکنون یک آرزوی دیگر دارم و امیدوارم روزی را ببینم که یک مجله ریاضی کثیرالانتشار در پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها عرضه شود و مانند یکان، دانش‌آموزان برای رسیدن آن لحظه‌شماری کنند، برای خریدن آن صف بکشند و چه بهتر که نام آن **برهان** باشد! به امید آن روز و به امید انتشار دویستمین شماره برهان!

هوشنگ شرقی

مدیر داخلی و عضو هیئت تحریریه مجله

پی‌نوشت‌ها.....

۱. قبل از انقلاب، وقتی کلاس اول راهنمایی بودم، دبیر ادبیات‌مان که علاقه‌ای وافر بین ما بود، نوشتن انشایی با عنوان «می‌خواهید در آینده چه کاره بشوید؟» را به ما تکلیف کرد. انشایی نوشتم که به عنوان بهترین انشای آن دوره انتخاب شد و در آن نوشتم که می‌خواهم در آینده، معلم و نویسنده شوم!
۲. روزنامه شرق، ویژه‌نامه سالگرد درگذشت زنده‌یاد پرویز شهریاری، شماره ۱۷۳۰، یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۲، صفحه ۸، با عنوان «کسی که مثل هیچکس نیست!»

مجله همانی است که انتظار می‌رفت

مجله «رشد آموزش ریاضی» در شکل سابق - در طول سردبیری دکتر **مدقالچی** - توانسته بود نیازهای درسی و فرهنگی بخش وسیعی از دانش‌آموزان، دانشجویان و دبیران علاقه‌مند به این رشته را تا حدود



به‌همین خاطر بود که وقتی در همان ایام و از سال ۱۳۷۰ انتشار مجله «رشد برهان ریاضی» به همت آقای امیری و دوستان دیگر آغاز شد، بی‌نهایت مسرور شدم. به‌خصوص وقتی نام آشنای استاد **پرویز شهریاری** را هم در میان همکاران مجله دیدم، خوشحال‌تر شدم و کوشیدم با مجله و نیز با استاد شهریاری ارتباط برقرار کنم. حاصل این تلاش، آن‌گونه که در ویژه‌نامه یکی از روزنامه‌ها که برای یادبود استاد منتشر شد، گفته‌ام^۱، رسیدن به استاد و مجله برهان و عضویت در هیئت تحریریه آن در سال ۱۳۷۵ بود. نخستین مقاله‌ام در برهان ۲۷ را هرگز فراموش نمی‌کنم: «معماهایی با ماهیت ریاضی» که به جد باور دارم، از بهترین مقاله‌هایی است که در تمام این سال‌ها نوشته‌ام. در این ۲۰ سالی که در هیئت تحریریه برهان بوده‌ام، همواره (چه آن هنگامی که عضو هیئت تحریریه بودم، و چه در این چند سال اخیر که مدیر داخلی مجله هم بوده‌ام) مجله برهان را یکی از عزیزترین داشته‌هایم دانسته‌ام و از اینکه می‌دیدم در بعضی محافل خاص، گاهی عده‌ای از سر حسادت یا نادانی، به این مجله و ساحت آن بی‌حرمتی کرده‌اند، سخت برافروخته می‌شدم. چرا که باور داشته‌ام، وجود یک مجله ریاضی در کشور، حتی با شمارگان اندک، و حتی اگر باعث تحول فقط یک نفر (دانش‌آموز، معلم و یا...) بشود و او را به رشته ریاضی علاقه‌مند کند، مغتنم است و به توسعه فرهنگ علمی ایران عزیز ما کمک می‌کند. چه رسد به مجله‌ای که بسیاری از فرهیختگان عرصه فرهنگ به تناوب در آن قلم زده‌اند، که زنده‌یاد شهریاری گل سرسبد آنان بود. من به راستی به او و راه و رسمش دل بسته بودم.

از ابتدای تولد برهان، که بخشی از آرزوهای ما را در ایجاد یک نشریه ثابت ریاضی برآورده کرد، آرزوی دیگر من این بود که روزی برهان ماهنامه شود و جای خالی

کارهای آقای شرقی ستودنی است) مصاحبه با فرهنگیانی که تجربه‌هایی در تعلیم و تدریس دارند، بخشی از مطالبی هستند که به غنای هرچه بیشتر مجله کمک می‌کنند.

ابراهیم دارابی
نویسنده و مترجم

من و برهان؛ هم سابقه‌ایم!

در زمستان سال ۱۳۷۰، مجله‌ای ریاضی را در پیشخوان کتابفروشی معتبر شهر دیدم که گویا جرعه آبی باشد برای تشنه‌لبان! مجله ریاضی «برهان» (برای دانش‌آموزان دبیرستان) - شماره ۱ - در قطع ۲۰ در ۲۵ با جلدی مقوایی در ۸۴ صفحه به قیمت ۳۰۰ ریال. یادم نمی‌رود که شاید یک ساعت ایستادم و تمام مجله را در کتابفروشی برگ به برگ ورق زدم. تا به امروز برهان ربع قرن همراه و همدم معلمی من بوده است! «من و برهان، هم سابقه‌ایم!» و اینک خدا را سپاس که برهان همچنان و پس از ۲۵ سال برپاست و انتشار صدمین شماره خود را جشن می‌گیرد. به سردبیر سخت‌کوش، مدیران داخلی (از ابتدا تاکنون)، اعضای تحریریه و دیگر نویسندگان و خوانندگان باوفای برهان، انتشار صدمین شماره مجله را تبریک می‌گویم. امیدوارم قلم‌هایی که در این راه قدم برداشته‌اند از جوهر عشق لبریز و در تب انتشار دانش و معرفت همچنان بی‌تاب باشند. خدا قوت!

عنایت‌الله راستی‌زاده
دبیر ریاضی شیراز



زیادی برطرف کند. من در دوره سردبیری دکتر مدقالچی و چند ماه قبل از ایشان، افتخار همکاری با این مجله را داشتم.

با تغییر سردبیری مجله، از دید من محتوای مطالب مندرج در مجله تغییر کرد. مقاله‌های ریاضی و مسائل ریاضی که پیشتر جنبه کاربردی داشتند، جای خود را به مقاله‌های پیشتر آموزشی سپردند و با این تغییر و به تبعیت از این تغییر، مخاطبان و خوانندگان مجله هم به باور من تا حدودی تغییر کردند.

جای خالی مجله رشد آموزش ریاضی با سبک و سیاق سابق در جامعه فرهنگی درگیر با تدریس و مطالب مورد نیاز دانش‌آموزان، دانشجویان و دبیران مشغول تدریس کاملاً احساس می‌شد و علاقه‌مندان به این رشته چشم به راه مجله‌ای مانند «یکان» و مجله رشد آموزش ریاضی سابق بودند که ناگهان از پی این انتظار مجله «رشد برهان ریاضی» یکباره طلوع کرد!

انتشار اولین شماره و شماره‌های بعدی برهان نشان داد که مجله همانی است که انتظار می‌رفت. با این تفاوت که این مجله ویژگی‌های دیگری نیز دارد که مجله سابق رشد آموزش ریاضی تقریباً فاقد آن‌ها بود.

سردبیر، مدیر داخلی و هیئت تحریریه مجله همه کسانی هستند که مستقیماً با دانش‌آموزان، دانشجویان و دبیران علاقه‌مند به این رشته در ارتباط‌اند و با دیدی بازتر، نه تنها جای مجله رشد آموزش ریاضی سابق را پر کرده‌اند، بلکه با نوآوری‌های بکر و جدید هرچه بیشتر به غنای محتوای مجله افزوده‌اند.

درج و انتشار مقاله‌های تکمیلی برای مباحث ریاضی که در کتاب‌های درسی نارسا و یا ناقص آورده شده‌اند، بازی‌های ریاضی، لطیفه‌های ریاضی، ایستگاه اندیشه، طرح مسائل مسابقه‌ای، پرسش‌های پیکارجو (در این مورد

من با مجله برهان بزرگ شده‌ام



برای من سخن گفتن از مجله برهان کار خاطره‌انگیزی است. چون اگر گزاف نباشد، می‌خواهم بگویم: «من با مجله برهان بزرگ شده‌ام». این بزرگ شدن هم از نظر سنی، هم از نظر آموزشی و هم از نظر خاطرات است. بنابراین برای اعتلای هرچه بیشتر مجله برهان پیشنهاداتی دارم:

۱. توجه به نگرش‌های جدید آموزشی در ریاضیات و مکاتب نوین. مکتب «مهارت‌های حل مسئله»^۱ از جمله این مکاتب است که مبتنی بر آموزش مهارت‌ها برای یافتن راه‌حل مسئله است و نه ارائه حل مسئله. صدای این مکتب باید بسیار پرطنین در برهان نواخته شود.

۲. ارائه شیوه‌های ارزشیابی نوین که معلومات‌سنج باشد نه محفوظات‌سنج.

۳. ارائه آموزش‌های نظام‌مند (سیستماتیک) ریاضی شامل اثبات‌های بدون کلام، کاریکاتورها، طرح‌واره‌ها، هندسه و جبر، جدول و نمودار، و مقایسه آن‌ها. این موارد باید پای ثابت نشریه وزین برهان باشند.

۴. ارائه روش‌های صحیح مطالعه ریاضیات. استاد شهر یاری گاه مقالاتی در زمینه روش‌های صحیح مطالعه ریاضی داشت با عنوان «شما هم می‌توانید در درس ریاضی خود موفق باشید»، و یا آقای امیری در زمینه‌های تمرکز در مطالعه، چند توصیه کلیدی در قسمت «حرف اول» بیان می‌کرد. این بخش باید با استفاده از همکاری مشاوران محترم آموزشی و استادان به شکل تازه‌ای ارائه شود. مثلاً: جزوه‌محوری بلی یا خیر؟ نت‌برداری در کلاس درس چگونه باید باشد؟ آیا مطالعه ریاضی هوش ویژه نیاز دارد یا خیر؟ و... بعضی از همکاران هستند که

لیسانس ریاضی دارند، اما در رشته مشاوره فوق لیسانس یا دکترا گرفته‌اند. کمک گرفتن از این دوستان باعث غنای مبحث «روش مطالعه صحیح ریاضیات» می‌شود. آموزش شگردهای موفقیت در ریاضیات یکی از مهم‌ترین مسائلی است که مورد غفلت واقع شده است.

۵. استفاده از ادبیات در آموزش ریاضی. بهره‌گیری از کاریکلماتور، شعر آموزشی ریاضی، تفسیر شعرها با دیدگاه ریاضی، چیستان و داستان‌واره‌ها باید توسط تیمی ترکیبی و حرفه‌ای از شاعران، ریاضی‌دانان و پیشکسوتان انجام پذیرد و پای ثابتی در مجله باشد.

۶. استفاده از فناوری، فناوری اطلاعات و ارتباطات و نرم‌افزارهای ریاضی در آموزش ریاضی. گاه صفحات قابل توجهی از نشریه به معرفی فلان نرم‌افزار اختصاص داده می‌شود. این کار یک نشریه حرفه‌ای نیست. چون آموزش این نرم‌افزارها در چند صفحه امکان‌پذیر نیست و آشنایی کم هم ارزشی ندارد. ما به محصول خروجی این نرم‌افزارها نیاز داریم تا به ما کمک کند، مفاهیم ریاضی را بیاموزیم. بجاست بهترین نرم‌افزارها از این دست انتخاب و در یک کتاب به صورت مناسب تدریس شوند. برهان می‌تواند آخرین نکات، ریزه‌کاری‌ها و خروجی‌ها را در این مورد بررسی و مطالعه کند.

۷. توجه به ارتباط‌های عرضی بین درس‌ها. این کار در همه‌جا مغفول واقع شده است. جای چنین کارهایی در مجله خالی است. البته مقاله‌هایی مثل مقاله آقای شرقی به نام «کاربرد هندسه در فیزیک»، یا اثر آقای کریمی در مورد ارتباط شیمی و ریاضی را در مجله داریم، ولی صفحه ثابتی برای این موارد وجود ندارد.

۸. حل یک مسئله با چند روش. این مبحث نیز باید پای ثابت نشریه باشد.

۹. طراحی مسابقه ریاضی برهان. به کمک انجمن‌های

که تجربه دو سه ساله تدریس به او آموخته بود، برای آزاد کردن افکارش از زندان ترافیک‌های روزمره شهری که برای رفتن به محل کارش، ناگزیر از عبور از آن‌ها بود، چاره‌ای بیندیشد. او طراحی نقشه تدریس روزانه و راه‌های جدید و امیدبخش در حل مسائل مرتبط با آن را برای شکستن قالب کلیشه‌ای معلوماتش، تجربه می‌کرد. موضوع آن روز «ماتریس و دترمینان» بود. چنان غرق در اعماق دریای دانسته‌ها شده بود که متوجه تلاطم امواج صدای راننده سرویس نشد:

– خانم! به آخر خط رسیدیم، نمی‌خواهید پیاده شوید؟! انتهای خط، انتهای مسیر نبود. همچنان باید تا رسیدن به مقصد و مقصود، پیش می‌رفت. کمی نگران و افسرده بود. گویی در طی طریق، کوتاهی کرده است. چرا که روزمرگی و شرایط روز قبل، او را از تمرکز بر موضوع تدریسش غافل کرده بود. برخلاف همیشه نتوانسته بود مطالب تکمیلی مناسبی برای مبحث درسی فراهم کند. نه تبلت، نه اینترنت و نه فضا و شبکه‌های مجازی! بهترین منبع تبادل اطلاعات آن زمان، کتاب و مجله بود و بس. آن هم نه هر کتاب و مجله‌ای.

و اینک... به راستی، به کجا می‌رویم؟
«بیداری باد بر چشمان خفته نسلی که با ظهور فناوری، چشمان‌شان را بر اعتبار و قداست کتاب و دیگر منابع معتبر بسته‌اند!»

شتابان به سوی مدرسه روان بود و از مقابل دبیرستان پسرانه‌ای که در مسیرش قرار داشت، می‌گذشت. یکی از شاگردان آن مدرسه، مجله‌ای را که سپر گریز از تازیه‌های باران بر سر کم مویش کرده بود، در کنار خیابان رها کرد و وارد مدرسه‌اش شد. هاله باران، نوشته روی مجله را در خود محو کرده بود. قدرت تشخیص عنوان مجله را نداشت. عجیب بود: اسم مجله نیز «باران» است؟! بی‌اراده آن را برداشت.

ریاضی و خانه‌های ریاضیات می‌توان در مورد مباحث مجله برهان مسابقه برگزار کرد تا اندک‌اندک به یک برند علمی تبدیل شود؛ مانند آزمون‌های کنکور، تافل و...
۱۰. ایجاد کانال‌هایی در تلگرام در مورد مباحث ثابت برهان و استفاده از بازخورد و بازتاب نظریات دانش‌آموزان و همکاران.

۱۱. ثبت نشریه رشد برهان ریاضی به‌عنوان یکی از منابع درس‌های دوره‌های ضمن خدمت دبیران ریاضی.

به‌نام آیتی پور دبیر ریاضی

بی‌نوشت

1. Skills of problem solving

ترنم باران تا تجلی برهان

و آن روز، روز دیگری از دور روزگاران بود. به گمانم، کودک خواب‌آلود یک صبح پاییزی، خود را برای برخاستن از بستر سال ۱۳۸۲ آماده می‌کرد. هزاران صبح دیگر دمید و خواهند دمید، اما آن روز دیگر تکرار نخواهد شد. در آستانه سپیده‌دمان، باران بر چشمان خفته شهر می‌بارید. گویی درصدد بیدار کردن ذهن‌های کوچک رشد نیافتگان بود و یا می‌خواست حقانیت و برهان خود را در فرو نشاندن عطش خاک تشنه دانش که همواره سرشار از بذره‌های نورسیده و در آستانه رشد و شکوفایی است، به اثبات برساند.
معلمی تازه‌کار، هم‌سو با طبیعت، در حال شستن غبار ابهامات از شاخه‌های باغچه ریاضی ذهنش بود. چرا



از برهان راهنمایی تا دبیرستان!



آشنایی من با مجله برهان به هفت سال پیش باز می‌گردد؛ زمانی که من در پایه دوم راهنمایی تحصیل می‌کردم. آن سال درسی به نام «اجتماعی» داشتیم که به آموزش ضوابط و ویژگی‌های جامعه می‌پرداخت. آقای عرفانی، معلم اجتماعی ما، فرد جوان و آگاهی بود که علاوه بر تدریس این درس، مسئولیت مشاوره بچه‌های اول راهنمایی را هم برعهده داشت. دقیقاً یادم نمی‌آید که در کدام درس بودیم، ولی خاطریم هست که بحث پیرامون خدماتی بود که جامعه به مردم ارائه می‌دهد؛ مانند ساختن مسجد، ورزشگاه، پژوهشگاه، کتاب‌خانه و... جملاتی را از معلم در آن جلسه به‌خاطر دارم که مضمون آن‌ها چنین بود: «جامعه از مردم و از انسان‌های مختلفی تشکیل شده است. این انسان‌ها ظاهر، فکر، عقیده و استعداد‌های متفاوتی دارند و هر کدام با توجه به استعدادها و مسئولیت‌هایی که دارند، انجام گوشه‌ای از کار جامعه را برعهده می‌گیرند و خدماتی را ارائه می‌دهند. شما هم از الان باید بتوانید به‌درستی استعداد‌های‌تان را شناسایی کنید تا در عرصه درستی گام بردارید. مثلاً درباره همین انتخاب رشته‌ای که در دبیرستان پیش‌رو دارید، بد نیست از همین الان فکر کنید و تصمیم بگیرید تا انتخاب درستی کرده باشید...»

در ادامه همین بحث بود که آقای عرفانی مجله رشد را به‌عنوان منبعی خوب به ما معرفی کرد و گفت: «می‌توانید علاقه‌های خود را با آن محک بزنید.» هر کسی می‌توانست از بین دو نوع مجله علوم و ریاضی رشد یکی را انتخاب کند تا به هزینه خودش مدرسه آن را در اختیارش قرار دهد. از آن‌جا که من به ریاضی بیشتر از علوم علاقه داشتم،

هنگامی که زیر سقف دفتر مدرسه پناه جست و چشمان شسته شده از بارانش را گشود، نام اصلی مجله برایش نمایان شد: «مجله رشد برهان ریاضی». بی‌اراده شروع به ورق زدن کرد و در عین ناباوری با مقاله‌ای تحت عنوان «روش‌های سریع محاسبه دترمینان» مواجه شد. باورش نمی‌شد، چرا که در پستوی یک مجله تر شده از ترنم باران، تجلی برهانی را می‌یافت که نه تنها رشد خودش، بلکه رشد شاگردانش نیز در گرو مشاهده آن بود. گاهی یک رهگذر نادانسته مأمور می‌شود که پیغام نویدبخش معلم هستی را به رویت بگشاید. هدیه‌ای بر سر راحت قرار می‌دهد که سرشار از ناگفته‌هاست و تو فقط با در آغوش کشیدن آن، به سر درونش پی خواهی برد. من هیچگاه درسی را که آن پسر بچه محصل برایم به ارمغان آورد، فراموش نخواهم کرد.

وقایع زندگی هر قدر هم که تصادفی به نظر بیایند، تصادفی سر راحت قرار نمی‌گیرند. فقط وقتی با آن‌ها مواجه می‌شوی که آماده‌ای و می‌توانی با پشت سر گذاشتن آن‌ها رشد کنی و بهتر از آن چیزی بشوی که قبلاً بودی. من! از آن روز، معلم شده‌ام!

حدود سیزده چهارده سال از آن روز می‌گذرد و من بارها و بارها، از مطالب آموزنده و جالب مجلات رشد و خصوصاً رشد برهان ریاضی، به‌صورت چاپی و اخیراً به شکل الکترونیکی و در فضای مجازی «اینستاگرام»، بهره جست‌هام. اما هرگاه ماجرای آن روز را به‌خاطر می‌آورم، ارزش کتابت و تدوین، و قداست معلمی و تدریس برایم بیشتر و بیشتر آشکار می‌شود.

مریم شاه‌محمدی
دبیر ریاضی

شکوفایی علاقه نهفته به ریاضیات

رشد و شکوفایی توانایی‌های آدمی در گرو دو مطلب است: اول وجود استعداد نهفته در انسان، و دوم بستر مناسب برای بروز و رشد آن.



آشنایی من با «مجله ریاضی یکان» در دوران دانش‌آموزی‌ام در دبیرستان، شاید آن بستر مناسبی بود که در افزایش علاقه من به ریاضی مؤثر شد و همان در سال‌های بعد مرا به سمت دبیر ریاضی شدن سوق داد. متأسفانه آن مجله وزین به تعطیلی کشیده شد و جای خالی آن، همچنان باقی ماند تا به چاپ مجله‌های «آشتی با ریاضیات» و سپس با تغییر نام به «آشنایی با ریاضیات» روبه‌رو شدیم. ولی در آن‌ها نیز که به قلم شیوای استاد فقید، **پرویز شهریاری** به تحریر درمی‌آمد، جایگاه مخاطب خیلی مشخص نبود. هم معلمان و هم دانش‌آموزان مورد خطاب قرار می‌گرفتند.

در سال ۱۳۶۳ مجله «رشد آموزش ریاضی» به چاپ رسید که خوش‌بختانه انتشار آن همچنان ادامه دارد. با اینکه در آن مجله مخاطب اصلی معلمان بودند، ولی مطالبی برای استفاده دانش‌آموزان نیز در آن پیدا می‌شد که البته بعد از تقریباً ۱۰ سال، مقاله‌ها و مسائلی که به درد دانش‌آموزان می‌خورد، از هر شماره به شماره بعد، کم‌رنگ‌تر شدند و اکنون مطالب آن برای مخاطب اصلی مجله که معلمان هستند، تهیه می‌شود.

در زمستان ۱۳۷۰ «مجله ریاضی برهان» که مخاطب اصلی آن دانش‌آموزان بودند، به‌صورت فصل‌نامه و با قیمت ۳۰۰ ریال منتشر شد. از دیدن مجله برهان خیلی خوشحال شدم و در آن دوران که دبیر ریاضی بودم، آن را به دانش‌آموزان معرفی کردم. چند روز بعد پرسیدم که

مجله ریاضی رشد برهان را انتخاب کردم. در اواسط آذر بود که مدرسه این مجله را به من داد. تا قبل از آن جز کتاب ریاضی مدرسه و یک کتاب کار که به پیشنهاد معلم ریاضی تهیه کرده بودیم، هیچ چیز دیگری در زمینه ریاضیات مطالعه نکرده بودم.

به همین خاطر، این مجله برایم تازگی و جذابیت خاصی داشت.

یادم می‌آید در آن مقاله‌ای پیرامون «غربال اراتستن» بود و همچنین مقاله‌ای به نام «تا چند بلدی بشماری» که به معرفی اصطلاحات و لغات بزرگتر از میلیارد پرداخته بود. هر چند که من با توجه به شوق زیادی که داشتم تقریباً تمام آن مجله را خواندم، اما چون در آن دوران تنها مطلبی که با آن به‌عنوان ریاضی سروکار داشتیم حل مسئله بود، مقاله‌ای با نام «سوالات ریاضی استرالیا» به سرعت نظرم را جلب کرد. نویسنده مقاله خانم **چمن آرا** بود.

من که واقعاً از خواندن مجله ذوق زده شده بودم، شماره مربوط به زمستان آن را تهیه کردم. جالب بود که در آن هم ادامه مقاله «سوالات استرالیا» آمده بود. بنابراین بار دیگر به این امید که اتفاق قبلی تکرار می‌شود، شروع به حل سوالات کردم.

تقریباً از آن دوران به بعد خواننده پی‌گیر برهان شدم و آرشو چهار سال این مجله را به‌طور کامل دارم. به واسطه مطالعه این مجله با بحث‌های زیادی آشنا شدم.

محمد طبیعی

دانشجوی رشته برق دانشگاه صنعتی شریف

مجله را تهیه کرده‌اند یا نه. به جز یک نفر، کسی مجله را نخریده بود. هفته بعد امتحان درسی ریاضیات جدید سال سوم را داشتیم. ده نمره این امتحان را به سؤالات مجله برهان اختصاص دادم و نمره بچه‌ها خیلی پایین شد. به آن‌ها گفتم که نیمی از سؤالات امتحانی از مجله برهان بود، ولی عیبی ندارد من هفته دیگر دوباره امتحان می‌گیرم. بچه‌ها همگی مجله را تهیه کردند و در امتحان بعدی به جز دو سؤال که از مجله برهان بود، بقیه سؤالات را از کتاب درسی دادم. نتیجه امتحان خوب بود و همگی راضی بودیم.

به قول آقای لالی که در آن دوران مسئولیت مجله رشد آموزش ریاضی را به‌عهده داشت: اگر هر فرد که مجله را می‌خرد، حتی فقط یک مقاله از آن را بخواند، برای‌مان جای خوشحالی دارد. من نیز خوشحال بودم که اگر هر دانش‌آموز فقط چند صفحه از مجله برهان را خوانده باشد، آن بستر لازم فراهم می‌شود تا اگر در وجودش توانایی و علاقه به ریاضیات نهفته است، شکوفایی آن را شاهد باشیم.

حسین کریمی

عضو هیئت تحریریه مجله

برهان و گفتمان ریاضی

خوارزمی، خیام، کاشانی،

میرزاخانسی و... همگی ریاضی‌دانان سرزمین ما ایران هستند که همه ما به‌وجود آن‌ها افتخار می‌کنیم و از بودن با آن‌ها در یک خانواده شاد هستیم.

اما افسوس که گروهی از اعضای این خانواده به عربی



می‌نوشتند و گروهی دیگر به انگلیسی می‌نویسند. علت این امر هر چه باشد، نتیجه آن وضعیت حال حاضر ماست که کتاب بزرگ «جبر و مقابله» خوارزمی، بعد از ۱۲۰۰ سال، در سال‌های بعد از انقلاب به فارسی ترجمه شد و سایر کتاب‌ها هم وضع بهتری ندارند. یا ترجمه نشده‌اند و یا وضع چاپ و نشر خوبی ندارند. خلاصه اینکه این کتاب‌ها ارتباط خود را با سایر اعضای خانواده ریاضی فارسی‌زبان از دست داده‌اند. چرا که به زبان آن‌ها نبوده‌اند و گفتمان ریاضی فارسی انجام نشده است. اعضای جدید خانواده، یعنی ریاضی‌دانان فعلی هم که به زبان انگلیسی می‌نویسند، مسائلی را حل می‌کنند که جنبه جهانی دارند. هر چند که کار بسیار خوبی است، ولی به سختی می‌توان گفت که مشکلی از جامعه ما را حل کرده‌اند و باز هم در گفتمان ریاضی فارسی شرکت نکرده‌اند.

در این بین معلمان ریاضی، دانش‌آموزان، ریاضی‌نویس‌ها و مردم می‌مانند و هزاران مشکل ریاضی. به هر شکل، زبان فارسی در زمینه ریاضی ضرر کرده است، چرا که در این زبان گفتمان ریاضی کم‌صورت گرفته و خانواده‌ای تشکیل نشده است.

شرط لازم برای تشکیل خانواده

با این مقدمه اهمیت وجود مجله‌های ریاضی فارسی‌زبان نمایان می‌شود؛ مجله‌هایی مانند «یکان»، «رشد برهان ریاضی» و «رشد آموزش ریاضی». رسیدن به شماره ۱۰۰ برهان خود نشانی از رشد گفتمان ریاضی فارسی نیز دارد و مجله برهان گام‌های مؤثری را در جهت از بین بردن مشکل تاریخی ذکر شده برداشته است. جالب است که بین نویسندگان برهان، دانش‌آموز، دبیر، استاد دانشگاه، آن هم از همه شهرها وجود دارند و با هم گفت‌وگو می‌کنند. بنابراین همه معلمان ریاضی و دانش‌آموزان و استادان

به این گفتمان برهان دعوت هستند. به‌ویژه از زمانی که این مجله به ماهنامه تبدیل شده، دایره هم‌کاری وسیع‌تر و خانواده پرجمعیت‌تر شده است.

همه دعوت‌اند، کسی نور چشمی نیست

چندی پیش زنگ تفریح در دفتر دبیرستان نشسته بودیم. مجله برهان هم روی میز بود که یکی از مقاله‌های نگارنده در آن چاپ شده بود. یکی از همکاران، مقاله مرا به بقیه نشان داد و یکی دیگر از همکاران گفت: «حتماً تشابه اسمی است و گرنه...»

به‌عبارت دیگر، بسیاری از دوستان فکر می‌کنند که تنها افراد خاصی از شهر خاصی به‌ویژه پایتخت مقاله می‌نویسند و بقیه فقط می‌خوانند. در حالی که چنین نیست. شاید تا چند سال پیش امکان چاپ مقاله فقط برای برخی افراد فراهم بود، ولی در حال حاضر زمینه و فضا بسیار مناسب است و همه می‌توانند در این گفتمان شرکت کنند و چاپ کردن مقاله را تجربه کنند. این خود می‌تواند تجربه‌ای باشد تا مقاله‌هایی در سطح علمی - ترویجی و علمی - پژوهشی بنویسند.

ساختار مقاله‌های مجله و مشکلاتی که به آن‌ها پرداخته می‌شود، به‌صورتی است که باید به سرعت چاپ شوند و به اطلاع بقیه اعضای خانواده برسند که خوشبختانه این مهم در حال انجام است. همچنین، اعضای هیئت تحریریه و سردبیر هم، انعطاف و تحمل بالایی دارند و حتی مقاله‌هایی را که نقدهای تند دارند هم چاپ می‌کنند؛ بدون این که بترسند سمت خود را از دست بدهند.

یک دورهمی ساده

نگارنده به‌عنوان یک عضو خانواده برهان بسیار علاقه‌مند هستم که با سایر اعضای این خانواده از نزدیک آشنا شوم.

به احتمال زیاد سایر اعضا هم چنین حسی دارند. بنابراین بد نیست همانند یک خانواده واقعی، نویسندگان مجله هر چند سال یکبار در جایی دورهم جمع شوند و کمک کنند تا گفتمان بهتری صورت بگیرد. این مکان می‌تواند مکان کنفرانس‌های ریاضی باشد یا در یکی از استان‌ها در خانه‌های ریاضی یا در مکان‌های فرهنگی اداره کل آموزش و پرورش استان‌ها.

اما به‌نظر می‌رسد، اگر تاریخ دریافت هر مقاله بالای صفحه اول آن درج شود، اتفاق خوبی خواهد بود.

قاسم حسین قنبری دبیر ریاضی

نگاه به آینده

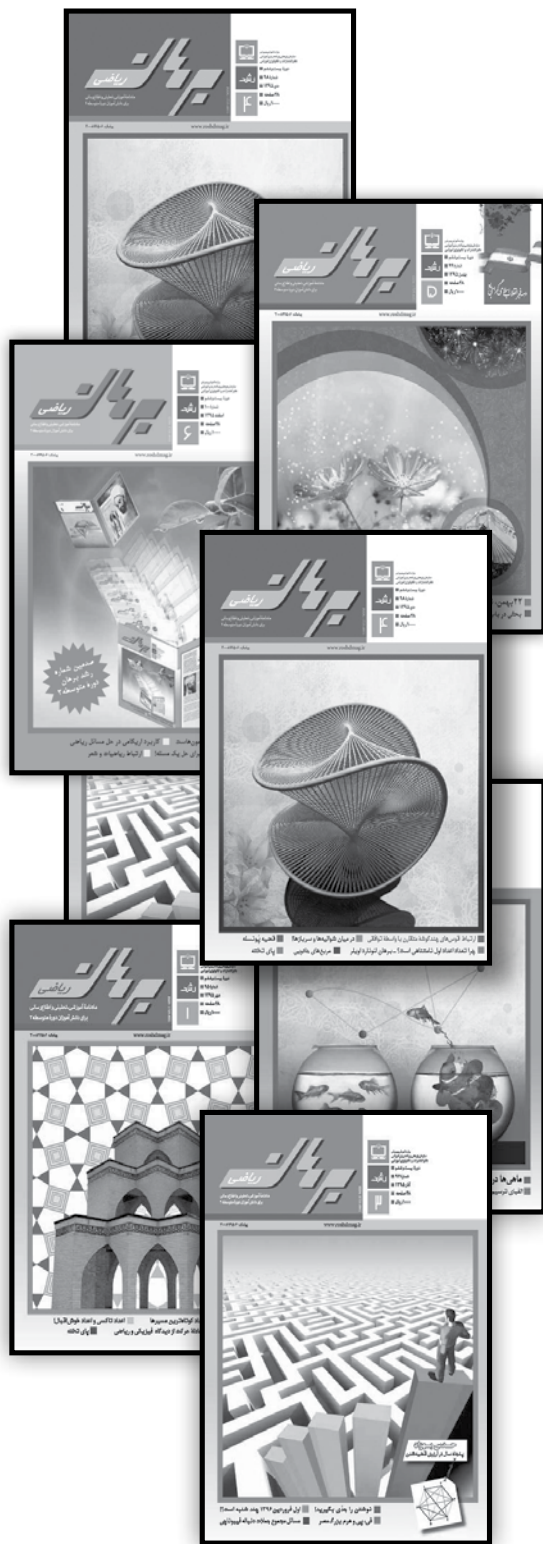
معلم، مدرسان، استادان، مؤلفان، مترجمان، دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان گرامی عرصه ریاضی، چاپ و انتشار صدمین شماره از مجله رشد برهان ریاضی متوسطه ۲ را به تمامی شما تبریک و شادباش عرض می‌کنم و امیدوارم که روزی ریاضی پیشگان ایران زمین شاهد برگزاری جشن و نکوداشت ۱۰۰ سالگی مجله ریاضی برهان متوسطه ۲ باشند. ارتباط و همکاری من با مجله برهان به سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰ باز می‌گردد. از آن سال‌ها که به‌عنوان یک نویسنده آزاد در مجله قلم می‌زدم، تاکنون که به‌عنوان عضو هیئت تحریریه در مجله ریاضی برهان فعالیت می‌کنم، بنابر خط‌مشی‌های مجله در موضوعاتی مانند حساب دیفرانسیل و انتگرال، ریاضیات گسسته، معرفی



وبگاه‌های ریاضی جهان، معرفی کتاب، معرفی و بررسی مجلات ریاضی جهان، و ریاضیات در سینمای جهان قلم زده‌ام. اما به نظر خودم بهترین مطالب مجموعه مقالات ریاضیات در سینمای جهان بوده است. زیرا ریاضی‌آموزان ریاضی‌پیشگان را با رویکردی دیگر از ریاضیات آشنا ساخت و به‌عنوان سستونی دربارهٔ ریاضیات که در هیچ مجله‌ای در ریاضیات جهان به آن پرداخته نشده است، کاری جدید و قابل ملاحظه بود. امیدوارم که در آینده بسیار نزدیک هم بتوانم در موضوعاتی جدید و پویا برای ریاضی‌آموزان در مجلهٔ رشد برهان ریاضی متوسطهٔ ۲ قلم برانم.

در ضمن حدود یک سال است که ایدهٔ منطقه‌ای شدن مجلهٔ رشد برهان ریاضی متوسطهٔ ۲، توجه مرا به خود معطوف کرده است. زیرا می‌توان از ظرفیت و جایگاه ارزندهٔ زبان و ادبیات فارسی در کشورهای فارسی‌زبان منطقه، مانند تاجیکستان و افغانستان، برای فرامرزی شدن مجله بهره گرفت و دامنهٔ حضور مجلهٔ برهان را وسعت بخشید. بنابراین امیدوارم مسئولان و دست‌اندرکاران این مجله با اتخاذ اقدامات مورد نیاز، بستری را برای اجرایی شدن این موضوع فراهم سازند. البته برای تحقق این مهم لازم است، بین دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، وزارت امور خارجه، و فرهنگستان زبان و ادب فارسی، هماهنگی‌های لازم و کافی به‌عمل آید.

احسان یارمحمدی
عضو هیئت تحریریه



تولیدات ۹۵

* ویژه‌نامه پایه دهم

این ویژه‌نامه مستندی است از تغییرات و تحولات ایجاد شده در برنامه درسی پایه دهم و شامل چهار بخش کلیات، معرفی برنامه‌ها و دروس جدید، علم و هنر یاددهی - یادگیری (پداگوژی) و



برنامه ویژه مدرسه می‌باشد.

* ویژه‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش

به منظور آشنایی بیشتر هنرآموزان از فعالیتهای انجام گرفته و تغییرات مربوط به برنامه‌های درسی در نظام جدید دوره متوسطه دوم، ویژه‌نامه



رشد آموزش فنی و حرفه‌ای تدوین شد تا هم‌زمان با برگزاری دوره‌های توجیهی و آموزشی ویژه هنرآموزان به عنوان یک جزء از بسته آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. محتوای این ویژه‌نامه در سه بخش تدوین شده است:

بخش اول: نظام‌ها و سیاست‌های آموزش فنی و حرفه‌ای
بخش دوم: برنامه‌های درسی آموزش فنی و حرفه‌ای دوره دوم متوسطه
بخش سوم: بسته‌های آموزشی و اجرا

* ویژه‌نامه نهمین دوره جشنواره عکس رشد

جشنواره عکس رشد با هدف ایجاد و تقویت ارتباط عکاسان با مجلات رشد و جلب نظر آن‌ها به مسائل آموزش و پرورش، شناسایی عکاسان و حمایت از آن‌ها، ارتقای سطح عکاسی در بین فرهنگیان و دانش‌آموزان و بازبینی کاستی‌ها و نقاط قوت آموزش و پرورش برگزار می‌شود. این جشنواره به دلیل حضور طیف وسیعی از عکاسان، از اعتبار خاصی در حوزه عکس در آموزش در ایران برخوردار است.



* ویژه‌نامه سیزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد

فصل‌نامه تخصصی سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی و تربیتی برای ناشران، پدیدآورندگان، معلمان، مدیران مدارس و اولیا و کارشناسان آموزشی و پرورشی



می‌باشد.

* نرم‌افزار ویژه صدمین شماره رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی

این نرم‌افزار شامل بانک اطلاعات مقالات مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی از شماره یک تا صد می‌باشد.

قالب‌های متنوع داستانی، مستند و پویانمایی، بیش از پیش مورد توجه نظام تعلیم و تربیت قرار گرفته است و در همین راستا انتشار کتابچه ویژه‌نامه جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، فرصتی است مغتنم برای شناسایی ظرفیت‌های بالقوه و به ظهور رساندن توانمندی‌های ملی و بین‌المللی در این زمینه.

* بنیاد ICDL مهارت‌های آنلاین (Online Essentials)

این کتاب از سری کتاب‌های آموزش استاندارد بین‌المللی برنامه درسی ICDL نسخه ۱ می‌باشد که بر اساس سرفصل‌های استاندارد بنیاد جهانی ECDL/ICDL و مطابق با شرایط نرم‌افزار آزمون و صدور گواهینامه بین‌المللی توسط بنیاد ICDL جمهوری اسلامی ایران انتشار یافته است.



رایانه پیش‌دبستان
کتاب حاضر بر اساس سرفصل‌های آموزشی استاندارد بنیاد ICDL ایران و برای کودکان مقطع پیش‌دبستان تألیف گردیده است که اطلاعات مفید و آموزنده‌ای را برای شناخت رایانه و چگونگی کار با آن در اختیارشان قرار می‌دهد.



* فهرستگان رشد

طی ۱۶ سال گذشته، یکی از اهداف دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، امکان انتشار کتاب‌نامه رشد به تعداد آموزشگاه‌های کشور و ارسال یک نسخه رایگان برای تک‌تک آن‌ها بود که تا به امروز محقق نشده بود. اکنون این خواسته با انتشار منتخبی از منابع آموزشی و تربیتی مناسب میسر شده و این فهرستگان در اختیار همه مدارس کشور قرار گرفته است. انتظار می‌رود با این فهرست منتخب، یافتن منابع آموزشی مورد نیاز خصوصاً برای معلمان آسان‌تر از پیش باشد و پیامدهای مثبت آن در آینده آشکار شود. اتفاق خوب دیگری که در فهرستگان افتاد این بود که برای نخستین بار منابع آموزشی مکتوب و غیرمکتوب در یک جا و در کنار هم به مدارس معرفی شدند. با این اتفاق، همکاران فرهنگی ما فقط با استفاده از مآخذ واحد می‌توانند به رفع نیازهای مختلف خود در حوزه منابع آموزشی و تربیتی مبادرت ورزند.



* ویژه‌نامه چهل و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

در سال‌های اخیر و با تقویت رویکرد بسته آموزشی به منظور تحقق اهداف کلان برنامه درسی ملی، نقش رسانه‌های آموزشی به ویژه فیلم و آثار نمایشی در



آشنایی با تولیدات فیلم‌های آموزشی

طبق اسناد بالادستی حضور فیلم‌های آموزشی به عنوان بخشی از بسته آموزشی شرایط دست یافتن به جایگاه واقعی فیلم آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری را مهیا کرده است. با مصوب شدن برنامه درسی در پایه‌های تحصیلی مختلف، در سال اول فیلم‌های آموزشی معلمان با عنوان «بسته آموزشی بر فراز آسمان» تولید شد. پس از تثبیت برنامه درسی در سال‌های بعد فیلم‌های آموزشی دانش‌آموزی در دستور تولید قرار گرفت. آنچه در ادامه می‌آید بخشی از تولیدات آموزشی تولید شده در سال ۱۳۹۵ می‌باشد که برای اولین بار علاوه بر تولید برای دانش‌آموزان و معلمان، فیلم آموزشی مخصوص والدین نیز تولید شده است.

○ عنوان فیلم: تربیت بدنی و سلامت

مخاطب: دانش‌آموزان کلاس سوم ابتدایی

زمان فیلم: ۲۰ دقیقه (۲ فیلم)

نوع فیلم: کمک آموزشی

زمان اجرا: ۲ ماه

ساختار: مستند (۲ فیلم مستند ۱۰ دقیقه‌ای)

* موضوع فیلم اول: موضوعات شناختی

هدف از تهیه فیلم: دانش‌آموزان را با موضوعات مربوط به سلامت و تندرستی آشنا می‌کند.

* موضوع فیلم دوم: آموزش شنا

هدف از تهیه فیلم: علاقه‌مند کردن و زمینه‌سازی برای توسعه رشته ورزشی شنا.

○ عنوان فیلم: تربیت بدنی و سلامت

مخاطب: دانش‌آموزان پایه هفتم

زمان فیلم: ۴۵ دقیقه (۳ فیلم)

نوع فیلم: کمک آموزشی

زمان اجرا: ۳ ماه

ساختار: مستند (۳ فیلم مستند ۱۵ دقیقه‌ای)

* موضوع فیلم اول: آموزش بسکتبال

هدف از تهیه فیلم: علاقه‌مندی به فعالیت‌های بدنی و ورزشی و آشنایی با رشته بسکتبال؛ توجه به ارتقای سلامت و بهداشت ورزشی خود و دیگران؛ ایجاد فرصت‌های کسب تجربه شکست و پیروزی در بازی و ورزش دانش‌آموزان برای رویارویی با زندگی واقعی در اجتماع.

* موضوع فیلم دوم: پیاده‌روی در کوهستان

هدف از تهیه فیلم: آشنایی با فعالیت‌های ورزشی متناسب با محیط طبیعی.

* موضوع فیلم سوم: معرفی ورزش زورخانه

هدف از تهیه فیلم: آشنایی با ورزش‌های سنتی

○ عنوان فیلم: مطالعات اجتماعی

مخاطب: دانش‌آموزان پایه پنجم

زمان فیلم: ۱۰۵ دقیقه (۸ فیلم)

نوع فیلم: کمک آموزشی

زمان اجرا: ۴ ماه

ساختار: مستند موشن گرافیک یا کات‌آوت و آرشیوی (شامل ۲ موشن گرافیک یا کات‌آوت ۵ دقیقه‌ای، ۳ فیلم

حد امکان با رویکرد اکتشافی تولید شوند. فیلم‌های مستند علمی نمونه‌های مناسبی برای درک رویکرد این فیلم‌ها هستند. برخی از فیلم‌ها می‌توانند به سبک آموزش معکوس تولید شوند.

○ عنوان فیلم: ریاضی

مخاطب: دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی
زمان فیلم: ۱۱۵ دقیقه (شامل ۸ فیلم از عنوان‌های کتاب ریاضی سوم ابتدایی)
نوع فیلم: آموزشی
زمان اجرا: ۳ ماه

ساختار: فیلم، انیمیشن، موشن گرافیک
هدف از تهیه فیلم: هدف این فیلم فراهم آوردن مجموعه‌ای است که دانش‌آموزان با تماشای آن ضمن علاقه‌مند شدن به درس ریاضی، به اهداف محتوایی کتاب درسی ریاضی پایه سوم ابتدایی نیز دست یابند؛ ضعف‌های موجود در یادگیری خود نسبت به مفاهیم این کتاب را برطرف کنند و درک خود را از مفاهیم ریاضی ارتقا دهند. معلمان این پایه نیز می‌توانند از این فیلم در جریان فرایند یاددهی - یادگیری استفاده کنند.

○ عنوان فیلم: ریاضی

مخاطب: دانش‌آموزان پایه هشتم
زمان فیلم: ۱۳۵ دقیقه (شامل ۹ فیلم از عنوان‌های کتاب ریاضی هشتم)
نوع فیلم: آموزشی

مستند ۱۵ دقیقه‌ای و ۳ فیلم آرشیوی ۱۵ دقیقه‌ای)

○ عنوان فیلم: مطالعات اجتماعی

مخاطب: دانش‌آموزان پایه هشتم
زمان فیلم: ۱۳۰ دقیقه (۱۱ فیلم)
نوع فیلم: کمک آموزشی
زمان اجرا: ۴ ماه
ساختار: مستند موشن گرافیک یا کات‌آوت و آرشیوی (شامل ۴ فیلم موشن گرافیک یا کات‌آوت ۵ دقیقه‌ای، ۳ فیلم مستند ۱۵ دقیقه‌ای و ۴ فیلم آرشیوی ۱۵ دقیقه‌ای)

○ عنوان فیلم: علوم

مخاطب: دانش‌آموزان پایه هفتم
زمان فیلم: ۱۳۵ دقیقه (۳۰ فیلم)
نوع فیلم: کمک آموزشی
زمان اجرا: ۳ ماه
ساختار: مستند (شامل ۳۰ فیلم مستند ۴ تا ۵ دقیقه‌ای از ۴ عنوان منتخب کتاب علوم)
هدف تهیه فیلم: کتاب علوم به دنبال تربیت افرادی است که سواد علمی داشته باشند. یعنی این توانایی را داشته باشند که از دانش خود برای زندگی و برای حل مسائل پیش آمده استفاده کنند. از این رو در این فیلم باید محتواهایی گنجانده شود که ارتباط علوم با زندگی را به خوبی نمایش دهد، روش علمی را تبیین کند، نقش دانش را آشکار سازد و ارتباط علم با جامعه، محیط زیست و فناوری را نیز به خوبی به نمایش بگذارد. فیلم‌ها نباید یک‌سویه باشند بلکه باید تا

زمان اجرا: ۳ ماه

ساختار: فیلم، انیمیشن، موشن گرافیک

○ عنوان فیلم: سبک زندگی

مخاطب: دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی

زمان فیلم: ۱۰ دقیقه (۲ فیلم ۵ دقیقه‌ای)

نوع فیلم: کمک آموزشی

زمان اجرا: ۲ ماه

ساختار: موشن گرافیک و کات‌آوت

* موضوع فیلم اول: مهارت‌های ایمنی در خانه و مسیر رفت و آمد از خانه به مدرسه

هدف تهیه فیلم: هدف این فیلم، رشد توان و قابلیت کودکان در حفظ سلامت خود به هنگام رفتن و بازگشتن از مدرسه است.

* موضوع فیلم دوم: مقایسه دانش‌آموز بی‌نظم با دانش‌آموز منظم

هدف تهیه فیلم: هدف این فیلم مقایسه دانش‌آموز بی‌نظم با دانش‌آموز منظم و تأثیر بی‌نظمی در عدم موفقیت تحصیلی و ایجاد مشکلات روحی در فرد و داشتن نظم در زندگی و تأثیرات آن در موفقیت تحصیلی و آرامش روانی است.

○ عنوان فیلم: سبک زندگی

مخاطب: دانش‌آموزان دوره اول متوسطه

زمان فیلم: ۳۰ دقیقه (۲ فیلم ۱۵ دقیقه‌ای)

نوع فیلم: کمک آموزشی

زمان اجرا: ۳ ماه

ساختار: مستند

* موضوع فیلم اول: مهارت برخورد عاقلانه با پدیده بلوغ در دختران.

* موضوع فیلم دوم: مهارت برخورد عاقلانه با پدیده بلوغ در پسران

○ عنوان فیلم: معرفی مشاغل ۱

مخاطب: دانش‌آموزان دوره اول متوسطه

زمان فیلم: ۱۴۰ دقیقه (۴۵ فیلم)

نوع فیلم: کمک آموزشی

زمان اجرا: ۴ ماه

ساختار: مستند و موشن گرافیک (۴۴ فیلم مستند ۳ دقیقه‌ای مربوط به مشاغل، ۱ فیلم موشن گرافیک ۸ دقیقه‌ای مربوط به معرفی چارت حرفه‌ها و مشاغل و ارتباط آن‌ها با رشته‌های تحصیلی و بالعکس)

هدف تهیه فیلم: معرفی حرفه‌ها و مشاغل به دانش‌آموزان دوره‌های مختلف؛ معرفی گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی - حرفه‌ای دوره دوم متوسطه و دانشگاهی جهت هدایت تحصیلی - حرفه‌ای

○ عنوان فیلم: هدیه‌های آسمان

مخاطب: دانش‌آموزان پایه سوم

زمان فیلم: ۸۰ دقیقه (۱۳ فیلم)

نوع فیلم: کمک آموزشی

زمان اجرا: ۳ ماه

ویژگی‌های زادبوم، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اهمیت اقتدار نیروی دریایی با زبان متناسب با گروه مخاطب ارائه می‌گردد.

زمان فیلم: ۵۰ دقیقه

مخاطب: دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه

نویسنده و پژوهشگر: وحید گلستان

کارگردان: مجتبی‌عباسی

○ فیلم آموزشی «اولیاء کلاس اولی»

ورود به مدرسه فصلی نو، پراهمیت و جهانی از سؤال است نه فقط برای کودکان، بلکه برای پدر و مادرهایشان. تغییرات و به روز شدن شیوه‌های آموزش و ارزشیابی نیز به اهمیت این مسئله می‌افزاید که در این فیلم برای اولین بار پدران و مادران مدنظر قرار می‌گیرند و با حضور برجسته‌ترین کارشناسان در حوزه‌های روان‌شناختی، تربیتی و آموزشی، اجتماعی و ... موضوع تبیین می‌گردد.

زمان فیلم: ۴۰ دقیقه

مخاطب: اولیاء اول ابتدایی

نویسنده و کارگردان: وحید گلستان

ساختار: موشن‌گرافیک و کات‌آوت با فضایی کودکانه، داستانی و کلیپ (۱۳ فیلم شامل ۳ فیلم داستانی ۱۰ دقیقه‌ای، ۳ کلیپ ۵ دقیقه‌ای و ۸ فیلم موشن‌گرافیک یا کات‌آوت ۵ دقیقه‌ای بر اساس ۲۰ درس کتاب)

○ عنوان فیلم: هدیه‌های آسمان

مخاطب: دانش‌آموزان پایه چهارم

زمان فیلم: ۱۰۰ دقیقه (۱۲ فیلم)

نوع فیلم: کمک آموزشی

زمان اجرا: ۳ ماه

ساختار: موشن‌گرافیک و کات‌آوت با فضایی کودکانه، داستانی و کلیپ (۱۲ فیلم شامل ۵ فیلم داستانی ۱۰ دقیقه‌ای، ۳ فیلم مستند ۱۰ دقیقه‌ای و ۴ فیلم موشن‌گرافیک یا کات‌آوت ۵ دقیقه‌ای بر اساس ۱۹ درس کتاب)

نکات کلی در مورد فیلم‌ها:

۱. محوریت اهداف درس در نظر گرفته شود.
۲. موضوع فیلم به تثبیت، تعمیق، توسعه و تعمیم مفاهیم آموزشی بپردازد.
۳. جذاب و اثرگذار باشد.
۴. امکان نقد و بررسی عملکرد شخصیت‌های فیلم برای دانش‌آموزان فراهم شود.

○ فیلم آموزشی نان و رستم (معرفی مکران)

سفرنامه رستم، سفری از غرب به شرق کرانه مکران با چند فارغ‌التحصیل هنرستان دریایی جاسک می‌باشد. در این فیلم در چهار فصل به هم پیوسته (آب، باد، خاک و آتش)

فروردین

انتشار هفتمین شماره مجلات عمومی
رشد سال تحصیلی ۹۵-۹۴ با شمارگان
۴/۶۱۷/۵۰۰ نسخه و انتشار فصلنامه‌های
بهار ۹۵ در ۱۱۲/۷۰۰ نسخه.



برگزاری هجدهمین نشست سالانه دفتر در
مجتمع رشد، شهر تنکابن.

اردیبهشت

انتشار هشتمین شماره مجلات عمومی
رشد سال تحصیلی ۹۵-۹۴ با شمارگان
۴/۴۷۱/۵۰۰ نسخه.



برگزاری نشست «تربیت جنسی از نگاهی دیگر».

حضور مجلات رشد در بیست و نهمین دوره نمایشگاه
کتاب تهران.

برگزاری نشست «حجاب در مجلات رشد».

برگزاری نشست «تربیت جنسی پیش از بلوغ».

برگزاری نشست «بازخوانی تجربه‌های مجلات رشد در
فضای مجازی».

انتشار نهمین شماره مجلات رشد کودک، رشد نوآموز و رشد دانش آموز سال تحصیلی ۹۵-۹۴ با شمارگان ۲/۸۸۵/۰۰۰ نسخه.



تبر

۱ برگزاری مراسم «نکوداشت انتشار صدمین شماره رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی».



۲۱ برگزاری جلسه «نقد و بررسی رشد آموزش برهان ریاضی متوسطه ۲».

۲۳ برگزاری برگزاری نشست «بایدها و نبایدهای مراقبت‌های جنسی».

۲۹ برگزاری سومین جلسه شورای سیاست‌گذاری سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی رشد.

۳۵ سفر گروهی از سردبیران مجلات رشد به استان مازندران (قائم‌شهر).

۳ برگزاری نشست «نقد و بررسی مجله رشد آموزش ابتدایی».

۵ برگزاری نشست «هویت جنسی و مجلات رشد».

۱۵ برگزاری نشست «هدایت تحصیلی و مجلات رشد».

۲۶ برگزاری نشست «تربیت جنسی از نگاه استاد شهید مرتضی مطهری».

مرداد

۲۶ برگزاری پنجمین جلسه شورای سیاست‌گذاری سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی رشد.

شهریور

۲ برگزاری مراسم «اختتامیه هفتمین جشنواره ملی تولید محتوای الکترونیکی رشد».

۳ برگزاری نشست «ناشران آموزشی با رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی».

۹ برگزاری مراسم «رونمایی از کتاب در تمنای یادگیری».

۱۰ برگزاری شانزدهمین گردهمایی «نمایندگان رشد استان‌ها».

۱۶ برگزاری شانزدهمین گردهمایی «نمایندگان رشد مناطق تهران و شهرستان‌های استان تهران».

مهر

۱ انتشار شماره ۱ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۵-۹۶ با شمارگان ۴/۱۷۱/۰۰۰ نسخه و انتشار فصل‌نامه‌های پاییز ۹۵ در ۱۰۷/۵۰۰ نسخه.



۷ سفر گروهی از مدیران و سردبیران به استان خراسان رضوی (مشهد).

۱۰ برگزاری مراسم «اختتامیه نهمین جشنواره عکس رشد».

۱۲ برگزاری نشست «آسیب‌شناسی محتوایی مجلات رشد».

۱۹ برگزاری نشست «ایده‌یابی از قرآن و نهج‌البلاغه و صحیفه سجاده».

۲۵ سفر گروهی از مدیران و سردبیران مجلات رشد به استان چهارمحال و بختیاری (شهرکرد).

آبان

انتشار شماره ۲ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی
۹۵-۹۶ با شمارگان ۴/۴۳۶/۰۰۰ نسخه.



۱۴ برگزاری مراسم افتتاحیه چهل و ششمین «جشنواره
فیلم رشد».

حضور مجلات رشد در بیست و دومین نمایشگاه
مطبوعات تهران.

۱۵ برگزاری مراسم اختتامیه چهل و ششمین «جشنواره
فیلم رشد».

آذر

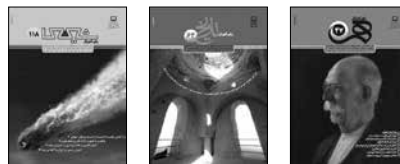
انتشار شماره ۳ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی
۹۵-۹۶ با شمارگان ۴/۵۳۷/۰۰۰ نسخه.



۲۹ برگزاری مراسم اختتامیه سیزدهمین «جشنواره کتاب
رشد».

دی

انتشار شماره ۴ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی
۹۵-۹۶ با شمارگان ۴/۵۱۴/۰۰۰ نسخه و انتشار
فصلنامه‌های زمستان ۹۵ در ۱۰۲/۲۰۰ نسخه.



اسفند

انتشار شماره ۶ مجلات عمومی رشد سال
تحصیلی ۹۶-۹۵ با شمارگان ۴/۵۰۴/۵۰۰
نسخه.



نشست «هم‌اندیشی مدیران و سردبیران مجلات رشد
با نمایندگان مجلات رشد استان‌های یزد و بوشهر».

۴

بهمن

انتشار شماره ۵ مجلات عمومی رشد سال
تحصیلی ۹۶-۹۵ با شمارگان ۴/۵۰۷/۰۰۰
نسخه.



گفت‌وگوی کارشناسان حوزه کتاب دفتر با
ناشران و نویسندگان کودک و نوجوان قم.

۱۷

برگزاری جلسه شورای سیاست‌گذاری فیلم رشد.

۲۵

Year Book ^{Rosh d} 11

تحول آموزش و پرورش، یک کار بنیانی است.
مقام معظم رهبری

«سالنامه رشد» نشریه‌ای پژوهشی، تحلیلی و آموزشی است که می‌کوشد، ضمن تبیین اهداف و جایگاه رسانه‌های آموزشی در حوزه تعلیم و تربیت، چشم‌انداز آینده دنیای ارتباطات و رسانه‌ها را ترسیم و علایق، نیازها و نگرش‌های آینده‌سازان کشور را به تصویر بکشد.

این نشریه، همچنین با ارائه دستاوردها و یافته‌های پژوهشی در زمینه نقد و ارزیابی مجلات رشد، تلاش می‌کند به ارائه الگوها و سرمشق‌های نو در حوزه رسانه‌های آموزشی بپردازد.

